018

نمرو

١٠٠

خاصیت کرویس وهمویزه

Livre de Mahomed
traduit en
persan

سُورَةُ الفَاتِحَةِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ سَبْعُ آيَاتٍ
بالاتفاق

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشنده و مهربان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝ مَالِكِ يَوْمِ مَلِكِ
ستایش مر خدای را که آفریدگار عالمیان است بخشنده و آمرزنده بادشاه روز

الدِّينِ ۝ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ۝ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ
جزا ترا می پرستیم و از تو یاری میخواهیم بنما ما راه

الْمُسْتَقِيمَ ۝ صِرَاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ۝ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ
راست راه کسانیکه انعام کردی برایشان نه راه کسانیکه غضب واقع شد

عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ۝
برای ن و نه راه جماعه گمراه

سورة البقرة مدينة وهي مائتان وسبع وثمانون اية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

الم ○ ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين ○

این قرآنست نیست شکی درو راه نماینده مر پرهیزکارانرا

الذين يؤمنون بالغيب ويقيمون الصلوة ومما رزقناهم

کسانی اندکه میگروند آنچه از ایشان غایبست و بپای میدارند نمازها واز آنچه روزی دادیم ایشانرا

ينفقون ○ والذين يؤمنون بما انزل اليك وما انزل

نفقه میکنند و پرهیزکاران آنانند که تصدیق میکنند بچیزی که نازل گردانیده شد بسوی تو وبآن چیزی که فرستاده شد

من قبلك وبالاخرة هم يوقنون ○

پیش از تو وبرای آخرت ایشان بیگمانانند

الجزء الاول

ع

أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ إِنَّ

آن گروه بر راه راست اند از پروردگار خود و آن جماعه ایشان اند رستگاران بدرستی

الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

آنانکه کافر شدند یکسان است بر ایشان ترسانیدن ایشان را یا نترسانیدن ایشان را ایمان نمی آرند

خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ

مهر نهاده است خدا بر دلهای ایشان و بر گوشهای ایشان و بر چشمهای ایشان پوششی است

وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ

و مر ایشان راست عذاب بزرگ و بعضی از مردمان کسانی اند که میگویند ایمان آوردیم بخدا و بروز

الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا

قیامت و حال آنکه نیستند ایشان گروندگان فریب میدهند خدای را و آنانکه ایمان آوردند از روی فریب و

يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ

نمیدهند مگر نفسهای خود را و نمیدانند در دلهای ایشان بیماری نفاق است

فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ وَ

پس بیفزاید خدا بیماری ایشان را و مر ایشان راست عذاب دردناک بسبب آنچه بودند دروغ میگفتند و

إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ

هرگاه گفته شود منافقان را فساد مکنید در زمین گویند جز این نیست که ما بصلاح آرندگانیم

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَٰكِنْ لَا يَشْعُرُونَ وَإِذَا قِيلَ

بدانید بدرستی که منافقان تباه کارانند ولیکن ایشان نمیدانند و چون گفته شود

لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ

منافقان را بگروید چنانکه گرویدند آدمیان گویند ایمان آریم همچنان که ایمان آوردند بیخردان بدانید ای مؤمنان

هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَٰكِنْ لَا يَعْلَمُونَ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا

منافقان بیخردانند ولیکن نمیدانند و چون ملاقات کنند با آنانکه ایمان آوردند

قالوا
گویند

قالوا آمنا وإذا خلوا إلى شياطينهم قالوا إنا معكم إنما نحن
گويند ايمان آورديم وچون خلوت كنند بسوى ديوان سركش گويند ما با شماييم جز اين نيست كه
مستهزؤن الله يستهزئ بهم ويمدهم في طغيانهم
سخريت كننده گانيم خدا جزاى استهزا ميدهد ايشانرا وميگذارد ايشانرا در سركشى
يعمهون أولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى فما ربحت
حيران وسرگردان آنگروه آنانند خريدند گمراهى را براه راست پس سود نكرد
تجارتهم وما كانوا مهتدين مثلهم كمثل الذي استوقد
بازرگانى ايشان ونبودند راه يافتگان مثل اين منافقان مثل كسيست كه برافروزد
نارا فلما أضاءت ما حوله ذهب الله بنورهم وتركهم في
آتش پس آنهنگام روشن سازد آنچيزيكه گرداوست ببرد خدا روشنى ايشانرا وواگذارد ايشانرا در
ظلمات لا يبصرون صم بكم عمي فهم لا يرجعون أو
تاريكيها كه نه بينند كرانند گنگانند كورانند پس ايشان بازنگردند
كصيب من السماء فيه ظلمات ورعد وبرق يجعلون
مثل باران بزرگ كه قطره از آسمان در آن باران تاريكيها باشد وآواز فرشته روشنى كردانند
أصابعهم في آذانهم من الصواعق حذر الموت والله محيط
انگشتان خودرا در گوشهاى خود از سختى ترس مردن خدا احاطه كننده است
بالكافرين يكاد البرق يخطف أبصارهم كلما أضاء لهم
بناگرويدگان نزديكست كه برق بربايد ديدهاى ايشانرا هرگاه آن برق درخشيد براى ايشان
مشوا فيه وإذا أظلم عليهم قاموا ولو شاء الله لذهب بسمعهم
رفتند در آن وچون تاريك شد راه برايشان ايستادند اگر خواستى خداى هرآينه بردى شنواى ايشانرا
وأبصارهم إن الله على كل شيء قدير يا أيها الناس
وديدهاى ايشانرا بدرستيكه خدا برهمه چيزها تواناست اى گروه آدميان

مستهزؤن
مستهزيون

اتفق القراء على ادغام الثاء في التاء وكذلك مثل ... [illegible]

اعبدوا ربكم الذي خلقكم والذين من قبلكم لعلكم

بندگی کنید پروردگار خودرا آنخدائی که آفرید شمارا وآنانکه بودند پیش از شما شاید که شما

تتقون ۝ الذي جعل لكم الارض فراشا والسماء بناء و

پرهیزید آن خدائیکه گردانید برای شما زمین را فرش وآسمان را سقفی و

انزل من السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقا لكم

فرستاد از آسمان آبی مبارک پس بیرون آورد بآن از انواع میوه روزی خاص برای شما

فلا تجعلوا لله اندادا وانتم تعلمون ۝ وان كنتم في ريب مما

پس مگردانید مرخدایرا شریکان وحال آنکه شما میدانید واگر هستید شما در شک از آنچه

نزلنا على عبدنا فاتوا بسورة من مثله وادعوا شهداءكم

فرستادیم بر بنده خودرا پس بیایید بسوره مانند آنچه فرستادیم وبخوانید حاضران مجلس خودرا

من دون الله ان كنتم صادقين ۝ فان لم تفعلوا ولن تفعلوا

بجز از خدای اگر هستید راست گویان پس اگر نکردید وهرگز نتوانید

فاتقوا النار التي وقودها الناس والحجارة اعدت للكافرين ۝

پس بترسید از آتش دوزخی که برافروزنده آن مردمانند وسنگها وعده برای ناگرویدگان

وبشر الذين امنوا وعملوا الصالحات ان لهم جنات تجري

وبشارت ده آن کسان راکه گرویدند وکردند کارهای نیک آنکه مرایشان راست بهشتها که میرود

من تحتها الانهار كلما رزقوا منها من ثمرة رزقا قالوا هذا

درزیر آن جویهای فراخ هرگاه روزی داده شوند از آن بهشت از میوها روزی ساخته گویند این نوع

الذي رزقنا من قبل واتوا به متشابها ولهم فيها ازواج

میوه داده شده بودیم پیش ازین وبدهند بمومنان درحالتیکه مانند باشند آن زاد آن بهشت زنان باشند

مطهرة وهم فيها خالدون ۝ ان الله لا يستحيي ان يضرب مثلا

پاک گردانیده یعنی مومنان در آن جاوید باشند بدرستیکه خدا شرم نمیکند ازانکه بیان کند مثل که

لا یستحی
قراة ابن کثیر بیا
واحده تفسیر ه

١٨

مَا بعوضة فما فوقها فاما الذين امنوا فيعلمون انه الحق

آن پشه است پس آنچه زیاده تر آن پس آن کسانیکه ایمان آوردند پس میدانند که آن مثل راست است

من ربهم واما الذين كفروا فيقولون ماذا اراد الله

از جانب پروردگار واما آنهاکه [...]ند پس میگویند چه چیز اراده کرده است خدا

بهذا مثلا يضل به كثيرا ويهدي به كثيرا وما يضل

باین گفتار از روی مثل گمراه سازد بسیاری [...] و راه نماید بآن بسیار مومنان را و گمراه نمی سازد

به الا الفاسقين الذين ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه

بآن مثل مگر بیرون رفتگان [...] کسانیکه می شکنند پیمان خدا را از پس آن چیزیکه عهد کرده بود

ويقطعون ما امر الله به ان يوصل ويفسدون في الارض

و میبرند [...] خدا فرموده است که پیوندند و فساد میکنند در زمین

اولئك هم الخاسرون كيف تكفرون بالله وكنتم امواتا فاحياكم

آن گروه ایشان زیان کارانند چگونه کافر می شوید بخدا وحال آنکه بودید شما مردگان پس زنده کرد

ثم يميتكم ثم يحييكم ثم اليه ترجعون هو الذي خلق لكم

بعد از آن میرانید شما را پس زنده گردانید در قبر پس بسوی او باز گشته میشوید آن خدا بیافرید برای شما

ما في الارض جميعا ثم استوى الى السماء فسويهن سبع

آنچه در زمین است همه بعد از آن قصد کرد آفریدن آسمان پس راست کرد هفت

ع سموات وهو بكل شيء عليم واذ قال ربك للملائكة

آسمان را و او سبحانه بر همه چیز دانا است و چون گفت پروردگار تو مر فرشتگان را

اني جاعل في الارض خليفة قالوا اتجعل فيها من يفسد

بدرستیکه من گردانیده ام در زمین نایب گفتند ملائکه آیا می آفرینی در زمین کسیکه فساد کند

فيها ويسفك الدماء ونحن نسبح بحمدك ونقدس لك

در زمین و ریزد خون ناحق و ما تسبیح میکنیم بثنای تو و بپاکیزگی ترا می خوانیم

مراد از اضلال [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

تعیین شخصی را که نایب [illegible]
در رواج دادن حق و زایل
ساختن باطل مراد آدم است
[illegible]

قَالَ اِنِّیٓ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ۝ وَعَلَّمَ اٰدَمَ الْاَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ

گفت خدا بدرستیکه من میدانم آنچه شما نمی دانید و آموخت آدم را همه نامها بعد ازان

ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلٰٓئِكَةِ فَقَالَ اَنْۢبِـُٔوْنِیْ بِاَسْمَآءِ هٰٓؤُلَآءِ اِنْ كُنْتُمْ

بعد ازان عرض فرمود اسما را بر فرشتگان پس گفت ای فرشتگان خبر دهید مرا بنامهای اینها اگر هستید

صٰدِقِيْنَ ۝ قَالُوْا سُبْحٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَآ اِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا اِنَّكَ اَنْتَ

راست گویان گفتند تسبیح میکنیم ترا دانشی نیست مارا مگر آنچه تعلیم دادی مارا بدرستیکه تو

الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ ۝ قَالَ يٰٓاٰدَمُ اَنْۢبِئْهُمْ بِاَسْمَآئِهِمْ فَلَمَّآ اَنْۢبَاَهُمْ

بسیار دانائی محکم کار فرمود خدا ای آدم خبر ده ملائکه را بنامهای ایشان پس آنهنگام خبر داد آدم

بِاَسْمَآئِهِمْ قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكُمْ اِنِّیٓ اَعْلَمُ غَيْبَ السَّمٰوٰتِ وَ

بنامها یعنی اسم هر شی گفت خدا آیا نگفتم شمارا بتحقیق میدانم آنچه پوشیده است از آسمانها و آنچه

الْاَرْضِ وَاَعْلَمُ مَا تُبْدُوْنَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُوْنَ ۝ وَاِذْ قُلْنَا

نهان است از زمین و میدانم آنچه ظاهر میکنید و آنچه شما می پوشید و هرگاه گفتیم ما

لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْٓا اِلَّآ اِبْلِيْسَ اَبٰى وَاسْتَكْبَرَ

مر فرشتگان را سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر شیطان سر باز زد و سرکشی کرد

وَكَانَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ ۝ وَقُلْنَا يٰٓاٰدَمُ اسْكُنْ اَنْتَ وَزَوْجُكَ

و بود او از ناگرویدگان و گفتیم ای آدم ساکن شو تو و جفت تو حوا

الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُوْنَا

در بهشت و بخورید از بهشت هرجا خواهید و نزدیک مشوید این درخت را که گندم است پس باشید

مِنَ الظّٰلِمِيْنَ ۝ فَاَزَلَّهُمَا الشَّيْطٰنُ عَنْهَا فَاَخْرَجَهُمَا مِمَّا

آنهنگام از ستمکاران پس بلغزانید قدم آدم و حوا ابلیس ازان درخت پس بیرون کرد ایشانرا از آنچه

كَانَا فِيْهِ ۪ وَقُلْنَا اهْبِطُوْا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۚ وَلَكُمْ فِى الْاَرْضِ

بودند در آن و گفتیم ای آدم فرو روید بدنیا بعضی از شما مر بعضی دیگر را دشمن و مر شمارا است در زمین

بسیار
از ستمکاران
[illegible]

مستقر
جای قرار

مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ۝ فَتَلَقَّىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ

جای قرار منفعت گرفتن تا رسیدن اجل پس فرا گرفت آدم از پروردگار خود سخنان

فَتَابَ عَلَيْهِ ط إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۝ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا

بازگشت حق تعالی براو بدرستیکه خدا قبول توبه میکند بخشاینده است گفتیم فرو روید از بهشت همه

فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

پس اگر بیاید بشما از جانب من دلالتی پس کسانیکه پیروی کنند بیان مرا پس ترسی نیست برایشان و نه ایشان

يَحْزَنُونَ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ

اندوهناک شوند و آنانکه کافر شدند و دروغ پنداشتند دلیلهای ما را آنگروه اهل

النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ

آتش اند ایشان در آن آتش همیشه اند ای فرزندان یعقوب یاد کنید نعمتهای مرا آن نعمتها که انعام کردم

عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ۝

بر شما و وفا کنید بعهد من در باب پیغمبر آخر الزمان تا وفا کنم بعهد شما و از من بترسید

وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ

و بگروید بآنچه فرستادم تصدیق کننده است مر چیزی را که باشما است و مباشید اول ناگرویدگان

بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ ۝ وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ

و بدل مکنید آیات مرا ببهای اندک و از من بترسید و آمیخته مسازید سخن راست را

بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ

بدروغ و مپوشید حق را و حال آنکه شما میدانید و بپای دارید نماز را

وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ۝ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ

و بدهید زکوة را و رکوع کنید با رکوع کنندگان آیا میفرمایید مردمانرا به نیکوئی

وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ ط أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝

و فراموش میکنید نفسهای خودرا و حال آنکه می خوانید توریت آیا عقل خودرا کار نمی فرمائید

هُدًى لغة هذیل ۱۳

ربع

ع

فارهبونی

ع

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلٰوةِ ط وَاِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ اِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ۵ لا

و یاری خواهید بشکیبائی و بنماز یعنی صبر و صلوة بزرگست مگر بر ترسکاران

الَّذِينَ يَظُنُّونَ اَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَاَنَّهُمْ اِلَيْهِ رَاجِعُونَ ۝ يَا بَنِي

آن مومنان توقع دارند آنکه ایشان رسیدگانند به پروردگار خود و آنکه ایشان برحمت الهی بازگردانندگانند ای فرزندان

اِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَنِّي فَضَّلْتُكُمْ

یعقوب یاد کنید نعمتهای مرا که انعام کردم بر شما و بدرستیکه من تفضیل کردم آبآء شمارا

عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا

بر عالمیان و بترسید از روزیکه حق گذاری نکند نفس مومن از نفس کافر چیزی را و

يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ۝

پذیرفته نشود از آن نفس فدائی و فرا گرفته نشود از آن نفس جزائی و نه ایشان یاری داده شوند

وَاِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوْءَ الْعَذَابِ

و وقتیکه رهانیدیم شمارا از متعلقان فرعون ستم میرسانیدند شمارا به بدترین عذاب

يُذَبِّحُونَ اَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ط وَفِي ذٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ

می کشتند پسران شمارا و زنده می گذاشتند دختران شمارا و در کشتن پسران محنتی بود از

رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ۝ وَاِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَاَنْجَيْنَاكُمْ وَاَغْرَقْنَا اٰلَ

پروردگار شمارا بزرگ و چون بشکافتیم برای شما دریای قلزم پس برهانیدیم شمارا و در آب فرو بردیم قوم

فِرْعَوْنَ وَاَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ۵ وَاِذْ وَاعَدْنَا مُوسٰى اَرْبَعِينَ لَيْلَةً

و کسان فرعون و حال آنکه شما می دیدید و وقتیکه وعده دادیم موسی را چهل شبانروز

ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَاَنْتُمْ ظَالِمُونَ ۝ ثُمَّ عَفَوْنَا

بعد از آن فرا گرفتید گوساله را از پس رفتن موسی و شما ستمکاران بودید پس عفو کردیم

عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَاِذْ اٰتَيْنَا

از شما بعد از گوساله پرستیدن شاید که شما شکر کنید و وقتیکه دادیم

وقتیکه وعده دادیم موسی را از برای کتاب که توریة چهل شبانروز که بعد از انقضای مدت چهل اندر تمام ذی القعده بود و ده روز از ذی الحجه در نزد با تمام رسید پس بعد از نوشتن توریة برای این مجموعه طور رفت ۱۲ مع

موسى الكتاب والفرقان لعلكم تهتدون ۝ وإذ قال موسى
موسی را توریت فرق کننده میان حق و باطل شاید که شما راه راست یابید وقتیکه گفت موسی
لقومه يا قوم إنكم ظلمتم أنفسكم باتخاذكم العجل فتوبوا إلى
مر گروه خود را ای گروه من بدرستیکه شما ستم کردید بر نفسهای خود بفرا گرفتن شما گوساله بخدائی پس بازگردید سوی
بارئكم فاقتلوا أنفسكم ذلكم خير لكم عند بارئكم ط
پروردگار خود پس بکشید نفسهای خود را این کشته شدن بهترست شما را نزد آفریدگار شما
فتاب عليكم إنه هو التواب الرحيم ۝ وإذ قلتم يا موسى لن
قبول توبه کرد بر شما بدرستیکه اوست بسیار بازگردنده مهربان و هرگاه گفتید ای موسی باور
نؤمن لك حتى نرى الله جهرة فأخذتكم الصاعقة وأنتم
نداریم ترا تا آنکه ببینیم خدا را آشکارا پس فرو گرفت شما را آتش و حال آنکه شما
تنظرون ۝ ثم بعثناكم من بعد موتكم لعلكم تشكرون ۝
نگریستید پس برانگیختیم شما را از پس مردن شما شاید که شما سپاس داری کنید
وظللنا عليكم الغمام وأنزلنا عليكم المن والسلوى كلوا
سایه ساختیم بر شما ابر را و فرو فرستادیم بر شما ترنجبین و مرغ بریان بخورید
من طيبات ما رزقناكم وما ظلمونا ولكن كانوا أنفسهم
از پاکیزهای چیزی که روزی کردیم شما را و ستم نکردند بر ما ولیکن بودند که بر نفسهای
يظلمون ۝ وإذ قلنا ادخلوا هذه القرية فكلوا منها حيث شئتم
خود ستم کردند و چون گفتیم شما را در آئید درین دیه یعنی بیت المقدس پس بخورید ازین هرجا که خواهید
رغدا وادخلوا الباب سجدا وقولوا حطة نغفر لكم خطاياكم
بسیار و در آئید بدری از درهای این دیه که سجده کنندگان باشید و بگوئید یارا بیامرز تا بیامرزیم شما را گناهان شما را
وسنزيد المحسنين ۝ فبدل الذين ظلموا قولا غير الذي
و زود باشد که زیاده کنیم نیکوکاران را ثواب پس بدل کردند آنها که ستم کردند بگفتار غیر آنچه

بارئكم بأيكم

چون موسی [illegible] مصر
بنی اسرائیل عبور از دریای [illegible]
[illegible]
[illegible]
علیکم الغمام
تفسیر [illegible]

تغفر
این کلمه استغفار
ایشان بود یعنی بگوئید
که ما را بیامرز و بگذر
از گناهان ما را [illegible]
فتح [illegible]

قیل لهم فانزلنا علی الذین ظلموا رجزا من السماء بما کانوا
گفته شد مرایشان را پس فرستادیم برانکه ستم کردند عذابی از آسمان بسبب آنچه بودند
یفسقون ۝ واذ استسقی موسی لقومه فقلنا اضرب بعصاك
از فرمان وچون آب خواست موسی برای گروه خود پس گفتیم ما بزن عصای خود
الحجر فانفجرت منه اثنتا عشرة عینا قد علم کل اناس
بر سنگ پس شکافته شد از آن سنگ دوازده چشمه تحقیق دانستی هریک از مردمان
مشربهم کلوا واشربوا من رزق الله ولا تعثوا فی الارض
آب خوردرا بخورید وبیاشامید از روزی خدا واز حد مکذرید در زمین
مفسدین ۝ واذ قلتم یا موسی لن نصبر علی طعام واحد فادع
درحالتی که تباه کارانید وچون گفتید ای موسی هرگز صبر نکنیم بر یک طعام بخوان
لنا ربك یخرج لنا مما تنبت الارض من بقلها وقثائها و
برای ما پروردگار خودرا بیرون آرد برای ما از آنچه میرویاند زمین از سبزیها وخیار و
فومها وعدسها وبصلها قال اتستبدلون الذی هو ادنی
وسیر وعدس وپیاز گفت موسی آیا بدل میکنید آنچه که آن زبون است
بالذی هو خیر اهبطوا مصرا فان لکم ما سالتم وضربت
بآن چیزیکه آن بهترست فرود روید بشهر مصر بدرستیکه شمارا ست آنچه خواستید وزده شد
علیهم الذلة والمسکنة وباءو بغضب من الله ذلك بانهم
برایشان خواری ودرویشی وبازگشتند بخشمی از خدای آن خواری بسبب آن بود
کانوا یکفرون بایات الله ویقتلون النبیین بغیر الحق
بودند کافر می شدند بآیتهای خدای ومیکشتند پیغمبرانرا بناحق
ذلك بما عصوا وکانوا یعتدون ۝ ان الذین امنوا والذین
آن مذلت بسبب آن بود عاصی شدند وبودند از حد کذشتکان بدرستی آنانکه اظهار ایمان کردند وآنانکه

حزب ع

عشرة بسکون الشین قراءة عاصم وبکسر قراءة بکر

ادغامها بالاتفاق وصله

والصابئين

هادوا والنصارى والصابئين من آمن بالله واليوم الآخر

یهود شدند وترسایان وستاره پرستان آنانکه گرویدند بخدای و بروز قیامت

وعمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم

وکردند کارهای شایسته مرایشان راست مزد ایمان نزد پروردگار ایشان وترسی نیست برایشان ونباشند

يحزنون ۝ واذ اخذنا ميثاقكم ورفعنا فوقكم الطور خذوا

اندوهگین وهرگاه فراگرفتیم ما پیمان شمارا وبرداشتیم برزبر شما کوه را فراگیرید

ما آتيناكم بقوة واذكروا ما فيه لعلكم تتقون ۝ ثم

آنچه دادیم شمارا بجدی تمام ویاد گیرید آنچه در وست باشد که شما پرهیزید پس

توليتم من بعد ذلك فلولا فضل الله عليكم ورحمته

روی گردانیدید از پس فراگرفتن پس اگر نه بخشایش خدای بودی برشما ورحمت او

لكنتم من الخاسرين ۝ ولقد علمتم الذين اعتدوا منكم

هرآینه می بودید از زیانکاران وبدرستیکه دانسته اند احوال آنانکه درگذشتند از فرمان از شما

في السبت فقلنا لهم كونوا قردة خاسئين ۝ فجعلناها نكالا

در روز شنبه پس گفتیم ایشان را باشید بوزنیگان خوار گشتگان پس گردانیدیم ایشانرا عبرتی

لما بين يديها وما خلفها وموعظة للمتقين ۝ واذ قال

مرآنهارا که بودند پیش از آنها وبرای آنکه بعد از ایشان بودند وپندی برای پرهیزکاران ووقتیکه گفت

موسى لقومه ان الله يأمركم ان تذبحوا بقرة قالوا اتتخذنا هزوا

موسی مرگروه خودرا بدرستی که خدا می فرماید شمارا آنکه بکشید گاوی را گفتند قوم موسی آیا فرا می گیری مارا بمسخرگی

قال اعوذ بالله ان اكون من الجاهلين ۝ قالوا ادع لنا ربك

گفت موسی پناه میگیرم بخدا از آنکه باشم از نادانان گفتند بخوان برای ما پروردگار خودرا

يبين لنا ما هي قال انه يقول انها بقرة لا فارض ولا بكر

ظاهر سازد برای ما چیست حقیقت آن گاو گفت موسی بدرستیکه می گوید خدا آن گاو نه پیرست ونه دراول جوانی

هزؤا هزءا

هزءا

عَوَانٌ بَيْنَ ذَٰلِكَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ ۝ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ

واسط است میان پیری و جوانی پس بکنید آنچه فرموده می شوید گفتند بخوان برای پروردگار خود را

يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ

تا ظاهر سازد برای ما که چیست رنگ آن گاو گفت بدرستیکه می گوید خدا بدرستیکه گاوی است زرد رنگ در غایت زردی

لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ ۝ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ

رنگ آن شاد کرداند نظر کنندگان را گفتند بخوان برای پروردگار خود را آشکار کرداند برای ما که چه گاو است

إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ۝ قَالَ إِنَّهُ

بدرستیکه گاوان متشابه شدند بر ما بدرستی که ما اگر خواهد خدای هر آینه راه یافتگانیم گفت موسی بدرستیکه

يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ

خدای فرماید آن گاویست نه رام گشته بشوراند زمین را و نه آب دهد زراعت را

مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا

درست باز داشته است نیست هیچ رنگی سوای رنگ زرد او گفتند اکنون آوردی راستی پس بکشتند آن را و

كَادُوا يَفْعَلُونَ ۝ وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ

نزدیک نشد بکنند این کار را و چون بکشتید نفسی که عامیل بود پس اختلاف کردید در آن مقتول و خدای بیرون آورنده

مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ۝ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَٰلِكَ يُحْيِي

آنچه را که هستید شما پوشنده پس گفتیم ما بزنید آن کشته را بپاره آن گاو همچنین زنده گرداند

اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ

خدای مردگان را و مینماید شما را دلیلهای خود شاید که شما فکر کنید پس سخت شد دلهای شما

مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ

از پس زنده شدن آن کشته پس آن دلها مانند سنگ است یا سخت تر از سنگ و بدرستی بعضی از

الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ

سنگها آنچه زیست روان میشود از آن سنگ جویها و بدرستی بعضی از آن سنگها آنست که می شکافد پس بیرون می آید

ع

[illegible]

مِنْهُ
ازان

نصف حزب

منه الماء وإن منها لما يهبط من خشية الله ع وما الله بغافل

از آن آب و بدرستی بعضی از آنها سنگ است که فرود آید از ترس خدا و نیست خدای بیخبر

عما تعملون ۝ أفتطمعون أن يؤمنوا لكم وقد كان فريق منهم

از آنچه میکنید آیا طمع می دارید آنکه تصدیق میکنند شمارا و بتحقیق بودند گروهی از ایشان

يسمعون كلام الله ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه وهم

می شنیدند کلام خدای را پس میگردانیدند پس از آنکه دانسته بودند و حال آنکه ایشان

يعلمون ۝ هـ وإذا لقوا الذين آمنوا قالوا آمنا ع وإذا خلا بعضهم

میدانستند و چون ملاقات کنند آنانرا که ایمان آورند گویند گرویده ایم و چون خلوت کنند برخی از ایشان

إلى بعض ط قالوا أتحدثونهم بما فتح الله عليكم ليحاجوكم

با کافران گویند آیا خبر میدهید بآنچه کشاده است خدا بر شما حجت گیرند بر شما

به عند ربكم ط أفلا تعقلون ۝ أولا يعلمون أن الله يعلم

بآن نزد پروردگار شما آیا در نمی یابید آیا نمی دانند جهودان آنکه خدا میداند

ما يسرون وما يعلنون ۝ ومنهم أميون لا يعلمون

آنچه پنهان می دارند و آنچه آشکارا می کنند و از جهودان ناخوانده اند نمیدانند

الكتاب إلا أماني وإن هم إلا يظنون ۝ فويل للذين

توریت مگر آرزوهای خود و نیستند ایشان مگر گمان می برند پس عذاب و رنج آنانراست

يكتبون الكتاب بأيديهم ثم يقولون هذا من عند الله

می نویسند توریت نوشته تحریف کرده بدستهای خود پس میگویند این از نزدیک خدایست

ليشتروا به ثمنا قليلا ۝ فويل لهم مما كتبت أيديهم

تا بخرند بدان کلام بهای اندک پس وای برایشان از آنچه نوشت دستهای ایشان

وويل لهم مما يكسبون ۝ وقالوا لن تمسنا النار إلا أياما

و وای برایشان از آنچه کسب میکنند و گفتند یهود هرگز مس نکند ما را آتش دوزخ مگر روزهای

یعنی روز قیامت وگویند بنبیا که حق را میدانسته اید و بعث میکند میعاد

یعنی اعتقاد الهیت ... تحریف توریت و از آنجا نیست ... موافق آن آرزوها ... که بحقیقت دارند بعضی ... که از علمای خود ... می شنیدند که بهشت خاص ایشان ... و آبا و اجداد ایشان شفاعت خواهند کرد

مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ
شمرده بگوای محمد فرا گرفته اید نزد خدای عهدی که شما را عذاب نکند پس هرگز خلاف نکند خدا
عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ
عهد خود را آیا میگویند برخدای آنچه نمی دانید بلکه کسیکه کسب کند
سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ
گناهی و فرا گیرد او را گناه او پس آنگروه اهل دوزخند ایشان
فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ
در آن آتش جاوید مانند و آنانکه گرویدند و کردند کارهای نیکو آنگروه
أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي
اصحاب بهشتند ایشان در بهشت جاوید مانند و یاد کنید چون فرا گرفتیم پیمان فرزندان
إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ
یعقوب نپرستید مگر خدای و به پدر و مادر نیکوئی کنید و خویشان
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ
و به یتیمان و درویشان و بگوئید مردمان را گفتار نیکو و بپای دارید نماز را
وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ ۝
و بدهید زکوت پس پشت بگردانید مگر اندکی از شما و شما اعراض کنندگانید
وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ
وقتیکه فرا گرفتیم پیمان را از اجداد شما مریزید خونهای خود و بیرون مکنید
أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ۝ ثُمَّ أَنْتُمْ
نفسهای خود را از خانهای خود پس اقرار کردید و حال آنکه شما گواهی میدهید پس شما
هَٰؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ
آنگروهید میکشید کسان خود را و بیرون میکنید گروهی از میان خود از سراهای خود

ایاما معدودات که آن چهل روز
هفت روز را اهل تاریخ مقدار چهل روز
بعدد روزها ای که در آن گوساله
می پرستیدند ع

خطیئاته
قرا اهل المدینة و نافع ه

ع

تظاهرون

تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ط وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ

هم پشت می شوید برآن قوم به بدکاری وافزون طلبی واگر آیند اسیران

تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ ط أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ

بازمیخرید وحال آنکه حرام کرده شده است برشما بیرون کردن ایشان آیا میگروید بپاره

الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ ج فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَٰلِكَ

از توریت وکافر میشوید ببعضی دیگر پس نیست مکافات آنکس که بکند اینچنین

مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا ۚ وَيَوْمَ الْقِيَٰمَةِ يُرَدُّونَ

از شما مگر خواری در زندگانی دنیا وروز قیامت بازگردانیده شوند

إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ ط وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

بسوی سختترین عذابی ونیست خدای غافل ازآنچه میکنید آنگروه که بشکنند عهد آنانند

اشْتَرَوُا الْحَيَوٰةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ز فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ

خریدند زندگانی دنیارا بنعمت آنسرای سبک کرده نشود ازایشان عذاب

وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ

ونباشند ایشان یاری داده شده وبتحقیق عطا کردیم موسی را توریت وازپی درآوردیم پس

بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ ز وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ

از موسی بفرستادگان ودادیم عیسی راکه پسر مریم بود نشانهای روشن وقوت دادیم اورا

بِرُوحِ الْقُدُسِ ط أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُكُمُ

بروح پاک یعنی جبرئیل آیا هرگاه ازنزد ما آمد بشما فرستاده بآنچه دوست نمی دارد آنرا نفسهای شما

اسْتَكْبَرْتُمْ ۚ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ ز وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ۝ وَقَالُوا قُلُوبُنَا

سرکشی کردید پس گروهی را دروغ داشتید چون محمد وگروهی را کشتید چون یحیی وگفتند یهودان دلهای ما

غُلْفٌ ط بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَا يُؤْمِنُونَ ۝

درغلافست نه چنانست رانده است خدا ایشان را بسبب کافر گردیدن پس اندک اندک ایمان می آرند ازایشان

ع

یعنی خدا ایشانرا [illegible]
دور کرده [illegible]
مانع [illegible]
[illegible]
خوی [illegible]
[illegible] بل لعنهم
۱۲

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا

وچون آمد بدیشان نوشته یعنی قران از نزد خدای یعنی موافق است آنچیز را که با ایشانست وبودند

مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا

پیش از نزول این کتاب طلب فتح میکردند بر آنها که کافر شدند پس آنهنگام که آمد بدیشان آنچیز را که

عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ بِئْسَمَا اشْتَرَوْا

شناختند کافر شدند بآن پس لعنت خدای بر ناگرویدگان بد است آنچه فروختند

بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يُنَزِّلَ اللَّهُ مِنْ

بآن نفسهای خود را آنکه کافر شدند بآنچه فرو فرستاد خدا از روی حسد آنکه فرو می فرستد خدای از

فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ

بخشش خود بر آنکس که خواهد از بندگان خود پس بازگشتند بخشمی بر بالای خشم

وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا

ومر کافران را عذابی است خوارکننده وچون گفتند یهود آنرا ایمان آرید بآنچه

أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ

فرستاد خدای گویند میگرویم بآنچه فرو فرستاده شده است برما وکافر می شوند بدانچه غیر کتاب ایشانست

وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ

وآنچیز حق است تصدیق کننده است مرآن کتاب که با ایشانست بگوای محمد پس چرا کشتید پیغمبران خدا

مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ

پیش از این اگر بودید گروندگان وبدرستیکه آمد شما را موسی بمعجزه روشن

ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ۝ وَإِذْ أَخَذْنَا

پس فرا گرفتید گوساله را بخدائی از پس رفتن موسی وشما ستمکاران بودید وچون فرا گرفتیم

مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ

پیمان شما را وبرداشتیم برزبر شما کوه طور گفتیم شما فرا گیرید آنچه شما دادیم بعزمی درست

وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ

بشنوید احکام ازا گفتند شنیدیم ونافرمانی کردیم ودرآوردند ساری در دلهای ایشان دوستی گوساله

بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝

بسبب ناگرویدن بگو بدچیزی است که می فرماید شمارا بآنچیز ایمان شما اگر هستید گرویدگان

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ

بگوای محمد اگر هست شمارا سرای آخرت نزد خدای خالص از غیر

النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا

مردمان دیگر آرزو کنید مرگ را اگر هستید راست گویان وآرزو نکنند جهودان مرگ را هرگز

بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۝ وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ

بسبب آنچه پیش فرستاده است دستهای ایشان وخدا داناست باحوال ستمکاران ویابی جهودان را حریص ترین

النَّاسِ عَلَى حَيٰوةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ

مردمان بر زندگانی دنیا ونیز از آنکسانیکه شرک آوردند ودوست میدارد یکی از ایشان کاشکی عمر داده شود هزار

سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ

سال ونیست آنکس که دور کرداننده اوباشد از عذاب آتش آنکه عمر داده شود وخدای بیناست

بِمَا يَعْمَلُونَ ۝ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى

بآنچه می کنند یهودان بگوای محمد هرکه دشمن باشد جبرئیل را پس بدرستیکه فرو می آرد قرآن را بر

قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى

دل تو بفرمان خدای قرآن تصدیق کننده است مرآنچیز را که نزد ایشان است وراه نماینده بحق ومژده دهنده

لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ

مر مومنان را هرکه باشد دشمن مر خدای را وفرشتگان را وپیغمبران اورا واین دو

وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ۝ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ

فرشته مقرب را بدرستی که خدای دشمن است مر کافران را وبدرستی فرو فرستادیم بسوی تو

آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۚ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ۝ أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا

آيتهاى روشن وكافر نميشوند بآن مكر بيرون رفتكان آيا عهد كردند

عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ ط بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَلَمَّا

عهد كردنى بينداختند كروهى ازايشان بلكه اكثر ايشان نميكروند بتوريت وآنهنكام

جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ ط نَبَذَ فَرِيقٌ

كه آمد بايشان فرستاده از نزد خداى تصديق كننده آنچيزرا كه باايشانست بينداختند كروهى

مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ ق كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ ط كَأَنَّهُمْ

ازآنها كه داده شدند توريت كتاب خداى پس پشت خود كوياعلماى يهود

لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ

نميدانند وپيروى كردند جهودان آنچه مى خوانند ديوان درزمان پادشاهى سليمان

وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ

وكافرنشد سليمان وليكن ديوان درزمان او كافرشدند مى آموزانيدند مردمانرا

السِّحْرَ ق وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ ط وَ

جادو ديكر پيروى كردند جهودان آنچيزرا كه فرستاده شد ازجادو بر دو فرشته درشهر بابل نام آن دو فرشته و

مَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ط

تعليم نمى دادند هيچ ازمردمانرا تا آنكه مى كفتند جز اين نيست كه ما آزمايش خلقانيم پس كافرمشو تو

فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ ط وَمَا هُمْ

پس مى آموختند ازايشان آنچيزرا جداى افكنند بسبب آن ميان مرد وزن ونيستند ساحران

بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ط وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا

ضررساننده بسبب سحر هيچكس را مكر بعلم خداى ومى آموختند آنچيزرا كه زيان رساند

يَنْفَعُهُمْ ط وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ق

سود ندهد ايشانرا وهرآينه دانسته اند هركه بخرد سحررا نباشد اورا درآن سراى هيچ بهره البته بهتر

[illegible]

وَلَبِئْسَ

ع

ثلث الربع

ولبئس ما شروا به انفسهم لو كانوا يعلمون ۝ ولو انهم آمنوا

وچیز بدیکه فروختند باآنچیز نفسهای خود را اگر هستید که می دانید واگر جهودان گرویدند

واتقوا لمثوبة من عند الله خير لو كانوا يعلمون ۝ يا ايها الذين آمنوا

وپرهیز کردند هر آئینه پاداش که بهشت است از نزد خدای بهترست اگر بودند که بدانستند ای آنکسانیکه ایمان آوردید

لا تقولوا راعنا وقولوا انظرنا واسمعوا وللكافرين عذاب

مگوئید لفظ راعنا وبگوئید بجای آن بنگر بسوی ما وبشنوید ومرکافران راست عذاب

اليم ۝ ما يود الذين كفروا من اهل الكتاب ولا المشركين

دردناک دوست ندارند آنانکه نگرویدند از اهل کتاب ونه از شرک آرندگان

ان ينزل عليكم من خير من ربكم ط والله يختص برحمته من

آنکه فرستاده شود برشما از نیکوئی از پروردگار شما وخدا خاص میگرداند برحمت خود هرکه

يشاء ط والله ذو الفضل العظيم ۝ ما ننسخ من آية او ننسها نأت

راخواهد وخدای خداوند فضل بزرگ است هرچه منسوخ میگردانیم از آیات قران یا فراموش میگردانیم ازدلها می آریم

بخير منها او مثلها الم تعلم ان الله على كل شيء قدير ۝ الم

بهتر از آن یا مانند آن آیا نمیدانی آنکه خدای بر همه چیزها تواناست آیا

تعلم ان الله له ملك السموات والارض ط وما لكم من دون

ندانستی آنکه خدای مراورست پادشاهی آسمانها وزمین ونیست شمارا از غیر

الله من ولي ولا نصير ۝ ام تريدون ان تسئلوا رسولكم

خدای از دوستی ونه یاری آیا میخواهند آنکه سوال کنند پیغمبر خودرا

كما سئل موسى من قبل ط ومن يتبدل الكفر بالايمان فقد

چنانکه سوال کرده شده بود موسی پیش ازین وهرکه بدل کند کفررا بگرویدن البته

ضل سواء السبيل ۝ ود كثير من اهل الكتاب

گم کشته است از راه راست دوست می دارد بسیاری از اهل توریت

لو يردونكم من بعد ايمانكم كفارا حسدا من عند انفسهم

اگر برگردانند شما را از پس گرویدن شما درحالتی که ناگرویده باشید از روی حسد از نزدیک نفسهای ایشان

من بعد ما تبين لهم الحق فاعفوا واصفحوا حتى يأتي الله بامره

از پس آنچه روشن گشته راه راست پس درگذرید و روی بگردانید تا بیارد خدای فرمان خود را

ان الله على كل شيء قدير ۝ واقيموا الصلوة واتوا الزكوة

بدرستی که خدای بر همه چیز تواناست و بپای دارید نماز را و بدهید زکوة را

وما تقدموا لانفسكم من خير تجدوه عند الله ان الله بما

و آنچه پیش بفرستید برای نفسهای خود از نیکوئی یابید آنرا نزد خدای بدرستیکه خدای بآنچه

تعملون بصير ۝ وقالوا لن يدخل الجنة الا من كان هودا او

میکنید بیناست و گفتند یهود هرگز داخل نشود در بهشت مگر کسیکه باشد یهود یا

نصارى تلك امانيهم قل هاتوا برهانكم ان كنتم صادقين ۝

نصرانی این آرزوهای ایشانست بگوای محمد بیارید حجت خود اگر هستید راستگویان

بلى من اسلم وجهه لله وهو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف

آری هر که خالص سازد همه خود را مر خدا را و حال او نیکوکارست پس ورا است مزد او نزد پروردگار و هیچ ترسی

عليهم ولا هم يحزنون ۝ وقالت اليهود ليست النصارى على شيء ع

ایشان را و نه ایشان اندوهگین شوند و گفتند یهودان نیستند ترسایان برچیزی از صواب

وقالت النصارى ليست اليهود على شيء وهم يتلون الكتاب كذلك

و گفتند ترسایان نیستند یهود برچیزی و حال آنکه ایشان میخوانند توریت همچنین

قال الذين لا يعلمون مثل قولهم فالله يحكم بينهم يوم

گفتند آنانکه هیچ نمی دانند یعنی مجوس مانند یهود و نصاری پس خدای حکم کند در میان دو قوم روز

القيمة فيما كانوا فيه يختلفون ۝ ومن اظلم ممن منع مسجد

رستخیز در آنچیزیکه هستند ایشان در آن اختلاف میکنند و کیست ستمکارتر از آنکس که باز دارد مسجدها

الله
خدا را

از ابی عبد الله علیه السلام مرویست مراد مشرکان قریشند که رسول صلی الله علیه و السلام را منع کردند در عام حدیبیه از دخول مکه و مسجد مراد از خرابی آن تعطیل آن از عبادت در آن و بنا کردن ... در آن [illegible]

ماكان
نبود

اللّٰهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا ط أُولٰئِكَ لَهُمْ أَنْ
خدای را از انکه یاد کرده نشود در آنجا نام خدای و سعی کرده در خرابی آن گروه مر ان را انکه
يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ ط لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ
در آیند در مسجد مگر در حالتی که ترسکاران باشند مر اهل کتاب در دنیا رسوایست و مر ایشان راست در آن سرای
عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ وَلِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ
عذاب بزرگ و مر خدا راست بر آمدن آفتاب و محل غروب پس هر کجا روی آورده اید پس آنجا
وَجْهُ اللّٰهِ ط إِنَّ اللّٰهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ وَقَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ ط
جهت طاعت خداست بدرستیکه خدای فراخ عطاست داناست و گفتند ترسایان فرا گرفت خدا فرزندی پاکست خدای
بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ ط كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ ۝ بَدِيعُ السَّمٰوَاتِ
بلکه اوراست آنچه در آسمانها و زمینهاست همه اشیا مر اورا فرمان بردارند پدید آرنده آسمانها
وَالْأَرْضِ ط وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ وَقَالَ
و زمینهاست و چون اراده کند کاری را جز این نیست که گوید آنچیز را باش پس آن باشد و گفتند
الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللّٰهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ ط كَذٰلِكَ قَالَ
آنانکه نمیدانند چرا سخن نمیگوید به خدای یا نمی آرد حجتی همچنین گفتند
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ ط تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ ط قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ
آنانکه بودند پیش از ایشان مانند گفتار ایشان مشابه است دلهای آن گروه بتحقیق روشن گردانیدیم نشانها
لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ
برای گروهی که یقین میکنند بدرستی که ما فرستادیم ترا براستی مژده دهنده و بیم کننده و پرسیده نخواهی شد
عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ۝ وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ
از آنها که اهل دوزخند و هرگز خشنود نشوند از تو جهودان و نه ترسایان
حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ط قُلْ إِنَّ هُدَى اللّٰهِ هُوَ الْهُدَىٰ ط وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ
تا آنکه پیروی کنی کیش ایشان را بگوای محمد بدرستیکه راه نموده خدا اوست که راه راست نمود و اگر پیروی نمایی

از ابن عباس [illegible]

واگر
پیروی نمایی
ای محمد بطریق
فرض یا راست
محمد از قبیل اکابر
اعتزوا التسمیع مجازه
۱۲هـ

أَهْوَآءَهُم بَعْدَ الَّذِي جَآءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ

آرزوهای ایشان را پس از آنکه آمده است بتو از دانش نباشد ترا از عذاب خدا هیچ دوستی

وَلَا نَصِيرٍ ۝ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ

ونه یاری دهنده آنانکه عطا کردیم ایشان را توریت می خوانند چنانچه حق خواندن است آنگروه

يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ ع

ایمان آوردند بکتاب خدا و هرکه کافر گردد بکتاب آنگروه زیان کارانند

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ

ای فرزندان یعقوب یاد کنید نعمتهای مرا آنکه انعام کردم برشما و تفضیل دادم پدران شمارا

عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا

بر همه عالمیان و بترسید از روزی که کفایت نکند کسی از کسی چیزی را از عذاب

وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۝ حزب

و قبول کرده نشود از هیچ نفسی فدا و سود نکند شفاعت کردن و نه ایشان یاری کرده شوند

وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ

و وقتیکه بیازمود ابراهیم را پروردگار او بسخنان باتمام رسانید ابراهیم گفت خدا بدرستی که گرداننده توام

لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِن ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ۝

برای مردمان پیشوا گفت ابراهیم بعض از فرزندان مرا امام گردان گفت خدا نرسد عهد من ستمکاران را

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ

و گردانیدیم خانه کعبه را جای بازگشت مردمان و جای ایمن و فرا گیرید ای مومنان از مقامی که منسوب

إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا

بابراهیم موضع نماز و عهد کردیم بسوی ابراهیم و بسوی اسماعیل آنکه پاک سازید

بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ۝ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ ص

خانه مرا برای طواف کنندگان و برای مجاوران و برای رکوع کنندگان و سجود نمایندگان و چون گفت ابراهیم

رب

رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا اٰمِنًا وَّارْزُقْ اَهْلَهٗ مِنَ الثَّمَرٰتِ مَنْ اٰمَنَ
ای پروردگار ما بگردان این مکان را شهری ایمن و روزی ده اهل این شهر را از انواع میوه هر که ایمان آرد
مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ ؕ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَاُمَتِّعُهٗ قَلِيْلًا
از ساکنان این شهر بخدا و بروز قیامت گفت خدای و هر که کافر باشد برخوردار گردانیم اندک
ثُمَّ اَضْطَرُّهٗۤ اِلٰى عَذَابِ النَّارِ ؕ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ۝ وَاِذْ يَرْفَعُ اِبْرٰهٖمُ
پس مضطر گردانیم او را بسوی عذاب دوزخ و بد بازگشتی است دوزخ و وقتیکه بر داشت ابراهیم
الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَاِسْمٰعِيْلُ ؕ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا ؕ اِنَّكَ اَنْتَ
پایه ها را از خانه کعبه و نیز اسمعیل گفتند پروردگار ما قبول کن از ما بدرستیکه تویی
السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ۝ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَآ
شنوای دانا ای پروردگار ما بگردان ما را ثابت بر اسلام برای تو و بگردان فرزندان ما را
اُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ ۪ وَاَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا ۚ اِنَّكَ اَنْتَ
گروهی گردن نهنده برترا و بنما ما را افعال حج و بپذیر توبه بر ما بدرستیکه تو
التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ ۝ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيْهِمْ رَسُوْلًا مِّنْهُمْ يَتْلُوْا عَلَيْهِمْ
پذیرنده توبه بخشاینده ای پروردگار ما برانگیز در ذریت ما فرستاده از ایشان خواند بر ایشان
اٰيٰتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰبَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيْهِمْ ؕ اِنَّكَ اَنْتَ
آیتهای کتاب تو و بیاموزد ایشان را قرآن و احکام را و پاک گرداند ایشان را بدرستیکه تویی
الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۝ وَمَنْ يَّرْغَبُ عَنْ مِّلَّةِ اِبْرٰهٖمَ اِلَّا مَنْ سَفِهَ
غالب دانا و محکم کار و کیست که باز گردد از دین ابراهیم مگر کسیکه سبک و خوار کرد
نَفْسَهٗ ؕ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنٰهُ فِى الدُّنْيَا ۚ وَاِنَّهٗ فِى الْاٰخِرَةِ لَمِنَ الصّٰلِحِيْنَ
نفس خود را و بتحقیق برگزیدیم ابراهیم را در این سرای و بدرستی که او در آخرت از صالحان است
اِذْ قَالَ لَهٗ رَبُّهٗۤ اَسْلِمْ ۙ قَالَ اَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۝ وَوَصّٰى
وقتیکه گفت ابراهیم را پروردگار او گردن بنه گفت ابراهیم گردن نهادم مر پرورنده عالمیان و وصیت کرد

مراد از رسول
پیغمبر ماست زیراکه
آنحضرت فرموده که
انا دعوة ابی ابراهیم یعنی
منم اثر دعوت پدر خود
ابراهیم و غیر آنحضرت
پیغمبری دیگر از ذریت ابراهیم
و اسمعیل نبوده انبیاء
بنی اسرائیل همه از نسل
اسحق علیه السلام بودند
[illegible]
ع

بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ

بآن ابراهیم در وقت رحلت پسران خود را و یعقوب نیز اولاد خود را ای پسران من بدرستیکه خدای برگزید برای شما اسلام را

فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۝ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ

پس باید که نمیرید مگر در حالتی که باشید مسلمانان آیا بودید شما حاضر وقتیکه آمد یعقوب

الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ

مرگ وقتی که گفت پسران خود را چه چیز خواهید پرستید از پس وفات من گفتند خواهیم پرستید

إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ

خدای ترا و خدای پدران ترا ابراهیم و اسمعیل و اسحاق خدای یگانه و ما مران

لَهُ مُسْلِمُونَ ۝ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ

خدای یگانه را گردن نهنده گانیم این جماعت گروهی اند که در گذشتند مر ایشان راست آنچه کسب کردند و مر شماراست آنچه کسب کردید

وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ

و پرسیده نخواهید شد از آنچه که بودند میکردند و گفتند یهودان و مؤمنان را باشید یهودان یا ترسایان

تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

تا راه یابید بگو ای محمد بلکه اطاعت میکنیم ملت ابراهیم را مایل بدین اسلام و نه بود ابراهیم از شرک آرندگان

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ

بگوئید ای مؤمنان گرویدیم بخدای و آنچه نازل ساخت بر ما و آنچه فرستاد بسوی ابراهیم و اسمعیل

وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ

و اسحاق و یعقوب و بفرزندان یعقوب و آنچه داده است موسی و عیسی را

وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ

و آنچه داده است به پیغمبران دیگر از پروردگار ایشان جدائی نمی افکنیم میان یکی از ایشان و ما

لَهُ مُسْلِمُونَ ۝ فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا

مر خدای را گردن نهنده گانیم پس اگر ایمان آرند بمانند آنچه شما ایمان آوردید بآن هرآینه راه راست یافته باشند

اعتقاد یهود آن بود که اولاد ایشان
بطاعت پدران ثواب خواهند داد
و بر کفر ایشان عقوبت خواهند
کشید حق تعالی رد قول
ایشان کرده بها ابراهیم

اگرچه
صحف بابراهیم
نازل شده نه بر بکری
اما چون ایشان عمل
بصحف میکردند گویا
که بایشان نیز نازل
شده علم

وَإِنْ تَوَلَّوْا

وقف جبرئیل علیه السلام

وَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِيعُ

واگر برگردید از ایمان جز این نیست که ایشان در خلاف و نزاع اند زود باشد که کفایت کند خدای وادرت شنوا

الْعَلِيمُ ۝ صِبْغَةَ اللّٰهِ وَمَنْ اَحْسَنُ مِنَ اللّٰهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ

دانا رنگ کرده است خدای وکیست نیکوتر از خدای رنگ کننده وما او را پرستیده گانیم

قُلْ اَتُحَاجُّونَنَا فِي اللّٰهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا اَعْمَالُنَا

بگوای محمد آیا جدال میکنند با ما در دین خدای و او پروردگار مات و آفریدگار شما ومارات جزای کردار ما

وَلَكُمْ اَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ۝ اَمْ تَقُولُونَ اِنَّ اِبْرَاهِيمَ

وشمارت مکافات عملهای شما وما مر او را مخلصانیم آیا می گویند اهل کتاب بدرستی که ابراهیم

وَاِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْاَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا اَوْ نَصَارٰى

واسماعیل واسحاق ویعقوب وپیغمبرزادهگان بودند یهود یا نصرانی

قُلْ اَاَنْتُمْ اَعْلَمُ اَمِ اللّٰهُ وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ

بگوای محمد آیا شما داناترید یا خدای وکیست ستمکارتر از انکس که بپوشد گواهی نزدیک او

مِنَ اللّٰهِ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝ تِلْكَ اُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا

از خدای ونیست خدای بیخبر از آنچه می کنید آن جماعه مذکوره قومی بودند درگذشتند مرایشانراست

مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْئَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝

آنچه کسب کردند وشمارات آنچه کسب کرده اید و پرسیده نخواهید شد از آن چیزیکه ایشان کرده باشند

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلّٰيهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا

زود باشد که بگویند کم خردان از مردمان چه چیز بازگردانید مسلمانان را از قبله ایشان که ثابت بودند

عَلَيْهَا قُلْ لِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ اِلٰى صِرَاطٍ

بر آن بگوای محمد خدارات جهة شرق وهم مغرب راه می نماید هر که را خواهد بسوی راه

مُسْتَقِيمٍ ۝ وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ اُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا

راست وهمچنانکه شما از راه یافتگان کردانیدیم گروهی برگزیده تا باشید

٢ الجزء الثانی

شهداء على الناس ويكون الرسول عليكم شهيدا ط

گواهان بر مردمان وتا باشد محمد بر شما گواهی براستی شما

وما جعلنا القبلة التي كنت عليها الا لنعلم من يتبع الرسول

ونگردانیدیم قبله عبادت تو آن جهتی را که بودی پیش ازان مگر برای آنکه بدانیم آنکس را یعنی پیدا کنیم که پیروی رسول کند

ممن ينقلب على عقبيه ط وان كانت لكبيرة الا على الذين

ازانکس که باز گردیدند بر پاشنهای خود وبدرستی که تحویل قبله هر آینه بزرگ کرد بر آنانکه

هدى الله ط وما كان الله ليضيع ايمانكم ان الله بالناس لرءوف

راه نموده است خدای ونیست خداوند سزاوار آنکه ضایع گرداند ایمان شمارا بدرستی که خدای بر مردمان مهربان است

رحيم ۝ قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك

بخشاینده بدرستیکه می بینیم گردیدن روی ترا ازجهت آسمان پس متوجه سازیم ترا

قبلة ترضيها صلے فول وجهك شطر المسجد الحرام ط وحيث

آن قبله که تو می خواهی پس بگردانی روی خودرا بجانب مسجد حرام وهرجا که

ما كنتم فولوا وجوهكم شطره ط وان الذين اوتوا الكتاب

باشید از بر وبحر پس بگردانید روی خودرا بجانب مسجد بدرستی آنانکه داده شدند توریت

ليعلمون انه الحق من ربهم ط وما الله بغافل عما يعملون ۝

هر آینه می دانند که تحویل از بیت المقدس ازنزد پروردگار ایشانست ونیست خدای غافل ازانچه می کنند

ولئن اتيت الذين اوتوا الكتاب بكل اية ما تبعوا قبلتك ط

واگر بیاوری تو ای محمد بانانکه داده شده کتاب توریت هر معجزه را پیروی نکنند قبله ترا

وما انت بتابع قبلتهم ع وما بعضهم بتابع قبلة بعض ط و

ونیستی تو پیروی کننده قبله ایشان ونیستند بعضی از ایشان پیروی کننده قبله بعضی را و

لئن اتبعت اهواءهم من بعد ما جاءك من العلم انك اذا لمن

اگر پیروی کنی ازروهای ایشان را پس ازانکه آمد بتو ازدانستن آن که قبله ابراهیم حق است آنهنگام از بدرستیکه تو

مرویست که آنحضرت در مکه نماز بجانب کعبه میگذارد وچون بمدینه هجرت نمود مامور شد که در نماز متوجه صخره شود بجهت الفت ودلجوئی یهود تا بالکلیه ازان حضرت نرمند وبعد ازان مامور شد بتوجه کعبه که قبل از هجرت بر آن بود پس حقسبحانه میفرماید که ما نساختیم قبله را جهتی که پیش ازین بر آن بودی الا لنعلم ه بلاغه

الظلمين

ستمکاران

لمن الظالمين ○ الذين آتيناهم الكتاب يعرفونه كما يعرفون
ستمکاران — آنانکه داده ایم ایشان را توریت — می شناسند محمد را — همچنانکه می شناسند
أبناءهم وإن فريقا منهم ليكتمون الحق وهم يعلمون ○
پسران خود را و بدرستی که گروهی از ایشان هر آینه می پوشند حق را حال آنکه می دانند
الحق من ربك فلا تكونن من الممترين ○ ولكل وجهة هو
آنچه راست است از پروردگار تو پس مباش از شک کنندگان هر امتی را قبله است که او گرداننده است روی خود را
موليها فاستبقوا الخيرات أين ما تكونوا يأت بكم الله جميعا
بآن جهت پس پیشی گیرید در نیکوئیها هرجا که باشید بیارد خدای همه شما را جمع کند روز قیامت
إن الله على كل شيء قدير ○ ومن حيث خرجت فول وجهك
بدرستی که خدا بر همه چیزها توانا است از هرجا نی و مکانی که بیرون آئی پس بگردان روی خود را
شطر المسجد الحرام وإنه للحق من ربك وما الله بغافل عما
بطرف مسجد حرام بدرستی این امر راست است از نزد پروردگار تو و نیست خدای بیخبر از آنچه
تعملون ○ ومن حيث خرجت فول وجهك شطر المسجد
می کنند از هرجا که بیرون آئی پس متوجه ساز روی خود را بطرف مسجد
الحرام وحيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره لئلا يكون
حرام و هرجا که باشید پس بگردانید رویهای خود را در جانب آن مسجد تا نباشد
للناس عليكم حجة إلا الذين ظلموا منهم فلا تخشوهم
مر یهودان را بر شما حجتی مگر آنانکه ستم کردند از یهود پس مترسید ای مومنان از ایشان
واخشوني ولأتم نعمتي عليكم ولعلكم تهتدون ○ كما
و بترسید از من تا تمام کنم نعمت خود را بر شما تا شاید شما راه یابید همچنانکه
أرسلنا فيكم رسولا منكم يتلوا عليكم آياتنا ويزكيكم ويعلمكم
فرستادیم در میان شما فرستاده از شما می خواند بر شما آیتهای ما را و پاک میکرداند شما را و می آموزاند

الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ط

قرآن وعلم شريعت وتعليم ميدهد شمارا آنچه نبوديد شما تا دانيد

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ۝ يَا أَيُّهَا

ياد كنيد مرا تا ياد كنم شمارا سپاس داري كنيد مرا وناسپاسي مكنيد مرا اي آن

الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلٰوةِ ط إِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ۝

كسانيكه ايمان آورده ايد ياري جوييد به شكيبائي ونماز [illegible] بدرستي كه خداي با صابرانست

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ أَمْوَاتٌ ط بَلْ أَحْيَاءٌ وَلٰكِنْ لَا

ومگوييد مر كساني را كه كشته شوند در راه خداي كه ايشان مردگانند بلكه ايشان زندگانند ولكين نمي

تَشْعُرُونَ ۝ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ

دانيد هر آينه مي آزمائيم شمارا بچيزي از ترس دشمن وگرسنگي ونقصان

مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ ط وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ۝ الَّذِينَ

در بعضي از مالها ونقصان نفسها مثل بيماري [illegible] ونقصان ميوها مژده ده اي محمد صبر كنندگان را صابران آنانند

إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ط ۝ أُولٰئِكَ

كه هرگاه برسد ايشان را بليه ومكروهي گويند [illegible] آن گروه كه [illegible]

عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ۝

براي ايشانست رحمتهاي بسيار از پروردگار ايشان [illegible] راه يافتگان

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللّٰهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ

بدرستي كه صفا ومروه از نشانهاي خدمت هر كه قصد كند حج خانه كعبه يا عمره

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا ط وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللّٰهَ

هيچ گناهي نيست براو اينكه طواف كند باين دو [illegible]

شَاكِرٌ عَلِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ

شاكر است داناست بدرستي آنانكه مي پوشند آنچه فرستاديم از نشانهاي روشن

وَالْهُدَىٰ

آنچه حق تعالی بیان کرده در کتاب از صفات محمد

والهدى من بعد ما بيناه للناس في الكتاب أولئك يلعنهم

وآنچه راه مینماید از پس آنکه بیان کردیم برای آدمیان در توریت آنگروه که پوشندگان حق اند لعن میکند

الله ويلعنهم اللاعنون ۝ إلا الذين تابوا وأصلحوا وبينوا فأولئك

ایشان را خدا و لعن میکنند ایشان را لعنت کنندگان مگر آنانکه باز گردیدند و بصلاح آمدند کارها تباه کرده خود را بیان کردند پس ایشان

أتوب عليهم وأنا التواب الرحيم ۝ إن الذين كفروا وماتوا

باز کردیم بر ایشان بقبول توبه و منم نیک قبول کننده توبه ام مهربان بر ایشان بدرستی آنانکه کافر شدند و مردند

وهم كفار أولئك عليهم لعنة الله والملائكة والناس

در حالتیکه ایشان کافر شده بودند آنگروه بر ایشانست لعنت خدای و لعنت فرشتگان و همه

أجمعين ۝ خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينظرون ۝

آدمیان جاوید باشند در دوزخ سبک کرده نشود از ایشان عذاب دوزخ و نباشند ایشان مهلت داده شده

وإلهكم إله واحد لا إله إلا هو الرحمن الرحيم ۝ إن في خلق

و خدای شما معبودیست یکتا نیست هیچ معبودی مگر او بخشاینده مهربان بدرستی که در آفریدن

السماوات والأرض واختلاف الليل والنهار والفلك التي

آسمانها و زمین و اختلاف شب و روز و کشتیهای گرانبار که

تجري في البحر بما ينفع الناس وما أنزل الله من السماء من

میرود در دریا بآنچه فایده دهد بمردمان و آنچه فرستاد خدا از آسمان از

ماء فأحيا به الأرض بعد موتها وبث فيها من كل دابة

آب باران پس زنده ساخت بآن آب زمین را از پس پژمرده کی و پراکنده کرد در زمین از هر جنبنده مثل بهایم

وتصريف الرياح والسحاب المسخر بين السماء والأرض لآيات

و گردانیدن بادها از هر جهتی و ابر راه گردانیده میان آسمان و زمین هر آینه نشانهاست

لقوم يعقلون ۝ ومن الناس من يتخذ من دون الله أندادا

مر گروهی را که تفکر میکنند و از مردمان کسانی اند که فرا میگیرند بجز از خدای همتایان

يحبونهم كحب الله والذين آمنوا اشد حبا لله ولو يرى الذين

دوست میدارند ایشان را همچو دوست داشتن خدا آنانکه ایمان آوردند قوی ترند از روی دوستی مر خدا را چون ببینند آنها که

ظلموا اذ يرون العذاب ان القوة لله جميعا وان الله شديد

ظلم کردند در وقتیکه ببینند عذاب روز جزا انکه همه قوت و غلبه خدا راست و بدرستی که خدای سخت

العذاب ● اذ تبرء الذين اتبعوا من الذين اتبعوا وراوا العذاب

عذاب است وقتی که بیزاری کنند آنانکه پیروی کرده شدند از آنانکه پیروی کرده اند ببینند عذاب را

وتقطعت بهم الاسباب ● وقال الذين اتبعوا لو ان لنا كرة

و بریده شود بایشان رسنها وگویند آنانکه پیروی کردند اگر بار اوست ما را بازگشتی

فنتبرا منهم كما تبروا منا كذلك يريهم الله اعمالهم

پس بیزاری میکردیم از ایشان همچنانکه بیزاری کردند از ما اینجا همچنانکه بنماید ایشان را خدا کردارهای ایشان

حسرات عليهم وما هم بخارجين من النار ● يا ايها الناس كلوا

حسرتها و پشیمانیها بر ایشان و نباشند ایشان و تابعان بیرون آیندگان از آتش دوزخ ای مردمان بخورید

مما في الارض حلالا طيبا ولا تتبعوا خطوات الشيطان انه

از آنچه در زمین است پاک و پاکیزه و پیروی مکنید گامهای ابلیس را بدرستی که شیطان

لكم عدو مبين ● انما يامركم بالسوء والفحشاء وان تقولوا

مر شما را دشمنی است آشکارا بدرستیکه امر میکند شیطان شما را به بدی و کار زشت و دیگر شیطان میگوید بگوئید

على الله ما لا تعلمون ● واذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله

بر خدای آنچه نمیدانید و چون گفته شود مر ایشان را پیروی کنید آنچه فرستاد خدای

قالوا بل نتبع ما الفينا عليه آباءنا اولو كان آباؤهم لا يعقلون

گویند بلکه پیروی میکنیم آنچه یافته ایم بر آنچیز پدران خود را اگرچه بودند پدران ایشان فهم نمیکردند

شيئا ولا يهتدون ● ومثل الذين كفروا كمثل الذي ينعق

چیزی را و راه راست نیافته بودند یعنی صفت خوانندگان کافران بتوحید مانند کسی است که بانگ می زند

بما لا يسمع

بما لا يسمع الا دعاء ونداء صم بكم عمى فهم لا يعقلون

بجانوری که نمی شنود مگر خواندن و آوازی کرانند گنگانند کوراند پس ایشان عقل ندارند

يا ايها الذين امنوا كلوا من طيبات ما رزقناكم واشكروا

ای انکسانی که ایمان آوردید بخورید از پاکیزها که روزی داده ایم شمارا شکر گویید

لله ان كنتم اياه تعبدون ۝ انما حرم عليكم الميتة والدم

خدای را اگر هستید شما اورا میپرستید نه غیر اورا جز این نیست که حرام گردانید بر شما مردار را و خون را

ولحم الخنزير وما اهل به لغير الله فمن اضطر غير باغ ولا عاد

و گوشت خوک را و حرام کرد آنچه آواز بر دارند بآن در وقت ذبح برای غیر خدا پس هر که درماند در حالتی که ستمکار نبود و نه متجاوز

فلا اثم عليه ان الله غفور رحيم ۝ ان الذين يكتمون

پس نیست گناهی بر او بدرستی که خدای آمرزنده مهربانست بدرستی آنانکه می پوشند

ما انزل الله من الكتاب ويشترون به ثمنا قليلا اولئك

آنچه فرستاد خدای از توریت و میخرند بدان پوشیدن بهای اندک آنگروه پوشندگان

ما يأكلون في بطونهم الا النار ولا يكلمهم الله يوم القيمة

نمی خورند در شکمهای خود مگر آتش و سخن نگوید با ایشان خدای روز قیامت

ربع

ولا يزكيهم ولهم عذاب اليم ۝ اولئك الذين اشتروا الضلالة

و پاک نگرداند ایشانرا و مر ایشانراست عذاب دردناک آنگروه آنانند بخریدند گمراهی را

حزب

بالهدى والعذاب بالمغفرة فما اصبرهم على النار ۝ ذلك بان

با یمان و بخریدند عذاب بآمرزش پس چه شکیبا گردانید ایشانرا بر آتش دوزخ این عذاب ایشانراست

الله نزل الكتاب بالحق وان الذين اختلفوا في الكتاب لفي

که خدای فرستاد توریت براستی و بدرستی آنان که خلاف کردند در کتاب خدای هر آینه در

شقاق بعيد ۝ ليس البر ان تولوا وجوهكم قبل المشرق

عنادی دورند نیست نیکو آنکه بگردانند رویهای خودرا بسوی مشرق

چون بعد از تحویل قبله یهودی و نصاری خوض در امر قبله کردند یهود گفتند که نیکوی منحصر در توجه بسوی مغربست که قبله ما در آنطرفست و نصاری گفتند که نیکوی در توجه بموضع از مشرقست ه

حق سبحانه و تعالی در رد ایشان می فرماید که لیس البر ه تغیر بهای قبله مانست ولد عیبست در آنچی شده و آن یعنی توجه البرق ه

وَالْمَغْرِبِ وَلٰكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ
وبسوی مغرب ولیکن نیکوئی کسی است که بگروید بخدای وبروز قیامت وبهمه فرشتگان
وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيّٖنَ وَاٰتَى الْمَالَ عَلٰى حُبِّهٖ ذَوِي الْقُرْبٰى وَالْيَتَامٰى
وبهمه کتابها وبهمه پیغمبران وبدهد مال خودرا بدوستی آن مال خویشان خودرا وبی پدران را
وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّآئِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَاَقَامَ الصَّلٰوةَ
ومحتاجان را وره گذریان ودرویشان خواهنده ودر خلاص کردن گردنهای بندگان از بندگی وبپای دارد نماز را
وَاٰتَى الزَّكٰوةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ اِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ
وبدهد زکوت ووفاکنندگان بعهد خود چون عهد کنند وصبرکنندگان
فِي الْبَاْسَآءِ وَالضَّرَّآءِ وَحِينَ الْبَاْسِ اُولٰٓئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا
درفقر وفاقه ودر رنج ودر هنگام کارزار آنگروه آنانند که راست گفتند در دین
وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ◉ يَآ اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ
وآنگروه ایشانند پرهیزکاران ای آنکسانیکه گرویده اید فرض کرده شد برشما
الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلٰى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْاُنْثٰى
قصاص کردن در کشتگان آزادی بآزادی وبنده به بنده وزنی
بِالْاُنْثٰى فَمَنْ عُفِيَ لَهٗ مِنْ اَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَاَدَآءٌ
بزنی پس هرکه عفو کرده شود برای او از قصاص برادر دینی چیزی از عفو بر قاتل است از پی رفتن به نیکی واداکردن دیت
اِلَيْهِ بِاِحْسَانٍ ذٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدٰى
بولی مقتول به نیکوئی این حکم سبکباریست شمارا از پروردگار شما ومهربانی او پس هرکه از حد بگذرد
بَعْدَ ذٰلِكَ فَلَهٗ عَذَابٌ اَلِيمٌ ◉ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَآ اُولِي
پس از آنکه عفو کرده باشد پس اوراست عذابی دردناک ومرشماراست در قصاص زندگی ای خداوندان
الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ◉ كُتِبَ عَلَيْكُمْ اِذَا حَضَرَ اَحَدَكُمُ
عقول کامله شاید که شما پرهیزید نوشته شد برشما چون حاضر گردد یکی از شمارا

بدانکه قبل ازین درایتاء مال مذکور شد در بیان نوافل صدقات بود مواهب

محققان گفته اند که کمالات انسانی باز منحصر است در سه چیز صحت اعتقاد وحسن معاشرت و تهذیب نفس اما صحت اعتقاد تصدیق حق سبحانه وسایر مومن به است وحسن معاشرت مواسا کردن بمال ارباب استحقاق وتهذیب نفس اقامت صلوة وزکوة ووفا وصبر مجموع درین آیه جامع کمالات انسانی باشد وازین جهت مروی است از ابوذر نقل میکند که من عمل بهذه الآیة فقد استکمل الایمان مواهب

الموت
علامات مرکب

الموت ان ترك خيرا الوصية للوالدين والاقربين بالمعروف

علامات مرگ اگر بگذارد مالی را وصیت کردن برای پدر و مادر و از برای خویشاوندان به نیکوئی

حقا على المتقين ۝ فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه

ثابت بودنی بر پرهیزکاران پس هر که بدل کند امر وصیت را پس از آنکه شنیده باشد آنرا جز این نیست گناه آن

على الذين يبدلونه ان الله سميع عليم ط فمن خاف من موص

بر آنانست که تبدیل میکنند حکم وصیت را بدرستیکه خدا شنونده داناست پس هر که ترسد از وصیت کننده

جنفا او اثما فاصلح بينهم فلا اثم عليه ط ان الله غفور رحيم ۝

میلی از حق یا گناهی بعهد در میل پس صلاح کند میان موصی و وارث او پس گناهی نیست بر او بدرستیکه خدا آمرزگار است مهربانست

يا ايها الذين امنوا كتب عليكم الصيام كما كتب على الذين

ای آنکسانیکه گرویده اید فرض کرده شد بر شما روزه داشتن چنانکه فرض شده بود بر آنانکه

من قبلكم لعلكم تتقون ۝ اياما معدودات ط فمن كان

پیش از شما بودند شاید که شما پرهیزید روزهای چند شمرده شده پس هر که باشد

منكم مريضا او على سفر فعدة من ايام اخر ط وعلى الذين

از شما بیمار یا بر سفری پس شمارست شمار آن روزها از روزهای دیگر و بر آنانکه ایشان

يطيقونه فدية طعام مسكين ط فمن تطوع خيرا فهو خير

طاقت آورند بر روزه داشتن امامشقت فدا دادنست خوردن درویش پس هر که زیاده کند بطوع و رغبت خود نیکوئی را پس آن بهترست

له ط وان تصوموا خير لكم ان كنتم تعلمون ۝ شهر رمضان

اورا و آنکه روزه دارید بهترست مر شما را اگر هستید که بدانید ماه رمضان

الذي انزل فيه القران هدى للناس وبينات من الهدى

ماهیست که فرو فرستاده شدست در او قرآن راه نماینده است مردمان را و دلالتهای روشنست از حلال و حرام

والفرقان ع فمن شهد منكم الشهر فليصمه ط ومن كان مريضا او

و جدا کننده میان حق و باطل پس هر که حاضر باشد از شما در ماه رمضان پس باید که روزه دارد و هر که باشد بیمار یا

عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ

یا در سفر پس بر اوست قضای آن روزها از روزهای دیگر می خواهد خدای بشما آسانی و نمی خواهد بشما

الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ

دشواری را و تا تمام کنند عده ایام سفر و تا بزرگی یاد کنید خدای را بر آنکه راه نمود شما را تا شاید که شما

تَشْكُرُونَ ۝ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ

شکر گویید و چون بپرسند ترا ای محمد بندگان من از صفت من بگو بدرستیکه من نزدیکم بایشان اجابت میکنم

دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

خواندن خواننده را وقتی که مرا خواند پس باید که بندگان اجابت کنند مرا و ایمان آورند بمن شاید که راه راست یابند

أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ

حلال گردانیده شد برای شما در شب روزه مجامعت بازنان خود زنان پوشش اند مر شما را

وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَا

و نیز شما پوشش اید مر زنان را دانا است خدای آنکه شما هستید خیانت می کنید بانفسهای خود پس رجوع کرد

عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ

رحمت واسعه خود بر شما و عفو کرد از شما پس اینهنگام مباشرت کنید بازنان و طلب کنید آنچه نوشته است خدا بر شما

وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ

و بخورید و بیاشامید تا وقتی که روشن شود مر شما را رشته سفید یعنی روشنائی روز از رشته سیاه یعنی

الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَ

تاریکی شب از صبح پس تمام گردانید روزه را تا به شب و مباشرت مکنید بازنان و حال

أَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ

آنکه شما اعتکاف گیرنده باشید در مسجدها آنچه مذکور شد حدهای خداست پس نزدیک مشوید همچنانکه

يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ

روشن گردانید خدا نشانهای خود برای مردمان شاید که ایشان پرهیزند و مخورید اموال خود را

بينكم

نحزب

بينكم بالباطل وتدلوا بها الى الحكام لتاكلوا فريقا من
میان یکدیگر بناشایست و فرو مگذارید و القا مکنید بسوی حکم کنندگان ستمکار تا بخورید بحمایت ایشان پاره از
اموال الناس بالاثم وانتم تعلمون ۞ يسئلونك عن
از مالهای مردمان بظلم وحال آنکه شما می دانید می پرسند ترا ای محمد از
الاهلة قل هي مواقيت للناس والحج وليس البر بان
ماه نو بگو ای محمد نشانها و وقتهاست برای مردمان و علامت حج و نیست نیکو با آنچه
تاتوا البيوت من ظهورها ولكن البر من اتقى واتوا البيوت
درآیید بخانها از پشتهای آن ولیکن خداوند نیکوئی کیست که بترسید و درآیید بخانها
من ابوابها واتقوا الله لعلكم تفلحون ۞ وقاتلوا في سبيل الله
از درهای آن بترسید از خدای شاید که شما رستگار شوید وجهاد کنید در راه خدا
الذين يقاتلونكم ولا تعتدوا ان الله لا يحب المعتدين ۞
آنانکه کارزار میکنند با شما و از حد مگذرید بدرستیکه خدا دوست نمیدارد ستمکاران را
واقتلوهم حيث ثقفتموهم واخرجوهم من حيث اخرجوكم
بکشید ایشان را هرجا که یابید ایشان را و بیرون کنید ایشان را از آنجا که بیرون کردند شمارا
والفتنة اشد من القتل ولا تقاتلوهم عند المسجد
شرک آوردن ایشان درحرم سخت ترست از کشتن مقاتله مکنید با کافران نزدیک مسجد
الحرام حتى يقاتلوكم فيه فان قاتلوكم فاقتلوهم
حرام تا وقتیکه کارزار کنند با شما درحرم پس اگر ابتدا بقتال کنند پس بکشید ایشان را
كذلك جزاء الكافرين ۞ فان انتهوا فان الله غفور
مانند این است پاداش کافران پس اگر باز ایستند کافران پس بدرستیکه خدا آمرزنده است
رحيم ۞ وقاتلوهم حتى لا تكون فتنة ويكون الدين
مهربان کارزار کنید با مشرکان تا وقتی که نباشد فتنه و باشد طاعت

لِلّٰهِ فَاِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ اِلَّا عَلَى الظّٰلِمِيْنَ ۝ اَلشَّهْرُ الْحَرَامُ

مر خدا را پس اگر باز ایستند مشرکان پس ستمکاری نیست مگر بر ستمکاران ماه حرام

بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمٰتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدٰى عَلَيْكُمْ

بعوض آن ماه حرام است حرمتها را مساوات است پس هر که ظلم کند بر شما

فَاعْتَدُوْا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدٰى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوْا

پس تعدی کنید براو مانند آنچه که ستم کرده است بر شما بترسید از خدای بدانید

اَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُتَّقِيْنَ ۝ وَاَنْفِقُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَلَا تُلْقُوْا بِاَيْدِيْكُمْ

آنکه خدای با پرهیزکاران است و نفقه کنید در راه خدای و میفکنید بدستهای خود نفسهای خود

اِلَى التَّهْلُكَةِ وَاَحْسِنُوْا اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ ۝ وَاَتِمُّوا الْحَجَّ وَ

بورطه هلاکت و نیکوئی کنید بدرستی که خدا دوست دارد نیکوکاران را تمام کنید افعال حج را و

الْعُمْرَةَ لِلّٰهِ فَاِنْ اُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوْا

فعلهای عمره را برای خدا پس اگر باز داشته شوید پس بر شما است آنچه میسر شود از قربانی و متراشید

رُءُوْسَكُمْ حَتّٰى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهٗ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيْضًا اَوْ بِهٖ

سرهای خود را تا وقتی که برسد قربانی بموضع خود یعنی مکه پس هر که باشد از شما بیمار یا باو برسد

اَذًى مِنْ رَاْسِهٖ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ اَوْ صَدَقَةٍ اَوْ نُسُكٍ فَاِذَا

رنجی از سر او پس بر اوست فدا دادن از روزه روز یا صدقه یا از قربانی که گوسفند کشند و بفقرا بدهد پس چون

اَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ اِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ

ایمن شوید پس هر که برخوردار شود باعمال عمره قصد کننده باشد بحج پس بر اوست آنچه میسر شود از قربانی پس هر که

لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلٰثَةِ اَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ اِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ

نیابد پس بر اوست روزه سه روز در ایام حج در روزه هفت روز دیگر چون باز گردید بوطن این روزها

عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ذٰلِكَ لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ اَهْلُهٗ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ

ده عدد تمام است مر کسی را است که نباشد اهل او مجاوران مسجد

الحرام واتقوا الله

حرام

وقف النبي

الحرام ط واتقوا الله واعلموا ان الله شديد العقاب ۝ الحج اشهر

حرام بترسید از خدای و بدانید بدرستی که خدا سخت عقوبتست زمان حج ماههای

معلومات ج فمن فرض فيهن الحج فلا رفث ولا فسوق ولا جدال

مشهورات پس هر که فرض کرداند درین ماهها حج را پس جماع نیست او را ونه از حد شرع گذشتن ونه جنگ کردن

في الحج ط وما تفعلوا من خير يعلمه الله وتزودوا فان خير الزاد

در ایام حج وآنچه می کنید از نیکوئی میداند آنرا خدای توشه بردارید بدرستیکه بهترین توشهها

التقوى ف واتقون يا اولي الالباب ۝ ليس عليكم جناح ان

پرهیزکاریست بترسید از من ای خداوندان عقلها نیست برشما گناهی درانکه

تبتغوا فضلا من ربكم ط فاذا افضتم من عرفات فاذكروا

طلب کنید روزی از پروردگار خود پس چون برگردید از عرفات یاد کنید

الله عند المشعر الحرام ص واذكروه كما هديكم وان كنتم

خدای را نزدیک مشعر حرام یاد کنید خدای را همچنانکه راه نمود شما را بدرستیکه بودید شما

من قبله لمن الضالين ۝ ثم افيضوا من حيث افاض الناس

پیش ازین از جمله راه نیافتگان پس بازگردید از جائی که بازمی گردند مردمان

واستغفروا الله ط ان الله غفور رحيم ۝ فاذا قضيتم مناسككم

طلب آمرزش کنید از خدا بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست پس چون بگذارید همه فعلهای حج

فاذكروا الله كذكركم اباءكم او اشد ذكرا ط فمن الناس

پس یاد کنید خدای را همچنانکه یاد کردن شما پدران خود را یا فزونتر یاد کردن پس بعضی از مردمان

من يقول ربنا اتنا في الدنيا وما له في الاخرة من خلاق ۝ ع

کیست که میگوید ای پروردگار ما بده ما را در دنیا ونیست مر خواهنده آنرا در آخرة هیچ نصیبی

ومنهم من يقول ربنا اتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة

بعضی دیگر از مردمان کسی است که میگوید ای پروردگار ما عطا ده ما را درین سرای نیکوئی ودر آخرت

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ○ أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا

نیکوئی ونگهدار مارا از عذاب آتش دوزخ — ایشان گروه مر ایشان راست بهره — از آنچه کسب کردند

وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ○ وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ

وخدای زود شمارست — ویاد کنید خدایرا در روزهای شمرده

فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ

پس هرکه تعجیل کند در دو روز — پس نیست هیچ گناهی براو — وکسیکه تاخیر کند رفتن را پس نیست گناهی

عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ○

براو — بلکه مرکسی راست که پرهیز کند — وبترسید از خدای وبدانید آنکه شما — بسوی خدا جمع کرده خواهید شد

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهِدُ اللَّهَ

واز مردمان کسی هست که بشگفت می اندازد — گفتار او که مصالح در زندگانی دنیا — وگواهی می آرد خدای

عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ○ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ

بر آنچه که در دل اوست — وحال آنکه شدید بخصومت است — وچون برگردد از مجلس تو بشتابد در زمین

لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ ○

تا فساد کند در آن — وتا نابود گرداند زراعت را وهلاک کند چهارپایان را — وخدا دوست نمیدارد تباه کاری را

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ

وچون گفته شود این منافق را بترس از خدای بگیرد اورا غیرت — بسبب گناه — پس بس است اورا جهنم

وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ○ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ

وهر آینه بد فراشیست آتش دوزخ — واز مردمان — کسی هست که میفروشد وبذل میکند نفس خود را بجهت طلب خوشنودی

اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ○ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي

خدای وخدای مهربانست به بندگان — ای آنکسانیکه ایمان آورده اند در آئید در

السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

دایره اسلام — وپیروی مکنید — گامهای — شیطان را بدرستیکه شیطان مر شما را دشمنی آشکار

نصف الحزب

بعد از ذکر منافقین بیان حال مؤمنین میکند که ومن الناس

فان زللتم

فَاِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَآءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ

پس اگر بلغزید پس از آنکه آمد بشما دلایل روشن پس بدانید بدرستیکه خدا غالب است

حَكِيمٌ ۝ هَلْ يَنْظُرُونَ اِلَّا اَنْ يَاْتِيَهُمُ اللّٰهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ

و محکم کار است آیا انتظار می کشند منافقان مگر آنرا که بیاید بایشان عذاب خدا در سایبانها از

الْغَمَامِ وَالْمَلَآئِكَةُ وَقُضِيَ الْاَمْرُ ط وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُورُ ع

ابر سفید و بیایند فرشتگان عذاب و گذارده شود کار و بسوی جزای خدا گردانیده شود همه کارها

سَلْ بَنِي اِسْرَآئِيلَ كَمْ اٰتَيْنَاهُمْ مِنْ اٰيَةٍ بَيِّنَةٍ ط وَمَنْ يُبَدِّلْ

بپرس از بنی اسرائیل که چند دادیم پسران ایشان را از معجزهٔ ظاهره و هر که بدل کند

نِعْمَةَ اللّٰهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُ فَاِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ زُيِّنَ

نعمت خدا را از پس آنکه آمده است آن نعمت باو پس بدرستی که خدا سخت عقوبت است زینت داده شد

لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ اٰمَنُوا م

برای کسی که کافر شدند زندگانی دنیا را و سخریت و استهزا میکنند مر آنان را که ایمان آوردند

وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ط وَاللّٰهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَآءُ بِغَيْرِ

و آنانکه پرهیزکاری کردند بالای سخریت کنندگانند در روز قیامت و خدا روزی میدهد هر که را میخواهد بی

حِسَابٍ ۝ كَانَ النَّاسُ اُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللّٰهُ النَّبِيِّينَ

شمار بودند مردمان پیش از نوح گروهی بر یک طریقه پس برانگیخت خدا پیغمبران را از در حالتی

مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ ص وَاَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ

که مژده دهنده بودند و بیم کننده و نازل گردانید خدا با پیغمبران کتابهای مبین براستی تا حکم کند خدا

بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ ط وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ اِلَّا الَّذِينَ

در میان مردمان در چیزیکه اختلاف کردند در آن و اختلاف نکردند در حق او در کتاب مگر آنانکه

اُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ع فَهَدَى اللّٰهُ

داده شده بودند کتاب را از پس آنکه آمد بدیشان معجزهای روشن از جهة سرکشی که در میان ایشان بود پس راه راست نمود خدا

الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ ۗ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ

آنانکه ایمان آوردند بدانچه اهل خلاف اختلاف کردند دران از امر راست بامر خود وخدای راه مینماید هرکه

يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ

راخواهد بسوی راه راست کردن اسلام است آیا می پندارند اینکه در آیید در بهشت وحال آنکه نیاید بشما

مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ ۖ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا

چون حال آنکسان که بودند پیش از شما رسید بدیشان سختی وبیماری وآزار ومضطرب گشتند

حَتَّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَىٰ نَصْرُ اللَّهِ ۗ أَلَا إِنَّ

تا آنکه می گفت فرستاده خدا وآنانکه ایمان آورده بودند باو وکی باشد یاری خدا آگاه باشید بدرستیکه

نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ ۝ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ ۖ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ

یاری دادن خدا نزدیک است می پرسند ترا چه چیز را نفقه کنند در راه خدا بگو آنچه احسان میکنید از مال

خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ

نیک پس این احسان والدین است ومر خویشان را وبرای بی پدران وبرای درویشان

وَابْنِ السَّبِيلِ ۗ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ۝ كُتِبَ

ومسافران محتاج وآنچه احسان میکنید از مال خود پس بدرستی که خدا بآن داناست فرض کرده شد

عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَكُمْ ۖ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا

بر شما قتال کردن با کفار وحال آنکه آن قتال مکروه است طبع شما وشاید که شما مکروه دارید

شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ ۖ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ

چیزی را وحال آنکه آن چیز نیکو باشد مر شما را وشاید که دوست دارید چیزی را وحال آنکه آن چیز بد باشد مر شما را وخدا

يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ

میداند نیکی وبدی چیزها وشما نمی دانید می پرسند ترا قریش از ماه حرام حکم مقاتله

فِيهِ ۖ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ ۖ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ

در وی است بگو که مقاتله کردن در او گناه بزرگ است وباز داشتن مردمان از راه خدای وکافر شدن بخدا وباز داشتن مردمان از مسجد

الْحَرَامِ حرام

بعد از آن امر کسید ... از زیاد اهل عناد وقوم ...
ام حسبتم ۵
بها الدین

نقل است که میان مکه وطائف
هفتاد پیغمبر را یافتند
سبب موت ایشان گرسنگی
بود ۵ مواهب

سوال از وجه نفقه بود آن
جواب بیان مصرف آن ...
که در محل خود واقع شود ۵ تفسیر ...

ع

گویند که مسلمانان در ماه رجب
که از اشهر حرم است کافری را یکمان
آنکه ماه جمادی الآخرت است کشتند
قریش زبان طعن دراز کردند
محمد ماه حرام را حلال کرد
واین معنی را از آنحضرت سوال کردند
این آیه آمد یسئلونک ۵ بها
الدین ۵

نیز روا ...
...
...
یا معطوفات ۵ بها الدین

الْحَرَامِ ق وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللّٰهِ ج وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ

حرام وبیرون کردن اہل مسجد که پیغمبرست ازمسجد بزرگ ترست کناه او نزد خدای وکفر وسایر اعمال قریش بزرگترست

مِنَ الْقَتْلِ ط وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ

از قتل وهمیشه باشند مشرکان مقاتله میکنند باشما تا انکه برگردانند شمارا از دین شما

إِنِ اسْتَطَاعُوا ط وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ

اگر قدرت برگردانیدن داشته باشند وهرکه برگردد از جمله شما از دین خود پس بمیرد وحال انکه او کافر باشد

فَأُولٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ج وَأُولٰئِكَ

پس انگروه باطل باشد عملهای ایشان در این سرا ودر آن سرا وانگروه

أَصْحَابُ النَّارِ ج هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ

یاران دوزخ اند ایشان در آتش جاوید مانندگانند بدرستی انانکه ایمان آوردند ومهاجرت کرده اند

هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ لا أُولٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ

از اوطان خود وجهاد کردند در راه خدای انگروه امید می دارند رحمت

اللّٰهِ ط وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ ط يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ ط قُلْ

خدارا وخدا آمرزنده گناهان مهربانست میپرسند ترا از حکم شراب وقمار بگو

فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ صلے وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا ط

درین هردو گناهی بزرگست ومنفعتهاست مردمان را وگناه خمر وقمار بزرگترست از نفع آن

وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ ۝ ط قُلِ الْعَفْوَ ط كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ

وسوال میکنند ترا که چه چیز نفقه کنند بگو ای محمد نفقه کنید انچه زیاده باشد از نفقه خود وعیال همچنین روشن میکرداند خدا

لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ۝ لا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ط

برای شما احکام را تا باشد که شما فکر کنید در احکامهای دنیا وآخرت

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ ط قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ ط وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ

ومی پرسند ترا از معیشت با یتیمان بگو اصلاح بودن در حال ومال ایشان بهترست از دور شدن از ایشان واگر مخالطت کنید با ایشان

فَاِخْوَانُكُمْ ط وَاللّٰهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ ط وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَاَ

پس ایشان برادران شما اند خدا می داند ضایع کنندۀ مال ایتام را از اصلاح کنندۀ کار ایشان و اگر خواستی خدای

عْنَتَكُمْ ط اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ۝ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكٰتِ حَتّٰى

هر آینه در رنج افکندی شما را بدرستی که خدا غالب است محکم کار و زن مخواهید زنان مشرک رنده را تا وقتیکه

يُؤْمِنَّ ط وَلَاَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَّلَوْ اَعْجَبَتْكُمْ ج وَلَا

ایمان آرند و هر آینه کنیزک مومنه بهتر است از آزاد مشرکه آرنده و اگرچه تعجب آرد شما را آن زن از کثرت مال و

تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِيْنَ حَتّٰى يُؤْمِنُوْا ط وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ

بنکاح در میاورید زنان مومنه با مردان مشرکین تا وقتیکه ایمان آرند و هر آینه بندۀ مؤمن بهتر است از مشرک آزاد

وَّلَوْ اَعْجَبَكُمْ ط اُولٰٓئِكَ يَدْعُوْنَ اِلَى النَّارِ ج وَاللّٰهُ يَدْعُوْٓا اِلَى

و اگرچه تعجب آرد شما را آن زن مشرک و مردان مشرک میخوانند مردمان را بسوی آتش دوزخ و خدا می خواند مردم را بسوی

الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِاِذْنِهٖ ج وَيُبَيِّنُ اٰيٰتِهٖ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ

بهشت و آمرزش بامر خود و روشن میکند احکام خود را برای مردمان تا باشد که ایشان پند گیرند

وَيَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ الْمَحِيْضِ ط قُلْ هُوَ اَذًى لا فَاعْتَزِلُوا النِّسَآءَ فِى

و میپرسند از تو ای محمد از خون حیض بگو که خون حیض پلید است و سبب اذیت پس گوشه گیرید از زنان در

الْمَحِيْضِ وَلَا تَقْرَبُوْهُنَّ حَتّٰى يَطْهُرْنَ ج فَاِذَا تَطَهَّرْنَ فَاْتُوْهُنَّ

حالت حیض و نزدیک مشوید با ایشان بجماع تا آنکه پاک شوند پس چون غسل کنند پس بیایید بدیشان

مِنْ حَيْثُ اَمَرَكُمُ اللّٰهُ ط اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ التَّوَّابِيْنَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِيْنَ

از جائیکه امر کرد شما را خدا که آن فرج است بدرستیکه خدا دوست میدارد توبه کنندگان را و دوست می دارد پاکیزگان را

نِسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ ص فَاْتُوْا حَرْثَكُمْ اَنّٰى شِئْتُمْ ز وَقَدِّمُوْا

زنان شما کشت زار شما اند پس بیایید کشت زار خود را هر گونه که خواهید و پیش فرستید

لِاَنْفُسِكُمْ ط وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوْٓا اَنَّكُمْ مُّلٰقُوْهُ ط وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ

برای نفسهای خود عملهای صالح و بترسید از عذاب خدا و بدانید اینکه شما ملاقات خواهید کرد و مژده ده مؤمنان را

عطاء ابن [illegible] کرده
ابراهیم روایت کند که ولا تنکحوا المشرکات [illegible] منسوخ است
که آیه والمحصنات من الذین اوتوا الکتاب من قبلکم [illegible]
[illegible]

حتی یطهرن
تا آنکه پاک شوند [illegible]
[illegible] منقطع شود [illegible] غسل [illegible]

اختلاف اصحاب [illegible]
[illegible]

وَلَا تَجْعَلُوا اللّٰهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا

و مکردانید خدای محل عرض و دست آویز سوکندهای خود جهة آنست که تا نیکوئی کنید و پرهیزکاری کنید و صلح افکنید میان مردمان

بَيْنَ النَّاسِ ط وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللّٰهُ بِاللَّغْوِ فِي

میان مردمان وخدای شنوست داناست مؤاخذه نمیکند شمارا خدا بسبب قصد و اختیار کفتن در

أَيْمَانِكُمْ وَلٰكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللّٰهُ غَفُورٌ

سوکندهای شما ایمانی شمارا ولیکن مؤاخذه میکند شمارا بسبب سوکندها که حاصل کرده از دلهای شما وخدا آمرزنده و

حَلِيمٌ ۝ لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ

بردبارست مرآنانرا که سوکند میخورند از ترک وطی زنان خود انتظار بردن چهار ماهست

فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ

پس اکر رجوع کند بسوی زنان پس بدرستی که خدا آمرزنده است و مهربانست و اکر قصد کنند طلاق زنان خود را پس بدرستی

اللّٰهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلٰثَةَ

که خدا شنوست وداناست زنان طلاق داده شده انتظار برند بنفسهای خود در مدت سه

قُرُوءٍ ط وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللّٰهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ

طهر وحلال نباشد زنانرا اینکه بپوشند آنچیزرا که آفریده است خدا در رحمهای ایشان

إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ط وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي

اکر هستند که ایمان دارند بخدا وبروز قیامت وشوهران ایشان سزاوارترند بانکه رجوع کنند بایشان در

ذٰلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا ط وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ

زمان عدة اکر خواهند شوهران صلح انداختن ومرایشانراست مانند آن حق ومرزنانراست حق واجب برشوهران بخوبی

وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ط وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ ص

ومردانراست برزنان افزونی وخدای غالبست محکم کار طلاق رجعی دوبارست

فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ ط وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا

پس بعد از طلاق نکهداشتن است بنیکوئی یا رها کردن به نیکوئی وحلال نیست شمارا انکه فرا کیرند

مِمَّآ اٰتَيتُمُوهُنَّ شَيئًا اِلَّآ اَن يَخَافَآ اَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللّٰهِ فَلَا جُنَاحَ

آنچه داده باشید زنان را چیزی مگر آنکه ترسند مرد و زن آنکه بپای نمیتوانند داشت احکام الهی پس هیچ وبالی

عَلَيهِمَا فِيمَا افتَدَت بِهٖ تِلكَ حُدُودُ اللّٰهِ فَلَا تَعتَدُوهَا وَمَن

بر مرد و زن در آنچه خود را خرید باشد بآن این احکام مذکوره اندازهای خداست پس در مگذرید از آن و هر که

يَتَعَدَّ حُدُودَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُونَ ۝ فَاِن طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ

بیرون رود از اندازهای خدای پس آن گروه ایشانند ستمکاران پس اگر طلاق دهد پس حلال نباشد آن

لَهٗ مِن بَعدُ حَتّٰى تَنكِحَ زَوجًا غَيرَهٗ فَاِن طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيهِمَآ

زن آنمرد را از پس طلاق تا وقتی که بنکاح آرد شوهری غیر از شوهر اول پس اگر طلاق دهد شوهر ثانی پس گناهی نیست بر شوهر اول و زن طلاق داده

اَن يَتَرَاجَعَآ اِن ظَنَّآ اَن يُقِيمَا حُدُودَ اللّٰهِ وَتِلكَ حُدُودُ اللّٰهِ

آنکه بایکدیگر رجوع کنند اگر گمان داشته باشند آنکه بپای دارند اندازهای خدای و اینکه مذکور شد اندازهای خداست

يُبَيِّنُهَا لِقَومٍ يَعلَمُونَ ۝ وَاِذَا طَلَّقتُمُ النِّسَآءَ فَبَلَغنَ اَجَلَهُنَّ

بیان میکند برای گروهی که میدانند و چون طلاق دهید زنان را پس رسند بنهایت مدت یعنی عده

فَاَمسِكُوهُنَّ بِمَعرُوفٍ اَو سَرِّحُوهُنَّ بِمَعرُوفٍ وَلَا تُمسِكُوهُنَّ

پس نگهدارید ایشان را به نیکوئی یا رها کنید ایشان را به نیکوئی و باز مدارید ایشان را

ضِرَارًا لِتَعتَدُوا وَمَن يَفعَل ذٰلِكَ فَقَد ظَلَمَ نَفسَهٗ وَلَا تَتَّخِذُوٓا

بر وجه ضرر تا ستم کنید بر ایشان و هر که بکند چنین پس بتحقیق بیداد کرده است نفس خود را و فرا مگیرید

اٰيٰتِ اللّٰهِ هُزُوًا وَاذكُرُوا نِعمَتَ اللّٰهِ عَلَيكُم وَمَآ اَنزَلَ عَلَيكُم

احکام خدای را سخریت و یاد کنید نعمتهای خدا را بر شما و آن چیز را که فرستاده است بر شما

مِنَ الكِتٰبِ وَالحِكمَةِ يَعِظُكُم بِهٖ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعلَمُوٓا اَنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ

از قرآن و احکام شرع پند میدهد خدا شما را بآنچه فرستاده است بترسید از خدای و بدانید بدرستی که خدا بهمه

شَيءٍ عَلِيمٌ ۝ وَاِذَا طَلَّقتُمُ النِّسَآءَ فَبَلَغنَ اَجَلَهُنَّ فَلَا تَعضُلُوهُنَّ

چیزها داناست و چون طلاق دهید زنان خود را پس رسند زنان به نهایت عدة پس منع مکنید ایشان را

فَاِن خِفتُم اَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللّٰهِ

پس اگر ترسید آنکه اقامت نمیتوانند کرد مرد و زن حکمهای خدا

حزب

نعمت ... واذکروا نعمت الله علیکم ... (marginal notes on occurrences of نعمت الله)

آن

أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ط ذَٰلِكَ يُوعَظُ

انکه بنکاح در آیند بشوهران پیشین خود چون رضا دهند زنان و شوهران ایشان بیکدیگر بوجه نیکو در شرع آنچه مذکور شد پند داده میشود

بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ط ذَٰلِكُمْ أَزْكَىٰ

بآن هرکه باشد از شما بگرود بخدای و بروز واپسین این پند شما را پاکیزه ترست

لَكُمْ وَأَطْهَرُ ط وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَالْوَالِدَاتُ

شما را و پاکیزه و خدای می داند و شما نمی دانید و مادران

يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ ۖ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ ۚ

شیر دهند فرزندان خود را دو سال تمام برای کسی که خواهد انکه تمام گرداند شیر دادن فرزند را

وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ط لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ

و برای کسی که فرزند برای او زاییده شده روزی شیر دهندگان و پوشش ایشان بطریق نیکو تکلیف کرده نشود هیچ نفس

إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ ۚ وَعَلَى الْوَارِثِ

مگر گنجایش و توانائی او باید که رنج نرسانند هیچ مادری بفرزند شیرخواره خود و باید ضرر نرسانند انکه فرزند برای او متولد شده بفرزند خود و بر میراث خوار

مِثْلُ ذَٰلِكَ ۗ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ

مانند انکه بر پدر است پس اگر خواهند پدر و مادر جدا کردن فرزند از شیر از روی خشنودی والدین و از وجه مشورت کردن پس گناهی نیست

عَلَيْهِمَا ط وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ

برایشان و اگر خواهید اینکه طلب شیر دادن کنید از زنان شیر دهند فرزندان خود را پس گناهی نیست بر شما

إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ ط وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا

چون تسلیم کنید بدایها آنچه اراده کرده اید دادن آنرا بدهید به نیکوئی و بترسید از خدای و بدانید بدرستی که خدای بانچه

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ

میکنید بیناست و آنانکه بمیرند از شما و بگذارند زنان را انتظار برند زنان

بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا ۖ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ

بنفسهای خود چهار ماه و ده روز چون برسند بنهایت عدة پس هیچ گناهی نیست بر شما

ثلث اول ربع

یعنی زنانی که مفارقت واقع شده باشد میان ایشان و شوهران و اطفال شیرخواره در میان بود حکم آن کرده آن مادران را ملا مح اه

بعد از بیان طلاق ذکر احکام اطفال میکند و بیان تربیت و شیر دادن ایشان ملا مح اه

بعد از ذکر عدة طلاق بیان عدة وفات میکند بقوله تعالی والذین الخ ملا مح اه

فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ط وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝

درانچه کنند زنان در نفسهای خود به نیکوئی وخدای بانچه میکنید داناست

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ

و هیچ گناهی نیست ای اغبان نکاح بر شما درانچه خبر دهید بآن از خواستکاری زنان یا انکه بپوشید

فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللّٰهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلٰكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ

در نفس خود میداند خدا انکه شما زود باشد که یاد کنید ولیکن وعده مدهید ایشانرا

سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا ط وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ

به پنهان مکر انکه بگوئید سخن نیکو وقصد مکنید عقد نکاح آن زنان را

حَتّٰى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ ط وَاعْلَمُوا أَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ

تا برسد نوشته خدا که عدة است بنهایت وبدانید انکه خدای می داند چیزی که در نفس شماست

فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ۝ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ

پس حذر کنید از عذاب او وبدانید انکه خدای آمرزنده است وبردبارست گناهی نیست برشما

إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً ج وَ

اگر طلاق دهید از زنان خود را مادام که مس نکرده باشید ایشانرا یا کابین فرض کرده باشید برای ایشان مهری مفروض و

مَتِّعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ

متعه بدهید بایشان بر اندازه توانگری وبر درویش بمقدار اوست پس متعه دادنی به نیکوئی

حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ ۝ وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ

واجب است بر نیکوکاران واگر طلاق دهید زنان را پیش از انکه مجامعت نمائید

وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ

وحال انکه مقرر کرده باشید برای ایشان مهری پس بر شماست ادا کردن نیمه انچه فرض کرده اید مکر انکه عفو کنند زنان

أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ ط وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ

یا ببخشد انکس که بدست اوست بستن نکاح واگر ببخشید نزدیکترست

بعد از طلاق غیر مفروض المهر مستعه
مقدار بعزان ایشان بدهند
متمتع و برخوردار شوند از آن

مِنْ قَبْلِ أَنْ

للتقوى
برای پرهیزکاران

لِلتَّقْوَىٰ ۚ وَلَا تَنسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝

برای پرهیزکاران و فراموش مکنید احسان در میان یکدیگر بدرستیکه خدای بانچه میکنید بیناست

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ

مواظبت کنید بر نماز و مداومت کنید نماز دیگر که متوسطه است ... بایستید برای خدا

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا ۖ فَإِذَا أَمِنتُمْ فَاذْكُرُوا

پس اگر بترسید از دشمن نماز کنید در پیاده رفتن یا سواران بر قدر امکان پس چون ایمن شوید پس یاد کنید خدای را

اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ۝ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ

خدای همچنانکه آموخت شما را آنچه نبودید که دانید و آنانکه وفات کنند

مِنكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِّأَزْوَاجِهِم مَّتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ

از شما و بگذارند زنان را وصیت برای زنان خود متعه دادنی تا یکسال

غَيْرَ إِخْرَاجٍ ۚ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي

نه بیرون کردن ایشان پس اگر بیرون روند پس گناهی نیست برشما در آنچه کنند آن زنان در

أَنفُسِهِنَّ مِن مَّعْرُوفٍ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ وَلِلْمُطَلَّقَاتِ

نفسهای خود از آنچه موافق شرع باشد و خدا غالبست و محکم کار و زنان طلاق داده شده را

مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ ۖ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ۝ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ

متعه است بطریق نیکو وجب گردانید خدا بر پرهیزکاران همچنانکه احکام طلاق بیان کرد روشن میگرداند خدا برای شما

آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِن دِيَارِهِمْ

احکام خود را شاید که شما تفکر نمایید آیا ندیدی بحال آنانکه بیرون رفتند از منزلهای خود

وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ ۚ إِنَّ

در حالتی که ایشان هزار بودند بجهت احتراز مرگ پس گفت مر ایشان را خدای بمیرید پس زنده گردانید بدرستیکه

اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ۝

خدا هرآینه خداوند رحمت است بر همه آدمیان ولیکن بیشتر مردمان شکر الهی نمیکنند

وقاتلوا في سبيل الله واعلموا ان الله سميع عليم ۝ من ذا الذي

وکارزار کنید در راه خدای وبدانید بدرستی که خدا شنونده داناست کیست آنکسی که

يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه له اضعافا كثيرة ط والله

قرض دهد خدای را قرضی نیکو پس دوچندان کرداند خدا برای او ضعفهای بسیار وخدا

يقبض ويبسط واليه ترجعون ۝ الم تر الى الملا من بني

تنگ میکرداند وکشاده میکند وبسوی خدا بازکردانیده خواهید شد آیا ندیدی بجمعی از اشراف از فرزندان

اسرائيل من بعد موسى اذ قالوا لنبي لهم ابعث لنا ملكا

یعقوب از پس وفات موسی در وقتیکه گفتند مر پیغمبر خودرا یعنی یوشع برانگیز برای ما پادشاهی

نقاتل في سبيل الله ط قال هل عسيتم ان كتب عليكم القتال

که کارزار کنیم در راه خدای گفت پیغمبر آیا هیچ شاید اگر فرض کرده شود بر شما کارزار

الا تقاتلوا ط قالوا وما لنا الا نقاتل في سبيل الله وقد

آنکه کارزار کنید گفتند وچیست مارا آنکه مقاتله نکنیم در راه خدای وحال آنکه

اخرجنا من ديارنا وابنائنا ط فلما كتب عليهم القتال تولوا

بیرون کرده شدیم از مساکن خود وپسران خود پس آنهنگام که فرض کشت بر ایشان کارزار کردن برکشتند

الا قليلا منهم ط والله عليم بالظالمين ۝ وقال لهم نبيهم

مگر اندکی از ایشان وخدای داناست بستمکاران وگفت مر ایشان را پیغمبر ایشان

ان الله قد بعث لكم طالوت ملكا ط قالوا انى يكون

بدرستی که خدا بتحقیق برانگیخت برای شما طالوت را پادشاهی گفتند چگونه باشد

له الملك علينا ونحن احق بالملك منه ولم يؤت سعة

مر طالوت را پادشاهی بر ما وحال آنکه ما سزاواریم بپادشاهی از طالوت وداده نشده است بسیار فراخی

من المال ط قال ان الله اصطفيه عليكم وزاده بسطة في العلم

از مال دنیا گفت پیغمبر ایشان بدرستیکه خدا برگزید طالوت را بر شما وافزونی داد اورا کشادکی سیادت در دانش

يبصط

ص بالصاد وبالسين

[illegible]

والجسم

[illegible]

وَالْجِسْمِ وَاللّٰهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ وَ

ودر تن وخدای بدهد ملک خودرا هرکه را می خواهد وخدای بسیار فضل است ودانا و

قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ

گفت مرایشان را پیغمبر ایشان بدرستیکه نشانه پادشاهی طالوت آنست که بیارد شمارا تابوت در آنجا آرامشی است

مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ

از پروردگار شما وچیزی باقی مانده از آنچه بگذاشته است اولاد موسی واولاد هرون بردارنده تابوت

الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ فَلَمَّا فَصَلَ

فرشتگان بدرستی که در رسیدن تابوت هرآینه حجت است شمارا اگر هستید باور آرنده گان پس آنگاه هنگام که جدا شد

طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللّٰهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ

طالوت با لشکریان گفت طالوت بدرستیکه خدا آزماینده شماست بجوی آب پس هرکه بیاشامد ازین جوی پس نیست

مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا

از من وهرکه نچشید ازآن پس بدرستی که او از منست مگر آنکس که بدست بردارد یک کف آب بدست خود پس بیاشامیدند

مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا

ازآن جوی گفت مگر اندکی از ایشان پس هنگام که گذشتند ازآن جوی طالوت وآن کسانیکه ایمان آورده بودند باوی گفتند نیست

طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ

توانائی مارا که امروز بجالوت ولشکریان او گفتند آنانکه بیقین میدانستند که ایشان

مُلَاقُو اللّٰهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ

ملاقات کننده اند بجزای خدا بسیاری ازگروه اندک غالب شده اند برگروه بسیار بمددکاری خدای وخدای

مَعَ الصَّابِرِينَ ۝ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا

با صبر کنندگان است وآنهنگام که ظاهر شدند بجالوت ولشکریان او گفتند ای پروردگار ما فروریز بر ما

صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۝ فَهَزَمُوهُمْ

شکیبائی ونگهدار قدمهای مارا وياری ده مارا بر گروه ناگرویدگان پس درهم شکستند کافران

[illegible]

بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ
بفرمان خدای و بکشت داود جالوت را و داد او را خدای پادشاهی و پیغمبری
وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ
و بیاموزانید او را از آنچه خواست و اگر نه بازداشت خدا بودی مردمان را برخی از ایشان برخی هر آینه تباه شدی
الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا
زمین ولیکن خدای خداوند فضلی است بر عالمیان این قصه‌ها مذکور نشانهای خداست میخوانیم آن را
عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ
بر تو براستی و بدرستیکه تو از فرستادگانی اینجماعه پیغمبران افزونی دادیم بعضی از ایشان را
عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا
بر بعضی دیگر بعضی از پیغمبران انکس بود که سخن گفت خدا با او و بردشت برخی را از ایشان بپایهای بلند و دادیم ما
عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ
عیسی که پسر مریم است معجزات روشن و قوت دادیم او را بروح پاکیزه که جبرئیل است و اگر خواستی خدا
مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ
اختلاف نکردندی آنانکه از پس انبیا بودند از پس آنکه آمد بدیشان نشانهای روشن
وَلَٰكِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا
ولیکن اختلاف کردند بعضی از ایشان کسی بود که گروید و از ایشان کسی بود که نگروید و اگر خواستی خدا اختلاف نکردندی
وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ
ولیکن خدای میکند آنچیز را که میخواهد ای آنکسانیکه گرویده اید انفاق کنید از آنچه روزی کرده ایم شما را
مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ
پیش از آنکه بیاید روزی که خرید و فروخت نباشد در آن و نه دوستی و نه درخواست کسی و ناگرویدگان
هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ
ایشانند ستمکاران خدا لایق پرستش هیچ خدا نیست مگر او که زنده است پاینده است فرا نگیرد او را مقدمه خواب

الجزو الثالث

وَلَا نَوْمٌ
و نه خواب

وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ

نه خواب مر او راست آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمین است کیست آنکس که او درخواست کند

عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ

نزد او مگر بدستوری او میداند خدای آنچه پیش ایشان است وآنچه در پس ایشان خواهد بود فرا نرسند آفریدگان

بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ

بچیزی از معلومات او مگر بآنچه خواهد او رسیده است کرسی او همه آسمان را و تمام زمین را

وَلَا يَؤُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ

و در رنج نیفکند او را نگاه داشتن آسمانها و زمین واوست برتر بزرگتر هیچ اکراهی نیست در قبول کردن دین

قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ

بدرستیکه روشن شده است راست از گمراهی پس هرکه نگرود بشیطان و بگرود بخدای

فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ

بتحقیق که چنگ زده است به بندی محکم هیچ انقطاعی نیست آن را و خدا شنواست

عَلِيمٌ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

داناست خدا یار کسانیست که گرویدند بیرون می آرد ایشان را از تاریکیها بروشنائی ایمان

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ

و آنانکه حق را پوشیدند دوستان ایشان شیاطین اند بیرون می آرند کافران را از روشنائی ایمان

إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ أَلَمْ تَرَ إِلَى

بسوی تاریکی کفر آنکافران ملازمان آتش اند ایشان در آن جاوید مانندگانند آیا ننگریستی بسوی

الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ

آنکس که حجت جست با ابراهیم در دین خدا از جهت آنکه داده بود خدا او را پادشاهی وقتیکه گفت ابراهیم

رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ

پروردگار من آنکسیست که زنده میگرداند و می میراند گفت نمرود من هم زنده می کنم و میمیرانم گفت ابراهیم پس بدرستیکه خدای

در حدیث نبوی عطا روایت است که کرسی نزد عرش مانند حلقه [illegible]
[illegible]
[illegible]

چون حق تعالی
درین آیه فرمود که خدا ولی و یار
مؤمنین است بعد ازین بیان میکند
که دوستان را بر دشمنان بحجت
و برهان غالب میکردانیم تا این معنی
باعث تسلی خاطر خطیر حضرت خاتم
النبیین صلوات الله علیه و آله گردد
و از مجادله کفار غمگین نشود لهذا
می فرماید که الم تر الی آخره ۵ س ۵

يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي

می آرد آفتاب را هر روز از مشرق پس بیار تو آنرا از جانب مغرب پس حیران شد آنکس که

كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ

کافر بود یعنی نمرود و خدا راه نه مینماید گروه ستمکاران را یا ندیدی مثل آنکس را که بگذشت بر دهی در حالتیکه

خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ

آن قریه افتاده بود بر سقفهای خود گفت چگونه زنده کرداند این ده را خدای از پس مردن اهل آن پس بمیرانید اورا

اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ

خدای صد سال و خر او نیز بمرد و بعد از آن زنده کرد او و خر او را گفت خدا چند وقت درنگ کردی گفت درنگ کردم روزی یا پاره از روز

قَالَ بَل لَّبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ

گفت خدا بلکه درنگ کردی صد سال پس نظر کن بسوی خوردنی و آشامیدنی که هیچ تغیر نشده بود

وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ

و نگاه کن بسوی حمار خود و بگردانیم ترا حجتی برای مردمان و نظر کن بسوی استخوانهای خر خود چگونه

نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ

ترکیب کنم آنرا پس میپوشانم این استخوانهارا گوشتی پس آن هنگام که روشن گشت عزیر را نشانهای قدرت خدا گفت میدانم اینکه بدرستیکه خدا بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ

همه چیز تواناست و چون گفت ابراهیم پروردگار من بنمای مرا که چگونه زنده میکنی مردگان را

قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِن قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً

گفت خدا که آیا تو ایمان نیاورده گفت آری و لیکن تا بیارامد دل من گفت خدا پس فراگیر چهار عدد

مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا

از مرغان پس ضم کن بسوی خود پس وضع کن بر هر کوهی از آن مرغان پاره را

ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ مَّثَلُ الَّذِينَ

پس بخوان آن این مرغان را بیایند بسوی تو شتافتن و بدان آنکه خدای غالبست محکم کار مثل نفقه کردن کسانیکه

يُنفِقُونَ

يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ

صرف مینمایند مالهای خودرا در راه خدای مثل دانه ایست که برویاند هفت خوشه

فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ ط وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ ط وَاللَّهُ

در هر خوشه صد دانه وخدای زیاد میکرداند برای هرکه می خواهد وخدای

وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ

بسیار بخشایش است داناست آنانکه نفقه میکنند مالهای خودرا در راه خدای پس از پی در نمی آیند

مَا أَنفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ ج وَلَا خَوْفٌ

آنچه راکه نفقه میکنند منت بر کسی ونه آزاری مرایشانراست مزد ایشان نزد پروردگار ایشان ترسی نیست

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّن صَدَقَةٍ

برایشان ونه ایشان اندوهگین شوند سخن نیک وپیش را در گذشتن از درشتی بهترست از صدقه دادن

يَتْبَعُهَا أَذًى ط وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا

از پی در آید آزار رنجی وخدا بی نیازست بردبارست ای گروه گرویدگان باطل مکنید

صَدَقَاتِكُم بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا

صدقهای خودرا بمنت نهادن وبرنج رسانیدن مانند کسی که نفقه میکند مال خودرا برای نمودن بمردمان ونمی

يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ط فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ

گرود بخدا وبروز قیامت پس نمودن این ریاکار همچو سنگ خاره برآن سنگ خاکیست

فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا ط لَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا ط

پس رسید باران بزرگ قطره بر آن سنگ باران پس شسته باشد آن خاک و بگذاشته باشد آن سنگ را صاف قادر نباشند این نفقه کنندگان بر چیزی از ثواب از آنچه کسب کرده اند

وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ۝ وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ

خدا راه ننماید گروه ناگرویدگان را ومثل آنانکه نفقه میکنند

أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ

مالهای خودرا برای طلب رضای خدا وبجهت ثابت کردن بعضی از نفسهای خود مانند بوستانیست

پس تشبیه شده منافق مرائی را بسنگ مذکور وانفاق او بخاک سیاه وعدم ایمان او بباران و تباطل آن انفاق بسبب ریا وعدم ایمان بشستن باران آن خاک را ۱۲ [illegible]

بِرَبْوَةٍ اَصَابَهَا وَابِلٌ فَاٰتَتْ اُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَاِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ

بموضع بلند برسد بوی باران بزرگ قطره پس بار آرد میوهٔ خود را دو برابر پس اگر نرسیده باشد بآن باغ باران درشت

فَطَلٌّ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ اَيَوَدُّ اَحَدُكُمْ اَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ

پس باران ضعیف کافیست و خدا بآنچه میکنید بیناست آیا دوست میدارد یکی از شما آنکه باشد او را بوستانی

مِنْ نَخِيلٍ وَاَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ

از درخت خرما و انگورها که میرود از زیر درختان جویهای آب مر آنکس را در آن بوستانها از همه

الثَّمَرَاتِ وَاَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَاَصَابَهَا اِعْصَارٌ

میوها و حال آنکه رسیده باشد بصاحب باغ را پیری و مر او را باشد فرزندان که خورد و ناتوان باشند پس برسد باین بوستانها گردبادی سخت

فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ۝

در آن آتشی باشد پس بسوزد بسبب آن سموم همچنین بیان میکند خدا برای شما نشانها شاید که شما تفکر کنید

يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا اَخْرَجْنَا

ای گروه گرویدگان نفقه کنید از پاکیزهای آنچه کسب کرده اید و از آنچه بیرون آوردیم

لَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِاٰخِذِيهِ

برای شما از زمین و قصد مکنید چیزی ناخوش را که از آن نفقه کنید و حال آنکه نیستید شما فرا گیرندگان چیزی

اِلَّا اَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝ اَلشَّيْطَانُ

مگر آنکه چشم فرو خوابانید در گرفتن آن بدانید برستی که خدای بی نیازست ستاینده ابلیس

يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَاْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللّٰهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا

وعده میکند شما را احتیاج در دادن نفقه و میفرماید شما را بخصلت زشت و خدای وعده میدهد شما را آمرزش گناهان از جانب خود

وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ

خدا بسیار فضلست داناست میدهد خدا حکمت را هر که را می خواهد و هر که را دادند حکمت

فَقَدْ اُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ اِلَّا اُولُو الْاَلْبَابِ ۝ وَمَا اَنْفَقْتُمْ

پس بدرستیکه داوند او را نیکوئی بسیار و پند پذیر نشوند مگر خداوندان عقول آنچه صرف کرده اید ای مومنان

وقف النبي

من
از

مِنْ نَفَقَةٍ اَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُهٗ ط وَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ

از نفقه بیار یا بر خود لازم کردنید آید از نذر پس بدرستیکه خدای داند آن را نیست ستمکاران را

مِنْ اَنْصَارٍ ۝ اِنْ تُبْدُوا الصَّدَقٰتِ فَنِعِمَّا هِیَ ۚ وَاِنْ تُخْفُوْهَا

هیچ یاری اگر آشکارا کنید صدقهای خود را پس نیکو چیزیست آشکار کردن و اگر نهان دارید صدقات

وَتُؤْتُوْهَا الْفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ط وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِّنْ سَيِّاٰتِكُمْ ط وَ

و بدهید آن را بدرویشان پس آن خوب بهترست مر شما و در گذرانیم از شما بعضی از گناهان شما و

اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ۝ لَيْسَ عَلَيْكَ هُدٰىهُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَهْدِیْ

خدای بدانچه میکنید داناست نیست بر تو ای محمد راه نمودن ایشان ولیکن خدا راه مینماید

مَنْ يَّشَآءُ ط وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ خَيْرٍ فَلِاَنْفُسِكُمْ ط وَمَا تُنْفِقُوْنَ

هر که را خواهد آنچه نفقه میکنید از وجه نیکو مر نفسهای ایشان راست نفقه نمیکنند

اِلَّا ابْتِغَآءَ وَجْهِ اللّٰهِ ط وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ خَيْرٍ يُّوَفَّ اِلَيْكُمْ وَاَنْتُمْ

مگر که می جویند رضای خدا را و آنچه نفقه میکنند از مال خود جزای آن تمام میرسانند بسوی شما و شما

لَا تُظْلَمُوْنَ ۝ لِلْفُقَرَآءِ الَّذِيْنَ اُحْصِرُوْا فِیْ سَبِيْلِ اللّٰهِ لَا يَسْتَطِيْعُوْنَ

ستم دیده نشوید مر درویشان راست نفقه آنانکه باز داشته شدند در راه خدای نمیتوانند بغزا یا بتجارت

ضَرْبًا فِی الْاَرْضِ ز يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ اَغْنِيَآءَ مِنَ التَّعَفُّفِ ج تَعْرِفُهُمْ

سیر کردن در زمین می پندارند ایشان را نادانان توانگران از جهت باز ایستادن ایشان و استغنا از خلق تو می شناسی ای محمد

بِسِيْمٰهُمْ ج لَا يَسْـَٔلُوْنَ النَّاسَ اِلْحَافًا ط وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ خَيْرٍ فَاِنَّ

بنشانهای ایشان سؤال نمیکنند مردمان را در حالتیکه الحاح کننده باشند و آنچه نفقه میکنند از مال خود بدرستی که

اللّٰهَ بِهٖ عَلِيْمٌ ۝ اَلَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا

خدای بآن داناست آنانکه نفقه میکنند مالهای خود را بشب و روز در نهان

وَّعَلَانِيَةً فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ج وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

و آشکارا پس مر ایشان راست مزد نزد پروردگار ایشان و نباشد ترسی بر ایشان و نه ایشان

منت سقط داوود و ابوذر و ابن اوفی که نظر التفات برزخارف دنیوی انداخته و عازم خدمت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بودند الذین

علیه السلام می فرماید الذین

يَحْزَنُونَ ۝ اَلَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبٰوا لَا يَقُومُونَ اِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِى
اندوهگين آنانكه ميخورند ربارا برنخيزند از قبرها مگر چنانكه برخيزد آنكه
يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَالُوا اِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ
بيفكند اورا ديو از جهت بودن مراد ديو انگيخت بسبب آنكه گفتند جز اين نيست بيع مثل
الرِّبٰوا وَاَحَلَّ اللّٰهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبٰوا فَمَنْ جَآءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ
ربا است حلال گردانيد خدا بيع را وحرام ساخت ربارا پس هركه بيايد پندى از پروردگار خود
فَانْتَهٰى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَاَمْرُهُ اِلَى اللّٰهِ وَمَنْ عَادَ فَاُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ
پس باز ايستند پس اوراست آنچه گذشته كار او باز گذاشته است بخدا وهركه بازگردد پس آن گروه ملازمان
النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ يَمْحَقُ اللّٰهُ الرِّبٰوا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ
دوزخند ايشان در آنجا جاويد خواهند بود كم ميگرداند خدا مال ربوارا وافزون ميكند صدقهارا
وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ اَثِيمٍ ۝ اِنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
وخدا دوست نميدارد هر ناسپاسى گناه كار بدرستى آنانكه گرويدند ودر عمل آوردند امر اورا
وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ
وبپاى داشتند نمازرا ودادند زكوة مرايشانراست مزد ايشان نزد پروردگار ايشان نيست ترسى
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَذَرُوا
بر ايشان ونه ايشان اندوهگين شوند اى گروه گرويدگان بترسيد از عذاب خدا وواگذاريد
مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبٰوا اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ فَاِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَاْذَنُوا
آنچه باقى مانده از ربوا اگر هستيد باور دارندگان پس اگر نكنيد پس اعلام كنيد
بِحَرْبٍ مِنَ اللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَاِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ اَمْوَالِكُمْ
بجنگ كردن از خداى ورسول او واگر توبه كنيد از ربا پس شماراست سرمايهاى مالهاى شما
لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ۝ وَاِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ اِلٰى
ونه شما ستم كنيد بر مديون ونه بر شما ظلم كنند واگر واقع شود خداوند دشوارى پس مهلت دادنست

مَيْسَرَةٍ
وقت آسانى

درچون حصه بيان ثواب انفاق را
تعقيب آن بذكر ربا كه باعث حرمان
ثنا وعقوبت موده فرمود
الذين ... الذين

حزب

مرويست كه
ثقيف از بنى عمرو وليد بن مغيره
در زمان جاهليت بايكديگر معامله
ميكردند بعضى مردم مانده بود زياده
خالد بعد از اسلام مطالبه مينمود
حق تعالى اين آيه نازل كرد
كه يا ايها الذين امنوا ...

مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ وَاتَّقُوا يَوْمًا

وقت آسانی صدقه دادن شما بقرض دار بهترست شمارا اگر هستید شما که بدانید بترسید از روزی که

تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝

بازگردانیده شوید در آن روز بجزای خدا پس تمام داده شود هر نفس را جزای آنچه کرده باشد و ایشان ستم کرده نشوند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ

ای جماعت گرویدگان چون معامله کنید بوامی تا وقتی نام برده پس بنویسید

وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ

و باید که بنویسد درمیان شما نویسنده براستی و باید که سر باز نزند هیچ نویسنده آنکه بنویسد

كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ

همچنانکه می آموزاند او را خدا پس باید که بنویسد و باید که املا کند آنکس که بروی است دین و باید که بترسد املا کننده از خدا که پروردگار اوست

وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ

و کم نکنند از آن حق که بر اوست چیزی را پس اگر باشد آنکسی که بر اوست حق ناقص عقل یا

ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا

عاجزی یا نا توانند نیستند باشند آنکه املا کند آن خود پس باید املا کند ولی او براستی و گواه گیرید بر معامله خود

شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ

دو گواه از مردان خود پس اگر نباشند دو مرد پس بگیرید یک مرد و دو زن

مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ

از آنکسانیکه پسندیده باشند از گواهان اگر فراموش کند یکی از آن دو زن پس یاد دهد یکی از ایشان دیگری را

وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا

و باید که ابا نکنند گواهان چون خوانده شوند و باید که اظهار ملال نکنند از آنکه بنویسند خورد

أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ

یا بزرگ تا مدت آنکه مقرر شده این کتابت شمار است راست تر نزدیک خدا و ثابت تر برای ادای شهادت و نزدیکتر

إلا أن تكون تجارة حاضرة تديرونها بينكم

اگر تنگ نکنید مگر آنکه باشد آن معامله بحضور که میگردانید آنرا میان یکدیگر

فليس عليكم جناح ألا تكتبوها وأشهدوا إذا تبايعتم

پس نیست بر شما گناهی آنکه ننویسید آن را وگواه گیرید وچون خرید وفروخت کنید

ولا يضار كاتب ولا شهيد وإن تفعلوا فإنه فسوق بكم و

باید که رنج رسانیده نشود نویسنده ونه گواه واگر بکنید بدرستی که آن فعل نافرمانی بشما و

اتقوا الله ويعلمكم الله والله بكل شيء عليم ۝ وإن كنتم على

بترسید از خدا می آموزاند شما را خدای وخدای بهمه چیز داناست . واگر باشید در

سفر ولم تجدوا كاتبا فرهان مقبوضة فإن أمن بعضكم

سفر ونیابید نویسنده پس گروهای فراگرفته پس اگر امین دارند برخی از شما

بعضا فليؤد الذي اؤتمن أمانته وليتق الله ربه ولا تكتموا

برخی را پس باید که ادا کند آنکس که امین داشته شده است وام قرض دهنده وباید که بترسید از خدا که پروردگار اوست ومپوشید

الشهادة ومن يكتمها فإنه آثم قلبه والله بما تعملون عليم ۝

گواهی وهر که بپوشد گواهی را پس بدرستیکه گنهکار است دل او وخدا بانچه میکنید داناست

لله ما في السماوات وما في الأرض وإن تبدوا ما في أنفسكم

مر خدایراست آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمین است واگر آشکار کنید آنچه در نفسهای شماست

أو تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء

یا پنهان سازید آنرا شمار میکند شما را بدان خدای پس بیامرزد هرکه را خواهد وعذاب کند هرکه را خواهد

والله على كل شيء قدير ۝ آمن الرسول بما أنزل إليه من ربه

وخدا بر همه چیز تواناست گروید رسول را بدانچه فرستاده شد بسوی او از پروردگار او

والمؤمنون كل آمن بالله وملائكته وكتبه ورسله لا نفرق

وگرویدند مؤمنان همه ایشان گرویدند بخدا وبفرشتگان او وجمیع کتابهای او وجمیع فرستادهای او جدا نمیکنیم

نکته: رهن بعوض عدم وجود کاتب بنابر آن است که [illegible] رهن در سفر [illegible] است والا [illegible] جایز است در حضر وبا وجود کاتب وتفصیل این در کتب فقهیه است

[illegible] آمن الرسول [illegible]

بين احد

بَيْنَ اَحَدٍ مِنْ رُسُلِهٖ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَاِلَيْكَ

بیان هیچ یک از رسولان او وگفتند مومنان شنیدیم وفرمان برداریم بیامرز مارا ای پروردگار ما بسوی تست

الْمَصِيرُ ۝ لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا

بازگشت تکلیف نکند خدای نفسی را مگر بمقدار گنجایش مر آن نفس راست آنچه کند از نیکیها و برویست آنچه کند از بدیها

مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ نَسِينَا اَوْ اَخْطَاْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ

آنچه کند از بدیها ای پروردگار ما مگیر مار یا خطا کردیم ای پروردگار ما مکن

عَلَيْنَا اِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهٗ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا

بر ما بارگرانی همچنانکه بارکردی برآنکسانیکه پیش از ما بودند ای پروردگار ما بار مکن مارا آنچیزی که نیست

طَاقَةَ لَنَا بِهٖ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلٰينَا فَانْصُرْنَا

طاقت مارا بآن چیز وعفو کن از ما وبپوشان مارا وبخشای مارا تو یاری دهنده مائی یاری ده مارا

عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۝

برگروه ناگرویدگان

سُورَةُ اٰلِ عِمْرَانَ وَهِيَ مَكِّيَّةٌ مِائَتَانِ اٰيَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خدای بخشاینده مهربان

الٓمٓ ۝ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۝ نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ

خدای نیست هیچکس بجز او زنده ایست پاینده فرستاد خدا بر تو قرآن را

بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَاَنْزَلَ التَّوْرٰيةَ وَالْاِنْجِيلَ ۝ مِنْ

براستی تصدیق کننده آمر آن کتابها را که پیش از آن بوده و فرستاد توریت وانجیل را پیش از

قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَاَنْزَلَ الْفُرْقَانَ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِاٰيَاتِ

قران راه نماینده مر بنی اسرائیل را و فرستاد جدا کننده حق و باطل براستی آنانکه بگرویدند بنشانهای

اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللّٰهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ۝ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَخْفٰى

خدای ایشانراست عذاب سخت وخدای غالبست وخداوند غضب براستی که خدا پوشیده نیست

مردیست که قرآن بعض محکم کتاب
آنکه رحمت است ام از محکم و متشابه
و فرقان بعض محکم آن آیات
که واجب است عمل بآن
۱۲۷

عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ۝ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ

براو چیزی نه در زمین ونه در آسمان اوست آن خدا که تصویر میکند شمارا

فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ هُوَ الَّذِي

در رحمهای ما در آن بهر نوع که خواهد نیست هیچ خدای مگر او که غالبست محکم کار اوست آن خدا انکه

أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ

فرستاد برتو قران را بعضی از کتابها آیتهای محکمست آن آیات محکم اصل قرآنست

وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ

وآیتهای دیگر مانند بیکدیگر پس آنکسانیکه در دلهای ایشان کجی است پس پیروی مینمایند آنچیزرا که لفظ او متشابه

مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ

از کتاب بجهت باطل کردن فتنه وبجهت طلب تاویل ونمیدانند تاویل متشابهات مگر خدای

وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ

وکسانیکه ثابت قدم مانند در دانش میگویند گرویده ایم بمتشابه همه متشابهات از نزد پروردگار ماست وپند پذیر نشوند

إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ۝ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا

مگر خداوندان عقول گویند پروردگارا منحرف مساز دلهای مارا بعد از آنکه راه نمودی مارا وببخش مارا

مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۝ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ

از نزدیک خود بخششی بدرستیکه تو بخشنده هر مرادی ای پروردگار ما بدرستیکه جمع کننده مردمانی

لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

هیچ شکی نیست در وقوع آن بدرستیکه خدا خلاف نکند وعده را بدرستی آنانکه کافر شده اند

لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَٰئِكَ هُمْ

هرگز دفع نکند از ایشان مالهای ایشان ونه فرزندان ایشان از عذاب خدای چیزی وآنگروه ایشان

وَقُودُ النَّارِ ۝ كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

افروزنده آتش اند مانند متابعان فرعونست وآنهانکه پیش از فرعونیان بودند بدروغ داشتند آیتهای ما

لیوم
برای حساب روزی

فاخذهم الله

فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللّٰهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا

پس بگرفت ایشانرا خدای بگناهان ایشان وخدا سخت عقوبتست بگوای محمد مرانکسانیکه نگرویدند

سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ اِلٰى جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝ قَدْ كَانَ

زود باشد که مغلوب شوند وجمع کرده شوند بسوی دوزخ وبدآرامگاهیست دوزخ بدرستی که بود

لَكُمْ اٰيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَاُخْرٰى

مرشمارا علامتی در دوگروه که بهم رسیدند گروهی کارزار میکردند در راه خدای وگروه دیگر

كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَاْيَ الْعَيْنِ وَاللّٰهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ

کافر بودند میدیدند ایشانرا مسلمانان دو برابر خود دیدنی معاینه وخدا قوة دهد بیاری خود هرکه را خواهد

اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِاُولِي الْاَبْصَارِ ۝ زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ

بدرستی که غلبه قلیل بر کثیر هرآینه پندیست مرخداوندان بینائی را زینت داده شده است مرمردمانرا دوستی آرزوهای نفس

مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ

از زنان وازپسران ومال بسیار فراهم آورده شده از طلا ونقره

وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْاَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا

واسبان با علامت نیکو وچهارپایان وکشت زار اینکه مذکور شد چیزیست که برخورداری یابند در زندگانی دنیا

وَاللّٰهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاٰبِ ۝ قُلْ اَؤُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذٰلِكُمْ

وخدا نزد اوست نیکوئی بازگشت بگوای محمد خبردهم شمارا به بهتر ازاینها برای

لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ

آنانکه پرهیزکردند نزد پروردگار ایشان بوستانهاست که میرود اززیردرختان آن جویهای آب

خَالِدِينَ فِيهَا وَاَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ بَصِيرٌ

جاوید باشند درآن بهشتها وایشانراست زنان پاکیزه ودیگر خوشنودی ازخدای وخدای بیناست

بِالْعِبَادِ ۝ اَلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اِنَّنَا اٰمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

به بندگان آنانکه پرهیزکارانند میگویند ای پروردگار ما بدرستیکه ما گرویده ایم پس بیامرز مارا گناهان مارا

[illegible]

بعد از این اخبار از امور که بعاقبت عدول از حق ست میفرماید که زین ...

[illegible]

وقنا عذاب النار ۝ الصابرين والصادقين والقانتين و

و نگهدار ما را از عذاب دوزخ صبر کنندگانند و راستانند و پرستندگان اند و

المنفقين والمستغفرين بالاسحار ۝ شهد الله انه لا اله الا هو

نفقه کنندگانند و آمرزش خواهندگانند در سحرها گواهی داد خدای آنکه او خدای بحق هیچ معبودی نیست مگر او

والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز

و فرشتگان نیز گواهی دادند و خداوندان علم که اقامت کنندگانند در جمیع افعال نیست خدا مگر او غالب

الحكيم ۝ ان الدين عند الله الاسلام وما اختلف

محکم کار بدرستی که دین پسندیده نزد خدای اسلام است و اختلاف کردند

الذين اوتوا الكتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم

آنانکه داده شدند کتاب مگر پس از آنکه آمد بایشان دانش بجهت حسد یا جور که میان ایشان

ومن يكفر بايات الله فان الله سريع الحساب ۝ فان حاجوك

و هر که نگرود بایتهای خدای پس بدرستیکه خدا زود حساب کننده است پس اگر بهم محاجه کنند با تو

فقل اسلمت وجهي لله ومن اتبعن وقل للذين اوتوا الكتاب

پس بگو که تسلیم کرده ام نفس خود را بخدا و هر که پیروی کرده مرا بگو ای محمد آنانرا که داده شده اند کتاب

والاميين ءاسلمتم فان اسلموا فقد اهتدوا وان تولوا فانما

و ناخوانده ها را آیا اسلام آورده اید پس اگر اسلام آورند پس بدرستی که راه یافتند و اگر اعراض کنند جز این نیست

عليك البلاغ والله بصير بالعباد ۝ ان الذين يكفرون

که بر تو پیغام رسانیدنست و خدای بیناست به بندگان بدرستی آنانکه کافر شدند

بايات الله ويقتلون النبيين بغير حق ويقتلون الذين

بقرآن یا بمحمد و میکشند پیغمبران را بناحق و می کشند آنان را که

يامرون بالقسط من الناس فبشرهم بعذاب اليم ۝ اولئك الذين

میفرمودند براستی از مردمان پس بشارت ده ایشانرا بعذاب دردناک آن گروه آنکسانند

حبطت

حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ز وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۝ أَلَمْ تَرَ

تباه گشت عملهای ایشان در دنیا و در آخرت و نیست مر ایشان را از یاری دهندگان آیا نمی نگری

إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ كِتَابِ اللَّهِ

بسوی آنانکه داده شدند بهره از توریت خوانده می شوند بسوی توریت خدا

لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ ۝ ذَٰلِكَ

تا حکم کند توریت میان ایشان پس روی میگردانند گروهی از ایشان و حال آنکه ایشان اعراض کنندگانند این اعراض

بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي

بسبب آنست که گفتند نخواهد رسید بما آتش مگر روزی چند شمرده و فریب داد ایشان را در

دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ

کیش ایشان آنچیزی که بودند برمی بافتند پس چگونه باشد آنهنگام که جمع کنیم عقوبان را برای روزی که هیچ شک

فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ قُلِ اللَّهُمَّ

در و داده شود هر نفسی آنچه کسب کرده باشد و ایشان ستم دیده نشوند بگوای محمد بار خدایا

مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ ط

خداوند پادشاهی عطا میکنی پادشاهی هرکه را خواهی و بازگیری پادشاهی را از هرکه خواهی

وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ ط بِيَدِكَ الْخَيْرُ ط إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ

و عزیز می سازی هرکه را خواهی و خوار گردانی هرکرا خواهی بدست تست همه نیکوییها بدرستیکه بر همه

شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ز وَ

چیز توانائی درمی آری شب را در روز و درمی آری روز را در شب و

تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ز وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ

بیرون می آری زنده را از مرده و بیرون می آری مرده را از زنده و روزی میدهی هرکه را خواهی

بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ

بی شمار باید که فرا نگیرند مومنان ناگرویدگان را دوستان بدون

بعد ازین نهی میکند مومنان را از دوستی
با کافران و می فرماید که

لا یتخذ

مومنان الذمین

ه

الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللّٰهِ فِي شَيْءٍ اِلَّا اَنْ تَتَّقُوا

مومنان وهرکه بکند این را پس نیست آنکس از دوستی خدا در چیزی مگر آنکه ترسید

مِنْهُمْ تُقٰةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللّٰهُ نَفْسَهُ وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيرُ ۝ قُلْ اِنْ

از کفار با وجود تقیه ومی ترساند خدای شمارا از عذاب ذات خود وبسوی خداست بازگشت بگوای محمد اگر

تُخْفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ اَوْ تُبْدُوهُ يَعْلَمْهُ اللّٰهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي

پنهان دارید آنچه در سینهای شماست یا آشکار کنید آنرا میداند آنرا خدای ومی داند آنچه در

السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يَوْمَ تَجِدُ

آسمانهاست وآنچه در زمین است وخدای بر همه چیزها تواناست روزیکه بیابد

كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ

هر نفسی از آنچه کرده باشد از نیکوئی حاضر گردانیده شده وآنچه کرده باشد از بدی دوست داشته باشد

لَوْ اَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ اَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللّٰهُ نَفْسَهُ وَاللّٰهُ

آنکه باشد میان او ومیان آن روز زمانی دور ودراز ومی ترساند شمارا خدای از عذاب خود وخدا

رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ۝ قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ

مهربانست بر بندگان بگوای محمد اگر هستید شما ای اهل کفر که دوست میدارید پس پیروی کنید مرا تا دوست دارد

اللّٰهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ قُلْ اَطِيعُوا

خدا وبیامرزد شمارا گناهان شما وخدای آمرزنده است مهربانست بگوای محمد فرمان برید

اللّٰهَ وَالرَّسُولَ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ۝ اِنَّ

خدای را وپیغمبر اورا پس اگر برگردید پس بدرستی که خدا دوست نمیدارد کافران را بدرستی

اللّٰهَ اصْطَفٰى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ اِبْرٰهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ۝

که خدا برگزید آدم را ونوح را وفرزندان ابراهیم را وآل عمران را بر عالمیان

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ اِذْ قَالَتِ امْرَاَةُ عِمْرَانَ

فرزندانی اند برخی از ایشان از برخی دیگر وخدا شنواست دانا چون گفت زن عمران

معانقه

چون تجدید اهل کفر وعصیان کرد از عقاب در عقب آن بیان وقت آن میکند بقوله تعالی یوم تجد کل ... علی الله

[illegible]

بعد از بیان اطاعت ... [illegible]

بعد از آن بیان حال مریم که از ذریت انبیاست میفرماید ...

رب انی نذرت

رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ

ای پروردگار بدرستی که نذر کردم برای تو آنچه در شکم منست آزاد کرده شده پس قبول کن از من بدرستیکه تو شنوائی

الْعَلِيمُ ۝ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ

دانائی آنهنگام که بنهاد با خود را گفت ای پروردگار من بدرستی که نهادم آنرا فرزند ماده و خدا داناترست

بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي

بانچه بنهادم و نیست فرزند من که طلب کردم همچو فرزند ماده بدرستیکه نام نهادم اورا مریم و بدرستیکه من

أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ۝ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا

در پناه می آرم اورا بتو و فرزندان اورا از وسوسهٔ دیو سرکش پس فرا پذیرفت مریم را پروردگار او

بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ

بپذیرفتن نیکو و برویانید اورا انشو و نمائی نیکو و فرا سپرد مریم را به زکریا وهرگاه در آمدی

عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا

برمریم زکریا بغرفه می یافت نزد او گفت ای مریم این از کجاست ترا

رِزْقاً
روزی

قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ هُنَالِكَ

گفت مریم این روزی از نزد خدایست بدرستیکه خدا روزی میدهد هر کرا خواهد بی شمار در آن مکان

دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ

خواند زکریا پروردگار خودرا گفت پروردگارا ببخش مرا از نزدیک خود فرزندی پاک بدرستیکه تو

سَمِيعُ الدُّعَاءِ ۝ فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ

شنونده دعائی پس ندا کردند فرشتگان درحالتی که زکریا ایستاده نماز میکرد در محراب

أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا

بدرستیکه خدا مژده میدهد ترا بیحیی باورکننده باشد بکلمهٔ کن یعنی عیسی از نزد خدای و مهتر قوم باشد و باز دارندهٔ نفس

وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ

و پیغمبری باشد از شایستگان گفت ای پروردگار من از کجا باشد مرا پسری و حال آنکه مرا فرا رسیده

[illegible]

[illegible]

الكبر وامرأتي عاقر قال كذلك الله يفعل ما يشاء ۝ قال

پیری وزن من نازاینده است گفت خدا بر همین حال خدا میکند انچه بخواهد گفت زکریا

رب اجعل لي آية قال آيتك ألا تكلم الناس ثلثة أيام إلا

ای پروردگار من ظاهر گردان برای من نشانه گفت جبرئیل نشانه تو این انگه سخن نگوئی با مردمان سه روز مگر

رمزا واذكر ربك كثيرا وسبح بالعشي والإبكار ۝ وإذ قالت

باشارت کردن یاد کن پروردگار خود را بسیار و تسبیح گوی اورا در آخر روز و در بامداد و چون گفت جبرئیل

الملائكة يا مريم إن الله اصطفيك وطهرك واصطفيك

با جمعی از فرشتگان ای مریم بدرستی که خدا برگزیده ترا و پاکیزه ساخت ترا و برگزیده ترا

على نساء العالمين ۝ يا مريم اقنتي لربك واسجدي واركعي

بر زنان روزگار ای مریم فرمان برداری کن آفریدگار خود سجود کن اورا و رکوع کن

مع الراكعين ۝ ذلك من أنباء الغيب نوحيه إليك وما كنت

با رکوع کنندگان اینکه مذکور شد از خبر پوشیده است وحی میکنیم بسوی تو و نبودی تو

لديهم إذ يلقون أقلامهم أيهم يكفل مريم وما كنت

نزدیک علمای بیت المقدس وقتیکه انداختند قلمهای خود را تا بدانند که کدام از ایشان تربیت کند مریم را و نبودی تو

لديهم إذ يختصمون ۝ إذ قالت الملائكة يا مريم إن الله

نزدیک ایشان وقتیکه مجادله میکردند برای کفالت مریم وقتی که گفتند فرشتگان ای مریم بدرستی که خدا

يبشرك بكلمة منه اسمه المسيح عيسى ابن مريم وجيها في

مژده می دهد ترا بکلمه از خود نام آن کلمه مسیح لقب عیسی اسم پسر مریم با جاه و شرف بود در

الدنيا والآخرة ومن المقربين ۝ ويكلم الناس في المهد

دنیا و در آخرت و از جمله نزدیکان است و سخن گوید با مردمان در گهواره

وكهلا ومن الصالحين ۝ قالت رب أنى يكون لي ولد

و در حالتیکه دو موی باشد و از جمله انبیاء شایسته گفت مریم ای پروردگار من از کجا باشد مرا فرزندی

بطریق استفهام که آیا این چنین فرزندی
بدون مساس زوج خواهد بود
یا مساس ه قالت رب

وکهـ

وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَٰلِكِ اللّٰهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا

وحال انکه مس نکرده است مرا هیچ آدمی کفت جبرئیل برهمین حال که هستی خدا می آفریند انچه می خواهد چون خواهد که حکم کند امری را

فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ

پس جز این نیست که کوید مرانچیزی را بباش پس باشد   و بیاموزد خدا او را کتاب   و هم علم شریعت دیکر توریت

وَالْإِنْجِيلَ ۝ وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ

وانجیل   و کوید که فرستاده شدم بسوی فرزندان یعقوب انکه من بتحقیق آورده ام نزد شما علامتی از پروردکار شما

أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ

بدرستیکه من می سازم برای شما   از کل   مانند شکل مرغی پس میدمم نفخ خود را در آن چیز پس میکردد

طَيْرًا بِإِذْنِ اللّٰهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللّٰهِ

مرغی زنده بفرمان خدای   و بهی میسازم کور مادرزاد   و پاک میسازم پیسی   و زنده میکنم مردکان را بفرمان خدای

وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ

وخبر میدهم شما را بانچه می خورید و بانچه ذخیره می کنید در خانهای خود بدرستیکه درین معجزها

لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ

هر آینه علامتیست شما را اکر هستید شما کرویدکان   و تصدیق کننده ام آنچیز یکه پیش از من بود از

التَّوْرَاةِ وَلِأُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ

توریت   و آمدم شما تا انکه حلال کنم برای شما برخی از انکه حرام کرده شده بود بر شما   و آوردم برای شما

بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُونِ ۝ إِنَّ اللّٰهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ

علامتی از پروردکار شما   بترسید از خدا فرمان برید مرا   بدرستی که خدا پروردکار منست و پروردکار شما

فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝ فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ

پس بپرستید او را   این است راه   راست   پس آن هنکام که دریافت عیسی از یهودان

الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللّٰهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللّٰهِ

کفر را   کفت عیسی کیستند از شما یاران   بسوی خدا   کفتند حواریان   ما یاران خدائیم

آمنا بالله واشهد بانا مسلمون ۝ ربنا آمنا بما انزلت واتبعنا

گرویده ایم بخدا و گواه باش بانکه گردن نهادگانیم ای پروردگار ما ایمان آوردیم بانچه فرستادی و پیروی کردیم

الرسول فاکتبنا مع الشاهدین ۝ ومکروا ومکر الله

عیسی را پس بنویس ما را با آنانکه گواهند و مکر کردند یهودان و خدا جزای مکر بدیشان رسانید

والله خیر الماکرین ۝ اذ قال الله یا عیسی انی متوفیک ورافعک

و خدا بهترین مکرکنندگانست وقتیکه گفت خدا ای عیسی بدرستی که من فراگیرنده توام از زمین و بردارنده تو

الی ومطهرک من الذین کفروا وجاعل الذین اتبعوک

بسوی خود و پاک کننده ام ترا از آنانکه کافر شده اند و کردننده آن کسانی که متابعت کردند ترا

فوق الذین کفروا الی یوم القیمة ثم الی مرجعکم فاحکم

زبر آنانکه کافر شدند تا روز قیامت پس بسوی منست بازگشت شما پس حکم کنم

بینکم فیما کنتم فیه تختلفون ۝ فاما الذین کفروا

میان شما در آن چیزیکه هستید شما در آن چیز خلاف میکنید پس آنانکه کافر شدند

فاعذبهم عذابا شدیدا فی الدنیا والاخرة وما لهم من ناصرین ۝

پس عذاب کنم ایشانرا عذابی سخت درین سرا و در آخرت و نیست مر کافرانرا هیچ یاری دهندگان

واما الذین آمنوا وعملوا الصالحات فیوفیهم اجورهم والله

واما آن کسانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته پس تمام بدهیم ایشانرا مزدهای ایشان و خدا

لا یحب الظالمین ۝ ذلک نتلوه علیک من الآیات والذکر

دوست نمی دارد ستمکارانرا این کلام که مذکور شد می خوانم آنرا برتو در حالتیکه از علامات است و یاد کردنیست

الحکیم ۝ ان مثل عیسی عند الله کمثل آدم خلقه من تراب

مشتمل بر حکم بدرستی که مثل عیسی نزد خدای همچو آدم است آفریدیم او را از خاک

ثم قال له کن فیکون ۝ الحق من ربک فلا تکن من الممترین

پس گفت مر آنرا باش پس بود خبر عیسی راست از پروردگار تو پس مباش از شک کنندگان

ثلث ارباع

چنانکه یهود میگویند که موسی پیغمبرست و عیسی و محمد پیغمبر نیستند و نصاری میگویند که خدای تعالی ثالث ثلثه است و مؤمنان گویند که هر سه پیغمبر خدا اند
۱۲ه

[illegible]

فمن حاجک

36

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ

پس هرکه خصومت کند ترا درباب عیسی از پس آنکه آمد بتو از دانش پس بگو ایشانرا بیایند بخوانیم

اَبْنَآءَنَا وَاَبْنَآءَكُمْ وَنِسَآءَنَا وَنِسَآءَكُمْ وَاَنْفُسَنَا وَاَنْفُسَكُمْ

پسران ما و پسران شما و ما زنان خودرا و شما زنان خودرا و ما نزدیکان خودرا و شما نزدیکان خودرا

ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللّٰهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ۝ اِنَّ هٰذَا لَهُوَ الْقَصَصُ

پس لعن کنیم پس بگردانیم لعنت خدای را بر دروغ گویان بدرستی که آنچه مذکور شد هرآینه این خبر

الْحَقُّ وَمَا مِنْ اِلٰهٍ اِلَّا اللّٰهُ وَاِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ فَاِنْ

راست ونیست هیچ معبودی مگر خدا وبدرستی که خدا هرآینه اوست غالب و محکم کار پس اگر

تَوَلَّوْا فَاِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ ۝ قُلْ يَا اَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا اِلٰى

برگردید پس بدرستی که خدا داناست بفسادکنندگان بگوای محمد ای یهودان ونصاری بیایید بسوی

كَلِمَةٍ سَوَآءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اَلَّا نَعْبُدَ اِلَّا اللّٰهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا

سخن راست میان ما و میان شما آنست که نپرستیم مگر خدایرا و شرک نیاریم بدان بخدا چیزیرا

وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا اَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللّٰهِ ط فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا

و فرا نگیرید بعضی از ما بعضی دیگررا خدای بجز از خدای پس اگر برگردند پس بگویید که گواه باشید

بِاَنَّا مُسْلِمُونَ ۝ يَا اَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي اِبْرَاهِيمَ وَمَا

بانکه ما مسلمانانیم ای یهود و نصاری چرا مخاصمت میکنید در دین ابراهیم و حال آنکه

اُنْزِلَتِ التَّوْرٰيةُ وَالْاِنْجِيلُ اِلَّا مِنْ بَعْدِهِ ط اَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ هَا اَنْتُمْ

فرستاده نشد توریت و انجیل مگر بعد از زمان ابراهیم آیا در نمی یابید بدانید ای یهود و نصاری

هٰٓؤُلَآءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ

آنگروه هستید که خصومت کنید از روی حماقت در آنچه که شمارا هست بآن دانش پس چرا مجادله کنید در آنچه نیست شمارا

بِهِ عِلْمٌ ط وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ مَا كَانَ اِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا

بآن دانش و خدا میداند و شما نمی دانید نبود ابراهیم جهود

ولا نصرانيا ولكن كان حنيفا مسلما وما كان من المشركين ۝

ونه ترسا وليكن بود ميل كننده بحق وفرمان بردار حق شنده ونبود از شرك كنندگان

ان اولى الناس بابرهيم للذين اتبعوه وهذا النبي والذين امنوا

بدرستى كه سزاوارترين مردمان بابراهيم آن كسانى اند كه پيروى او كردند واين پيغمبرست وآنانكه ايمان آوردند

والله ولى المؤمنين ۝ ودت طائفة من اهل الكتاب

وخداى دوست مؤمنان است دوست دارند گروهى از اهل كتاب

لو يضلونكم وما يضلون الا انفسهم وما يشعرون ۝ يا اهل

اگر گمراه كرده اند شمارا وگمراه نمى كنند مگر نفسهاى خود ونمى دانند اى گروه يهود

الكتاب لم تكفرون بايات الله وانتم تشهدون ۝ يا اهل

ونصارى چرا كافر مى شويد بآيتهاى توريت وانجيل وحال آنكه شما گواهى ميدهيد كه توريت حقست اى گروه

الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل وتكتمون الحق وانتم

يهود ونصارى چرا مخلوط مى سازيد راست را بكجى وچرا مى پوشيد راست وحال آنكه شما

تعلمون ۝ وقالت طائفة من اهل الكتاب امنوا بالذي

ميدانيد وگفتند گروه يهود ونصارى بگرويد بآنچيزيكه

انزل على الذين امنوا وجه النهار واكفروا اخره لعلهم

فرستاده شده است بركسانيكه گرويدند دراول روز وكافر شوند آخر روز شايد كه ايشان

يرجعون ۝ ولا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم قل ان الهدى

باز گردند وتصديق نميكنند مگر آنكسانيكه پيروى كردند كيش شمارا بگواى محمد بدرستيكه دين حق

هدى الله ان يؤتى احد مثل ما اوتيتم او يحاجوكم عند ربكم

دين خداست بآنكه داده شده است كسى را مانند آنچه داده شده ايد از پروردگار خويش

قل ان الفضل بيد الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليم ۝ يختص برحمته

بگواى محمد كه فضل وبخشش بدست خداست ميدهد آنرا هركه را خواهد وخداى بسيار داناست خاص ميگرداند برحمت خو

من يشاء

مَن يَشَآءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۝ وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ

هرکه را می خواهد وخدای خداوند فضل وبرکت است واز اهل کتاب کسی باشد اگر

تَأْمَنْهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُم مَّنْ إِن تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَّا يُؤَدِّهِ

امین سازی اورا بر بسیار ادا کند آن مال را بتو واز ایشان کسی باشد اگر امین کردی اورا بیک دینار ادا نکند ونه دهد آنرا

إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي

بتو مگر آنکه همیشه باشی بر سروی ایستاده آن خیانت بسبب آنست که گفتند نیست بر ما در باب

الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ بَلَىٰ

ناخوانده توریت گناهی ومیگویند برخدای دروغ وایشان میدانند بخیانت

مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ

هرکه وفا کند بعهد خود وبپرهیزد از حرام بدرستیکه خدا دوست میدارد پرهیزکاران را بدرستی آنانکه میفروشند

بِعَهْدِ اللّٰهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ

عهدی که با خدا بسته اند وسوگندان دروغ خود را ببهای اندک آن گروه هیچ نصیبی نیست ایشان را در آن سرای

وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللّٰهُ وَلَا يَنظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ

سخن نکند با ایشان خدای ونه نگرد بسوی ایشان روز رستخیز ونه پاک نسازد ایشان را ومر ایشان راست

عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ

عذاب دردناک وبدرستی که از یهود آن گروهی هستند می پیچانند زبانهای خود را بخواندن کتاب تا شما پندارید

مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِندِ اللّٰهِ

از توریت است وحال آنکه او نیست از اهل کتاب ومیگویند آن تحریف از نزدیک خداست

وَمَا هُوَ مِنْ عِندِ اللّٰهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝

وحال آنکه نیست از نزدیک خدا ومیگویند برخدای دروغ وحال آنکه ایشان میدانند

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَن يُؤْتِيَهُ اللّٰهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ

هرگز نبود ونسزد آدمی را بآنکه بدهد خدای اورا انجیل واحکام شریعت وپیغمبری پس

يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِّي مِن دُونِ اللَّهِ وَلَٰكِن كُونُوا رَبَّانِيِّينَ
گوید آن پیغمبر مردمان را باشید بندگان من جز از خدای ولیکن گوید باشید کاملان

بِمَا كُنتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنتُمْ تَدْرُسُونَ ۞ وَلَا يَأْمُرَكُمْ
بآنکه باشید شما بیاموزانید کتاب را و بآنکه باشید شما درس آن بگوئید و نفرمود که امر کند شمارا

أَن تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا ۗ أَيَأْمُرُكُم بِالْكُفْرِ
بآنکه فرا گیرید فرشتگان را و پیغمبران را خدایان آیا فرماید آن پیغمبر شمارا بزرگ آوردن

بَعْدَ إِذْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ ۞ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُم
پس از آنکه شما هستید گردن نهادگان و چون فرا گرفت خدا پیمان پیغمبران را هر آینه بدهم شمارا

مِّن كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُّصَدِّقٌ لِّمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ
از کتاب و شریعت پس بیاید بشما فرستاده باور دارنده آن چیز را که با شماست البته ایمان آرید

بِهِ وَلَتَنصُرُنَّهُ ۚ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي ۖ قَالُوا أَقْرَرْنَا
بوی و یاری کنید او را گفت خدا انبیا را آیا اقرار کردید و فرا گرفتید بر اینکه گفتم عهد مرا گفتند انبیا اقرار کردیم

قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُم مِّنَ الشَّاهِدِينَ ۞ فَمَن تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ
گفت خدا پس گواه باشید و من با شمام از جمله گواهان پس هر که برگردد پس از میثاق

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۞ أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَن
پس آنگروه ایشانند اعراض کنندگان آیا غیر دین خدای میطلبید و مر او را گردن نهاده است هر که

فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ۞ قُلْ
در آسمانهاست و هر که در زمین است از روی رغبت و نفرت و بسوی خدا باز گردانیده خواهید شد بگو

آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ
ایمان آوردیم بخدا و بآنچه فرو فرستاده شده بر ما و آنچه فرو فرستاده شد برابراهیم و اسمعیل و اسحاق

وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِن
و یعقوب و بر فرزندان یعقوب و بآنچه داده شد بموسی و عیسی و پیغمبران دیگر از

تخصیص ملائکه و پیغمبران جهت آنست که قوم پرستش ملائکه میکردند و جمعی از انصاری عیسی را و یهود عزیر را معبود خود میدانستند
سهاء الدین

مراد از یاری در رفتن جهت است بزرگ آن انبیا در زمان آنحضرت بخود بذره بهاء

کتاب همه ایشان که نازل شده همان صحف ابراهیم است زیرا که همه تابع شریعت او بودند و بکتاب او عمل میکردند
بهاء الدین

ربهم

ربهم لا نفرق بين احد منهم ونحن له مسلمون ۝ ومن يبتغ غير

پروردگار ایشان جدائی نمی‌کنیم میان یکی از ایشان و ما امر خدا را گردن نهاده‌ایم و هر که طلب کند بغیر از

الاسلام دينا فلن يقبل منه وهو في الآخرة من الخاسرين ۝

اسلام دین دیگر پس هرگز پذیرفته نشود ازو او در آخرت از زیان کاران است

كيف يهدي الله قوما كفروا بعد ايمانهم وشهدوا ان الرسول

چگونه راه نماید خدای گروهی که کافر شدند بعد از ایمان آوردن ایشان و گواهی داده بودند آنکه فرستاده خدا

حق وجاءهم البينات والله لا يهدي القوم الظالمين ۝ اولئك

حق است آمده بود بدیشان آیتهای روشن و خدا راه ننماید گروه ستمکاران را آن گروه

جزاؤهم ان عليهم لعنة الله والملائكة والناس اجمعين ۝

پاداش ایشان آنست که بر ایشان باشد لعنت خدای و لعنت فرشتگان و لعنت مومنان همه

خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينظرون ۝ الا الذين

در حالتیکه جاوید باشند در لعنت سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نباشند ایشان که مهلت داده شوند مگر آنانکه

تابوا من بعد ذلك واصلحوا فان الله غفور رحيم ۝ ان الذين

بازگردیدند از آنکه برگشتند از اسلام و بصلاح آوردند اعتقاد خود پس بتحقیق خدا آمرزنده است مهربانست بدرستی آنانکه

كفروا بعد ايمانهم ثم ازدادوا كفرا لن تقبل توبتهم واولئك

کافر شدند از پس گرویدن ایشان پس زیاد کردند کفر را هرگز پذیرفته نشود توبه ایشان و آن گروه

هم الضالون ۝ ان الذين كفروا وماتوا وهم كفار فلن يقبل

ایشانند گمراهان بدرستی آنانکه کافر شدند و مردند در حالتی که کافر بودند پس قبول کرده نشود

من احدهم ملء الارض ذهبا ولو افتدى به اولئك لهم عذاب

از هیچکس ایشان به پری زمین از زر و اگرچه فدا دهد آن همه را آن گروه که کافر میرند مر ایشان راست عذاب

اليم وما لهم من ناصرين ۝ لن تنالوا البر حتى تنفقوا مما

دردناک و نباشند مر ایشان را یاری دهندگان هرگز نرسید بحقیقت نیکو تا آنکه نفقه کنید از آنچه

۴

حزب الرابع الجزو

تحبون وما تنفقوا من شيء فان الله به عليم ۝ كل الطعام كان
دوست میدارید وآنچه نفقه میکنید از چیزی پس بدرستیکه خدا بآنچیز داناست همه خوردنیها بود
حلا لبني اسرائيل الا ما حرم اسرائيل على نفسه من قبل ان
حلال بر فرزندان یعقوب مگر آنچه حرام کرده بود یعقوب بر تن خود پیش از آنکه
تنزل التورية قل فاتوا بالتورية فاتلوها ان كنتم صادقين ۝
فرستاده شود توریت بگو بیارید پس بیارید توریه صحیح پس بخوانید آنرا اگر هستید شما راست گویان
فمن افترى على الله الكذب من بعد ذلك فاولئك هم الظالمون ۝
هرکه افترا کند برخدا دروغ از پس آنکه ظاهر شد پس آن گروه ایشانند ستم کنندگان
قل صدق الله فاتبعوا ملة ابرهيم حنيفا وما كان من المشركين ۝
بگو راست گفت خدای پس متابعت کنید کیش ابراهیم را درحالیکه میل کننده بود ونبود ابراهیم از شرک کنندگان
ان اول بيت وضع للناس للذي ببكة مباركا وهدى للعالمين ۝
بدرستیکه اول خانه وضع کرده شد برای مردمان آن خانه ایست که در مکه است بابرکت وخداوند هدایت است مر عالمیان را
فيه ايات بينات مقام ابرهيم ومن دخله كان امنا ولله على
درآنخانه مبارک نشانهای روشن است موضع ایستادن ابراهیم است وهرکه درآید درآن خانه باشد ایمن ومرخدایراست بر
الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا ومن كفر فان الله
مردمان قصد خانه کعبه هرکه توانائی دارد بسوی آنخانه در رفتن وهرکه نگرود بدرستی که خدای
غني عن العالمين ۝ قل يا اهل الكتاب لم تكفرون بايات الله
بی نیازست از همه عالمیان بگوای محمد ای اهل کتاب چرا نمیگروید بآیتهای خدای
والله شهيد على ما تعملون ۝ قل يا اهل الكتاب لم تصدون
وخدا گواهست بر آنچه شما میکنید بگوای محمد ای اهل کتاب چرا باز میدارید
عن سبيل الله من امن تبغونها عوجا وانتم شهداء وما الله بغافل
از راه خدای کسی را که گروید بخدا طلب میکنید راه خدا را کجی وحال آنکه شما گواهانید وخدای بیخبر نیست

عما تعملون
از آنچه میکنید

و چون یهود گفتند که گوشت شتر در ملت ابراهیم تا نشان ما حرام بوده رسول الله صلی الله علیه وآله تکذیب ایشان نمود حق تعالی بجهت تصدیق آنحضرت میفرماید که
کل الطعام

عمّا تعملون ۝ يا ايها الذين امنوا ان تطيعوا فريقا من الذين اوتوا

از آنچه میکنید ای آنگ انکه ایمان آورده اید اگر فرمان برید گروهی را از آنانکه داده شدند

الكتاب يردّوكم بعد ايمانكم كافرين ۝ وكيف تكفرون

کتاب یعنی یهود بازگردانید شما را پس از ایمان آوردن شما ناگرویدگان و چگونه کافر می شوید

وانتم تتلى عليكم ايات الله وفيكم رسوله ومن يعتصم بالله فقد

و حال آنکه شما آید که خوانده میشود بر شما آیتهای خدای و در میان شماست رسول خدا و هر که چنگ زند بدین خدا پس بتحقیق

هدي الى صراط مستقيم ۝ يا ايها الذين امنوا اتقوا الله حق تقاته

کرده نموده شود بسوی راه راست ای آن کسانی که ایمان آوردید بترسید از خدا چنانچه حق ترسیدنست

ولا تموتنّ الا وانتم مسلمون ۝ واعتصموا بحبل الله جميعا ولا

و ممیرید مگر در حالی که شما مسلمانان باشید و چنگ در زنید بدین خدا همه و

تفرّقوا واذكروا نعمت الله عليكم اذ كنتم اعداء فالّف

پراکنده مشوید و یاد کنید نعمتهای خدا را که بر شماست وقتی که بودید شما دشمنان یکدیگر پس خدا الفت داد

بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخوانا وكنتم على شفا حفرة

در میان دلهای شما پس شدید برحمت خدا برادران و بودید بر کنار گودال

من النار فانقذكم منها كذلك يبيّن الله لكم اياته لعلكم

از آتش پس رهانید شما را از آن آتش همچنانکه یاد کرد احوال شما بیان میکند خدا برای شما نشانهای خود را تا باشد که شما

تهتدون ۝ ولتكن منكم امّة يدعون الى الخير ويامرون

راه راست یابید باید که باشد از شما گروهی که ایشان میخوانند مردمان را بسوی نیکوئی و بفرمایند

بالمعروف وينهون عن المنكر واولئك هم المفلحون ۝ ولا تكونوا

بنیکوئی و بازدارند مردمان را از فعل زشت آن گروه ایشانند رستگاران و مباشید

كالذين تفرّقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم البيّنات

مانند آنانکه متفرق شوند و اختلاف کردند از پس آنکه آمده بود بایشان حجتهای روشن

این آیه در شان دو قبیله انصار نازل شده یکی قبیله اوس و دیگر قبیله خزرج که پشت بر پشت از اوس و خزرج که برادران صریح اند بر دیگری حسد و توام متولد شده اند و شیطان ایشان را از یکدیگر جدا کردند لهذا در مدت یکصد سال در میان اولاد ایشان جنگ بود تا زمان بعثت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله که بوسیله آنحضرت بشرف اسلام مشرف شدند و جنگ ایشان بصلح مبدل شده و هم از برادران میشدند
مد بهاء الدین ره

وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا

آن گروه مخالف کنندگان مر ایشان راست عذاب بزرگ روزیکه سفید شود رویها و سیاه گردد رویها پس

الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَا

آنها که سیاه شود رویهای ایشان آیا کافر شدید از پس ایمان آوردن شما پس بچشید عذاب دوزخ را

بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي

بسبب آنچه بودید که کافر شدید و آن کسانیکه سفید باشد رویهای ایشان پس باشند در

رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ

رحمت خدا این سفید رویان در رحمت خدا جاوید مانند تمام آنچه گذشت از اخبار آیتهای خداست می خوانیم آنرا بر تو

بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعَالَمِينَ ۝ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي

در حالتیکه حق است نیست خدا که خواهد بیدادی بر عالمیان و مر خداراست آنچه در آسمانهاست و آنچه در

الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ

زمین است و بسوی حکم خدا باز گردیده شود همه کارها هستید شما بهترین گروهی بیرون آورده شدند

لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ

برای مردمان میفرمایند موافق شرع و نهی میکنند از هرچه شریعت منع کننده است و میگروند

بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ

بخدا و اگر ایمان آرند یهود و نصاری هر آینه باشد بهتر مر ایشان را بعضی از این گروید گانند بمحمد

وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقَاتِلُوكُمْ

و بیشتر ایشان بیرون رفتگانند از فرمان خدا هرگز ضرر نتوانند رسانید مگر اندک رنجی و اگر کارزار کنند با شما

يُوَلُّوكُمُ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ ۝ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَمَا

هر آینه بر گردانند بر شما پشتها را پس از آن یاری کرده نشوند وضع کرده شد بر یهودان خواری هر کجا

ثُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ

یافت شدند مگر بعهدی از خدای و عهدی از مؤمنان و باز گشتند یهود بخشمی از خدای و

اورده اند که مالک بن صیف و وهب یهود اکه عالم بودند از علمای یهود به مسلمانان گفتند که ما از شما بهتریم و دین ما از دین شما خوبتر حق تعالی این آیه فرستاده

تخریج عدهم ؟

ضربت

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ط ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِاٰيَاتِ اللّٰهِ

زده شد برایشان درویشی این ضرب بسبب آنست که بودند نمیگرویدند بآیتهای خدا

وَيَقْتُلُونَ الْاَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ۝

و می کشتند پیغمبران را بناحق این کفر بسبب آن بود که نافرمان بودند و بودند که میگذشتند از حد

لَيْسُوا سَوَاءً ط مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ اُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ اٰيَاتِ اللّٰهِ اٰنَاءَ اللَّيْلِ

نیستند مومنان مساوی از اهل کتاب گروهی ایستاده میخوانند قرآن را در ساعتهای شب

وَهُمْ يَسْجُدُونَ ۝ يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَيَاْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

و حال آنکه ایشان سجده میکنند ایمان آرند بخدا و بروز قیامت و می فرماید بهمه موارد شرع

وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ ط وَاُولٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ

و نهی مینماید از همه منهیات و می شتابند در نیکیها و آنگروه از جمله شایستگانند

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ ط وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ۝ اِنَّ

و آنچه میکنید از کار نیکو پس هرگز سپاس ناداشته نخواهد و خدا داناست به پرهیزکاران بدرستی

الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ اَمْوَالُهُمْ وَلَا اَوْلَادُهُمْ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا ط وَ

آنانکه کافر شدند بازندارد از ایشان مالهای ایشان و نه فرزندان ایشان از عذاب خدا چیزی را و

اُولٰئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هٰذِهِ

آنگروه کفار ملازمان دوزخند ایشان در آن آتش جاویدانند مثل آنچه صرف میکنند در این

الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ اَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ ط

زندگانی دنیا مانند بادیست که در آن باشد سرما برسد بکشت زار قومی که ستم کردند بر نفسهای خود

فَاَهْلَكَتْهُ ط وَمَا ظَلَمَهُمُ اللّٰهُ وَلٰكِنْ اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ

پس هلاک کرد آن باد سرد کشت ایشان را و ستم نکرد بر ایشان خدای ولیکن بر نفسهای خود ستم میکنند ای گروه

اٰمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَاْلُونَكُمْ خَبَالًا ط وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ

گرویدگان فرا مگیرید دوست خالص از غیر مومنان تقصیر نمیکنند در باره شما تباهی و دوست دارند ضرر و بلیت شما را بتحقیق

[illegible]

بعد از ذکر احوال مومنین بیان حال کفار میکند تا عدم مساوات ظاهر شود ۵ بهار

[illegible]

بطانه کسی است که بجهت اتحاد تمام براو اسرار باطن خود را در میان نهند و رازهای پنهان خود را باو گوینده ۵ مد

بَدَتِ الْبَغْضَآءُ مِنْ اَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ اَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ

آشکارا شده است دشمنی از دهنهای ایشان و آنچه پنهان میدارد دلهای ایشان را بزرگترست بتحقیق بیان کردیم برای شما

الْاٰيَاتِ اِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ۝ هَا اَنْتُمْ اُولَآءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ

آیتها اگر هستید شما که دریابید آگاه باشید شما آن گروه خطاکارید که دوست میدارید ایشان را و دوست نمیدارند ایشان شما را

وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَاِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا اٰمَنَّا وَاِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ

و میگروند بهمه کتابها و هرگاه رسیده بشما گفتند ایمان آوردیم و چون خلوت کنند بگزند بر دشمنی

الْاَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝

سرهای انگشتان از غایت خشم بگو ای محمد بمیرید بخشم خود بدرستی که خدا داناست بآنچه در سینهای شماست

اِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَاِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَاِنْ

اگر رسد بشما نصرتی بد آید ایشان را و اگر رسد شما را غمی خوشدل شوند بآن و اگر

تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا اِنَّ اللّٰهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ۝

صبر کنید و بپرهیزید ضرر نکند شما را مکر ایشان چیزی را بدرستی که خدا بآنچه میکنید رسنده است

وَاِذْ غَدَوْتَ مِنْ اَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللّٰهُ

و چون بامداد بیرون شدی ای محمد از منزل خود فرود می آوری مومنان را در جای ایستادن برای کارزار و خدا

سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ اِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ اَنْ تَفْشَلَا وَاللّٰهُ وَلِيُّهُمَا

شنونده داناست چون قصد کردند دو طائفه از شما آنکه بددلی کنند و خدا یار آن کرده بود

وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ بِبَدْرٍ وَاَنْتُمْ

و بر خدا پس باید که توکل کنند مومنان و بدرستی که نصرت داد شما را خدا در بدر و حال آنکه

اَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ اِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ اَلَنْ

خوار و زبون بودید پس بترسید از خدا شاید که شما شکرگذاری کنید وقتی که تو میگفتی مر گرویدگان را آیا

يَكْفِيَكُمْ اَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلٰثَةِ اٰلَافٍ مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ مُنْزَلِينَ ۝

کفایت نمیکند شما را آنکه مددکاری کند شما را پروردگار شما به سه هزار سوار از فرشتگان در جایگه وستاده شدگان با شند

بلى ان تصبروا وتتقوا ويأتوكم من فورهم هذا يمددكم
آری اگر صبر کنید و پرهیز کنید و بیایند بشما از خشمناکی خود در همین وقت مدد کند شما را
ربكم بخمسة آلاف من الملائكة مسومين ۝ وما جعله
پروردگار شما به پنج هزار فرشتگان در حالتی که آن فرشتگان نشان کنند و نگردانید این را
الله الا بشرى لكم ولتطمئن قلوبكم به وما النصر الا من عند
خدا مگر بجهت مژدگانی شما و بجهت آنکه بیارامد دلهای شما بامداد و ملائکه و نیست یاری دادن مگر از نزد
الله العزيز الحكيم ۝ ليقطع طرفا من الذين كفروا او يكبتهم
خدای که غالب و محکم کار تا آنکه ببرد بزرگان را از آنانکه کافر بودند یا آنکه نگونسار گرداند
فينقلبوا خائبين ۝ ليس لك من الامر شيء او يتوب عليهم
پس باز گردند بی بهره نیست مرترا از این کار چیزی یا توفیق دهد ایشان را که مسلمان شوند
او يعذبهم فانهم ظالمون ۝ ولله ما في السموات وما في
یا عذاب کند ایشان را بدرستی که ایشان ستمکاران اند و مر خدا راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در
الارض يغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء والله غفور رحيم
زمین است بیامرزد هر که را خواهد و عذاب کند هر که را خواهد و خدا آمرزنده مهربان
يا ايها الذين امنوا لا تأكلوا الربوا اضعافا مضاعفة
ای آنکسانیکه ایمان آوردید مخورید مال ربا در حالتی که افزوده به افزوده شده
واتقوا الله لعلكم تفلحون ۝ واتقوا النار التي اعدت
و بترسید از خدا شاید که شما رستگار گردید و بترسید از آتشی که آن آماده است برای
للكافرين ۝ واطيعوا الله والرسول لعلكم ترحمون ۝
کافران و فرمان برید خدای را و رسول او را شاید که شما رحم کرده شوید
وسارعوا الى مغفرة من ربكم وجنة عرضها السموات
و بشتابید بسوی چیزی که موجب آمرزش شود از پروردگار شما و بشتابید بسوی بهشت پهنای آن مانند آسمانهاست

حزب

وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ۝ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ

زمینها آماده شده است برای پرهیزکاران آنانکه نفقه میکنند در آسانی

وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ ط

و در سختی و فرو خورندگان خشم و عفو کنندگان از مردمان

وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا

و خدای دوست دارد نیکوکاران را و متقیان کسانی اند که چون بکنند کاری ناشایست یا ستم کنند

أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ

بنفسهای خود یاد کنند عقوبت خدائی آمرزش خواهند برای گناهان خود و کیست که بیامرزد

الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝

گناهان را مگر خدای و اصرار نکنند بر آنچه کردند و در حالتی ایشان میدانند

أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ

آن گروه متقیان جزاء آنها آمرزش است از پروردگار ایشان و بوستانها که میرود از

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ط وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ۝ ط قَدْ خَلَتْ

زیر آن جویها جاوید مانندگان اند در آن و نیکوست مزد عمل کنندگان بدرستی که گذشت

مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ

پیش از شما وقعه بسیار پس سیر کنید در زمین پس بنگرید چگونه

كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ۝ هَٰذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى

بوده است سرانجام مکذبان آنچه گذشت دلیلی است برای مردمان و رشد

وَمَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ۝ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ

و پندی تمام برای پرهیزکاران و سستی مکنید و اندوهناک مباشید و حال آنکه شما

الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ

برترانید اگر هستید شما گرویدگان اگر رسید بشما زخمی پس بدرستیکه

مَسَّ الْقَوْمَ

مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ ط وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ

رسیده است گروه کفار را در بدر زخمی مثل زخم شما و این روزها میکردانیم آنرا میان

النَّاسِ ج وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ ط

مردمان و تا بداند خدای آنانکه گرویده اند و تا فرا گیرد از شما گواهان

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ

و خدا دوست ندارد ستمکاران را و تا پاک گرداند خدا آنان را که گرویدند و

يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ۝ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا

نیست گرداند ناگرویدگان را آیا پنداشتید ای مؤمنان اینکه در آیند در بهشت و حال آنکه

يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ۝

ندانسته باشد خدای آنانکه جهاد کردند از شما و بدانسته باشد صبر کنندگان

وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ

و بتحقیق بودید شما آرزو میکردید موت را پیش از آنکه مشاهده کنید اسباب مرگ را پس بتحقیق

رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ۝ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ

دیده اید اسباب مرگ را و حال آنکه شما می نگریستید و نیست محمد مگر فرستاده بدرستی که بگذشتند

مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ ط أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى

پیش از وی فرستادگان آیا اگر بمیرد این پیغمبر یا کشته گردد بازمی گردید شما بر

أَعْقَابِكُمْ ط وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا ط

پاشنهای خود و هر که برگردد بر پاشنه خود پس ضرر نکند خدای را چیزی

وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ۝ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ

و زود باشد که جزا دهد خدا سپاس دارندگان را و نه سزد هیچ نفسی را آنکه

تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا ۝ وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا

بمیرد مگر بحکم خدای نوشته که معین است و هر که خواهد پاداش این جهان را

صاحب مجمع البیان گفته که این آیه دال است بر آنکه اجل یکی است و مقتول باجل خود فوت شده و تفصیل این کلام در سوره مبارکه انعام خواهد آمد ان شاء الله

نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي

بدهیم اورا از آنچه مقرر کردیم و هرکه خواهد پاداش آنجهان را بدهیم اورا از نعمت جنت و زود باشد که پاداش بدهیم

الشَّاكِرِينَ ۝ وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ

شکر گوینده‌گان را و بسیار از پیغمبران کارزار کردند با او عالمان و زاهدان

كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا

بسیار پس سستی نورزیدند بآنچه بدیشان رسید در راه خدای و

ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ۝ وَمَا كَانَ

ضعیف نگشتند و فروتنی و عجز نکردند و خدا دوست میدارد صبر کنندگان را و نبود

قَوْلَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا

گفتار عالمان و زاهدان مگر آنکه گفتند ای پروردگارا بیامرز برای ما گناهان مارا و از حد گذشتن مارا

فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۝

در کار خود و استوار کن قدمهای مارا و یاری ده مارا بر گروه ناگرویدگان

فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ

پس بداد ایشان را خدا پاداش اینجهان و عطا و ثواب نیکو پاداش آن جهان و خدا دوست دارد

الْمُحْسِنِينَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا

نیکوکاران را ای گروه گرویدگان اگر فرمان برید آنانکه کافر شدند

يَرُدُّوكُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ۝ بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ

باز گردانند شمارا بر پاشنهای شما پس برگردید شما از زیان کاران بلکه خدای مددکار شماست

وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ ۝ سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا

و خدای بهترین یاری کنندگانست زود باشد که بیفکنیم در دلهای آنانکه کافر شدند

الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ

ترس و بیم را بجهت شرک آوردن ایشان بخدا آنچیز را که نفرستاده است بآن شرک آوردن حجتی و جای ایشان

ربیون جماعت بسیار که عدد ایشان ده هزار بود چنانچه در مجمع البیان از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که مراد ربیون جمع کثیر است و ربوه که جمعیت ده هزار کس است

در تفسیر ... قاتل معه باین قراءت ... و ربیون ... کارزار کردند با او ... عالمان و زاهدان بسیار که با او بودند

النار
دوزخ است

النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ ۝ وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ

دوزخ است و بد آرامگاهی است دوزخ مر ستمکاران را و هر آینه راست کرد خدای وعده خود را

إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ

وقتی که میکشتند کفار را بنصرت خدا تا آنگه ضعیف شدید و خلاف کردید شما در کار

وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ

و عاصی شدید پس از آنکه نمود خدا شمارا آنچه دوست میدارید از ظفر از شما کسی هست

يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ

میخواهد دنیا را و از شما کسی هست می خواهد آخرت را پس بازداشت شمارا از قتل کافران

لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ۝

تا بیازماید شمارا و بدرستی که عفو کرد از شما و خدای خداوند فضل و رحمت است بر گرویدگان

إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ

هنگامی که دور میرفتید از معرکه کارزار و نمی نگریستید بهیچکس از مردمان و پیغمبر می خواند شمارا

فِي أُخْرَاكُمْ فَأَثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَى مَا

در میان جماعه دیگر پس مکافات کرد شمارا غمی را بغمی تا اندوهگین نشوید بر آنچه

فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ ثُمَّ

فوت شده باشد از شما و نه آنکه اندوه خورید آنچه بشما رسید و خدا داناست بآنچه میکنید پس

أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِنْكُمْ

فرستاد خدا بر شما پس از اندوه امن که آن خواب سبکی بود می پوشید گروهی وقت آن خواب گروهی از شما

وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ

و گروهی دیگر بدرستیکه در غم افکنده بود ایشانرا نفسهای ایشان گمان میبردند بخدا گمان ناروا گمان

الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ

اهل جاهلیت میگفتند در وقت گریختن آیا باشد مارا از کار ظفر هیچ چیزی بگو ای محمد که کار ظفر غنیمت

حزب

كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ

همه مر خدایراست پنهان می سازند در نفسهای خود آنچه آشکارا نمیتوانند کرد مر ترا میگویند اگر بودی

لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هٰهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ

مارا از کار خود نصرتی کشته نمیشدیم اینجا بگوای محمد اگر میبودید شما در خانهای خود

لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ

هر آینه بیرون می آمدندی آنانکه نوشته شده است برایشان قتل بسوی کشتن گاه خود برای آنکه بیازماید

اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ

خدای آنچه در سینهای شماست وتا پاک سازد آنچه در دلهای شماست وخدای داناست آنچه

الصُّدُورِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ

در سینهاست بدرستی آنانکه روی بگردانیدند از شما آن روز که روبروی یکدیگر آورده بود دو گروه

إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ

جز این نیست که لغزانید شیطان بشامت برخی آنچه کرده بودند وبتحقیق درگذرانید خدا

عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا

از ایشان بدرستی که خدا آمرزنده است وبردبار ای آنکسانیکه گرویده اید مباشید

كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ

مانند کسانیکه گرویده نشدند وگفتند برای برادران خود وقتیکه رفتند در زمین

أَوْ كَانُوا غُزًّى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ

یا بودند غازیان اگر بودندی نزدیک ما نمردندی ونشدندی کشته با اینکه گرداند

اللَّهُ ذٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا

خدای موافقه شمار با ایشان غم واندوهی در دلهای ایشان وخدای زنده می دارد ومیمیراند وخدای بانچه

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ

میکنید بیناست واگر کشته شوید در راه خدای یا بمیرید هر آینه آمرزش خواهید از

الله ورحمة

خدا و رحمت

اللّٰهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ۝ وَلَئِنْ مُّتُّمْ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللّٰهِ

از خدا و رحمت از جانب وی بهترست از آنچه جمع میکنند کافران و اگر بمیرید ای مومنان یا کشته شوید هر آینه بسوی او حشر

تُحْشَرُونَ ۝ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ

کرده شوید پس بخشایشی که ترا رسیده از جانب خدا نرم گشتی مهربان شدی احد را و اگر میبودی تو

فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ

درشت گوی سخت دل هر آینه پراکنده شدندی اصحاب از گرد تو پس در گذر از ایشان

وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ

و آمرزش طلب از برای ایشان و مشاورت کن با ایشان در کار پس چون قصد کاری کردی پس توکل کن

عَلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ۝ إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللّٰهُ فَلَا

بر خدا بدرستی که خدا دوست دارد توکل کنندگان را اگر نصرت دهد شمارا خدای پس هیچ

غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ

غلبه کننده نباشد شمارا و اگر فرو گذارد شمارا پس کیست آنکه یاری دهد شمارا از پس فرو گذاشتن او

وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ

و بر خدای باید که توکل کنند گرویدگان نباشد و نسزد هیچ پیغمبر را آنکه

يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ثُمَّ تُوَفّٰى

خیانت کند و هر که خیانت کند بیاید بگناه خود روز رستخیز پس تمام داده شود

كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ

هر نفسی را آنچه کرده و ایشان ستم کرده نشوند آیا پس هر که پیروی کند خشنودی

اللّٰهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِّنَ اللّٰهِ وَمَأْوٰىهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

خدا را همچو کسی باشد که بازگردد بخشمی از خدای و آرامگاه او دوزخ باشد و بد بازگشتی است دوزخ

هُمْ دَرَجٰتٌ عِنْدَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ۝ لَقَدْ مَنَّ اللّٰهُ

ایشان که تابع خواهند خدا اند پایهای بلند نزد خدای و خدای بینا است بآنچه میکنند بتحقیق که منت نهاد خدا

على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم يتلوا عليهم
بر گرویدگان تا وقتی که فرستاد میان ایشان پیغمبری از نفس ایشان می خواند بر ایشان
اياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وان
آیتهای اورا و پاک میکرداند ایشانرا و می آموزاند ایشانرا قرآن و احکام شریعت بدرستی که
كانوا من قبل لفي ضلال مبين ۝ اولما اصابتكم مصيبة
بودید پیش ازین در گمراهی هویدا آن هنگامی که رسید بشما بلیه
قد اصبتم مثليها قلتم انى هذا قل هو من عند انفسكم
بدرستی که رسیده بودید بدو چندان گفتند از کجاست این بگو ای محمد آنچه شمارا پیش آمد از نزد شماست
ان الله على كل شىء قدير ۝ وما اصابكم يوم التقى
بدرستی که خدا بر همه چیزها تواناست و آنچه رسید بشما در آن روز که بهم رسیدند
الجمعان فباذن الله وليعلم المؤمنين ۝ وليعلم الذين
گروه مسلمانان و گروه کافران پس آن بیت بفرمان خدا تا متمیز شدید مومنان و بجهة آنکه بدانند که
نافقوا وقيل لهم تعالوا قاتلوا في سبيل الله او ادفعوا
منافقانند و گفته شد مر اهل نفاق راکه بیایید کارزار کنید در راه خدای یا دفع کنید شر کافران
قالوا لو نعلم قتالا لاتبعناكم هم للكفر يومئذ
گفتند ایشان اگر می دانستیم آداب حرب را هر آینه پیروی میکردیم شمارا این منافقان بسوی کفر در آن روز
اقرب منهم للايمان يقولون بافواههم ما ليس في
نزدیکترانند بسوی ایمان می گویند بزبانهای خود آنچه نیست در
قلوبهم والله اعلم بما يكتمون ۝ الذين قالوا لاخوانهم
دلهای ایشان و خدا داناترست بآنچه می پوشید آنکسانیکه گفتند از برای برادران خود
وقعدوا لو اطاعونا ما قتلوا قل فادرءوا عن انفسكم
درحالتی که نشسته بودند اگر فرمان برداری میکردند کشته نمی شدند بگو ای محمد دفع کنید از نفسهای خود

الموت

الجزو
نصف
معانقة

الْمَوْتَ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا
مرگ را اگر هستید شما راست گویان و مپندار ای محمد آنان را که کشته شدند
فِي سَبِيلِ اللّٰهِ اَمْوَاتًا بَلْ اَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ۝
در راه خدای مردگان بلکه ایشان زندگانند نزد پروردگار خود روزی داده میشوند
فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ
شادمانانند بدانچه عطا کرده است ایشان را خدا از فضل خود و مسرور میشوند
لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ اَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ
نرسیده باشان از پس ایشان هیچ خوفی نیست بر ایشان و نباشند ایشان که اندوهگین گردند
يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ وَاَنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيعُ اَجْرَ
شادی میکنند شهیدان بنعمتی که بر ایشان رسیده از خدا و افزونی و بدرستی که خدای ضایع نگرداند مزد
الْمُؤْمِنِينَ ۝ اَلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلّٰهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا
مومنان را آنانکه اجابت کردند فرمان خدا و رسول را از پس آنکه
اَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ اَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقَوْا اَجْرٌ عَظِيمٌ ۝
رسیده باشان جراحتها مر آن کسانرا که نیکو کردند از ایشان و بترسیدند از خدا مزدی بزرگست
اَلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ اِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ
آنهاکه گفتند ایشان را مردمان بدرستی که ابوسفیان و اتباع او جمع شدند برای کشتن شما پس بترسید از ایشان
فَزَادَهُمْ اِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ۝
پس زیاده گردانید تصدیقی و گفتند کافی است ما را خدای و نیکو کارگذار است
فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا
پس بازگشتند بعافیتی تمام از جانب خدا و زیادتی تقرب نرسید ایشانرا مکروهی و پیروی کردند
رِضْوَانَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ۝ اِنَّمَا ذٰلِكُمُ الشَّيْطَانُ
خشنودی خدا را و خدا خداوند فضل بزرگست جز این نیست که آن رسانیدن کار شیطان است

يخوف اولياءه فلا تخافوهم وخافون ان كنتم مؤمنين ه

بترساند دوستان خدا را پس مترسید ای مؤمنان و بترسید از من اگر هستید شما گرویدگان

ولا يحزنك الذين يسارعون في الكفر انهم لن يضروا

و باید که اندوهناک نکردند آنانکه می شتابند در کفر بدرستی که ایشان هرگز ضرر نرسانند

الله شيئا يريد الله الا يجعل لهم حظا في الاخرة ولهم

خدای را چیزی میخواهد خدای انکه نکرداند برای ایشان نصیب در آن جهان و مر ایشان راست

عذاب عظيم ان الذين اشتروا الكفر بالايمان لن

عذابی بزرگ بدرستی آنانکه خریدند کفر را بگرویدن بخدا هرگز

يضروا الله شيئا ولهم عذاب اليم ولا يحسبن الذين

زیان نکنند خدای را چیزی و مر ایشان راست عذاب دردناک و مپندارید آن کسانیکه

كفروا انما نملي لهم خير لانفسهم انما نملي لهم ليزدادوا

کافر شدند بدرستی که ما مهلت دهیم ایشان را که بهترست مر نفسهای ایشان بدرستیکه ما مهلت دادیم ایشان را تا زیاده کنند

اثما ولهم عذاب مهين ما كان الله ليذر المؤمنين

گناه را و مر ایشان راست عذابی خوارکننده هرگز نباشد خدای را بگذارد مؤمنان را

على ما انتم عليه حتى يميز الخبيث من الطيب وما كان

بر آن چیزیکه شما ئید ای منافقان از کفر تا وقتیکه جدا کند پلید را از پاک و چنان نیست

الله ليطلعكم على الغيب ولكن الله يجتبي من رسله

خدا مطلع گرداند شما را بر سر پوشیده ولیکن خدای برگزیند از فرستادگان خود

من يشاء فامنوا بالله ورسله وان تؤمنوا وتتقوا فلكم

هر که را خواهد پس ایمان آرید بخدا و بگروید برسولان و اگر ایمان آرید و پرهیزید پس شما راست

اجر عظيم ولا يحسبن الذين يبخلون بما اتاهم الله من

مزدی بزرگ و باید که نپندارند آنانکه بخیلی میکنند بآنچه داده است ایشان را خدا از

بدانکه منافقان
هیچ انکه از جهاد امتناع میکردند
و عذر باطل می گفتند در انفاق حقوق مالیه
مانند زکوة و خمس و مانند آن اطاعت میکردند
از اینجهة حق تعالی در عقب آن فرموده
ولا یحسبن الآیه

فضله

فضله هو خيرا لهم بل هو شر لهم سيطوقون ما بخلوا
فضل خود که آن بخل بهترست ایشان را بلکه آن بدترست مر ایشان را زود باشد که در گردن شان طوق کنند آنچه بخل کردند
به يوم القيمة ولله ميراث السموات والارض والله
بآن روز رستخيز ومر خدايراست ميراث آسمانها وزمينها وخداى
بما تعملون خبير لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله
بدانچه ميكنيد داناست بدرستى كه شنيد خدا سخن آنها كه گفتند بدرستى كه خدا
فقير ونحن اغنياء سنكتب ما قالوا وقتلهم الانبياء
فقيرست وما توانگر زود باشد که بنويسيم آنچه گفتند ديگر بنويسيم كشتن ايشان پيغمبران را
بغير حق ونقول ذوقوا عذاب الحريق ذلك بما قدمت
بناحق وگوييم ايشان را بچشيد عذاب آتش سوزنده را آن عذاب که بود بسبب آنچه
ايديكم وان الله ليس بظلام للعبيد الذين قالوا
دستهاى شما وبدرستى که خدا نيست ستمكار ببندگان خود آنانکه گفتند
ان الله عهد الينا الا نؤمن لرسول حتى ياتينا بقربان
بدرستیکه خدا عهد کرده مارا آنکه ایمان نیاوریم فرستاده را تا وقتی که بیارد بما قربانی
تاكله النار قل قد جاءكم رسل من قبلي بالبينات
تا بخورد آنرا آتش بگوی محمد بتحقیق آمدند بشما فرستادگان خدا پس از من بمعجزهای روشن
وبالذي قلتم فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين
وآمدند بآنچه که گفتند یعنی قربانی پس چرا کشتید ایشان را اگر هستید شما راست گویان
فان كذبوك فقد كذب رسل من قبلك جاءوا
پس اگر تکذیب کردند ترا پس بدرستیکه تکذیب کرده شدند فرستادگان پیش از تو آورده بودند
بالبينات والزبر والكتاب المنير كل نفس ذائقة الموت
معجزهای روشن وموعظها وکتاب روشن کننده هر نفس چشنده مرگ است

وانما توفون اجورکم یوم القیمة فمن زحزح عن النار

جزاین نیست که جزا داده شوید مزدهای اعمال خود روز برخواستن از قبر هرکه دور کرده شود از آتش

وادخل الجنة فقد فاز وما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور

در آورده شود به بهشت بتحقیق رستکاری یافت و نیست زندکانی دنیا مکر برخورداری فریب دهنده

لتبلون فی اموالکم وانفسکم ولتسمعن من الذین

هر آینه آزمایش کرده شوید در مالهای خود و در نفسهای خود و هر آینه بشنوید از آنانکه

اوتوا الکتاب من قبلکم ومن الذین اشرکوا اذی کثیرا

کتاب بایشان دادند پیش از شما و از آنانکه شرک آوردند رنج بسیار

وان تصبروا وتتقوا فان ذلک من عزم الامور ۝ واذ اخذ

و اکر صبر کنید و بپرهیزید بدرستی که این صبر از استواری و محکم کاری دین است وقتی که فرا کرفت

الله میثاق الذین اوتوا الکتاب لتبیننه للناس ولا تکتمونه

خدای عهد آنانکه داده شدند کتاب را نوشته شده برای مردمان و نپوشند آن وصف

فنبذوه وراء ظهورهم واشتروا به ثمنا قلیلا فبئس ما

پس بینداختند پس پشت خود و خریدند بآن بربهای اندک پس بد چیزی است

یشترون ۝ لا تحسبن الذین یفرحون بما اتوا ویحبون ان

میخرند مپندار ای محمد آنان را که شادی میکنند بانچه آمدند و دوست میدارند اینکه

یحمدوا بما لم یفعلوا فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب ولهم

ستوده شوند بانچه نکردند پس کمان مبر ایشان را برستکاری از عذاب و مرایشان راست

عذاب الیم ۝ ولله ملک السموات والارض والله علی کل

عذابی دردناک و مر خدای راست پادشاهی آسمانها و زمینها و خدای بر همه

شیء قدیر ۝ ان فی خلق السموات والارض واختلاف

چیز تواناست بدرستی که در آفرینش آسمانها و زمینها و آمد و شد

بعد از این در نقص اهل کتاب و عدم عزم ایشان بر آن بعد از الهی می فرماید واذ اخذ الله ک بهاتر

بعد ازان بعضی دیگر از خصال ایشان بیان میفرماید لا تحسبن الذین ک

ع

بعد ازین دلایل مطلب توحید بیان میکند بقوله ان فی خلق السموات ک

اللیل

اللیل والنهار لآیات لاولی الالباب ۝ الذین یذکرون

شب وروز هراینه نشانهاست مرخداوندان خردرا آنانکه یاد میکنند

الله قیاما وقعودا وعلی جنوبهم ویتفکرون فی خلق

خدارا درحالتیکه ایستادگان ووقتیکه نشستگان ودرآن زمان که افتادند بر پهلوهای خود اندیشه میکنند در آفرینش

السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک

آسمانها وزمینها ومیگویند پروردگارما نیافریدی این آسمان وزمین بعبث پاکی تو

فقنا عذاب النار ۝ ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته

پس نگهدار مارا از عذاب آتش ای پروردگارما بدرستی که تو هرکه درآری در دوزخ بدرستی که خوار گردانیدی اورا

وما للظالمین من انصار ۝ ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی

ونیست مر ستمکاران را یارانی میگویند ای پروردگارما بدرستیکه ما شنیدیم نداکننده میخواند مردمان را

للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ۝ ربنا فاغفر لنا ذنوبنا

برای گرویدن بآنکه بگروید به پروردگار خود پس ایمان آوردیم ای پروردگارما پس بپوشان گناهان مارا

وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ۝ ربنا وآتنا ما وعدتنا

ومحو کن از ما بدیهای مارا وبمیران مارا با نیکوکاران ای پروردگارما بده مارا آنچه وعده کرده مارا

علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد ۝

بر تصدیق فرستادگان تو ورسوا مگردان مارا روز قیامت بدرستی که تو خلاف نکنی وعده خودرا

فاستجاب لهم ربهم انی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر

پس اجابت کرد ایشانرا پروردگار ایشان بانچه که ضایع نگردانم هیچ عمل کننده را از شما از مرد

او انثی بعضکم من بعض فالذین هاجروا واخرجوا من

وزن برخی از شما از برخی دیگر پس آنانکه هجرت کردند وبیرون کرده شدند از

دیارهم واوذوا فی سبیلی وقاتلوا وقتلوا لاکفرن عنهم

سراهای خود ورنجانیده شدند در راه من وکارزار کردند وکشته شدند هرآینه درگذرم از ایشان

گویند این آیه در جواب
ام سلمه نازل شد که بحضرت
رسالت صلی الله علیه
وآله گفته بود که در قرآن
ثواب رجال مذکور است
واز زنان هیچ مذکور نیست ۝

سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا

بديهاي ايشان را وهر آينه در آريم ايشان را ببوستانهاي كه ميرود از زير درختان جويها پاداش دادنی

مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ

از نزد خداي وخداي نزد اوست نيكو پاداش بايد كه فريب ندهد ترا رفتن وآمدن

الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ

آنانكه كافر شدند در شهرها براي تجارت آن مال برخورداري اندكست پس جاي بازگشت ايشان جهنم باشد

وَبِئْسَ الْمِهَادُ لَٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ

وبد آرامگاهيست دوزخ وليكن آنهاكه ترسيدند از پروردگار خود مر ايشان راست بوستانها

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ

ميرود از زير منازل ايشان جويهاي آب جاويد باشند در آن بوستانها پيش كش يافت از نزديك خداي

مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ

آنچه نزد خدايست بهترست مر نيكوكاران را وبدرستي كه از اهل كتاب كيست كه ميگرود

بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ

بخداي وآنچه فرستاده برشما وآنچه فرستاده شد بايشان ترسكاران مر خداي را بدل نميكنند

بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ

باحكام توريت بهاي اندك آن گروه ترسكار مر ايشانراست مزد ايشان نزد پروردگار ايشان بدرستيكه خدا

سَرِيعُ الْحِسَابِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَ

زود حسابست اي گروه مؤمنان صبر كنيد ونكيبائي ورزيد و

رَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ سورة النساء مائة وست وسبعون

آماده باشيد وبترسيد از خدا شايد كه شما رستگار شويد

ثلث ارباع

حزب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداي بخشاينده مهربان

يا أيها الناس اتقوا ربكم الذي خلقكم من نفس

ای جمیع مردمان بترسید از پروردگار خود آن خدائیکه آفرید شمارا از یک نفس که آدم است

واحدة وخلق منها زوجها وبث منهما رجالا كثيرا

وآفرید از آن نفس جفت او را که حوا است پراکنده کرد از آدم و حوا مردان بسیار

ونساء واتقوا الله الذي تساءلون به والأرحام إن الله كان

وزنان فراوان بترسید از خدا آنخدائیکه حاجت مطلبند بآن و ذکر خویشان بدرستی که خدا است

عليكم رقيبا ۝ وآتوا اليتامى أموالهم ولا تتبدلوا

برشما مطیع و بدهید یتیمان را مالهای ایشان و بدل مگیرید مال

الخبيث بالطيب ولا تأكلوا أموالهم إلى أموالكم

ناپاک را بمال پاک و مخورید مالهای ایشان را مخلوط با مالهای خود

إنه كان حوبا كبيرا ۝ وإن خفتم ألا تقسطوا في

بدرستیکه خوردن مال یتیم هست گناهی بزرگ واگر میترسید انکه عدل نکنید در

اليتامى فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنى وثلاث

امور یتیم پس نکاح کنید انچه خوش آید شمارا از زنان دو دو و سه سه

ورباع فإن خفتم ألا تعدلوا فواحدة أو ما ملكت

و چهار چهار پس اگر بترسید انکه عدل نتوانید کرد پس اختیار کنید یک زن و یا شربت که مالک آن

أيمانكم ذلك أدنى ألا تعولوا وآتوا النساء صدقاتهن

دستهای شما این اختیار یکزن نزدیکتر است بانکه میل ننمایند و بدهید زنان را که نکاح کرده اید کابین هایشان

نحلة فإن طبن لكم عن شيء منه نفسا فكلوه

عطیه است از شما پس اگر خوشدل باشند مر شمارا و بگذارند از جزی از کابین بطیب نفس پس بخورید آن را

هنيئا مريئا ۝ ولا تؤتوا السفهاء أموالكم التي جعل الله لكم

خوردنی سازکار و خوشگوار و مدهید به سفیهان مالهای خود را آن مالها که گردانید است خدا برای شما

قِيٰمًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۝

سبب قيام ونصيبى دهيد ايشان را از آن مالها وبپوشانيد ايشان را وبگوييد مر ايشان را سخنى نيكو

وَابْتَلُوا الْيَتٰمىٰ حَتّٰى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ اٰنَسْتُمْ مِنْهُمْ

بيازماييد يتيمان را تا آنكه برسند بحد نكاح يعنى بلوغ پس اگر ديديد شما از ايشان

رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوٰلَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا

نيكويى در راه راست پس بدهيد بايشان مالهاى ايشان را ومخوريد مالهاى يتيمان از روى گزاف وشتاب

أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ

از ترس آنكه بزرگ شوند وهركه باشد از اوصيا توانگر پس بايد كه عفت ورزد وهركه باشد

فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوٰلَهُمْ

درويش بايد كه بخورد مال يتيم بقدر حاجت پس چون دفع كنيد بسوى ايشان مالهاى ايشان را

فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفٰى بِاللّٰهِ حَسِيبًا ۝ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا

پس گواه گيريد بر اوراق ايشان وبسنده است خدا حساب كننده مردان را بهره ايست از آنچه

تَرَكَ الْوٰلِدٰنِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ

گذاشته باشند پدر ومادر ايشان وخويشان نزديك ومر زنان را حصه ايست از آنچه گذاشته

الْوٰلِدٰنِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا

پدر ومادر ونزديكان از آنچه كم باشد از آن يا بسيار بهره مقرر شده

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُوا الْقُرْبىٰ وَالْيَتٰمىٰ وَالْمَسٰكِينُ

وچون حاضر شوند در وقت قسمت خويشان ميت ويتيمان ومحتاجان

فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۝ وَلْيَخْشَ الَّذِينَ

پس بدهيد ايشان را چيزى از آن مال وبگوييد مر ايشان را سخن پسنديده وبايد بترسند آنانكه

لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعٰفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللّٰهَ

اگر بگذارند از پس مرگ خود فرزندان ضعيف بترسند از ايشان پس بايد كه بترسند از خدا

وليقولوا

وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ
وبکویند سخنی راست بدرستی آنانکه می خورند مالهای

الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ
یتیمان را از روی ستم جز این نیست که میخورند در شکمهای خویش آتش و زود باشد که درآیند

سَعِيرًا ۝ يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ
در آتش وصیت میکند شمارا خدای در فرزندان شما مر مرد مثل بهره

الْأُنْثَيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ
دو زن پس اگر باشند اولاد میت زنان بالای دو پس ایشانرا باشد دو بخش از سه بخش آنچه میت گذاشته

وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ
واگر باشد ولد یک دختر پس او راست نصف پدر و مادر میت هر یکی را

مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ
از ایشان شش یکی از آنچه گذاشته میت اگر باشد آن فرزندرا فرزندی پس اگر نباشد

لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ
آن فرزندرا فرزندی میراث برد از او پدر و مادر او پس مادر او راست یک ثلث پس اگر باشند این متوفی برادران

فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ
پس مادر میت را یکی از شش حصه است از پس وصیتی که باشد وصیت کرده بدان یا بعد از ادای دین

آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا
پدران شما و پسران شما نمیدانید شما که کدام از ایشان نزدیکترست مرشمارا از روی منفعت

فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَلَكُمْ نِصْفُ
فرض گردانیدن از نزد خدای بدرستی که خدا هست دانا و حکم کننده و در شمارا است نیمه

مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ
آنچه که گذارند زنان شما و اگر نباشد مر زنانرا فرزندی پس اگر باشد

لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ

از زنان را فرزندان پس شمارات چهاریک از آنچه بگذارند زنان شما از پس وصیت که زنان شما وصیت کرده

بِهَا اَوْ دَيْنٍ ط وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ اِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ

بدان پس از ادای دین زنان شمارات چهاریک از آنچه گذاشته باشید اگر نباشد مر شمارا

وَلَدٌ ج فَاِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ مِنْ

فرزند پس اگر باشد شمارا فرزند پس زنان راست هشت یک از آنچه گذاشته باشید از

بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا اَوْ دَيْنٍ ط وَاِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ

پس وصیت وصیت میکنید بدان یا بعد از ادای دین واگر باشد مردی میراث کرده

كَلَالَةً اَوِ امْرَاَةٌ وَلَهُ اَخٌ اَوْ اُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا

از وی یعنی ۲ واگر باشد زنی مر آن مرد و زن را برادری یا خواهری پس هر یکی را از ین برادر

السُّدُسُ ج فَاِنْ كَانُوا اَكْثَرَ مِنْ ذٰلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ

هر شش یک است پس اگر باشند اولاد مادری بیشتر از برادر و خواهر پس ایشان انباز اند در سه یک

مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصٰى بِهَا اَوْ دَيْنٍ لا غَيْرَ مُضَارٍّ ج وَصِيَّةً مِنَ

از پس ادای وصیت که وصیت کرده شده است بدان یا بعد از ادای دین زیان رساننده بر ورثه فرض شده نابت

اللّٰهِ ط وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ ط تِلْكَ حُدُودُ اللّٰهِ ط وَمَنْ يُطِعِ اللّٰهَ

جانب خدا وخدا داناست بردبار واین احکام حدهای خداست وهر که فرمان بردخدا

وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنّٰتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِينَ

و رسول ورا درآرد خدا اورا بوستانهای که میرود از زیر درختان جویهای آب جاوید باشند

فِيهَا ط وَذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ وَمَنْ يَعْصِ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَ

در آن واین رستگاری بزرگست وهر که نافرمانی کند خدا و رسول اورا و

يَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خٰلِدًا فِيهَا ص وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ

درگذرد از اندازهای او درآرد خدا اورا در آتشی جاوید باشند در آن وآن عاصیان را عذابیست خوار کننده

[illegible]

۲ پدر و مادر و
اولاد ندارد

[illegible]

واللاتی

وَاللَّاتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ
وآن زنانیکه بیایند بخصلتی زشت از زنان شما پس طلب گواه کنید برایشان
أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى
چهار مرد از شما پس اگر گواهی دهند این چهار پس نگاه دارید ایشانرا در خانهای خود تا وقتیکه
يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ۝ وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانِهَا
متوفی سازد ایشانرا ملک الموت یا کرداند خدای برای ایشان راهی مرد وزنی که محصن نباشند بیایند بزنا
مِنْكُمْ فَآذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا
از شما پس برنجانید ایشانرا پس اگر توبه کنند و بصلاح آیند پس روی کردانید از ایشان
إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا ۝ إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ
بدرستی که خدا هست قبول کننده توبه ومهربان جز این نیست که قبول توبه برخداست برای کسانیکه میکنند
السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ
بدیهارا بنادانی پس توبه کنند از زمان نزدیک پس آنگروه قبول کند
اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ
خدا توبه ایشان وهست خدای دانا وصواب کار ونیست قبول توبه مرآنانراکه
يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ
میکنند بدیهارا تا چون حاضر شود یکی از آنهارا مرگ کوید بدرستی که من توبه کردم
الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ
حالا ونیست توبه مرآنانراکه بمیرند وحال آنکه ایشان کافر باشند آنگروه آماده ساخته ایم برای ایشان
عَذَابًا أَلِيمًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ
عذابی دردناک ای آنکسانیکه کرویده اید روا نیست مرشمارا آنکه میراث کیرید از زنان
كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا
از روی کراهت ونه آنکه منع کنید این زنانرا ببرید از ایشان برخی از آنچه داده اید بایشان کر

حد زنا
درزمان جاهلیت ودر اول اسلام حد زن زانیه حبس موبد بوده بعد ازان منسوخ شد بایه جلد ورجم محصن بحر ۱۷۰

عرب را عادت آن بود که ... ولا تعضلوهن

أَنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ
انکه بیایند بکار زشت روشن زندکانی کنید بازنان به نیکوئی پس اکر

كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ
نخواهید ایشان را پس شاید که کراهت داشته باشید از چیزی و کرداند خدای در آن چیز

خَيْرًا كَثِيرًا ۝ وَإِنْ أَرَدْتُمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ
نیکوئی فراوان واکر خواهید شما طلب بدل کردن زنی بجای زن دیگر

وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ
داده باشید یکی از ایشان را مال بسیار پس فرا مکیرید از آن چیزی را آیا میکیرید از آن زنان

بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا ۝ وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ
بباطل و ستم و حرامی ظاهر و چکونه فرا می کیرید مال را از زنان و حال انکه رسیده است برخی از شما

إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ۝ وَلَا تَنْكِحُوا
به برخی و فرا کرفتند آن زنان از شما پیمانی محکم بنکاح میاورید

مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ
انرا که خواستند پدران شما از زنان مکر انچه کذشته است بدرستی که نکاح

فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا ۝ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ
خصلتی زشت است و دشمن داشته و بد راهی است حرام کردانیده شد بر شما مادران شما

وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ
و دختران شما و خواهران شما و خواهران پدران شما و خواهران مادران شما و دختران

الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ
برادر و دختران خواهر و مادران شما انها که شیر دادند شمارا

وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ
و خواهران شما از جهة شیر خوردن و مادران زنان شما و دختران زنان شما

ابن عباس [illegible]

[illegible] زنان [illegible] بنا ثابت [illegible] تا انکه زن [illegible] و ان اردتم استبدال زوج [illegible]

اورده اند که [illegible] ابو قیس [illegible] انصار [illegible] نکاح [illegible] عقد نکاح [illegible] و لا تنکحوا [illegible]

مادران زنان شما [illegible]

اللاتی فی

قوله اللاتي في حجوركم
جیزای زن پسر جسب عادة و غالب
اتفاق است والا دختر زن
حرام است اگرچه در خانه
شوهر مادر خود نبوده
باشد و بیان نشاید
منه

اللاتي في حجوركم من نسائكم اللاتي دخلتم بهن فان لم

انهای که تربیت یافته اند در کنارهای شما بشرط آنکه متولد شده باشند از زنان شما آن زنانی که دخول کرده باشید بایشان پس اگر

تكونوا دخلتم بهن فلا جناح عليكم وحلائل ابنائكم

نباشید که دخل کرده باشید بایشان پس گناهی نیست بر شما و نیز حرام است زنان پسران شما

الذين من اصلابكم وان تجمعوا بين الاختين الا ما

آن پسرانیکه از پشتهای شما باشند و نه آنکه جمع کنید در میان دو خواهر مگر آنچه

قد سلف ان الله كان غفورا رحيما ۝ والمحصنات من

از پیش گذشته بدرستی که خدا هست آمرزنده مهربان و نیز حرام است بر شما شوهرداران از

النساء الا ما ملكت ايمانكم كتاب الله عليكم واحل

زنان مگر آنچه مالک شده باشد دستهای شما نوشتنی از خدای بر شما و حلال گردانید

لكم ما وراء ذلكم ان تبتغوا باموالكم محصنين غير

بر شما آنچه غیر ازین محرمات مذکور اند آنکه طلب کنید بوسیلهٔ مالهای خود نگاه دارنده کان باشند نه

مسافحين فما استمتعتم به منهن فآتوهن اجورهن

زنا کنندگان پس هر که برخورداری یافته اید باو از زنان پس بدهید بایشان مهرهای ایشان

فريضة ولا جناح عليكم فيما تراضيتم به من بعد الفريضة

که فرض است و هیچ گناهی نیست بر شما از آنچه راضی شوید از یکدیگر بآن از پس آن مهری که فرض کرده شده

ان الله كان عليما حكيما ۝ ومن لم يستطع منكم طولا ان

بدرستی که خدا هست دانا و محکم کار و هر که استطاعت نداشته باشد از شما از روی توانگری نکاح

ينكح المحصنات المؤمنات فمن ما ملكت ايمانكم

نکاح کننده زنان عفیفه را که گرویده باشند از آنچه مالک شده باشد دستهای شما

من فتياتكم المؤمنات والله اعلم بايمانكم بعضكم من

از کنیزان شما که گرویده اند و خدای داناتر است بگرویدن شما برخی از شما از

٥

٥

الجزء الخامس

احل ربع نصف ربع ... ثلاثة ارباع ... الجزء

الا ما ملكت ايمانكم
مگر آن زنانی که مالک شود ایشان را
دستهای راست شما از زنانی که از کفار
اسیر کرده باشید و ایشان را در دار کفر شوهران
کافر بودند که ایشان بر شما حلال اند زیرا که
بسبب رفع علاقهٔ زوجیت از میان ایشان
و میان شوهران کافر ایشان میکند و از
زنانی که شوهران کافر ایشان بشما
فروخته باشند بجهت آنکه بیع بمنزلهٔ طلاق
است و از کنیزانیکه بغلامان خود داده باشند
و بعد ازین حکم کنید باعتزال از آن
کنیزان لیکن در ینصورت واجب است که
آن زنان را استبرا فرمایند بیک حیض
و اگر آبستن باشند صبر کنند تا وضع حمل
و بعد از آن وطی کنند بایشان بدون
نکاح ۵ علامه بهاء الدین ره

بَعْضٍ فَانْكِحُوهُنَّ بِاِذْنِ اَهْلِهِنَّ وَاٰتُوهُنَّ اُجُورَهُنَّ

برخی مناب بکدیکر پس نکاح کنید بدستوری خداوندان ایشان وبدهید کنیزان مهرهای ایشان

بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ اَخْدَانٍ

به نیکوئی کنیزان نکاه دارندکان فرج نه زناکنندکان ونه فراکیرندکان دوستان

فَاِذَا اُحْصِنَّ فَاِنْ اَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى

پس هرکاه نکاه دارند فرج خود از حرام پس اکر بیایند بزنا پس برایشانست نیمه آنچه لازم است بر

الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ

زنان بی شوهر از حد آن نکاح کنیزان برای کسیست که ترسد از سختی از شما

وَاَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُبَيِّنَ

واکر صبر کنید از نکاح کنیزان بهترست شمارا وخدای آمرزنده است ومهربان میخواهد خدا که تا بیان کند

لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ

برای شما وراه نماید شمارا راههای کسانی که بودند پیش از شما وباز کردد

عَلَيْكُمْ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ وَاللّٰهُ يُرِيدُ اَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ

بر شما وخدای داناست ودرست کار وخدای میخواهد اکر قبول کند توبه را بر شما

وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ اَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا

ومی خواهند آنانکه پیروی میکنند آرزوهای نفس را آنکه میل کنید میل کردنی بزرک

يُرِيدُ اللّٰهُ اَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْاِنْسَانُ ضَعِيفًا ۝ يَا اَيُّهَا

میخواهد خدای آنکه سبک کرداند از شما وآفریده شده است آدمی ناتوان ای

الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَاْكُلُوا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ اِلَّا اَنْ

کسانیکه کرویده اید مخورید مالهای یکدیکر درمیان خود بآنچه حرام است مکر آنکه

تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا اَنْفُسَكُمْ اِنَّ اللّٰهَ

باشد بازرکانی از خشنودی از شما ومکشید نفسهای خودرا بدرستیکه خدا

کان بکم

كان بكم رحيما ۝ ومن يفعل ذلك عدوانا وظلما فسوف
هست بشما مهربان وهر كه بكند آنچه مذكور شد از روی تعدی واز وجه ستم زود باشد كه
نصليه نارا وكان ذلك على الله يسيرا ۝ ان تجتنبوا
درآریم او را در آتش وهست این درآوردن بر خدای آسان اگر اجتناب كنید
كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم وندخلكم
از گناهان بزرگ كه نهی شده اید از آن درگذرانیم از شما گناهان شما ودرآریم شما را
مدخلا كريما ۝ ولا تتمنوا ما فضل الله به بعضكم على
در موضع بزرگ آرزو منبرید آنچه را افزونی داد خدا بدان از مال برخی از شما بر
بعض للرجال نصيب مما اكتسبوا وللنساء نصيب مما
برخی دیگر مردمان را بهره ایست از آنچه كسب كرده اند وزنان را بهره ایست از آنچه
اكتسبن وسئلوا الله من فضله ان الله كان بكل
كسب كردند وبخواهید از خدا واز كرم او بدرستیكه خدا هست بهمه
شيء عليما ۝ ولكل جعلنا موالي مما ترك الوالدان
چیز دانا برای هر شخص گردانیدیم میراث خوارانی از آنچه گذارند پدر ومادر
والاقربون والذين عقدت ايمانكم فاتوهم نصيبهم
وخویشان نزدیک وآن كسانیكه عقد سوگند بسته اند دستهای شما با ایشان پس بدهید ایشان را بهره ایشان
ان الله كان على كل شيء شهيدا ۝ الرجال قوامون
بدرستی كه خدا هست بر همه چیز گواه مردان كارگذارانند
على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض وبما انفقوا
بر زنان بسبب آنچه بكه افزونی داد خدای برخی ایشان بر برخی دیگر وبسبب آنكه نفقه میكنند
من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب
از مالهای خود پس زنان شایسته حال وزنان برندگانند نگاهداران عصمت در غیبت شوهران

حذف الالف قبل الهمزة من وسئلوا وسئلوا وفسئلوا فسئلوهم السؤال ربما ه

قوله الرجال قوامون الخ
آورده اند كه حبیبه زوجه سعد بن ربیع [illegible]

بِمَا حَفِظَ اللّٰهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ

بنگاهداشت خدا ایشان را وآن زنانی که میترسند از نافرمانی ایشان را پس پند دهید ایشان را

وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ

و بکناره روید در خوابگاه و بزنید ایشان را پس اگر اطاعت بکنند شمارا

فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا ۝ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا ۝

پس مطلبید برایشان راه سرزنش بدرستی که خداهست برتر و بزرگتر

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا

و اگر بترسید ناسازگاری میان مرد و زن پس برانگیزانید میانجی از قبیله او و میانجی از

مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللّٰهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللّٰهَ كَانَ

از قبیله زن اگر خواهند صلاح آن دو کار مرد و زن سازگاری کند خدا میان شوهر و زن بدرستی که خدا هست

عَلِيمًا خَبِيرًا ۝ وَاعْبُدُوا اللّٰهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ

دانا و آگاه و بپرستید خدای را و انباز مگیرید بوی چیزی را و به پدر و مادر خود

إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي

نیکوئی کنید و بخویشان نزدیک و به یتیمان و به درویشان و به همسایگان

الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ

خویشاوند و بهمسایه بیگانه و همصحبت پهلونشین و راه

السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ مَنْ

گذریان غریب و با بندگان که در دست تصرف شما اند بدرستیکه خدا دوست نمیدارد هر که

كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ۝ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ

باشد خرامنده متکبر و خودستاینده آنانکه بخل میورزند و میفرمایند مردمان را

بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا

به بخیلی و میپوشند آنچه داده است خدا ایشان از فضل خود و آماده کرده ایم

حزب

الذين يبخلون بت
از من كان مختالا الى
ان الله لا يحب الذين
ك

للكافرين

لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ۝ وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ

برای کافران عذاب خوارکننده وآنانکه نفقه میکنند مالهای خودرا

رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ

برای ریا مردمان ونمیگروند بخدا ونه بروز قیامت وهرکه

يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا ۝ وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ

باشد دیو سرکش مراورا همنشین پس بدهمنشینیست ابلیس وچه زیان داشتی برکافران اگر

آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ

ایمان آوردندی بخدا وبروز قیامت ونفقه کردندی ازانچه روزی داده است خدا ایشانرا وهست

اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكُ

خدا باحوال ایشان دانا بدرستی که خدا ظلم نمیکند همسنگ ذره واگر باشد ذره

حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ فَكَيْفَ

نیکی در دیوان اعمال افزون گرداند ثواب آنرا وبدهد خدا از نزدیک خود عطائی بزرگ پس چگونه باشد

إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا ۝

وقتیکه بیاریم از هر گروهی گواهی وبیاریم ترا ای محمد بر این گروه گواه

يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى

درآن روز دوست دارند آنانکه کافر شدند بخدا ونافرمانی کردند رسول اورا اگر راست کرده شود

بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

بدیشان زمین ونه پوشند ازخدای سخنی را ای آن کسانیکه گرویده اید

لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ

نزدیکی مکنید نمازرا وحال آنکه شما مستان باشید تا آنکه بدانید آنچه را که میگوئید

وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ

ونه در حالتی که جنب باشید مگر رهروندگان باشید در راه خدا تا وقتیکه غسل کنید اگر باشید بیماران یا باشید

او جاء احد منکم من الغائط تا بیاید یکی از شما از مکان مغاک پست بجهت حدث اصغر که آن موجب وضوست ۵ بهار
غایط در لغت زمین پست منخفض [illegible]
در عقب آن تخویف مردمان کرد از مخالفت بآن و بر سبیل تعجب فرمود الم تر الی الذین [illegible]

عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ

در سفر یا بیاید یکی از شما از حدث یا مس نموده باشید زنان را

فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ

پس اگر نیابید آب را پس تیمم کنید طاهر زمین را پس مسح کنید روی خود را

وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ

و دستهای خود را بدرستی که خدا هست درگذرنده آمرزنده آیا نمی بینی بسوی آنانکه

أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ

داده شدند بهره از علم می خرند گمراهی را و می خواهند

أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ ۝ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَلِيًّا

آنکه گم کنید راه راست را و خدا داناترست بدشمنان شما و بسنده است خدا دوست شما

وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا ۝ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ

و بس است خدای یاری دهنده از کسانیکه یهود اند و میگردانند کلمه ها را

عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ

از موضع آن و میگویند شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو در حالتی که غیر شنونده

وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا

و در ما نگر پیچانیده بزبانهای خود و طعن میکردند در اسلام و اگر ایشان گفتندی

سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ

شنیدیم و فرمان بردیم ترا و بشنو سخن ما را و نگاه کن در ما هر آینه بودی این گفتار بهتر مر ایشان را و درست تر

وَلَٰكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝

ولیکن لعنت کرده است ایشان را خدا بجهت کفر ایشان پس نمی گروند مگر گروهی ضعیف

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ

ای کسانیکه داده اند شما را کتاب بگروید بآنچه فرستاده ایم در حالتی که تصدیق کننده است مر آنچه [illegible]

[illegible]

من قبل

مِن قَبْلِ أَن نَّطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ

پیش از آنکه محو کنیم رویهارا پس بازگردانیم آن رُوها بر هیئت قفا یا لعن کنیم

كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ ط وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ط إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ

همچنانکه رانده‌ایم یاران روز شنبه را و هست فرمان خدای کرده شده بدرستی که خدا نمی‌آمرزد

أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَاءُ ۚ وَمَن يُشْرِكْ

آن را که شرک آرند بدو و بیامرزد جز که غیر شرک بود هر که را خواهد و هر که شرک آرد

بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ

بخدای بدرستی که افترا کرده باشد دروغی بزرگ آیا ندیدی بسوی آنانکه می ستایند

أَنفُسَهُم ط بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ۝

نفس خودرا بلکه خدای بپاکی یاد کند هر که را خواهد و ستم رسیده نخواهند شد بمقدار رشته ضعیف

انظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ ط وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا ۝

بنگر چگونه افترا میکنند برخدای دروغ را و بسنده است آن افترا گناهی بزرگ

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ

آیا نمی بینی بسوی آنانکه داده شدند بهره از توریت میگروند نام بت

وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَٰؤُلَاءِ أَهْدَىٰ

و نیز نام بت و میگویند درحق کافران اینگروه هدایت ایشان بهتر است

حزب

مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ ط وَمَن

از آنها که ایمان آوردند راه یافته تراند آنگروه متعصب در کفر آنند دور کرده ایشان را خدا و هر که را

يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا ط ۝ أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ

براند خدای پس نیابی تو مرورا یاری آیا یهودان راست بهره از پادشاهی

فَإِذًا لَّا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا ۝ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ

پس آن هنگام ندهند مردمان را پوست دانه خرمای بلکه حسد میبرند بر مردمان بر

ما آتيهم الله من فضله فقد آتينا آل ابرهيم الكتاب والحكمة

انچه داده است ایشان را خدا از فضل خود بدرستی که عطا کردیم اولاد ابراهیم را توریت و علم حلال و حرام

وآتيناهم ملكا عظيما ۝ فمنهم من آمن به ومنهم من صد

و دادیم ایشان را پادشاهی بزرگ پس از جهود آنکس است که ایمان آورد بآن و از ایشان کسی است که اعراض کرد

عنه وكفى بجهنم سعيرا ۝ ان الذين كفروا بآياتنا سوف

از آن و بسنده است دوزخ افروخته بدرستی آنانکه نگرویده اند بآیات قرآن زود باشد

نصليهم نارا كلما نضجت جلودهم بدلناهم جلودا غيرها

که درآریم ایشان را در آتش هرگاه بسوزد پوستهای ایشان بدل کنیم ایشان را بپوستهای غیر سوخته

ليذوقوا العذاب ان الله كان عزيزا حكيما ۝ والذين

تا بچشند عذاب را بدرستی که خدا هست غالب دانا آنانکه

آمنوا وعملوا الصالحات سندخلهم جنات تجري من

گرویده اند و کردند عملهای نیک زود باشد که درآریم ایشان را ببوستانها که میرود از

تحتها الانهار خالدين فيها ابدا لهم فيها ازواج مطهرة و

زیر درختان آن جویها جاوید باشند در آن همیشه مر ایشانرا باشند در آن بوستانها زنانی پاکیزه

ندخلهم ظلا ظليلا ۝ ان الله يامركم ان تؤدوا

درآریم ایشان را در سایه پاینده بدرستی که خدا میفرماید شما را آنکه ادا کنید

الامانات الى اهلها واذا حكمتم بين الناس ان تحكموا

امانتها را بسوی خداوندان آن و چون حکم کنید میان مردمان آنکه حکم کنید

بالعدل ان الله نعما يعظكم به ان الله كان سميعا

براستی بدرستی که خدا نیکو پند میدهد شما را بآنکه بدرستی که خدا هست شنوا

بصيرا ۝ يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولي

و بینا ای کسانی که گرویده اید فرمان برید خدا را و فرمان برید رسول را و خداوند

الامر منكم

امرا

الامر منكم فان تنازعتم في شيء فردوه الى الله والرسول

امرا از شما پس اگر خلاف کنید در چیزی باز گردانید آنرا بحکم خدای و رسول

ان كنتم تؤمنون بالله واليوم الاخر ذلك خير واحسن

اگر هستید شما میگروید بخدا و روز قیامت این رجوع بهترست و نیکوتر

تاويلا ○ الم تر الى الذين يزعمون انهم امنوا بما انزل اليك

از روی عاقبت آیا ندیدی بسوی آنانکه گمان میبرند که ایشان گرویده اند بانچه فرستاده بتو

وما انزل من قبلك يريدون ان يتحاكموا الى الطاغوت

وانچه فرستاده پیش از تو می خواهند انکه مرافعه کنند بسوی کسیکه باغیست

وقد امروا ان يكفروا به ويريد الشيطان ان يضلهم

و بتحقیق که ماموره شده اند بانکه بگروند بطاغوت و می خواهد شیطان انکه گمراه کرداند ایشانرا

ضلالا بعيدا ○ واذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل الله والى

گمراهی دور وچون گویند منافقان بیایید بسوی حکمی که فرستاده است خدا و بحکمی

الرسول رايت المنافقين يصدون عنك صدودا ○

که پیغمبر اورده است می بینی منافقان را اعراض میکنند از تو اعراض کردنی

فكيف اذا اصابتهم مصيبة بما قدمت ايديهم ثم جاؤك

پس چگونه چون برسد بدیشان عقوبتی بسبب آنچه فرستاده دستهای ایشان پس بیایند بسوی تو

يحلفون بالله ان اردنا الا احسانا وتوفيقا ○ اولئك

سوگند میخورند بخدا که نخواستیم ما مگر نیکویی و موافق گردانیدن آن گروه منافقان

الذين يعلم الله ما في قلوبهم فاعرض عنهم وعظهم

آنانند که میداند خدای آنچه در دلهای ایشانست پس روی بگردان از ایشان و پند ده ایشانرا

وقل لهم في انفسهم قولا بليغا ○ وما ارسلنا من رسول

و بگو مر ایشانرا درباب نفسهای ایشان سخنی اثر کننده و نه فرستادیم ما هیچ فرستاده

إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا

مگر آنکه فرمان او برند بامر خدای واگر منافقان آن هنگام ستم کردند بر نفسهای خود بیامدندی بتو وطلب آمرزش کردندی

اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ۝ فَلَا

از خدای وآمرزش خواستی برای ایشان رسول هرآینه یافتندی خدای را قبول کننده توبه مهربان پس نه

وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا

وبحق پروردگار تو ایمان نخواهند آورد تا وقتیکه حکم سازند ترا در آنچه اختلاف باشد میان ایشان وتو حکم کنی پس باز نیابند

فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ۝ وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا

در نفسهای خود شک از آنچه حکم کرده بآن وگردن نهند گردن نهادنی واگر ما می نوشتیم

عَلَيْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوِ اخْرُجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ

بر ایشان آنکه بکشید نفسهای خود را یا بیرون روید از سراهای خود نکردندی

إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ ۖ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ

مگر اندکی از ایشان واگر ایشان کردندی از آنچه پند داده میشوند بدان هرآینه بودی

خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا ۝ وَإِذًا لَآتَيْنَاهُمْ مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا

بهتر مر ایشان را وسخت تر بودی از روی تصدیق وآنهنگام هرآینه بدهیم ایشان را از نزدیک خود مزدی

عَظِيمًا ۝ وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۝ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ

بزرگ وهرآینه راه نمائیم ایشان را راه راست وهرکه فرمان برد خدای

وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ

ورسول را پس آن گروه با آنانکه انعام کرده است خدای بر ایشان از پیغمبران

وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ ۚ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ

وراستگویان در اعمال وشهیدان وصالحان ونیکواند اینجماعه

رَفِيقًا ۝ ذَٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عَلِيمًا ۝ يَا أَيُّهَا

از روی همنشینی آنچه مطیعان راست محض فضل از جانب خداست وبسنده است خدا دانا ای

خمس ع

الذین امنوا

الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوِ انْفِرُوا
آنکسانیکه ایمان آورده اید واگیرید سلاح خودرا پس بیرون روید متفرقه یا بیرون روید
جَمِيعًا ۝ وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيُبَطِّئَنَّ ج فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ
همه بدرستی که بعضی از شما کسی است که کاهل میکند پس اگر رسد بشما واقعه
قَالَ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا ۝
گوید آن منافق بدرستی که انعام کرد خدای برمن چه من نبودم با مؤمنان حاضر شده
وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَنْ لَمْ تَكُنْ
واگر برسد بشما افزونی از خدای هرآینه گوید آن منافق چنانکه گویا نبوده
بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا
میان شما ومیان او دوستی ای کاشکی من بودمی با مسلمانان پس یافتمی فیروزی
عَظِيمًا ۝ فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَوٰةَ
بزرگ پس باید که قتال کنند در راه خدای آنانکه فروخته اند زندگانی
الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ ط وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ
دنیا را ببرای باقی وهرکه کارزار کند در راه خدای پس کشته شود یا غالب آید
فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ
پس زود باشد که بدهیم اورا مزد بزرگ وچیست مرشمارا جهاد نمیکنید
فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ
در راه خدای ودرباره بیچارگان که اسیر کفارند از مردمان وزنان وفرزندان
الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَٰذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ
میگفتند پروردگارا بیرون آرمارا از این ده که ظالم اند
أَهْلُهَا ج وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ج وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ
اهل آن ده وبسازبرای ما از نزد خود کسی که دوست ما باشد وتعین فرما برای ما از نزدیک خود

بردشمن

[illegible]

نصيرا الذين آمنوا يقاتلون في سبيل الله والذين كفروا
یاری آنانکه گرویدند کارزار میکنند در راه خدای و آنانکه کافر شدند
يقاتلون في سبيل الطاغوت فقاتلوا أولياء الشيطان
مقاتله میکنند در راه شیطان پس کارزار کنید ای رسول با دوستان شیطان
إن كيد الشيطان كان ضعيفا ألم تر إلى الذين قيل
بدرستی که حیله شیطان هست سست آیا ندیدی بسوی آنانکه گفته شد
لهم كفوا أيديكم وأقيموا الصلوة وآتوا الزكوة فلما كتب
مرایشان را باز دارید دستهای خود و بپای دارید نماز را و بدهید زکوة را پس آنهنگام که نوشته شد
عليهم القتال إذا فريق منهم يخشون الناس كخشية الله
برایشان کارزار آنوقت گروهی از ایشان میترسند از مشرکان چون ترسیدن از خدای
أو أشد خشية وقالوا ربنا لم كتبت علينا القتال
بلکه سخت تر از آن ترسیدن و گفتند ای پروردگارا برای چه واجب گردانیدی بر ما مقاتله کفار
لولا أخرتنا إلى أجل قريب قل متاع الدنيا قليل و
چرا ما را باز پس نگذاشتی تا اجلی نزدیک بگو تمتع دنیا اندکست
الآخرة خير لمن اتقى ولا تظلمون فتيلا أين ما تكونوا
آخرة بهترست هر که پرهیزد و ستم رسیده نخواهید شد بمقدار رشته هر کجا باشید
يدرككم الموت ولو كنتم في بروج مشيدة وإن
دریابد شما را مرگ واگرچه باشید شما در قلعهای بلند گردانیده بگچ واگر
تصبهم حسنة يقولوا هذه من عند الله وإن تصبهم
برسد اهل کتاب را نیکوئی میگویند این نیکوئی از نزد خدایست واگر برسد بایشان
سيئة يقولوا هذه من عندك قل كل من عند الله
تنگی میگویند این از نزد توست که محمدی بگو که همه از نزد خدایست

[illegible]

فمال

فمال هؤلاء القوم لا يكادون يفقهون حديثا ۝ ما

پس چیست آن گروه جهودان را نزدیک نیستند که فهم کنند سخنی را آنچه

اصابك من حسنة فمن الله وما اصابك من سيئة فمن

میرسد بتو ای محمد از نیکوئی پس از جانب خدایست و آنچه میرسد بتو از تنگی پس از

نفسك وارسلناك للناس رسولا وكفى بالله شهيدا ۝ من

نفس تست و فرستاده ایم ترا برای مردمان فرستاده و بسنده است خدا گواه هرکه

يطع الرسول فقد اطاع الله ومن تولى فما ارسلناك عليهم

فرمان برد رسول را پس بدرستی که فرمان برده است خدا را و هرکه اعراض کند پس نفرستادیم ترا بر ایشان

حفيظا ۝ ويقولون طاعة فاذا برزوا من عندك بيت

نگهبان میگویند منافقان فرمان برداریست مر ترا چون بیرون روند از نزدیک تو شب گذرانند

طائفة منهم غير الذي تقول والله يكتب ما يبيتون

طایفه از ایشان غیر آنکه روز با تو میگویند و خدا می نویسد آنچه در شب تدبیر میکنند

فاعرض عنهم وتوكل على الله وكفى بالله وكيلا ۝

پس روی بگردان از ایشان و توکل کن برخدای و بس است خدای کفایت کننده مهمات

افلا يتدبرون القران ولو كان من عند غير الله

آیا تامل نمینمایند در معنی قران اگر بودی این قران از نزد غیر خدای

لوجدوا فيه اختلافا كثيرا ۝ واذا جاءهم امر من الامن

هر آینه یافتندی در آن اختلاف بسیار و چون بیاید بمنافقان کاری از آنچه موجب ایمنی است

او الخوف اذاعوا به ولو ردوه الى الرسول والى اولى

یا آنچه سبب ترس است فاش کنند آن خبر را و اگر بازگردانند برای پیغمبر و بالا مرای اصحاب

الامر منهم لعلمه الذين يستنبطونه منهم ولولا

لشکر از ایشان هر آینه دانند آنانکه استخراج میکنند خبر را از ایشان و اگر نه

فضل الله عليكم ورحمته لاتبعتم الشيطان الا قليلا ●

از فضل خدا بودی بر شما و بخشایش او هر آینه پیروی میکردید شیطان را مگر اندکی از شما

فقاتل في سبيل الله لا تكلف الا نفسك وحرض

پس کارزار کن در راه خدا تکلیف کرده نشد در جهاد مگر فعل نفس ترا وترغیب کن

المؤمنين عسى الله ان يكف بأس الذين كفروا

مؤمنان را شاید که باز دارد خدا سختی کارزار آنهاکه کافر شدند

والله اشد بأسا واشد تنكيلا ● من يشفع شفاعة حسنة

وخدای سخت ترست در هیبت و سخت تر در عقوبت وهرکه خواهد درخواستی نیکو

يكن له نصيب منها ومن يشفع شفاعة سيئة يكن له

باشد مر آن شفیع را بهره از ثواب آن وهرکه خواهد درخواستی بد باشد مراو را

كفل منها وكان الله على كل شيء مقيتا ● واذا حييتم

نصیبی از وبال آن و هست خدای بر همه چیز نگهبان وچون تحیت داده شو

بتحية فحيوا باحسن منها او ردوها ان الله كان على كل

سلام پس تحیت گوئید نیکوتر از آن یا باز گردانید همان تحیت را بدرستی که خداهست بر

شيء حسيبا ● الله لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم

چیزها حساب کننده خدا مستحق پرستش هیچ معبود نیست مگر او هر آینه جمع کرداند شما را تا روز

القيامة لا ريب فيه ومن اصدق من الله حديثا ●

رستخیز هیچ شک نیست در آن روز وکیست صادق تر از خدای از روی گفتار

فما لكم في المنافقين فئتين والله اركسهم بما كسبوا

پس چیست شما را در شأن منافقان دو فرقه وخدای باز گردانید ایشان را بسبب آنچه کردند

اتريدون ان تهدوا من اضل الله ومن يضلل الله فلن

آیا می خواهید که راه نمایید آنرا که فرو گذاشته است خدا وهرکه را خذلان نماید خدا پس

نصف حزب

تجد له

نیابد مراو را

تجد له سبيلا ◎ ودوا لو تكفرون كما كفروا فتكونون

یابی مر اورا راه بر حق دوست میدارند انکه کافر شوید همچنانکه کافر شدند تا باشید

سواء فلا تتخذوا منهم اولياء حتى يهاجروا في سبيل الله

مساوی پس فرا مگیرید از ایشان دوستان تا وقتیکه مهاجرت کنند در راه خدای

فان تولوا فخذوهم واقتلوهم حيث وجدتموهم ولا

پس اگر اعراض کنند پس بگیرید ایشان را و بکشید ایشان را هرجاکه بیابید ایشان را و

تتخذوا منهم وليا ولا نصيرا ◎ الا الذين يصلون الى

مگیرید از ایشان دوستی و نه یاری مگر آنانکه به پیوندند بسوی

قوم بينكم وبينهم ميثاق او جاءوكم حصرت

گروهی که واقع شده میان شما و میان ایشان عهدی یا آنکه آمدند بشما که تنگ بود

صدورهم ان يقاتلوكم او يقاتلوا قومهم ولو شاء

سینهای ایشان انکه کارزار کنند باشما واگر خواستی

الله لسلطهم عليكم فلقاتلوكم فان اعتزلوكم فلم

خدای هرآینه مسلط ساختی ایشان را بر شما پس با شما قتال کردندی پس اگر کناره کنند از شما پس اگر

يقاتلوكم والقوا اليكم السلم فما جعل الله لكم

کارزار نکنند باشما والقی کنند بجانب شما آشتی پس نساخت خدای برشما

عليهم سبيلا ◎ ستجدون آخرين يريدون ان يامنوكم

برایشان راهی زود باشد که بیابند قومی دیگر خواهند که ایمن شوند از شما

ويامنوا قومهم كلما ردوا الى الفتنة اركسوا فيها فان لم

و ایمن شوند از قوم خود هرگاه که خوانده شوند بسوی کفر بازگردانیده شوند در آن پس اگر

يعتزلوكم ويلقوا اليكم السلم ويكفوا ايديهم

کناره نگیرند از قتال شما و القا نکنند بسوی شما صلح و باز ندارند دستهای خود را

فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ ط وَأُولَٰئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ
پس بگیرید ایشان را وبکشید ایشان را هرجا که دست یابید برایشان وآن گروه گردانیدیم ما شمارا
عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ۝ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا
برایشان حجتی روشن ونسزد مر مؤمن را آنکه بکشد مؤمنی را ناحق
إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ ط وَدِيَةٌ
مگر بخطا وهرکه بکشد مؤمن را بخطا پس بر اوست آزاد کردن بنده گرونده ودیتی
مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ
اداکرده شده بورثه مقتول مگر آنکه ورثه تصدیق نمایند وعفو کنند پس اگر باشد مقتول از گروهی
عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ ط وَإِنْ كَانَ
که دشمن شمااند واو مؤمن باشد پس بر قاتل است آزاد کردن بنده مؤمن واگر باشد مقتول
مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ
از قومی که میان شما ومیان ایشان پیمانیست پس بر قاتل است دیت اداکرده شده باهل آن
وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ
وآزاد کردن بنده مؤمن پس هرکه نیابد بنده را پس بر اوست روزه دو ماه از پی یکدیگر
تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ ط وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا
پذیرفته شود توبه از جانب خدا وهست خدا دانا حکم کننده وهرکه بکشد مؤمنی را
مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ
بعمد پس پاداش او دوزخ است جاوید باشند در آن وخشم گرفت خدا براو
وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ
وراندە شده وآماده ساخته است براو عذابی بزرگ ای گروه گرویدگان چون سفر کنید
فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَمَ لَسْتَ
در راه خدای پس تفحص کنید ومگویید مرکسی را که القا کند بسوی شما سلام نیستی

السلم
اكف

مُؤْمِنًا

قوله تع كذلك كنتم من قبل همچنين بوديد شما پيش ازين يعني اول بار كه باسلام در مى آمديد
همين اظهار اسلام و اقرار بزبان بسته بود از شما و موافقت قبله را كسى از شما توقع نداشت ٥ بهاء الدين

مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ

مؤمن درحالتيكه طلب كنيد مال فانى دنيا پس نزديك خداست غنيمتهاى بسيار

كَذٰلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ

همچنين بوديد شما از پيش پس منت نهاد خدا بر شما معلوم كنيد بدرستى كه

اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝ لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ

خداى هست بدانچه ميكنيد دانا برابر نيستند نشستگان

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ

از مؤمنان كه نباشند خداوند بيمارى و جهادكنندگان در راه

اللّٰهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ

خداى بمالهاى خود و بنفسهاى خود فضيلت داد خدا مجاهدان را بمالهاى خود

وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنٰى

و نفسهاى خود بر نشستگان و همه را وعده كرده است خدا پاداش نيكو

وَفَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ۝

و تفضل داد خدا مجاهدان را بر نشستگان مزدى بزرگ

دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝

بايهات از خداى و آمرزشى و بخشايشى و هست خداى آمرزنده مهربان

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفّٰهُمُ الْمَلٰئِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ

بدرستى آنانكه ميگيرد ايشان فرشتگان ستمكار بودند بر نفس خود گفتند فرشتگان در چه

كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ

بوديد گفتند بوديم ضعيفان در زمين مكه گفتند فرشتگان آيا نبود

أَرْضُ اللّٰهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولٰئِكَ مَأْوٰهُمْ جَهَنَّمُ

زمين خدا كشاده كه هجرت كنيد در آن پس آن گروه جاى ايشان دوزخ است

من نا چنا ام و تحت آن از
برون مفاد كه مجموع باعتنا مرحق تعالى
اين آيه را در باره ايشان
نازل ساخت ٥ فتح

حزب ۴

آورده اند كه جمعى از مسلمانان و
قيس بن وليد و ... ايشان از مكه بمدينه هجرت نكردند
... در جنگ بدر ... حاضر گشتند ... مسلمانان كشته شدند ... در شان ايشان فرمود ان الذين
توفيهم الملائكة

وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ
وبد بازکشتی است دوزخ مکر انیکه بیچاره از مردان وزنان

وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ۝
واز کودکان که توانائی ندارند بمهاجرت ونمی شناسند راه مدینه

فَأُولَٰئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ ط وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا ۝
پس آن کروه شاید که خدا عفو کند از ایشان وهست خدای عفو کننده آمرزنده

وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا
وهرکه هجرت کند در راه خدا یابد در زمین آرامکاه بسیار

وَسَعَةً ط وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ
وفراخی وهرکه بیرون آید از خانه خود هجرت کننده بخدا ورسول او پس

يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ ط وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا
دریابد اورا مرک بتحقیق ثابت باشد مزد او برخدای وهست خدای آمرزنده

رَحِيمًا ۝ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ
ومهربان وچون سفر کنید در زمین پس نیست برشما کناهی انکه

تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ
کوتاه سازید از نماز واکر ترسید درآن که در فتنه اندازند آنانکه کافر شدند بدرستیکه

الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا ۝ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ
کافران هستند شمارا دشمن آشکارا وچون باشی میان اصحاب پس اقامت

لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ
برای ایشان نمازرا پس باید که بایستند کروهی از ایشان باتو وباید که فراکیرند سلاحهای خود

فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ
پس چون سجده کنند پس باید که باشند از پس شما وبیایند طایفه دیکر

لم یصلوا

لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ ۚ وَدَّ

که نماز نکذارانده اند پس باید که نماز کذارند با تو و باید که بردارند آلتی که بدان حذر میکنند از دشمن و سلاحهای خود را دوست دارند

الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ

آنانکه کافر شدند اگر غافل شوید از سازهای حرب خود و از متاعهای خود

فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً ۗ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ

پس حمله آورند بر شما حمله واحد و کناهی نیست بر شما اگر باشد

بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ ۖ

بشما رنجی از باران یا باشید شما بیماران در آنکه بنهید سلاحهای خود را

وَخُذُوا حِذْرَكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ۝

و فراکیرید آلات نکاهداشتن خود را بدرستی که خدا آماده ساخته است برای کافران عذابی خوار کننده

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا

و چون کردید نماز خوف را پس یاد کنید خدای را که ایستاده اید و نشسته اید

وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ ۚ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ۚ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ

و در حالتی که بر پهلوی خود فتاده اید پس چون بیارامید پس بکذارید نماز را بدرستیکه نماز هست

عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا ۝ وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ ۖ

بر مؤمنان فرض شده و معین شده و سستی مکنید در طلب کافران

إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ ۖ

اگر هستید دردمند شده بدرستی که کافران هم دردمندند همچنانکه شما دردمندانید

وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝

و شما امیدوارید از خدای آنچه ایشان امید ندارند و هست خدای دانا و محکم کار

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا

بدرستی که فرستادیم بسوی تو قرآن را بدرستی تا حکم کنی میان مردمان بآنچه

بدانکه این آیه انا انزلنا الیک الکتاب
که ابتدا آن در سطر آخر صفحه اول این ورق
نازل شده دلالت میکند بر آنکه از رسول
صلی الله علیه وآله جز [illegible] صادر شده باشد
چه قوله تعالی ولا تکن للخائنین خصیما و
ولا تجادل [illegible] دلالت میکند بر آنکه
آنحضرت خصومت وجدال کرده باشد
چه بسیار است که نهی منوط بشود بکسی که کننده
آن نوع صادر شده باشد بجهت مبالغه والحی در ترک آن
وقوله تعالی واستغفر الله نیز دلالت میکند بر آنکه
گناهی از آن حضرت واقع شده باشد زیرا که استغفار
مخصوص بعد از نیست بلکه گاه هست که بر وجه کم
نفسی و توجه تام بجناب الهی میباشد و گاه بجهت قصد مثوبت
زیرا که استغفار طاعتیست مستقل و موجب
ثواب و دلایل عقلیه بر عصمت انبیا از صغایر
و کبایر مصدق اینست و در مجمع البیان آورده
که خطاب اگرچه ظاهرا بحضرت رسالتست لیکن مراد
تادیب امت مرحومه است بر آنکه مبادرت نکنند
بمجادله از قبل خصم مگر بعد از ظاهر شدن وجه حق
زیرا که آنحضرت از جمیع معاصی بریست و یا آنکه
حقیقت خطاب بآنحضرت باشد بر قصد مجادله بر خصم
پیش از علم و قصد یکه بعد از ظنی غالب باشد
نه بر فعل آن بجهت علامات ظاهره چون شهادت شهود و غیر آن مستلزم
اثم نیست ۵ ملا فتح الله ۵

٢

آرَاكَ اللّٰهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا ۝ وَاسْتَغْفِرِ اللّٰهَ
نشان کرده آنچه خدا ترا و مباش برای خیانت کنندگان خصم آنکس که بیگناه است و آمرزش خواه از خدا
إِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ
بدرستی که خدا هست آمرزنده مهربان و خصومت مکن از جمعی که
يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا ۝
خیانت میکنند بانفسهای خود بدرستی که خدا دوست نمیدارد هرکه را که بسیار خیانت کننده است و گنهکار
يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللّٰهِ وَهُوَ مَعَهُمْ
پنهان میکنند خیانت را از مردمان و پنهان نمیدارند از خدای و خدای با ایشانست
إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا يَعْمَلُونَ
هرگاه که بشب تدبیر میکنند آنچیز را که نمی پسندد خدا از گفتن و هست خدای بآنچه شما میکنید
مُحِيطًا ۝ هَا أَنْتُمْ هٰؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
احاطه کننده آگاه باشید که شما اگر و هستید که دفع کردید از خایفان خیانت را در زندگانی دنیا
فَمَنْ يُجَادِلُ اللّٰهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْ مَنْ يَكُونُ عَلَيْهِمْ
پس کیست آنکه جدال کند با خدا از ایشان روز رستخیز یا کیست آنکه باشد بر ایشان
وَكِيلًا ۝ وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ
نگاهبان و هرکه بکند بدی یا ستم کند بر نفس خود پس آمرزش کند از خدای
يَجِدِ اللّٰهَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ
یابد خدای را آمرزنده و مهربان و هرکه بکند گناهی جز این نیست میکند عمل را
عَلَىٰ نَفْسِهِ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً
برنفس خود و هست خدای دانا و حکم کننده و هرکه بکند گناهی
أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا ۝
یا گناهی کبیره پس بیندازد آنرا بیگناهی را بدرستی که برداشت دروغی و گناهی ظاهر

ام من
مقطوعة في اربعة مواضع
في النساء ام من يكون عليهم وكيلا
وفي التوبة ام من اسس بنيانه
وفي الصافات ام من خلقنا
وفي فصلت ام من ياتي امنا ۵

سوءا
رسمها بالالف
بعد الهمزة ۵

خطیئة
بعضی گفته اند که خطیئه مخصوص بغیر عمد و اثم مخصوص بعمد
و بعضی دیگر گفته اند که خطیئه گناه صغیره است و اثم
گناه کبیره و الف گفته اند که مراد از خطیئه ترک است و از
اثم مادون ترک ۵ مولانا الزکی ۵

بریا
بعد الرا یاء والف وفوقها همزة ۵

ولولا

حزب ثلث اول ربع

وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ اَنْ
واگر نه فضل خدا بودی بر تو و بخشایش او هر آینه قصد کردندی گروهی از بنی ظفر آنکه
يُضِلُّوكَ ط وَمَا يُضِلُّونَ اِلَّا اَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ
گمراه کردانند ترا و در ضلالت نمی اندازند مگر نفسهای خودرا و ترا زیان نمیتوانند رسانید از
شَيْءٍ ط وَاَنْزَلَ اللّٰهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ
هیچ چیز و فرستاده است خدا بر تو قرآن و بیان آن را و آموزانیده است ترا آنچه نبود که
تَعْلَمُ ط وَكَانَ فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ۝ لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ
خود بدانی و هست فضل خدای بر تو بزرگ نیست نیکوئی در بسیاری
مِنْ نَجْوٰيهُمْ اِلَّا مَنْ اَمَرَ بِصَدَقَةٍ اَوْ مَعْرُوفٍ اَوْ اِصْلَاحٍ
از راز گویندگان مگر آن گفتن که فرماید بصدقه دادن یا امر کند بمعروف یا فرماید اصلاح کردن
بَيْنَ النَّاسِ ط وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ فَسَوْفَ
میان مردمان و هر که بکند اینها برای طلب خشنودی خدا پس زود باشد که
نُؤْتِيهِ اَجْرًا عَظِيمًا ۝ وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا
بدهیم اورا مزدی بزرگ و هر که مخالفت کند با رسول از پس آنکه
تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدٰى وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا
ظاهر شد مر اورا هدایت و پیروی کند غیر راه مؤمنان را بگردانیم اورا آنچه
تَوَلّٰى وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ ط وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ
دوست داشته و در آریم اورا بدوزخ و بد بازگشتی است دوزخ بدرستی که خدا نیامرزد
اَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ط وَمَنْ يُشْرِكْ
آنرا که شرک آرد باو و بیامرزد آنچه غیر شرک است هر که را خواهد و هر که شرک آرد
بِاللّٰهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلٰلًا بَعِيدًا ۝ اِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ
بخدا پس بدرستی که گمراه شد گمراهی دور نمی پرستند بدون خدای

إِلَّا إِنَاثًا وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا لَّعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ
مگر مادگان را که بتانند و نمی پرستند مگر دیو سرکش رانده است خدا او را گفت شیطان

لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا وَلَأُضِلَّنَّهُمْ
هر آینه فرا گیرم از بندگان تو بهره مقرر و هر آینه گمراه کردانم ایشانرا

وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَ
و در آرزو افکنم ایشانرا و بفرمایم ایشانرا تا بشکافند گوشهای چهارپایان را

لَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ
هر آینه بفرمایم ایشانرا البته تغییر دهند آفرینش خدا را و هر که فرا گیرد شیطان را

وَلِيًّا مِّن دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا يَعِدُهُمْ
دوست بدون خدای بدرستی که زیان کند زیانی روشن وعده می دهد ایشانرا

وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا أُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ
و در آرزو افکند ایشانرا و وعده نمی دهد ایشانرا شیطان مگر غرور شدن آن گروه که پرستنده شیطان جای ایشان

جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
دوزخ است و نیابند از آن از دوزخ گریزگاهی و آنانکه گرویدند و کردند

الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
عملهای شایسته زود باشد که در آریم او را ببوستانها که میرود از زیر آن جویها

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ
جاوید باشند در آن همیشه وعده کرده است خدا راست و کیست راست تر از خدای

قِيلًا لَّيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَا أَمَانِيِّ أَهْلِ الْكِتَابِ
در سخن نیست آن وعده که خدا کرده بآرزوهای شما و نه بآرزوی اهل کتاب

مَن يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا
و هر که بکند کار بد جزا داده شود بدان و نیابد آن بدکار برای نفس خود جز از خدای دوستداری و نه یاری

بشر از ذکر وعید بیان وعده میکند بقوله تعالی والذین آمنوا الآیه مدارک رحمه الله

ومن يعمل

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ
وهرکه بجا آرد از اعمال نیک از مرد یا زن وحال آنکه او مومن باشد
فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ۝ وَمَنْ
پس آن گروه در آورده شوند بهشت وستم رسیده نشوند بمقدار پوست خرما وکیست
أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ
نیکوتر از روی دین از آن کس تسلیم نمود خود برای خدا وآینده است به نیکوییها پیروی کرد دین
إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا ۝ وَلِلَّهِ مَا فِي
ابراهیم را در حالتی که پاکست وگرفت خدا ابراهیم را دوست ومر خدای راست آنچه در
السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطًا ۝
آسمانها وآنچه در زمین است وهست خدای بهمه چیز احاطه کننده
وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ
وطلب فتوی کردند از تو در باب زنان بگوای محمد خدای فتوی میدهد در باب ایشان وآنچه خوانده می شود
عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ
برشما در قرآن در شان یتیمان که زنانند آن زنانی که نمیدهند ایشان را
مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ
آنچه فرض شده از میراث ورغبت میکنید در آنکه بخواهند ایشان را وفتوی میدهد در باب ضعیفان
مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا
از فرزندان وقیام نمایید برای یتیمان براستی وآنچه میکنید
مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ۝ وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ
از نیکوی بدرستی که خداست بآن دانا واگر زنی برسد
مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا
از شوهر خود زدنی یا روی گردانیدنی پس گناهی نیست برایشان آنکه بصلاح آرند

بينهما صلحا والصلح خير واحضرت الانفس الشح وان

میان یکدیگر آشتی را وصلح بهترست وحاضر کرده شده نفسها به بخل واگر

تحسنوا وتتقوا فان الله كان بما تعملون خبيرا ۝ ولن تستطيعوا

نیکوئی ورزید وبپرهیزید پرستی که خدای هست بانچه میکنید دانا وهرگز نتوانید

ان تعدلوا بين النساء ولو حرصتم فلا تميلوا كل الميل

انکه عدل ورزید میان زنان واگرچه حریص باشید بر عدل پس میل مکنید بتمام میل

فتذروها كالمعلقة وان تصلحوا وتتقوا فان الله كان

پس بگذارید آن زن را مانند زنیکه نه شوهر دار و نه شوهر دار(?) واگر بصلاح آئید وبپرهیزید پرستی که خدا هست

غفورا رحيما ۝ وان يتفرقا يغن الله كلا من سعته وكان

آمرزنده ومهربان واگر جدا شوند بی نیاز گرداند خدا هر یکی را از جود خود وهست خدا

الله واسعا حكيما ۝ ولله ما في السموات وما في الارض

خدا فراخ بخشایش محکم کار ومر خدا راست آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمین است

ولقد وصينا الذين اوتوا الكتاب من قبلكم واياكم

وهر آینه وصیت کردیم آنرا که داده شدند کتاب پیش از شما وشمارا نیز وصیت میکنیم

ان اتقوا الله وان تكفروا فان لله ما في السموات وما

بانکه بپرهیزید از شرک واگر کافر شوید پرستی که خدا راست آنچه در آسمانهاست وآنچه

في الارض وكان الله غنيا حميدا ۝ ولله ما في السموات

در زمین است وهست خدا بی نیاز ستوده ومر خدا راست آنچه در آسمانهاست

وما في الارض وكفى بالله وكيلا ۝ ان يشا يذهبكم

وآنچه در زمین است وبسنده است خدا کفایت کننده مهمات اگر خواهد خدا ببرد همه شمارا

ايها الناس ويات باخرين وكان الله على ذلك قديرا

ای مردمان ومی آرد گروهی دیگر وهست خدای بر آوردن وفانی کردن توانا

من كان

٥٣

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا

وهرکه خواهد پاداش این سرا پس نزدیک خدایست پاداش دنیا

وَالْآخِرَةِ ط وَكَانَ اللّٰهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ○ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا

و آخرت وهست خدای شنوا وبینا ای گروه مومنان باشید

قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلّٰهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ

ایستادگان بعدل گواهان برای خدا اگرچه بر نفس شما باشد یا بپدر ومادر

وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللّٰهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا

وخویشان نزدیک اگر باشد توانگر یا درویش پس خدا سزاوارتر است بنیکوی

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا

متابعت مکنید هوای نفس را اگر میل مکنید از حق واگر بپیچانید بازبان خود را یا اعراض کنید

فَإِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ○ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

بدرستی که خدا هست بانچه میکنید دانا ای آن کسانیکه ایمان آورده اید

آمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَ

ثابت باشید بر ایمان بخدا ورسول او وکتابی که فرستاده است بر پیغمبر خود و

الْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ ط وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ

کتابی که بیکبار فرستاده پیش از آن وهرکه کافر شود بخدا وبفرشتگان او

وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ○

وبکتابها وفرستادگان او وبروز قیامت پس بدرستی که گمراه شد گمراه شدنی دور

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ازْدَادُوا

بدرستی آنانکه ایمان آوردند پس کافر شدند پس ایمان آوردند پس کافر شدند پس بیفزودند

كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللّٰهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا ط ○ بَشِّرِ

کفر ونیست خدای بیامرزد ایشان را ونه اینکه راه نماید ایشان را راه حق بشارت ده

ع حزب

نهاده شده ... فالله اولی بهما عند ... ان یکن غنیا او فقیرا فلا تترکوا الشهادة ... میلا لغناه او ترحما علی فقره فان الله اولی بهما [illegible]

بعد از بیان اسلام واحکام امر میکند بایمان وشرائط آن ٥ صح الله

الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۙ الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ
منافقان را بانکه مرایشان راست عذاب دردناک آنانند که گیرند
الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۚ أَيَبْتَغُونَ
کافران را دوستان از غیر مومنان آیا میطلبند
عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ط وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ
نزدیک کافران عزت را پس بدرستی که ارجمندی مر خدایراست همه وبدرستی که فرستاد خدا بر شما
فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ
در قرآن بدرستی که چون بشنوید آیتهای خدای را منکر وند بدان و استهزا میکنند
بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ
بآن پس منشینید با ایشان تا وقتیکه شروع کنند در سخن غیر استهزا
إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ ط إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ
بدرستی که باشید آنهنگام مانندایشان بدرستی که خدا جمع کننده منافقانست وناگرویدگان
فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ن الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ
در دوزخ همه اهل نفاق آنها اند که انتظار میبرند بشما پس اگر باشد مر شمارا
فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ ز وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ
نصرت از نزدیک خدای گفتندی منافقان آیا نبودیم باشما واگر باشد مرکافران را
نَصِيبٌ لا قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ
بهره گفتندی کافران آیا ما غالب نبودیم بر شما وباز نداشتیم شمارا از
الْمُؤْمِنِينَ ط فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ
مومنان پس خدای حکم کند میان شما روز قیامت وهرگز نه
يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ط إِنَّ الْمُنَافِقِينَ
گرداند خدای مرکافران را بر مومنان حجتی بدرستی که منافقان

يُخَادِعُونَ

يخادعون الله وهو خادعهم واذا قاموا الى الصلوة قاموا كسالى

مکر میکنند با دوستان خدای وخدا جزا دهنده ایشانست وچون برخیزند بسوی نماز برخیزند در حالتی که کاهلان باشند

يراؤن الناس ولا يذكرون الله الا قليلا ○ مذبذبين

مینمایند خود را بمردمان بریا و یاد نمیکنند خدای را مگر اندک مترددو متحیرند

بين ذلك لا الى هؤلاء ولا الى هؤلاء ومن يضلل الله فلن

میان کفر وایمان نه با گروه مؤمنانند ونه با گروه کافرانند وهر که را فرو گذارد خدا پس نه

تجد له سبيلا ○ يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا الكافرين

یابی مر او را راه بحق ای آن کسانیکه گرویده اید فرا مگیرید کافران را

اولياء من دون المؤمنين اتريدون ان تجعلوا لله عليكم

دوستان بجز مؤمنان آیا می خواهید آنکه بگردانید خدای را بر عذاب خود

سلطانا مبينا ○ ان المنافقين في الدرك الاسفل من

حجتی روشن بدرستی که منافقان در طبقهٔ زیرترین اند از

النار ولن تجد لهم نصيرا ○ الا الذين تابوا واصلحوا و

دوزخ ونیابی تو مر ایشان را یاری مگر آنانکه توبه کنند و باصلاح آرند

اعتصموا بالله واخلصوا دينهم لله فاولئك مع المؤمنين

و چنگ در زنند بدین خدا و خالص گردانند دین خود را برای خدا پس آن گروه با مؤمنان باشند

وسوف يؤت الله المؤمنين اجرا عظيما ○ ما يفعل الله

و زود باشد که بدهد خدای مؤمنان را مزد بزرگ چه میکند خدای

بعذابكم ان شكرتم وامنتم وكان الله شاكرا عليما ○

بعذاب شما یعنی چرا عذاب کند شما اگر شکر گوئید و تصدیق کنید و هست ثواب دهندهٔ شاکران دانا

لا يحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم وكان الله

دوست نمیدارد خدا آشکارا کردن بدی از گفتار مگر کسیکه بر او ستم کرده باشند و هست خدای

الجزء السادس

سميعا عليما ۝ إن تبدوا خيرا أو تخفوه أو تعفوا عن سوء
شنوا و دانا اگر آشکارا کنید نیکوئی یا پنهانی بجا آرید یا عفو کنید از بدی
فإن الله كان عفوا قديرا ۝ إن الذين يكفرون بالله
بدرستی که خدا هست عفوکننده توانا بدرستی آنانکه کافر شدند بخدا
ورسله ويريدون أن يفرقوا بين الله ورسله ويقولون
و پیغمبر او و میخواهند که جدائی افکنند میان خدای و رسول او و گویند
نؤمن ببعض ونكفر ببعض ويريدون أن يتخذوا
ایمان آریم ببعضی پیغمبران و کافر می شویم ببعضی دیگر و می خواهند آنکه فرا گیرند
بين ذلك سبيلا ۝ أولئك هم الكافرون حقا و
میان ایمان و کفر راهی آن گروه ایشانند کافران ثابت است و
أعتدنا للكافرين عذابا مهينا ۝ والذين آمنوا بالله
آماده کرده ایم برای ناگرویدگان عذابی خوار کننده و آنکسانیکه ایمان آوردند بخدا
ورسله ولم يفرقوا بين أحد منهم أولئك سوف يؤتيهم
و پیغمبر او و جدائی نکردند میان یکی از ایشان آن گروه زود باشد که بدهیم
أجورهم وكان الله غفورا رحيما ۝ يسئلك أهل الكتاب
مزدهای ایشان و هست خدای آمرزنده و مهربان سوال میکنند از تو اهل کتاب
أن تنزل عليهم كتابا من السماء فقد سألوا موسى
آنکه فرود آری برایشان کتابی از آسمان بدرستی که درخواستند از موسی
أكبر من ذلك فقالوا أرنا الله جهرة فأخذتهم الصاعقة
بزرگتر ازین پس گفتند بنما با خدا را آشکارا پس فرا گرفت ایشان را آتش
بظلمهم ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البينات
بسبب ظلم ایشان پس فرا گرفتند گوساله را از پس آنکه آمده بود بدیشان معجزهای روشن

[illegible]

فعفونا

فعفونا عن ذلك ۚ واتينا موسى سلطانا مبينا ۝ ورفعنا

پس درگذرانیدیم ما از آن وداديم ما موسى حجتى روشن وبرداشتیم ما

فوقهم الطور بميثاقهم وقلنا لهم ادخلوا الباب

برایشان کوه طور را بعهد ایشان وگفتیم ما مرایشان را درروید در درابه

سجدا وقلنا لهم لا تعدوا في السبت واخذنا منهم

سجده کنان وگفتیم ما مرایشانرا مگذارید از حد در گرفتن ما روز شنبه وگرفتیم ما از ایشان

ميثاقا غليظا ۝ فبما نقضهم ميثاقهم وكفرهم بايات

عهدی استوار پس بسبب شکستن ایشان عهد ایشان وکفر ایشان بنشانهای

الله وقتلهم الانبياء بغير حق وقولهم قلوبنا

خدا وکشتن ایشان پیغمبران را بغیر حق وگفتار ایشان که دلهای ما

غلف ۚ بل طبع الله عليها بكفرهم فلا يؤمنون

قفلست بلکه مهر نهاد خدا بر آن دلها بسبب کفران ایشان پس نمیگروند

الا قليلا ۝ وبكفرهم وقولهم على مريم بهتانا

مگر اندکی وبسبب کفران ایشان وگفتار ایشان بر مریم بهتانی

عظيما ۝ وقولهم انا قتلنا المسيح عيسى ابن مريم

بزرگ وگفتار ایشان بدرستیکه ما کشتیم ما مسیح عیسی پسر مریم

رسول الله ۚ وما قتلوه وما صلبوه ولكن شبه

رسول خدا را ونکشتند او را ونکردند بردار او را ولیکن شبیه شد

لهم ۚ وان الذين اختلفوا فيه لفي شك منه ۚ ما لهم

مرایشانرا وبدرستی آن کسانکه اختلاف کردند در آن هر آینه در شک شدند ازو نیست ایشانرا

به من علم الا اتباع الظن ۚ وما قتلوه يقينا ۝

بآن هیچ دانشی مگر پیروی کردن گمان ونکشتند او را بیقین

بل رفعه الله اليه وكان الله عزيزا حكيما ۝ وان من اهل

بلکه برافراشت او را خدا سوی خود وهست خدا غالب استوارکار ونباشد هیچ یک از اهل

الكتاب الا ليؤمنن به قبل موته ويوم القيمة يكون

کتاب مگر هر آینه مؤمنان که بگروند بان پیش از مرگ وروز قیامت میباشد

عليهم شهيدا ۝ فبظلم من الذين هادوا حرمنا عليهم طيبت

برایشان گواه پس بسبب ظلم از آن کسانکه جهود شدند حرام کردیم برایشان پاکیهارا

احلت لهم وبصدهم عن سبيل الله كثيرا ۝ واخذهم الربوا

که حلال کرده بودیم برایشان وبسبب بستن ایشان در راه خدا بسیاری را وگرفتن ایشان ربارا

وقد نهوا عنه واكلهم اموال الناس بالباطل واعتدنا

وبتحقیق نهی کرده شدند ازان وخوردن ایشان مالهای مردمان را بباطل وآماده کردیم

للكافرين منهم عذابا اليما ۝ لكن الراسخون في

مر کافران را ازایشان عذاب دردناک لیکن استواران در

العلم منهم والمؤمنون يؤمنون بما انزل اليك وما انزل

علم ازایشان وگروندگان میگروند بانچه فرستاده شد سوی تو وآنچه فرستاده شد

من قبلك والمقيمين الصلوة والمؤتون الزكوة والمؤمنون

ازپیش تو وبرپا دارندگان نماز وادا کنندگان زکوه را وگروندگان

بالله واليوم الاخر اولئك سنؤتيهم اجرا عظيما ۝ انا

بخدا وروز قیامت ایشانند که زود بدهیم ایشانرا مزدی بزرگ بدرستیکه

اوحينا اليك كما اوحينا الى نوح والنبيين من بعده

وحی کردیم ما بسوی تو چنانکه وحی کردیم ما بسوی نوح وپیغمبران ازپس او

واوحينا الى ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب و

ووحی کردیم ما سوی ابراهیم واسمعیل واسحق ویعقوب و

والاسباط

الاسباط وعیسی وایوب ویونس وهرون وسلیمان
نواسگان ایشان وعیسی وایوب ویونس وهارون وسلیمان
وآتینا داود زبورا ۝ ورسلا قد قصصناهم علیک من
وبدادیم داود را زبور ورسولانیکه تحقیق قصه بار گفتیم ایشان را برتو از
قبل ورسلا لم نقصصهم علیک وکلم الله موسی تکلیما
پیش ورسولانیکه نگفتیم قصه ایشان را برتو وسخن گفت خدا باموسی سخن گفتنی
رسلا مبشرین ومنذرین لئلا یکون للناس علی الله
رسولان مژده دهنده وبیم دهنده تا نباشد مر مردمان را برخدا
حجة بعد الرسل وکان الله عزیزا حکیما ۝ لکن الله یشهد
حجتی بعد از فرستادن رسولان وهست خدا غالب استوارکار لیکن خدا گواهی میدهد
بما انزل الیک انزله بعلمه والملائکة یشهدون
بانچه فرستاده سوی تو فرستاد آن را بعلم خویش وفرشتگان گواهی میدهند
وکفی بالله شهیدا ۝ ان الذین کفروا وصدوا عن سبیل الله
وبسنده است بخدا گواهی بدرستی آنکسانکه کافر شدند وبازداشتند از راه خدا
قد ضلوا ضلالا بعیدا ۝ ان الذین کفروا وظلموا
تحقیق گمراه شدند گمراه شدنی دور را بدرستی آنکسانکه کافر شدند وستم کردند
لم یکن الله لیغفر لهم ولا لیهدیهم طریقا ۝ الا
نمیکند خدا هر آینه که بیامرزد مر ایشان را ونمی آید ایشان را راهی مگر
طریق جهنم خالدین فیها ابدا وکان ذلک علی الله یسیرا ۝
راه دوزخ جاویدان در آن باشند همیشه وهست آن برخدا آسان
یا ایها الناس قد جاءکم الرسول بالحق من ربکم فآمنوا
ای مردمان تحقیق آمد شمارا رسول بحق از پروردگار شما پس بگروید

فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ
پس بگرويد كه بهترست مرشمارا واگر كافر شويد پس بدرستى مرخدراست آنچه در آسمانها
وَالْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۞ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ
و زمين است وهست خدا دانا استواركار اى اهل كتاب
لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللّٰهِ إِلَّا الْحَقَّ ۚ إِنَّمَا الْمَسِيحُ
مكنيد غلو در دين شما و مگوييد شما بر خدا مگر حق جز اين نيست كه مسيح
عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللّٰهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ
عيسى پسر مريم رسول خداست و سخن خود را انداخت سوى مريم و روحى
مِنْهُ ۖ فَآمِنُوا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ ۖ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ ۚ انْتَهُوا خَيْرًا
از خويش پس بگرويد بخدا و رسولان او و مگوييد سه خداست باز ايستيد بهترست
لَكُمْ ۚ إِنَّمَا اللّٰهُ إِلٰهٌ وَاحِدٌ ۖ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ ۘ لَهُ
مر شمارا بدرستى آنخداوندى كه خداى واحدست پاک است او نباشد مر او را فرزندى مر او را
مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَكَفَى بِاللّٰهِ وَكِيلًا ۞ لَنْ
آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است و بسنده است بخداى كارسازى هرگز
يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلّٰهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ
ننگ مسيح اينكه بوده باشد بنده خدا و نه فرشتگان
الْمُقَرَّبُونَ ۚ ۵ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ
مقرب و هر كه ننگ ميكند از بندگان او و گردن ميكشد
فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا ۞ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
پس زود حشر كند ايشان را سوى خود همه را پس آنكسانكه گرويدند و كردند نيكيها
فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ ۖ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنْكَفُوا
پس ميدهد ايشان را مزدهاى ايشان و زياده ميكند ايشان را از فضل خويش و اما آنكسان كه ننگ داشتند

واستكبروا

واستكبروا فيعذبهم عذابا اليما ۝ ولا يجدون لهم
گردن کشیدند پس عذاب کند ایشان را خدا عذابی دردناک و نمی یابند مر ایشان را
من دون الله وليا ولا نصيرا ۝ يا ايها الناس قد جاءكم
از بیرون خدا دوستی و نه یاری کننده ای مردمان که تحقیق آمد شما را
برهان من ربكم وانزلنا اليكم نورا مبينا ۝ فاما
حجتی از پروردگار شما و فرستادیم سوی شما نوری روشن پس اما
الذين امنوا بالله واعتصموا به فسيدخلهم في رحمة
آنکه گرویدند بخدا و در آویختند بدین او پس زود باشد که داخل کند ایشانرا در رحمتی
منه وفضل ويهديهم اليه صراطا مستقيما ۝ ع
از قبل خویش و افزونی و راه نماید ایشانرا بسوی خویش راهی راست
يستفتونك قل الله يفتيكم في الكلالة ان امرؤ هلك
فتوی میخواهند از تو بگو خدا فتوی میدهد شما را در میراث اگر مردی بمیرد
ليس له ولد وله اخت فلها نصف ما ترك وهو يرثها
و نیست مر او را پسری و مر او را دختری پس آنرا نیمی آنچه گذاشته و او میراث گیرد از خواهر
ان لم يكن لها ولد فان كانتا اثنتين فلهما
اگر نباشد مر آن خواهر را فرزندی پس اگر باشند دو خواهر پس هر دو را
الثلثان مما ترك وان كانوا اخوة رجالا ونساء فللذكر
چهار دانگ باشد از آنچه گذاشته باشد و اگر باشند برادران و خواهران و زنان پس هر آینه مرد
مثل حظ الانثيين يبين الله لكم ان تضلوا والله
مانند نصیب دو زن باشد روشن میکند خدا امر شما را و نشوید گمراه و خدا
بكل شيء عليم ۝
بهمه چیز داناست

سورة المائدة وهي مكية مائة وعشرون آية

عن ابی الجارود عن ابی جعفر علیه السلم قال من قرا سورة المائدة فی یوم الخمیس لم یلبس ایمانه بظلم ولم یشرک به ابدا ۵

جهت دفع قحط و کرسنکی جهد یکبار این سوره را بخواند ۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده ومهربان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ ۚ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ
ای آنکسانیکه کرویدید وفا کنید بر پیمانها حلال کرده شد مر شما را زبان بستهها یعنی

الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ ۗ
چهارپایان مکر آنچه خوانده شود برشما سوای حلال دارندکان صید وشما محرم باشید

إِنَّ اللّٰهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ ۵ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ
بدرستیکه خدا حکم میکند آنچه میخواهد ای آنکسانیکه کرویدید مدارید حلال نشانهای

اللّٰهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِّينَ
خدا ونه ماههای حرام ونه قربانی ونه شتران کردن بند ونه قصد کنندکان

الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا ۚ وَإِذَا
خانه کعبه همی جویند افزونی از پروردکار ایشان وخوشنودی وچون

حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا ۚ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ
حلال کردید شما پس شکار کنید ونتواند داشت دشمنی کروهی که بر کردانیدند شما را

عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا ۘ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۖ
از مسجد الحرام که از حد درکذرانید ویاری کنید بر نیکوئی وپرهیزکاری

وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۖ إِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ
ویاری مکنید بر بزه کار ودشمنان وبترسید از خدا بدرستیکه خدا سخت

الْعِقَابِ ۵ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ
عقوبت کننده است حرام کرده شد برشما مردار وخون وکوشت خوک

وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ
وآنچه کشته باشند بغیر نام خدا ودم کرفته مرده باشد وبزخم مرده وازبلندی افتاده مرده

والنطيحة

والنطیحة وما اکل السبع الا ما ذکیتم وما ذبح علی

و بر جسم کردن مرده و آنچه خورده باشند ددان مگر آنچه ذبح کرده باشید شما و آنچه کشته باشند بر نام

النصب وان تستقسموا بالازلام ذلکم فسق ط الیوم یئس

بتان و اگر قسمت کنید بازلام قمار آن شما را نافرمانی است امروز ناامید شد

الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم واخشون ط الیوم

آنکسان که کافر شدند از دین شما پس مترسید شما از ایشان و بترسید از من امروز

اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم

تمام کردم مر شما را دین اسلام و تمام کردم بر شما نعمت خویش را و پسندیدم مر شما را

الاسلام دینا ط فمن اضطر فی مخمصة غیر متجانف لاثم

چون اسلام دینی پس هر کرا بیچاره کردند در گرسنگی بیرون میل کننده بر بزه کار

فان الله غفور رحیم ● یسئلونک ماذا احل لهم قل احل

بدرستی که خدا آمرزنده است بخشاینده می پرسند ترا ای محمد چه چیز حلال کردم مر ایشان را بگو حلال است

لکم الطیبات وما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن

مر شما را پاکیها و آنچه در آموختند از مرغان و سگان شکاری بیاموزید ایشان

مما علمکم الله فکلوا مما امسکن علیکم واذکروا اسم

از آنچه آموخت شما را خدا پس بخورید از آنچه نگاه داشته نهند برای شما و یاد کنید نام

الله علیه واتقوا الله ان الله سریع الحساب ● الیوم احل

خدا را بر آن و بترسید از خدا بدرستیکه خدا زود حساب است امروز حلال کرده شد

لکم الطیبات وطعام الذین وتوا الکتاب حل لکم و

مر شما را پاکیها و طعام آن کسانیکه بدادیم ایشان را کتاب حلال است مر شما را و

وطعامکم حل لهم والمحصنات من المؤمنات

و طعام شما حلال است مر ایشان را و زنان پارسا از مومنان

والمحصنات من الذين اوتوا الكتاب من قبلكم اذا آتيتموهن
وزنان پارسا از آن کسانکه بدادیم ایشانرا کتاب از پیش شما چون داده باشید ایشانرا
اجورهن محصنین غیر مسافحین ولا متخذی اخدان
مزدان ایشان پارسایان نه زناکاران ونه فراگیرندگان دوستان
ومن یکفر بالایمان فقد حبط عمله وهو فی الاخرة من
وکسیکه کافر گردد بایمان پس بتحقیق باطل شود کردار او واو در عقبی از
الخاسرین ۝ یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم الی الصلوة فاغسلوا
زیانکارانست ای آن کسانکه گرویدید چون برخیزید شما سوی نماز پس بشوئید
وجوهکم وایدیکم الی المرافق وامسحوا برؤسکم وارجلکم
روهای خود ودستهای خود تا آرنج ومسح کنید بسرهای خویش راو پایهای خودرا
الی الکعبین وان کنتم جنبا فاطهروا وان کنتم مرضی او علی
تا کعبین واگر باشید شما جنب پس غسل کنید واگر باشید شما بیمار یا در
سفر او جاء احد منکم من الغائط او لامستم النساء فلم تجدوا
سفر یا بیاید یکی از شما از قضای حاجت یا مس کنید زنانرا پس نیابید
ماء فتیمموا صعیدا طیبا فامسحوا بوجوهکم وایدیکم
آب پس تیمم کنید بخاک پاک پس مسح کنید بروهای خود ودستهای خود
منه ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج ولکن یرید لیطهرکم
از آن خاک نمیخواهد خدا که هر آینه بکند تنگ بر شما از هیچ تنگی ولیکن میخواهد هر آینه پاک گرداند
ولیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون ۝ واذکروا نعمة الله
و هر آینه تمام کرد نعمت او بر شما تا مگر شما شکر کنید ویاد کنید که نعمت خدا
علیکم ومیثاقه الذی واثقکم به اذ قلتم سمعنا واطعنا
بر شما است وعهد او آن عهدی که استوار کرد شما را بآن چون گفتید شما شنیدیم و فرمان بردار

واتقوا الله

واتقوا الله ان الله عليم بذات الصدور يا ايها الذين امنوا كونوا

وبترسید از خدا بدرستیکه خدا داناست آنچه در سینهای شماست ای آن کسانکه گرویدید باشید

قوامين لله شهداء بالقسط ولا يجرمنكم شنان قوم على الا

ایستادگان مر خدارا گواهان بعدل ونیارد شمارا دشمنی گروه بر آنکه نکنید

تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوى واتقوا الله ان الله خبير بما

عدل عدل کنید که آن نزدیک ترست مر پرهیزگاری وبترسید از خدا بدرستیکه خدا آگاهست بآنچه

تعملون وعد الله الذين امنوا وعملوا الصالحات لهم مغفرة

میکنید شما وعده کرد خدا آنکسانرا که گرویدند وکردند این نیکیها مر ایشانراست آمرزش

واجر عظيم والذين كفروا وكذبوا باياتنا اولئك

ومزدی بزرگ وآن کسانکه کافر شدند ودروغ داشتند آیات مارا ایشان اند

اصحاب الجحيم يا ايها الذين امنوا اذكروا نعمت الله

یاران دوزخ ای آنکسانکه گرویدید یاد کنید نعمت خدا

عليكم اذ هم قوم ان يبسطوا اليكم ايديهم فكف

بر شما چون قصد کردند گروهی اینکه بگسترانند سوی شما دستهای خویش را پس باز داشت

ايديهم عنكم واتقوا الله وعلى الله فليتوكل المؤمنون

دستهای ایشانرا از شما وبترسید از خدا وبر خداست توکل مومنان

ولقد اخذ الله ميثاق بني اسرائيل وبعثنا منهم اثني عشر

وهر آینه تحقیق فرا گرفت خدا عهد از بنی اسرائیل وفرستادیم از ایشان دوازده

نقيبا وقال الله اني معكم لئن اقمتم الصلوة واتيتم

سالار وگفت خدا بدرستیکه من با شمام اگر بپا دارید نماز را وبدهید شما

الزكوة وامنتم برسلي وعزرتموهم واقرضتم الله قرضا

زکوة را وبگروید شما برسولان من ویاری کنید شما ایشانرا وقرض دهید خدارا قرضی

حسنا لأكفرن عنكم سيئاتكم ولأدخلنكم جنات تجري

نیکو هرآینه محو نمائیم از شما بدیهای شمارا وهرآینه درآوریم شمارا ببوستانها که جاریست

من تحتها الأنهار فمن كفر بعد ذلك منكم فقد ضل

از زیر آن جویها پس هرکه کافر گردد پس از آن از شما پس تحقیق گمراه شد

سواء السبيل ۝ فبما نقضهم ميثاقهم لعناهم وجعلنا قلوبهم

از راه راست پس بسبب شکستن ایشان عهد ایشانرا لعنت کردیم ایشانرا وگردانیدیم دلهای ایشانرا

قاسية يحرفون الكلم عن مواضعه ونسوا حظا مما

سخت برمیگردانیدند سخن ازجایگاه آن وفراموش کردند بهره را از آنچه

ذكروا به ولا تزال تطلع على خائنة منهم إلا قليلا

یاد داده شدند بآن ونگردند مطلع برخیانتی از ایشان مگر اندکی

منهم فاعف عنهم واصفح إن الله يحب المحسنين ۝ ومن

از ایشان پس درگذار از ایشان وروی گردان بدرستیکه خدا دوست میدارد نیکوکاران را واز

الذين قالوا إنا نصارى أخذنا ميثاقهم فنسوا حظا مما ذكروا

آنانکه گفتند بدرستی ما ترسایانیم گرفتیم ما عهد ایشان پس فراموش کردند بهره را از آنچه

به فأغرينا بينهم العداوة والبغضاء إلى يوم القيامة

بآن پس برانگیختیم با میان ایشان دشمنی وخشم تا روز قیامت

وسوف ينبئهم الله بما كانوا يصنعون ۝ يا أهل الكتاب

وزود خبر کند ایشانرا خدا بآنچه بودند صنعت کرد ایشان ای اهل کتاب

قد جاءكم رسولنا يبين لكم كثيرا مما كنتم تخفون

تحقیق آمد بشما رسول ما که روشن کند مر شمارا بسیار از آنچه بودید شما پنهان کنند

من الكتاب ويعفوا عن كثير قد جاءكم من الله نور

از کتاب ودرمیگذرد از بسیاری تحقیق آمد شمارا از خدا نوری

وکتاب

وكتاب مبين ۝ يهدي به الله من اتبع رضوانه سبل
وکتابی روشن راه مینماید بآن خدا کسی را که پیروی کند خوشنودی اورا راه

السلام ويخرجهم من الظلمات الى النور باذنه ويهديهم
اسلام را و بیرون کردیم ایشان را از تاریکیها سوی روشنی بفرمان خویش و راه نمائیم ایشان

الى صراط مستقيم ۝ لقد كفر الذين قالوا ان الله هو المسيح
بسوی راه راست هر آئینه تحقیق کافر شدند آنکه گفتند بدرستیکه خدا آن مسیح

ابن مريم قل فمن يملك من الله شيئا ان اراد ان يهلك المسيح
پسر مریم است بگو پس کیست توانا باشد از خدا چیزی اگر خدا خواهد هلاک میکند مسیح

ابن مريم وامه ومن في الارض جميعا ولله ملك السموات
پسر مریم را و مادر اورا و هر که در زمین است همه را و مر خدا راست پادشاهی آسمانها

والارض وما بينهما يخلق ما يشاء والله على كل شيء قدير ۝
و زمین و آنچه درمیان هردوست می آفریند آنچه می خواهد و خدا بر همه چیز توانا است

وقالت اليهود والنصارى نحن ابناء الله واحباؤه قل فلم
و گفتند جهودان و ترسایان ما ایم خاصگان خدا و دوست او بگو پس چرا

يعذبكم بذنوبكم بل انتم بشر ممن خلق يغفر لمن يشاء
عذاب میکند شمارا بگناهان شما بلکه شما آدمیانید از آنچه آفرید می آمرزد هر که را می خواهد

ويعذب من يشاء ولله ملك السموات والارض وما بينهما
و میکند عذاب هر که را می خواهد و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان هردو

واليه المصير ۝ يا اهل الكتاب قد جاءكم رسولنا يبين لكم
و سوی اوست بازگشت ای اهل کتاب تحقیق آمد شمارا رسول ما میکند روشن مر شما

على فترة من الرسل ان تقولوا ما جاءنا من بشير ولا نذير
برانقطاعی از رسولان تا نگوئید که نیامد با هیچ مژده دهنده و نه بیم کننده

فقد جاءكم بشير ونذير والله على كل شيء قدير ۝ وإذ قال

پس تحقیق آمد شمارا مژده دهنده و بیم کننده و خدا بر همه چیز تواناست و چون گفت

موسى لقومه يا قوم اذكروا نعمة الله عليكم إذ جعل فيكم

موسی مر گروه خودرا ای گروه من یاد کنید نعمت خدارا بر شما که چون کردانید

أنبياء وجعلكم ملوكا وآتاكم ما لم يؤت أحدا من العالمين ۝

پیغمبران وکردانید شمارا پادشاهان و داد شمارا آنچه نداد کسی را از عالمیان

يا قوم ادخلوا الأرض المقدسة التي كتب الله لكم ولا ترتدوا

ای گروه در روید بزمین پاکیزه آن زمین که نوشت خدا مر شمارا و مکردید شما

على أدباركم فتنقلبوا خاسرين ۝ قالوا يا موسى إن فيها

بر پشتهای خویش که پس میکردید زیانکاران گفتند ای موسی بدرستیکه در آن

قوما جبارين وإنا لن ندخلها حتى يخرجوا منها فإن يخرجوا

گروهی گردن کشان و بدرستی که ما نرویم آنجا تا بیرون روند از انجا پس اگر بیرون

منها فإنا داخلون ۝ قال رجلان من الذين يخافون أنعم

از انجا پس بدرستیکه ما درآینده کانیم گفت دو مرد از آن کسانکه می ترسیدند که انعام کرد

الله عليهما ادخلوا عليهم الباب فإذا دخلتموه فإنكم

خدا بر هردو که داخل شوند برایشان دررا پس چون در روید شما انجا پس بدرستیکه شما

غالبون ۝ وعلى الله فتوكلوا إن كنتم مؤمنين ۝ قالوا يا موسى

غالبان باشید و بر خداست پس توکل کنید اگر هستید شما مومنان گفتند ای موسی

إنا لن ندخلها أبدا ما داموا فيها فاذهب أنت وربك

بدرستیکه ما هیچ نشویم داخل در انجا هرگز مادامی که ایشان در انجااند پس برو تو و پروردگار تو

فقاتلا إنا ها هنا قاعدون ۝ قال رب إني لا أملك إلا نفسي

پس کارزار کنید بدرستیکه ما انجا نشستگانیم گفت موسی پروردگارا بدرستیکه من نیستم قادر مگر نفس خود

وأخي

نصف الحزب

وَأَخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ۝ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ

وبرادرم پس جدا کن میان ما و میان گروه نافرمانان گفت پس بدرستیکه آن حرام است

عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ

برایشان چهل سال سرگشته وحیران گردند در زمین پس مخور ای موسی اندوه بر گروه

الْفَاسِقِينَ ۝ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا

نافرمانان و بخوان برایشان خبر دو پسر آدم را بحق چون کردند قربانی را

فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ

پس پذیرفته شد از یکی ازان هر دو و نشد قبول از دیگری گفت قابیل هر آینه بکشم ترا گفت

إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ۝ لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي

بدرستیکه هابیل را پذیرفت خدا از پرهیزکاران هر آینه اگر بگستری سوی من دست خود را تا بکشی مرا

مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ

نیستم من گسترانندهٔ دست خود سوی تو تا بکشم ترا بدرستیکه من میترسم از خدا که پروردگار

الْعَالَمِينَ ۝ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ

عالمیان است بدرستیکه من همین خواهم باز گردی به بزه من و بزه خویش پس بوده باشی از یاران

النَّارِ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ۝ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ

آتش و آنست پاداش ستمکاران پس فرمان بردار شد مرا ورا تن او کشتن

أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ

برادر او را پس کشت او را پس گردید از زیان کاران پس فرستاد خدا زاغی را که بکند

فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا

در زمین تا بنماید او را که چگونه باز پوشاند کالبد برادر خود را گفت قابیل ای وای بر من

أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَٰذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْءَةَ أَخِي

آیا عاجز شدم ازینکه باشم مانند این زاغ پس بپوشانم کالبد برادر خود را

فاصبح من النادمين ۝ من اجل ذلك كتبنا على بني اسرائيل
پس گردید از پشیمان کاران از بهر آن نوشتیم ما بر فرزندان یعقوب
انه من قتل نفسا بغير نفس او فساد في الارض فكانما
بدرستیکه آنست که هر که کشد تنی را بغیر تنی یا تباهی کردن در زمین پس گویا
قتل الناس جميعا ومن احياها فكانما احيا الناس جميعا
کشته باشد مردمان را همه وهر که زنده گذارد او را پس گو زنده گذاشت مردمان را جملگی
ولقد جاءتهم رسلنا بالبينات ثم ان كثيرا منهم بعد ذلك
وهر آئنه تحقیق آمد شما را پیغمبران ما بحجتها پس بدرستیکه بسیاری از ایشان پس آن
في الارض لمسرفون ۝ انما جزاؤا الذين يحاربون الله ورسوله
در زمین هر آئنه اسراف کاران باشند که پاداش آنکسانیکه محاربه میکنند با خدا و رسول او
ويسعون في الارض فسادا ان يقتلوا او يصلبوا او تقطع ايديهم
و می شتابند در زمین بتباهی اگر میکشند ایشان را یا بردار میکنند ایشان را یا می برند دستهای
وارجلهم من خلاف او ينفوا من الارض ذلك لهم خزي في
و پاهای ایشان را از خلاف یکدیگر یا برانند ایشان را از زمین آنست مر ایشان را خواری در
الدنيا ولهم في الاخرة عذاب عظيم ۝ الا الذين تابوا من
دنیا و مر ایشانراست در آخرت عذاب بزرگ مگر آنکه توبه کنند باز آیند از
قبل ان تقدروا عليهم فاعلموا ان الله غفور رحيم ۝ يا ايها
پیش آنکه دست یابید بر ایشان پس بدانید شما بدرستیکه خدا آمرزنده و بخشاینده است ای
الذين امنوا اتقوا الله وابتغوا اليه الوسيلة وجاهدوا في
آنکه گرویدید بترسید از خدا و بجوئید سوی او نزدیکی و جهاد کنید در
سبيله لعلكم تفلحون ۝ ان الذين كفروا لو ان لهم ما في
راه او تا مگر شما رستگاری یابید بدرستی آنکه کافر شدند اگر باشد مر ایشان را آنچه در

معانقه وقف النبی

الارض

الْاَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ
زمین است جملگی و مانند آن با آن هر آینه فدا کنند با آن از عذاب روز قیامت
مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۝ يُرِيدُونَ اَنْ يَخْرُجُوا مِنَ
نپذیرد از ایشان و مر ایشان راست عذاب دردناک همی خواهند که بیرون آیند از
النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ ۝ وَالسَّارِقُ
آتش و نباشند ایشان بیرون آیندگان از آن و مر ایشان راست عذاب قایم و دزد را
وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا اَيْدِيَهُمَا جَزَآءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللّٰهِ ط
و زن دزد را پس ببرید دست هر دو را پاداش بآنچه اندوختند عقوبتی از خدا
وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَاَصْلَحَ فَاِنَّ
و خداست غالب استوارکار پس هر که باز آید از پس ظلم خویش و باصلاح آید پس بدرستی
اللّٰهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ ط اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ لَهُ
که خدا توبه میدهد بر آن بدرستی که خدا آمرزنده بخشاینده است آیا نمیدانی بدرستیکه خدا راست
مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ط يُعَذِّبُ مَنْ يَشَآءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَآءُ ط
پادشاهی آسمانهاست و زمین عذاب میکند هر کرا میخواهد و می آمرزد مر آن را که خواهد
وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يَا اَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ
و خدا بر همه چیز تواناست ای آنکه رسولید مباشید اندوهگین از آنکه
يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا اٰمَنَّا بِاَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ
می شتابند در کفر از آنکه گفتند گرویدیم بدهنهای خود و نگرویدند
قُلُوبُهُمْ ج وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمّٰعُونَ لِلْكَذِبِ سَمّٰعُونَ
از دلهای خود و از آنکه جهود شدند و شنوندگان مر دروغ را شنوندگانند
لِقَوْمٍ اٰخَرِينَ لَمْ يَاْتُوكَ ط يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ ج
مر گروه دیگران را نمی آیند بتو میگردانند سخن را از پس جایگاه

تخریب

مُعانقه

يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَٰذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَّمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا

میکویند اکر بدهید شما آن را پس فرا کیرید آنرا و اکر نه بدهید آنرا پس پرهیز

وَمَن يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَن تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَٰئِكَ

و هرکه را میخواهد خدا عقوبت او پس نمیباشد قدرت مراورا از خدا چیزی این ند

الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَن يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ

آنکسانکه نمی خواهد خدا اینکه پاک کرداند دلهای ایشان مرایشانراست در دنیا خواری

وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ

و مرایشانراست در آخرت عذاب بزرک شنوندکانند مر دروغ را

أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِن جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ

خورندکانند مر حرام را پس اکر آیند بتو پس حکم کن میان ایشان یا بر کرد از ایشان

وَإِن تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَن يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم

و اکر بر میکردی از ایشان پس نمیشود زیان ترا چیزی و اکر حکم کنی پس حکم

بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ۝ وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ

میان ایشان بعدل بدرستیکه خدا دوست میدارد عدالت کنندکانرا و چکونه حکم کرده میشود

وَعِندَهُمُ التَّوْرَاةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِن بَعْدِ ذَٰلِكَ

و نزد ایشانست توریة در آن حکم خداست پس بر میکردند ایشان از پس آن

وَمَا أُولَٰئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ۝ إِنَّا أَنزَلْنَا التَّوْرَاةَ فِيهَا هُدًى وَ

و نیستند ایشان کروندکان بدرستی ما فرستادیم ما توریة در آن راهی و

نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا

نوری حکم میکنند بآن پیغمبران آنکسانکه منقاد شدند مر آنکسانرا که جهود شد

وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِن كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا

و خداشناسان و دانشمندان بانچه خواستند از کتاب خدا و بود

خمسین الاولی

عشر شهدا

عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا

بران گواهان پس مترسید از مردمان و بترسید از من و مخرید بآیتهای من بهای

قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ ۝

اندک و هرکه نمیکند حکم بانچه فرستاد خدا پس ایشانند ایشان نافرمانان

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ

و نوشتیم ما بر ایشان دران بدرستی که تن بدل تن و چشم را بدل چشم و بینی

بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ

بدل بینی و گوش بدل گوش و دندان را بدل دندان و جراحتها را قصاص برابر است

فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

پس هرکه صدقه دهد بان پس او کفاره باشد مراورا و هرکه نمیکند حکم بانچه فرستاده است خدا

فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ

پس ایشانند ایشان ستمکاران و فرستادیم ما بر نشانهای ایشان بعیسی پسر مریم

مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى

راست دارنده مر انچه میان دست وی است از توریة و دادیم ما او را انجیل در او بود راهی

وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً

و نوری و راست دارنده مر انچه میان دست وی است از توریة و راهی و پندی

لِلْمُتَّقِينَ ۝ وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ

مر پرهیزکاران را و باید حکم اهل انجیل بانچه فرستاد خدا دران و هرکه نکند

يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ

حکم بانچه فرستاد خدا پس ایشانند ایشان نافرمانان و فرستادیم ما بسوی تو ای محمد

الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا

کتاب بحق راست دارنده مر انچه میان دستهای اینست از کتاب و گواهی راست

عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَاۤءَهُمْ عَمَّا جَاۤءَكَ
بر آن پس حکم کن میان ایشان بآنچه فرستاد خدا ومکن پیروی آرزوهای ایشانرا از آنچه آمد بتو
مِنَ الْحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاۤءَ اللّٰهُ لَجَعَلَكُمْ
از حق هر گروهی گردانیدیم ما از شما شریعتی وراهی واگر میخواست هرآئینه میگردانید
اُمَّةً وَاحِدَةً وَلٰكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِيْمَا اٰتٰىكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرٰتِ
گروهی تنها یعنی یک دین ولیکن هرآئینه می آزماید شمارا درآنچه بداد شمارا پس پیشی گیرید نیکیها
اِلَى اللّٰهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيْعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيْهِ تَخْتَلِفُوْنَ ۝ وَاَنِ
سوی خدا گردم رجع شما همه است پس خبر میکند شمارا بآنچه بودید شما در آن خلاف میکنید وباید که
احْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَاۤءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ
حکم کنید شما میان ایشان بآنچه فرستاد خدا ومکن پیروی آرزوهای ایشانرا وبپرهیز از ایشان
اَنْ يَّفْتِنُوْكَ عَنْ بَعْضِ مَاۤ اَنْزَلَ اللّٰهُ اِلَيْكَ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاعْ
که میکردانند ترا از بعضی آنچه فرستاد خدا سوی تو پس اگر برگردند پس بدان
اَنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ اَنْ يُّصِيْبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوْبِهِمْ وَاِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ
بدرستیکه میخواهد خدا آنکه نصیبی دهد ایشانرا ببعضی گناهان ایشان وبدرستی بسیاری از
النَّاسِ لَفٰسِقُوْنَ ۝ اَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُوْنَ وَمَنْ اَحْسَنُ
مردمان هرآئینه نافرمانان اند آیا پس حکم میکند جاهلیت میجویند وکیست نیکوتر
مِنَ اللّٰهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُّوْقِنُوْنَ ۝ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُوْدَ
از خدا بحکم کردن هرآئینه گروهی را که یقین دارند ای آنکسان که گرویدید فرا مگیرید جهودان
وَالنَّصٰرٰۤى اَوْلِيَاۤءَ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَاۤءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَّتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ
وترسایان را دوستان بعضی ایشان دوستانند بعضی را وهرکه دوست گیرد ایشانرا از شما
فَاِنَّهٗ مِنْهُمْ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ۝ فَتَرَى الَّذِيْنَ
پس بدرستی او از ایشان باشد بدرستی خدا نمی نماید راه گروه ستمکاران را پس بینی آنکسانرا

وقف النبی

ثلثة الربع
وقف غفران

في قلوبهم

فِي قُلُوبِهِم مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَىٰ أَن تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ

که در دلهای ایشان بیماریست و می شتابند میان ایشان میگویند میترسیم ما ازینکه میرساند بما حادثه

فَعَسَى اللَّهُ أَن يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِندِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسَرُّوا

پس شاید خدا بدهد بما فتحی یا فرمانی از نزد خود پس گردند برآنچه پنهان کردند

فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ ۝ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ

در تنهای خویش پشیمانان وگویند آنکه گرویدند آیا این گروه آنکسانند

أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا

که سوگند خوردند بخدا سوگند مغلظه بدرستی ایشان هرآینه باشمااند باطل شد عملهای ایشان پس شدند

خَاسِرِينَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ

زیان کاران ای آنکسانکه گرویدید هرکه برگردد از شما از دین خویش

فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

پس زود می آورد خدا گروهی که دوست دارد ایشان را و دوست دارند او را نرم دلان باشند برگروندگان

أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ

سخت دلان باشند بر کافران جهاد کنند در راه خدا و نترسند

لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ

ملامت ملامت کننده را این بنده که افزونی دهد خدا و میدهد آن هرکه را میخواهد و خدا فراخ

عَلِيمٌ ۝ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ

عطا است دانا بدرستیکه دوست شما خداست و رسول او وآنکسانکه گرویدند آنکسانکه

يُقِيمُونَ الصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ۝ وَمَن

برپا میدارند نمازرا و میدهند زکوة را و ایشانند راکعان و هرکه

يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ۝

دوست میگیرد خدا و رسول او را وآنکسانکه گرویدند پس بدرستی که گروه خدا ایشانند غالبان

يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا الذين اتخذوا دينكم هزوا ولعبا
ای آنکه بگرویدید فرا مگیرید آنکسان را که فرا گرفتند دین شما را باستهزا و بازی
من الذين اوتوا الكتاب من قبلكم والكفار اولياء
از آن کسانکه بدادشان نامه کتاب از پیش شما و کافران را دوستان
واتقوا الله ان كنتم مؤمنين ۝ واذا ناديتم الى الصلوة اتخذوها
و بترسید از خدا اگر هستید شما گروندگان و چون ندا کنید شما سوی نماز فرا گیرند آنرا
هزوا ولعبا ذلك بانهم قوم لا يعقلون ۝ قل يا اهل الكتاب
استهزا و بازی آن بسبب اینکه ایشان گروهی اند که عقل ندارند بگو ای اهل کتاب
هل تنقمون منا الا ان امنا بالله وما انزل الينا وما انزل
هیچ کینه میکشید شما از ما مگر اینکه گرویدیم ما بخدا وانچه فرستاده شده سوی ما وانچه فرستاده
من قبل وان اكثركم فاسقون ۝ قل هل انبئكم بشر
از پیش و بدرستی بسیاری از شما ستمکاران اند بگو هیچ خبر کنم شما را بدتر
من ذلك مثوبة عند الله من لعنه الله وغضب عليه
از آن پاداشتی که نزد خداست از لعنت کردن او را خدا و غضب کردن براو
وجعل منهم القردة والخنازير وعبد الطاغوت اولئك
وگردانید از ایشان بوزینگان و خوکان و پرستیدن بتان ایشانند
شر مكانا واضل عن سواء السبيل ۝ واذا جاؤكم قالوا امنا
بدتر جایگاهی و گمراه ترند از راه راست و چون آیند بر شما گویند گرویدیم ما
وقد دخلوا بالكفر وهم قد خرجوا به والله اعلم بما كانوا
و تحقیق چون داخل شوند با جمیع نافرمانان و ایشان تحقیق بیرون آیند با آن کفر و خدا داناتر است بانچه هستند
يكتمون ۝ وترى كثيرا منهم يسارعون في الاثم والعدوان
انکار کنندگان و ببینی بسیاری از ایشان را که می شتابند در بزه کاری و دشمنی

واكلهم

وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ

وخوردن ایشان حرام هرآینه بدست آنچه میکنند ایشان چرا نمیکنند نهی ایشانرا خداشناسان

وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا

و دانشمندان از گفتار ایشان بزه و خوردن ایشان حرام هرآینه بدست آنچه میکنند

يَصْنَعُونَ ۝ وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ

وگفتند یهودان دست خدا بسته کردن دستهای ایشان

وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ

ولعنت کرده شدند بانکه گفتند بلکه دست قدرت خدا فراخ گسترده است نفقه چگونه که میخواهد و هرآینه زیاده کند

كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا

بسیاری ازایشانرا آنچه فرستاده شد سوی تو از پروردگار تو گمراهی و نافرمانی و انداختیم ما

بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا

میان ایشان دشمنی و خشمی تا روز قیامت هرگاه افروزند آتش

لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ

مرحرب را فرو نشاند آنرا خدا و میشتابند در زمین تباهی و خدا دوست نمیدارد

الْمُفْسِدِينَ ۝ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا

تباه کاران را واگر بدرستی اهل کتاب گرویدندی و ترسیدندی هرآینه پوشیده کنیم

عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝ وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا

ازایشان گناهان بدیهای ایشانرا و هرآینه درآوریم ایشانرا در بوستانهای بهشت واگر بدرستی ایشان بپا دارند

التَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ

حکم توریة و انجیل و آنچه فرستاده شد سوی ایشان از پروردگار ایشان هرآینه خوردندی از

فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ

بالای ایشان و از زیر پایهای ایشان از ایشان گروهی میانه رو و بسیاری از ایشان

ساء ما يعملون ۝ يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك

بدست آنچه میکنند ای رسول برسان آنچه فرستاده شده سوی تو از پروردگار تو

وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من

واگر نمیکنی پس رساننده باشی رسالت اورا وخدا نگاه میدارد ترا از

الناس ان الله لا يهدى القوم الكافرين ۝ قل يا اهل

مردمان بدرستی خدا نمینماید راه گروه کافران را بگوای اهل

الكتاب لستم على شيء حتى تقيموا التورية والانجيل

کتاب هستید نه بر چیزی تا بپای دارید توریة را وانجیل را

وما انزل اليكم من ربكم وليزيدن كثيرا منهم

وآنچه فرستاده شده سوی شما از پروردگار شما وهرآینه زیاد میکند بسیاری از ایشان

ما انزل اليك من ربك طغيانا وكفرا فلا تاس على

آنچه فرستاده شده سوی تو از خداوند تو براهی وکفر پس اندوه مخور بر

القوم الكافرين ۝ ان الذين امنوا والذين هادوا و

گروه کافران بدرستی آنکه گرویدند وآنکه جهود شدند

والصابئون

وازدینی بدینی شوندگان

النصارى من امن بالله واليوم الاخر وعمل صالحا فلا خوف

ترسایان از هرکه گرود بخدا وروز قیامت وبکند نیکی پس مدارند ترس

عليهم ولا هم يحزنون ۝ لقد اخذنا ميثاق بنى اسرائيل

برایشان ونه ایشان اندوه خورند هرآینه بتحقیق گرفتیم ما عهد از فرزندان یعقوب

وارسلنا اليهم رسلا كلما جاءهم رسول بما لا تهوى

وفرستادیم ما سوی ایشان رسولان هرگاه آمد ایشان را رسولی بآنچه نمیخواهد

انفسهم فريقا كذبوا وفريقا يقتلون ۝ وحسبوا

تنهای ایشان گروهی را دروغ داشتند وگروهی را کشتند وپنداشتند

أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَصَمُّوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ

اگر نمیباشد ایشان را عقوبت پس کور شدند و کر شدند پس بهل کرد خدا بر ایشان پس

عَمُوا وَصَمُّوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ۝ لَقَدْ

کور شدند و کر شدند بسیاری از ایشان و خدا بیناست بانچه کردند ایشان هر آینه تحقیق

كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ

کافر شدند آنانکه گفتند بدرستی خدا او مسیح پسر مریم است و گفت مسیح

يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ

ای فرزندان یعقوب پرستید خدای را پروردگار و پروردگار شما بدرستی هرکه انباز میگیرد

بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا

بخدا پس تحقیق حرام کرد خدا براو بهشت را و جایگاه او آتش باشد و نیست

لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ۝ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ

ستمکاران را هیچ یاری کننده هر آینه تحقیق کافر شدند آنانکه گفتند بدرستی خدا یکی

ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا إِلَٰهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ

از سه خداست و نیست هیچ خدا مگر خدای یگانه و اگر باز نه ایستند از آنچه میگفتند

لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ أَفَلَا يَتُوبُونَ

هر آینه میرسد آنهان را که کافر شدند از ایشان عذاب دردناک آیا پس باز نیایند

إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ مَا الْمَسِيحُ

سوی خدا و آمرزش میخواهند ازو و خدا آمرزنده بخشاینده است نیست مسیح

ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ

پسر مریم مگر رسولی تحقیق گذشتند از پیش او رسولان

وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ انْظُرْ كَيْفَ

و مادر او راست گوی بود بودند هر دو میخوردند طعام را بنگر چگونه

نبين لهم الآيات ثم انظر انى يؤفكون ۝ قل اتعبدون
روشن کنیم مرایشان را نشانها پس بنگر چه بازگردانیده اند ایشان را بگو آیا می پرستید شما
من دون الله ما لا يملك لكم ضرا ولا نفعا والله هو السميع
از بیرون خدا آنچه نمیتواند مرایشان را زیانی و نه نفعی و خدا اوست شنوا
العليم ۝ قل يا اهل الكتاب لا تغلوا في دينكم غير الحق
و دانا بگو ای اهل کتاب غلو مکنید در دین خویش غیر حق
ولا تتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل واضلوا كثيرا
و مکنید پیروی آرزوهای گروهی که بتحقیق گمراه شدند از پیش و گمراه کردند بسیاری را
وضلوا عن سواء السبيل ۝ لعن الذين كفروا من بني
و برگشتند از راه راست لعنت کرده شدند آنکه کافر شدند از بنی
اسرائيل على لسان داود وعيسى ابن مريم ذلك بما عصوا
اسرائیل بر زبان داود و عیسی پسر مریم آنست بآنچه نافرمانی کردند
وكانوا يعتدون ۝ كانوا لا يتناهون عن منكر فعلوه
و بودند از حد درگذرندگان بودند که نمی ایستادند باز از ناشایستگی که کردند
لبئس ما كانوا يفعلون ۝ ترى كثيرا منهم يتولون الذين
هر آینه بد آنچه بودند کنندگان می بینی تو بسیاری از ایشان که دوستی کنند آن کسان
كفروا لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط الله عليهم وفي
که کافر شدند هر آینه بد است آنچه پیش فرستادند مر ایشان را از تنهای ایشان آنکه خشم خدا بر ایشان است و در
العذاب هم خالدون ۝ ولو كانوا يؤمنون بالله والنبي
عذاب ایشان جاویدانند و اگر بودند میگرویدند بخدا و رسول
وما انزل اليه ما اتخذوهم اولياء ولكن كثيرا منهم
و آنچه فرستاده شد سوی او فرا نگرفتندی ایشان را دوستان ولیکن بسیاری از ایشان

فاسقون

الجزء السابع

فاسقون ۝ لتجدن اشد الناس عداوة للذين امنوا اليهود و
نافرمانانند هرآینه می یابی سختترین مردمان را دشمنی مر آنکسان را که گرویدند جهودان و
الذين اشركوا ولتجدن اقربهم مودة للذين امنوا الذين
آنکسان که انباز گرفتند و هرآینه یابی نزدیکتران را دوستی مر آنکسان را که گرویدند آنان
قالوا انا نصارى ذلك بان منهم قسيسين ورهبانا وانهم
گفتند بدرستی ما ترسایانیم آنست بدرستی از ایشان دانشمندان و زاهدان . و بدرستی ایشان
لا يستكبرون ۝ واذا سمعوا ما انزل الى الرسول ترى
میکنند گردن کشی و چون شنوند آنچه فرستاده شده سوی رسول بینی
اعينهم تفيض من الدمع مما عرفوا من الحق يقولون ربنا
چشمهای ایشان که می افتند از اشک از آنچه شناختند از حق میگویند پروردگارا ما
امنا فاكتبنا مع الشاهدين ۝ وما لنا لا نؤمن بالله
گرویدیم ما پس بنویس ما را با گواهی دهندگان و چیست هر آینه ما را نگرویم بخدا
وما جاءنا من الحق ونطمع ان يدخلنا ربنا مع القوم
و آنچه آمد ما را از حق و طمع داریم ما اینکه داخل کند ما را پروردگار ما با گروه
الصالحين ۝ فاثابهم الله بما قالوا جنات تجري من تحتها
نیک مردان پس پاداش داد ایشان را خدا بآنچه گفتند بوستانها که میرود از زیر آن
الانهار خالدين فيها وذلك جزاء المحسنين ۝ والذين
جویها جاویدان در آن و آنست پاداش نیکوکاران و آنکسان که
كفروا وكذبوا باياتنا اولئك اصحاب الجحيم ۝
کافر شدند و دروغ داشتند بنشانهای ما ایشانند یاران دوزخ
يا ايها الذين امنوا لا تحرموا طيبات ما احل الله لكم ولا
ای آنکسانکه گرویدید مدارید حرام پاکیها آنچه حلال کرد خدا بر شما و مگذارید

تعتدوا ان الله لا يحب المعتدين ۝ وكلوا مما رزقكم الله

از حد بدرستی خدا نمیدارد دوست از حد گذرندگان را و بخورید از انچه روزی کرد شما را خدا

حلالا طيبا واتقوا الله الذي انتم به مؤمنون ۝ لا يؤاخذكم

حلال پاکیزه و بترسید از خدا آنخدای که شما باو گروندگانید نمی گیرد شما را

الله باللغو في ايمانكم ولكن يؤاخذكم بما عقدتم

خدا بلغو در سوگند خوردن شما ولیکن میگیرد شما را بانچه بسته باشید شما

الايمان فكفارته اطعام عشرة مساكين من اوسط ما

سوگندان پس کفاره آن طعام دادن ده درویش باشند از میانه انچه

تطعمون اهليكم او كسوتهم او تحرير رقبة فمن لم

طعام دهید اهل خویش را یا جامه پوشانیدن ایشان یا آزاد بنده پس هرکه

يجد فصيام ثلثة ايام ذلك كفارة ايمانكم اذا حلفتم

یابد پس روزه بدارد سه روز آنست کفاره سوگند ایشان چون قسم خوردید

واحفظوا ايمانكم كذلك يبين الله لكم اياته لعلكم

و نگاه دارید سوگند خویش همچنین روشن میکند خدا مر شما را نشانهای او تا مگر شما

تشكرون ۝ يا ايها الذين امنوا انما الخمر والميسر

شکر کنید ای آنکسانیکه گرویدید بدرستی که شراب و قمار

والانصاب والازلام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

و بتان و تیرهای قمار پلیدند از کردار شیطان پس دور باشید از آن

لعلكم تفلحون ۝ انما يريد الشيطان ان يوقع بينكم

تا مگر شما رستگاری یابید بدرستی که میخواهد آید شیطان اینکه بیندازد میان شما

العداوة والبغضاء في الخمر والميسر ويصدكم عن ذكر الله

دشمنی و خشم در شراب خوردن و قمار و باز دارد شما را از یاد خدا

وعن

وعن الصلوة فهل انتم منتهون ۝ واطيعوا الله واطيعوا الرسول

و از نماز پس باشید شما بازایستادگان ازان و فرمان برید خدا و فرمان برید رسول او را

واحذروا فان توليتم فاعلموا انما على رسولنا البلاغ المبين ۝

و پرهیزید پس اگر برگردید شما پس بدانید که بر رسول ما رسانیدنیست روشن

ليس على الذين امنوا وعملوا الصالحات جناح فيما طعموا

نیست برانکسان که گرویدند و کردند نیکیها بزه در انچه خوردند

اذا ما اتقوا وامنوا وعملوا الصالحات ثم اتقوا وامنوا ثم

چون پرهیزند و کردار نیکو کنند پس پرهیزید و گرویدید پس

اتقوا واحسنوا والله يحب المحسنين ۝ يا ايها الذين

پرهیزید و نیکوئی کنید و خدا دوست میدارد نیکوکاران را ای انکسانکه

امنوا ليبلونكم الله بشيء من الصيد تناله ايديكم ورماحكم

گرویدید هر آینه می آزماید شمارا خدا بچیزی از شکار که یابند مر او را دستهای شما و نیزهای شما

ليعلم الله من يخافه بالغيب فمن اعتدى بعد ذلك

تا جدا کند خدا از ترسنده او نادیده پس هرکه از حد درگذرد پس است

فله عذاب اليم ۝ يا ايها الذين امنوا لا تقتلوا الصيد

مر او را عذاب دردناک ای انکسانکه گرویدید مکشید شکار

وانتم حرم ومن قتله منكم متعمدا فجزاء مثل ما قتل

وقتی که شما در حرم باشید و هرکه بکشد مر او از شما عمدا پس پاداش بر او باشد مانند انچه کشته باشد

من النعم يحكم به ذوا عدل منكم هديا بالغ الكعبة

از چهارپایان حکم میکند بآن صاحب عدل از شما قربانی رسانده بکعبه

او كفارة طعام مساكين او عدل ذلك صياما ليذوق

یا کفارتی طعام دادن درویشان را یا برابرش آن روزه داشتن هر آینه بچشد

وبال امره عفا الله عما سلف ومن عاد فينتقم الله منه
عقوبت کار خویش کذرانید خدا ازانچه کذشت وهرکه ازحد کذرد پس کینه خواهد خدا از او
والله عزيز ذو انتقام ۝ احل لكم صيد البحر وطعامه متاعا
وخدا غالبست کینه کشنده حلال کرده شد مرشمارا شکار دریا وطعام او برخوردار
لكم وللسيارة وحرم عليكم صيد البر ما دمتم حرما
مرشمارا ومرکاروانیان را وحرام کرده برشما شکار خشکی مادامی باشید دراحرام
واتقوا الله الذي اليه تحشرون ۝ جعل الله الكعبة البيت
وترسید ازخدا آن خدا که سوی او حشر کنندکان کردانید خدا کعبه را خانه
الحرام قياما للناس والشهر الحرام والهدي والقلائد
حرام ایستادن مرمردمان وماههای حرام وقربانی وشتران
ذلك لتعلموا ان الله يعلم ما في السموات وما في الارض
آنست هرآینه میدانید بدرستیکه خدا میداند انچه در آسمانها وانچه در زمین است
وان الله بكل شيء عليم ۝ اعلموا ان الله شديد العقاب
وبدرستی که خدا بهمه چیز داناست بدانید بدرستی خدا سخت عقوبت کننده
وان الله غفور رحيم ۝ ما على الرسول الا البلاغ والله يعلم
وبدرستی که خدا آمرزنده بخشاینده نیست بر رسول مکر رسالت رسانیدن وخدا میداند
ما تبدون وما تكتمون ۝ قل لا يستوي الخبيث
انچه میکنید اشکارا وانچه میکنید پنهان بکو نباشد برابر پلید
والطيب ولو اعجبك كثرة الخبيث فاتقوا الله يا اولي الالباب
وپاک واکرچه بشکفت آورد ترا بسیاری پلید پس بترسید ازخدا ای صاحب خردان
لعلكم تفلحون ۝ يا ايها الذين امنوا لا تسئلوا عن اشياء
هرآینه برانید شما رستکاری یابید ای انکه کرویدید مپرسید از چیزهای

حزب

ان تبد

إن تبد لكم تسؤكم وإن تسئلوا عنها حين ينزل القران

اگر آشکارا کنند مر شما برنجانید شمارا واگر می پرسند شمارا از آن هنگامی که آید قرآن

تبد لكم عفا الله عنها والله غفور حليم ۝ قد سألها قوم من

آشکارا میکند مر شمارا درگذشت خدا از آن وخدا آمرزنده بردبار است تحقیق پرسیدند گروهی از

قبلكم ثم أصبحوا بها كافرين ۝ ما جعل الله من بحيرة ولا

پیش شما پس گشتید بسبب آن کافران نمیکرداند خدا از گوشت شکافتنی ونه

سائبة ولا وصيلة ولا حام ولكن الذين كفروا يفترون على

فروگذاشتنی ونه پیوستنی ونه نگاه دارنده ولیکن آنکسانکه کافر شدند می بافند بر

الله الكذب وأكثرهم لا يعقلون ۝ وإذا قيل لهم تعالوا

خدا دروغ وبیشتر ایشان نباشند خردمند وچون گفته شود مر ایشان را بیایید

إلى ما أنزل الله وإلى الرسول قالوا حسبنا ما وجدنا عليه

تا آنچه فرستاده خدا و بسوی رسول گفتند بسنده است ما را آنچه یافتیم ما بر آن

آباءنا أولو كان آباؤهم لا يعلمون شيئا ولا يهتدون ۝

پدران ما یا اگر بود پدران ایشان که ندانستند خرد چیزی ونه یافتند راه ایشان

يا أيها الذين آمنوا عليكم أنفسكم لا يضركم من ضل إذا

ای آنکسانکه گرویدید بر شما تنهای شما زیان نکند شمارا آنکه گمراه شد چون

اهتديتم إلى الله مرجعكم جميعا فينبئكم بما أنتم تعملون ۝

راه یابید شما سوی خدا است بازگشت شما همه پس خبر میکند شمارا بانچه کردید شما

يا أيها الذين آمنوا شهادة بينكم إذا حضر أحدكم الموت

ای آنکسانکه گرویدید گواه است میان شما چون حاضر آید یکی شمارا مرگ

حين الوصية اثنان ذوا عدل منكم أو آخران من غيركم

هنگام وصیت دو تن باشند صاحب عدل از شما یا دو تن دیگر از بیرون شما

إن أنتم ضربتم في الأرض فأصابتكم مصيبة الموت تحبسونهما

اگر شما بروید در زمین پس برسد شما را مصیبت مرگ باز میدارید ایشان را

من بعد الصلوة فيقسمان بالله إن ارتبتم لا نشتري به ثمنا

از پس نماز دیگر پس سوگند خورند بخدا اگر بشک شوید شما نگیریم فرا بان بها

ولو كان ذا قربى ولا نكتم شهادة الله إنا إذا لمن الآثمين

واگر باشد خداوند خویشی و نپوشانیم گواهی خدا بدرستی ما آنگاه هر آینه از بزه کاران باشیم

فإن عثر على أنهما استحقا إثما فآخران يقومان مقامهما

پس اگر مطلع شوید بر اینکه ایشان مستحق شدند بزه را پس دو دیگر ایستاده میشوند بجایگاه ایشان

من الذين استحق عليهم الأوليان فيقسمان بالله لشهادتنا

از آنها که مستحق شدند بر ایشان سزاوارترند پس سوگند خورند بخدا هر آینه گواهی

أحق من شهادتهما وما اعتدينا إنا إذا لمن الظالمين ذلك

سزاوارتر است از گواهی هر دو و نگذرانیم از حد ما بدرستی که ما آنگاه هر آینه از ستمکاران باشیم آن

أدنى أن يأتوا بالشهادة على وجهها أو يخافوا أن ترد أيمان

نزدیکتر اینکه آیند بگواهی دادن بر روی آن یا میترسند آنکه رد کنند سوگندها

بعد أيمانهم واتقوا الله واسمعوا والله لا يهدي القوم الفاسقين

پس سوگند ایشان و میترسند از خدا و شنوند و خدا نمی نماید راه گروه نافرمانان را

يوم يجمع الله الرسل فيقول ماذا أجبتم قالوا لا علم لنا إنك

آن روز که جمع کند خدا رسولان را پس گوید چه چیز پاسخ کند شما گفتند نیست دانشی ما را بدرستی تو

أنت علام الغيوب إذ قال الله يا عيسى ابن مريم اذكر

تو داننده غیبها چون گفت خدا ای عیسی پسر مریم یاد کن

نعمتي عليك وعلى والدتك إذ أيدتك بروح القدس تكلم

نعمت مرا بر تو و بر پدر و مادر تو چون قوی کردم ترا بجبرئیل پاک سخن گفتی

الناس

النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَاِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرٰيةَ
مردمان در گهواره و بر سبیل معجزه در کهولت و چون در آموختم ترا کتاب و حکمت و توریه
وَالْاِنْجِيلَ وَاِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِاِذْنِي فَتَنْفُخُ
و انجیل و چگونه ساختی از گل مانند شکل مرغی بفرمان من پس میدمی
فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِاِذْنِي وَتُبْرِئُ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ
دران پس گردید مرغی بفرمان من و درست گردی کور مادرزاد را و پیس را
بِاِذْنِي وَاِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتٰى بِاِذْنِي وَاِذْ كَفَفْتُ بَنِي اِسْرَائِلَ عَنْكَ
بفرمان من و چگونه بیرون آوردی مردگان را بفرمان من و چگونه باز داشتم شر فرزندان یعقوب را از تو
اِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ اِنْ هٰذَا اِلَّا سِحْرٌ
چگونه آمدی ایشان را با حجتها پس گفتند آنکسانکه کافر شدند از ایشان نیست آن مگر جادویی
مُبِينٌ ۝ وَاِذْ اَوْحَيْتُ اِلَى الْحَوَارِيِّينَ اَنْ اٰمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي
روشن و چگونه الهام دادم سوی حواریان که بگروید بمن و برسول من
قَالُوا اٰمَنَّا وَاشْهَدْ بِاَنَّنَا مُسْلِمُونَ ۝ اِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى
گفتند گرویدیم ما و گواه باش بانکه ما منقادانیم چگونه گفتند حواریان ای عیسی
ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ اَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ
پسر مریم هیچ توانائی دارد خداوند تو اینکه فرو فرستد بر ما مایده از آسمان
قَالَ اتَّقُوا اللّٰهَ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ قَالُوا نُرِيدُ اَنْ نَاْكُلَ مِنْهَا
گفت عیسی بترسید از خدا اگر هستید گروندگان گفتند خواهیم تا آنکه بخوریم ازان
وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ اَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا
و آرام گیرد دلهای ما و زیاده کنیم یقین براست گفتن تو با ما و باشیم بر آن
مِنَ الشَّاهِدِينَ ۝ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللّٰهُمَّ رَبَّنَا اَنْزِلْ عَلَيْنَا
از گواهان گفت عیسی پسر مریم بارخدایا پروردگار ما بفرست بر ما

نخب

مائدة من السماء تكون لنا عيدا لاولنا واخرنا واية منك

مايده از آسمان كه بوده باشد هر آئنه مارا عيدى مراول مارا وآخر مارا ونشانه باشد از

وارزقنا وانت خير الرازقين ۝ قال الله اني منزلها عليكم

وروزى كن مارا وتوئى بهترين روزى دهندگان گفت خدا بدرستى كه من فرستم آنرا برشما

فمن يكفر بعد منكم فاني اعذبه عذابا لا اعذبه احدا من

پس هر كه كافر گردد پس از آن از شما پس بدرستى من عذاب كنم اورا عذابى كه نكرده باشم آن عذاب هيچ احدى را از

العالمين ۝ واذ قال الله يا عيسى ابن مريم ءانت قلت للناس

عالميان وچون گفت خدا اى عيسى پسر مريم آيا تو گفتى مردمان را

اتخذوني وامي الهين من دون الله قال سبحانك ما يكون

كه فرا گيريد مرا ومادر مرا دو خدا از بيرون خدا گفت عيسى پاك منزهى نبايد

لي ان اقول ما ليس لي بحق ان كنت قلته فقد علمته تعلم

مرا براى آنكه گويم آنچه نيست مرا بحق اگر بوده باشم گوينده اين حرف پس بتحقيق دانى تو آن

ما في نفسي ولا اعلم ما في نفسك انك انت علام الغيوب

آنچه در تن منست ونه دانم من آنچه در ذات تست بدرستى توئى تو داننده غيبها

ما قلت لهم الا ما امرتني به ان اعبدوا الله ربي وربكم

نگفتم من مر ايشان را مگر آنچه امر كردى تو مرا بآن كه پرستيد خدا را كه پروردگار من وپروردگار

وكنت عليهم شهيدا ما دمت فيهم فلما توفيتني كنت انت

وباشم من بر ايشان گواه مادام كه من در ميان ايشانم پس چون بميرانى مرا باشى تو

الرقيب عليهم وانت على كل شيء شهيد ۝ ان تعذبهم

نگاهبان بر ايشان وتو بر همه چيز گواه اگر عذاب كنى ايشان

فانهم عبادك وان تغفر لهم فانك انت العزيز الحكيم

پس بدرستى ايشان بندگان تواند واگر بيامرزى مر ايشان را پس بدرستى توئى تو غالب استوار كار

قَالَ اللّٰهُ هٰذَا يَوْمُ يَنفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي

گفت خدا این روز سود دارد راست گویان را راستی ایشان مرایشان را بوستانها که میرود

مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَّضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ

از زیر آن جویها جاویدان در آن همیشه خوشنود است خدا از ایشان و خوشنود شدند ایشان از خدا

ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ

این است رستگاری بزرگ مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در آن است

سورة الانعام وهي مكية مائة وخمس وستون آية اجماعا ۝ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

و او بر همه چیز تواناست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خداوند بخشاینده و مهربان

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ

سپاس مر خدا را آنخدا که آفرید آسمانها و زمین را و گردانید تاریکیها

وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ۝ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم

و روشنائی را پس آنکسانکه کافر شدند به پروردگار ایشان برابر میکنند اوست آنخدا که آفرید شما را

مِّن طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِندَهُ ثُمَّ أَنتُمْ تَمْتَرُونَ ۝

از گل پس گذشت اجلی و مدت نام نهاد نزد او پس شما شک می آرید

وَهُوَ اللّٰهُ فِي السَّمٰوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ

و اوست خدا در آسمانها و در زمین میداند نهان شما را و آشکارای شما را

وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ ۝ وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ

و میداند آنچه میسازید شما و نیامد بایشان از نشانها از نشانهای پروردگار ایشان

إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ۝ فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ

مگر بودند از آن روی گردندگان پس بتحقیق دروغ داشتند بحق چون آمد ایشان را

فائده ختم سوره انعام [illegible]
[illegible] افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد ۝

فسوف يأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون ۝ ألم يروا كم

پس زود باشد که بیاید ایشان را خبرها آنچه بودند بآن استهزا کردند آیا نمی بینید چند کس ایشان را

أهلكنا من قبلهم من قرن مكناهم في الأرض ما لم نمكن

هلاک کردیم ما از پیش ایشان از گروهان مکان دادیم ما ایشان را در زمین آنچه ندادیم مکان

لكم وأرسلنا السماء عليهم مدرارا وجعلنا الأنهار تجري

مر شما را وفرستادیم ما آسمان را بر ایشان باران بارنده وگردانیدیم ما جویها جاری

من تحتهم فأهلكناهم بذنوبهم وأنشأنا من بعدهم قرنا

از زیر ایشان پس هلاک کردیم ما ایشان را بگناهان ایشان وآفریدیم از پس ایشان گروهی

آخرين ۝ ولو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه

دیگران واگر فرستادیم ما بر تو ای محمد کتابی در کاغذی پس سودندی آن را

بأيديهم لقال الذين كفروا إن هذا إلا سحر مبين ۝ وقالوا

بدستهای ایشان هر آینه گفتندی آنکه کافر شدند نیست این مگر جادوی روشن وگفتند

لولا أنزل عليه ملك ولو أنزلنا ملكا لقضي الأمر ثم

چرا نفرستاد بروی فرشته واگر فرستادیم ما بروی فرشته هر آینه گذارده شدی

لا ينظرون ۝ ولو جعلناه ملكا لجعلناه رجلا

نشدندی مهلت داده واگر میکردیم ما اورا فرشته هر آینه میکردیم اورا مردی

وللبسنا عليهم ما يلبسون ۝ ولقد استهزئ برسل من

وهر آینه میپوشانیدیم ما بر ایشان آنچه میپوشند ایشان وهر آینه تحقیق استهزا کردند برسولان از

قبلك فحاق بالذين سخروا منهم ما كانوا به يستهزءون ۝

پیش تو پس رسید بآنکه استهزا کردند از ایشان آنچه بودند بآن استهزا میکنند

قل سيروا في الأرض ثم انظروا كيف كان عاقبة المكذبين ۝

بگو بروید در زمین پس بنگرید که چگونه باشد سرانجام دروغ گویان

قل

قل لمن ما في السموات والارض قل لله كتب على نفسه الرحمة

بگو جهت انچه در آسمانها و در زمین بگو خدا نوشت بر تن او رحمت

ليجمعنكم الى يوم القيمة لا ريب فيه الذين خسروا انفسهم

هر اینه جمع میکند شمارا تا روز قیامت نیست گمانی در آن آنکسانکه زیان کردند تنهای خویش

فهم لا يؤمنون ۝ وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع

پس ایشان نمیگروند و مراوراست آنچه آرام گرفتند در شب و روز و اوست شنوا

العليم ۝ قل اغير الله اتخذ وليا فاطر السموات والارض

دانا بگو آیا بیرون خدا فراگیرم دوستی آفریدگار آسمانها و زمین

وهو يطعم ولا يطعم قل اني امرت ان اكون اول من اسلم

و او طعام میدهد و نمی خورد طعام بگو بدرستی من فرمودم ترا که باشی نخست انکسی که منقاد شد

ولا تكونن من المشركين ۝ قل اني اخاف ان عصيت ربي

و نباشی از نافرمانان بگو بدرستی که من میترسم اگر اینکه نافرمان شوم پروردگار خود را

عذاب يوم عظيم ۝ من يصرف عنه يومئذ فقد رحمه

از عذاب روز بزرگ هرکه را میگرداند ازو عذاب آنروز پس تحقیق رحم کرده باشد اورا

وذلك الفوز المبين ۝ وان يمسسك الله بضر فلا كاشف

و آنست رستگاری روشن و اگر برساند بتو خدا گزندی پس نباشد کشف کننده

له الا هو وان يمسسك بخير فهو على كل شيء قدير ۝ و

مراورا مگر او و اگر برساند ترا خدا بنیکی پس او بر همه چیز توانا است

هو القاهر فوق عباده وهو الحكيم الخبير ۝ قل اي شيء

اوست قهر کننده زبر بندگان خویش و اوست استوارکار آگاه بگو چه چیز

اكبر شهادة قل الله شهيد بيني وبينكم واوحي الي هذا القران

بزرگترست بگواهی دادن بگو خدا گواهست میان من و میان شما و وحی کرده سوی من این قران

يازده نوبت بخواند
افوض امري الى الله
ان الله بصير بالعباد

لانذركم به ومن بلغ ائنكم لتشهدون ۝ ان مع الله الهة اخرى

هر آئنه بیم کنم شمارا بان وهرکه برسد باو این قران شما هر آئنه کواهی میدهند بدرستی با خدا خدایان دیکر است

قل لا اشهد قل انما هو اله واحد واننی بری مما تشرکون ۝ الذین

بکو نمیدهم کواهی بکو بدرستی که اوست خدای یکانه و بدرستیکه من بیزارم از انچه میکیرید انباز شما انکسانی که

اتیناهم الکتاب یعرفونه کما یعرفون ابناءهم الذین خسروا

بدادیم ماایشان را کتاب می شناسند آنرا مانند چنانکه می شناسند پسران خویش را انکسانکه زیان کردند

انفسهم فهم لا یؤمنون ۝ ومن اظلم ممن افتری علی الله

تنهای خویش را پس ایشان نمیکروند وکیست ستمکارتر ازان کسی که بافد برخدا

کذبا او کذب بایاته انه لا یفلح الظالمون ۝ ویوم نحشرهم

دروغ یا دروغ دارد نشانهای او بدرستیکه او نمی رهاند ستمکاران را وروزی که حشر کنیم ایشانرا

جمیعا ثم نقول للذین اشرکوا این شرکاؤکم الذین کنتم

همه پس کویم مرانکسانرا که انباز کرفتند کجاند انباز کیرندکان انکسانکه بودید

تزعمون ۝ ثم لم تکن فتنتهم الا ان قالوا والله ربنا ما کنا

دعوی کنندکان پس نباشد آزمایش ایشانرا مکر اینکه کویند بخدا پروردکارا ما نبودیم

مشرکین ۝ انظر کیف کذبوا علی انفسهم وضل عنهم ما کانوا

انباز کیرندکان بنکر چکونه دروغ داشتند بر تنهای ایشان وکمراه شد ازایشان انچه بودند

یفترون ۝ ومنهم من یستمع الیک وجعلنا علی قلوبهم

بافندکان وازایشان هرکه کوش میکند سوی تو وکردیم ما بر دلهای ایشان

اکنة ان یفقهوه وفی اذانهم وقرا وان یروا کل

پوششی تا درونیابند آنرا ودر کوشهای ایشان کرانی واکر ببینند هر

ایة لا یؤمنوا بها حتی اذا جاؤک یجادلونک یقول الذین کفروا

حجتی را نمیکروند بان تا هنکامی که آیند سوی تو خصومت کننده باتو میکویند انکسانکه کافرشدند

ان هذا

إن هذا إلا أساطير الأولين ۝ وهم ينهون عنه وينأون
نیست این مگر افسانهای پیشینیان وایشان نهی میکنند از محمد ص مردمان را وخود دور میشوند
عنه وإن يهلكون إلا أنفسهم وما يشعرون ۝ ولو ترى
ازاو ونمیکنند هلاک ایشان مگر تنهای خویش ونمی شنند آگاه ایشان واگر بینی ای محمد ص
إذ وقفوا على النار فقالوا يا ليتنا نرد ولا نكذب
چون بازدارندشان بر آتش پس گویند ای کاشکی که مارا بازگردانند ونه دانستمی دروغ
بآيات ربنا ونكون من المؤمنين ۝ بل بدا لهم ما كانوا
نشانهای خدای خویش وبودمی از گروندگان بلکه ظاهر شود ایشان را انچه بودند
يخفون من قبل ولو ردوا لعادوا لما نهوا عنه وإنهم لكاذبون ۝
پنهان میداشتند ازپیش واگر بازگردانندشان هرآینه باز انچه منع کرده شدند ازان وبدرستی که ایشان دروغ
وقالوا إن هي إلا حياتنا الدنيا وما نحن بمبعوثين ۝ ولو ترى
وگویند نیست این قیامت مگر زندگانی ما دنیا را ونه باشیم ما بعث کردگان واگر ببینید
إذ وقفوا على ربهم قال أليس هذا بالحق قالوا بلى وربنا
که چون بازدارند بر سوال خداوندشان گوید آیا نیست این بحق گویند آری وخداوند ما
قال فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون ۝ قد خسر الذين
گوید پس بچشید عذاب را بانچه بودید شما که کافر شده بودید تحقیق زیان کردند آنکه
كذبوا بلقاء الله حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يا حسرتنا
دروغ داشتند برسیدن خدا تا چون بیاید ایشان را قیامت ناگاه گویند ای اندوه ما را
على ما فرطنا فيها وهم يحملون أوزارهم على ظهورهم ألا ساء
بر آنچه تقصیر کردیم ما در آن وایشان برمیدارند بار گناهان خویش بر پشتهای خویش وآنکه بد است
ما يزرون ۝ وما الحيوة الدنيا إلا لعب ولهو وللدار
آنچه برمیدارندشان ونیست زندگانی دنیا مگر بازی وافسوس وهرآینه سرای

دروغ گویان

الآخرة خير للذين يتقون أفلا تعقلون ۝ قد نعلم إنه
آخرت بهترست مر آنکسان را که می پرهیزند چرا بخود در نمی یابند تحقیق میدانیم بدرستیکه او
ليحزنك الذي يقولون فإنهم لا يكذبونك ولكن الظالمين
هر آینه اندوهگین میکند ترا آنکه میگویند پس بدرستیکه ایشان نمیکنند دروغ ترا و لیکن ستمکاران
بآيات الله يجحدون ۝ ولقد كذبت رسل من قبلك فصبروا
بنشانهای خدا انکار میکنند و هر آینه تحقیق بدروغ میداشتند پیغمبران از پیش تو پس صبر کردند
على ما كذبوا وأوذوا حتى أتاهم نصرنا ولا مبدل لكلمات الله
برانچه دروغ داشتند و رنجانیدند ایشان را تا آمد ایشان را یاری ما و نیست بدل کننده مر سخنان خدا را
ولقد جاءك من نبإ المرسلين ۝ وإن كان كبر عليك
و هر آینه تحقیق آمد ترا از خبرهای پیغمبران و اگر باشد که بزرگ بر تو
إعراضهم فإن استطعت أن تبتغي نفقا في الأرض أو سلما
برگشتن ایشان پس اگر توانائی داری تو که بجوئی سوراخی در زمین یا نردبانی
في السماء فتأتيهم بآية ولو شاء الله لجمعهم على الهدى فلا
در آسمان پس آوری ایشان را نشانی و اگر خواهد خدا هر آینه جمع کردی ایشان را بر راه راست پس م
تكونن من الجاهلين ۝ إنما يستجيب الذين يسمعون
باشید از نادانان بدرستیکه پاسخ کنند آنکه می شنوند
والموتى يبعثهم الله ثم إليه يرجعون ۝ وقالوا لولا نزل
مردگان برانگیزد ایشان را خدا پس سوی آن باز گردانند شان و گویند چرا نفرستادند
عليه آية من ربه قل إن الله قادر على أن ينزل آية ولكن
بر او نشانه از پروردگار او بگو بدرستی خدا تواناست بر آنکه فرستد حجتی و لیکن
أكثرهم لا يعلمون ۝ وما من دابة في الأرض ولا طائر
بسیاری ایشان نمیدانند و نیست هیچ جنبنده در زمین و نیست پرنده

نصف الحزب خمس عشر

يطير بجناحيه الا امم امثالكم ما فرطنا في الكتاب من شيء

که بپرد به بال خویش مگر گروهی مانند شما نکردیم تقصیر در کتاب از چیزی

ثم الى ربهم يحشرون ۝ والذين كذبوا باياتنا صم وبكم

پس سوی پروردگار ایشان را میکنند حشر والذین که دروغ داشتند بنشانهای ما کرانند و گنگانند

في الظلمات من يشا الله يضلله ومن يشا يجعله على صراط

در تاریکیها هر که را می خواهد خدا گمراه میکند اورا و هر که را میخواهد میگرداند اورا بر راه

مستقيم ۝ قل ارايتكم ان اتيكم عذاب الله او اتتكم

راست بگو خبر دهید مارا اگر آید شمارا عذاب خدا یا آید شمارا

الساعة اغير الله تدعون ان كنتم صادقين ۝ بل اياه

رستخیز آیا غیر خدارا میخوانید اگر هستید شما راست گویان بلکه اورا

تدعون فيكشف ما تدعون اليه ان شاء وتنسون ما تشركون

میخوانید پس بردارد آنچه میخوانید سوی او اگر خواهد و فراموش میکنید آنچه انباز میکردید

ولقد ارسلنا الى امم من قبلك فاخذناهم بالباساء و

و هرآینه بتحقیق فرستادیم ما سوی گروهان از پیش تو پس گرفتیم ما ایشان را بسختی حال و

الضراء لعلهم يتضرعون ۝ فلولا اذ جاءهم باسنا تضرعوا

بدحالی تا مگر ایشان زاری میکنند ایشان پس اگر نباشند چون آمد ایشانرا عذاب زاری میکنند

ولكن قست قلوبهم وزين لهم الشيطان ما كانوا يعملون ۝

ولیکن سخت شد دلهای ایشان و بیاراست مرایشانرا شیطان آنچه بودند میکردند

فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم ابواب كل شيء حتى

پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدند بآن گشودیم ما بر ایشان درهای هر چیزی را تا

اذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم بغتة فاذا هم مبلسون ۝ فقطع

چون شاد شدند بآنچه دادندشان گرفتیم ما ایشانرا ناگاه پس آنگاه ایشان نومید شوند پس بریده شد

دابر القوم الذين ظلموا والحمد لله رب العالمين ۝ قل ارايتم
اصل گروه آنکه ستم کردند وسپاس مر خدا راست که پروردگار همه خلق است بگو ای محمد آیا می بینید شما
ان اخذ الله سمعكم وابصاركم وختم على قلوبكم من
اگر بگیرد خدا شنوائی شمارا وبینائی شمارا ومهر کند بر دلهای شما کیست
اله غير الله ياتيكم به انظر كيف نصرف الايات ثم هم
سزاوار خدائی غیر خدا می آورد شمارا بخدا بنگرید که چگونه پدید آورده حجتها پس ایشان
يصدفون ۝ قل ارايتكم ان اتيكم عذاب الله بغتة او جهرة
بر میگردند بگو ای محمد چه می بینید شما اگر بیاید شمارا عذاب خدا ناگاه یا آشکارا
هل يهلك الا القوم الظالمون ۝ وما نرسل المرسلين الا
هیچ هلاک میشوند مگر گروه ستمکاران ونفرستادیم ما رسولان را مگر
مبشرين ومنذرين فمن امن واصلح فلا خوف عليهم
مژده دهندگان وبیم دهندگان پس هرکه بگرود ونیکو کند پس نیست ترسی برایشان
ولا هم يحزنون ۝ والذين كذبوا باياتنا يمسهم العذاب بما
ونه ایشان اندوه میخورند وآنکه دروغ دارند بحجتهای مارا برسد ایشان عقوبت بدانچه
كانوا يفسقون ۝ قل لا اقول لكم عندي خزائن الله ولا
بودند تباهی کردند بگو ای محمد نه گویم مر شمارا نزد من خزانهای خداست ونه
اعلم الغيب ولا اقول لكم اني ملك ان اتبع الا ما يوحى الي
دانم پوشیدگیها ونه گویم مر شمارا که من فرشته ام وپیروی نکنم مگر آنچه فرستاده شده بسوی
قل هل يستوي الاعمى والبصير افلا تتفكرون ۝
بگو ای محمد نیست برابر کور وبصیر آیا پس پند نمیگیرید
وانذر به الذين يخافون ان يحشروا الى ربهم ليس لهم من
وبیم کن بدان آنانرا که می ترسند که گرد کرده شوند سوی خداوندشان نیست مرایشانرا از

دونه و

دونه ولي ولا شفيع لعلهم يتقون ۝ ولا تطرد الذين يدعون

جز او دوستی ونه خواهش گری تا مگر ایشان بترسند و مران آنان را که میخواهند

ربهم بالغداة والعشي يريدون وجهه ط ما عليك من

پروردگار خود را بامداد و شبانگاه میخواهند رضای خداوندیت بر تو از

حسابهم من شيء لا وما من حسابك عليهم من شيء فتطردهم

شمار ایشان از چیزی و نیست از حساب تو بر ایشان از چیزی پس برانی ایشان

فتكون من الظالمين ۝ وكذلك فتنا بعضهم ببعض

پس باشی از ستمکاران و همچنین آزمودیم بعضی ایشان را ببعضی

ليقولوا أهؤلاء من الله عليهم من بيننا ط أليس الله بأعلم بالشاكرين ۝

تا بگویند آیا ایشان را منت نهاد خدا بر ایشان از میان ما آیا نیست خدا داناتر بسپاس دارندگان

وإذا جاءك الذين يؤمنون بآياتنا فقل سلام عليكم

و چون بیایند بر تو آنانکه بگروند بآیات ما پس بگوای محمد ص سلام خدا بر شما

كتب ربكم على نفسه الرحمة لا أنه من عمل منكم سوءا بجهالة

واجب کرد پروردگار شما بر ذات پاک خود رحمت را بدرستیکه هرکه بکند از شما بدی بنادانی

ثم تاب من بعده وأصلح لا فأنه غفور رحيم ۝ وكذلك

پس توبه کند از پس آن و نیکوکار شود پس بدرستی خدا آمرزنده و بخشاینده و همچنین

نفصل الآيات ولتستبين سبيل المجرمين ۝ قل إني نهيت

بیان کنیم حجتها را و تا پیدا شود راه کافران بگوای محمد ص من باز داشته ام

أن أعبد الذين تدعون من دون الله ط قل لا أتبع أهواءكم

که بپرستم آنانرا که میخواهند از جز خدای بگوای محمد ص پیروی نکنم خواستهای شما

قد ضللت إذا وما أنا من المهتدين ۝ قل إني على بينة

بتحقیق گمراه شوم اکنون و نباشم من از راه یافتگان بگوای محمد ص که من بر حجتی و برهانی

مِن رَّبِّي وَكَذَّبْتُم بِهِ مَا عِندِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِ الْحُكْمُ
از خداوند خود و دروغ داشتید شما بدان نیست نزدیک من آنچه شتاب میکنید شما بدان نیست حکم کردن
إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ۝ قُل لَّوْ أَنَّ عِندِي مَا
مگر خدای را گذارده شود براستی واوست بهترین حکم کنندگان بگوای محمد اگر هست نزد من آنچه
تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ
شتاب میکنید شما بآن هرآینه گذارده شود میان من و میان شما و خدای داناترست
بِالظَّالِمِينَ ۝ وَعِندَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي
بستمکاران و نزدیک اوست کلیدهای غیب که نداند آنرا مگر او و میداند آنچه در
الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ
خشکی و دریاست و نیفتد از برگی مگر بداند آنرا و نه دانه در تاریکیهای
الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ۝ وَهُوَ الَّذِي
زمین و نه تر و نه خشک مگر در لوح محفوظ است هبدا واوست آنکه
يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ
که بمیراند شما را در شب و میداند آنچه کردید شما بروز پس برانگیزد و زنده کند شما را
فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا
دران تا قضی کرده شود مهلتی نام برده پس سوی اوست بازگشت شما پس آگاه کند شما را بدانچه
كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ
میکردید شما واوست قهر کننده و شکننده کامها بندگان زبر بندگان خود بقدرت و میفرستد بر شما
حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ
نگاهبانان تا چون بیاید یکی از شما را مرگ بمیرانیدش فرستادگان ما وایشان تقصیر نکنند
ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ۝
پس باز برده شوند سوی خدا خداوندشان براستی بدانکه مراوراست حکم واوست زودتر شمار کنندگان

نحزب

عشرع

یا نده رتب بگوید
أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ
إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

قل من

قل من ينجيكم من ظلمات البر والبحر تدعونه تضرعا وخفية

بگوی ای محمد که وا رهاند تان از تاریکی خشکی و تری میخوانید اورا بزاری و نهانی

لئن انجانا من هذه لنكونن من الشاكرين ۝ قل الله ينجيكم

اگر وا رهاند مارا از این هرآینه باشیم از سپاس گزارندگان بگوی ای محمد خدا رهاند شمارا

منها ومن كل كرب ثم انتم تشركون ۝ قل هو القادر على

از آن و از هر اندوهی پس شما شرک می آرید بگوی ای محمد اوست توانا بر

ان يبعث عليكم عذابا من فوقكم او من تحت ارجلكم او

آنکه بفرستد بر شما عقوبت از زبر شما یا از زیر پایهای شما یا

يلبسكم شيعا ويذيق بعضكم باس بعض انظر كيف

بپوشاند شمارا هواخواهها و بچشاند بعضی از شما سختی بعضی بنگر چگونه

نصرف الايات لعلهم يفقهون ۝ وكذب به قومك وهو

میگردانیم آیتها را تا باشد که ایشان در یابند و دروغ زن کردند بوی گروه تو و اوست

الحق قل لست عليكم بوكيل ۝ لكل نبا مستقر وسوف

راست بگوی ای محمد نیستم من بر شما نگاهبان مر هر چیزی را آرام جای است و زود باشد

تعلمون ۝ واذا رايت الذين يخوضون في اياتنا فاعرض عنهم

که بدانید و چون بینی آنانکه خوض میکنند در آیات ما پس روی بگردان از ایشان

حتى يخوضوا في حديث غيره واما ينسينك الشيطان فلا

تا خوض میکنند در حدیث باطل جز آن و اگر فراموش میکند ترا دیو پس

تقعد بعد الذكرى مع القوم الظالمين ۝ وما على الذين

منشین پس از پند با گروه ستمکاران و نیست بر آنانکه

يتقون من حسابهم من شيء ولكن ذكرى لعلهم يتقون ۝

پرهیزند از حساب ایشان از چیزی ولیکن پند دهد تا مگر ایشان پرهیزند

وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا

وبگذار آنکسان را که بگرفتند دین خود را بازی وبیهوده وبفریفت ایشان را زندگانی این جهان

وَذَكِّرْ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللّٰهِ

وپند ده بدان بدانکه فرو گذاشته شود کسی بآنچه کرد نیست مران را از جز خدای

وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذْ مِنْهَا أُولٰئِكَ

دوستی ونه خواهش گری واگر فدا کند هر فدائی گرفته نشود ازان. این گروه

الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا

آنانکه فرو گذاشته شد بآنچه کردند مرایشان راست شراب از آب حمیم گرم وعقوبتی دردناک

كَانُوا يَكْفُرُونَ ۝ قُلْ أَنَدْعُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا

بودند کافر شدند بگوای محمد آیا بخوانیم از جز خدای آنچه سود نکند مارا ونه زیان

وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدٰىنَا اللّٰهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ

وبازگردانید ما را بر پاشنه ما پس ازانکه راه نمود مارا خدا همچون کسی که ازراه ببرد اورا دیوان

فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنَا قُلْ إِنَّ

در زمین حیران مراورا یاران می خوانند اورا بسوی راه راست بیار مارا بگوای

هُدَى اللّٰهِ هُوَ الْهُدٰى وَأُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَأَنْ أَقِيمُوا حزب

خدا اوست راه راست وفرموده شدیم تا گردن نهیم مر خداوند جهانیان را وآنکه بپای دارید

الصَّلٰوةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ

نماز وبترسید اورا واوست آن خدا که بسوی او گرد کرده میشوید واوست آن خدا که آفرید

السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ

آسمانها وزمین براستی ودر آن روزی که گوید باش پس باشد گفتار او

الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ

راست ومراوراست پادشاهی آن روز که دمیده شود در صور داننده نهان وآشکارا واو

الْحَكِيمُ

87

ثلث ارباع

الحكيم الخبير ۝ وإذ قال ابراهيم لأبيه آزر أتتخذ أصناما
حکیم کننده آگاه بهمه چیزها و چون گفت ابراهیم مر پدر خودرا آزر آیا همی گیری بتان را
آلهة إني أراك وقومك في ضلال مبين ۝ وكذلك نري
خدایان بدرستی که من همی بینم ترا و گروه ترا در گمراهی پیدا و همچنین بنمایم
ابرهيم ملكوت السماوات والأرض وليكون من الموقنين ۝
ابراهیم را پادشاهی آسمانها و زمین و تا باشد از بیگمانان
فلما جن عليه الليل رأى كوكبا قال هذا ربي فلما أفل
پس چون فرو شد در آمد و پوشید بروی شب بدید ستاره را گفت اینست خداوند من پس چون فرو شد
قال لا أحب الآفلين ۝ فلما رأى القمر بازغا قال هذا ربي فلما
گفت دوست ندارم فرو شوندگان را پس چون بدید ماه باز آینده گفت اینست خداوند من پس چون
أفل قال لئن لم يهدني ربي لأكونن من القوم الضالين ۝
فرو شد گفت اگر نکند هدایت مر خداوند من هر آینه باشم از گروه گمراهان
فلما رأى الشمس بازغة قال هذا ربي هذا أكبر فلما أفلت
پس چون دید آفتاب را باز آینده گفت اینست خداوند من اینست بزرگتر پس چون فرو شد
قال يا قوم إني بريء مما تشركون ۝ إني وجهت وجهي للذي
گفت ای گروه من بدرستیکه من بیزارم از آنچه انباز میگیرید بدرستیکه من روی نهادم روی خودرا مر خدای را
فطر السماوات والأرض حنيفا وما أنا من المشركين ۝ وحاجه قومه
که بیافرید آسمانها و زمین در حالتیکه گردن نهنده ام و نیم من از انباز گیرندگان و حجت آوردند او را قوم او
قال أتحاجوني في الله وقد هدان ولا أخاف ما تشركون به إلا
گفت آیا حجت آرید بمن اندر دین خدای بتحقیق که راه نمود مرا و نمی ترسم آنچه انباز می آرید شما بدان مگر
أن يشاء ربي شيئا وسع ربي كل شيء علما أفلا تتذكرون ۝
اینکه خواهد خداوند من چیزی و دریافت پروردگار من هر چیزی را بعلم آیا پس پند نگیرید

وكيف اخاف ما اشركتم ولا تخافون انكم اشركتم بالله ما لم
وچگونه بترسم انچه انبازآرید ونمیترسید که شما شرک آورید بخدا انچه

ينزل به عليكم سلطانا فاي الفريقين احق بالامن ان كنتم
فرستاد بدان بر شما حجتی پس کدام آن دو گروه سزاوارترند بایمنی اگر هستید

تعلمون ۝ الذين امنوا ولم يلبسوا ايمانهم بظلم اولئك لهم الا[من]
میدانید انکسانکه بگرویدند ونپوشیدند ایمان خودرا بستم ایشانند مرایشانراست ا[یمنی]

وهم مهتدون ۝ وتلك حجتنا اتيناها ابرهيم على قومه نرفع
وایشان راه یافتگان واینست حجتهای ما که بدادیم آنرا ابراهیم برگروه او بر[داریم]

درجات من نشاء ان ربك حكيم عليم ۝ ووهبنا له اسحق
پایگها هرکه راخواهیم بدرستیکه خداوند تو محکم کارست دانا وببخشیدیم مراورا اسحق

ويعقوب كلا هدينا ونوحا هدينا من قبل ومن ذريته
ویعقوب همه را راه نمودیم ونوح را راه نمودیم از پیش واز فرزندان

داود وسليمان وايوب ويوسف وموسى وهرون وكذلك
داود وسلیمان وایوب ویوسف وموسی وهرون را

نجزي المحسنين ۝ وزكريا ويحيى وعيسى والياس كل من
جزا دهیم نیکوکاران وذکریا ویحیی وعیسی والیاس همه از

الصالحين ۝ واسمعيل واليسع ويونس ولوطا وكلا فضلنا
نیکمردان ونیکوکارانند واسمعیل ویسع ویونس ولوط وهمه را افزونی دادیم

على العالمين ۝ ومن اباءهم وذرياتهم واخوانهم واجتبيناهم
برجهانیان واز پدران ایشان واز فرزندان ایشان وبرادران ایشان وبرگزیدیم

وهديناهم الى صراط مستقيم ۝ ذلك هدى الله يهدي به
وراه نمودیم ایشانرا سوی راه راست اینست راه نمودن خدا راه نماید

عشر

ع

خمس

یازده نوبت بگوید
ربنا اتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار
اسئلك بعزة هولاء الانبياء
وبعزة محمد صلى الله عليه وآله تقضى
حاجتي يا قاضي الحاجات ٥

من يشاء

مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ط وَلَوْ اَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝

هرکه را خواهد از بندگان خود و اگر انباز آرند ایشان هر آینه باطل شود از ایشان آنچه بودند که میکردند

اُولٰئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَاِنْ يَكْفُرْ

این انند آنانکه بدادیم ما ایشان را کتاب و حکم و پیغمبری پس اگر کافر شوند

بِهَا هٰؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ ۝

بان ایشان پس تحقیق بگماریم بدان گروهی که نیستند بدان کافران

اُولٰئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللّٰهُ فَبِهُدٰيهُمُ اقْتَدِهْ ط قُلْ لَا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا

این انند آنانکه راه نمود خدای پس براه نمودن ایشان متابعت کن بگو ای محمد نمیخواهم از شما بر او مزدی

اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٰى لِلْعَالَمِينَ ۝ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ

نیست آن مگر پندی مر جهانیان را و نشناختند خدای عز و جل سزاوار شناختن او

اِذْ قَالُوا مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ عَلٰى بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ ط قُلْ مَنْ اَنْزَلَ الْكِتَابَ

چون گفتند نفرستاد خدا بر آدمی از چیزی بگو ای محمد آنکه فرستاد کتاب

الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسٰى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ

آنکه بیاورد بدان موسی روشنائی را و راه راست مر مردمان را میکنید آنرا در صحیفها

تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا اَنْتُمْ وَلَا

پیدا میکنید آنرا و پنهان میکنید بسیاری و آموخته شدید آنچه نمیدانستید شما و نه

آبَاؤُكُمْ قُلِ اللّٰهُ ط ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ ۝ وَهٰذَا كِتَابٌ

پدران شما گفت خدا پس بگذار ایشان را در خوض کردن ایشان که بازی میکرده باشند و اینست کتاب

اَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنْذِرَ اُمَّ الْقُرٰى

که فرو فرستادیم آنرا با برکت راست گوی دارنده آنکسی که پیش اوست و تا بیم کنیم اهل مکه

وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلٰى

و هرکه گرد بر گرد اوست و آنکه بگرویدند بدان جهان بگروند بدان و ایشان بر

عشر ع

چهل و یکنوبت

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَصَلِّ عَلٰى جَمِيعِ اَنْبِيَائِكَ

الْمُرْسَلِينَ

صلاتهم يحافظون ۝ ومن اظلم ممن افترى على الله كذبا او

نمازهای خود نگاهبانانند وکیست ستمکارتر از انکس که بافت بر خدای دروغ یا

قال اوحي الي ولم يوح اليه شيء ومن قال سانزل مثل ما

گفت وحی کرده شد بسوی من ونفرستادند بسوی او چیزی وهر که گفت زود فرستم مانند انچه

انزل الله ولو ترى اذ الظالمون في غمرات الموت والملائكة

فرستاد خدای واگر ببینی چون ستمکاران را در سختیهای مرگ وفرشتگان

باسطوا ايديهم اخرجوا انفسكم اليوم تجزون عذاب الهون

گسترانند دستهای خویش را که بیرون ارید جانهای خود را امروز پاداش کنندگان عقوبت خوار کننده

بما كنتم تقولون على الله غير الحق وكنتم عن اياته

بدانچه بودید شما میگفتید بر خدای جز راستی وبودید از ایات او بزرگمنشی میکر…

ولقد جئتمونا فرادى كما خلقناكم اول مرة وتركتم

وتحقیق بیایید بر ما تنها چنانکه بیافریدیم ما شمارا نخست بار وبگذاشتید

ما خولناكم وراء ظهوركم وما نرى معكم شفعاءكم الذين

انچه دادیم ما شمارا پس پشت شما ونمی بینیم با شما خواهش گران شما انا…

زعمتم انهم فيكم شركاء لقد تقطع بينكم وضل عنكم

گمان می بردید که ایشان در شما انبازانند هرائنه تحقیق بریده شد میان شما وگمراه شد از شما

ما كنتم تزعمون ۝ ان الله فالق الحب والنوى يخرج الحي من

انچه بودید شما که گمان میبردید بدرستی که خدا افریننده دانه است و هسته خرما بیرون ارد زنده را از

الميت ومخرج الميت من الحي ذلكم الله فانى تؤفكون ۝ خمس

مرده وبیرون آورد مرده از زنده اینست شمارا خدا پس کجا رانده شدید شما

فالق الاصباح وجعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا

شکافنده سپیده دم وگرداننده شب را ارامگاه وافتاب وماه که میروند…

ذلك

ذٰلك تقدير العزيز العليم ۝ وهو الذي جعل لكم النجوم لتهتدوا
اینت اندازه کردن خدای ارجمند دانا واوست آنخدای که گردانید مر شمارا ستارگان تا راه بیابید
بها في ظلمات البر والبحر ط قد فصلنا الآيات لقوم يعلمون ۝ وهو
بدان در تاریکیهای خشکی و دریا بتحقیق جدا کردیم آیاتها مر گروهی را که بدانند واوست
الذي انشأكم من نفس واحدة فمستقر ومستودع ع قد فصلنا
آنخدای که بیافرید شمارا از تن تنها یعنی آدم علیه السلام پس جای قرار گرد و جای امانت بتحقیق جدا کردیم
الآيات لقوم يفقهون ۝ وهو الذي انزل من السماء ماء فاخرجنا
حجتها مر گروهی را که دریابند واوست آنخدای که فرستاد از آسمان آب پس بیرون آوردیم
به نبات كل شيء فاخرجنا منه خضرا نخرج منه حبا متراكبا ج
بآن آب روئیدن همه چیزی پس بیرون آوردیم ازآن آب نبات سبز که بیرون آریم ازو دانه برهم نشسته
ومن النخل من طلعها قنوان دانية وجنات من اعناب و
و از درخت خرما از کاردوان خوشهای نزدیک و بوستانها از انگورها و
الزيتون والرمان مشتبها وغير متشابه ط انظروا الى ثمره اذا اثمر
زیتون و انار و مانند یکدیگر و جز مانند یکدیگر بهبینید سوی میوه او چون میوه آرد
وينعه ط ان في ذلكم لآيات لقوم يؤمنون ۝ وجعلوا لله
و بازاو پخته شود بدرستیکه درین شما هر آینه حجتها مر گروهی که بگروند و بکردانیدند مر خدای عز و جل
شركاء الجن وخلقهم وخرقوا له بنين وبنات بغير علم ط سبحانه
انبازان پریان را و بیافرید ایشان را و بسیار دروغ گفتند او پسران و دختران بجز دانشی پاک است او
وتعالى عما يصفون ۝ ع بديع السماوات والارض ط انى يكون
و برتر از آنچه صفت میکنند نوکننده آسمانها و زمین چگونه باشد
له ولد ولم تكن له صاحبة ط وخلق كل شيء ج وهو بكل شيء
مر او را فرزندی و نه نباشد مر او را زنی و بیافرید همه چیزرا واوست بهمه چیزی

عشر ع

عَلِيمٌ ۝ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ
دانا ایت شمارا خدا که خداوند شماست نیست خدای مگر او آفریننده هر چیزی پس پرستید اورا و اوست

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝ لَا تُدْرِكُهُ الْاَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْاَبْصَارَ
بر همه چیزی کارران وگواه در نیابد اورا بیناییها واو دریابد بیناییها

وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ۝ قَدْ جَاۤءَكُمْ بَصَاۤئِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ اَبْصَرَ
واوست دوربین آگاه بتحقیق باید شمارا بیناییها از خداوند شما پس هر که بینا شد

فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا اَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ۝ وَكَذٰلِكَ
پس مر تن اوراست وهر که نابینا شد پس بر تن اوست ونیستم من بر شما نگاهبان وهمچنین

نُصَرِّفُ الْاٰيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝
میگردانیم آیات را وتا بگویند تو بیاموختی وتا بیان کنیم مر گروهی را که بدانند

اِتَّبِعْ مَاۤ اُوحِيَ اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَاَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ۝
پیروی کن آنچه فرستاده شد سوی تو از خداوند تو نیست خدای مگر او وروی بگردان از انباز گیرندگان

وَلَوْ شَاۤءَ اللّٰهُ مَاۤ اَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَاۤ اَنْتَ عَلَيْهِمْ
واگر خواهد خدای نگیرند انباز ایشان ونکردانیدیم ما ترا بر ایشان نگاهبان ونیستی تو بر ایشان

بِوَكِيلٍ ۝ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ فَيَسُبُّوا اللّٰهَ
از کارران وگواه ومزنید دشنام آنان را که میخوانند کسی جز خدای پس دشنام زنند

عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ اُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ اِلٰى رَبِّهِمْ
بدشمنی بجز دانش همچنین بیاراستیم مر هر گروهی کارایشان را پس سوی خداوند ایشان

مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَاَقْسَمُوا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْمَانِهِمْ
بازگشت ایشان پس آگاه کند ایشان را بآنچه بودند که میکردند وسوگند خوردند بخدای کوشش سوگند خویش

لَئِنْ جَاۤءَتْهُمْ اٰيَةٌ لَيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ اِنَّمَا الْاٰيَاتُ عِنْدَ اللّٰهِ وَمَا
اگر بیاید ایشان را نشانه هر آینه بگروند بدان بگوی محمد نیست مگر حجتها نزدیک خدای وچکند

خمس

الجزو الثامن

يشعركم انها اذا جاءت لا يؤمنون ۝ ونقلب افئدتهم وابصارهم

آگاه شمارا بدرستیکه آن چون بیاید نگروند وبگردانیم دلهای ایشان را وبیناییهای ایشان

كما لم يؤمنوا به اول مرة ونذرهم في طغيانهم يعمهون ۝ ولو اننا

چنانکه نگرویدند بدان نخست بار وبگذاریم ایشان را در گمراهی ایشان سرزده میروند اگر بدرستی ما

نزلنا اليهم الملائكة وكلمهم الموتى وحشرنا عليهم كل شيء

فرستادیم سوی ایشان فرشتگان وسخن گفتندی با ایشان مردگان وگرد کردیم بر ایشان هر چیزی

قبلا ما كانوا ليؤمنوا الا ان يشاء الله ولكن اكثرهم يجهلون ۝

گروه گروه نباشند که ایمان آورند مگر اینکه خواهد خدای ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند

وكذلك جعلنا لكل نبي عدوا شياطين الانس والجن يوحي

وهمچنین کردانیدیم ما مر هر پیغمبری را دشمنی از دیوان مردمان وپریان اند

بعضهم الى بعض زخرف القول غرورا ولو شاء ربك ما فعلوه

بعضی ایشان سوی ایشان آراستن سخن فریفتن واگر خواهد خداوند تو نکردندی آنرا

فذرهم وما يفترون ۝ ولتصغى اليه افئدة الذين لا يؤمنون

پس بگذار ایشان را وانچه افترا میکنند وتا میل کند سوی او دلهای آنانکه نگروند

بالاخرة وليرضوه وليقترفوا ما هم مقترفون ۝ افغير الله ابتغي

بآن جهان وتا بپسندند آنرا وتا کار سازند آنچه ایشان کار کننده است آیا پس جز خدای بجویم من

حكما وهو الذي انزل اليكم الكتاب مفصلا والذين آتيناهم

داوری واوست آنکه فرستاد سوی شما کتاب وپیدا کرده وآنانکه بدادیم ایشان را

الكتاب يعلمون انه منزل من ربك بالحق فلا تكونن

کتاب میدانند که این قرآن فرستاده شده است از پروردگار تو براستی پس مباش

من الممترين ۝ وتمت كلمت ربك صدقا وعدلا لا مبدل لكلماته

هرآینه از شک کنندگان وتمام شد سخن پروردگار تو درست وراست نیست بدل کننده مر سخنان اورا

وهو السميع العليم ۝ وان تطع اكثر من في الارض يضلوك
واوست شنوا ودانا واگر فرمان بری بیشتری را از آنکسان که در زمین اند گمراه کنند ترا

خمس

عن سبيل الله ان يتبعون الا الظن وان هم الا يخرصون ۝ ان ربك
از راه خدا اینکه پیروی نمیکنند مگر گمان را ونیستند ایشان مگر دروغگویان بدرستیکه خداوند

هو اعلم من يضل عن سبيله وهو اعلم بالمهتدين ۝ فكلوا
اوست داناتر هرکه گمراه شد از راه او یعنی از دین حق واو داناتر براه یافتگان پس بخورید

مما ذكر اسم الله عليه ان كنتم بايٰته مؤمنين ۝ وما لكم الا تاكلوا
آنچه یاد کرده شد نام خدای براو اگر هستید شما بآیات او گروندگان وچیست مرشمارا اینکه نخورید

مما ذكر اسم الله عليه وقد فصل لكم ما حرم عليكم الا ما
از آنچه یاد کرده شد نام خدا براو وبتحقیق بیان کرد مرشمارا آنچه حرام کرده شد بر شما مگر آنچه

اضطررتم اليه وان كثيرا ليضلون باهوائهم بغير علم ان
بیچاره کرده شوید سوی او وبدرستیکه بسیاری هرآینه گمراه شدند بخواهشهای ایشان بی دانشی بدرستی

ربك هو اعلم بالمعتدين ۝ وذروا ظاهر الاثم وباطنه ان الذين
خداوند تو اوست داناتر بازگذرندگان بگذارید آشکارا گناه یعنی زنای آشکارا و پنهانی او یعنی

عشر

يكسبون الاثم سيجزون بما كانوا يقترفون ۝ ولا تاكلوا
بکنند گناه یعنی زنا زود باشد که پاداش داده شوند بدانچه بودند که میکردند ومیخوردید و مخورید

مما لم يذكر اسم الله عليه وانه لفسق وان الشياطين ليوحون
از آنچه یاد کرده نمیشود نام خدا براو وبدرستی آن هرآینه معصیت وبدرستیکه دیوان هرآینه دو کنند

الى اوليائهم ليجادلوكم وان اطعتموهم انكم لمشركون ۝
سوی دوستان خویش تا خصومت کنند با شما واگر فرمان برید ایشان را بدرستی ایشان هرآینه باشند انباز گیرندگان

اومن كان ميتا فاحييناه وجعلنا له نورا يمشي به في الناس
آیا آنکه بود مرده پس زنده کردیم اورا وگردانیدیم مر اورا معرفت روشن میرود بان روشنائی در میان مردمان

كمن مثله

كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ

همچون کسی باشد مانند در تاریکیها نیست بیرون آینده از ان تاریکیها همچنین اراسته

مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا

انچه بودند که میکردند وهمچنین بکردیم ما در هر دهی مهتران مشرکان وکردن

لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ۝ وَإِذَا

تا سکالش کنند دران دهها وسکالش نکنند مگر بتنهای خویش و نمی فهمند وچون

جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَى مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ

بیامدشان نشان وحجت گفتند هرگز ایمان نمی اریم تا داده شویم مانند انچه داده شدند پیغمبران خدا

اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ

خدا داناترست انجا که بفرستد پیغام خویش زود باشد که برسد انان راکه شرک اوردند خاری

عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ۝ فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ

نزد خدا وعقوبتی سخت بدانچه بودند سکالش میکردند پس هرکه را خواهد خدای

أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ

که راه راست نماید گشاده گرداند سینه اورا بپذیرفتن مسلمانی وهرکه را خواهد که گمراه کند اورا بگرداند

صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ

سینه اورا تنگ چون آهن چنانکه برمیشود در آسمان همچنین بکند خدای

الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ

پلیدی برانکسانکه نگروند واینست راه خداوند تو راست بتحقیق

فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ۝ لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ

پیدا کردیم حجتها مرگروهی را که پند گیرند مرانرا نزهت سرای سلامتی یعنی بهشت نزد

رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا

خداوند خویش واوست دوست ایشان بانچه بودند میکردند وآنروز گرد کنیم ایشانرا همه

سیبت مجاب

اللهم من ذا الذي استجارك
فلم تجره ومن ذا الذي استعانك
فلم تعنه ومن ذا الذي توكل عليك
فلم تكفه ومن ذا الذي استغاثك
فلم تغثه واغوثاه واغوثاه
استغيث اللهم اغثنا يا مغيث واقض
ما انت اهله ومستحقه فانك اهل التقوى
واهل المغفرة واستجب دعائنا واشفنا
عاجلا اسئلك بحق القرآن العظيم
حاجاتی یا قاضی الحاجات خمس

يا معشر الجن قد استكثرتم من الانس وقال اولياؤهم من الانس
وگوییم ای گروه پریان بتحقیق بسیار بیدید شما از آدمیان و گویند دوستان این از آدمیان
ربنا استمتع بعضنا ببعض وبلغنا اجلنا الذی اجلت لنا قال
ای خداوند ما برخورداری کرد بعضی از ما ببعضی وبرسیدیم مهلت را آنکه مهلت دادی ما را گفت خدا
النار مثویکم خالدین فیها الا ما شاء الله ان ربک حکیم علیم ○
که آتش است جای بودن شما جاودان در آن جا مگر آنچه خواهد خدا بدرستیکه خداوند محکم کار است دانا
وکذلک نولی بعض الظالمین بعضا بما کانوا یکسبون ○ یا معشر الجن ع
و همچنین برگماریم بعضی ستمکاران را ببعضی بد آنچه بودند میکردند ای گروه پریان
والانس الم یأتکم رسل منکم یقصون علیکم آیاتی وینذرونکم
و آدمیان آیا نیامد بر شما پیغمبران از شما میخواندند بر شما آیات مرا و بیم کردند شما را
لقاء یومکم هذا قالوا شهدنا علی انفسنا وغرتهم الحیوة الدنیا
از دیدن روز شما این گویند گواهی دادیم بر تنهای خویش و بفریفت ایشان را زندگانی این
وشهدوا علی انفسهم انهم کانوا کافرین ○ ذلک ان لم یکن ربک مهلک عشر
و گواهی دهند بر تنهای خویش بدرستیکه ایشان بودند ناگروندگان یعنی فرستادن پیغمبران برای آن بود که نبود خداوند تو هلاک کننده
القری بظلم واهلها غافلون ○ ولکل درجات مما عملوا وما
دهها بستم و اهل آن غافل باشند و مر هر کسی را درجات از آنچه بکردند و نیست
ربک بغافل عما یعملون ○ وربک الغنی ذو الرحمة ان یشأ یذهبکم
خداوند تو غافل از آنچه میکنند و خداوند تو توانگر است و خداوند بخشایش اگر خواهد ببرد شما را
ویستخلف من بعدکم ما یشاء کما انشأکم من ذریة قوم آخرین
و خلیفه کند از پس شما آنکه خواهد چنانچه بیافرید شما را از فرزندان گروه دیگران
انما توعدون لآت وما انتم بمعجزین ○ قل یا قوم اعملوا علی مکانتکم
بدرستیکه آنچه وعده کرده شما را هر آینه آینده است و نیستید شما عجز کنندگان بگو ای محمد ای گروه من بکنید کار بر دین خویش

وانا الفقیر ذو الحاجة

خمس

إني عامل فسوف تعلمون من تكون له عاقبة الدار إنه لا يفلح
بدرستیکه من کارکننده ام پس زود باشد که بدانید هرکه را باشد مر اورا سرانجام سرای آخرت بدرستیکه رستگار نشوند
الظالمون وجعلوا لله مما ذرأ من الحرث والأنعام نصيبا
ستمکاران را و کردانیدند مر خدایرا از آنچه بیافرید از کشت و چهارپایان بخشی
فقالوا هذا لله بزعمهم وهذا لشركائنا فما كان لشركائهم
پس گفتند این مر خدایراست بگمان ایشان و این انبازان یعنی بتان ما پس آنچه باشد مر شریکان ایشان را
فلا يصل إلى الله وما كان لله فهو يصل إلى شركائهم ساء ما
پس باز نگردد سوی خدا و آنچه باشد مر خدایراست پس او میرسد سوی شریکان ایشان بدست آنچه
يحكمون وكذلك زين لكثير من المشركين قتل أولادهم
حکم میکنند و همچنین آراسته میکردند مر بسیاری را از انباز گیرندگان کشتن فرزندان ایشان را
شركاؤهم ليردوهم وليلبسوا عليهم دينهم ولو شاء الله ما فعلوه
انبازان ایشان تا هلاک کنند ایشان را و تا آمیخته کردند بر ایشان کیش ایشان و اگر خواهد خدای نکردندی آنرا
فذرهم وما يفترون وقالوا هذه أنعام وحرث حجر لا يطعمها
پس بگذار ایشان و آنچه دروغ میسازند و گفتند اینست چهارپایان و کشت حرامست خوردن آن را
إلا من نشاء بزعمهم وأنعام حرمت ظهورها وأنعام لا يذكرون
مگر آنکه ما خواهیم بگمان ایشان و چهارپایان حرام کرده شد پشتهای ایشان و چهارپایان که نکنند یاد
اسم الله عليها افتراء عليه سيجزيهم بما كانوا يفترون وقالوا
نام خدا را بر آن دروغ ساختن بر او زود باشد که پاداش دهد ایشان را بآنچه بودند دروغ میسازند و گفتند
ما في بطون هذه الأنعام خالصة لذكورنا ومحرم على أزواجنا
آنچه در شکمهای این چهارپایان است حلالست مر مردان ما را و حرامست بر زنان ما
وإن يكن ميتة فهم فيه شركاء سيجزيهم وصفهم إنه حكيم
و اگر باشد مرده پس در آن انبازانند زود باشد که پاداش دهد ایشان را بدین صفت کردن ایشان بدرستیکه او حکیم

عليم ○ قد خسر الذين قتلوا اولادهم سفها بغير علم وحرموا ما

داناست بتحقیق زیان کار شدند آنانکه بکشتند فرزندان خود را از نادانی بغیر دانشی وحرام کردند آنچه

رزقهم الله افتراء على الله قد ضلوا وما كانوا مهتدين ○ وهو

روزی داد ایشان را خدا دروغ گفتن بر خدا بتحقیق گمراه شدند و نبودند راه یافتگان واوست

حزب ربع

الذى انشا جنات معروشات وغير معروشات والنخل والزرع

آنخدای که بیافرید بوستانهای بر انگور بر چوب بسته و بر چوب نابسته افتاده و درختان خرما و کشت

مختلفا اكله والزيتون والرمان متشابها وغير متشابه كلوا

خلاف یکدیگر میوه آن وزیتون وانار مانند یکدیگر و جز مانند یکدیگر بخورید

من ثمره اذا اثمر واتوا حقه يوم حصاده ولا تسرفوا انه لا يحب

از باران چون بار آرد وبدهید حق اورا روز درویدن آن واسراف مکنید بدرستی که او دوست ندارد

المسرفين ○ ومن الانعام حمولة وفرشا كلوا مما رزقكم الله

اسراف کنندگان را واز چهارپایان ستوران بارکش وگوسفندان بخورید از آنچه روزی کرد شما را خدا

ولا تتبعوا خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين ○ ثمانية ازواج

وپیروی مکنید گامهای دیوان را بدرستی او مر شما را دشمنی است پیدا هشت گونه جفت

من الضان اثنين ومن المعز اثنين قل ءالذكرين حرم ام الانثيين

از میش نر وماده واز بز نر وماده بگوای محمد آیا دو میش نر را حرام کرد یا دو ماده را

اثنين
وماده

اما اشتملت عليه ارحام الانثيين نبئوني بعلم ان كنتم

یا آنچه فراهم آمده براو رحمهای دو ماده آگاه کنید مرا بدانشی اگر هستید

صادقين ○ ومن الابل اثنين ومن البقر اثنين قل ءالذكرين

راست گویان واز شتران نر وماده واز گاوان نر وماده بگوای محمد آیا دو نر را حرام کرده

حرم ام الانثيين اما اشتملت عليه ارحام الانثيين ام كنتم شهداء

حرام کرده است دو ماده یا آنچه فراهم آمد رحمهای دو ماده یا بودید شما حاضران

عليه
براو

اذ وصيكم

إذ وصّيكم الله بهذا فمن أظلم ممّن افترى على الله كذبا
چون وصیت کرد شمارا خدا باین پس کیست ستمکارتر از انکسی که دروغ بربافت برخدای دروغی
ليضلّ الناس بغير علم إنّ الله لا يهدي القوم الظالمين
تا گمراه کند مردمان را بی هیچ دانشی بدرستیکه خدا ننماید راه گروه ستمکاران را
قل لا أجد فيما أوحي إليّ محرّما على طاعم يطعمه إلّا أن يكون
بگوای محمد صلعم نیابم در انچه وحی کرده شد سوی من حرام کرده شده برخورنده که بخورد آن را مگر انکه باشد
ميتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزير فإنّه رجس أو فسقا أهلّ
مرده یا خون رونده یا گوشت خوک بدرستیکه او پلید و حرام است یا فرمانی نام برده
لغير الله به فمن اضطرّ غير باغ ولا عاد فإنّ ربّك غفور رحيم
بجز خدای را بان پس هرکه بیچاره کرده شد بجز ستمکار و نه از حد گذرنده پس بدرستیکه خداوند تو آمرزنده و بخشاینده
وعلى الذين هادوا حرّمنا كلّ ذي ظفر ومن البقر والغنم
و بر انکسانیکه جهود شدند حرام کردیم ما هر خداوند ناخن مرغ شکاری و از گاوان و گوسفندان
حرّمنا عليهم شحومهما إلّا ما حملت ظهورهما أو الحوايا أو ما
حرام کردیم ما برایشان پیه های هر دو را مگر انچه برداشت پشتهای ایشان یا رودها یا آنچه
اختلط بعظم ذلك جزيناهم ببغيهم وإنّا لصادقون فإن
آمیخته بود باستخوان اینست پاداش ایشان بستم کردن ایشان و ما هر اینه راست گویانیم پس اگر
كذّبوك فقل ربّكم ذو رحمة واسعة ولا يردّ بأسه عن
دروغ زن ترا پس بگوای محمد صلعم خداوند شما خداوند بخشایش فراخست و باز داشته نشود عذاب او از گروه
المجرمين سيقول الذين أشركوا لو شاء الله ما أشركنا ولا
گناه کاران زود باشد که بگویند انکسانکه انباز آوردند اگر خواهد خدای نمی آوردیم شرک ما و نه
آباؤنا ولا حرّمنا من شيء كذلك كذّب الذين من قبلهم
پدران ما و نه میکردیم حرام از چیزی همچنین دروغ زن داشتند انانکه از پیش ایشان بودند

خمس

حتى ذاقوا بأسنا قل هل عندكم من علم فتخرجوه لنا إن تتبعون

تا چشیدند عذاب ما بگوای محمد آیا هست نزدیک شما از دانشی پس بیرون آرید شما آن برای ما نیست پیروی

إلا الظن وإن أنتم إلا تخرصون ○ قل فلله الحجة البالغة فلو شاء

مگر گمان را و نیستید شما مگر آنکه دروغ میگوید بگوای محمد پس مر خدای راست حجت استوار پس اگر خواستی

لهديكم أجمعين ○ قل هلم شهداءكم الذين يشهدون أن الله

هر آینه راه نمودی شما را همه بگوای محمد بیارید گواهان خودرا آنانکه گواهی دهند که مر

حرم هذا فإن شهدوا فلا تشهد معهم ولا تتبع أهواء الذين كذبوا

حرام کرد این پس اگر گواهی دهند پس گواهی مده با ایشان و پیروی مکن خواستهای آنانکه دروغ

بآياتنا والذين لا يؤمنون بالآخرة وهم بربهم يعدلون ○ قل

آیات ما را و آنانکه ایمان نیاوردند بروز بازپسین و ایشان بخدای خود برابری میکنند بگوای

تعالوا أتل ما حرم ربكم عليكم ألا تشركوا به شيئا وبالوالدين

بیائید تا بخوانم آنچه حرام کرد خداوند شما بر شما آنکه انباز مگیرید بدان چیزی و بجای

إحسانا ولا تقتلوا أولادكم من إملاق نحن نرزقكم وإياهم

نیکوئی کنید و مکشید فرزندان خودرا از بیم درویشی ما روزی میدهیم شما را و

ولا تقربوا الفواحش ما ظهر منها وما بطن ولا تقتلوا النفس

و نزدیک مشوید بزنا آنچه آشکارا باشد از آن و آنچه پنهان باشد و مکشید تن

التي حرم الله إلا بالحق ذلكم وصيكم به لعلكم تعقلون

آنکه حرام کرد خدای مگر بحق اینست آن که وصیت کرد شما را بآن مگر باشد که شما بخرد

ولا تقربوا مال اليتيم إلا بالتي هي أحسن حتى يبلغ أشده

و نزدیک مشوید مال بی پدر را مگر بچیزی که آن نیکوترست تا برسد بقوت مردان

وأوفوا الكيل والميزان بالقسط لا نكلف نفسا إلا وسعها

و تمام بپیمائید پیمانه را و ترازو را براستی تکلیف نکنیم تنی را مگر بتوانستن

عشر
ع

واذا

خمس

وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ
وچون بگوئید پس عدل کنید واگرچه باشد خداوند خویشی وبعهد خدای وفا کنید یعنی تمام کنید اینت
وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۝ وَأَنَّ هَٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا
فرمود شمارا بدان تا مگر شما پند گیرید وبدرستی که اینت راه من راست
فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ
پس پیروی کنید آنرا وپیروی مکنید راههائی که پراکنده کند شمارا از راه او یعنی راه خدا اینت تان
وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا
که بفرمود شمارا بدان تا مگر شما پرهیزید پس بدادیم ما موسی را توریة تمام بامر وی
عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ
بر آنکه نیکو پیغمبری کرد وبیان مر هر چیزی را وراه نماینده وسبب بخشایش تا باشند که ایشان
بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ۝ وَهَٰذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَ
بدیدار خداوند بگروند واین قران کتابیست که فرستادیم آنرا با برکت پس پیروی کنید آنرا و
اتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أُنْزِلَ الْكِتَابُ عَلَىٰ
بپرهیزید تا مگر شما رحمت کرده شوید آنکه بگوئید بدرستیکه فرستاده شد کتاب بر
طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ ۝ أَوْ تَقُولُوا
دو گروه از پیش ما واگر بودیم ما از خواندن ایشان هر آئینه بیخبران یا بگوئید
لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ
که اگر فرستاده شدی بر ما کتاب هر آئینه بودیم ما راه یافته تر از ایشان پس بتحقیق آمد شمارا حجتی
مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ
از خداوند شما وراه راست ورحمتی پس کیست ستمکارتر از کسی که دروغ زن داشت نشانهای خدارا
وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ
وروی گردانید از آن زود باشد که جزا دهیم آنانرا که روی گردانیدند از آیات ما بدی عذاب

بما كانوا يصدفون ۝ هل ينظرون الا ان تاتيهم الملائكة

بدانچه بودند روی گردانندگان نه بينند مگر آنکه بيايدشان فرشتگان

او ياتي ربك او ياتي بعض ايات ربك يوم ياتي بعض ايات ربك

يا بيايد عذاب خداوند تو يا بيايد بعضی علامات و حجتهای خداوند تو روز که بيايد بهره از حجتهای خداوند تو

لا ينفع نفسا ايمانها لم تكن امنت من قبل او كسبت في

ندارد سود تنی را گرويدن آن که نباشد گرويده از پيش يا کرده باشد در ايمان

خيرا قل انتظروا انا منتظرون ۝ ان الذين فرقوا دينهم وكانوا

اخلاص بگوای محمد ص چشم داريد که ما چشم دارندگانيم بدرستی آنانکه بکذاشتند دين خود را و بودند

شيعا لست منهم في شيء انما امرهم الى الله ثم ينبئهم بما كانوا

گروه گروه نيستی تو از ايشان در چيزی نيست مگر آنکه کار ايشان سوی خدايست پس بياگاهاندشان

يفعلون ۝ من جاء بالحسنة فله عشر امثالها ومن جاء بالسيئة

ميکردند هر که بيارد بنيکی با توحيد پس مر او راست ده چندان و هر که بيارد بدی

فلا يجزى الا مثلها وهم لا يظلمون ۝ قل انني هداني ربي الى

پس پاداش داده نشود مگر همچند آن و ايشان ستم کرده نشوند بگوای محمد بدرستيکه من آنم که راه نمود مرا خداوند من

صراط مستقيم دينا قيما ملة ابراهيم حنيفا وما كان من المشركين

راه راست واين درستی ملت ابراهيم که او مسلمان بود و نبود از انباز گيرندگان

قل ان صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين ۝ لا شريك

بگوای محمد ص نماز من و حج و قربان من و زنده گانی من و مردن من مر خدا راست خداوند جهانيان نيست

له وبذلك امرت وانا اول المسلمين ۝ قل اغير الله ابغي ربا وهو رب

مر او را و بدين فرموده اند مرا و من نخستين کسم از مخلصان در عبادت تو بگوای محمد ايا جز خدا بجويم خداوندی و اوست خداوند

كل شيء ولا تكسب كل نفس الا عليها ولا تزر وازرة وزر اخرى

هر چيزی و نه کار بد کند هر تنی مگر بر خود و نه بردارد بردارنده بار ديگری را

خمس

ثم الى ربكم

إلى ربكم مرجعكم فينبئكم بما كنتم فيه تختلفون ۝ وهو الذي

سوی خداوند شماست بازگشت شما پس بیاگاهاند شمارا بدانچه بودند در او خلاف میکردند واوست انکه

جعلكم خلائف الأرض ورفع بعضكم فوق بعض درجات

بکرد شمارا خلیفهای زمین وبرداشت بهره از شما زبر بهره پایگاهها

ليبلوكم في ما آتاكم إن ربك سريع العقاب ۝ وإنه لغفور

تا بیازماید شمارا در انچه داد شمارا بدرستیکه خداوند تو زود کننده عقوبت وبدرستیکه اوست آمرزنده

رحيم ۝ سورة الأعراف مكية مائتان وست آية

وبخشاینده

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده ومهربان

المص ۝ كتاب أنزل إليك فلا يكن في صدرك حرج منه

قسم بالله اوست ملك اوست این کتابیست فرستاده شده سوی تو پس نباشد در سینه تو تنگی ازان

لتنذر به وذكرى للمؤمنين ۝ اتبعوا ما أنزل إليكم من ربكم

تا بیم کنی بوی بدان وپند باشد مرگرویدگان را پیروی کنید انچه فرستاده شد سوی شما از خداوند شما

ولا تتبعوا من دونه أولياء قليلا ما تذكرون ۝ وكم من قرية

ومکنید پیروی از جز او دوستان یعنی بتان اندکی اند انچه پند گیرند وچند از دیهها که

أهلكناها فجاءها بأسنا بياتا أو هم قائلون ۝ فما كان دعواهم

هلاک کردیم ما آنرا پس بیامد آنرا عقوبت ما شبانگاه یا ایشان بودند نیم روز خفتگان پس نبود خواندن ایشان

إذ جاءهم بأسنا إلا أن قالوا إنا كنا ظالمين ۝ فلنسئلن الذين

چون بیامد ایشان را عقوبت ما مگر اینکه گفتند بدرستیکه بودیم ما ستمکاران پس هر اینه بپرسیم انکسان را که

أرسل إليهم ولنسئلن المرسلين ۝ فلنقصن عليهم بعلم وما

که فرستاده شد سوی ایشان وهر اینه بپرسیم پیغمبران را پس هر اینه قصه کنیم بر ایشان بدانشی ونبودیم ما

یازده مرتبه بگوید
وأفوض أمري إلى الله إن الله بصير بالعباد
بعد از آن ده بار بگوید ربنا آتنا من لدنك
رحمة وهيئ لنا من أمرنا رشدا بعد از آن
سه بار صلوات بفرستد وبعد از آن ابتدا کند
اللهم يا سريع الحساب يا غفور يا رحيم
حزب
يا شديد العقاب
يا خالق كل شيء يا فاطر السموات والأرض
يا فالق الحب والنوى يا فالق الإصباح
يا مسبب الأسباب يا مفتح الأبواب
يا قاضي الحاجات يا مجيب الدعوات يا رب
يا رافع الدرجات يا مقيل العثرات
يا محيي الأموات يا نور السموات والأرض
يا غافر الخطيئات يا ساتر العورات
اقض حاجاتي

خمس

غائبين ۝ والوزن يومئذ الحق فمن ثقلت موازينه فاولئك
غايبان ۝ سنجيدن آنروز رهست پس هركه گران شود ترازوی او پس ایشانند
هم المفلحون ۝ ومن خفت موازينه فاولئك الذين خسروا
ایشان رستگاران ۝ وهركه سبك شود ترازوی او پس ایشانند آنانكه زیان كردند
انفسهم بما كانوا باياتنا يظلمون ۝ ولقد مكناكم في الارض
تنهای خودرا بدانچه بودند بایات ما ستم میكردند ۝ وبتحقیق جای دادیم شمارا در زمین
وجعلنا لكم فيها معايش قليلا ما تشكرون ۝ ولقد خلقناكم
وگردانیدیم مر شمارا درآن معیشتها اندك آمد آنچه سپاس داری كنند ۝ وبتحقیق هرآینه آفریدیم
ثم صورناكم ثم قلنا للملائكة اسجدوا لادم فسجدوا
پس صورت كردیم شمارا پس گفتیم مر فرشتگان را سجده كنید آدم را پس سجده كردند
الا ابليس لم يكن من الساجدين ۝ قال ما منعك الا تسجد
مگر ابلیس نبود از سجده كنندگان ۝ گفت چه چیز باز داشت ترا كه سجده نكنی
اذ امرتك قال انا خير منه خلقتني من نار وخلقته من طين
چون فرمودم ترا گفت من بهترم از او آفریدی مرا از آتش وآفریدی او را از گل
قال فاهبط منها فما يكون لك ان تتكبر فيها فاخرج انك
گفت پس فرو شو ازان پس نباشد مر ترا اینكه كبر كنی درآن پس بیرون شو بدرستیكه تو
من الصاغرين ۝ قال انظرني الى يوم يبعثون ۝ قال انك من المنظرين
از خواران ۝ گفت مهلت ده مرا سوی روز برانگیختن ۝ گفت بدرستیكه تو از مهلت دادگان
قال فبما اغويتني لاقعدن لهم صراطك المستقيم ۝ ثم لاتينهم
گفت پس بدانچه گمراه كردی مرا هرآینه بنشینم مر ایشان را در راه تو كه راست است ۝ پس بیایم شان
من بين ايديهم ومن خلفهم وعن ايمانهم وعن شمائلهم ولا
از پیش ایشان وازپس ایشان واز دست راست ایشان واز دست چپ ایشان ونیابی

عشر

خمس

اكثرهم

أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ۝ قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ

بیشتر ایشان شکر کنندگان گفت بیرون ای ازان عیب کرده شده و دور کرده شده هرآینه هرکس پیروی کرد ترا

مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ۝ وَيَا آدَمُ اسْكُنْ

ازایشان هرآینه پر کنم دوزخ را از شما همه وای آدم آرام گیر

أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ

تو و جفت تو در بهشت پس بخورید از هرکجا بخواهید و نزدیک مشوید این

الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ

درخت را پس باشید از ستمکاران پس وسوسه کرد مرایشان را دیو

لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا

تا پیدا کند مرایشان را آنچه پوشیده از ایشان از عورت ایشان و گفت باز نداشت شما خداوند شما

عَنْ هَٰذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ

از این درخت مگر اینکه باشید هر دو فرشته یا باشید از

عشر

الْخَالِدِينَ ۝ وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ۝ فَدَلَّاهُمَا

جاودانان وسوگند خورد با هر دو که من هرآینه شما را نیک خواهانم پس فرود آورد ایشان را

بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ

بغرور پس چون بچشیدند از آن درخت حول پیدا شد مرایشان را عورت ایشان و در ایستادند تا برهم نهند

عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ

بر خویش از برگ درختان بهشت و ندا کرد شان خداوند شان آیا باز نداشتم شما را از

تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝

این درخت و گفتم شما را که بدرستی که دیو مر شما را دشمنیست پیدا

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ

گفتند هر دو ای خداوند ما ستم کردیم ما بر تنهای خود و اگر نیامرزی مارا و ببخشایی مارا هرآینه باشیم

مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝ قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ

از زیان کاران گفت فرو روید بعضی از شما مر بعضی را دشمن و مر شمار است

فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ۝ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ

در زمین ارامگاه و برخورداری تا روز قیامت گفت در آن بزیید

وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ۝ يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ

و در آن بمیرید و از آن بیرون آورده شوید ای فرزندان آدم بتحقیق بفرستادیم بر شما

لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ

پوشش تا بپوشد عورت شما را و آرایش و پوشش پرهیزکاری این

خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ۝ يَا بَنِي آدَمَ لَا

بهتر است این از آیات خدا تا مگر ایشان پند گیرند ای فرزندان آدم

يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا

نیفکند در فتنه شما را دیو چنانچه بیرون آورد مادر و پدر شما را از بهشت که بیرون کرد

لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ

پوشش شان تا دیده شود شان عورت هر دو بدرستیکه او می بیند شما را او و خویشاوندان او

لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

نمی بینید شما بدرستی که ما کردیم دیوان را دوستان مر آنکه ایمان نیاوردند

وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا

و چون بکردندی ناشایست گفتندی یافتیم ما بران پدران ما و خدای بفرمود ما را

بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

بدان بگوای محمد بدرستیکه خدا نمی فرماید بناشایست آیا میگویید شما بر خدا آنچه نمیدانید

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ

بگوای محمد بفرمود خدای من براستی و عدل و بپای دارید رویهای خود را نزدیک هر نماز گاهی

خمس ع

وادعوه

وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۚ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ فَرِيقًا

وبخوانید او را در حالتیکه باخلاص ستایم مر او را دین چنانکه بیافریدتان باز روید گروهی

هَدَى وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ

براه راست وگروهی که وجب شد بر ایشان گمراهی بدرستیکه ایشان گرفتند دیوان را

عشر

أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ۝ يَا بَنِي آدَمَ

دوستان از جز خدای ومی پندارند بدرستیکه ایشان راه یافتگانند ای فرزندان آدم

خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا

بگیرید جامه خود را نزدیک هر جای نمازی وبخورید وبیاشامید ومکنید اسراف

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ۝ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ

بدرستیکه او نمیدارد دوست اسراف کنندگان را بگوای محمد که حرام کرد آرایش خدای را آنکه بیرون آورد

لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ۚ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ

مر بندگان خود را وحلالها از روزی بگوای محمد مر آنانراست که بگروند در زندگی

الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ

این جهان یکتا یند روز قیامت را همچنان جدا وپیدا کنیم حجتها مر گروهی را

يَعْلَمُونَ ۝ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا

که بدانند بگوای محمد جز این نیست که حرام کرد خداوند من ناشایستها آنچه پیداست ازان وآنچه

بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ

نهانست وبزه کاری وبیدادی بنا حق وآنکه انباز گیرید بخدای آنچه

حزب

يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَلِكُلِّ

فرستاد بدان حجتی وآنکه بگویند برخدای آنچه ندانید وهر

أُمَّةٍ أَجَلٌ ۖ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً ۖ وَلَا

گروهی را مهلتیست پس چون بیاید اجل ایشان نه پس تر شوند ساعتی ونه

يستقدمون ۝ يا بني آدم اما يأتينكم رسل منكم يقصون

پیشتر اي فرزندان آدم هرآينه بيايند شمارا پيغمبران از شما قصه كنند

عليكم آياتي فمن اتقى واصلح فلا خوف عليهم ولا هم

بر شما آيات مرا پس هر كه پرهيزد و بصلاح باشد پس بيم نيست بر ايشان و نه ايشان

يحزنون ۝ والذين كذبوا بآياتنا واستكبروا عنها اولئك

اندوهگين شوند و آنكسانكه دروغ داشتند بآيات ما و بزرگ منشي كردند از ان ايشانند

اصحاب النار هم فيها خالدون ۝ فمن اظلم ممن افترى على

اهل دوزخ ايشانند دران جاويدان پس كيست ستمكارتر از ان كسي كه بافت بر

الله كذبا او كذب بآياته اولئك ينالهم نصيبهم من الكتاب

خدا دروغي يا دروغ داشت بآيات او ايشانند كه دريابد ايشان را از كتاب

حتى اذا جاءتهم رسلنا يتوفونهم قالوا اينما كنتم تدعون

تا چون بيايد ايشان را پيغمبران ما كه بميرانند شان گويند از كجا شما مي پرستيد

من دون الله قالوا ضلوا عنا وشهدوا على انفسهم انهم كانوا

از دون خداي گويند گمراه شد از ما و گواهي دادند بر تنهاي خويش بدرستيكه ايشان بودند

كافرين ۝ قال ادخلوا في امم قد خلت من قبلكم من الجن

ناگرويدگان گفت درآييد در مياني امتان بتحقيق بگذشتند از پيش شما از پريان

والانس في النار كلما دخلت امة لعنت اختها حتى اذا اداركوا

و آدميان در آتش دوزخ هرگاه دررود گروهي نفرين كند امتي ديگر تا چون دررسند

فيها جميعا قالت اخريهم لاوليهم ربنا هؤلاء اضلونا فآتهم

اندران جاي همه بگويند پسينيان مر پيشينيان را اي خداوند ما ايشانند كه گمراه كردند ما را پس بده ايشان را

عذابا ضعفا من النار قال لكل ضعف ولكن لا تعلمون ۝

عقوبت دوچندان از آتش دوزخ گفت مر هر يكي دوچندان وليكن نميدانيد

خمس

وقالت

وقالت اولیهم لاخریهم فما کان لکم علینا من فضل فذوقوا
وگویند پیشینیان مر پسینیان را پس نیست و نباشد مر شما را بر ما از افزونی پس بچشید

ع العذاب بما کنتم تکسبون ۞ ان الذین کذبوا بایاتنا و
عذاب بدانچه بودید شما میکردید بدرستیکه آنانکه دروغ زن داشتند بایات ما و

استکبروا عنها لا تفتح لهم ابواب السماء ولا یدخلون الجنة
گردن کشی کردند ازان نگشاده شود مر ایشانرا درهای آسمان و نه روند در بهشت

عشر حتی یلج الجمل فی سم الخیاط وکذلک نجزی المجرمین ۞ لهم
تا در رود شتر در سوراخ سوزن و همچنین پاداش کنیم ناگرویدگان را مر ایشان را

من جهنم مهاد ومن فوقهم غواش وکذلک نجزی
از آتش دوزخ بسترها و از زبر ایشان پوششها و همچنین پاداش دهیم

الظالمین ۞ والذین امنوا وعملوا الصالحات لا نکلف نفسا
ستمکاران را و آنانکه بگرویدند و کردند کردارهای نیک نکنیم تکلیف تنی را

الا وسعها اولئک اصحاب الجنة هم فیها خالدون ۞ ونزعنا
مگر بدانچه طاقت دارد آن ایشانند اهل بهشت ایشانند دران جاویدان و بکشیدیم ما

ما فی صدورهم من غل تجری من تحتهم الانهار وقالوا الحمد
آنچه بود در سینهای ایشان از کینه و غش میرود از زیر ایشان جویها و گویند سپاس

لله الذی هدینا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدینا الله
خدایرا آنکه راه نمود ما را بدین و نبودیم ما که راه یابیم اگر نه آنکه راه نمودی ما را خدای

لقد جاءت رسل ربنا بالحق ونودوا ان تلکم الجنة
بتحقیق بیامدند پیغمبران خداوند ما براستی و آواز داده شوند آنکه اینست شما را بهشت

حزب ثلث ارباع اورثتموها بما کنتم تعملون ۞ ونادی اصحاب الجنة اصحاب
که میراث دادیم شما را آن بدانچه کرده اید شما و آواز دهند اهل بهشت اهل

النار ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقا فهل وجدتم ما وعد
دوزخ را که بتحقیق یافتیم ما انچه وعده کرد ما را خدای ما براستی پس آیا یافتید شما انچه وعده کرد
ربکم حقا قالوا نعم فاذن مؤذن بینهم ان لعنة الله علی
خداوند شما براستی گویند آری یافتیم پس آواز دهد آواز دهنده میان ایشان که لعنت خدای بر
الظالمین ۝ الذین یصدون عن سبیل الله ویبغونها عوجا
ستمکاران انانکه روی میگردانند از راه خدا و میجویند ازا کجی
وهم بالاخرة کافرون ۝ وبینهما حجاب وعلی الاعراف
و ایشان بروز بازپسین ناگرویدگانند و میان ایشان پوشش باشد و بر بارها
رجال یعرفون کلا بسیماهم ونادوا اصحاب الجنة ان سلام
مردان باشند که بشناسند همه ایشان برنگ روی ایشان و آواز دهند اهل بهشت انکه سلام
علیکم لم یدخلوها وهم یطمعون ۝ واذا صرفت ابصارهم
بر شما درنروند در آن و ایشان امیدوار باشند چون گردانیده شود چشمهای ایشان
تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا لا تجعلنا مع القوم الظالمین
آواز اهل دوزخ گویند خداوندا مگردان ما را با گروه ستمکاران
ونادی اصحاب الاعراف رجالا یعرفونهم بسیماهم قالوا ما اغنی
و آواز دهند اهل بارها مردانرا که بشناسند ایشانرا بنشان روی ایشان گویند دفع نبود
عنکم جمعکم وما کنتم تستکبرون ۝ اهؤلاء الذین اقسمتم
از شما گرد کردن شما و نبود آنچه میکردید گردنکشی آیا ایشانند انکه سوگند خوردید
لا ینالهم الله برحمة ادخلوا الجنة لا خوف علیکم ولا
در نکند ایشان خدای برحمت در روید به بهشت نیست ترسی بر شما
انتم تحزنون ۝ ونادی اصحاب النار اصحاب الجنة ان افیضوا
شما اندوهگین شوید و آواز دهند اهل دوزخ اهل بهشت را که بریزید

خمس

علینا

عليناا من الماء او مما رزقكم الله قالوا ان الله حرمهما على

برما از آب یا از انچه روزی کرد شمارا خدا گویند بدرستیکه خدا حرام کرد هر دو چیز را بر

عشر الكافرين ۝ الذين اتخذوا دينهم لهوا ولعبا وغرتهم

ناگرویدگان آنانکه بگرفتند دین ایشان را بافسوس و بازی و بفریفت شان

الحيوة الدنيا فاليوم ننسيهم كما نسوا لقاء يومهم

زندگانی این جهان پس امروز یعنی قیامت فراموش کنیم ایشان را چنانچه فراموش کردند ایشان روز خویش

هذا وما كانوا بايتنا يجحدون ۝ ولقد جئناهم بكتاب

این و انچه بودند بآیات ما منکر میشدند و هر آینه بتحقیق بیاوردیم شان کتابی

فصلناه على علم هدى ورحمة لقوم يؤمنون ۝ هل ينظرون

جدا کردیم بر دانشی راه راست و بخشایش مر گروه گروندگان را هیچ منتظر میباشند

الا تاويله يوم ياتي تاويله يقول الذين نسوه من قبل قد

مگر عاقبت آن آن روز که بیاید قران بگویند آنانکه فراموش کردند از ازپیش بتحقیق

جاءت رسل ربنا بالحق فهل لنا من شفعاء فيشفعوا لنا

بیامدند پیغمبران خداوند ما براستی پس هستید ما را از شفاعت کنندگان پس شفاعت کنند مر ما را

او نرد فنعمل غير الذي كنا نعمل قد خسروا انفسهم وضل عنهم

یا باز گردانیده شویم پس بکنیم جز آنکه بودیم ما میکردیم بتحقیق زیان کردند تنهای خود را و گمراه شد از ایشان

ما كانوا يفترون ۝ ان ربكم الله الذي خلق السموات

انچه بودند دروغ می ساختند بدرستیکه خدای شما خدائیست که بیافرید آسمانها

والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش يغشي الليل

و زمین را در شش روز پس قرار گرفت آفرینش بر عرش پوشید تاریکی شب را

النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات

بروشنائی روز میجوید ازا زود و خورشید و ماه و ستارگان مسخر کرده شد

بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین ۝ ادعوا
بفرمان او بدانکه مر اوراست آفرینش وکار باکست خداوندکه خداوند جهان نیاست بخوانید
ربکم تضرعا وخفیة انه لا یحب المعتدین ۝ ولا تفسدوا خمس
پروردکار خود بزاری و پنهان بدرستیکه او ندارد دوست از حد کذرندکان و مکنید تباهی
فی الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله
در زمین پس بصلاح آوردن آن و بخوانید اورا ترسان و امیدوار بدرستیکه بخشایش خدا
قریب من المحسنین ۝ وهو الذی یرسل الریاح بشرا بین یدی
نزدیک است از برای نیکوکاران و اوست آن خدا آنکه میفرستد بادهای پراکنده پیش باران
رحمته حتی اذا اقلت سحابا ثقالا سقناه لبلد میت فانزلنا
رحمت خویش تا چون بردارد ابری کران پرباران مرزمین مرده را پس فرستادیم
به الماء فاخرجنا به من کل الثمرات کذلک نخرج الموتی
بدان آب پس بیرون آوردیم بدان از هر یک میوه همچنین بیرون می آریم مردکانرا
لعلکم تذکرون ۝ والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربه
تا مکر شما پند کیرید و زمین پاک روینده بیرون آید کیاه او بفرمان خدا
والذی خبث لا یخرج الا نکدا کذلک نصرف الایات
و آنانکه بیرون نمی آید مکر بدشواری همچنین بکردانیم آیات را
لقوم یشکرون ۝ لقد ارسلنا نوحا الی قومه فقال یا قوم اعبدوا ع
مرکروهی که سپاس داری کنند هرآئنه بتحقیق فرستادیم نوح را بسوی کروه او پس کفت ای کروه بپرستید
الله ما لکم من اله غیره انی اخاف علیکم عذاب یوم عظیم
خدای که نیست مرشمارا خدائی جز او بدرستیکه من میترسم برشما عقوبت روز بزرک را
قال الملا من قومه انا لنریک فی ضلال مبین ۝ قال یا قوم لیس عشر
کفتند کروهی از کروه او بدرستیکه ما هرآئنه می بینیم ترا در کمراهی پیدا کفت ای کروه نیست

بی

بي ضلالة ولكني رسول من رب العالمين ۝ ابلغكم
بمن گمراهی ولیکن من پیغمبرم از خداوند جهانیان میرسانم شمارا
رسالات ربي وانصح لكم واعلم من الله ما لا تعلمون ۝
پیغامهای خداوند خود ونصیحت میکنم مر شمارا ودانا ترم از حکم خدا آنچه نمیدانید شما
اوعجبتم ان جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم
ایا شگفت داشتید انکه آمد شمارا پندی از خداوند شما بر مردی از شما
لينذركم ولتتقوا ولعلكم ترحمون ۝ فكذبوه فانجيناه
تا بیم کند شمارا وتا پرهیزید وتا مگر شما رحمت کرده شوید پس دروغ داشتید اورا پس برهانیدیم اورا
والذين معه في الفلك واغرقنا الذين كذبوا بآياتنا انهم
وآنانکه با او بودند در کشتی وغرق کردیم مر آنکسان راکه دروغ زن داشتند بآیات ما بدرستیکه ایشان
ع كانوا قوما عمين ۝ والى عاد اخاهم هودا قال يا قوم اعبدوا
بودند گروهی کوران وسوی عادیان فرستادیم برادر ایشان هود را گفت ای گروه بپرستید
خمس الله ما لكم من اله غيره افلا تتقون ۝ قال الملأ الذين
خدای نیست شمارا خدای جز او ایا پس نمی پرهیزید گفتند گروه آنانکه
كفروا من قومه انا لنريك في سفاهة وانا لنظنك من
نگرویدند از گروه او که ما هر آینه میبینیم ترا در نادانی وبدرستیکه ما هر آینه گمان بریم ترا از
الكاذبين ۝ قال يا قوم ليس بي سفاهة ولكني رسول
دروغ گویان گفت ای گروه نیست بمن نادانی ولیکن من پیغمبری ام
من رب العالمين ۝ ابلغكم رسالات ربي وانا لكم ناصح
از خداوند جهانیان میرسانم شمارا پیغامهای خداوند من ومن شمارا نیک خواهی ام
تخرب امين ۝ اوعجبتم ان جاءكم ذكر من ربكم على رجل
استوار ایا شگفت داریدکه بیامد شمارا پندی از خداوند شما بر مردی

مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ
از شما که بترساند شمارا و یاد کنید چون بکرد شمارا خلیفها از پس گروه
نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ
نوح و زیاده کرد شمارا در آفرینش فراخی در علم پس یاد کنید نعمتهای خدارا تا مگر شما
تُفْلِحُونَ ۝ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ
رستگار شوید گفتند آیا آمدی بما تا بپرستیم خدای را بیکانگی و بگذاریم آنچه بودند که می پرستیدند
آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ قَالَ قَدْ
عشر
پدران ما پس بیار بما آنچه وعده کنی مارا اگر هستی تو از راست گویان گفت بتحقیق
وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَادِلُونَنِي فِي
واجب شد بر شما از پروردگار شما پلیدی و خشم آیا خصومت میکنید با من در
أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ
نامهائی که نام میکردند آنرا شما و پدران شما آنچه نفرستاد خدا بدان از حجتی
فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ۝ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ
ع
پس منتظر باشید بدرستیکه من با شما از چشم دارندگانم پس رهانیدیم ما اورا و آنکسانی که با او بودند برحمتی
مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ
از ما و ببریدیم ما اصل آنکسانرا که دروغ زن داشتند بحجتهای ما و نبودند گروندگان
وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ
و بسوی ثمودیان بفرستادیم برادر ایشان صالح را گفت ای گروه بپرستید خداوند را نیست مر شمارا
مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَٰذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ
خدای جز او بتحقیق بیامد شمارا حجتی پیدا از خداوند شما اینست ماده اشتر خدای
لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ
شمارا حجتی پس بگذارید اورا که میخورد در زمین خدای و مسایید اورا ببدی

فیأخذکم

فيأخذكم عذاب أليم ۝ واذكروا إذ جعلكم خلفاء من بعد

پس بگیرد شما را عقوبت دردناک و یاد کنید چون بکرد شما را خلیفها از پس

عادٍ وبوأكم في الأرض تتخذون من سهولها قصورا وتنحتون

عادیان و جا داد شما را در زمین که میسازید از زمینهای نرم کوشکها و می تراشید

الجبال بيوتا فاذكروا آلاء الله ولا تعثوا في الأرض مفسدين

در کوهها خانها پس یاد کنید نعمتهای خدا و مکنید تباهی در زمین تباهی کنندگان

قال الملأ الذين استكبروا من قومه للذين استضعفوا

گفت گروهی آنانکه گردن کشی کردند از گروه او مر آنان را که سست کرده شدند

لمن آمن منهم أتعلمون أن صالحا مرسل من ربه قالوا إنا

مر هر که را بگروید از ایشان ایا میدانید بدرستی که صالح پیغمبریست از خداوند خویش گفتند بدرستی ما

بما أرسل به مؤمنون ۝ قال الذين استكبروا إنا بالذي آمنتم

بانچه فرستاده شد باو گرویدگانیم گفتند آنانکه گردن کشی کردند بدرستی ما بانکه بگرویدید

به كافرون ۝ فعقروا الناقة وعتوا عن أمر ربهم وقالوا

بان ناگرویدگانیم پس بکشتند ماده اشتر را و بیفرمانی شدند از فرمان خداوند ایشان و گفتند

يا صالح ائتنا بما تعدنا إن كنت من المرسلين ۝ فأخذتهم

ای صالح بیار بما بانچه وعده میکنی ما را اگر هستی تو از پیغمبران پس بگرفت ایشان را

الرجفة فأصبحوا في دارهم جاثمين ۝ فتولى عنهم وقال يا قوم

جنبیدن زمین پس بامداد کردند در خانهای خود بر جای خود خفته مرده پس روی بگردانید از ایشان و گفت ای گروه من

لقد أبلغتكم رسالة ربي ونصحت لكم ولكن لا تحبون

هر آینه تحقیق برسانم شما را پیغام خداوند خود و نیکخواهی کردم مر شما را و لیکن ندارید شما دوست

الناصحين ۝ ولوطا إذ قال لقومه أتأتون الفاحشة ما

نصیحت کنندگان را و لوط چون گفت هر آینه گروه خود را ایا می آید شما را ناشایست آنچه پیش نکردند

خمس

بها من احد من العالمين ۝ انكم لتاتون الرجال شهوة من عشر
بان از یکی از جهانیان آیا شما هرآینه می آیید مردان را بشهوت از
دون النساء بل انتم قوم مسرفون ۝ وما كان جواب قومه
جز زنان بلکه شما گروه اسراف کنندگانید و نبود جواب گروه او
الا ان قالوا اخرجوهم من قريتكم انهم اناس يتطهرون ۝
مگر آنکه گفتند بیرون آرید ایشان از دیه خویش بدرستی که ایشان مردمانی اند که پاک می شوند
فانجيناه واهله الا امراته كانت من الغابرين ۝ وامطرنا
پس برهانیدیم اورا و اهل اورا مگر زن اورا که بود از برمندگان و بباریدیم
عليهم مطرا فانظر كيف كان عاقبة المجرمين ۝ والى مدين اخاهم ع
بر ایشان بارانی پس ببین چگونه باشد سرانجام کافران و سوی مدین فرستادیم برادر ایشان
شعيبا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره قد جاءتكم
شعیب پیغمبر را گفت ای گروه بپرستید خدای را که نیست مر شما را خدای جز او بتحقیق بیامد شما را
بينة من ربكم فاوفوا الكيل والميزان ولا تبخسوا الناس
حجتی از خداوند شما پس تمام کنید پیمانه را و ترازو را و کم مدهید مردمان را
اشياءهم ولا تفسدوا في الارض بعد اصلاحها ذلكم خير
چیزهای ایشان و مکنید تباهی در زمین پس اصلاح آوردن آن این تان بهتر
لكم ان كنتم مؤمنين ۝ ولا تقعدوا بكل صراط توعدون خمس
مر شما را اگر هستید گرویدگان و منشینید بهر راهی که وعده کنید
وتصدون عن سبيل الله من امن به وتبغونها عوجا واذكروا
و روی بیکردانید از راه خدای هرکه بگرود بان و می جویید آنرا کجی و یاد کنید
اذ كنتم قليلا فكثركم وانظروا كيف كان عاقبة المفسدين ۝
چون بودید اندک پس بسیار کرد شمارا و ببینید چگونه بود سرانجام تباه کاران

وان كان

الجزء التاسع
حزب

وان كان طائفة منكم آمنوا بالذي ارسلت به وطائفة
واگر باشد گروهی از شما گرونده بانکه فرستاده شده بان و گروه که
لم يؤمنوا فاصبروا حتى يحكم الله بيننا وهو خير الحاكمين ۝
نگرویدند پس شکیبائی کنید تا حکم کند خدا میان ما واوست بهترین حکم کنندگان
قال الملأ الذين استكبروا من قومه لنخرجنك يا شعيب و
گفتند گروهی انانکه گردن کشی کردند از گروه او هرائنه بیرون آریم ترا ای شعیب و
الذين آمنوا معك من قريتنا او لتعودن في ملتنا قال اولو كنا
وانانکه گرویدند باتو از دیهه خویش یا هرائنه بازائید در دین ما گفت ایا اگر بوده باشیم ما
كارهين ۝ قد افترينا على الله كذبا ان عدنا في ملتكم
کارهان بتحقیق برافته باشیم برخدا دروغی که اگر باز ائیم در دین شما
بعد اذ نجانا الله منها وما يكون لنا ان نعود فيها الا ان يشاء
پس چون برهانید مارا خدا ازان و نباشد هرائنه مارا انکه باز گردیم دران مگر انکه خواهد
الله ربنا وسع ربنا كل شيء علما على الله توكلنا ربنا
خدا خداوند ما فراگرفت خداوند ما هر چیزی را بدانش برخدای توکل کردیم ما خداوند ما
افتح بيننا وبين قومنا بالحق وانت خير الفاتحين ۝ وقال
حکم کن میان ما و میان گروه ما براستی وتوئی بهترین حکم کنندگان وگفتند
الملأ الذين كفروا من قومه لئن اتبعتم شعيبا انكم اذا
گروه انانکه نگرویدند از گروه او اگر پیروی کنید شعیب را بدرستیکه شما اکنون
لخاسرون ۝ فاخذتهم الرجفة فاصبحوا في دارهم جاثمين ۝
هرائنه زیان کارانید پس بگرفت شان جنبیدن زمین پس بامداد کردند در خانهای خویش خفته بغم دل کال
الذين كذبوا شعيبا كان لم يغنوا فيها الذين كذبوا
انانکه دروغ زن داشتند شعیب را چنان بود که نبودند دران انانکه دروغ داشتند

عشر معانقه

شعيبا كانوا هم الخاسرين ۝ فتولى عنهم وقال يا قوم لقد

شعیب را بودند ایشان زیان کاران پس روی بگردانید از ایشان و گفت ای گروه بتحقیق

لقد ابلغتكم رسالات ربي ونصحت لكم فكيف آسى على

رسانیدم شما را پیغام خداوند خود و نیک خواهی کردم شما را پس چگونه غم خورم بر

قوم كافرين ۝ وما ارسلنا في قرية من نبي الا اخذنا اهلها

گروه ناگروندگان و نفرستادیم در دیهی از پیغمبری مگر گرفتیم ما اهل آنرا

بالباساء والضراء لعلهم يضرعون ۝ ثم بدلنا مكان

بعذاب درویشی و رنج شاید که ایشان زاری کنند پس بدل کردیم بجای

الحسنة حتى عفوا وقالوا قد مس اباءنا الضراء والسراء فاخذناهم

نیکی تا بسیار کردو و گفتند بتحقیق رسانید پدران ما را رنج و سختی پس بگرفتیم ایشان را

بغتة وهم لا يشعرون ۝ ولو ان اهل القرى امنوا واتقوا لفتحنا

ناگهان و ایشان نمیدانستند و اگر آنکه اهل دیهها ایمان آوردندی و پرهیزکاری

عليهم بركات من السماء والارض ولكن كذبوا فاخذناهم

بر ایشان برکتها از آسمان و زمین ولیکن دروغ زن داشتند پس بگرفتیم

بما كانوا يكسبون ۝ افامن اهل القرى ان ياتيهم باسنا

بدانچه بودند میکردند آیا پس ایمن شدند اهل دیهها آنکه بیاید ایشان را عذاب

ضحى وهم يلعبون ۝ افامنوا مكر الله فلا يامن مكر الله الا

در چاشتگاه و ایشان بازی میکنند آیا پس ایمن شدند مکر خدای پس ایمن نشوند مکر خدای مگر

القوم الخاسرون ۝ اولم يهد للذين يرثون الارض من بعد

گروه زیان کاران آیا ننمایند راه مرآنکسان را میراث گرفتند زمین از پس

اهلها ان لو نشاء اصبناهم بذنوبهم ونطبع على قلوبهم فهم

اهل آن اگر خواهیم برسانیم ایشان را بگناهان ایشان و مهر کنیم بر دلهای ایشان پس

خمس

بیاتا وهم نائمون ۝ او امن اهل القری ان یاتیهم باسنا

لا يسمعون

عشر

لا يسمعون ۝ تلك القرى نقص عليك من انبائها ولقد جاءتهم
نشنوند آن دهها قصه کنیم برتو از خبرهای وی هر آینه بتحقیق بیامدنشان
رسلهم بالبينات فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا من قبل كذلك
پیغمبران بحجتها پس نبودند که بگروند بدانچه دروغ زن داشتند از پیش همچنین
يطبع الله على قلوب الكافرين ۝ وما وجدنا لاكثرهم من
مهر کند خدای بر دلهای ناگروندگان و نیافتیم ما بیشتران ایشان را از
عهد وان وجدنا اكثرهم لفاسقين ۝ ثم بعثنا من بعدهم
عهد واگر یافتیم بیشتران ایشان را هر آینه تباهکاران پس برانگیختیم ما از پس ایشان
موسى باياتنا الى فرعون وملائه فظلموا بها فانظر كيف
موسی را بحجتهای خود بسوی فرعون و قوم او پس ستم کردند بدان پس ببین چگونه
كان عاقبة المفسدين ۝ وقال موسى يا فرعون انى رسول
بود سرانجام تباه کاران وگفت موسی ای فرعون بدرستیکه من پیغمبرم
من رب العالمين ۝ حقيق على ان لا اقول على الله الا الحق ۝ قد
از پروردگار جهانیان سزاوارست بر آنکه نگویم بر خدای مگر براستی بتحقیق

خمس

جئتكم ببينة من ربكم فارسل معى بنى اسرائيل ۝ قال
بیاوردم شمارا بحجتی از پروردگار شما پس بفرست با من پسران یعقوب را گفت
ان كنت جئت باية فات بها ان كنت من الصادقين ۝ فالقى
اگر هستی تو که بیاری حجتی پس بیار آن را اگر هستی تو از راست گویان پس بیفگند
عصاه فاذا هى ثعبان مبين ۝ ونزع يده فاذا هى بيضاء
عصای خود را پس ناگهان ماری شد پیدا وبیرون آورد دست خود را پس آن سپید شد
للناظرين ۝ قال الملا من قوم فرعون ان هذا لساحر عليم
مر بینندگان را گفت جماعت از گروه فرعون بدرستیکه این هر آینه جادوست دانا

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ۝ قَالُوا أَرْجِهْ عشر
می خواهد که بیرون آرد شمارا از زمین این ان پس چه میفرمایید گفتند مهلت ده اورا

وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ۝ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ
وبرادران اورا وبفرست در شهرها گردکنندگان بیارندترا بهرجادوی دانا

وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ۝
وآمدند ساحران فرعون گفتند بدرستیکه مارا هرآینه مزدی هی اگر باشیم ما غلبه کنندگان

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ۝ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ
گفت آری وبدرستی شما هرآینه ازمقربان باشید گفتند ای موسی یا آنکه تو می افکنی

وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ۝ قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا خمس حزب
ویا آنکه ما باشیم ما افکنندگان گفت موسی بیفکنید پس چون بیفکندند جادو

أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ ۝ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ
چشمهای مردمان را وبترسانیدند ایشان را وآوردند جادوی بزرگ ووحی کردیم ما بسوی موسی

أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ۝ فَوَقَعَ الْحَقُّ
آنکه بیفکن عصای خود پس چون می انداخت آنها مار فرو میبرد آنچه دروغ می ساختند تا بدیدند حق

وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ
باطل آنچه بودند میکردند پس مغلوب شدند ازانجا بازگشتند خواران

وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ۝ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ رَبِّ
وافکنده شدند ساحران سجده کنندگان گفتند گرویدیم بخداوند جهانیان خداوند

مُوسَىٰ وَهَارُونَ ۝ قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ
موسی وهرون گفت فرعون ایا ایمان آوردید بدو پیش از آنکه دستوری دهم

إِنَّ هَٰذَا لَمَكْرٌ مَكَرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ
بدرستیکه این سگالشیست که سگالیدن شما در شهرها تا بیرون اورید از آن اهل اورا پس زود با

تعلمون

تعلمون ۝ لأقطعن أيديكم وأرجلكم من خلاف ثم لأصلبنكم

که بدانید هر آینه ببرم دستهای شما را و پایهای شما را از خلاف یکدیگر پس هر آینه بیاویزم

خمس ع أجمعين ۝ قالوا إنا إلى ربنا منقلبون ۝ وما تنقم منا إلا أن آمنا

همه گفتند بدرستی که ما سوی خداوند ما گردندگانیم و ننگ کینه از ما مگر آنکه گرویدیم ما

بآيات ربنا لما جاءتنا ربنا أفرغ علينا صبرا وتوفنا مسلمين ۝

بحجتهای خداوند ما هرگاه بیامد ما را از خداوند ما بریز بر ما شکیبائی و بمیران ما را مسلمانان

وقال الملأ من قوم فرعون أتذر موسى وقومه ليفسدوا في الأرض

و گفتند گروهی از گروه فرعون آیا میگذاری موسی و گروه او را تا تباهی کنند در زمین

ويذرك وآلهتك قال سنقتل أبناءهم ونستحيي نساءهم وإنا

و بگذارد ترا و خدایان ترا گفت که زود باشد که بکشیم پسران ایشان را و زنده بگذاریم زنان ایشان را و بدرستی که ما

فوقهم قاهرون ۝ قال موسى لقومه استعينوا بالله واصبروا

زبر ایشان قهر کنندگانیم گفت موسی مر گروه خود را یاری خواهید بخدای و شکیبائی کنید

إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبة للمتقين ۝

بدرستیکه زمین مر خدای راست میراث دهد آن را هر که را خواهد از بندگان خود و سرانجام کار مر پرهیزکاران راست

قالوا أوذينا من قبل أن تأتينا ومن بعد ما جئتنا قال عسى

گفتند رنجانیده شدیم از پیش آنکه بیایی بر ما و از پس آنچه بیاوردی ما را گفت شاید

ربكم أن يهلك عدوكم ويستخلفكم في الأرض فينظر كيف

خداوند شما آنکه هلاک کند دشمنان شما را و خلیفه کند شما را در زمین پس بنگرد که چگونه

تعملون ۝ ولقد أخذنا آل فرعون بالسنين ونقص من الثمرات

کار میکنید و بتحقیق گرفتیم ما پیروان فرعون را بقحط سالها و کمی از میوها

عشر لعلهم يذكرون ۝ فإذا جاءتهم الحسنة قالوا لنا هذه وإن تصبهم

تا باشند که ایشان پند گیرند پس چون بیامد ایشان را نیکوئی گفتند مار است این و اگر برسد ایشان را

سيئة يطيروا بموسى ومن معه ألا إنما طائرهم عند الله
بدى فال بد زنند بموسى وهر كه با اوست بدانكه نيست فال ايشان نزد خدا
ولكن أكثرهم لا يعلمون ۝ وقالوا مهما تأتنا به من آية لتسحرنا
وليكن بيشتر ايشان نميدانند وكفتند هر كاه بيارى بما بدان از ايتى تا جادو كنى ما را
بها فما نحن لك بمؤمنين ۝ فأرسلنا عليهم الطوفان والجراد
بدان پس نيستيم مر ترا باور دارندكان پس فرستاديم بر ايشان عذاب طوفان وملخ
والقمل والضفادع والدم آيات مفصلات فاستكبروا و
وشپش وغوك وخون علامتهاى پيدا كرده پس كردن كشى كردند
كانوا قوما مجرمين ۝ ولما وقع عليهم الرجز قالوا يا موسى
بودند كروه كافران وچون بيامد بر ايشان عذاب كفتند اى موسى
ادع لنا ربك بما عهد عندك لئن كشفت عنا الرجز لنؤمنن
بخوان مارا خداوند تو بدانچه عهد نزد تو كه اكر باز دارى از عذاب
لك ولنرسلن معك بني إسرائيل ۝ فلما كشفنا عنهم الرجز إلى
مر ترا وهر آينه بفرستيم با تو فرزندان يعقوب پس هر كاه باز داشتيم ما از ايشان عذاب تا
أجل هم بالغوه إذا هم ينكثون ۝ فانتقمنا منهم فأغرقناهم
مهلتى كه ايشان برسانند از ناكهان ايشان عهد شكستند پس كينه كشيديم از ايشان پس غرق كرديم ايشان را
في اليم بأنهم كذبوا بآياتنا وكانوا عنها غافلين ۝ وأورثنا
در دريا بانكه ايشان دروغ زن داشتند بايات ما وبودند از ايشان غافلان وميراث داديم ما
القوم الذين كانوا يستضعفون مشارق الأرض ومغاربها
كروهى را انانكه بودند ضعيف كرده شده در جاى بر آمدن آفتاب زمين وجاى فرو شدن آن
التي باركنا فيها وتمت كلمت ربك الحسنى على بني إسرائيل
انكه بركت كرديم ما در آن وتمام شد وعده خداوند تو نيكو را بر فرزندان يعقوب

خمس

بما صبروا

ربع حزب

بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا
بدانچه شکیبائی کردند وهلاک کردیم آنچه بودند که میکرد فرعون و گروه او و آنچه میکردند ازان
يَعْرِشُونَ ۝ وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ
از مکانها و بوستانهای وگذرانیدیم ما فرزندان یعقوب را از دریا پس بیامدند بر گروهی که معتکف بودند
عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَٰهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ
بر بتانی که مر ایشان را بود گفتند ای موسی بگردان برای ما خدائی چنانکه مر ایشان راست خدایان گفت
إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ۝ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ مُتَبَّرٌ مَا هُمْ فِيهِ وَبَاطِلٌ
بدرستیکه شما گروهی اید که نمیدانید بدرستیکه این گروه هلاک گردانیده شده آنچه ایشان در آنند و باطل است
مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَٰهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ
عشر
آنچه بودند که میکردند گفت آیا جز خدای بجویم برای شما خدائی و او فضیلت داد شما را
عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ
بر جهانیان وچون برهانیدیم ما شما را از پیروان فرعون که می چشانیدند شما را بدی
الْعَذَابِ يُقَتِّلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ
وسختی عذاب میکشتند پسران شما را و زنده میگذاشتند دختران شما را و در حال شما
٤
بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ۝ وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا
آزمایشی است از خداوند شما بزرگ و وعده کردیم موسی را سی شب و تمام کردیم آن را
بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ
بده روز پس تمام گرد وعده خداوند او چهل شب وگفت موسی مر برادر خود
هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ۝
هرون را خلیفتی کن مرا در گروه من و بصلاح باش و مکن پیروی راه تباه کاران را
وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ
و هرگاه بیامد موسی مر وعده ما را و سخن گفت با او خداوند او گفت خداوندا بنمای که ببینم سوی تو

قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَٰكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ
گفت هرگز نه بینی ولیکن بنگر بسوی کوه پس اگر آرام گیرد کوه بجای خود
فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ
پس زود باشد که ببینی مرا پس چون تجلی فرمود خداوند او مر کوه را بکرد اورا پاره پاره و بیفتاد موسی
صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ
بیهوش پس چون بهوش آمد گفت پاکی تو ای خداوند من بازگشتم سوی تو و منم نخستین گروندگان
قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي
گفت ای موسی بدرستیکه من برگزیدم ترا بر مردمان برسانیدن پیغامهای خود و بسخنهای
فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۝ وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ
پس بگیر آنچه بدادم و باش از شاکران و فریضه کردیم ما مر اورا در لوحها
مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ
از هر چیزی پندی و پیدا کردنی مر هر چیزی را پس بگیر آنرا به نیروی
قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ۝ سَأَصْرِفُ
گروه خود را که بگیرند به نیکوتران زود باشد که نمایم شمارا سرای تباه کاران زود
عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا
از حجتهای خود آنانکه بزرگ منشی کردند در زمین بغیر حق واگر ببینند
سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ
راه راست نگیرند آنرا راه واگر ببینند راه کج بگیرند آنرا
سَبِيلًا ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ۝
راه آن ایشانند بدرستی ایشان که دروغ زن داشتند بآیات ما و بودند ایشان از آن غافلان
وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ
و آنانکه دروغ زن داشتند بآیات ما و روز بازپسین باطل شود کردارهای ایشان

خمس

كل آية لا يؤمنوا بها
هر آیتی را بگروند بآن
وان يروا
واگر ببینند

ع

هل يجزون

هَلْ يُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسٰى مِنْ بَعْدِهِ

هیچ پاداش نیابند مگر آنکه آنچه بودند که میکردند وگرفت گروه موسی از پس او

مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ اَلَمْ يَرَوْا اَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا

از زیورهای خویش گوساله تنومند مر او را بانگ زدن آیا نمی بینند بدرستیکه او نمیگوید سخن با ایشان و

يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اِتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ ۝ وَلَمَّا سُقِطَ

نماید راه ایشان را راهی که بگرفتند او را وبودند ستمکاران وهرگاه افکنده شد

فِي اَيْدِيهِمْ وَرَاَوْا اَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا

در دستهای ایشان و دیدند بدرستیکه ایشان بتحقیق گمراه شدند گفتند اگر نکردی رحمت بر ما خداوند ما

وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝ وَلَمَّا رَجَعَ مُوسٰى اِلٰى قَوْمِهِ

ونیامرزیدی ما را هر آینه میبودیم از زیانکاران وچونکه بازگشت موسی سوی گروه خود

غَضْبَانَ اَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي اَعَجِلْتُمْ اَمْرَ

خشمناک اندوهگین گفت بد است آنچه خلف کردید مرا از پس من اما شتاب کردید شما فرمان

رَبِّكُمْ وَاَلْقَى الْاَلْوَاحَ وَاَخَذَ بِرَاْسِ اَخِيهِ يَجُرُّهُ اِلَيْهِ قَالَ

خداوند خود را وافکند تختها را وگرفت سر برادر خود را میکشید او را سوی او گفت

ابْنَ اُمَّ اِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ

ای پسر مادر من بدرستیکه گروه سست پنداشتند مرا وخواستند بکشند مرا پس مکن شاد

بِيَ الْاَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي

بمن دشمنان را ومگردان مرا باگروه ستمکاران گفت خداوندا بیامرز مرا

وَلِاَخِي وَاَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ اِنَّ الَّذِينَ

وبرادر مرا ودرآر ما را در رحمت خود وتوئی بخشنده ترین بخشایندگان بدرستی آنانکه

اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيٰوةِ

گرفتند گوساله را خدا زود باشد که دریابد ایشان را غضب از خداوند ایشان وخواری در زندگانی

عشر

الدنيا وكذلك نجزي المفترين ۝ والذين عملوا السيئات ثم
این جهان وهمچنین پاداش دهیم دروغ سازانرا وانانکه کردند بدیها پس
تابوا من بعدها وامنوا ان ربك من بعدها لغفور رحيم ۝
بازگشتند از پس آن وگرویدند بدرستیکه خداوند تو از پس آن هرآئنه آمرزنده است بخشاینده
ولما سكت عن موسى الغضب اخذ الالواح وفي نسختها هدى
وچون که ساکن شد از موسی خشم بگرفت تختها ودر نسخت آن بود راه راست
ورحمة للذين هم لربهم يرهبون ۝ واختار موسى قومه سبعين
وبخشایش مر آنانرا که ایشان مر خداوند خودرا میترسند وبرگزید موسی از گروه خود هفتاد
رجلا لميقاتنا فلما اخذتهم الرجفة قال رب لو شئت
مرد را برای میقات ما پس چون گرفت ایشانرا جنبش زمین گفت خداوند من اگر خواستی
اهلكتهم من قبل واياي اتهلكنا بما فعل السفهاء منا
هلاک کردی ایشانرا از پیش ومرا ایا هلاک کنی ما را بدانچه کردند نادانان از ما
ان هي الا فتنتك تضل بها من تشاء وتهدي من تشاء انت
نیست این مگر فتنه تو گمراه کنی بآن هرکه را خواهی وراه نمائی هرکه را خواهی تو
ولينا فاغفر لنا وارحمنا وانت خير الغافرين ۝ واكتب لنا في
دوست ما پس بیامرز ما را وببخش ما را وتوئی بهترین آمرزندگان وبنویس هرآئنه ما را در
هذه الدنيا حسنة وفي الاخرة انا هدنا اليك قال عذابي
این جهان نیکی ودر آن جهان بدرستیکه ما راه یافتیم بسوی تو گفت عقوبت من
اصيب به من اشاء ورحمتي وسعت كل شيء فساكتبها للذين
رسانیده شود بدان هرکه را خواهم وبخشایش من فراخ شده هر چیزی را پس زود باشد بنویسم آنرا مر آنانرا که
يتقون ويؤتون الزكوة والذين هم باياتنا يؤمنون ۝ الذين
پرهیزند وبدهند زکوة مال وانانکه ایشان بآیات ما بگروند انانکه

حزب جسر

يتقون

يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا

پس روی کنند پیغمبر را آن پیغمبری که بود نانویسنده آنکه بیابند صفت اورا نوشته

عِندَهُمْ فِي التَّوْرٰىةِ وَالْإِنجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهٰىهُمْ عَنِ

نزدیک خود در توریه و انجیل میفرماید ایشانرا به نیکوئی و بازدارد ایشانرا از

الْمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبٰٓئِثَ وَيَضَعُ

بدی و ناشایست و حلال کند مرایشانرا پاکیها و حرام گرداند برایشان پلیدیها و می نهد

عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلٰلَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ

از ایشان گناه ایشانرا و غلها آنکه بود برایشان پس آنانکه گرویدند بدان

وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ع

وقوت کردند اورا و یاری کردند اورا و پیروی کردند قرآن را آنانکه فرستاده شد با او ایشانند رستگاران

قُلْ يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ

بگوای محمد ای مردمان بدرستیکه من پیغمبر خدا ام سوی شما همه آنکه مراورا ست پادشاهی آسمانها

وَالْأَرْضِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ

و زمین نیست خدائی مگر او زنده کند و بمیراند پس بگروید بخدا و پیغمبر او پیغمبر

الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمٰتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝

نانویسنده آنکه بگرود بخدا و سخنان او پیروی کنید اورا تا مگر یابید شما راه راست

وَمِن قَوْمِ مُوسٰى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ۝ وَقَطَّعْنٰهُمُ

و از گروه موسی گروهی که راه یابند براستی و بدان عدل کنند و بگردیم ما ایشانرا

اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلٰى مُوسٰى إِذِ اسْتَسْقٰىهُ قَوْمُهُ

دوازده قبیله امتان و وحی کردیم ما سوی موسی چون آب خواه شد او را گروه او

أَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ ۝ فَانبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ

که بزن بعصای خود بر سنگ پس روان شد ازو دوازده چشمه بتحقیق بدانست

كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ ط وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَ
هر گروهی آب خورد خود را و سایه کردیم ما بر ایشان از ابر و فرستادیم ما بر ایشان من و
السَّلْوَىٰ ط كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ط وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِنْ كَانُوا
سلوا را بخورید از حلالها آنچه روزی کردیم ما شما را و نکردند ایشان ستم بر ما ولیکن بودند
أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَٰذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا عشر
تنهای خویش را ستمکاران و چون گفته شد مر ایشان را که آرام گیرید در این دیهه و بخورید از آن
حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ
از هر کجا خواهید و بگویید کلمهٔ توحید را و اندر آیید باب را سجده کنندگان تا بیامرزیم گناهان
سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ۝ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي
زود باشد که زیادت کنیم نیکوکاران پس بدل کردند آنانکه ستم کردند از ایشان گفتار جز آنکه
قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ ۝ وَ ع
گفته شد مر ایشان را پس فرستادیم ما بر ایشان عذاب از آسمان بدانچه بودند ستمکاران و بپرس
عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ
از اهل دیهه آنکه بود نزدیک دریا چون از حد میگذشتند در شنبه چون می آمدند
حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَٰلِكَ
ماهیان ایشان را روز شنبه ایشان را بر آب خوردن و روزی که نمی شمردند شنبه نیامدی بر ایشان همچنین
نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۝ وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا
معا
معا
النصف
بیازماییم شان بدانچه بودند تباهی کنندگان و چون گفت گروهی از ایشان چرا پند میدهید گروهی را
اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۝ قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمْ
خدا هلاک کننده ایشان است یا عذاب کننده ایشان عذاب سخت گفتند عذر کردنست سوی خداوند
وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ
و تا مگر ایشان بپرهیزند پس چون فراموش کردند آنچه یاد کرده شد بدان برهانیدیم ما آنانکه باز ایستادند

عن السوء

خمس

عن السوء واخذنا الذين ظلموا بعذاب بئيس بما كانوا يفسقون ۝
از بدی وبگرفتیم ما انرا که ستم کردند بعقوبتی سخت بدانچه بودند تباهی میکردند
فلما عتوا عما نهوا عنه قلنا لهم كونوا قردة خاسئين
پس چون سر باز زدند ازانچه باز داشته شدند ازان گفتیم مر ایشان را بود دید بوزنیگان نومیدان
واذ تاذن ربك ليبعثن عليهم الى يوم القيمة من يسومهم
و چون اگاه کرد خداوند تو که هرائنه بفرستد بر ایشان سوی روز بازپسین کیست که بچشاند ایشان را
سوء العذاب ان ربك لسريع العقاب وانه لغفور رحيم ۝ وقطعناهم
سختی عقوبت بدرستیکه خداوند تو هرائنه زود عقوبت است وبدرستیکه او هرائنه آمرزگار بخشاینده است واپاره کردیم
فى الارض امما منهم الصالحون ومنهم دون ذلك وبلوناهم
در زمین امتان ازایشان نیکمردان وازایشان جز ایشان وبیازمودیم ایشان را
بالحسنات والسيئات لعلهم يرجعون ۝ فخلف من بعدهم
بنیکیها وبدیها تامگر ایشان بازگردند پس خلیفه کرد از پس ایشان
خلف ورثوا الكتاب ياخذون عرض هذا الادنى ويقولون
قومی را که میراث گرفتند کتاب را که میگرفتند کالای این اندکتر ومیگویند
سيغفر لنا وان ياتهم عرض مثله ياخذوه الم يؤخذ عليهم
زود باشد که بیامرزد ما را واگر بیاید شان کالای مانند ان بستانند انرا ایا نمیشود گرفته بر ایشان
ميثاق الكتاب ان لا يقولوا على الله الا الحق ودرسوا ما فيه
پیمان کتاب انکه نگویند برخدای مگر راست وبخواندند انچه دراوست
والدار الاخرة خير للذين يتقون افلا تعقلون ۝ والذين يمسكون
وسرای انجهان بهتر است مر انانرا که می پرهیزند ایا پس چرا بعقل نمیدارند وانکه چنگ درزدند
بالكتاب واقاموا الصلوة انا لا نضيع اجر المصلحين ۝ واذ نتقنا
بکتاب وبرپای داشتند نمازرا بدرستیکه ما نمیکنیم ضایع مزد نیکوکاران را وچون برداشتیم ما

الجبل فوقهم كأنه ظلة وظنوا انه واقع بهم خذوا ما
کوه را بالای سر ایشان چنانکه گویا ابریست پس گمان بردند او فتنده است بایشان بگیرید آنچه
اتيناكم بقوة واذكروا ما فيه لعلكم تتقون ۝ واذ اخذ
بدادیم شمارا به نیرو و یاد کنید آنچه در اوست تا مگر شما پرهیزید و چون گرفت
ربك من بني ادم من ظهورهم ذريتهم واشهدهم على انفسهم
پروردگار تو از فرزندان آدم از پشتهای ایشان فرزندان گواه گرفت ایشان بر تنهای ایشان
الست بربكم قالوا بلى شهدنا ان تقولوا يوم القيمة انا كنا
آیا نیستم من خداوند شما گفتند آری هستی گواه شدیم انکه گویند روز رستخیز بدرستی ما بودیم
عن هذا غافلين ۝ او تقولوا انما اشرك اباؤنا من قبل وكنا
ازاین غافلان یا میگویید بدرستی که شرک آوردند پدران ما از پیش و بودیم ما
ذرية من بعدهم افتهلكنا بما فعل المبطلون ۝ وكذلك
فرزندان از پس ایشان آیا پس هلاک میکنی مارا بدانچه کردند تباه کاران و همچنین
نفصل الايات ولعلهم يرجعون ۝ واتل عليهم نبا الذي
جدا کنیم حجتها و تا مگر ایشان بازگردند و بخوان برایشان خبر انکه
اتيناه اياتنا فانسلخ منها فاتبعه الشيطان فكان من
بدادیم اورا حجتهای خود پس بیرون شد از ان پس پیرو خود کرد اورا شیطان پس بود از
الغاوين ۝ ولو شئنا لرفعناه بها ولكنه اخلد الى الارض خمس
گمراهان و اگر خواهیم ما هر آئینه بالا کنیم اورا بدان ولیکن او بیارمید سوی زمین
واتبع هويه فمثله كمثل الكلب ان تحمل عليه يلهث او تتركه
و پیروی کرد خواهش دل او را پس مانند چون مانند سگست اگر بر داری براو بانگ کند یا بگذاری او
يلهث ذلك مثل القوم الذين كذبوا باياتنا فاقصص
بانگ کند اینست داستان گروه انانکه دروغ زن داشتند حجتهای مارا پس قصه کن

لعلهم

لعلهم يتفكرون ۝ ساء مثلا القوم الذين كذبوا باياتنا
تا مگر ایشان اندیشه کنند بدست داستان گروه آنانکه دروغ زن داشتند بحجتهای ما
وانفسهم كانوا يظلمون ۝ من يهد الله فهو المهتدي ومن يضلل
وتنهای خویش بودند ستم میکردند هرکه راه نماید خدا پس اوست راه یافته وهرکه را گمراه کند
فاولئك هم الخاسرون ۝ ولقد ذرأنا لجهنم كثيرا من الجن
پس ایشان ایشانند زیان کاران وهرآئنه تحقیق بیافریدیم برای دوزخ بسیاری از پریان
والانس لهم قلوب لا يفقهون بها ولهم اعين لا يبصرون
وآدمیان مرایشان راست دلها که نمی فهمند بدان ومرایشان راست چشمها که نمی بینند
بها ولهم اذان لا يسمعون بها اولئك كالانعام بل هم
بدان ومرایشان گوشها که نمی شنوند بدان ایشانند همچون چهارپایان بلکه ایشانند
اضل اولئك هم الغافلون ۝ ولله الاسماء الحسنى فادعوه
گمراه تر ایشانند ایشان غافلان ومرخدای راست نامهای نیکوتر پس خوانید او را
بها وذروا الذين يلحدون في اسمائه سيجزون ما كانوا
بدان وبگذارید آنانکه بگردیده اند در نامهای او زود باشد که پاداش داده شوند آنچه بودند
عشر يعملون ۝ وممن خلقنا امة يهدون بالحق وبه يعدلون ۝
میکردند واز آنانکه آفریدیم گروهی راه یابنده براستی وبدان عدل کنند
والذين كذبوا باياتنا سنستدرجهم من حيث لا يعلمون ۝
وآنانکه دروغ زن داشتند بحجتهای ما زود باشد که بگیریم ایشان را از آنجا که ندانند
واملي لهم ان كيدي متين ۝ اولم يتفكروا ما بصاحبهم
ومهلت دهیم مرایشان را بدرستیکه سگالش استوار است آیا نکنند اندیشه ونیست در پیغمبر ایشان
من جنة ان هو الا نذير مبين ۝ اولم ينظروا في ملكوت السموات
از هیچ یکی بدرستی او مگر بیم کننده پیدا آیا ننگرستند در پادشاهی آسمانها

وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللّٰهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَ

وزمین وآنچه آفرید خدا از چیز وآنکه نشاید اینکه باشد بتحقیق نزدیک

أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ۝ مَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَلَا هَادِيَ

مهلت ایشان پس بکدام سخنی پس او بگروند گمراه کند خدا پس نیست هیچ راه نماینده

لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ

مراورا وبگذارد ایشانرا در گمراهی ایشان که کور شوند می پرسند ترا از روز قیامت کیست

مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي

ایستادن آن بگوای محمد صلعم نیست بکردانستن آن نزد پروردگار من نگشاید ازاهر انه وقت آن مگر او گران شود در

السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ

آسمانها وزمین نیاید شمارا مگر ناگهان می پرسند ترا چنانستی

حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللّٰهِ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

دهنده ازان بگوای محمد نیست بکردانستن ان نزد خدا ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللّٰهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ

بگوای محمد نتوانم رسانید مرتن خود را سودی ونه زیانی مگر آنچه خواهد خدا واگر بودم که بدانم غیب

لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ

هر آئنه بسیار کردی از نیکوئی ونه رسیدی بدی یعنی فقر نیستم من مگر بیم کنم ومژده دهنده

لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا

مرگروه که بگروند اوست الخدا که بیافرید شمارا از تنی تنها یعنی آدم وبکرد ازان

زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ

جفت آن تا آرام گیرد سوی آن پس چون نزدیک شد او برگرفت باری سبک پس برفت بدان

فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللّٰهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ

پس چون گران شد بخواند خدا پروردگار خود را اگر بدادی ایشانرا نیکمردی هر آئنه باشیم از

خمس

معانقة ع غرب

الشَّاكِرِينَ

الشاكرين ۝ فلما ءاتىهما صالحا جعلا له شركآء فيما ءاتىهما

شاکران پس چون بداد ایشانرا فرزندی نیکو کردند مر اورا انبازان در انچه بداد ایشانرا

عشر فتعالى الله عما يشركون ۝ ايشركون ما لا يخلق شيئا وهم

پس پاکست خدای عز و جل از انچه انباز میکیرند ایا انباز میکیرند انچه را نتواند آفرید چیزی واینان

يخلقون ۝ ولا يستطيعون لهم نصرا ولا انفسهم ينصرون ۝

آفریده شدند ونتوانند مر ایشانرا یاری دادن ونه تنهای خودرا یاری دادن

وان تدعوهم الى الهدى لا يتبعوكم سوآء عليكم ادعوتموهم

واکر بخوانید ایشانرا سوی راه راست نمیکنند پیروی شما برابرست بر شما ایا بخوانید شما ایشانرا

ام انتم صامتون ۝ ان الذين تدعون من دون الله عباد امثالكم

یا شما خاموش باشید بدرستی انانکه میخوانید از جز خدای بندکانند مانند شما

فادعوهم فليستجيبوا لكم ان كنتم صادقين ۝ الهم ارجل

پس بخوانید ایشانرا پس کو پاسخ دهند مر شمارا اکر هستید راست کویان ایا هست مر ایشانرا پایها که

يمشون بها ام لهم ايد يبطشون بها ام لهم اعين يبصرون

میروند بدان یا مر ایشانرا دستها میکیرند بان یا مر ایشانرا چشمها که می بینند

بها ام لهم اذان يسمعون بها قل ادعوا شركآءكم ثم

بآن یا مر ایشانرا کوشها که می شنوند بان بکو ای محمد بخوانید انبازان خودرا پس

كيدون فلا تنظرون ۝ ان ولىى الله الذى نزل الكتاب ۝

سکالش کنید پس امان داده نشوید بدرستیکه دوست من خدای است آنکه فرستاد کتاب

وهو يتولى الصالحين ۝ والذين تدعون من دونه لا يستطيعون

واو دوست دارد نیکوکارانرا وانانکه میخوانند از جز او نتوانند

نصركم ولا انفسهم ينصرون ۝ وان تدعوهم الى الهدى

یاری رسانیدن ایشانرا ونه تنهای ایشانرا یاری رسانند واکر بخوانید شما ایشانرا سوی راه راست

لا يسمعوا وتريهم ينظرون اليك وهم لا يبصرون ○ خذ العفو

شنوند وبه بینی ایشان را بر بینند سوی تو وایشان نه بینند یاری بگیر عفو کردن

وأمر بالعرف واعرض عن الجاهلين ○ واما ينزغنك من

وبفرما به نیکوکاری وروی بگردان از نادانان واگر بشورانند ترا از

الشيطان نزغ فاستعذ بالله انه سميع عليم ○ ان الذين اتقوا عشر

دیو شورانیدنی پس پناه گیر بخدا بدرستیکه او شنوا و داناست بدرستی اٰنانکه بپرهیزند

اذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا فاذا هم مبصرون ○ واخوانهم

چون لب یدشان گروهی از دیو یاد کنند پس چون ایشان بشند بینندگان وبرادرانشان

يمدونهم في الغي ثم لا يقصرون ○ واذا لم تأتهم بآية قالوا

میکشند ایشان را در گمراهی پس نکنند کوتاهی وچون نیاوری ایشان را حجتی گفتند

لولا اجتبيتها قل انما اتبع ما يوحى الي من ربي هذا بصائر

اگر برنگزیدی اٰنرا بگوی محمد بدرستیکه من پیروی کنم اٰنچه وحی شد سوی من از پروردگار من اینست بینایها

من ربكم وهدى ورحمة لقوم يؤمنون ○ واذا قرئ

از خداوند شما وراه راست نمودن وبخشایش مرگروهی را که بگروند وچون خوانده شود

القرآن فاستمعوا له وانصتوا لعلكم ترحمون ○ واذكر ربك

قراٰن پس بشنوید مراورا وباشید خاموش تا مگر شما بخشیده شوید ویاد کن خداوندت

في نفسك تضرعا وخيفة ودون الجهر من القول بالغدو

در تن خود بزاری کردن وترسیدن وجز بلند از گفتن بامدادان

والآصال ولا تكن من الغافلين ○ ان الذين عند ربك خمس

وشبانگاه ونباشی از بیخبران بدرستیکه اٰنان که نزد پروردگار تو

لا يستكبرون عن عبادته ويسبحونه وله يسجدون ○ سجده مسنونه

نکنند بزرگ منشی از بندگی او وبپاکی یاد کنند اورا ومراورا سجده کنند

ثلث او رباع حزب

سورة الانفال وهي خمس وسبعون اية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يسئلونك عن الانفال قل الانفال لله والرسول فاتقوا الله

می پرسند ترا از غنیمتها بگوای محمد غنیمتها مر خدا راست و پیغمبر را پس بپرهیزید خدای را

واصلحوا ذات بينكم واطيعوا الله ورسوله ان كنتم مؤمنين

و بصلاح باشید انکه میان شما و فرمان برداری کنید خدای و پیغمبر اورا اگر هستید شما گرویدگان

انما المؤمنون الذين اذا ذكر الله وجلت قلوبهم واذا تليت

نیستگر گرویدگان انانکه چون یاد کرده شود خدای تبرسد دلهای ایشان و چون خوانده شود

عليهم اياته زادتهم ايمانا وعلى ربهم يتوكلون

برایشان ایات او زیاده شود ایشان را ایمان و بخداوند ایشان توکل میکنند

الذين يقيمون الصلوة ومما رزقناهم ينفقون اولئك

انانکه بپای میدارند نماز را و از آنچه روزی دادیم ایشانرا نفقه میکنند ایشانند

هم المؤمنون حقا لهم درجات عند ربهم ومغفرة ورزق

ایشان گروندگان براستی مر ایشانراست پایگاهها نزد پروردگار ایشان و آمرزش و روزی خوش

كريم كما اخرجك ربك من بيتك بالحق وان فريقا

و گرامی همچنانکه بیرون آورد ترا خداوند تو از خانه تو براستی و بدرستی گروهی

خمس

من المؤمنين لكارهون يجادلونك في الحق بعد ما

از گرویدگان هر آئینه دشوار میدارند خصومت میکنند با تو در حق پس آنچه

تبين كانما يساقون الى الموت وهم ينظرون واذ يعدكم الله

پیدا شود چنانست که رانده میشوند سوی مرگ و ایشان می بینند و چون وعده کرد شمارا خدای

إحدى الطائفتين أنها لكم وتودون أن غير ذات الشوكة

بیکی از دو طایفه بدرستیکه آن مر شمارا است وخواهند اینکه جز خداوند قوت

تكون لكم ويريد الله أن يحق الحق بكلماته ويقطع دابر

باشد مر شمارا وخواهد خدای اینکه پیدا کند حق را بسخنان خود وببرد نسل

الكافرين ۝ ليحق الحق ويبطل الباطل ولو كره المجرمون ۝

ناگرویدگان را تا پیدا کند حق را وناپیدا کند باطل را اگرچه دشوار دارند ناگرویدگان

إذ تستغيثون ربكم فاستجاب لكم أني ممدكم بألف

چون فریاد خواهید از خداوند خویش پس اجابت کرد مر شمارا بدرستیکه من مدد کننده ام شمارا به هزار

من الملائكة مردفين ۝ وما جعله الله إلا بشرى ولتطمئن

از ملائکه یعنی فرشتگان پس یکدیگر ونکرد آنرا خدای مگر مژده وتا بیارامد

به قلوبكم وما النصر إلا من عند الله إن الله عزيز حكيم ۝ ع

بان دلهای شما ونیست یاری مگر از نزد خدای بدرستیکه خدای ارجمند ومحکم کار است

إذ يغشيكم النعاس أمنة منه وينزل عليكم من السماء

چون بپوشند شمارا خواب ایمن باشید ازان وفرستد برشما از آسمان

ماء ليطهركم به ويذهب عنكم رجز الشيطان ۝ وليربط

آب تا پاک کند شمارا بآن وببرد از شما پلیدی دیو وتا استوار کند

على قلوبكم ويثبت به الأقدام ۝ إذ يوحي ربك إلى

بر دلهای شما ومحکم کند بدان پایهای شمارا چون وحی کند خداوند تو سوی

الملائكة أني معكم فثبتوا الذين آمنوا سألقي في قلوب

فرشتگان بدرستیکه من با شماام پس ثابت دارند آنانکه گرویدند زود باشد که بیفکنم در دلهای

الذين كفروا الرعب فاضربوا فوق الأعناق واضربوا

آنانکه نگرویدند ترس را پس بزنید زبر گردنها وبزنید

عشر ع

منهم

ازایشان

مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ
ازایشان هر انگشت این بآن سبب است که ایشان خلاف کردند خدای و رسول اورا و هر کس
يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ذَٰلِكُمْ فَذُوقُوهُ
خلاف کند خدای و پیغمبر اورا پس بدرستیکه خدا سخت عقوبت است اینست شمارا پس بچشید اورا
وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ
و بدرستیکه مر کافران راست عقوبت آتش دوزخ ای آنکسانیکه گرویدید چون ببینید
الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ ۝ وَمَنْ يُوَلِّهِمْ خمس
آنانرا که نگرویدند جمله پس نگردانید ایشانرا پشتها و هر که بگرداند ایشانرا
يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ
آنروز پشت او مگر گردنده مر کارزار را یا برانگیزنده بسوی گروهی پس تحقیق بازگشت
بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ
بخشم از خدا و جای اوست دوزخ و بد جاییست جای بازگشت ایشان پس نکشیدشان
وَلَٰكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ
ولیکن خدای کشت ایشانرا و نه انداختی تو ای محمد چون بینداختی ولیکن خدای بینداخت
وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ ذَٰلِكُمْ
و تا بیازماید گرویدگانرا ازان آزمودن نیکو بدرستیکه خدا شنوا و دانا است اینست شمارا
وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ ۝ إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ
و بدرستی خدا خوار کننده است سگالش ناگرویدگانرا اگر نصرت خواهید پس بتحقیق بیامد شمارا
الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ
فتح و نصرت و اگر باز ایستید پس او بهتر مر شمارا و اگر باز گردید شما باز گردیم ما و هرگز بکار نیاید
عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ ع
لشکر من از شما گروه شمارا چیزی و اگرچه بسیار باشند و بدرستیکه خدا با گرویدگان است

يا أيها الذين آمنوا أطيعوا الله ورسوله ولا تولوا عنه وأنتم
اى انكسان كه بكرويديد فرمان بريد خداى را و پيغمبر او را و مكرويد ازاو و شما
تسمعون ولا تكونوا كالذين قالوا سمعنا وهم لا يسمعون عشر
مى شنويد و مباشيد همچون آنكسانكه گفتند شنيديم و ايشان نمى شنوند
إن شر الدواب عند الله الصم البكم الذين لا يعقلون
بدرستى بدترين جنبندگان نزد خداى كران گنگانند آنانكه درنمى يابند
ولو علم الله فيهم خيرا لأسمعهم ولو أسمعهم لتولوا وهم
واگر بدانستى خداى در ايشان نيكى بشنوانيدى ايشان را واگر بشنوانيدى ايشان را هر آينه بركشتندى و ايشان
معرضون يا أيها الذين آمنوا استجيبوا لله وللرسول إذا
روى گردانندگانند اى انكسان كه گرويديد اجابت كنيد مر خداى را و مر پيغمبر را چو
دعاكم لما يحييكم واعلموا أن الله يحول بين المرء وقلبه
خواند شمارا تا زنده كند شمارا و بدانيد شما بدرستيكه خداى جدا كند ميان مرد و دل او
وأنه إليه تحشرون واتقوا فتنة لا تصيبن الذين ظلموا
و بدرستى او سوى او گرد كرده شويد و بپرهيزيد فتنه كردن را انكه نرسد آنانكه ستم كردند
منكم خاصة واعلموا أن الله شديد العقاب واذكروا خمس حزب
از شما خاصه و بدانيد بدرستيكه خداى سخت عقوبت است و ياد كنيد
إذ أنتم قليل مستضعفون في الأرض تخافون أن يتخطفكم
چون شما اندك ضعيف كرده شدگانيد در زمين مى ترسيد اينكه زبر بايكنند
الناس فآواكم وأيدكم بنصره ورزقكم من الطيبات
مردمان پس جاى داد شمارا و قوت داد شمارا يارى بمدد او و روزى شما كرد از حلالها
لعلكم تشكرون يا أيها الذين آمنوا لا تخونوا الله والرسول
تا مگر شما سپاس دارى كنيد اى انكسانكه گرويديد مكنيد خيانت مر خداى و پيغمبر

وتخونوا

وتخونوا اماناتكم وانتم تعلمون ۝ واعلموا انما اموالكم و
وتبرسید اماناتهای خودرا وشما میدانید وبدانید بدرستیکه مالهای شما
اولادكم فتنة وان الله عنده اجر عظيم ۝ يا ايها الذين
فرزندان شما فتنه است وبدرستیکه خدا نزداوست مزد بزرگ ای انکسانکه
امنوا ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا ويكفر عنكم سياتكم
گرویدید اگر پرهیزید خدائی بکند مرشمارا قران وکفارت کند ازشما بدیهای شما
ويغفر لكم والله ذو الفضل العظيم ۝ واذ يمكر بك الذين
ومی آمرزد مرشمارا وخدا خداوند افزونی بزرگ است وچون سگالش کنند ترا انانکه
كفروا ليثبتوك او يقتلوك او يخرجوك ويمكرون ويمكر
عشر
نگرویدند تا حبس کنند ترا یا بکشند ترا یا بیرون کنند ترا وسگالش کنند وجزای سگالش
الله والله خير الماكرين ۝ واذا تتلى عليهم اياتنا قالوا قد
دهد خدای وخدا بهترین مکرکنندگان است وچون خوانده شود برایشان ایات گویند بتحقیق
سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا ان هذا الا اساطير الاولين ۝
شنیدیم ما اگر خواهیم هرآینه گوئیم ما مانند این نیست این مگر نوشتهای پیشینیان
واذ قالوا اللهم ان كان هذا هو الحق من عندك فامطر
وچون گفتند بارخدایا اگر بود این اوحق از نزد تو پس بباران
علينا حجارة من السماء او ائتنا بعذاب اليم ۝ وما كان الله
برما سنگها از آسمان یا بیار عقوبت دردناک ونیست صفت خدای
ليعذبهم وانت فيهم وما كان الله معذبهم وهم يستغفرون
که عقوبت ایشانرا او تو درمیان ایشان ونیست که باشد خدای عذاب کننده ایشان وایشان امرزش خواهند
وما لهم الا يعذبهم الله وهم يصدون عن المسجد الحرام وما
ونیست مرایشانرا انکه عذاب نکند ایشانرا خدا وایشان رو میگردانند از مسجد حرام و

كانوا أولياءه إن أولياؤه إلا المتقون ولكن أكثرهم
نيستند ايشان دوستان او ونيستند دوستان او مگر پرهيزكاران وليكن بيشتر ايشان
لا يعلمون ۝ وما كان صلوتهم عند البيت إلا مكاء و
نميدانند ونيست نمازايشان نزد خانه كعبه مگر صفير زدن و
تصدية فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون ۝ إن الذين كفروا خمس
دستك زدن پس بچشيد عقوبت بدانچه بوديد كه نميگرويديد بدرستي آنانكه نگرويدند
ينفقون أموالهم ليصدوا عن سبيل الله فسينفقونها ثم
نفقه كردند مالهاي خودرا تا بگردانند از راه خداي پس زود باشد كه نفقه كنند آنرا
تكون عليهم حسرة ثم يغلبون والذين كفروا إلى
باشد برايشان حسرت وپشيماني پس غلبه كرده شوند وآنانكه نگرويدند سوي
جهنم يحشرون ۝ ليميز الله الخبيث من الطيب ويجعل الخبيث
دوزخ گرد كرده شوند تا جدا كند خدا كافران را از مومنان وبكند كافران
بعضه على بعض فيركمه جميعا فيجعله في جهنم أولئك
بهره ايشان بر بهره پس برهم نهد همه را پس بيندازد آنرا در دوزخ ايشان
هم الخاسرون ۝ قل للذين كفروا إن ينتهوا يغفر لهم ما قد ع
ايشان زيانكاران بگوي اي محمد صم مرآنانرا كه نگرويدند اگر باز مانند آمرزيده شود مرايشانرا آنچه
سلف وإن يعودوا فقد مضت سنت الأولين وقاتلوهم
پيش كردند واگر باز گردند پس تحقيق گذشته است نهاد پيشينيان وبكشيد ايشانرا
حتى لا تكون فتنة ويكون الدين كله لله فإن انتهوا
تا نباشند فتنه وباشد دين همه مر خداي را پس اگر باز ايستند
فإن الله بما يعملون بصير ۝ وإن تولوا فاعلموا أن الله مولىكم
پس بدرستيكه خداي بدانچه ميكنند بيناست واگر برگردند پس بدانيد بدرستيكه خداي يار شماست

نعم

١٠

الجزو العاشر
حزب

نعم المولى ونعم النصير ۝ واعلموا انما غنمتم من شيء
نیکو خدائیست و نیکو یاری کریست وبدانید که انچه غنیمت کیرید از چیزی
فان لله خمسه وللرسول ولذي القربى واليتامى والمسكين
پس بدرستی مر خدایراست پنج یک ان و مر پیغمبر را و مر قرابتان رسول الله را و به پدران و درویشان
وابن السبيل ان كنتم امنتم بالله وما انزلنا على عبدنا
و راه کذران را اکر هستید شما که بکرویده اید بخدا و انچه فرستادیم ما بر بنده خود
يوم الفرقان يوم التقى الجمعان والله على كل شيء قدير ۝
روز جدا کردن روزی که فراهم آید فرقه فرقه و خدا بر همه چیز تواناست
اذ انتم بالعدوة الدنيا وهم بالعدوة القصوى والركب
چون بودید بکناره وادی نزدیکتر وایشان بکناره وادی دورتر و کاروان
اسفل منكم ولو تواعدتم لاختلفتم في الميعاد ولكن
فرودتر از شما واکر وعده کردید شما هرائنه خلاف کردید شما در وعده ولیکن
ليقضي الله امرا كان مفعولا ليهلك من هلك عن بينة
تا حکم کند خدای کاری که بود کرده شده تا هلاک کند هر که هلاک شود از بیان پیدا کردن
ويحيى من حي عن بينة وان الله لسميع عليم ۝ اذ يريكهم
و زنده شود هر که زنده شود از حجت کردن و بدرستیکه خدا هرائنه شنواست دانا چون نمودی ایشان را
الله في منامك قليلا ولو اريكهم كثيرا لفشلتم ولتنازعتم
خدا در خواب تو اندک واکر نمودی شان بسیار هرائنه بددل کردید شما و مخالفت نمودید
في الامر ولكن الله سلم انه عليم بذات الصدور ۝ واذ
در کار ولیکن خدای فضا کرد بدرستی او داناست بانچه در دلها و سینههاست و چون
يريكموهم اذ التقيتم في اعينكم قليلا ويقللكم
نماید ایشان را چون فراهم آیید شما در چشمهای شما اندکی واندک نماید شما را در

اعينهم ليقضي الله امرا كان مفعولا والى الله ترجع الامور
چشمهای شما تا حکم کند خدای بکاری که بود کرده شده وسوی خدایست بازگشت کارها
يا ايها الذين امنوا اذا لقيتم فئة فاثبتوا واذكروا الله
ای آنکسانکه بگروید چون بهبینید گروهی را پس بیفشارید وخدای را یاد کنید
كثيرا لعلكم تفلحون ۝ واطيعوا الله ورسوله ولا تنازعوا خمس
بسیار تا مگر شما رستگار شوید وفرمان بردار کنید خدای را ورسول اورا ومکنید منازعت
فتفشلوا وتذهب ريحكم واصبروا ان الله مع الصابرين ۝
پس بددلی کنید وبرود قوت شما وشکیبائی کنید بدرستیکه خدای با شکیبایان است
ولا تكونوا كالذين خرجوا من ديارهم بطرا ورئاء
ومباشید همچون آنانکه بیرون آمدند از خانهای خود از روی سرکشی ونمودن
الناس ويصدون عن سبيل الله والله بما يعملون محيط
مردمان وبازمیدارند از راه خدا وخدایست بدانچه میکنند علم او در گیرنده
واذ زين لهم الشيطان اعمالهم وقال لا غالب لكم اليوم من
وچون بیاراست مرایشانرا دیو کارهای ایشان وگفت نیست غلبه کننده مرشمارا امروز از
الناس واني جار لكم فلما تراءت الفئتان نكص
مردمان وبدرستیکه من یاری دهنده ام مرشمارا پس چون بدیدند یکدیگرا هر دو گروه برگشت
على عقبيه وقال اني بريء منكم اني ارى ما لا ترون
بر پاشنهای خود وگفت بدرستیکه من بیزارم از شما بدرستیکه من می بینم آنچه نمی بینید شما
اني اخاف الله والله شديد العقاب ۝ اذ يقول المنافقون ع
بدرستیکه من میترسم از خدا وخدای سخت عقوبت است چون گفتند دو رویان
والذين في قلوبهم مرض غر هؤلاء دينهم ومن يتوكل
وآن کسانکه در دلهای ایشان بیماریست بفریفت ایشانرا کیش ایشان وهرکه توکل کند

على الله

على الله فان الله عزيز حكيم ○ ولو ترى اذ يتوفى الذين

برخدای پس بدرستیکه خدای ارجمند استوارکارست واگر بینی که چون میراند آنکسان که

كفروا الملائكة يضربون وجوههم وادبارهم وذوقوا

نگرویدند که فرشتگان میزنند رویهای ایشانرا و پشتهای ایشانرا و بچشید

عشر عذاب الحريق ○ ذلك بما قدمت ايديكم وان الله ليس بظلام

عقوبت سوزان را این بدانچه و پیش فرستاد دستهای شما و بدرستیکه خدا نیست ستمکار

للعبيد ○ كداب آل فرعون والذين من قبلهم كفروا

مر بندگان را چون عادت پیروان فرعون وآنکسانکه از پیش ایشان نگرویدند

بايات الله فاخذهم الله بذنوبهم ان الله قوي شديد العقاب

بآیات خدای پس بگرفت ایشانرا خدا بگناهان ایشان بدرستی که خدا نیرومندست سخت عقوبت

ذلك بان الله لم يك مغيرا نعمة انعمها على قوم حتى يغيروا

آن بدانست که خدای نباشد گرداننده نعمتی را که انعام ازان بر گروهی تا نگردانند

ما بانفسهم وان الله سميع عليم ○ كداب آل فرعون والذين

آنچه بر تنهای ایشان و بدرستیکه خدا شنونده داناست مانند عادت پیروان فرعون وآنکسانکه

من قبلهم كذبوا بايات ربهم فاهلكناهم بذنوبهم

از پیش ایشان دروغ زن داشتند بآیات پروردگار خویش پس هلاک کردیم ایشانرا بگناهان ایشان

واغرقنا آل فرعون وكل كانوا ظالمين ○ ان شر الدواب

وغرق کردیم پیروان فرعون را وهرکسی که ازایشان بودند ستمکاران بدرستیکه بدترین جنبندگان

خمس عند الله الذين كفروا فهم لا يؤمنون ○ الذين عاهدت

نزد خدا آنکسان اند که نگرویدند پس ایشان نمیگروند آنانکه عهد بستی

منهم ثم ينقضون عهدهم في كل مرة وهم لا يتقون ○

ازایشان پس میشکنند عهدایشان در هر باری وایشان نمی پرهیزند

فاما تثقفنهم في الحرب فشرد بهم من خلفهم لعلهم يذكرون

پس اگر دریابی ایشان را در جنگ پس بران بدیشان از پس ایشان تا مگر ایشان پند گیرند

واما تخافن من قوم خيانة فانبذ اليهم على سواء ان الله

واگر بترسی از گروهی خیانت کردن پس بینداز سوی ایشان برابری بدرستیکه خدا

لا يحب الخائنين ۝ ولا يحسبن الذين كفروا سبقوا ع

ندارد دوست خاینان را ومپندار آنانکه نکرویدند پیش شدند

انهم لا يعجزون ۝ واعدوا لهم ما استطعتم من قوة ومن

بدرستیکه ایشان نتوانند که عاجز کنند ما را وآماده سازید مر ایشان را آنچه توانید شما از نیرومندی و از

رباط الخيل ترهبون به عدو الله وعدوكم واخرين

بستن اسپان که بترسانید بدان دشمن خدای را و دشمن خود را و دیگران را

من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم وما تنفقوا من شيء

از جز ایشان که نمیدانید ایشان خدای میداند ایشان را وآنچه نفقه کنید از چیزی

في سبيل الله يوف اليكم وانتم لا تظلمون ۝ وان جنحوا عشر

در راه خدای تمام داده شود سوی شما وشما ستم کرده نشوید واگر میل کنند

للسلم فاجنح لها وتوكل على الله انه هو السميع العليم ۝

بصلح پس میل کن مر آنرا و توکل کن بر خدا بدرستیکه اوست شنوای دانا

وان يريدوا ان يخدعوك فان حسبك الله هو الذي ايدك

واگر خواهند که بفریبند ترا پس بدرستی بسنده ترا خدای اوست آنکه قوی گردانید ترا

بنصره وبالمؤمنين ۝ والف بين قلوبهم لو انفقت ما في

بنصرت خود وبگرویدگان وفراهم آورد میان دلهای ایشان اگر نفقه کنی آنچه در

الارض جميعا ما الفت بين قلوبهم ولكن الله الف

زمین است همه نیاری فراهم آورد میان دلهای ایشان ولیکن خدای فراهم آورد

بینهم

٤٠ بينهم انه عزيز حكيم ۝ يا ايها النبي حسبك الله ومن اتبعك

ميان ايشان بدرستيكه اوست ارجمند محكم كار اى پيغمبر بسنده است ترا خداى و هركه پيروى كند ترا

من المؤمنين ۝ يا ايها النبي حرض المؤمنين على القتال

از مومنان اى پيغمبر ترغيب كن و گرم ساز مومنان را بر كارزار

ان يكن منكم عشرون صابرون يغلبوا مائتين وان

اگر باشند از شما بيست تن صبر كنندگان غلبه كنند دويست تن و اگر

يكن منكم مائة يغلبوا الفا من الذين كفروا بانهم

باشند از شما صد تن غلبه كنند هزار تن را از آنكه انكه كافر شدند بدرستيكه ايشان

خمس آن بدرستيكه قوم لا يفقهون ۝ الآن خفف الله عنكم وعلم ان فيكم ضعفا

گروهى اند كه نميدانند اكنون سبك كرد خداى از شما و بدانست كه در شما سستى است

فان يكن منكم مائة صابرة يغلبوا مائتين وان يكن

پس اگر باشند از شما صد تن صبر كننده غلبه كنند دويست تن را و اگر بوده باشند

منكم الف يغلبوا الفين باذن الله والله مع الصابرين ۝

از شما هزار تن غلبه كنند دو هزار تن را بفرمان خداى و خداى با صبر كنندگان است

ما كان لنبي ان يكون له اسرى حتى يثخن في الارض

نيست و نباشد مر پيغمبر را كه باشند مر او را اسيران تا بكشند در زمين

٤ تريدون عرض الدنيا والله يريد الآخرة والله عزيز حكيم ۝

ميخواهيد متاع اين جهان و خدا ميخواهد آن جهان و خدا ارجمند محكم كار است

لولا كتاب من الله سبق لمسكم فيما اخذتم عذاب عظيم ۝

اگر نه كتابى بودى از خداى پيش فرمان كه پيش شده بود هر آينه رسيدى شما را در آنچه بگرفتيد شما عقوبت بزرگ

فكلوا مما غنمتم حلالا طيبا واتقوا الله ان الله غفور رحيم ۝

پس بخوريد از آنچه غنيمت گرفتيد حلال پاك و بپرهيزيد خداى را بدرستيكه خدا آمرزنده بخشاينده است

يا أيها النبي قل لمن في أيديكم من الأسرى إن يعلم الله في
ای پیغمبر بگو مران را در دست شمااند از اسیران اگر داند خدای در
قلوبكم خيرا يؤتكم خيرا مما أخذ منكم ويغفر لكم والله
در دلهای شما بهتر بدادی شمارا بهتر ازانچه گرفته شد از شما وبیامرزد مر شمارا وخدا
غفور رحيم ۝ وإن يريدوا خيانتك فقد خانوا الله من قبل عشر
آمرزنده است بخشاینده واگر خواهند خیانت ترا پس بتحقیق خیانت کردند با خدا از پیش
فأمكن منهم والله عليم حكيم ۝ إن الذين آمنوا وهاجروا
پس دوست دارد ازایشان وخدا داناست محکم کار بدرستی انانکه بگرویدند وهجرت کردند
وجاهدوا بأموالهم وأنفسهم في سبيل الله والذين آووا ونصروا
وجهاد کردند بخواستهای خود وتنهای خود در راه خدا وانکه انکه جای دادند ویاری
أولئك بعضهم أولياء بعض والذين آمنوا ولم يهاجروا ما لكم
ایشانند بهره ایشان دوستان بهره وانکسانکه بگرویدند ونکردند هجرت نیست مر
من ولايتهم من شيء حتى يهاجروا وإن استنصروكم في
از ولایت ایشان از چیزی تا هجرت کنند واگر یاری خواهند از شما در
الدين فعليكم النصر إلا على قوم بينكم وبينهم ميثاق
دین پس بر شماست یاری دادن مگر بر گروه که میان ایشان ومیان شما پیمان وعهد
والله بما تعملون بصير ۝ والذين كفروا بعضهم أولياء بعض
وخدای بدانچه میکنید بیناست وانکسانکه نگرویدند بهره ایشان دوستان بهره اند
إلا تفعلوه تكن فتنة في الأرض وفساد كبير ۝ و
اگر نکنید ازانکه فرمودیم حاصل شود فتنه در زمین وتباهی بزرگ
الذين آمنوا وهاجروا وجاهدوا في سبيل الله والذين آووا
انانکه گرویدند وهجرت کردند وجهاد کردند در راه خدا وانکسانکه جای دادند

ونصروا

خمس

وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

و یاری کردند ایشانند ایشان گروندگان براستی مر ایشانرا آمرزش و روزی کرامی

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَٰئِكَ

و آنانکه گرویدند از پس و هجرت کردند و جهاد کردند با شما پس ایشانند

مِنْكُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ

از شما و خداوندان خویشاوندان بهره ایشان سزاوارتر بهره در کتاب خدا

إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ○

سورة التوبة وهي مائة وتسع وعشرون آية

بدرستیکه خدای بهمه چیز داناست

بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ○

بیزاریست یعنی کفر و نفاق از خدای و پیغمبر او سوی آنکه عهد کردیم از مشرکان

فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي

پس بروید در زمین چهار ماه و بدانید بدرستیکه شما جز عاجز ارندگان نید

اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ ○ وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ

خدای و بدرستیکه خدا رسوا کننده ناگروندگانست و آگاهیدنی از خدا و رسول او سوی مردمان

يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ

روز حج بزرگتر یعنی عید قربان بدرستیکه خدا بیزارست از انباز گیرندگان و پیغمبر او نیز بیزارست پس اگر

تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي

توبه کنید پس آن بهترست بر شما و اگر بگردید شما پس بدانید بدرستی که ایشان نیستند عاجز کننده

اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ○ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ

دفع عذاب خدا و مژده ده آنکه نگرویدند بعقوبت دردناک مگر آنکه عهد کردند

مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ

از انباز گیرندگان پس کم نکنند شمارا چیزی و یاری نکنند بر شما

أحدا فأتموا إليهم عهدهم إلى مدتهم إن الله يحب المتقين ۝
کسی را پس تمام کنید سوی ایشان عهد ایشان را سوی مدت ایشان بدرستیکه خدا دوست دارد پرهیزکاران را
فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم
پس چون بگذارد ماههای حرام پس بکشید انباز گیرندگان را هرکجا بیابید شما ایشان را
وخذوهم واحصروهم واقعدوا لهم كل مرصد فإن تابوا و
و بگیرید ایشان را و بازدارید ایشان را و بنشانید مر ایشان را هر راهی پس اگر توبه کنند و
أقاموا الصلوة وآتوا الزكوة فخلوا سبيلهم إن الله غفور رحيم خمس
بپای دارند نماز را و بدهند زکوه مال را پس بگذارید راه ایشان را بدرستیکه خدا آمرزنده است
وإن أحد من المشركين استجارك فأجره حتى يسمع كلام الله
و اگر یکی از مشرکان زینهاری خواهد از تو پس زینهار ده ورا تا آنکه بشنود کلام خدا
ثم أبلغه مأمنه ذلك بأنهم قوم لا يعلمون ۝ كيف
پس برسان اورا بایمنی جای او این برای آنست که ایشان گروهی اند که نمیدانند حقیقت ایمان چگونه
يكون للمشركين عهد عند الله وعند رسوله إلا الذين
میباشد مر مشرکان را عهدی نزد خدا و نزد پیغمبر او مگر آنکه با
عاهدتم عند المسجد الحرام فما استقاموا لكم فاستقيموا
عهد کردید شما نزد مسجد حرام پس مادام که استقامت ورزند مر شما را پس راست ایستید
لهم إن الله يحب المتقين ۝ كيف وإن يظهروا عليكم ع
مر ایشان را بدرستیکه خدا دوست میدارد پرهیزکاران را چگونه و اگر ظاهر شوند بر شما
لا يرقبوا فيكم إلا ولا ذمة يرضونكم بأفواههم وتأبى
نگاه دارند در شما دوستی و گردن نهادن راضی کنند شما را بدهنهای خویش و سرباز زنند
قلوبهم وأكثرهم فاسقون ۝ اشتروا بآيات الله ثمنا
دلهای ایشان و بسیاری ایشان تباه کارانند بدل کردند بحجتهای خدا بهای

قليلا

قليلا فصدوا عن سبيله انهم ساء ما كانوا يعملون ۝ لا يرقبون

اندکی پس روی بگردانیدند از راه او بدرستیکه ایشان بدست آنچه بودند میکردند نگاه ندارند

عشر في مؤمن الا ولا ذمة واولئك هم المعتدون ۝ فان تابوا

در مومنی نه عهدی و وفای عهدی و ایشان عهد شکنندگان و از حد گذرندگان پس اگر توبه کنند

واقاموا الصلوة واتوا الزكوة فاخوانكم في الدين ونفصل

و بپای دارند نماز را و بدهند زکوة مال را پس برادران شما اند در دین و ما جدا کنیم

الايات لقوم يعلمون ۝ وان نكثوا ايمانهم من بعد

ایات را مر گروهی را که بدانند و اگر بشکنند عهدهای ایشان از پس

عهدهم وطعنوا في دينكم فقاتلوا ائمة الكفر انهم لا ايمان

پیمان ایشان و طعنه کنند در دین شما پس کارزار کنید و بکشید پیشوایان کفر را بدرستی که نیست عهدی

لهم لعلهم ينتهون ۝ الا تقاتلون قوما نكثوا ايمانهم

مر ایشان را تا مگر ایشان باز ایستند ایا کارزار نمیکنید با گروهی که بشکستند عهد خود را

وهموا باخراج الرسول وهم بدؤكم اول مرة اتخشونهم

و قصد کردند به بیرون کردن از مکه پیغمبر را و ایشان اغاز کردند اول بار ایا میترسید شما

فالله احق ان تخشوه ان كنتم مؤمنين ۝ قاتلوهم يعذبهم الله

پس خدا سزاوارتر است باینکه بترسید از و اگر هستید شما گروید گان کارزار کنید با ایشان که عذاب کند ایشان را خدا

بايديكم ويخزهم وينصركم عليهم ويشف صدور قوم مؤمنين

بدستهای شما و رسوا کند ایشان را و نصرت دهد شما را بر ایشان و شفا دهد دلها و سینهها گروهی را که گرویده اند

ويذهب غيظ قلوبهم ويتوب الله على من يشاء والله عليم

و ببرد خشم دلهای ایشان را و توبه دهد خدای بر هر که خواهد و خدا دانا

خمس حكيم ۝ ام حسبتم ان تتركوا ولما يعلم الله الذين جاهدوا

استوار کار است ایا پنداریدی شما اینکه بگذارند تان و انگاه میداند خدا انکسان را که جهاد کردند

منكم ولم يتخذوا من دون الله ولا رسوله ولا المؤمنين
از شما و نه گرفتند از جز خدای و نه پیغمبر خدای و نه گرویدگان
وليجة والله خبير بما تعملون ۝ ما كان للمشركين ع
دوست را و خدای بهتر آگاهست بانچه میکنند نیست سزاوار مر مشرکان را
ان يعمروا مساجد الله شاهدين على انفسهم بالكفر
که عمارت کنند مسجدهای خدارا گواهی دهندگان بر تنهای ایشان بکفر ایشانند
حبطت اعمالهم وفي النار هم خالدون ۝ انما يعمر مساجد الله
که باطل شد کردارهای ایشان و در آتش دوزخ ایشان جاودانه نیست انکه مگر عمارت کنند مسجدهای
من امن بالله واليوم الاخر واقام الصلوة واتى الزكوة ولم
انکه گرویدگان بخدای و روز بازپسین و برپای داشت نمازرا و بداد زکوة مال را و نه
يخش الا الله فعسى اولئك ان يكونوا من المهتدين ۝ حزب
ترسید مگر از خدای پس شاید ایشان بوده باشند از راه یافتگان
اجعلتم سقاية الحاج وعمارة المسجد الحرام كمن امن بالله
ایا میگردانیدتان آب دادن حج گذارندگان و اباد کنندگان مسجد حرام همچون کسی که ایمان
واليوم الاخر وجاهد في سبيل الله لا يستوون عند الله و
و روز بازپسین و کوشش کرد در راه خدا برابر نباشند نزد خدای
الله لا يهدي القوم الظالمين ۝ الذين امنوا وهاجروا وجاهدوا
خدای ننماید راه گروه ستمکاران را انانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و جهاد کردند
في سبيل الله باموالهم وانفسهم اعظم درجة عند الله و
در راه خدا بمالهای خود و بتنهای خود بزرگترست درجه ایشان نزد خدای
اولئك هم الفائزون ۝ يبشرهم ربهم برحمة منه ورضوان عشر ص
ایشانند ایشان رستگاران مژده میدهد ایشانرا پروردگار ایشان ببخشایش از و و خوشنودی

وجنات

وجنات لهم فيها نعيم مقيم ۝ خالدين فيها ابدا ان الله

وبستانها مرایشان را در آن نعمتی همیشه جاودانه در آن همیشه بدرستیکه خدا

عنده اجر عظيم ۝ يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا آباءكم

نزد اوست مزد بزرگ ای آنکسانکه گرویدید مگیرید پدران خودرا

واخوانكم اولياء ان استحبوا الكفر على الايمان ومن

وبرادران خودرا دوستان دین اگر دوست گیرند ایشان ناگرویدگان را بر گروندگان وهرکه

يتولهم منكم فاولئك هم الظالمون ۝ قل ان كان آباؤكم

دوست دارد ایشان زار شما پس ایشانند ایشان ستمکاران بگوای محمد ص اگر بودند پدران شما

وابناؤكم واخوانكم وازواجكم وعشيرتكم

وپسران شما وبرادران شما وزنان شما وخویشاوندان شما

واموال اقترفتموها وتجارة تخشون كسادها ومساكن

ومالهای شما که کسب کرده اند آنرا وبازرگانی که میترسید از بیرواجی آن وجایگاها که

ترضونها احب اليكم من الله ورسوله وجهاد في سبيله

می پسندید آنرا دوست تر سوی شما از خدا وپیغمبر او وکارزار کردن در راه خدا

فتربصوا حتى يأتي الله بامره والله لا يهدي القوم الفاسقين ۝

پس منتظر باشید تا بیاید عقوبت خدای بفرمان او وخدا ننماید راه گروه تباه کاران را

لقد نصركم الله في مواطن كثيرة ويوم حنين اذ اعجبتكم

بتحقیق یاری کرد شمارا خدا در جایگاهای بسیار وروز حنین چون بشگفت آورد شما

كثرتكم فلم تغن عنكم شيئا وضاقت عليكم

بسیاری شما پس دفع نکرد از شما چیزی وتنگ شد بر شما

خمس

الارض بما رحبت ثم وليتم مدبرين ۝ ثم انزل الله سكينته

زمین بدانچه فراخ بود پس پشت کردید وبرگشتند هزیمت شدگان پس فرستاد خدای آرامش خودرا

عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ
بر پیغمبر خود و بر مؤمنان و بفرستاد لشکری ندیدید آن را و عذاب کرد
الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ۝ ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ
آنان را که نگرویدند و اینست پاداش ناگرویدگان پس توبه میدهد خدای
مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
از پس این بر هر که خواهد و خدای آمرزنده بخشاینده است ای آنکسانکه
آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ
گرویدید نیستید مگر مشرکان و بت پرستان پس نشوید نزدیک مسجد حرام پس
عَامِهِمْ هَٰذَا ۚ وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ
سال ایشان این و اگر بترسید از درویشی پس زود باشد که بی‌نیاز کند شما را خدا از افزونی
إِنْ شَاءَ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
اگر خواهد بدرستیکه خدا داناست محکم کار کارزار کنید آنان را که نگرویدند بخدا
وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ
و نه بروز بازپسین و ندارند حرام آنچه حرام کرد خدای و پیغمبر او و نمیپذیرند
دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ
دین حق را از آنانکه داده شدند کتاب را یعنی توریة و انجیل تا بدهند جزیه
عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ ۝ وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ ع
از دست و ایشان خوارانند و گفتند جهودان که عزیر پسر خداست
وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ۖ ذَٰلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ
و گفتند ترسایان که عیسی پسر خداست اینست گفتارشان بدهنهای ایشان
يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ ۚ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّىٰ
مشابهت میسازند بگفتار آنانکه نگرویدند از پیش هلاک گردانیدشان خدا چگونه

يُؤْفَكُونَ

عشر

يُؤْفَكُونَ ۝ اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا

برمی میگردند از راه حق بگیرید عالمان ایشان را و زاهدان ایشان را خدایان

مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَٰهًا

از جز خدای و عیسی پسر مریم و نفرموده شدند مگر اینکه بپرستند خدای را

وَاحِدًا لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ يُرِيدُونَ أَنْ

که یگیست نیست خدا مگر او یکتا به پاکست او از آنچه انباز میکنند ایشان میخواهند اینکه

يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ

بمیرانند روشنائی خدا را بدهنهای خود و سرباز زنند خدا را مگر آنکه تمام کند روشنائی خود را

كَرِهَ الْكَافِرُونَ ۝ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ

دشوار دارند ناگرویدگان اوست آن خدا آنکه فرستاد پیغمبر خود را براه راست

وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ۝

و دین حق تا پیدا کند دین خود را بر دین همه واگرچه دشوار دارند مشرکان آن صورت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ

ای آنکسانیکه بگرویدید بدرستی که بسیاری از عالمان و زاهدان هر آینه میخورند

أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ

مالهای مردمان را بباطل و بازمیدارند مردمان را از راه خدا و آنکه

يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

جمع میکنند زر و نقره و نمیکنند نفقه آن را در راه خدا

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ

پس مژده ده ایشان را بعقوبت دردناک روزی که گرم کرده شود بر آن در آتش جهنم پس داغ کنند

بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ

بدان پیشانیهای ایشان و پهلوهای ایشان و پشتهای ایشان اینست آنچه گنج نهادید از برای تنهای خود

نصف الحزب

خمس

فذوقوا ما كنتم تكنزون ۝ انّ عدّة الشهور عند الله

پس بچشید آنچه بودید شما که گنج نهادید بدرستی که شمار ماهها نزد خدا

اثنا عشر شهرا في كتاب الله يوم خلق السموات والارض

دوازده ماه است در کتاب خدای روزی که آفرید آسمانها وزمین را

منها اربعة حرم ذلك الدين القيم فلا تظلموا فيهن انفسكم

ازان ماهها چهار ماه حرام است اینست دین راه پس ستم مکنید ازین ماهها بر تنهای خود

وقاتلوا المشركين كافة كما يقاتلونكم كافة واعلموا

وبکشید مشرکانرا همه همچنانکه کارزار میکنند ایشان همه ودانید

انّ الله مع المتقين ۝ انما النسيء زيادة في الكفر يضل به الذين

بدرستیکه خدای با پرهیزکاران است نیست تاخیر ماهی بماهی در جهاد زیادت در کفر که گمراه کنند بدان آنان

كفروا يحلونه عاما ويحرمونه عاما ليواطئوا عدة ما

کافر شدند حلال میدارند از سالی وحرام میدارند از سالی تا موافق باشند شمار آنچه

حرم الله فيحلوا ما حرم الله زين لهم سوء اعمالهم والله

حرام کرد خدا پس حلال میدارند آنچه حرام کرد خدا آراسته کرده شد مرایشانرا بدی کردارهای ایشان وخدا

لا يهدي القوم الكافرين ۝ يا ايها الذين امنوا ما لكم

ننماید راه گروه ناگرویدگان را ای آنکسانیکه گرویدید چیست مرشمارا

اذا قيل لكم انفروا في سبيل الله اثاقلتم الى الارض ارضيتم

چون گویند مرشمارا اگر بیرون بروید در راه خدا گران داریدو مایل شوید سوی زمین ایا پسندیدید

بالحيوة الدنيا من الاخرة فما متاع الحيوة الدنيا في الاخرة

زندگانی این جهان را ازان جهان پس نیست برخورداری زندگانی این جهان در جنب سرای آخرت

الا قليل ۝ الا تنفروا يعذبكم عذابا اليما ويستبدل

مگر اندک مگر بیرون شوید بحرب عذاب کنند شمارا عقوبت دردناک وبدل گیرد

چهار ماه حرام ذوقعده ذوحجه رجب محرم

ع

قوما غيركم

قوما غيركم ولا تضروه شيئا ط والله على كل شيء قدير ۝

گروهی جز شما ونرسانید زیان چیزی وخدای بر همه چیز تواناست

الا تنصروه فقد نصره الله اذ اخرجه الذين كفروا ثاني اثنين

مگر یاری میدهید پیغمبر او را پس بتحقیق یاری داد پیغمبر را خدای چون بیرون کردند او را آنانکه نگرویدند دوم دو

اذ هما في الغار اذ يقول لصاحبه لا تحزن ان الله معنا

چون هر دو بودند در غار چون گفت مر یار خود را مترس اندوهگین مباش بدرستیکه خدا با ماست

فانزل الله سكينته عليه وايده بجنود لم تروها وجعل

پس فرستاد خدای آرامش خود را براو وقوی گردانید او را بسپاهی که دیده نشود آن وگردانید

كلمة الذين كفروا السفلى ط وكلمة الله هي العليا ط والله

سخن آنانکه نگرویدند فروتر وسخن خدای آن برترست وخدا

عشر

عزيز حكيم ۝ انفروا خفافا وثقالا وجاهدوا باموالكم

ارجمند محکم کارست بیرون شوید سبکبار وسنگین وکارزار کنید بمالهای خود

وانفسكم في سبيل الله ط ذلكم خير لكم ان كنتم تعلمون ۝

وتنهای خود در راه خدا این بهترست مر شما را اگر هستید شما داننده

لو كان عرضا قريبا وسفرا قاصدا لاتبعوك ولكن بعدت

اگر بوده باشد غنیمتی نزدیک وسفری میانه هر آینه پیروی کندترا ولیکن دور شد

عليهم الشقة ط وسيحلفون بالله لو استطعنا لخرجنا معكم

برایشان رنج سفر دور وزود باشد که سوگند خورند بخدای اگر توانستیم ما هر آینه بیرون می‌آمدیم ما با شما

يهلكون انفسهم ط والله يعلم انهم لكاذبون ۝ عفا الله

هلاک کنند تنهای خود را وخدا میداند بدرستیکه ایشان هر آینه دروغگویانند درگذشت خدای

عنك لم اذنت لهم حتى يتبين لك الذين صدقوا وتعلم

از تو چرا فرمودی تو مر ایشان را تا پیدا شوند مر ترا آنانکه راست گفتند ومیداند

الكاذبين ۝ لا يستأذنك الذين يؤمنون بالله واليوم الآخر

دروغ گويان را نخواهند دستوري از تو آنانكه ميگروند بخداي وروز بازپسين

أن يجاهدوا بأموالهم وأنفسهم والله عليم بالمتقين ۝ إنما

اينكه جهاد ميكنند بمالهاي خود وتنهاي خود وخداي داناست به پرهيزكاران ميخواهند

يستأذنك الذين لا يؤمنون بالله واليوم الآخر وارتابت

دستوري از تو آنانكه نگرويدند بخداي وروز آخر ودر شك افتاد

قلوبهم فهم في ريبهم يترددون ۝ ولو أرادوا الخروج لأعدوا

دلهاي ايشان پس ايشان در گمان خود متردد باشند واگر ميخواستند بيرون رفتن هرآينه آماده كردندي

له عدة ولكن كره الله انبعاثهم فثبطهم وقيل اقعدوا

براي آن سازبرگ وليكن نپسنديد خداي بيرون آمدن ايشان را پس باز داشت ايشان را وگفته شد ايشان را

مع القاعدين ۝ لو خرجوا فيكم ما زادوكم إلا خبالا ولأوضعوا

با نشينندگان اگر بيرون مي شدند در شما نمي افزودند ايشان مگر فساد را وزشت...

خلالكم يبغونكم الفتنة وفيكم سماعون لهم والله

كه ميان شما ميجستند شما را فتنه ودر شما جاسوسان بود مر كفار را وخدا

عليم بالظالمين ۝ لقد ابتغوا الفتنة من قبل وقلبوا لك

داناست بستمكاران هرآينه بتحقيق جستند فتنه را از پيش وگردانيدند مر ترا

الأمور حتى جاء الحق وظهر أمر الله وهم كارهون ۝ ومنهم

كارها تا آمد راستي وپيدا شد فرمان خداي وايشان كراهت دارنده كانند واز ايشان

من يقول ائذن لي ولا تفتني ألا في الفتنة سقطوا وإن

هركه ميگويد دستوري ده مرا ومفكن مرا بدان در فتنه افتادند ودر...

جهنم لمحيطة بالكافرين ۝ إن تصبك حسنة تسؤهم

جهنم هرآينه گرد گيرنده است بنا گرويدگان اگر برسد ترا نيكي اندوهناك شوند

خمس

حزب

وإن تصبك

وَإِن تُصِبْكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِن قَبْلُ وَيَتَوَلَّوا
واکر برسد ترا غمی کویند بتحقیق کرفتیم ما کار خود از پیش و بر کردند

عشر وَّهُمْ فَرِحُونَ ۝ قُل لَّن يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ
وایشان شاد شوند بکوای محمد نمیرسد ما را مکر انچه نوشته است خدا برای ما اوست

مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا
خداوند ما و بر خدا است پس توکل کروندکان بکوای محمد هیچ چشم دارید شما بما مکر

إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَن يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ
یکی از دو نیکی و ما چشم داریم بشما اینکه برساند بشما خدا بعقوبتی

مِّنْ عِندِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُم مُّتَرَبِّصُونَ ۝ قُلْ
از نزد خود یا بدستهای ما پس منتظر باشید بدرستی با شما چشم دارندکانیم بکوای محمد

أَنفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّن يُتَقَبَّلَ مِنكُمْ إِنَّكُمْ كُنتُمْ قَوْمًا
نفقه کنید بخوشی منشی یا بناخوشی هرکز پذیرفته نشود از شما بدرستیکه شما بودید کروه

فَاسِقِينَ ۝ وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ
تباه کاران و باز نداشت ایشان را که پذیرفته شود از ایشان نفقه ایشان مکر اینکه ایشان

كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلٰوةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ
بکروند بخدای و بر پیغمبر او و نیایند بنماز مکر ایشان باشند کاهلان

وَلَا يُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ ۝ فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ
و نکنند نفقه مکر وقتیکه ایشان باشند کراهت دارندکان پس نباید بشکفت ترا مالهای ایشان

وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُم بِهَا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ
و نه فرزندان ایشان جز این نیست که میخواهد خدای تا عقوبت کند ایشان را بدان در این جهان و بیرون رود

خمس أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ۝ وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ
جانهای ایشان بصعوبت و ایشان ناکرویدکانند و میخورند سوکند بخدا بدرستیکه ایشان هر اینه از شما اند

وما هم منكم ولكنهم قوم يفرقون ۝ لو يجدون ملجأ

ونيستيد شما ازايشان وليكن ايشان كروهي اندكه ميترسند اكر بيابند پناه جائي

او مغارات او مدخلا لولوا اليه وهم يجمحون ۝ ومنهم

يا مغارها يا سوراخي كه پنهان توانند شد هر اينه روي كردانندي سوي او وايشان مي شتابند وازايشان

من يلمزك في الصدقات فان اعطوا منها رضوا وان لم يعطوا

هر كه عيب كند ترا در راستيها پس اكر داده شوند ازان خوشنود شوند واكر داده نشوند

منها اذا هم يسخطون ۝ ولو انهم رضوا ما اتيهم الله ورسوله

ازان چون ايشان خشم كيرند واكر ايشان به پسندند انچه داد ايشان را خدا وپيغمبر او

وقالوا حسبنا الله سيؤتينا الله من فضله ورسوله انا الى الله

وكويند بس است ما را خداي زود بدهد ما را خدا از افزوني خود وپيغمبر خود بدرستي ما سوي خدا

راغبون ۝ انما الصدقات للفقراء والمساكين والعاملين

رغبت كنندكانيم نيست مكر زكوة مال مر درويشان وفقيران وكاركزاران

عليها والمؤلفة قلوبهم وفي الرقاب والغارمين وفي

بران وفراهم اورده شده دلهاي ايشان ودر زر خريدها ووام داران ودر

سبيل الله وابن السبيل فريضة من الله والله عليم حكيم ۝

راه خدا وراه كذران فريضه كرده شده ازخداي وخداي داناست محكم كار

ومنهم الذين يؤذون النبي ويقولون هو اذن قل اذن

وازايشان انانكه ميرنجانند پيغمبر را وميكويند او كوش است بكو كوش

خير لكم يؤمن بالله ويؤمن للمؤمنين ورحمة للذين

بهتر است مر شما را كه ميكرود بخداي وتصديق دارد مر مومنان را وبخشايش مر انانست كه

امنوا منكم والذين يؤذون رسول الله لهم عذاب اليم ۝

كرويدند ازايشان وانانكه برنجانند پيغمبر خداي را براي ايشان عقوبت است دردناك

حزب ٤

ثلث عشر

يحلفون

خمس

ع

يحلفون بالله لكم ليرضوكم والله ورسوله احق ان يرضوه

سوگند میخورند بخدای مرایشان تا خوشنود کنند شمارا وخدا وپیغمبر او سزاوارترند ازا

ان كانوا مؤمنين ۝ الم يعلموا انه من يحادد الله ورسوله

اگر باشند گروندگان آیا نمیدانند بدرستیکه او هرکه خلاف کند خدا ورسول اورا

فان له نار جهنم خالدا فيها ذلك الخزي العظيم ۝ يحذر المنا

پس بدرستیکه مراورا است آتش دوزخ جاودانه دران اینست رسوائی بزرگ حذر میکنند منافقان

ان تنزل عليهم سورة تنبئهم بما في قلوبهم قل استهزءوا ان

که فرستاده شود برایشان سوره که خبر کند شان بدانچه در دلهای ایشانست بگو ای محمد افسوس کنید بدرستیکه

الله مخرج ما تحذرون ۝ ولئن سألتهم ليقولن انما كنا

که خدا بیرون ارنده است انچه حذر میکنید واگر بپرسی تو ایشانرا هرآینه گویند بدرستیکه بودیم

نخوض ونلعب قل ابالله واياته ورسوله كنتم تستهزءون ۝

که خوض وبازی میکردیم بگو ای محمد آیا بخدا ونشانهای او وبه پیغمبر او شما بودید که افسوس میکردید

لا تعتذروا قد كفرتم بعد ايمانكم ان نعف عن طائفة

مخواهید عذر بتحقیق کافر شدید شما پس گرویدن شما اگر عفو کرده شود از گروهی

منكم نعذب طائفة بانهم كانوا مجرمين ۝ المنافقون

از شما عقوبت کرده شود گروهی بدانچه ایشان بودند گناه کاران منافقان ازمردان

والمنافقات بعضهم من بعض يامرون بالمنكر وينهون

وزنان منافقه بهره ایشان از بهره میفرمایند بناشایست وبازمیدارند

عن المعروف ويقبضون ايديهم نسوا الله فنسيهم ان المنا

از نیکوئی وبسخت دارند دستهای خود را فراموش کردند خدا وفراموش کرد خدا ایشانرا بدرستیکه منافقان

هم الفاسقون ۝ وعد الله المنافقين والمنافقات والكفار

ایشانند تباه کاران وعده کرد خدا منافقان وزنان منافقه را وناگرویدگان را

نار جهنم خالدين فيها هي حسبهم ولعنهم الله ولهم عذاب
آتش دوزخ جاودانه دران جای این بس است ایشان را ولعنت کرد ایشان را خدا ومرایشان راست عقوبت
مقيم كالذين من قبلكم كانوا اشد منكم قوة واكثر
دایم مانند آنانکه از پیش شما بودند سختتر از شما بنیرو وبیشتری
اموالا واولادا فاستمتعوا بخلاقهم فاستمتعتم بخلاقكم
مالها وفرزندها پس برخوردید شما بنصیب خود پس برخوردند ایشان به نصیب خود
كما استمتع الذين من قبلكم بخلاقهم وخضتم كالذي
چنانچه برخوردند آنانکه از پیش شما بودند بنصیب خود ودر شدند چنانچه آنانکه
خاضوا اولئك حبطت اعمالهم في الدنيا والاخرة واولئك هم
درشدند این اند که باطل شد کردارهای ایشان در دنیا ودر آخرت وایشان اند ایشان
الخاسرون ۝ الم ياتهم نبا الذين من قبلهم قوم نوح وعاد
زیان کاران . آیا نیامد ایشان را خبر آنانکه از پیش ایشان بودند گروه نوح وعادیان
وثمود وقوم ابرهيم واصحاب مدين والمؤتفكات
وثمودیان وگروه ابراهیم ویاران مدین ودههای لوط علیه السلام
اتتهم رسلهم بالبينات فما كان الله ليظلمهم ولكن كانوا
آمد شان پیغمبران ایشان بحجتها پس نیست ونباشد خدا هرآئنه ستم کننده ایشان را ولیکن بودند
انفسهم يظلمون ۝ والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولياء عشر
تنهای خود را ستمکاران وگرویدگان از مردان وزنان مومنه بهره ایشان دوستان
بعض يامرون بالمعروف وينهون عن المنكر ويقيمون
بهره اند میفرمایند به نیکوئی وبازمیدارند از بدی وبپای میدارند
الصلوة ويؤتون الزكوة ويطيعون الله ورسوله اولئك
نماز را ومیدهند زکوة را وفرمان میبرند خدا وپیغمبر او را این ندک

سيرحمهم

سيرحمهم الله ان الله عزيز حكيم ۝ وعد الله المؤمنين و

زود رحمت كند ايشانرا خدا بدرستيكه خدا ارجمند محكم كارست وعده كرد خدا مردان گرويده و

المؤمنات جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها

زنان گرويده را بوستانها كه ميرود در زيران جويها جاودانه در آن

ومساكن طيبة في جنات عدن ورضوان من الله اكبر

و منزلهاى خوش در بوستانهاى مقيم و خوشنودى از خداى بزرگترست

ذلك هو الفوز العظيم ۝ يا ايها النبي جاهد الكفار والمنافقين

اينست آن رستگارى بزرگ اى پيغمبر جهاد كن با كافران و منافقان

واغلظ عليهم وماويهم جهنم وبئس المصير ۝ يحلفون بالله

و سخت گير بر ايشان و جاى ايشانست دوزخ و بدست جاى بازگشت ايشان سوگند ميخورند بخدا

ما قالوا ولقد قالوا كلمة الكفر وكفروا بعد اسلامهم

انچه گفتند و بتحقيق گفتند سخن كفر و كافر شدند پس اسلام خويش

وهموا بما لم ينالوا وما نقموا الا ان اغنيهم الله ورسوله من فضله

و قصد كردند بدانچه نيافتند و نه كينه كردند مگر آنكه بى نياز كردانيد ايشانرا خدا و پيغمبر او از افزون خود

فان يتوبوا يك خيرا لهم وان يتولوا يعذبهم الله عذابا اليما

پس اگر باز گردند باشد بهتر مر ايشانرا و اگر روى گردانند عذاب كند ايشانرا خدا عقوبت دردناك

حزب

في الدنيا والاخرة وما لهم في الارض من ولي ولا نصير ۝

در اين جهان و در آن جهان و نيست مر ايشانرا در زمين از دوستى و نه يارى دهى

ومنهم من عاهد الله لئن اتينا من فضله لنصدقن ولنكونن

و از ايشان كسيكه عهد كرد با خدا كه اگر بدهد ما را از فضل خود هر آئنه صدقه دهيم و هر آئنه باشيم

خمس

من الصالحين ۝ فلما اتيهم من فضله بخلوا به وتولوا وهم معرضون

از نيكوكاران پس چون داد ايشانرا از فضل خود بخل كردند بدان و روى گردانيدند و ايشان گردنده اند

فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا
پس از پی داشت وادا ایشان را بنفاقی در دلهای ایشان سوی روزی که بینند ازو بدانچه خلاف کردند خدا را آنچه
وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ
وعده کرده بودندش وبدانچه بودند دروغ زنان آیا نمیدانند بدرستیکه خدا میداند نهان ایشان
وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ
و راز گفتن ایشان و بدرستیکه خدا بغایت داننده غیبهاست آنانکه عیب کنند از طاعت دارندگان
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ
از مومنان را در صدقها و آنانکه نیابند مگر طاعت خود
فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ اسْتَغْفِرْ
پس افسوس میکنند ازایشان مکافات کند خدای ازایشان و مرایشان راست عقوبت دردناک آمرزش خواهی
لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ
مرایشان را یا آمرزش مخواه مرایشان را اگر آمرزش خواهی مرایشان را هفتاد بار پس هرگز
يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
نیامرزد خدای مرایشان را اینست بدرستیکه ایشان کافر شدند بخدا و پیغمبر او و خدا ننماید راه
الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ
گروه تباه کاران پس شاد شدند ماندگان بنشستن ایشان خلاف کردن پیغمبر خدای
وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ
و دشوار داشتند اینکه کارزار کنند بمالهای خود و تنهای خود در راه خدا و
قَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ
گفتند مروید بیرون در گرما بگوای محمد آتش دوزخ سخت ترست بگرمی اگر باشند دریابند
فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
پس گو بخندید اندکی و گو بگریید بسیار پاداشن باید بدانچه بودید کسب میکردید

عشر

فان رجعك

فان رجعك الله الى طائفة منهم فاستاذنوك للخروج فقل محمد

پس اگر بازآرد ترا خدای سوی گروهی ازایشان پس دستوری خواهند از تو مر بیرون آمدن را پس بگوای

لن تخرجوا معي ابدا ولن تقاتلوا معي عدوا انكم رضيتم

هرگز بیرون نیایند با من همیشه و هرگز کارزار نکنید با من بدشمنی بدرستیکه ایشان خوشنود شدند

بالقعود اول مرة فاقعدوا مع الخالفين ۝ ولا تصل على احد

بنشستن نخست بار پس نشستند با پس ماندگان ومکن بر ایشان یکی

منهم مات ابدا ولا تقم على قبره انهم كفروا بالله و

ازایشان بمیرد همیشه و مایست بر قبر او بدرستیکه ایشان ناگرویدگانند بخدای و

رسوله وماتوا وهم فاسقون ۝ ولا تعجبك اموالهم واولادهم

پیغمبر او و مردند و ایشان تباه کارانند ونمی آرد بشگفت مالهای ایشان و فرزندان ایشان

انما يريد الله ان يعذبهم بها في الدنيا وتزهق انفسهم وهم

نیست مگر آنکه میخواهد خدای آنکه عقوبت ایشان بدان در دنیا و بمیرد تنهای ایشان و ایشان

خمس

كافرون ۝ واذا انزلت سورة ان امنوا بالله وجاهدوا مع

ناگرویدگانند وچون فرستاده شود سورتی اینکه بگروید بخدای و کارزار کنید با

رسوله استاذنك اولوا الطول منهم وقالوا ذرنا نكن مع

پیغمبر او دستوری خواهند از تو خداوندان توانگری ازایشان وگفتند بگذار ما را که باشیم با

القاعدين ۝ رضوا بان يكونوا مع الخوالف وطبع على

نشستگان خوشنود شدند بآنکه باشند با پس ماندگان و مهر کرده شد بر

قلوبهم فهم لا يفقهون ۝ لكن الرسول والذين امنوا معه

دلهای ایشان پس ایشان نمی فهمند لیکن پیغمبر و آنانکه بگرویدند با او

جاهدوا باموالهم وانفسهم واولئك لهم الخيرات و

کارزار کردند با مالهای خویش و تنهای خویش و ایشانند مر ایشان راست نیکوییها و ایشانند

هم المفلحون ۝ اعد الله لهم جنات تجري من تحتها الانهار

ایشان رستگاران بساخت ومهیا کرد خدا مر ایشان را بوستانها که میرود در زیر آن جویها

خالدين فيها ذلك الفوز العظيم ۝ وجاء المعذرون من ع

جاودانه در آن جای اینست رستگاری بزرگ وآمدند عذر آرندگان از

الاعراب ليؤذن لهم وقعد الذين كذبوا الله ورسوله

اعرابیان تا دستوری دهد مر ایشان را ونشستند انانکه دروغ گفتند وخلاف کردند خدا را و پیغامبر را

سيصيب الذين كفروا منهم عذاب اليم ۝ ليس على الضعفاء عشر

زود باشد که برسد انانکه نگرویدند از ایشان عقوبت دردناک نیست برنا توانان

ولا على المرضى ولا على الذين لا يجدون ما ينفقون حرج

ونه بر بیماران ونه بر انانکه نیابند انچه نفقه کنند بزه

اذا نصحوا لله ورسوله ما على المحسنين من سبيل والله غفور

چون نصیحت کردند خدای را و پیغامبر او نیست بر نیکوکاران از راهی وخدا آمرزنده

رحيم ۝ ولا على الذين اذا ما اتوك لتحملهم قلت لا اجد

وبخشاینده است ونه بر انانکه چون بیایند ترا تا برنشانی ایشان را گوئی تو

ما احملكم عليه تولوا واعينهم تفيض من الدمع حزنا الا

انچه برنهم بر آن برگشتند وچشمهای ایشان روانست از اشک اندوه ناک که نه

يجدوا ما ينفقون ۝ انما السبيل على الذين يستاذنونك وهم حزب

می یابند چیزی که نفقه کنند نیست مگر انکه راه بر انانکه دستوری تو وایشان

اغنياء رضوا بان يكونوا مع الخوالف وطبع الله على قلوبهم ١١

توانگرانند خوشنود شوند تا که باشند با پس ماندگان ومهر کرد خدا بر دلهای ایشان

فهم لا يعلمون ۝ يعتذرون اليكم اذا رجعتم اليهم الجزء الحادی عشر

پس ایشان نمیدانند عذر میخواهند سوی شما چون بازگشتید شما سوی ایشان

قل لا تعتذروا

خمس

قل لا تعتذروا لن نؤمن لكم قد نبأنا الله من أخباركم ط
بگوای محمد ص عذر مخواهید که هرگز راست نداریم مر شمارا بتحقیق آگاه کرد ما را خدا از خبرهای شما
وسيرى الله عملكم ورسوله ثم تردون إلى عالم الغيب
وزود باشد که ببیند خدای کردار شمارا و پیغمبر او پس بازگردانند سوی داننده ناپیدا
والشهادة فينبئكم بما كنتم تعملون ۝ سيحلفون بالله لكم
و آشکارا پس بیاگاهاند شمارا بدانچه بودید میکردید زود باشد که سوگند خورند بخدا مر شمارا
إذا انقلبتم إليهم لتعرضوا عنهم ط فأعرضوا عنهم ط إنهم رجس ۝
چون بازگردید شما سوی ایشان تا روی گردانید از ایشان پس روی بگردانید از ایشان بدرستیکه ایشان پلیدند
ومأواهم جهنم ج جزاء بما كانوا يكسبون ۝ يحلفون لكم
و جایگاه ایشان دوزخ است پاداشن بدانچه بودند میکردند سوگند میخورند مر شمارا
لترضوا عنهم فإن ترضوا عنهم ج فإن الله لا يرضى عن القوم
تا خوشنود شوید از ایشان پس اگر خوشنود شوید از ایشان پس بدرستیکه خدا نشود خوشنود از گروه
الفاسقين ۝ الأعراب أشد كفرا ونفاقا وأجدر ألا يعلموا
بدکاران اعرابیان بیابانیان سختترند بکفر و نفاق و سزاوارتر بآنکه ندانند
حدود ما أنزل الله على رسوله ط والله عليم حكيم ۝ ومن
حدهای آنچه فرو فرستاد خدا بر پیغمبر خود و خدا داناست محکم کار و از ط
الأعراب من يتخذ ما ينفق مغرما ويتربص بكم الدوائر
بیابانیان کسیست که بگیرد آنچه نفقه کند تاوان و چشم میدارد بشما هلاکها گردش
عليهم دائرة السوء ط والله سميع عليم ۝ ومن الأعراب من يؤمن
بر ایشان گردشهای بدی و خدا شنواست دانا و از بیابانیان کسیست که بگرود
بالله واليوم الآخر ويتخذ ما ينفق قربات عند الله وصلوات
بخدا و روز آخر و بگیرد آنچه نفقه میکند نزدیکیها نزد خدا و درودهای

الرسول الا انها قربة لهم سيدخلهم الله في رحمته ان الله
پیغمبر بدان ای محمد که آن نزدیکی است مر ایشان زود باشد که درآرد ایشان را خدای در رحمت خویش بدرستیکه خدا
غفور رحیم والسابقون الاولون من المهاجرین و
آمرزنده است بخشاینده و پیش شوندگان پیشینیان از هجرت کنندگان و
الانصار والذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم ورضوا عنه
نصرت کنندگان و آنانکه پیروی کردند ایشان را به نیکوئی خوشنود شد خدا از ایشان و خوشنود شدند از او
واعد لهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابدا
و مهیا ساخت مر ایشان را بوستانها که میرود از زیر آن جویها جاودانه در آن همیشه
ذلک الفوز العظیم وممن حولکم من الاعراب منافقون ومن
اینست رستگاری بزرگ و از آن کسانکه گرد بر گرد شما اند از عربان منافقان و از
اهل المدینة مردوا علی النفاق لا تعلمهم نحن نعلمهم
مردمان مدینه نافرمان شدند بر نفاق نمیدانی تو ایشان را ما میدانیم ایشان را
سنعذبهم مرتین ثم یردون الی عذاب عظیم وآخرون
زود باشد که عقوبت کنیم ایشان را دو بار پس باز گردانیده شوند بعذاب بزرگ و دیگران
اعترفوا بذنوبهم خلطوا عملا صالحا وآخر سیئا عسی الله ان یتوب
معترف آمدند بگناهان خویش بیامیختند کارهای نیک را با کار دیگر که بد است شاید که خدا توبه
علیهم ان الله غفور رحیم خذ من اموالهم صدقة تطهرهم
بر ایشان بدرستیکه خدای آمرزنده محکم کار است بگیر از مالهای ایشان صدقه تا پاک کنی ایشان را
وتزکیهم بها وصل علیهم ان صلواتک سکن لهم والله
بالالف
و پاکیزه گردانی ایشان را بدان و دعا کن بر ایشان بدرستیکه دعای تو آرام بود مر ایشان را و خدا
سمیع علیم الم یعلموا ان الله هو یقبل التوبة عن عباده
شنوا است دانا آیا نمیدانند بدرستیکه خدا اوست که می پذیرد توبه را از بندگان

ع

عشر
نصف

وآخر

وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللّٰهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۝ وَقُلِ اعْمَلُوا
و میگیرد صدقها و بدرستیکه خدا اوست توبه پذیرنده بخشاینده و بگوای محمد بکنید
فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ ط وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ
پس زود بیند خدا کردار ایشان را و پیغمبر او و گروندگان و زود باشد که برگردانند شمارا سوی
عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ وَآخَرُونَ
دانای نهان و آشکارا پس بیاگاهاند شمارا بدانچه بودید شما که میکردید و دیگران
مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ اللّٰهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ ط وَاللّٰهُ عَلِيمٌ
امیدوارند مرفرمان خدای را که یا عذاب کند ایشانرا و یا توبه دهد برایشان و خدا دانا است
حَكِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا
محکم کار و آنانکه گرفتند مسجدرا بستیزه و کفر و پراکنده کی
بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ ط
میان مؤمنان و چشم داشتن مرایشان را که حرب کرد با خدا و پیغمبر او از پیش
وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ ط وَاللّٰهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝
و هر آینه سوگند میخورند که نخواستیم ما مگر نیکوئی و خدا گواهی میدهد بدرستیکه ایشان هرآینه دروغ زنانند
لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا ط لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ
مکن نماز دران مسجد هرگز هرآینه مسجدی که بنا نهاده شده است بر پرهیزکاری از اول روز
أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ ط فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا ط وَاللّٰهُ
سزاوارتر است بانکه نماز کنی دران مسجد دران مسجد دانند که دوست میدارد اینکه پاک ورزند و خدا
يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ ۝ أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللّٰهِ وَ
دوست میدارد پاک ورزندگان پس هرکس بنا نهاد دین خودرا بر ترسکاری از خدا و
رِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ
خوشنودی بهتر است یا آنکسی که بنا نهاد بنیاد دین خودرا بر رود خانه شکافته شده پس بدرستیکه بیفکند

خمس
ص
شفا ۳
کرانه

فِي نَارِ جَهَنَّمَ ط وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ
در آتش دوزخ وخدا ننماید راه گروه ستمکاران را همیشه هست بنای ایشان
الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ ط وَاللَّهُ عَلِيمٌ
آنانکه بنا کردند درد دلهای ایشان مگر آنکه ببرند دلهای ایشان را وخدا داناست
حَكِيمٌ ع إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ عشر
محکم کار بدرستیکه خدای بخرید از گروندگان تنهای ایشان و مالهای ایشان
بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ
بدرستیکه مرایشانراست بهشت کارزار میکنند در راه خدا پس میکشند کافران را وکشته میشوند
وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ ط وَمَنْ أَوْفَىٰ
وعده کرد بران سزاوار در توریه وانجیل وقرآن وهرکه وفا کند
بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ ط
بعهد وپیمان خود از خدا پس شادمان شوید بخرید وفروخت خود آنانکه بیع کردید بدان
وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ
واینست که اوست رستکاری بزرگ ای توبه کنندگان وخداپرستان وسپاس دارندگان
السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ
رکوع کنندگان سجده کنندگان فرمایندگان به نیکوئی و
النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ ط وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۝
باز دارندگان از بدی ونگاهدارندگان مرحدهای خدارا وبشارت ده مؤمنانرا
مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ
که باین صفتها موصوفند نبود مرپیغمبررا وآنانرا که گرویدند اینکه آمرزش خواهند مرانبازگیرندگانرا
وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ
واگر باشند خداوندان نزدیکی از بعد آنچه پیدا شد مرایشانرا بدرستیکه ایشان یاران

الجحيم

آواه کنایت است از رقت قلب و کثرت ترحم ه

خمس

الجحيم ○ وما كان استغفار ابرهيم لابيه الا عن موعدة

دوزخ اند ونباشد امرزش خواستن ابراهیم علیه السلام مر پدر خودرا مگر از وعده کرده

وعدها اياه فلما تبين له انه عدو لله تبرا منه ان ابرهيم

که وعده کرد ازا پس چون پدید شد مراورا بدرستیکه او دشمن است مر خدایرا بیزار شد از و بدرستیکه ابراهیم

لاواه حليم ○ وما كان الله ليضل قوما بعد اذ هديهم حتى

آه کننده است بردبار ونباشد خدا تا گمراه کند گروهیرا پس چون راه نمود شان تا

يبين لهم ما يتقون ان الله بكل شيء عليم ○ ان الله له ملك

پدید کند مرایشانرا آنچه پرهیز کنند بدرستیکه خدا بهمه چیز داناست بدرستیکه خدا مراوراست پادشاهی

السموات والارض يحيي ويميت وما لكم من دون الله

آسمانها و زمین زنده کند و بمیراند و نیست مرشمارا از جز خدا

من ولي ولا نصير ○ لقد تاب الله على النبي والمهاجرين و

از هیچ دوستی و نه یاری گری هر آینه تحقیق توبه میدهد خدا بر پیغمبر و هجرت کنندگان

الانصار الذين اتبعوه في ساعة العسرة من بعد ما كاد يزيغ

یاری دهندگان آنکسانیکه پیروی کردند در وقت تنگی از پس آنچه خواست بگردد

قلوب فريق منهم ثم تاب عليهم انه بهم رءوف رحيم ○

دلهای گروهی از ایشان پس توبه داد برایشان بدرستیکه اوست بر ایشان مهربان بخشاینده

وعلى الثلثة الذين خلفوا حتى اذا ضاقت عليهم الارض بما

و بر سه تن آنانکه خلاف کردند تا چون تنگ شد برایشان زمین بدانچه

رحبت وضاقت عليهم انفسهم وظنوا ان لا ملجا من الله الا اليه

فراخ بود و تنگ شد برایشان تنهای ایشان و بردند گمان که نیست و نباشد پناه و رستگاری از خدا مگر بسوی او

ثم تاب عليهم ليتوبوا ان الله هو التواب الرحيم ○ يا ايها

پس توبه داد برایشان تا توبه کنند بدرستیکه خدا اوست توبه دهنده بخشاینده ای

ع

الذين امنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين ○ ما كان لاهل

انانکه ایمان آوردند و پرهیزکاری میکنند خدارا و باشید با راست گویان نبود و نباشند مر اهل

المدينة ومن حولهم من الاعراب ان يتخلفوا عن رسول الله

مدینه را و انکه گرد برگردان اند از عربان انکه باز پس ایستند از پیغمبر خدای

ولا يرغبوا بانفسهم عن نفسه ذلك بانهم لا يصيبهم ظمأ ولا

و نکنند رغبت بتنهای ایشان از تن پیغمبر آن ترک مخالفت به ذات شان که نرسد ایشان تشنگی و نه

نصب ولا مخمصة في سبيل الله ولا يطؤن موطئا يغيظ

رنجی و نه گرسنگی در راه خدا و نه سپرند سپردنی که بخشم آرد

الكفار ولا ينالون من عدو نيلا الا كتب لهم به عمل

کافران را و در نیابند از دشمنی دریافتنی یعنی ظفری مگر نوشته شده مر ایشان را بدان کردار

صالح ان الله لا يضيع اجر المحسنين ○ ولا ينفقون نفقة

نیکو بدرستیکه خدا نکند ضایع مزد نیکوکاران را و نکنند نفقه

صغيرة ولا كبيرة ولا يقطعون واديا الا كتب لهم

خورد و نه بزرگ و نه ببرند وادیی را مگر نوشته شده مرایشان را

ليجزيهم الله احسن ما كانوا يعملون ○ وما كان المؤمنون

تا مزد دهد ایشان را خدا نیکوتر انچه بودند که میکردند و انچه بودند گروندگان

لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة

که نفیر ا بیرون روند همه پس اگر نروند بیرون از هر گروهی از ایشان تنی چند

ليتفقهوا في الدين ولينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم

تا طلب دانش کنند در دین و تا بیم کنند گروه ایشان چون باز گردند سوی ایشان تا مگر ایشان

يحذرون ○ يا ايها الذين امنوا قاتلوا الذين يلونكم من

حذر کنند ای انک انکه گرویدید کارزار کنید انانکه نزدیک آیند شمارا از

عشر

حزب

الكفار

الكفار وليجدوا فيكم غلظة واعلموا ان الله مع المتقين

گردنکشان وتا بیابند در شما درشتی وبدانند که بدرستی خدا با پرهیزکاران است

واذا ما انزلت سورة فمنهم من يقول ايكم زادته

وچون فرو فرستاده شود سورتی پس از ایشان کسی که میگوید کدام است از شما که بیفزود اورا

هذه ايمانا وهم يستبشرون ۝ واما الذين في قلوبهم مرض

این بر ایمان وایشان شادی میکنند واما آنانکه در دلهای ایشان شرک ونفاق است

فزادتهم رجسا الى رجسهم وماتوا وهم كافرون ۝ اولا

پس زیادت کرد ایشان را پلیدی شان سوی پلیدی ایشان ومردند وایشان کافر بودند آیا

يرون انهم يفتنون في كل عام مرة او مرتين ثم

نمی بینند که ایشان آزموده میشوند در هر سالی یکبار یا دو بار پس

لا يتوبون ولا هم يذكرون ۝ واذا ما انزلت سورة نظر

نمیکنند توبه ونه ایشان پند گیرند وچون فرستاده شود سورتی بنگرد

بعضهم الى بعض هل يريكم من احد ثم انصرفوا صرف الله

بعضی ایشان سوی بعضی آیا می بیند شما از یکی پس بازگردند بگرداند خدا

قلوبهم بانهم قوم لا يفقهون ۝ لقد جاءكم رسول

دلهای ایشان را بدانکه ایشان گروهی اند که در نمییابند هر آینه تحقیق آمد بشما پیغمبری

من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين

از تنهای شما گرامی شدید براو انچه رنجمند شدید حریص است بر شما بگروندگان

رؤف رحيم ۝ فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو

مهربان است بخشاینده پس اگر روی بگردانند پس بگو بس است مرا خدای نیست خدای مگر او

عليه توكلت وهو رب العرش العظيم

براو کار خود گذاشته ام واوست خداوند تخت بزرگ

فاما الذين امنوا فزادتهم ايمانا

پس اما آنکسانی که گرویدند پس بیفزود ایشان را ایمان را

خمس

مائة و

سورة يونس عليه السلام وهي تسع وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الر قف تلك آيات الكتاب الحكيم ۝ اكان للناس عجبا

سوگند یاد میکند باین حروف این ایتها قران است درست محکم آیا هست مردمانرا شگفتی

ان اوحينا الى رجل منهم ان انذر الناس وبشر الذين امنوا

که وحی فرستادیم سوی مردی ازایشان که بیم کن مردمانرا و مژده ده انانرا که گرویدند

ان لهم قدم صدق عند ربهم قال الكافرون ان هذا

بدرستیکه انشارات کردار نیکو هست و درست باشد نزد پروردگار ایشان گفتند ناگرویدگان بدرستی اینست

لساحر مبين ۝ ان ربكم الله الذي خلق السموات والارض

هرآینه جادوی هویدا بدرستیکه خداوند شما خدایست که بیافرید آسمانها و زمین را

في ستة ايام ثم استوى على العرش يدبر الامر ما من شفيع

در شش روز پس مستولی شد و درست ایستاد بر آفرینش عرش تدبیر میکند کار را نیست از هیچ شفاعت کننده

الا من بعد اذنه ذلكم الله ربكم فاعبدوه افلا تذكرون

مگر از پس دستوری خدا اینست شمارا خدا که پروردگار شماست پس بپرستید او را آیا پس نمیگیرید پند

اليه مرجعكم جميعا وعد الله حقا انه يبدؤ الخلق ثم

سوی اوست بازگشت شما همه وعده خداست درست بدرستیکه او می آفریند آفریدها پس

يعيده ليجزي الذين امنوا وعملوا الصالحات بالقسط والذين

بازگرداند تا جزا دهد آنانکه گرویدند و کردارهای نیکو کردند براستی و عدل و آنانکه

كفروا لهم شراب من حميم وعذاب اليم بما كانوا

نگرویدند مرایشانراست آشامیدنی از آب گرم دوزخ و عقوبت دردناک بدانچه بودند

وقف النبي صلى الله عليه وآله

يكفرون

يكفرون ۝ هو الذي جعل الشمس ضياء والقمر نورا

ناگرویدگان اوست خدائی که بگرد خورشید را روشنائی و ماه را روشنائی

وقدره منازل لتعلموا عدد السنين والحساب ما

واندازه کرد ازرا منزلها تا بدانید شماره سالها و حساب نه

خمس

خلق الله ذلك الا بالحق يفصل الايات لقوم يعلمون ۝

فرید خدای این را مگر براستی هویدا میکند نشانها مر گروهی را که بدانند

ان في اختلاف الليل والنهار وما خلق الله في السموات

بدرستی که در آمد و شد شب و روز وانچه آفرید خدا در آسمانها

والارض لايات لقوم يتقون ۝ ان الذين لا يرجون

و زمین هر آئینه نشانیست مر گروه پرهیزگاران را بدرستی آنانکه ندارند امید

لقاءنا ورضوا بالحيوة الدنيا واطمانوا بها والذين هم

دیدار ما را وخوشنود شدند بزندگی این جهان و آرام گرفتند بدان و آنانکه ایشان

عن اياتنا غافلون ۝ اولئك ماويهم النار بما كانوا

از نشانهای ما غافلند ایشانند که جای ایشانست آتش دوزخ بدانچه بودند

يكسبون ۝ ان الذين امنوا وعملوا الصالحات يهديهم

که میکردند بدرستی آنانکه گرویدند و کردار نیکو کردند راه راست نمایم ایشانرا

ربهم بايمانهم تجري من تحتهم الانهار في جنات النعيم ۝

پروردگار ایشان بگرویدن ایشان میرود از زیر ایشان جویها در بهشت پرنعمت

دعويهم فيها سبحانك اللهم وتحيتهم فيها سلام واخر

میخوانند ایشانرا دران که پاکی تو ای بار خدایا و درود ایشان دران سلام کردن و باز

عشر
حزب

دعويهم ان الحمد لله رب العالمين ۝ ولو يعجل الله للناس

خواندن شان که سپاس مر خدایرا که پروردگار جهانیانست واگر بشتابد خدای مردمان را

الشر استعجالهم بالخير لقضي اليهم اجلهم فنذر الذين

باجا دعا بر همچنانکه شتابانیدمر ایشان بدعا خیر سپرده شود شوی ایشان اجل ایشان پس بگذاریم انان راکه

لا يرجون لقاءنا في طغيانهم يعمهون ۝ واذا مس الانسان

نجویند دیدار ما را در گمراهی ایشان متحیر و سرگردان میروند وچون برساند ادمی را

الضر دعانا لجنبه او قاعدا او قائما فلما كشفنا عنه

زیان بخواند ما را بپهلوی خود خفته یا نشسته یا ایستاده پس چون ببریم ما ازو

ضره مر كان لم يدعنا الى ضر مسه كذلك زين

زیان ورنج او برود چنانکه نه خواند ما را بسوی زیان و رنجی که رسید او را بفرمان ما افزون کند همچنین آراسته شد

للمسرفين ما كانوا يعملون ۝ ولقد اهلكنا القرون من

مر اسراف کنندگان را انچه بودند که میکردند وبتحقیق هلاک گردانیدیم ما گروهها را از

قبلكم لما ظلموا وجاءتهم رسلهم بالبينات وما كانوا

پیش ایشان انگاه ستم کردند وبیامد ایشان را پیغمبران ایشان بنشانهای هویدا و نبودند

ليؤمنوا كذلك نجزي القوم المجرمين ۝ ثم جعلناكم خلائف

که بگروند همچنین پاداش دهیم گروه مشرکان را پس کردیم ما شما را خلیفها

في الارض من بعدهم لننظر كيف تعملون ۝ واذا تتلى

در زمین از پس ایشان تا به بینیم چگونه کنند وچون خوانده شود

عليهم اياتنا بينات قال الذين لا يرجون لقاءنا ائت

برایشان نشانهای ما هویدا گفتند انانکه ندارند دیدار ما را بیار بجز

بقران هذا او بدله قل ما يكون لي ان ابدله من تلقاء   غير جز

قرانی این یا بدل کن قران بگو ای محمد صلعم نباشد مرا انکه بدل کنم قران را از خودی

نفسي ان اتبع الا ما يوحى الي اني اخاف ان عصيت ربي

خود انکه پیروی نکنم مگر انچه وحی میشود سوی من بدرستیکه من میترسم بی فرمان شوم خداوند خود

عذاب

خمس

عذاب يوم عظيم ۝ قل لو شاء الله ما تلوته عليكم

از عقوبت روز بزرگ بگوای محمد اگر خواهد خدا که برنخوانم قران را بر شما

ولا ادريكم به فقد لبثت فيكم عمرا من قبله افلا

ونه در یابید شما قران را پس تحقیق که درنگ میکردم در میان شما چهل سال از پیش آمدن قران آیا پس

تعقلون ۝ فمن اظلم ممن افترى على الله كذبا او كذب

نمیدانید شما پس کیست ستمکارتر از کسیکه ببافد برخدا دروغ یا دروغ کند

بآياته انه لا يفلح المجرمون ۝ ويعبدون من دون الله

بحجتهای او بدرستیکه او نیرستکار مشرکان ومی پرستند از جز خدای

ما لا يضرهم ولا ينفعهم ويقولون هؤلاء شفعاؤنا

آنچه نه زیان کند ایشان را ونه نفع دهد ایشان را ومیکویند ایشانند که شفاعت کنند ما را

عند الله قل اتنبئون الله بما لا يعلم في السموات ولا في

نزد خدای بگوای محمد آیا آگاه میکنید خدای بدانچه نمیداند در آسمانها ونه در

الارض سبحانه وتعالى عما يشركون ۝ وما كان الناس

زمین پاک خدا وبرتر است از انچه انباز میکیرند ونبودند مردمان

الا امة واحدة فاختلفوا ولولا كلمة سبقت من ربك

مگر یک گروه پس اختلاف کردند اگر نه سخنت پیش ازخداوند تو

لقضي بينهم فيما فيه يختلفون ۝ ويقولون لولا انزل عليه

هرآئنه حکم کرده شدی میان ایشان درانچه در او اختلاف میکنند ومیکویند اگر فرستاده نشدی براو

آية من ربه فقل انما الغيب لله فانتظروا اني معكم

نشانه ازخداوند او پس بگو نیست علم غیب مگر خدایرا پس چشم دارید بدرستیکه من با شما

عشر

من المنتظرين ۝ واذا اذقنا الناس رحمة من بعد ضراء

از چشم دارندگانم وچون بچشانیم ما مردمان را صحت وفراخی از پس زیان

مستهم اذا لهم مكر في اياتنا قل الله اسرع مكرا ان رسلنا

رسانیدن ایشان چون مر ایشان را سگالشی در آیات ما بگوی ای محمد خدای زود تر است بر شتاب جز اسگالش بدرستی فرستادگان

يكتبون ما تمكرون ۝ هو الذي يسيركم في البر والبحر

مینویسند انچه می سگالید اوست آن خدای که میراند شمارا در خشکی و دریا

حتى اذا كنتم في الفلك وجرين بهم بريح طيبة وفرحوا

تا چون باشید شما در کشتی و میراند کشتی را انچه درویست بادی خوشبو و شادان شدند

بها جاءتها ريح عاصف وجاءهم الموج من كل مكان

بدان بیاید آن کشتی را بادی سخت و آید ایشان را موج از هر جانبی

وظنوا انهم احيط بهم دعوا الله مخلصين له الدين لئن انجيتنا

و گمان برند ایشان که گرد بر گرد ایشان گرفته است بلا بخوانند خدا را یکتا بان مراد در طاعت اگر برهانی مارا

من هذه لنكونن من الشاكرين ۝ فلما انجيهم اذا هم يبغون

از این هر اینه باشیم ما از سپاس دارندگان پس چون باز رهاند ایشان را ناگاه ایشان ستم کنند

في الارض بغير الحق يا ايها الناس انما بغيكم على

در زمین بنا حق ای ان مردمان کر نیست مگر بیفرمانی شما بر

انفسكم متاع الحيوة الدنيا ثم الينا مرجعكم فننبئكم

تنهای شما برخورداری زندگانی این جهان پس سوی ماست بازگشت شما پس بیاگاهانیم شمارا

بما كنتم تعملون ۝ انما مثل الحيوة الدنيا كماء انزلناه

بدانچه هستید شما میکردند نیست مگر مانند زندگانی دنیا همچون آبی که فرستادیم آن را

من السماء فاختلط به نبات الارض مما ياكل الناس والانعام

از آسمان پس آمیخت بدان گیاه زمین از انچه میخورند مردمان و چهارپایان

حتى اذا اخذت الارض زخرفها وازينت وظن اهلها انهم

تا چون بگیرد زمین آرایش خود را و آراسته گردد و گمان برند مردمان بدرستی که ایشان

قادرون

عشر
نصف
جز
خمس

قادرون ۝ عليها أتيها أمرنا ليلا أو نهارا فجعلناها حصيدا
قادرند براں بیاید فرمان ما شب یا روز پس بگردانیم ما آنرا درو دیده
كأن لم تغن بالأمس كذلك نفصل الآيات لقوم يتفكرون
چنانکه نبودی در روز همچنین جدا کنیم و بیان کنیم نشانها مر گروهی که اندیشه کنند
والله يدعوا إلى دار السلام ويهدي من يشاء إلى صراط
و خدا میخواند سوی سرای سلامتی و راه نماید هر که را خواهد سوی راه
مستقيم ۝ للذين أحسنوا الحسنى وزيادة ولا يرهق وجوههم
راست مر آنکسان را که نیکوئی کردند ثواب نیکو یعنی بهشت و افزونی نعمت و نپوشد رویهای ایشان
قتر ولا ذلة أولئك أصحاب الجنة هم فيها خالدون ۝ والذين
تاریکی گرد و غبار و نه خواری و ایشانند یاران بهشت ایشان در آن جاودانه و آنانکه
كسبوا السيئات جزاء سيئة بمثلها وترهقهم ذلة ما لهم
بدیها کردند یا کافر شدند پاداش بدی بمانند آنست و بپوشد روی ایشان را خواری نیست مر ایشانرا
من الله من عاصم كأنما أغشيت وجوههم قطعا من الليل
از عذاب خدا از هیچ نگاهدارنده گویا پوشیده شده است رویهای ایشان پارهها از شب
مظلما أولئك أصحاب النار هم فيها خالدون ۝ ويوم نحشرهم
تاریک ایشانند یاران باشندگان دوزخ و ایشان در آن جاودانه باشند و روزی که گرد کنیم ایشانرا
جميعا ثم نقول للذين أشركوا مكانكم أنتم وشركاؤكم
همه پس بگوئیم مر آنان را که انباز آوردند بباشید بر جای خود شما و انبازان شما
فزيلنا بينهم وقال شركاؤهم ما كنتم إيانا تعبدون ۝ فكفى
پس جدا کنیم ما میان ایشان و گفت انبازان ایشان نبودید شما که ما را می پرستیدید پس بسنده است
بالله شهيدا بيننا وبينكم إن كنا عن عبادتكم لغافلين ۝
بخدای بگواهی میان ما و میان شما اگر کردیم ما از عبادت کنندگان شما هر آئینه بیخبران

هنالك تبلوا كل نفس ما أسلفت وردوا إلى الله مولىٰهم الحق
اینجا ست مر ازکه بیازماید هر تنی را انچه پیش فرستادند وباز گردانند سوی خدا که خداوند ایشانست بحق
وضل عنهم ما كانوا يفترون ۝ قل من يرزقكم من السماء
وگمراه شد از ایشان انچه بودند دروغ می بافتند بگوای محمد انکه روزی دهد شما را خدا از آسمانها
والأرض أمن يملك السمع والأبصار ومن يخرج الحي
وزمین یا کیست پادشاهی که قادر شود بر شنوائی وبینائی را وکیست که بیرون آورد زنده را
من الميت ويخرج الميت من الحي ومن يدبر الأمر فسيقولون
از مرده وبیرون آورد مرده را از زنده وکیست که تدبیر کار بنده کان پس زود باشند که بگویند
الله فقل أفلا تتقون ۝ فذٰلكم الله ربكم الحق فماذا بعد
خدای پس بگوای محمد ایا چرا نمی پرهیزید پس اینست شما را الله که پروردگار شماست بحق پس چیست بعد
الحق إلا الضلال فأنى تصرفون ۝ كذٰلك حقت كلمت ربك
حق مگر گمراهی پس بر چیکه یا چرا باز گردیم از حق بباطل وهمچنین سزاوار شد واجب شد عذاب خدای تو
على الذين فسقوا أنهم لا يؤمنون ۝ قل هل من شركائكم
بر انانکه پس تباهی کردند بدرستی که ایشان نمی آرند ایمان بگوای محمد ایا از انبازان شما
من يبدؤا الخلق ثم يعيده قل الله يبدؤا الخلق ثم
کسی هست که بیافرینند خلق پس بمیراند او را بگوای محمد که خدا بیافریند خلق را پس
يعيده فأنى تؤفكون ۝ قل هل من شركائكم من يهدي
بمیراند وباز زنده گرداند پس چگونه گردانیده شدید شما بگوای محمد ایا از انبازان شما کیست که راه نماید
إلى الحق قل الله يهدي للحق أفمن يهدي إلى الحق أن
سوی حق بگوای محمد خدا راه نماید مر حق را ایا پس کسیکه راه نماید سوی حق
يتبع أمن لا يهدي إلا أن يهدى فما لكم كيف تحكمون
متابعت کنند او را یا انکه نماید راه مگر اینکه راه نمایندش پس چیست مر شما را چگونه حکم میکنید

عشر

آحق
سزاوار تر است

خمس

وما يتبع

وَمَا يَتَّبِعُ اَكْثَرُهُمْ اِلَّا ظَنًّا اِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِى مِنَ الْحَقِّ شَيْـًٔا اِنَّ

ونمیکنند متابعت بیشتر ایشان مگر گمان کردنی بدرستیکه گمان بی نیاز نکند از حق چیزرا بدرستی

اللّٰهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ۝ وَمَا كَانَ هٰذَا الْقُرْاٰنُ اَنْ يُفْتَرٰى مِنْ

که خدا داناست بدانچه میکنند ونیست ونباشد این ان قران که بیافدارخود دروغ از

دُونِ اللّٰهِ وَلٰكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِى بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ

جز خدای ولیکن راست داشتن است انانکه میان هش دستاوت وبدید کردن

الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ اَمْ يَقُولُونَ افْتَرٰيهُ

کتاب نیست شک دراو از پروردگار جهانیان یامیکویند بافت ازخود قران

قُلْ فَاْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ

بکوای محمد پس بیارید سوره مثل قران وبخوانید هرکه را توانید شما از جز خدا اگر هستید

صَادِقِينَ ۝ بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَاْتِهِمْ

راست کویان بلکه دروغ زن کردند بدانچه نرسیدند بدانش او وچون بیامدشان

تَاْوِيلُهُ كَذٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ

تفسیر ان همچنین دروغ داشتند انانکه ازپیش ایشان پس بنکر چکونه

كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ۝ وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ

باشد آخر کار ستمکاران وازایشان هرکه میکرد باو وازایشان

مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ اَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ ۝ وَاِنْ كَذَّبُوكَ

هرکه نمیکرود باو وخداوند تو دانا تراست به تباه کاران واکر دروغ زن دارند ترا

فَقُلْ لِى عَمَلِى وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ اَنْتُمْ بَرِيـُٔونَ مِمَّا اَعْمَلُ وَاَنَا

پس بکوای محمد مراست کارکردن من وشماراست کارکردن شما وشما بیزارید از انچه میکنم من ومن

بَرِىٓءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ۝ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ اِلَيْكَ اَفَاَنْتَ

بیزارم از انچه میکنید شما وازایشان کسی که کوش فرامیدارد سوی تو ایا پس تو

عشرع

تسمع الصم ولو كانوا لا يعقلون ۝ ومنهم من ينظر اليك
می شنوانی کران را واکر چه بودند که نمی دانستند وازایشان کسی که می نکرد سوی تو
افانت تهدي العمي ولو كانوا لا يبصرون ۝ ان الله
ایا پس تو راه مینمایی کوران را واکر باشند که نمی بینند بدرستیکه خدا
لا يظلم الناس شيئا ولكن الناس انفسهم يظلمون ۝ حزب
نمیکند ستم مردمان را چیزی ولیکن مردمان تنهای خودرا ستم میکنند
ويوم يحشرهم كان لم يلبثوا الا ساعة من النهار يتعارفون
وروزیکه کرد کنند ایشان را همچنانست که کویا درنک نکردند مکر ساعتی از روز می شناسند
بينهم قد خسر الذين كذبوا بلقاء الله وما كانوا مهتدين خمس
میان ایشان که بتحقیق زیان کردند انانکه دروغ زن داشتند دیدار خدای را وانچه بودند راه یافتکان
واما نرينك بعض الذي نعدهم او نتوفينك فالينا
واکر بنماییم ترا ای محمد بهره از انچه وعده دادیم ایشانرا یا بمیرانیم ترا پس سوی ما ست
مرجعهم ثم الله شهيد على ما يفعلون ۝ ولكل امة
بازکشت ایشان پس خدا کواه است رانچه میکنید از خیر و شر ومر هر کروهی
رسول فاذا جاء رسولهم قضي بينهم بالقسط وهم لا يظلمون
پیغمبریست پس چون آمد پیغمبر ایشان را حکم کرده شد میان ایشان بعدل وایشان ستم کرده
ويقولون متى هذا الوعد ان كنتم صادقين ۝ قل
ومیکویند کی این وعده حق اکر هستید شما راست کویان بکوای محمد
لا املك لنفسي ضرا ولا نفعا الا ما شاء الله لكل امة
نتوانم مرتن خودرا زیان ونه سودی مکر انچه خواهد خدای مر هر کروه
اجل اذا جاء اجلهم فلا يستاخرون ساعة ولا
اجل معین است چون بیاید اجل ایشان پس نشوند پستر ساعتی ونه

يستقدمون

يستقدمون ۝ قل أرأيتم إن أتاكم عذابه بياتا أو نهارا ماذا
پیشتر شوند بگوای محمد ایا دیدید شما اینکه بیاید شمارا عذاب خدای شباشب یا روز بچه چیز
عشر يستعجل منه المجرمون ۝ أثم إذا ما وقع آمنتم به آلآن و
شتاب میکنند ازان عذاب گناه کاران ایا پس چون برسد عذاب بگروید شما بدو ایا اکنون که عذاب آمد
قد كنتم به تستعجلون ۝ ثم قيل للذين ظلموا ذوقوا عذاب
بتحقیق شما بودید که بدو شتاب میکردید پس گفته مرانانرا که ستم کردند بچشید عقوبت
الخلد هل تجزون إلا بما كنتم تكسبون ۝ ويستنبئونك
جاودانه ایا جزاداده شوند مگر بدانچه بودند ایشان که میکردند ومی پرسند از تو ای محمد
أحق هو قل إي وربي إنه لحق وما أنتم بمعجزين ۝ ولو
ایا سزاوارست این قران بگو اری ای محمد ای بخدای من بدرستی قران هر آینه سزاوارست ونیستید شما عاجز کنندگان خدا اگر
أن لكل نفس ظلمت ما في الأرض لافتدت به وأسروا
آنکه مر هر تنی که ستم کند آنچه در زمین است از زر وسیم که بازخریدی ونهان کنند
الندامة لما رأوا العذاب وقضي بينهم بالقسط وهم
پشیمانی را آنگاه که ببینند عذاب را وحکم کرده شد میان ایشان بعدل وایشان
لا يظلمون ۝ ألا إن لله ما في السماوات والأرض ألا إن
ستم کرده نشوند بدان ای محمد بدرستیکه خدای راست آنچه در آسمانهاست ودر زمین بدان بدرستیکه
خمس وعد الله حق ولكن أكثرهم لا يعلمون ۝ هو يحيي ويميت
وعدهای خدا راست است ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند اوست خدایی که زنده کند وبمیراند
وإليه ترجعون ۝ يا أيها الناس قد جاءتكم موعظة
وبسوی اوست بازگردندگان ای مردمان بتحقیق آمد شمارا پندی
من ربكم وشفاء لما في الصدور وهدى ورحمة للمؤمنين ۝
از خداوند شما وشفای هرانچه در دلها وسینهای شماست وراه راست وبخشایشی مرگرویدگان را

قُلْ بِفَضْلِ اللّٰهِ وَبِرَحْمَتِهٖ فَبِذٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا

بگوای محمد بفضل خدای وبخشایش او پس بدین فضل پس شاد باشید که او بهترست از انچه

يَجْمَعُونَ ۝ قُلْ اَرَاَيْتُمْ مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ

گرد میکنند بگوای محمد ایا دیدید شما انچه فرستاد خدای مر شمارا از روزی پس گردیدید

مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ آللّٰهُ اَذِنَ لَكُمْ اَمْ عَلَى اللّٰهِ تَفْتَرُونَ ۝

ازان روزی حرام وحلال بگوای محمد ایا خدای فرمود مر شمارا یا بر خدای افترا میکنید

وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

وچیست گمان انانکه افترا کنند برخدای دروغ را روز قیامت

اِنَّ اللّٰهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ۝

بدرستیکه خدای هرانه خداوند افزونیست بر مردمان ولیکن بیشتر ایشان سپاس داری نمیکنند

وَمَا تَكُونُ فِي شَاْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْاٰنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ

ونباشی تو درکاری ازکارهای خود ونخوانید ازانچه فرستاد خدا از قران ونکنید ای جمیع مردم

مِنْ عَمَلٍ اِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا اِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ

ازکاری مگر باشیم ما برشما گواهان چون در ایستید دران ونیست پوشیده

عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاۤءِ وَلَا

ازخداوند تو از همچند مورچه خوردی در زمین ونه در اسمان ونه

اَصْغَرَ مِنْ ذٰلِكَ وَلَا اَكْبَرَ اِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۝ اَلَا

خوردتر از آن ونه بزرگتر مگر مکتوبست در کتاب پیدا بدان

اِنَّ اَوْلِيَاۤءَ اللّٰهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ اَلَّذِينَ

بدرستیکه دوستان خدای را نیست ترسی برایشان ونه ایشان اندوهگین باشند انانکه

اٰمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ۝ لَهُمُ الْبُشْرٰى فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي

گرویدند وبودندکه پرهیزکاری میکردند مرایشانراست مژده در زندگانی اینجهان ودر

عشر

الاخرة

الآخرة لا تبديل لكلمات الله ذلك هو الفوز العظيم

آنجهان نیست بدل کردن مر سخنان خدای را اینست آن رستگاری بزرگ

خمس

ولا يحزنك قولهم إن العزة لله جميعا هو السميع العليم

و نکند اندوهگین ترا گفتار ایشان بدرستیکه عزت مر خدایراست همه اوست شنوای دانا

ألا إن لله من في السماوات ومن في الأرض وما يتبع الذين

بدان بدرستی مر خدایراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و چه چیز پیروی میکنند آنانکه

وان هم في القرآن في جميع

يدعون من دون الله شركاء إن يتبعون إلا الظن وإن

میخوانند از جز خدای انبازان را پیروی نمیکنند مگر گمان بردن را و نیستند

هم إلا يخرصون هو الذي جعل لكم الليل لتسكنوا

ایشان مگر دروغ میگویند اوست آنکه گردانید برای شما شب تا آرام گیرید

حزب

فيه والنهار مبصرا إن في ذلك لآيات لقوم يسمعون

در آن و روز روشن کننده بدرستیکه در آن هر آینه نشانهاست مر گروه شنوندگان را

اخفاء الصوت هنا

قالوا اتخذ الله ولدا سبحانه هو الغني له ما في السماوات

گفتند بگرفت خدای فرزندی پاکست خدای اوست توانا مراوراست آنچه در آسمانها

وما في الأرض إن عندكم من سلطان بهذا أتقولون على الله

و آنچه در زمین است نیست نزدیک شما از هیچ حجتی بدین آیا میگوئید بر خدای

ما لا تعلمون قل إن الذين يفترون على الله الكذب

آنچه نمیدانید بگوای محمد بدرستی آنانکه می بافند بر خدای دروغ را

لا يفلحون متاع في الدنيا ثم إلينا مرجعهم ثم نذيقهم

نرهند از دوزخ برخورداری درین جهان پس سوی ما بازگشت ایشان پس بچشانیم ایشانرا

عشر

العذاب الشديد بما كانوا يكفرون واتل عليهم نبأ نوح

عقوبت سخت بدانچه بودند ناگرویدگان و برخوان ای محمد بر ایشان خبر نوح را

اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكِيرِي
چون گفت مر گروه خود را ای گروه اگر هست که بزرگ شد بر شما ایستادن پیغمبر بودن من و پند دادن من
بِاٰيَاتِ اللّٰهِ فَعَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْتُ فَاَجْمِعُوا اَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ
بنشانهای خدا پس بخدای عز و جل باز گذاشتم کار خود را پس گرد کنید کار خود را و انبازان خویش را
ثُمَّ لَا يَكُنْ اَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا اِلَيَّ وَلَا تُنْظِرُونِ
پس نباشد کار شما بر شما پوشیده پس قصد هلاک من کنید و مدهید امان مرا
فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَاَلْتُكُمْ مِنْ اَجْرٍ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلَى
اگر برگردید شما پس نخواهم از شما از مزدی نیست مزد من مگر بر
اللّٰهِ وَاُمِرْتُ اَنْ اَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ
خدای تعالی و فرستاده شدم که باشم از مسلمانان پس دروغ زن داشتند او را پس برهانیدیم او را
وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَاَغْرَقْنَا
و هر که با او در کشتی و بگردیدیم ما ایشان را باشندگان در زمین و غرق کردیم
الَّذِينَ كَذَّبُوا بِاٰيَاتِنَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ
آنان را که دروغ زن داشتند بنشانهای ما پس بنگر که چگونه بود سرانجام کار بیم کردگان
ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رُسُلًا اِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ
پس بفرستادیم ما از پس او پیغمبران سوی گروه ایشان پس آمدند ایشان را بحجتها
فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذٰلِكَ نَطْبَعُ
پس نبودند که بگروند بدانچه دروغ زن داشتند بدان از پیش همچنان مهر نهیم
عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى وَهَارُونَ
بر دلهای از حد گذرندگان پس بفرستادیم ما از پس ایشان موسی و هرون
اِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَائِهِ بِاٰيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا
سوی فرعون و گروه او بحجتهای ما پس بزرگ منشی کردند و بودند گروه

خمس مجرمين ۝ فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا ان هذا

گناهکاران یعنی کافران پس چون آمدشان راستی از نزدیک ما گفتند بدرستیکه این

لسحر مبين ۝ قال موسى اتقولون للحق لما جاءكم اسحر

هراینه سحریست روشن گفت موسی ایا میگوئید مر توریة را آنگاه بیامدشان ایا سحراست

هذا ولا يفلح الساحرون ۝ قالوا اجئتنا لتلفتنا عما وجدنا

این و نرهند از آتش دوزخ ساحران گفتند ایا بیامدی تو مارا تا بگردانی مارا از انچه یافتیم ما

عليه اباءنا وتكون لكما الكبرياء في الارض وما نحن

بران پدران ما و میباشند مر شمارا یعنی بزرگی در زمین و انچه نیستیم ما

لكما بمؤمنين ۝ وقال فرعون ائتوني بكل ساحر عليم ۝

مر شمارا راست گوی دارندگان و گفت فرعون بیارید بمن هر جادوی دانا

عشر فلما جاء السحرة قال لهم موسى القوا ما انتم ملقون ۝

پس چون بیامدند جادوان گفت مرایشان را موسی بیفکنید انچه شما افکنندگانید

فلما القوا قال موسى ما جئتم به السحر ان الله سيبطله ان

پس چون افکندند گفت موسی انچه آوردید شما بران جادویست بدرستیکه خدای زود باشد که باطل کند آنرا

الله لا يصلح عمل المفسدين ۝ ويحق الله الحق بكلماته

خدای نیاورد بصلاح کار تباه کاران را و ثابت گرداند خدای راستی را بسخنان خود

ولو كره المجرمون ۝ فما امن لموسى الا ذرية من قومه

واگرچه کراهت دارند کافران پس ایمان نیاوردند مر موسی مگر فرزندان از گروه او

على خوف من فرعون وملائهم ان يفتنهم وان فرعون

بر ترسی از فرعون و مهتران که آزموده کنندشان را و بدرستیکه فرعون

لعال في الارض وانه لمن المسرفين ۝ وقال موسى

برتر و متکبر است در زمین و بدرستی که او هراینه از اسراف کنندگان است و گفت موسی

خمس

یا قوم ان کنتم آمنتم بالله فعلیه توکلوا ان کنتم مسلمین

ای گروه اگر هستید شما گرویده بخدا پس براو بگذارید کار خویش اگر هستید شما مسلمانان

فقالوا علی الله توکلنا ربنا لا تجعلنا فتنة للقوم الظالمین

پس گفتند برخدای بازگذاشتیم ما کار ای پروردگار ما مکن مارا محل آزمایش مر گروه ستمکاران

ونجنا برحمتک من القوم الکافرین واوحینا الی موسی

وبرهان مارا برحمت خویش از گروه ناگروندگان ووحی فرستادیم ما سوی موسی

واخیه ان تبوءا لقومکما بمصر بیوتا واجعلوا بیوتکم

وبرادر او که جای سازید مر گروه خودرا بشهر خانها وبگردانید خانهای خویش

قبلة واقیموا الصلوة وبشر المؤمنین وقال موسی ربنا

قبله وبپای دارید نماز را ومژده ده مؤمنان را وگفت موسی ای پروردگار

انک آتیت فرعون وملأه زینة واموالا فی الحیوة الدنیا

بدرستی که تو بدادی فرعون را وسرهنگان اورا آرایش واموال در زندگانی این جهان

ربنا لیضلوا عن سبیلک ربنا اطمس علی اموالهم واشدد

ای پروردگار ما هر آینه گم میکنند از راه تو ای خداوند ما محو کن وناپدید کن بر مالهای ایشان وسخت کن

علی قلوبهم فلا یؤمنوا حتی یروا العذاب الالیم قال

بر دلهای ایشان پس نگروند تا ببینند عقوبت دردناک گفت

قد اجیبت دعوتکما فاستقیما ولا تتبعان سبیل الذین لا

بتحقیق اجابت کرده شد دعای شما پس راست باشید ومکنید پیروی راه آنکسان که

یعلمون وجاوزنا ببنی اسرائیل البحر فاتبعهم فرعون

می دانند ودرگذرانیدیم ما بفرزندان یعقوب از دریا پس پیروی کرد ایشان را فرعون

حزب

وجنوده بغیا وعدوا حتی اذا ادرکه الغرق قال آمنت

ولشکر او بستم کردن وحد درگذشتن تا چون دررسید اورا غرق شدن گفت گرویدم

عشر

أنه لا إله إلا الذي آمنت به بنوا إسرائيل وأنا من المسلمين ۝

بدرستی نیست خدای مگر آن خدای که بگرویدند براو پسران یعقوب و من از مسلمانانم

آلآن وقد عصيت قبل وكنت من المفسدين ۝ فاليوم

اکنون که درمانده و تحقیق نافرمانی کردی پیش ازین و بودی تو از تباه کاران پس امروز

ننجيك ببدنك لتكون لمن خلفك آية وإن كثيرا من

برهانیم ترا بتن تو تا باشی تو مر آنان را که از پس تو بودند نشانی و بدرستیکه بسیار از

الناس عن آياتنا لغافلون ۝ ولقد بوأنا بني إسرائيل مبوأ

مردمان از نشانهای ما هر آینه غافلانند و بتحقیق فرود آوردیم پسران یعقوب فرود آوردن جای

صدق ورزقناهم من الطيبات فما اختلفوا حتى جاءهم

راستی و روزی دادیم ایشان را از پاکیها پس نکردند اختلاف تا آمد ایشان را

العلم إن ربك يقضي بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

دانش بدرستیکه خداوند تو حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه بودند در آن

يختلفون ۝ فإن كنت في شك مما أنزلنا إليك فسئل الذين

خلاف کنندگان پس اگر هستی تو در گمان از آنچه فرستادیم بسوی تو پس بپرس آنکسان

يقرؤن الكتاب من قبلك لقد جاءك الحق من

که میخوانند توریت از پیش تو هر آینه بتحقیق آمد ترا راستی از

ربك فلا تكونن من الممترين ۝ ولا تكونن من الذين

خداوند تو پس مباش تو از شک آرندگان و مباش تو از آن کسانکه

خمس

كذبوا بآيات الله فتكون من الخاسرين ۝ إن الذين

دروغ داشتند بحجتهای خدا پس باشی تو از زیان کاران بدرستی آنانکه

حقت عليهم كلمت ربك لا يؤمنون ۝ ولو جاءتهم كل

بالتاء المطولة

واجب شد بر ایشان سخن خداوند تو ایمان نیاورند و اگر بیاید ایشان را هر

ءاية حتى يروا العذاب الاليم ۝ فلولا كانت قرية امنت فنفعها
ايتى تا انگاه كه ببينند عقوبت دردناك پس اگر نبودند اهل دهيه كه بگروند پس سود كرد ايشانرا
ايمانها الا قوم يونس لما امنوا كشفنا عنهم عذاب الخزى فى
گرويدن ايشان مگر گروه يونس كه هرگاه بگرويدند ببرديم ما از ايشان عقوبت خوارى در
الحيوة الدنيا ومتعناهم الى حين ۝ ولو شاء ربك لامن
زندگانى دنيا وبرخوردار داديم ما ايشانرا تا حين اجل ايشان واگر خواستى پروردگار تو هرآينه گرويدندى
من فى الارض كلهم جميعا افانت تكره الناس حتى
هركه در زمين است همه ايشان همه ايا پس تو اكراه ميكنى مردمانرا تا
يكونوا مؤمنين ۝ وما كان لنفس ان تؤمن الا باذن
باشند گرويدگان ونبود ونباشد مرتنى را كه بگرود مگر بفرمان
الله ويجعل الرجس على الذين لا يعقلون ۝ قل انظروا ما عشر
خدا وميكند پليدى بر انكسانكه نميدانند بگواى محمد بنگريد چه
ذا فى السموات والارض وما تغنى الايات والنذر عن
چيزست در آسمانها وزمين وبى نياز نكرداند ديدن ايتها وبيم كردن از
قوم لا يؤمنون ۝ فهل ينتظرون الا مثل ايام الذين
گروه كه نگرويدند پس هست كه چشم دارند مگر مانند روزهاى انانكه
خلوا من قبلهم قل فانتظروا انى معكم من المنتظرين ۝
گذشتند از پيش ايشان بگواى محمد پس چشم داريد بدرستيكه من با شما ام از چشم دارندگان
ثم ننجى رسلنا والذين امنوا كذلك حقا علينا ننج المؤمنين ۝
پس برهانيديم پيغمبران ما وانانكه گرويدند همچنين واجب است بر ما كه برهانيم گرويدگان را
قل يا ايها الناس ان كنتم فى شك من دينى فلا اعبد الذين
بگواى محمد اى مردمان اگر هستيد شما در گمان از دين من پس نپرستم انانرا كه

نعبدون

خمس

تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلٰكِنْ اَعْبُدُ اللّٰهَ الَّذِى يَتَوَفّٰيكُمْ
می پرستید از جز خدای ولیکن بپرستم خدای آنخدائی که میراند شمارا
وَاُمِرْتُ اَنْ اَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَاَنْ اَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ
و فرموده شدم من که باشم از گروندکان وانکه بگردان روی خودرا بدین
حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝ وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللّٰهِ
اسلام ومباش از انبازگیرندکان ومخوان از جز خدای
مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَاِنْ فَعَلْتَ فَاِنَّكَ اِذًا مِنَ الظَّالِمِينَ ۝
انچه نکند سود ترا ونه زیان کند ترا پس اگر بکنی تو پس بدرستیکه تو انگاه از ستمکاران باشی
وَاِنْ يَمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ اِلَّا هُوَ وَاِنْ يُرِدْكَ
واگر برساند ترا خدای بزیان پس نیست دارنده مر اورا مگر او واگر بخواهد ترا
بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ
بنیکی پس نیست بازدارنده مر فضل اورا میرساند باو هرکرا می خواهد از بندکان خود واوست
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ قُلْ يَا اَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الْحَقُّ
آمرزنده وبخشاینده بگوای محمد ای مردمان بتحقیق آمد شمارا راستی
مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدٰى فَاِنَّمَا يَهْتَدِى لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ
از خداوند شما پس هرکه راه یافت پس بدرستی راه یافت مرتن خودرا وهرکه بیراه شد
فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا اَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ۝ وَاتَّبِعْ مَا يُوحٰى
پس نیست مگر انکه بیراه شدن برتن او ونیستم من بر شما به نگاهبانی وپیروی کن انچه فرستاده شد
اِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتّٰى يَحْكُمَ اللّٰهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ۝
سوی تو وشکیبایی کن تا حکم کند خدای واوست بهترین حکم کنندکان

سُورَةُ هُودٍ وَهِيَ مَكِّيَّةٌ وَمِائَةٌ وَعِشْرُونَ آيَةً

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده مهربان

الر كتاب احكمت اياته ثم فصلت من لدن حكيم

قسم یاد کرد خدا بایں حروف که این کتابست که محکم کرده شد ایتهای او پس جدا کرده شد از نزد خدای محکم کار

خبير ألا تعبدوا الا الله انني لكم منه نذير وبشير وان

آگاه بهمه چیز بجهة انکه نپرستید مگر خدا را بدرستی که من شمارا ازان بیم کننده و مژده دهنده ام و انکه

استغفروا ربكم ثم توبوا اليه يمتعكم متاعا حسنا

آمرزش خواهید از خداوند خود پس بازگردید سوی او که برخوردار دهد شمارا برخورداری نیکو

الى اجل مسمى ويؤت كل ذي فضل فضله وان تولوا

سوی تا هنگامی که نام برده شده و بدهد هر خداوند فضلی را در جزای فضل او و اگر روی گردانید

فاني اخاف عليكم عذاب يوم كبير الى الله مرجعكم

بدرستیکه من میترسم بر شما عقوبت روز بزرگ را که سوی خدا بازگشت شماست

وهو على كل شيء قدير الا انهم يثنون صدورهم

واوست بر همه چیز توانا بدان بدرستی که ایشان دوتا میکنند دلهای خود را تا پنهان دارند

منه الا حين يستغشون ثيابهم يعلم ما يسرون وما

ازو بدانکه ان هنگام در برمی کشند جامهای خود را میداند انچه پنهان میدارند و انچه

يعلنون انه عليم بذات الصدور وما من دابة في الارض

اشکارا میکنند بدرستیکه خدا داناست باسرار که در سینهاست و نیست از جنبنده در زمین

الا على الله رزقها ويعلم مستقرها ومستودعها كل في

مگر که بر خداست روزی او و میداند خدا جای قرارگاه او را و جای مردن او را همه در

كتاب مبين وهو الذي خلق السموات والارض في

کتاب پیداست و اوست آن خدا انکه افرید آسمانها و زمین در

الجزو الثاني عشر

١٢

ستة

ستة ایام وکان عرشه علی الماء لیبلوکم ایکم احسن
شش روز وبود عرش او هزار سال پیش او برآب تا بیازماید شما را که کدام از شما نیکوتر است
عملا ولئن قلت انکم مبعوثون من بعد الموت
کردار او واگر گوئی قوم خود را توای محمد بدرستی که شما برانگیخته شوید از پس مرگ
لیقولن الذین کفروا ان هذا الا سحر مبین ولئن اخرنا
هر آئنه بگویند آنانکه نگرویدند نیست این مگر جادوئی پیدا واگر تاخیر کنیم ما
عنهم العذاب الی امة معدودة لیقولن ما یحبسه الا
از ایشان عقوبت را سوی گروه شمرده شده هر آئنه بگویند چه چیز باز میدارد عذاب را
ربع
یوم یاتیهم لیس مصروفا عنهم وحاق بهم ما کانوا به یستهزؤن
که آن روز بیاید ایشان را عذاب نیست که بگردد از ایشان و در گیرد ایشان را آنچه بودند بدان افسوس
ولئن اذقنا الانسان منا رحمة ثم نزعناها منه انه لیئوس
واگر بچشانیم ما مردمان را از خویش رحمتی پس باز ستانیم ما آن را از و بدرستیکه او هر آئنه نومید گردد
کفور ولئن اذقناه نعماء بعد ضراء مسته لیقولن ذهب
و ناسپاس شود واگر بچشانیم ما او را نعمتها پس زیان او برسد او را هر آئنه گوید بشد
عشر
السیئات عنی انه لفرح فخور الا الذین صبروا و
بدیها از من بدرستیکه او هر آئنه شادمان و نازکننده مگر آنانکه صبر و شکیبائی و
عملوا الصالحات اولئك لهم مغفرة واجر کبیر
وکردارهای نیکو کردند این نند مر ایشان را آمرزش ومزدی بزرگ
فلعلك تارك بعض ما یوحی الیك وضائق به صدرك
پس شاید ای محمد که تو ترک کننده باشی بهره آنچه وحی کرده شد سوی تو و تنگ است با ظهار کردن آن سینه تو
ان یقولوا لولا انزل علیه کنز او جاء معه ملك انما
آنکه بگویند که چرا فرستاده نشد بر او گنج یا آمد با او فرشته نیستی تو

أَنتَ نَذِيرٌ وَاللهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَيٰهُ

تو بیم کننده وخدای بر همه چیز گواه است یا میگویند دروغ ساخته است

قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ

بگوای محمد پس بیارید ده سوره مانند قران که دروغ ساخته وبخوانید هرکه را توانید

مِنْ دُونِ اللهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ

از جز خدای اگر هستید شما راست گویان پس اگر ندهید پاسخ مر ایشان را

فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللهِ وَأَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ

پس بدانید بدرستیکه فرستاده شد بدانش خدای و انکه نیست خدائی موجود مگر او پس ایا هستید شما

مُسْلِمُونَ ۝ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَوٰةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ

گرویدگان هرکه باشد که میخواهد زندگانی دنیا وآرایش آن تمام بدهیم

إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

بایشان جزای کردار ایشان دران وایشان دران کم وکاست کرده نشوند از جزا ایشانند انانکه

لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ

نیست مر ایشان را دران جهان مگر آتش دوزخ وتباه شد انچه کردند دران دنیا وناچیز

مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ

انچه بودند میکردند ایا پس کیست که باشد بر حجتی از پروردگار خود

وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً

ومیخواند قران را گواهی ازاو واز پیش قران کتاب موسی بود پیشرو ورحمت

أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ

ایشانند که گرویدند بدان وهرکه نگروید بدان از لشکرهای کافران

فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ

پس آتش دوزخ وعده گاه اوست پس مباش تو در گمانی ازاو بدرستی که اوراست وعده از خداوند تو

خمس

ولکن

ولكنّ أكثر النّاس لا يؤمنون ۝ ومن أظلم ممّن افترى

ولیکن بسیار مردمان نمی گروند وکیست ستمکارتر ازانکه بربافت

على الله كذبا أولئك يعرضون على ربّهم ويقول الأشهاد

برخدای دروغ ایشانند که عرض کرده شوند بر پروردگار ایشان وگویند پیغمبران وفرشتگان

هؤلاء الّذين كذبوا على ربّهم ألا لعنة الله على الظّالمين ۝

ایشانند آنانکه دروغ گفتند بر پروردگار ایشان بدانکه نفرین خدای بر ستمکاران است

الّذين يصدّون عن سبيل الله ويبغونها عوجا وهم بالآخرة

آنانکه بازدارند خلق را از راه خدا ومیجویند خدای کجی وایشان بدآنجهان

هم — ایشان

كافرون ۝ أولئك لم يكونوا معجزين في الأرض وما

ناگرویدگانند ایشانند که نباشند عاجز کنندگان در زمین ونه

كان لهم من دون الله من أولياء يضاعف لهم العذاب

باشد مرایشان را از جز خدای از دوستان دوچندان کرده شود مرایشان عقوبت

عشر

ما كانوا يستطيعون السّمع وما كانوا يبصرون ۝ أولئك

نبودند که توانند شنید ونبودند که توانند دید ایشانند

الّذين خسروا أنفسهم وضلّ عنهم ما كانوا يفترون ۝

آنانکه زیان کردند بر تنهای خویش وگم شد ازایشان آنچه بودند که دروغ برمی بافتند

لا جرم أنّهم في الآخرة هم الأخسرون ۝ إنّ الّذين آمنوا

هرآینه بدرستی ایشان در آنجهان ایشانند زیان کارتران بدرستیکه آنانکه گرویدند

وعملوا الصّالحات وأخبتوا إلى ربّهم أولئك أصحاب

وکردند کارنیکو وگردن نهادند سوی پروردگار خویش ایشانند باشندگان

الجنّة هم فيها خالدون ۝ مثل الفريقين كالأعمى والأ

بهشت ایشان دران جاودانه مانند دو گروه همچون نابینا است وکر

وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

وبینا وشنوا ایا یکسانند هردو ازروی صفت ایا پس پند نمیکیرید

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ أَنْ لَا تَعْبُدُوا خمس

وهر اینه تحقیق فرستادیم ما نوح را سوی کروه او بدرستی من مر شما بیم کنندهام پیدا اینکه مپرستید

إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ

مکر خدای را بدرستی من میترسم بر شما عقوبت روز دردناک پس کفتند کروه انانکه

كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ

کافر شدند از کروه او نمیبینیم ما ترا مکر آدمی مانند خود ونمیبینیم ترا پیروان ترا

إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ الرَّأْيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا

مکر انانکه ایشان کمتران وبدتران ما اند اول کار ونمیبینیم مر شمارا بر ما

مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ

از افزونی بلکه می پنداریم شمارا دروغ کویان کفت نوح ای کروه ایا می بینید شما اکر من هستم

عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ

بر حجتی از پروردکار خویش وبداد مرا بخشایشی از نزد خویش پس پوشیده کرد بر شما

أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ

ایا لازم کنیم بر شما انرا وشما مر انرا ناخواهانید وای کروه نمیخواهم از شما براین

مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ

مالی نیست مزد من مکر بر خدای ونیستم من راننده انانکه کرویدند بدرستی ایشان

مُلَاقُو رَبِّهِمْ وَلَٰكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ وَيَا قَوْمِ

بینندکان خداوند خویشند ولیکن من می بینم شمارا کروه نادانان وای کروه من

مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ وَلَا أَقُولُ عشر

کیست که یاری دهد مرا از خدای اکر برانم من ایشان را ایا پس پند نمیکیرید ونکویم

لكم

لكم عندي خزائن الله ولا اعلم الغيب ولا اقول اني ملك

مر شمارا که نزد منست خزینهای خدا و ندانم علم نهانرا و نکویم بدرستی که من فرشته

ولا اقول للذين تزدري اعينكم لن يؤتيهم الله خيرا الله اعلم

و نکویم مر آنانرا که خوار میدارند مر ایشانرا چشمهای شما هرگز ندهد ایشانرا خدا نیکوئی خدا داناترست

بما في انفسهم اني اذا لمن الظالمين قالوا يا نوح قد جادلتنا

بدانچه در تنهای ایشانست بدرستی که من آنگاه از ستمکاران گفتند ای نوح بتحقیق پیکار کردی

فاكثرت جدالنا فاتنا بما تعدنا ان كنت من الصادقين

پس بسیاری کردی پیکار با ما پس بیار بما بدانچه وعده میکنی ما را اگر هستی تو از راستگویان

قال انما ياتيكم به الله ان شاء وما انتم بمعجزين ولا ينفعكم

گفت نوح نیست مگر آنکه بیارد بشما آنرا خدا اگر خواهد و نیستید شما عاجز کنندگان و نکند سود شمارا

نصحي ان اردت ان انصح لكم ان كان الله يريد ان يغويكم هو

نصیحت من اگر خواهم من آنکه نصیحت کنم مر شمارا اگر باشد که خدای خواهد که بیراه کند شمارا او

ربكم واليه ترجعون ام يقولون افتريه قل ان افتريته

خداوند شما و بسوی اوست بازگشت یا گویند دروغ بر بافت آنرا بگوی محمد که نوح گفت اگر دروغ گفتم

فعلي اجرامي وانا بريء مما تجرمون واوحي الى نوح انه

پس برمنست گناه کردن من و منم بیزار از آنچه گناه کنید شما و وحی کرده شد بسوی نوح بدرستیکه

لن يؤمن من قومك الا من قد امن فلا تبتئس بما كانوا

نخواهد آورد ایمان از گروه تو مگر هر که بتحقیق ایمان آورد پس اندوهگین مشوید بدانچه بودند

يفعلون واصنع الفلك باعيننا ووحينا ولا تخاطبني في

که میکنند و بساز کشتی را بنگاه داشت ما و الهام ما و سخن مگوی با من در

الذين ظلموا انهم مغرقون ويصنع الفلك وكلما مر عليه

آنانکه ستم کردند بدرستیکه ایشان بآب غرق شدگانند و بساخت بتعلیم جبرئیل کشتی را و هرگاه که بگذشتی بر او

خمس

مَلَأٌ مِّن قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِن تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ

گروهی از گروه او استهزا کردند ازو گفت نوح اگر استهزا کنید از ما پس بدرستی ما استهزا کنیم

مِنكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ

از شما همچنین که استهزا میکنید پس زود باشد که بدانید که کیست که بیاید بدو عقوبت که خوار کند

وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا

و فرود آید براو عقوبت دایم تا چون آمد فرمان ما و بجوشید تنور گفتیم ما

احْمِلْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ

که بار کن در ان یعنی کشتی از هر نر و ماده دو تا و اهل خود را مگر آنکه پیش شد

عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ وَقَالَ ارْكَبُوا

براو گفتار و هر که ایمان آورد و نیاورد ایمان باو مگر اندکی و گفت سوار شوید

فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ وَهِيَ

در کشتی بنام خدای در وقت راندن و وقت ایستادن بدرستیکه پروردگار من هر اینه آمرزنده بخشاینده و کشتی

تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي

میبرد ایشان را در موجی همچون کوهها و بانگ کرد نوح پسر خود را کنعان نام و بود کنعان

مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَّعَنَا وَلَا تَكُن مَّعَ الْكَافِرِينَ قَالَ سَآوِي

در بلندی که ای پسر من سوار شو با ما و مباش با ناگرویدگان گفت باز آیم

إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا

سوی کوه که نگاه دارد مرا از آب گفت نیست نگاهدار از امروز از عذاب خدای مگر

مَن رَّحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ

کسی که بخشاید خدا و حایل شد میان نوح و کنعان موج پس بود کنعان از غرق شدگان

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ

و گفته شد که ای زمین فرو خور آب خود را و ای آسمان باز ایست و کم کرده شد آب

و آن تنور بود از سنگ
که حوا علیها السلام بر آن
نان پختی میراث بنوح
علیه السلام رسیده بود
و آن تنور در کوفه بود
ناگاه آب از میان آن تنور
جوشید و حضرت حق تعالی نوح
را خبر داده بود که
هرگاه آب از میان آن تنور
بجوشد آماده ای طوفان است

وقضي الامر

وقضي الامر واستوت على الجودي وقيل بعدا للقوم

و گذارده شد کاری که حکم خدا بر ان جاری شده بود و بایستاد کشتی بر کوه جودی و گفته شد دوری باد مر گروه

الظالمين ۝ ونادى نوح ربه فقال رب ان ابني من

ستمکاران را و خواند بابانگ بلند نوح خداوند خود پس گفت ای خداوند من بدرستیکه پسر من

خمس

من اهلي وان وعدك الحق وانت احكم الحاكمين ۝ قال يا نوح انه ليس

از اهل منست و بدرستی که وعده تو راستست و تویی داورتر همه داوران گفت خدای ای نوح بدرستی او نیست

من اهلك انه عمل غير صالح فلا تسئلن ما ليس لك به علم اني اعظك ان

از اهل تو بدرستیکه او کارکرد نه نیکو و شایسته پس مخواه از من انچه نیست مر ترا بدان دانشی بدرستی که من پند میدهم ترا که

تكون من الجاهلين ۝ قال رب اني اعوذ بك ان اسئلك ما ليس لي به علم والا

نباشی از نادانان گفت نوح ای خداوند من بدرستی من پناه میجویم بتو که بخواهم از تو انچه نیست مرا بدان دانشی و اگر

تغفر لي وترحمني اكن من الخاسرين ۝ قيل يا نوح اهبط

نیامرزی مرا و نبخشایی مرا باشم از زیان کاران گفته شد ای نوح فرود ای از کشتی

بسلام منا وبركات عليك وعلى امم ممن معك وامم

بسلامتی از ما و افزونی و خجستگیها بر تو و بر گروه تو از انکسانی که با تو و گروه تواند

سنمتعهم ثم يمسهم منا عذاب اليم ۝ تلك من انباء الغيب

زود باشد که برخوردار گردانیم ایشانرا پس برسد ایشانرا از ما عقوبت دردناک اینست ای محمد از خبرهای نهانی

نوحيها اليك ما كنت تعلمها انت ولا قومك من قبل هذا

که وحی کردیم از سوی تو نبودی تو که میدانستی انرا تو و نه گروه تو از پیش از این

فاصبر ان العاقبة للمتقين ۝ والى عاد اخاهم هودا قال

پس صبر کن بدرستیکه سرانجام کار مر پرهیزکاران را و بسوی عاد فرستاد برادر ایشان هود را گفت

عشر

يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره ان انتم الا مفترون

ای گروه من بپرستید خدا را نیست مر شما را هیچ خدای جز او نیستید شما مگر دروغ گویان

يا قوم لا اسئلكم عليه اجرا ان اجري الا على الذي فطرني
ای گروه من نمیخواهم از شما بران مزدی نیست مزد من مگر بران کسی که آفرید مرا
افلا تعقلون ۝ ويا قوم استغفروا ربكم ثم توبوا اليه يرسل
آیا پس نمیدانید وای گروه من آمرزش خواهید از خدای خویش پس بازگردید سوی او بفرستد
السماء عليكم مدرارا ويزدكم قوة الى قوتكم ولا تتولوا
از آسمان بر شما باران پیاپی وزیادت کند شمارا نیرو سوی نیروی فرزندان شما و روی بر مگردانید
مجرمين ۝ قالوا يا هود ما جئتنا ببينة وما نحن بتاركي
گناه وکفر گفتند ای هود آوردی بما حجتی ونیستیم ما ترک کنندگان
الهتنا عن قولك وما نحن لك بمؤمنين ۝ ان نقول الا اعتريك
خدایان ما از قول تو ونیستیم ما مرترا بگرویدگان نمیگوییم مگر آنکه رسانیده
بعض الهتنا بسوء قال اني اشهد الله واشهدوا اني بريء
بهره خدایان ما ببدی گفت بدرستیکه من گواه میگیرم خدارا وگواه باشید بدرستیکه من بیزارم
مما تشركون ۝ من دونه فكيدوني جميعا ثم لا تنظرون ۝ اني
از آنچه انباز آرید شما از جز خدای پس کید کنید مرا همه پس مهلت مدهید بدرستیکه
توكلت على الله ربي وربكم ما من دابة الا هو اخذ
توکل کردم برخدای که خداوند من وخداوند شماست نیست هیچ گیرنده مگر او گیرنده است
بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم ۝ فان تولوا فقد ابلغتكم
بموی پیشانی آن بدرستیکه خداوند من برراه راستست پس اگر روی بگردانید پس بتحقیق رسانیدم مر شما را
ما ارسلت به اليكم ويستخلف ربي قوما غيركم ولا تضرونه
آنچه فرستاده شدم بدان سوی شما وخلیفه کرد خداوند من گروهی جز شما و زیان نرسانید گزندی اورا
شيئا ان ربي على كل شيء حفيظ ۝ ولما جاء امرنا نجينا هودا
چیزی بدرستی که خداوند من بر همه چیز نگاهدارنده است وچون بیاید عذاب ما برهانیدیم ما هود را

خمس

والذين

والذین امنوا معه برحمة منا ونجیناهم من عذاب غلیظ ۝
وانانکه گرویدند باو ببخششی ازما وبرهانیدیم ایشان از عقوبت درشت
وتلك عاد جحدوا بایات ربهم وعصوا رسله واتبعوا امر
وآن عادیان منکر شدند بحجتهای پروردگار خود ونافرمانی کردند پیغمبران اورا وپیروی کردند فرمان
کل جبار عنید ۝ واتبعوا فی هذه الدنیا لعنة ویوم القیمة
هر گردنکش نافرمان را واز پی درآورده شدند درین جهان بنفرین ودر روز رستخیز
عشرع
الا ان عادا کفروا ربهم الا بعدا لعاد قوم هود ۝ والی
آگاه باش بدرستیکه عادیان منکر شدند بخداوند خویش بدانکه دوری است مر عادیان را که گروه هود بودند وسوی
ثمود اخاهم صالحا قال یاقوم اعبدوا الله ما لکم من
ثمود فرستادیم برادر ایشان صالح را گفت ای گروه بپرستید خدای را نیست مر شمارا کسی
اله غیره هو انشاکم من الارض واستعمرکم فیها
خدای جز او اوست که آفرید شمارا از زمین وزندگانی داد شمارا در آن
فاستغفروه ثم توبوا الیه ان ربی قریب مجیب ۝ قالوا
پس آمرزش خواهید ازو پس بازگردید سوی او بدرستیکه خداوند من نزدیک واجابت کننده است گفتند
یا صالح قد کنت فینا مرجوا قبل هذا اتنهینا ان نعبد
ای صالح بتحقیق بودی تو درمیان ما امیدوار پیش ازین آیا باز میداری مارا که بپرستیم
ما یعبد اباؤنا واننا لفی شك مما تدعونا الیه مریب ۝
آنچه می پرستیدند پدران ما وبدرستیکه ما هر آینه در گمانیم از آنچه میخوانی مارا سوی او در تهمت افکنده
قال یاقوم ارایتم ان کنت علی بینة من ربی واتانی
گفت صالح ای گروه من آیا می بینید شما اگر هستم بر حجتی از خداوند من وبداد مرا
منه رحمة فمن ینصرنی من الله ان عصیته فما تزیدوننی
ازاو بخشایشی پس کیست که یاری کند مرا از عذاب خدای اگر نافرمانی کنم پس نکنند زیادت مرا

غير تخسير ۝ ويا قوم هذه ناقة الله لكم آية فذروها تأكل
جز زيان كاری وای گروه من اینت ماده شتر خدا مر شمارا نشانی پس بگذارید ازا تا بخورد

فی أرض الله ولا تمسوها بسوء فيأخذكم عذاب قريب ۝
در زمین خدای و مسایید ازا ببدی پس بگیرد شمارا عقوبت نزدیک

فعقروها فقال تمتعوا فی داركم ثلثة أيام ذلك وعد
پس بکشتند آن ماده شترا پس گفت برخورداری گیرید در خانهای خود سه روز اینت وعده

غير مكذوب ۝ فلما جاء أمرنا نجينا صالحا والذين آمنوا
نه دروغ گفته شده پس چون آمد عذاب ما برهانیدیم ما صالح را و آنانکه گرویدند

معه برحمة منا ومن خزی يومئذ إن ربك هو القوی
باو به بخشایشی از ما و از رسوائی آن روز بدرستیکه خداوند تو اوست که نیرو

العزيز ۝ وأخذ الذين ظلموا الصيحة فأصبحوا فی ديارهم
وار چیره است و بگرفت با مر خدا آنانکه ستم کردند بانگ جبرئیل علیه السلم پس بامداد کردند در خانهای خود شان

جاثمين ۝ كأن لم يغنوا فيها ألا إن ثمود كفروا ربهم
افتادگان مردگان چنانکه نبودند در آن بدانکه بدرستیکه قوم صالح کافر شدند پروردگار خویش را

ألا بعدا لثمود ۝ ولقد جاءت رسلنا إبراهيم بالبشرى
بدانکه دوریست مر قوم صالح را و بتحقیق آمدند پیغمبران ما ابراهیم بمژده دادن

قالوا سلاما قال سلام فما لبث أن جاء بعجل حنيذ ۝
گفتند سلام را گفت سلام پس درنگ نکرد که آورد گوساله بریان

فلما رأى أيديهم لا تصل إليه نكرهم وأوجس منهم
پس چون بدید دستهای ایشان را نمیرسید سوی او تا خیر کردن ایشان را و بدل گرفت از ایشان

خيفة قالوا لا تخف إنا أرسلنا إلى قوم لوط ۝ وامرأته
ترسی گفتند مترس بدرستی که ما فرستادیم سوی قوم لوط و زن او ساره

خمس

عشر

قائمه

قائمة فضحكت فبشرناها باسحق ومن وراء اسحق يعقوب

ایستاده بود پس بخندید پس مژده دادیم او را باسحق واز پس اسحق یعقوب

قالت یاویلتی ءالد وانا عجوز وهذا بعلی شیخا ان هذا لشیء

گفت ساره ای وای من آیا بزایم من و من زنی ام نود و نه ساله واینست شوی من پیر نود ساله بدرستیکه این هر آینه چیزی

عجیب قالوا اتعجبین من امر الله رحمت الله وبرکاته علیکم

عجیب است گفتند آیا شگفت میکنی از فرمان خدا بخشایش از خدا و برکتهای او بر شما

اهل البیت انه حمید مجید فلما ذهب عن ابراهیم الروع

خداوندان اهل خانه بدرستیکه او است ستوده بزرگ پس چون برفت از ابراهیم ترس

وجاءته البشری یجادلنا فی قوم لوط ان ابراهیم لحلیم اواه

وبیامد او را مژده ده مجادله و مباحثه با فرشتگان در شأن گروه لوط بدرستیکه ابراهیم هر آینه بردبار آه کننده

منیب یا ابراهیم اعرض عن هذا انه قد جاء امر ربك وانهم

رجوع کننده است ای ابراهیم روی بگردان از این جدال بدرستیکه او بتحقیق آمد عذاب خداوند تو و بدرستیکه ایشان

آتیهم عذاب غیر مردود ولما جاءت رسلنا لوطا سیء بهم

آینده است ایشان را عذاب جز باز گردانیده شده وچون آمدند پیغمبران بلوط غمناک کرده بدیشان

وضاق بهم ذرعا وقال هذا یوم عصیب وجاءه قومه

وتنگ شد بدیشان دل او وگفت اینست روز دشواری وآمد او را گروه او

یهرعون الیه ومن قبل کانوا یعملون السیئات قال یاقوم

می شتابند سوی او واز پیش بودند میکردند بدیها گفت ای گروه من

هؤلاء بناتی هن اطهر لکم فاتقوا الله ولا تخزون فی ضیفی

این دختران من اینانند پاکیزه تر مر شما را پس بپرهیزید خدا را و مباشید اندوهگین در مهمانان

الیس منکم رجل رشید قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتك

آیا نیست از شما مردی بزرگ راه یافته گفتند فرشتگان ای لوط هر آینه تحقیق میدانی تو نیست ما را در دختران تو

خمس

مِن حَقٍّ وَاِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ ۝ قَالَ لَوْ اَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً اَوْ
از حقی و بدرستیکه تو هر اینه میدانی انچه میخواهیم گفت اگر بدرستیکه مرا می بود بشما نیروئی یا
اٰوِي اِلٰى رُكْنٍ شَدِيدٍ ۝ قَالُوا يَا لُوطُ اِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا عشر
باز میگشتم سوی رکنی سخت گفتند فرشتگان ای لوط بدرستیکه ما رسولان خداوند تو ایم هرگز نرسند
اِلَيْكَ فَاَسْرِ بِاَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ اَحَدٌ
سوی تو پس ببر باهل تو بپاره از شب و ننگرد واپس از شما یکی
اِلَّا امْرَاَتَكَ اِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا اَصَابَهُمْ اِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ
مگر زن تو بدرستیکه او عذاب رساننده است او را در انچه رسید ایشان را بدرستیکه وعده هلاک ایشان رسیده است
اَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ۝ فَلَمَّا جَاءَ اَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا
ایا نیست سفیده دم نزدیک پس چون آمد عذاب کردیم ما زبران شهر را زیر
وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ ۝ مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ
و بباراندیم بر ان شهر سنگها از گل سخت شده برهم نهاده شده خطها کشیده نزد پروردگار تو
وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ ۝ وَاِلٰى مَدْيَنَ اَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ
و نیست آن از ستمکاران بدوری و سوی مدین فرستادیم برادر ایشان شعیب را گفت ای گروه من
اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلٰهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ
بپرستید خدای را که نیست مر شما را کسی خدای جز او و کم مکنید پیمانه و ترازو را
اِنِّي اَرٰيكُمْ بِخَيْرٍ وَاِنِّي اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ ۝
بدرستیکه من می بینم شما را به نیکوئی و بدرستیکه من میترسم بر شما عقوبت روز درگیرنده
وَيَا قَوْمِ اَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ
و ای گروه من تمام کنید پیمانه و ترازو را بعدل و کم مکنید مردمان
اَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ ۝ بَقِيَّتُ اللّٰهِ خَيْرٌ لَكُمْ خمس
چیزهای ایشان را و مکنید تباه کاری در زمین تباه کنندگان انچه باقی کرد خدای بهترست شما را

اِنْ كُنْتُمْ

إن كنتم مؤمنين وما أنا عليكم بحفيظ ○ قالوا يا شعيب

اگر هستید شما گرویدگان ونیستم من بر شما نگاهبان گفتند ای شعیب

أصلوتك تأمرك أن نترك ما يعبد آباؤنا أو أن نفعل

آیا نمازهای تو میفرماید ترا که بگذاریم آنچه میپرستیدند پدران یا آنکه بکنیم ما

في أموالنا ما نشاء إنك لأنت الحليم الرشيد ○ قال يا قوم

در مالهای خود آنچه خواهیم بدرستیکه تو هرآئنه توئی بردبار راه یافته گفت ای گروه من

أرأيتم إن كنت على بينة من ربي ورزقني منه رزقا

آیا چه می بینید اگر هستم من بر حجتی از خداوند من وروزی داد مرا ازاو روزی

حسنا وما أريد أن أخالفكم إلى ما أنهاكم عنه إن أريد

نیکو ونمیخواهم آنکه خلاف کنم شمارا سوی آنچه بازمیداریم شمارا ازان نخواهم

إلا الإصلاح ما استطعت وما توفيقي إلا بالله عليه توكلت

مگر نیکو کردن آنچه توانم ونیست توفیق من در صلاح امور مگر بخدا براوست بازگشت من

نصف
ع

وإليه أنيب ○ ويا قوم لا يجرمنكم شقاقي أن يصيبكم مثل

وسوی اوست بازگشت من وای گروه من مبیدارد براں شمارا دشمنی خداوند من که برسد شمارا مانند

ما أصاب قوم نوح أو قوم هود أو قوم صالح وما قوم

آنچه رسید گروه نوح را یا گروه هودرا یا گروه صالح را ونیست گروه

لوط منكم ببعيد ○ واستغفروا ربكم ثم توبوا إليه إن

لوط از شما بدوری وآمرزش خواهید پروردگار شما پس بازگردید سوی او بدرستی

عشر

ربي رحيم ودود ○ قالوا يا شعيب ما نفقه كثيرا مما تقول

پروردگار من بخشنده دوست دارنده است گفتند ای شعیب درنمی یابیم ما وبسیاری از آنچه تو میگوئی

وإنا لنريك فينا ضعيفا ولولا رهطك لرجمناك وما أنت

وبدرستیکه ما هرآئنه می بینیم ترا در میان خود سست وبیقوت واگر نه قوم وعشیرت تو بودند که هرآئنه سنگسار میکردیم ترا ونیستی تو

علينا بعزيز ۝ قال يا قوم أرهطي أعز عليكم من الله و

بر ما بارجمندی گفت ای گروه من ایا خویشاوندان من ارجمندتر است بر شما از خدای و

اتخذتموه وراءكم ظهريا إن ربي بما تعملون محيط و

گرفتید شما اورا از پس پشت خود بدرستی که پروردگار من بدانچه میکنید احاطه کننده است و

يا قوم اعملوا على مكانتكم إني عامل سوف تعلمون

ای گروه کار کنید بر جایگاه خویش بدرستی که من کار کننده ام زود باشد که بدانید

من يأتيه عذاب يخزيه ومن هو كاذب وارتقبوا

هر کرا بیاید اورا عقوبتی که خوار کند اورا و هر که او دروغ زنست و نگاه دارید

إني معكم رقيب ۝ ولما جاء أمرنا نجينا شعيبا والذين

بدرستی که من با شما ام نگهبان و چون بیامد عذاب ما برهانیدیم ما شعیب را و انانکه گرو

معه برحمة منا وأخذت الذين ظلموا الصيحة فأصبحوا في

با او ببخشایشی از ما و بگرفت انانکه ستم کردند اواز جبرئیل پس بامداد کردند در

ديارهم جاثمين ۝ كأن لم يغنوا فيها ألا بعدا لمدين كما

خانهای خویش بزانو در افتادگان چنانستی که نبودند در انجای بدانکه دوری باد مر اهل مدین را چنانکه

بعدت ثمود ۝ ولقد أرسلنا موسى بآياتنا وسلطان مبين

دور شدند ثمودیان و هر اینه بتحقیق فرستادیم ما موسی را بحجتهای خویش و حجتی هویدا

إلى فرعون وملإيه فاتبعوا أمر فرعون وما أمر فرعون برشيد

سوی فرعون و گروه او پس پیروی کردند فرمان فرعون را و نیست فرمان فرعون براستی

يقدم قومه يوم القيامة فأوردهم النار وبئس الورد المورود

پیش روی کند گروه خود را روز قیامت پس فرود آورد ایشان را در آتش و بد جایست محل ورود آن

وأتبعوا في هذه لعنة ويوم القيامة بئس الرفد المرفود ۝

و از پی در آمده شدند درین جهان لعنتی و روز قیامت بد عطائیست که داده شده ایشان

خمس

ذلک

ذلك من انباء القرى نقصه عليك منها قائم وحصيد عشر
اينست اى محمد از اگاهى هاى ديهها كه قصه ميكنيم ازا بر تو ازان ديهها ايستاده شده و دور كرده شده
وما ظلمناهم ولكن ظلموا انفسهم فما اغنت عنهم الهتهم
و نكرديم ستم ما ايشان را وليكن ستم كردند تنهاى خويش را پس نكرد سود ازايشان خداوندان
التي يدعون من دون الله من شيء لما جاء امر ربك وما
كه ميخواندند از جز خداى از چيزى انگاه كه امد عذاب خداوند تو و نه
زادوهم غير تتبيب وكذلك اخذ ربك اذا اخذ القرى وهي
افزودند ايشان را جز هلاك گردانيدن و همچنين اى محمد گرفتن خداوند تو چون بگيرد ديهها و ان
ظالمة ان اخذه اليم شديد ان في ذلك لاية لمن خاف
ستمكار باشد بدرستيكه گرفتن او دردناك و سخت است بدرستى كه درين هرانئه نشانيست مر كسى را كه بترسد
عذاب الاخرة ذلك يوم مجموع له الناس وذلك يوم مشهود
عقوبت آن جهان را اين روزيست كه گرد شوند مر اورا مردمان و اين روز حاضر كرده شده
وما نؤخره الا لاجل معدود يوم يات لا تكلم نفس الا
تاخير ازا مگر مر مهلتى را شمرده شده روزى بيايد كه سخن نكند تنى مگر
باذنه فمنهم شقي وسعيد فاما الذين شقوا ففي النار لهم خمس
بفرمان او پس ازايشان بعضى بدبخت است و بعضى نيكبخت پس اما انكه بدبخت شدند پس در اتش دوزخ مر ايشانرا
فيها زفير وشهيق خالدين فيها ما دامت السموات والارض
دران باشد بانگ و ناله چون بانگ خر جاودانه دران جاى تا بجاى بود آسمانها و زمين
الا ما شاء ربك ان ربك فعال لما يريد واما الذين سعدوا
مگر انچه خواهد خداوند تو بدرستى خداوند تو كننده مر چيزى را كه مى خواهد و اما انانكه نيكبخت شدند
ففي الجنة خالدين فيها ما دامت السموات والارض الا ما شاء
پس در بهشت باشند جاودانه در آن جاى مادامى كه باشند آسمانها و زمين مگر انچه خواهد

رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ ۝ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هَٰؤُلَاءِ
خداوند تو بخششی غیر مقطوع پس مباش تو ای محمد در گمان از انچه می پرستند ایشان
مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ
نمی پرستند مگر چنانچه میپرستند پدران ایشان از پیش و بدرستیکه ما تمام دهنده
نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ
نصیب ایشان جز نقصان و هر اینه دادیم ما موسی را کتاب پس اختلاف کردند
فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ ع
در آن و اگر نه سخنی پیش رفته بود از خداوند تو هر اینه حکم کرده میشدی میان ایشان و بدرستیکه ایشان
لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ۝ وَإِنَّ كُلًّا لَمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ عشر
هر اینه در گمانی که ازو تنگ آورده اند و بدرستیکه هر یک [illegible] هر یک تمام دهد ایشان خداوند تو جزا کردار ایشان
إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ
بدرستیکه او بدانچه میکنید آگاه است پس راست بایست چنانچه فرموده شدی و هر که باز گردد با تو
وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ
و مگردید از راه بدرستی که او بدانچه میکنید بیناست و مکنید میل سوی آنانکه
ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ
ستم کردند پس برسد شمارا آتش دوزخ و نیست مر شمارا از جز خدای کس دوستان
ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ ۝ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ
پس یاری داده نشوید و بپای دار نمازرا در دو طرف روز و پاره از شب
إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَٰلِكَ ذِكْرَىٰ لِلذَّاكِرِينَ
بدرستیکه نیکوئیها بر دور میکنند گناه و بدهارا این یعنی اقامت پندست مر پند گیرندگان
وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۝ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ خمس
و شکیبائی کن [illegible] بدرستیکه خدای نکند ضایع مزد نیکوکاران را پس اگر نه باشد از گروهها

مِن قَبْلِكُم

مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ
از پیش شما خداوندان دین خدای باز دارند از فساد در زمین
إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ ۝ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا
مگر اندکی از انچه برهانیدیم ما از ایشان وپیروی کردند آنانکه ستم کردند انچه نعمت داده شدند
فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ۝ وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ
در آن وبودند گناه کاران ونبود خداوند تو هر آئنه هلاک کند ترا دیهها را
بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ۝ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ
بستم واهل آنجا باشند نیکوکاران واگر خواهد پروردگار تو هر آئنه گرداند مردمان را
أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَحِمَ رَبُّكَ وَ
گروهی واحدی ونباشند همیشه خلاف کنندگان در حق و باطل مگر هر را بخشد پروردگار تو و
لِذَٰلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ
از برای این آفریدایشان را وتمام کرد سخن خداوند تو که هر آئنه پر کنیم دوزخ را از پریان
وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ۝ وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاءِ الرُّسُلِ
ومردمان همه وجمله قصه کنیم برتو از خبرهای پیغمبرانست
مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَٰذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَىٰ
واین خبرها آنکه بدان ثابت گردانیم دل ترا وآمد ترا درین سوره راستی وپندی ویادکرد
عشر لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ وَقُل لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ
مرگرویدگان را وبگوای محمد ص مرآنان را که نگرویدند بکنید بر درین خود
إِنَّا عَامِلُونَ ۝ وَانتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ ۝ وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ
براستی که ما کارکنندگانیم وچشم دارید که ما چشم دارندگانیم ومرخدای راست پنهانی آسمانها
وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ
وزمین وسوی اوست بازگشت کارها همه پس بپرست اورا وتوکل کن بر او

سورة يوسف وما ربك بغافل عما تعملون ۝ وهي مائة واحد عشر آية

و نیست خداوند تو غافل از انچه میکنید

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده مهربان

الر ۝ تلك آيات الكتاب المبين ۝ انا انزلناه قرانا عربيا

این حجتهای قران پیدا است بدرستیکه ما فرستادیم ان یعنی قران بزبان عربی تازی

لعلكم تعقلون ۝ نحن نقص عليك احسن القصص بما

تا مگر شما فهم کنید و بمغز آن برسید ما قصه کنیم بر تو نیکوترین قصها بدانچه

اوحينا اليك هذا القران وان كنت من قبله لمن الغافلين

وحی کردیم ما سوی تو این قران که خوانده میشود واگرچه بودی تو از پیش او هرانئه از غافلان

اذ قال يوسف لابيه يا ابت اني رايت احد عشر كوكبا و

چون گفت یوسف مر پدر خودرا ای پدر بدرستیکه من دیده ام که یازده ستاره و

الشمس والقمر رايتهم لي ساجدين ۝ قال يا بني لا تقصص

افتاب و ماه را دیده ام ایشانرا که مرا سجده کنانند گفت ای پسر من مکن قصه

رؤياك على اخوتك فيكيدوا لك كيدا ان الشيطان

خواب خودرا بر برادران خود پس کید و مکر میکنند مر ترا مکری بدرستیکه دیو

للانسان عدو مبين ۝ وكذلك يجتبيك ربك ويعلمك

مر مردمان را دشمنی است پیدا و همچنین برگزیند ترا خداوند تو و بیاموزد ترا

من تاويل الاحاديث ويتم نعمته عليك وعلى آل يعقوب

از تفسیر خوابها و تمام کند نعمت خودرا بر تو و بر پیروان یعقوب

كما اتمها على ابويك من قبل ابراهيم واسحق ان ربك

همچنین که تمام کرد آنرا بر پدران تو از پیش ابراهیم و اسحق بدرستیکه خداوند تو

بقوله تع الر یعنی انا الله اری
منم خدای که من بینم
چیزها را و میدانم جمیع
اشیا را ه

[illegible]

خمس

عليم

عليم حكيم ۝ لقد كان في يوسف واخوته آيات للسائلين ۝
دانای محکم کارست | هرآینه تحقیق بود در | یوسف و برادران او نشانها مر سوال کنندگان را

اذ قالوا ليوسف واخوه احب الى ابينا منا ونحن عصبة ان
چون گفتند | هرآینه یوسف و برادر او ابن یامین | دوست‌تر است سوی پدر ما | از ما | وحال آنکه ما جماعتی مردان | بدرستی
برادران | که برادر او بود از مادر | توانا و نگاه‌داریم

ابانا لفي ضلال مبين ۝ اقتلوا يوسف او اطرحوه ارضا يخل
پدر ما هرآینه در گمراهیست پیدا | بکشید یوسف را | یا بیفکنید او را زمینی خالی کند

لكم وجه ابيكم وتكونوا من بعده قوما صالحين ۝ قال
مر شما را | روی او پدر شما را | و بوده باشید | از پس او | گروه | نیکوکاران | گفت

قائل منهم لا تقتلوا يوسف والقوه في غيابت الجب يلتقطه
گوینده از ایشان | نکشید | یوسف را | و بیفکنید او را | قعر | چاه | بردارند او را
یعنی برادر بزرگ یهودا

بعض السيارة ان كنتم فاعلين ۝ قالوا يا ابانا ما لك لا تامنا
بهره | از کاروانیان اگر هستید شما با من | گفتند ای پدر ما | چه بود مر ترا که نداری استوار

على يوسف وانا له لناصحون ۝ ارسله معنا غدا يرتع ويلعب
بر | یوسف | و بدرستیکه ما او را هرآینه نیکوخواهانیم | بفرست او را با ما | فردا باید تا در | بخورد و بازی کند

وانا له لحافظون ۝ قال اني ليحزنني ان تذهبوا به واخاف
و بدرستیکه ما او را هرآینه نگاهبانانیم | گفت بدرستیکه من هرآینه اندوهگین میشوم اینکه ببرید او را | و می‌ترسم که

ان ياكله الذئب وانتم عنه غافلون ۝ قالوا لئن اكله
اینکه بخورد او را | گرگ | و شما از او | غافل باشید | گفتند اگر بخورد او را

الذئب ونحن عصبة انا اذا لخاسرون ۝ فلما ذهبوا به
گرگ | و ما گروهی توانا هستیم بدرستیکه ما آنگاه هرآینه از زیانکاران باشیم | پس چون بردند یوسف را بد آنجا

واجمعوا ان يجعلوه في غيابت الجب واوحينا اليه لتنبئنهم
و گرد آمدند بآنکه | بیفکنند او را | در | قعر | چاه | و وحی کردیم ما سوی او که اندوهگین مباش
که هرآینه خبر کنی برادران را

عشر

بأمرهم هذا وهم لا يشعرون ۝ وجاءوا اباهم عشاء يبكون ۝ خمس

کار کردند ایشان این را وایشان ندانند علو شان ورفعت   و آمدند نزد پدر خود   شبانگاه گریان

قالوا يا ابانا انا ذهبنا نستبق وتركنا يوسف عند متاعنا

گفتند ای پدر ما   بدرستیکه ما رفتیم بایکدیگر پیشی میگرفتیم در دویدن   و بگذاشتیم یوسف را   نزد جامهای خود

فأكله الذئب وما انت بمؤمن لنا ولو كنا صادقين ۝

پس خورد اورا   گرگ   ونیستی تو   راست گوی دارنده مارا   واگر باشیم ما راست گویان

وجاءو على قميصه بدم كذب قال بل سولت لكم انفسكم

و بیاوردند بر پیراهن یوسف بخون آلوده بدروغ   گفت یعقوب بلکه آراسته است مرشمارا   تنهای شما

یعنی پیراهن را بخون گوسفند آلوده کردند

امرا فصبر جميل والله المستعان على ما تصفون ۝ وجاءت

کاری کردید پس شکیبائی کردنیکو   و از خدا یاری میخواهم   بر آنچه صفت میکنید   و بیامد

سيارة فارسلوا واردهم فادلى دلوه قال يا بشرى هذا

کاروان   پس فرو فرستادند آب جویان ایشان   پس فرو گذاشت دلو خود را   گفت ای مژده که یوسف   این

غلام واسروه بضاعة والله عليم بما يعملون ۝ وشروه بثمن

کودکیست و پنهان کردند اورا از تجار خود برای فروختن   وخدای   داناست بدانچه میکردند   و بفروختند اورا به بهای

بخس دراهم معدودة وكانوا فيه من الزاهدين ۝ وقال عشر

اندک   درمهای   شمرده شده   و بودند ایشان در آن   از بی رغبتان   و گفت

الذي اشتريه من مصر لامرأته اكرمي مثويه عسى ان ينفعنا

آنکس که بخرید اورا از اهل مصر یعنی عزیز   مرزن خود را که کرامت کن مر جای بودن او   شاید که سود دارد ما را

او نتخذه ولدا وكذلك مكنا ليوسف في الارض ولنعلمه

یا بگیریم ما اورا بفرزندی   وهمچنین   جای دادیم مر یوسف را   در زمین   و تا بیاموزیم اورا

من تأويل الاحاديث والله غالب على امره ولكن اكثر

از تفسیر کردن   خوابها   و خدا غالبست   بر کار خود   ولیکن بیشتر

النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ

مردمان نمیدانند وانگاه برسید بمنتهای اشتداد در جا دادیم ماورا حکمی و دانشی و همچنین

نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ

پاداش دهیم نیکوکاران را وخواست ورا آن زن که یوسف درخانه او بود از تن خود. وبربست بجملی

الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ

درها را وگفت هش ای که من مر ترا ام گفت یوسف پناه میگیرم خدا را بدرستیکه پروردگار من نیکو کرد

مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ۝ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا

جایگاه مرا بدرستیکه خدا نمیکند رستگار ستمکاران را وهر آینه بتحقیق قصد کرد زلیخا بدان و قصد کرد یوسف

لَوْلَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ

اگر اینکه دیدی یوسف حجت پروردگار خود همچنین تا بگردانیم از یوسف بدی و عمل زشت یعنی زنا

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ۝ وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ

بدرستیکه یوسف از بندگان خالص ماست و پیشی گرفت سوی در و بدرید زلیخا پیراهن یوسف را

مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ

از عقب و بیافتند شوهر زلیخا را نزدیک در گفت زلیخا چیست پاداش آنکه خواست

بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِي عَنْ

بزن تو بدی مگر آنکه بزندان برده شود یا عقوبتی دردناک گفت یوسف ای عزیز زلیخا خواست مرا از

نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ

تن خود وگواهی داد گواهی دهنده از اهل زلیخا اگر باشد پیراهن یوسف دریده از پیش

فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۝ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ

پس راست گفت زلیخا و یوسف از دروغ گویان است واگر باشد پیراهن یوسف دریده از پس

فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ فَلَمَّا رَأَىٰ قَمِيصَهُ قُدَّ

پس دروغ گفت زلیخا و یوسف از راست گویان است پس چون دید پیراهن یوسف را دریده

خمس

مِن دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِن كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ ○ يُوسُفُ

از پس گفت بدرستیکه ان از مکر زنان است بدرستی که مکر زنان بزرگست ای یوسف

أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ

روی بگردان از این وآمرزش خواه ای لیخا مر گناه خویش را بدرستی که تو هستی از خطاکاران

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَن نَّفْسِهِ

وگفتند زنانی که در شهر بودند زن عزیز مصر میخواهد غلام خود را از تن خود

قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ○ فَلَمَّا سَمِعَتْ عشر

بتحقیق بدرید پرده او را دوستی بدرستی ما هرآینه می بینیم زلیخا را در گمراهی پیدا پس چون شنید زلیخا

بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ

سکالش کردن زنان مصر را فرستاد سوی ایشان و ساخت ایشان را بالشها وبداد هر

وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ

یک را از ان زنان کاردی وگفت یوسف را بیرون آی برابر این زنان پس چون دیدند یوسف را زنان

أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَٰذَا بَشَرًا

بزرگ داشتند او را و ببریدند آن زنان دستهای خود را وگفتند معاذ الله نیست این آدمی

إِنْ هَٰذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ○ قَالَتْ فَذَٰلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ

نیست این مگر فرشته گرامی وبزرگوار گفت زلیخا پس اینست آن بنده مرا ملامت میکردید در او

وَلَقَدْ رَاوَدتُّهُ عَن نَّفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ

وهرآینه تحقیق خواستم او را از تن او پس نگاه داشت خود را واگر نکند آنچه فرمایم او را

لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ الصَّاغِرِينَ ○ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ

هرآینه بزندان کرده شود وهرآینه باشد از خواران گفت یوسف خداوندا زندان دوستتر نزد من

مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ

از آنچه میخوانند مرا سوی آن واگر نگردانی از من مکر ایشان را میل کنم سوی ایشان

خمر

وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ ۝ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ

وباشم از نادانان پس اجابت کرد دعا او را خداوند او پس گردانید از او

كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ ثُمَّ بَدَا لَهُم مِّن بَعْدِ

مکر ایشان را بدرستی که او است شنوای دانا پس پدید آمد ایشان را از پس

مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيَسْجُنُنَّهُ حَتَّىٰ حِينٍ ۝ وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانِ

انچه دیدند حجتهای بیدا اینه بزندان کردند تا هنگامی که مقرر بود و در آمدند با او در زندان دو جوان

قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ

گفت یکی از ایشان بدرستی دیدم من که می فشارم شراب وگفت دیگری بدرستی من دیدم که بار کردم

فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ

بالای سر خود طبق نان میخورند مرغان ازان خبر ده ما را بتفسیر این بدرستیکه ما می بینیم

مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۝ قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا

از نیکوکاران گفت یوسف نیاید شما را خوردنی که روزی داده شوید آنرا مگر آگاه کنم شما را

بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَن يَأْتِيَكُمَا ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ

بتفسیر آن پیش از انکه بیاید شما را اینست شما را از انچه آموخت مرا پروردگار من بدرستی من ترک کردم

مِلَّةَ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ۝

دین گروهی که نگرویدند بخدای و ایشان بدانجهان ایشان ناگرویدگانند

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا

پیروی کردم من دین پدران خود را ابراهیم و اسحق و یعقوب نباشد هرگز ما را

أَن نُّشْرِكَ بِاللَّهِ مِن شَيْءٍ ذَٰلِكَ مِن فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ

که انباز کنیم بخدا از چیزی اینست از افزون خدا بر ما و بر مردمان

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ۝ يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ أَأَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ

ولیکن بیشتر مردمان نمیکنند شکر ای دو یار زندان پراکنده

خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۝ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءً

بهترست یا خدای یکتا دیگانه در ذات و صفات شکننده که معبودها نمی پرستید شما از جز خدای مگر نامهای که

سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ

نام نهاده اید آنرا شما و پدران شما نفرستاد خدا بدان هیچ حجتی

إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ

نیست داوری مگر مر خدایرست فرمود که نپرستید .. مگر اورا اینست ای محمد دین راست پاکیزه

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمَا عشر

ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند ای دو یار زندان یکی از شما دو تن که ...

فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصْلَبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ

پس بدهد خداوند خود را شراب و اما دیگر پس بردار کرده شود پس بخورند مرغان از

رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ ۝ وَقَالَ لِلَّذِي

سر او قضا کرده شد آن کار در او که تفسیر و تعبیر کردید وگفت مر آنرا

ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ

گمان برد بدرستیکه او رستگار یابنده از آن دو تن که یاد کن مرا نزد خداوند خود پس فراموش ساخت او را دیو

ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ ۝ وَقَالَ الْمَلِكُ

یاد کردن یوسف نزد مربی خود پس درنگ کرد یوسف در زندان چند سال وگفت پادشاه که

إِنِّي أَرَىٰ سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ

بدرستی من دیده ام هفت گاوان فربه که میخورند آنهارا هفت گاو لاغر

وَسَبْعَ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي

و هفت خوشه سبز تر و تازه و دیگر خشک شده و رسیده ای مهتران گروه خبر کنید مرا

فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ ۝ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ

در خواب من اگر هستید شما مر آنرا خواب را تعبیر کنندگان گفتند اینخوابست شوریده

وما نحن

وما نحن بتاويل الاحلام بعالمين ۝ وقال الذي نجا منهما

ونيستيم ما بتعبير خواب شوريده دانندگان وگفت انکه خلاص یافته بود از ان دو تن از زندان

خمس — وادكر بعد امة انا انبئكم بتاويله فارسلون

و یاد کرد یوسف را پس فراموشی کرمی بیاگاهانم شمارا بتعبیر کننده خواب پس بفرستید مرا سوی

يوسف ايها الصديق افتنا في سبع بقرات سمان ياكلهن

یوسف ای راست گوی تعبیر کن مارا در هفت گاو فربه که میخورند ان را

سبع عجاف وسبع سنبلات خضر واخر يابسات لعلي

هفت گاو لاغر و هفت خوشه سبز و تروتازه و دیگر خوشهای خشک هر آینه شاید

ارجع الى الناس لعلهم يعلمون ۝ قال تزرعون سبع

باز گردم سوی مردمان تا شاید ایشان بدانند گفت یوسف بکارید هفت

سنين دابا ۝ فما حصدتم فذروه في سنبله الا قليلا مما

سال پیوسته پس انچه بدروید شما پس بگذارید ان را در خوشه مگر اندکی از انچه

تاكلون ۝ ثم ياتي من بعد ذلك سبع شداد ياكلن

بخورید پس بیاید از پس آن هفت سال قحط سخت بخورند

ما قدمتم لهن الا قليلا مما تحصنون ۝ ثم ياتي من بعد

انچه پیش کرده اشته تا این ایام از ان مگر اندکی از انچه نگاه میدارید پس بیاید از پس

ذلك عام فيه يغاث الناس وفيه يعصرون ۝ وقال الملك

آن سالی در وی باران داده شوند مردمان و در ان بیفشرند انچه فشردنی باشد وگفت پادشاه

ائتوني به فلما جاءه الرسول قال ارجع الى ربك فسئله

بیارید بمن ورا پس چون آمد یوسف را فرستاده شده گفت باز گرد سوی خداوند خود پس بپرس او را

عشر — ما بال النسوة اللاتي قطعن ايديهن ان ربي بكيدهن عليم

انچه بود حال زنان انانکه ببریدند دستهای خود را بدرستیکه خداوند من بمکر ایشان داناست

قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ اِذْ رَاوَدْتُنَّ يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ ط قُلْنَ حَاشَ لِلّٰهِ

گفت چیست حال شما چون خواستید شما یوسف را از تن او گفتند معاذالله

مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوٓءٍ ط قَالَتِ امْرَاَتُ الْعَزِيزِ الْاٰنَ حَصْحَصَ

ندانیم ما براو از هیچ بدی گفت زن عزیز اکنون آشکارا شد

الْحَقُّ ز اَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَاِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ۝ ذٰلِكَ

راستی من که خواستم اورا از تن او و بدرستیکه او هر اینه ازراست گویان است این بدانست

لِيَعْلَمَ اَنِّي لَمْ اَخُنْهُ بِالْغَيْبِ ج وَاَنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ

تا بداند که بدرستیکه من نکردم خیانت به پنهان و بدرستیکه خدای ننماید راه مکر خیانت کنندگان

وَمَا اُبَرِّئُ نَفْسِي اِنَّ النَّفْسَ لَاَمَّارَةٌ بِالسُّوٓءِ اِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي

و نمیکنم بیزار تن خود را بدرستیکه تن هر اینه غدار فرماینده است ببدی مگر آنچه ببخشاید خدای من

اِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ اَسْتَخْلِصْهُ

بدرستیکه خداوند من آمرزنده بخشاینده است و گفت پادشاه بیارید بمن او را تا برگزینم او را

لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ اِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ اَمِينٌ ۝

برای خود پس چون سخن گفت او گفت بدرستی تو امروز نزدیک ما جایگاه استوار

قَالَ اجْعَلْنِي عَلٰى خَزَائِنِ الْاَرْضِ ج اِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ۝ وَكَذٰلِكَ

گفت یوسف بگردان مرا بر خزینهای زمین بدرستیکه من نگاهدارنده‌ام دانا و همچنین

مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْاَرْضِ ط يَتَبَوَّاُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ

جایگاه کردیم ما مر یوسف را در زمین تا برود ازان زمین هرجا میخواهد بهره مند کنیم

بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَلَاَجْرُ الْاٰخِرَةِ

ببخشایش ما هرکه را خواهیم و نکنیم ضایع پاداش و مزد نیکوکاران را و هر اینه مزد آن جهان

خَيْرٌ لِلَّذِينَ اٰمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ۝ وَجَاءَ اِخْوَةُ يُوسُفَ

بهترست مر آنکسان را که گرویدند و بودند پرهیزکاران و آمدند برادران یوسف

١٣

الجزء الثالث عشر

خمس

فدخلوا

عشر

فدخلوا عليه فعرفهم وهم له منكرون ○ ولما جهزهم

پس درآمدند بر یوسف پس شناخت ایشان را و ایشان مر او را ناشناسندگان بودند و آنگاه که بساخت کار ایشان را

بجهازهم قال ائتوني باخ لكم من ابيكم الا ترون اني اوفي

و ساز ایشان گفت بیارید بمن برادری که مر شماراست از پدر شما آیا نمی بینید که من تمام می‌پیمایم

الكيل وانا خير المنزلين ○ فان لم تاتوني به فلا كيل لكم

پیمانه را و من بهترین مهمان فرود آرندگانم پس اگر نیارید او را بمن پس نیست هیچ پیمانه مر شمارا

عندي ولا تقربون ○ قالوا سنراود عنه اباه وانا لفاعلون

نزد من و مشوید نزدیک بمن گفتند زود باشد که بخواهیم او را از پدر او و بدرستیکه ما انرا کنندگانیم

وقال لفتيانه اجعلوا بضاعتهم في رحالهم لعلهم يعرفونها

و گفت یوسف مر خدمتکاران را برگردانید بضاعتهای ایشان را در جوالهای ایشان تا ایشان بشناسند آنرا

اذا انقلبوا الى اهلهم لعلهم يرجعون ○ فلما رجعوا الى

چون بازگردند سوی اهل خویش تا شاید ایشان بازگردند پس چون بازگشتند سوی

ابيهم قالوا يا ابانا منع منا الكيل فارسل معنا اخانا

پدر خود گفتند ای پدر ما بازداشته شد از ما پیمانه بهبودن پس بفرست با ما برادر ما را

نكتل وانا له لحافظون ○ قال هل امنكم عليه الا كما

به پیمانه ایم گندم و بدرستیکه ما او را هر آینه نگاهدارندگانیم گفت یعقوب آیا شمارا ایمن دارم بر او مگر همچنانکه

امنتكم على اخيه من قبل فالله خير حافظا وهو ارحم

ایمن داشتم شمارا بر برادر او از پیش او پس خدای بهترین نگاهدارندگانست و او بخشاینده‌ترین

الراحمين ○ ولما فتحوا متاعهم وجدوا بضاعتهم ردت

بخشایندگان و هرگاه بگشادند جوالهای گندم خود را و یافتند بضاعت خود را بازداده شد

اليهم قالوا يا ابانا ما نبغي هذه بضاعتنا ردت الينا

سوی ایشان گفتند ای پدر ما چه چیز طلبیم از کرم ملک اینست بضاعت ما که بازگردانیده شد سوی ما

خمس

وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَٰلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ۝

وطعام آورد اهل ما و نگاه داریم برادر خود را و زیاده بیم پیمانه از بهر اشتر این پیمانه اندک

قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي

گفت یعقوب هرگز نفرستم او را با شما تا به دهید مرا استواری بعهد از خدای تا بیارید بمن

بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ

او را مگر آنکه در گرفته شود بشما پس چون بدادند او را استواری خود گفت یعقوب خدای بر آنچه میگوییم

وَكِيلٌ ۝ وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا

گواهست وگفت ای پسران من در مروید از یک دروازه و در روید

مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنِ

از دروازهای پراگنده و بی نیاز نکنم از شما از خدای از چیزی نیست

الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ

حکم کردن مگر مر خدای را براو سپردم کار خود را و براو پس توکل میکنند توکل کنندگان

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ

و هرگاه درآمدند از جایی که فرموده بود ایشان را پدر ایشان نبود که بی نیاز کند از ایشان از خدای

مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ

از چیزی مگر حاجتی در تن یعقوب که کفایت کرد آن را او و او خداوند دانش

لِمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ ٤

مر آنچه آموختیم او را و لیکن بسیاری مردمان نمیدانند و چون درآمدند بر

يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا

یوسف فرا گرفت یوسف سوی خود برادر خود را گفت بدرستی من برادر توام پس مترس و غم مخور بدانچه

كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِي

بودند میکردند برادران پس هرگاه بساخت کار ایشان را به چون کندم ایشان بکرد پیمانه و بنوع گفتند شیر در

عشر

رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ ۝

در بار برادر خود پس منادی کرد منادی کننده که ای کاروانیان بدرستی که شما هرآینه دزدانید

قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِم مَّاذَا تَفْقِدُونَ ۝ قَالُوا نَفْقِدُ صُوَاعَ

گفتند و روی نهادند برایشان که چه چیز میجوئید گفتند پیمانه یا مشربه

الْمَلِكِ وَلِمَن جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ۝ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ

ملک را و مر آنرا که بیارد آنرا بار شتر طعام و من بدان میانجی ام گفتند بخدای تحقیق

عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ۝ قَالُوا

دانستید شما نیامدیم که هرآینه تباهی کنیم در زمین و نه بودیم ما دزدان گفتند

فَمَا جَزَاؤُهُ إِن كُنتُمْ كَاذِبِينَ ۝ قَالُوا جَزَاؤُهُ مَن وُجِدَ فِي

پس چیست جزای او اگر هستید دروغ گویان گفتند پاداش او هرکه یافته شود در

خمس

رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ۝ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ

بار او پس اوست پاداش او همچنین پاداش دهیم ستمکاران را پس آغاز کردند بجوالهای ایشان

قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَٰلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ

پیش از بار برادر یوسف همچنین حیله ساختیم ما مر یوسف را نبود یوسف که هرآینه بگیرد

ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا
پس بیرون آوردند آن پیمانه را
مِن وِعَاءِ أَخِيهِ
از جوال برادر یوسف

أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن

برادر خود را در حکم پادشاه مگر آنکه میخواهد خدای برداریم درجهای هرکه را

نَّشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ۝ قَالُوا إِن يَسْرِقْ فَقَدْ

خواهیم ما و زبر هر خداوند دانشی دانا گفتند اگر دزدی کند پس تحقیق

سَرَقَ أَخٌ لَّهُ مِن قَبْلُ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا

دزدی کرد برادر که مر او را بود از پیش پس نهان کرد آنرا یوسف در تن خود و نکرد پیدا آن

لَهُمْ قَالَ أَنتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ۝ قَالُوا

مر ایشان را گفت شما بدتر کردن جای و خدا داناتر است بآنچه صفت میکنید گفتند

يا ايها العزيز ان له ابا شيخا كبيرا فخذ احدنا مكانه انا
ای پادشاه بدرستیکه مر اورست پدری پیر بزرگ پس فراگیر یکی از ما بجای او بدرستیکه
نريك من المحسنين ۝ قال معاذ الله ان ناخذ الا من وجدنا
می بینیم ترا از نیکوکاران گفت یوسف پناه میگیرم بخدا از آنکه بگیریم ما مگر آنرا که یافتیم ما
متاعنا عنده انا اذا لظالمون ۝ فلما استيئسوا منه خلصوا ع
کالای خودرا نزد او بدرستی آن هنگام هر آئینه باشیم از ستمکاران پس چون نومید شدند از و بایک کناره رازگویان
نجيا قال كبيرهم الم تعلموا ان اباكم قد اخذ عليكم موثقا
هرگونه تدبیر گفت بزرگ ایشان آیا نمیدانید بدرستی پدر شما تحقیق گرفت عهد بر شما پیمان
من الله ومن قبل ما فرطتم في يوسف فلن ابرح الارض
از خدای و از پیش آنچه تقصیر کردید شما در شان یوسف پس هرگز باز نروم از زمین مصر
حتى ياذن لي ابي او يحكم الله لي وهو خير الحاكمين ۝ عشر
تا دستوری دهد مرا پدر من یا حکم کند خدای مرا و اوست بهترین حکم کنندگان
ارجعوا الى ابيكم فقولوا يا ابانا ان ابنك سرق وما شهدنا الا بما
بازگردید سوی پدر خود پس گوئید ای پدر ما بدرستیکه پسر تو دزدی کرد و نه هیم گواهی مگر بدانچه
علمنا وما كنا للغيب حافظين ۝ واسال القرية التي كنا
بدانیم ما و نبودیم ما مر نهانی را نگاه دارندگان و بپرس اهل دیه را آن دیهی که بودیم
فيها والعير التي اقبلنا فيها وانا لصادقون ۝ قال بل سولت لكم
دران و کاروان را که پیش آمدیم ما دران و بدرستیکه ما هر آئینه راست گویانیم گفت یعقوب بیاراست مر شما را
انفسكم امرا فصبر جميل عسى الله ان ياتيني بهم جميعا
تنهای شما کاری پس برمنست شکیبای نیکو شاید خدا که بیارد بمن ایشانرا همه
انه هو العليم الحكيم ۝ وتولى عنهم وقال يا اسفى على
بدرستیکه اوست دانا استوار کار و روی گردانید از ایشان و گفت ای دریغ اندوه و شدت من بر

یوسف

يوسف وابيضت عيناه من الحزن فهو كظيم ۝ قالوا تالله
يوسف وسفيد شد هر دو چشم او از اندوه پس اوست اندوه در دل دارنده گفتند بخداى
تفتؤا تذكر يوسف حتى تكون حرضا او تكون من
همیشه بناله وزاری یاد میکنی یوسف را تا باشی که بیمار شوی یا باشی از

خمس

الهالكين ۝ قال انما اشكوا بثى وحزنى الى الله واعلم
هلاک شدگان گفت یعقوب نیست مگر انکه شکایت میکنم اندوه و گریستن نهان خود سوی خدا و بدانم
من الله ما لا تعلمون ۝ يا بنى اذهبوا فتحسسوا من يوسف
از خدای انچه ندانید شما ای پسران من بروید پس تفحص کنید از یوسف
واخيه ولا تيأسوا من روح الله انه لا ييأس من روح الله
و برادر او و مشوید نومید از رحمت کردن خدای بدرستیکه او نومید نمیگرداند از رحمت کردن خدای
الا القوم الكافرون ۝ فلما دخلوا عليه قالوا يا ايها
مگر گروه کافران پس چون در آمدند بر یوسف گفتند ای
العزيز مسنا واهلنا الضر وجئنا ببضاعة مزجاة فاوف
پادشاه مصر برسید ما را و اهل ما را رنج گرسنگی و بیاوردیم ما بضاعتی اندک پس تمام کن
لنا الكيل وتصدق علينا ان الله يجزى المتصدقين ۝
هر انئه ما را پیمانه و تصدق کن بر ما بدرستی که خدا پاداش میدهد صدقه کنندگان را
قال هل علمتم ما فعلتم بيوسف واخيه اذ انتم جاهلون ۝ قالوا
گفت یوسف هیچ میدانید شما انچه کردید شما بیوسف و برادر او چون بودید شما نادانان گفتند
ائنك لانت يوسف قال انا يوسف وهذا اخى قد من الله
آیا بدرستیکه تو هر ائنه تویی یوسف گفت منم یوسف واین برادر منست بتحقیق منت نهاد خدا
علينا انه من يتق ويصبر فان الله لا يضيع اجر المحسنين ۝

عشر

بر ما بدرستی که هر که می پرهیزد و شکیبائی میکند پس بدرستیکه خدای نمیکند ضایع مزد نیکوکاران را

قالوا تالله لقد آثرك الله علينا وإن كنا لخاطئين ۝ قال لا تثريب

گفتند بخدای هرآئنه بتحقیق برگزید ترا خدای بر ما بخشش و صورت و بودیم هرآئنه گناه کاران گفت یوسف نیست

عليكم اليوم يغفر الله لكم وهو أرحم الراحمين ۝ اذهبوا

بر شما امروز می آمرزد خدای مر شمارا و اوست بخشاینده ترین بخشایندگان ببرید

بقميصي هذا فألقوه على وجه أبي يأت بصيرا وأتوني بأهلكم

پیراهن مرا اینت پس بیفکنید آنرا بر روی پدر من تا بیاید بینا و بیایید سوی من با اهل

أجمعين ۝ ولما فصلت العير قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف ع

همه ذکور و اناث و چون بیرون آمد کاروان گفت پدر ایشان بدرستیکه من هرآئنه می یابم بوی یوسف

لولا أن تفندون ۝ قالوا تالله إنك لفي ضلالك القديم ۝ خمس

اگر نکنید منسوب بنادانی گفتند بخدای بدرستی تو هرآئنه در گمراهی دیرینه

فلما أن جاء البشير ألقاه على وجهه فارتد بصيرا قال ألم

پس چون بیامد مژده دهنده انداخت آن پیرهن را بر روی یعقوب پس گردید بینا گفت آیا

أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون ۝ قالوا يا أبانا

آیا نگفتم ای مر شمارا بدرستی که من میدانم از خدا آنچه شما نمیدانید گفتند ای پدر ما

استغفر لنا ذنوبنا إنا كنا خاطئين ۝ قال سوف أستغفر

آمرزش خواه برای ما گناهان مارا بدرستیکه بودیم ما گناه کاران گفت یعقوب زود باشد که آمرزش خواهم

لكم ربي إنه هو الغفور الرحيم ۝ فلما دخلوا على يوسف

مر شمارا از خداوند خود بدرستیکه او آمرزنده و بخشاینده است پس چون درآمدند بر یوسف

آوى إليه أبويه وقال ادخلوا مصر إن شاء الله آمنين ۝ ورفع

جای داد سوی خود پدر و خاله خود را که گفت درآیید در مصر اگر خواهد خدای در جاییکه ایمن باشید از قحط و عنا و برداشت

خاله بمنزله مادر است

أبويه على العرش وخروا له سجدا وقال يا أبت هذا تأويل

پدر و خاله خود را بر تخت و بر روی درافتادند سجده کنندگان و گفت یوسف ای پدر من اینست تعبیر

رؤياي

خواب من

رُءْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي
خواب من از پیش بتحقیق بکرد آنخواب را خداوند من راست و بتحقیق نیکویی کرد بمن چون بیرون آورد

مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ
از زندان و آورد شما را از بیابان و از پس آنکه وسوسه کرد شیطان

بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ
میان من و میان برادران من بدرستیکه خداوند من نیکویی رساننده است مر آنرا که میخواهد بدرستیکه او است او دانای

حزب عشر الْحَكِيمُ ۝ رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ
محکم کار ای خداوند من بتحقیق بدادی مرا از پادشاهی و بیاموختی مرا از تفسیر و تعبیر

الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا
خوابها ای پدید آورنده آسمانها و زمین تویی یار و نگهدارنده من درین جهان

وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ۝ ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ
و در آن جهان بمیران مرا بر مسلمانی و برسان مرا به نیکوان ای محمد این از خبرهای

الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ
نهان است که فرستادیم وحی سوی تو و نبودی تو نزدیک ایشان چون جمع شدند کار خویش و ایشان

يَمْكُرُونَ ۝ وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ۝
مکر کردند یعقوب و نیستند بیشتر مردمان و اگر حریص تو بگرویدگان

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۝ وَ
و نخواهی ایشان را برین پیغام از مزدی نیست او مگر پندی مر جهانیان را و

كَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ
بسا از نشانهای قدرت در آسمانها و زمین میروند بران و ایشان

خمس عَنْهَا مُعْرِضُونَ ۝ وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ ۝
ازان روی گردانند کانند و نگرویدند بیشتر ایشان بخدای مگر و ایشان انباز گیرند کانند

أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِنْ عَذَابِ اللّٰهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ

ایا پس ایمن انکه بیاید ایشانرا پوششی فرو گیرنده از عقوبت خدای یا بیاید ایشانرا روز قیامت

بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ قُلْ هٰذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللّٰهِ عَلَىٰ وقف النبي ص

ناگهان وایشان نمیدانند آمدن آنرا بگوای محمد این دین منست میخوانم شمارا بسوی خدای بر

بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝

بینائی منم وهرکه پیروی کرد مرا وپاکست خدای ونیستم من از انباز گیرندگان

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ

ونه فرستادیم ما از پیش تو مگر مردانی که وحی کردیم بسوی ایشان از اهل

الْقُرَىٰ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

دیهها ایا پس نمیروید در زمین پس بنگرید که چگونه بود سرانجام

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ

انانکه از پیش ایشان بودند وهرآینه سرای آنجهان بهترست مرانانرا که می پرهیزند ایا پس نمی فهمید

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ

تا چون نومید شدند پیغمبران وگمان بردند که ایشان بتحقیق دروغ زن کرده شدند آمد ایشانرا

نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ۝ عشر

یاری ما پس برهانیم ما هرکه میخواهیم وباز داشته نشود عقوبت ما از گروه گناهکاران

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ

هرآینه بتحقیق بود در قصههای ایشان عبرتی مرخداوندان خردها را نبود این قرآن

حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلٰكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ

حدیثی دروغ بر بافته شده ولیکن راست میدارند آنانکه میان دستهای اوست

وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝

وبیان کننده همه چیزهاست وراه راست وبخشایش مر گروهی که بگرویدند

سوره

الف لام را و لام را لطف و میم ملک
دار ربوبیت بغیر منم خدا ابکم
میدانم احوال خلقان را
و می بینم همه نهان کاران را

سُورَةُ الرَّعْدِ وَهِيَ مَكِّيَّةٌ أَرْبَعُونَ وَخَمْسُ آيَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝١
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓمٓرٰ وقف تِلْكَ اٰيَاتُ الْكِتَابِ ط وَالَّذِي اُنْزِلَ اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ
سوگند است که این آیتها قرآنست و آنچه فرستاده شد سوی تو از خداوند تو

الْحَقُّ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ اَللّٰهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمٰوَاتِ
بر حق است ولیکن بیشتر مردمان نمی گروند خدای عز و جل آن خدایست که برداشت آسمانها را

بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ
بی ستون که می بینید آنرا پس قصد کرد بر آفرینش عرش و رام کرد و روان گردانید آفتاب

وَالْقَمَرَ ط كُلٌّ يَجْرِي لِاَجَلٍ مُسَمًّى يُدَبِّرُ الْاَمْرَ يُفَصِّلُ الْاٰيَاتِ
و ماه را همه میروند تا وقتیکه نام برده شود که تدبیر میکند کار بیان میکند آیتهای

لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْاَرْضَ
تا شاید که شما برسیدن جزای پروردگار شما بیگمان باشید و اوست آن خدائی که بکشید زمین را

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَاَنْهَارًا ط وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا
و گردانید در آن کوههای محکم و جویهای روان و از همه میوها گردانید در آن

زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ ط اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ
جفت سیاه و سفید جفت می پوشاند شب را روز بدرستیکه در این نشانهاست

لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَفِي الْاَرْضِ قِطَعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ
مر گروهی را که اندیشه میکنند و در زمین پارهاست پیوسته یکدیگر

وَجَنَّاتٌ مِنْ اَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ
و بوستانها از انگورها و کشت زارها و خرماستانها چند شاخ از یک اصل جسته و نه چنان بغیر متفرق

يُسْقَىٰ بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ

ازداده شود اشجار بیک آب وزیادت کنیم بهره ان بر بهره در خوردن

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ

بدرستیکه در این هرآینه نشانهاست مر گروه عاقلان وتمامی ستکان واگر عجب میداری ای محمد پس عجبست

قَوْلُهُمْ أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

گفتار ایشان آیا انگاه که باشیم ما خاک آیا باز آییم ما هرآینه در آفرینش نو آن گروه انانکه

كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَٰئِكَ

کافر شدند بخداوند خویش وایشانند که غلهاست در گردن ایشان وایشانند

أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ

باشندگان آتش ایشان در آنجا جاودانه باشند ومی شتاب کنند ترا ای محمد به بدی

قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثُلَاتُ وَإِنَّ رَبَّكَ

پیش از نیکی وبتحقیق بگذشت از پیش ایشان عقوبتها مثال ایشان وبدرستیکه خداوند

لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَىٰ ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ

هرآینه خداوند آمرزش است مر مردمانرا بر ستم کردن ایشان وبدرستیکه خداوند تو هرآینه سخت عقوبتست

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ

ومیگویند انانکه کافر شدند چرا فرستاده نشد براو نشانه از خداوند او

إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ۝ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ

نیستی مگر تو ترساننده ومر همه گروهی را راه نما خدای میداند انچه بار میکند

كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ

هر ماده وانچه کم کنند زهدانها از ماه وانچه زیادت کند وهر چیزی

عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ ۝ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ

نزد اوست باندازه داننده نهان واشکارا بزرگ برتر است

خمس

سواء

سَوَآءٌ مِّنكُم مَّنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَن جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ
یکسانست از شما هرکه پنهان کند گفتار و کسی که آشکار کند بدان و کسی که او پنهان کننده است

عشر
بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ ۝ لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ
بشب و رونده است بروز مر او راست فرشتگان نگاهدارنده از پیش روی او و از

خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ
پس پشت او نگاه میدارند او را از فرمان خدا بدرستیکه خدا نمیگرداند آنچه بگروهی است تا

يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ
بگردانند آنچه بتنهای ایشان است و چون خواهد خدای بگروهی عذاب و عقوبتی پس نیست بازدارنده مر او را و

مَا لَهُم مِّن دُونِهِ مِن وَالٍ ۝ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا
نیست مر ایشانرا از جز خدا کسی نگاهدارنده اوست آن خدا آنکه می نماید شمارا درخشنده برای ترس

وَطَمَعًا وَيُنشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ ۝ وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ
و برای طمع جمعی و بر می آرد ابرهای گران باران و تسبیح میگوید رعد بسپاس او و فرشتها

مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَن يَشَاءُ وَهُمْ
از ترس او و فرستاده میشود آتش سوزنده یعنی صاعقها از آن پس میرساند بدان هرکه را میخواهد هلاک کند و ایشان

يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ ۝ لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ
مجادله میکنند در دین خدا و اوست سخت قوت در تعذیب مجادلان مر او راست خواندن براستی و آنانکه

يَدْعُونَ مِن دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُم بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطِ
می پرستند از جز او نمیکنند اجابت ایشان را مر ایشان بچیزی مگر چون اجابت کسی که گسترده اند

كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ
دستهای خودرا سوی آب تا برسد بدهن او و نیست او رسانده باو و نمیشوند خوانده

سجده مسنونه
الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ۝ وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ
ناگروندگان مگر در گمراهی و مر خدای راست سجده میکنند هرآنچه در آسمانها

وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ۩ خمس
و در زمین است بخوشی و ناخوشی و سایهای ایشان بامدادان و شبانگاه
قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ط قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُم مِّن
بگوای محمد ص کیست پروردگار آسمانها و زمین بگوای محمد ص خدای بگوای محمد ص آیا فرا گرفتید شما از
دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ
جز خدا دوستان که ندارند توانائی مر تنهای خویش را سود و نه زیان بگوای محمد ص آیا
يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ
برابرست نابینا و بینا یا آیا برابرست تاریکیها و روشنائی
أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ
یا کافران که ساختند مر خدای انبازان که بیافریدند همچون آفریدن خدای پس پوشیده شد آفریدن برایشان
قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۝ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
بگوای محمد خدای آفریننده هر چیزیست و اوست یگانه در الوهیت و غالب بر همه چیز فرو فرستاد از آسمان
مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَّابِيًا ط
آبی یعنی باران پس روان شد رودخانها باندازه آن پس برداشت کف بلند برروی آب
وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ
و از انچه آتش می افروزند بر آن در آتش پیرایه را برای آلات و ادوات حرب
زَبَدٌ مِّثْلُهُ ج كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ ط فَأَمَّا
کفیست مانند او همچنین که بیان میکند خدای حق را و باطل پس اما
الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً ج وَأَمَّا مَا يَنفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ
کف روی آب پس میبرد بخوشی و اما انچه سود میدهد مردمان را پس درنگ میکند
فِي الْأَرْضِ ط كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ ط ۝ لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا وقف النبي ص
در زمین همچنانکه ذکر کرده شد خدای مثلها می آورد مر آنان را که پاسخ کردند

لربهم

الاو
الحز
نصف
حزب

لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَىٰ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِي الْأَرْضِ

مر خداوند خویش را نیکوئی وانانکه نکردند اجابت مراورا اگر بدرستیکه مرایشان را انچه در زمین است

جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ

همه ومانند او با او هر اینه فدا کنند بدان ایشانند که مرایشان راست بد شغل سختی حساب

وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝ أَفَمَن يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ

وجایگاه ایشانست دوزخ وبد آرامشیست ایا پس هر که میداند نیست انچه نکه فرستاده شده بسوی تو

مِن رَّبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

از خداوند تو راست مانند کسیست که او نابیناست نیست انچه نکه پند میگیرند صاحبان خردها

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ الْمِيثَاقَ ۝ وَالَّذِينَ

انانکه وفا کنند بعهد خدای ونشکنند استواری پیمان را وانانکه

يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ

پیوندند بدانچه فرمود خدای بدان انکه پیوسته شوند وترسند از خداوند خویش وترسند

سُوءَ الْحِسَابِ ۝ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا

از بدی وسختی شمار وانانکه شکیبائی کنند جستن خوشنودی خداوند خویش را وبرپا دارند

الصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ

نماز را ونفقه کنند انچه روزی دادیم مرایشان را پنهانی وآشکارا وباز دارند

بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ۝ جَنَّاتُ عَدْنٍ

به نیکی بدی را ایشانند که مرایشان راست در سرای آن جهانی بستانها مقیم

يَدْخُلُونَهَا وَمَن صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ

در می آیند انجا وهر که ایمان آورد از پدران ایشان وزنهان ایشان وفرزندان ایشان

وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِم مِّن كُلِّ بَابٍ ۝ سَلَامٌ

وفرشتگان در می آیند برایشان از هر دری گویند سلامت

عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار ۝ والذين ينقضون
برشما بدانچه شکیبائی کردید پس نیکست سرانجام آن سرای وآنانکه میشکنند
عهد الله من بعد ميثاقه ويقطعون ما امر الله به ان
پیمان خدای از پس پیمان استوار و میبرند آنچه فرمود خدا بدان که
يوصل ويفسدون في الارض اولئك لهم اللعنة ولهم
پیوسته شوند و تباهی کنند در زمین ایشانند که مر ایشانراست نفرین خدای و مر ایشانراست
سوء الدار ۝ الله يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر وفرحوا خمس
بدی سرای خدا فراخ میگرداند روزی مر هرکه را می خواهد و تنگ میکند هرکه را خواهد و شاد شدند
بالحيوة الدنيا وما الحيوة الدنيا في الاخرة الا متاع ۝ و ع
بزندگانی دنیا و نیست زندگانی دنیا در آن جهان مگر چیزی اندک و
يقول الذين كفروا لولا انزل عليه اية من ربه قل ان الله
گویند آنانکه نگرویدند چرا فرستاده نشد براو نشانه از خداوندش بگو ای محمد بدرستیکه خدا
يضل من يشاء ويهدي اليه من اناب ۝ الذين امنوا و
گمراه میکند هرکه را میخواهد و راه مینماید بسوی خود هرکه بازگردد بوی آنانکه گرویدند و
تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب ۝
بیارامید دلهای ایشان بیاد کردن خدای بدانکه بیاد کردن خدای بیارامد دلهای
الذين امنوا وعملوا الصالحات طوبى لهم وحسن ماب ۝
آنانکه گرویدند و بکردند کردارهای نیکو زندگی خوش مر ایشانراست و نیکوئی بازگشت
كذلك ارسلناك في امة قد خلت من قبلها امم لتتلوا
همچنین فرستادیم ما ترا ای محمد در گروهی بتحقیق گذشت از پیش آن گروهها تا بخوانی
عليهم الذي اوحينا اليك وهم يكفرون بالرحمن قل
برایشان آنچه وحی کردیم ما سوی تو و ایشان کافر می شوند بخدای مهربان بگو ای محمد

طوبی در اصطلاح مفسران درختیست که در بهشت عدن در منزل
حضرت رسول [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اوراق او سایه افکنده

هو ربی

عشر

هُوَ رَبِّي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ ۝ وَلَوْ أَنَّ

اوست خداوند من نیست خدای موجود مگر او بر اوست توکل من یعنی کار خود را او سپردم و اوست بازگشت من و اگر بودی

قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ

قرانی که رانده شود بدان کوهها یا بریده شود بدان زمین یا سخن گفتند بدان

الْمَوْتَىٰ بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَيْأَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ

مردگان را بلکه مر خدای راست کارها همه آیا پس نومید نشوند آنانکه گرویدند آنکه اگر

يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ

بخواهد خدای هر آینه راه نماید مردمان را همه و همیشه آنانکه نگرویدند برسد ایشان را

بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ

بدانچه کردند صاعقه یا لشکر فرود آید نزدیک از خانهای ایشان تا بیاید وعده خدای

إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۝ وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ

بدرستیکه خدا خلاف نکند وعده را و هر آینه بتحقیق استهزا کردند به پیغمبران که از پیش تو بودند

فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ۝

پس مهلت دادم مر آنان را که نگرویدند پس بگرفتم ایشان را پس چگونه بود عقوبت ایشان

نفس

أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ

آیا پس هر که او نگاه دارنده است بر هر تنی بدانچه کردند و بکردند مر خدای را انبازان

قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بِظَاهِرٍ

بگو محمد نام بیران ایشان را یا آگاه کنند او را بدانچه نمیداند در زمین یا بآشکار کردن

مِنَ الْقَوْلِ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ

از گفتار بلکه آراسته شد مر آنان را که نگرویدند سگالیدن ایشان و باز داشته شدند از

السَّبِيلِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۝ لَهُمْ عَذَابٌ فِي

راه مسلمانی و هر کرا گمراه کند خدای پس نیست مر او را کسی راه نما مر ایشان راست عقوبت در

الحیوة الدنیا ولعذاب الاخرة اشق وما لهم من الله من
زندگانی اینجهان و هر اینه عذاب آنجهان دشوارتر و سختتر است و نباشد مر ایشان را از عذاب خدای از
واق ○ مثل الجنة التی وعد المتقون تجری من تحتها الانهار
نگاهدارنده صفت بهشت آنکه وعده کرده شد پرهیزکاران میرود از زیر آن جویها
اکلها دائم وظلها تلک عقبی الذین اتقوا وعقبی الکافرین
میوه خوردن آن همیشه و سایه آن اینست که سرانجام آنانکه پرهیزکارند و سرانجام کافران
النار ○ والذین اتیناهم الکتاب یفرحون بما انزل
آتش است و آنانکه دادیم ما ایشان را کتاب اهل کتاب را و مومنان شاد میشوند بدانچه فرستاده
الیک ومن الاحزاب من ینکر بعضه قل انما امرت
سوی تو و از گروهها هر که منکر شود بهره قرآن را بگوی ای محمد فرموده شدم
ان اعبد الله ولا اشرک به الیه ادعوا والیه مآب
که پرستم خدای را و انباز نگیرم بخدا سوی او میخوانم مردمان را و بسوی اوست بازگشت من
وکذلک انزلناه حکما عربیا ولئن اتبعت اهواءهم بعد
و همچنین فرستادیم ما او حکمی بزبان عربی و اگر پیروی کنی تو خواستهای ایشان را پس
ما جاءک من العلم ما لک من الله من ولی ولا واق ○
آنچه آمد ترا از دانش نیست مر ترا از خدای هیچ دوستی و نه نگاهدارنده
ولقد ارسلنا رسلا من قبلک وجعلنا لهم ازواجا وذریة
و بتحقیق فرستادیم ما پیغمبران از پیش تو و گردانیدیم ما مر ایشان را جفتان و فرزندان
وما کان لرسول ان یاتی بایة الا باذن الله لکل اجل
و نبود مر پیغمبران را آنکه بیارند آیتی مگر بفرمان خدای مر هر گفتاری
کتاب ○ یمحوا الله ما یشاء ویثبت وعنده ام الکتاب
نوشته ایست محو کند خدای آنچه میخواهد و میکند ثابت و نزد اوست اصل کتاب

خمس

ع

ام الکتاب لوح محفوظ است

وان

عشر

وَإِن مَا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا

واگر بنمایم ترا بهره آنانکه وعده کردیم ایشان را یا بمیرانیم ترا پس نیست

عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ

بر تو مگر رسانیدن و بر ماست شمار بندگان آیا نمی بینند بدرستیکه ما می فرمائیم زمین

نَنقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ

که پاره پاره کنیم آنرا از کنارهای آن و خدای حکم میکند که نیست گرداننده حکم او را و اوست

سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ

زود شمار و بتحقیق که بدسگالی کردند آنانکه از پیش ایشان پس مر خدای راست که مکر

جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى

همه میداند آنچه میکنند هر تنی و زود باشد که بدانند ناگرویدگان مر کراست سرانجام

الدَّارِ ۝ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ

در آن سرای و میگویند آنانکه نگرویدند نیستی تو فرستاده خدا بگو ای محمد بسنده است بخدا

شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِندَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ۝

گواهی میان من و میان شما و آنکه نزد اوست علم کتاب یعنی علمها از لوح محفوظ فرا گیرد

سورة ابراهيم مكية وهي اثنتان وخمسون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده مهربان

الر كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ

قرآن کتابیست که فرستادیم ما از سوی تو تا بیرون آری مردمان را از تاریکیها

إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۝ اللَّهِ

سوی روشنائی بفرمان خداوند خویش سوی راه خدای ارجمند ستوده خدائی که

الر

الذی له ما فی السموات وما فی الارض وویل للکافرین

مراورا ست انچه در آسمانها وانچه در زمین است ووای مر ناگروندگان

من عذاب شدید ۝ الذین یستحبون الحیوة الدنیا

از عقوبت سخت انانکه میگزنند زندگانی اینجهان

علی الاخرة ویصدون عن سبیل الله ویبغونها عوجا

بر آنجهان وبازمیدارند از راه خدا ومی جویند کجی

اولئک فی ضلال بعید ۝ وما ارسلنا من رسول الا

ایشانند در گمراهی دور ونفرستادیم ما از هیچ پیغمبری مگر

بلسان قومه لیبین لهم فیضل الله من یشاء ویهدی

بزبان گروه او تا بیان کند مرایشان را پس گمراه میکند خدا هر کرا میخواهد وراه مینماید

من یشاء وهو العزیز الحکیم ۝ ولقد ارسلنا موسی بایاتنا

هر کرا می خواهد واوست ارجمند استوار کار وهر آینه تحقیق فرستادیم ما موسی را با آیتهای خود

ان اخرج قومک من الظلمات الی النور ۝ وذکرهم بایام

که بیرون اور گروه خود از تاریکیها سوی روشنائی وپند ده ایشانرا بروزهای

الله ان فی ذلک لایات لکل صبار شکور ۝ واذ قال موسی

عقوبت خدا بدرستیکه در این حکمها هر آینه نشانهاست مر هر صبر کننده شکر کننده را وچون گفت موسی

لقومه اذکروا نعمة الله علیکم اذ انجیکم من آل فرعون

مر گروه خود را یاد کنید ای اسرائیل نعمت خدا را که بر شماست چون برهانید شمارا از اهل فرعون

یسومونکم سوء العذاب ویذبحون ابناءکم ویستحیون

که میچشانیدند شمارا بدی عقوبت ومیکشتند پسران شمارا وزنده میگذاشتند

نساءکم وفی ذلکم بلاء من ربکم عظیم ۝ واذ تاذن

دختران شمارا ودر این شمارا آزمایشی بود از خداوند شما بزرگ وچون آگاه میکند

خمس

ربکم

رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

خداوند شما برای انکه شکر کنید شما که هرانه زیاده کنم شما را واگر ناسپاسی کنید شما بدرستی که عقوبت من هرانه سخت است

وَقَالَ مُوسَىٰ إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا

وگفت موسی اگر کافر شوید شما وهرکه در زمین است همه

فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ

پس بدرستیکه خدای بی نیازست ستوده ایا نیامد شما را خبر دادند انانکه از پیش شما بودند گروه

نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ

نوح وگروه عاد وگروه ثمود وانانکه از پس شما بودند نمیداندشان را مگر خدای

جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ

آمدند ایشان را پیغمبران ایشان با نشانها پس بازگردانیدند دستهای خویش را در دهنهای خویش

وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا

وگفتند بدرستیکه ما کافر شدیم بدانچه فرستاده شدید شما بدان وبدرستی ما هرانه در گمانیم ازانچه میخوانید ما را

إِلَيْهِ مُرِيبٍ ۝ قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ

سوی آن گمان درتهمت اندازنده گفتند پیغمبران ایشان آیا در خدای گمانیست که آفریننده آسمانها

وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ

و زمین میخواند شمارا تا بیامرزد شمارا از گناهان شما وتاخیر میکند شمارا

إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا

سوی مهلت نام برده شده گفتند نیستید شما مگر ادمیان مانند ما میخواهید شما که بازدارید ما را

عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝ قَالَتْ

ازانچه که بودند می پرستیدند پدران ما پس بیارید ما را حجتی هویدا گفتند

حرف عشر

لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ

مرایشان را پیغمبران ایشان نیستیم ما مگر ادمیان مانند شما ولیکن خدای منت می نهد بر هرکه

يشاء من عباده ط وما كان لنا أن نأتيكم بسلطان إلا بإذن

میخواهد از بندگان خود ونیست ونباشد مر ما را که بیاریم شما را حجتی مگر بفرمان

الله ط وعلى الله فليتوكل المؤمنون ○ وما لنا ألا نتوكل على

خدای و بر خدایست پس توکل کردن مومنان وچیست ما را که نکنیم توکل بر

الله وقد هدانا سبلنا ط ولنصبرن على ما آذيتمونا ط وعلى الله

خدای وبتحقیق راه نمود ما را راه نیز ... وهر آینه شکیبا کنیم ما بر آنچه برنجانید ما را و بر خدایست

فليتوكل المتوكلون ○ وقال الذين كفروا لرسلهم لنخرجنكم ع

پس هر آینه توکل کردن توکل کنندگان وگفتند آنانکه نگرویدند مر پیغمبران خویش را هر آینه بیرون آریم

من أرضنا أو لتعودن في ملتنا ط فأوحى إليهم ربهم لنهلكن

از زمین خود یا باز گردید در کیش ما پس وحی کرد سوی ایشان خداوندان ایشان هر آینه هلاک کنیم

الظالمين ○ لا ولنسكننكم الأرض من بعدهم ط ذلك

ستمکاران را وهر آینه آرام ما شما را در زمین از پس ایشان این ای محمد

لمن خاف مقامي وخاف وعيد ○ واستفتحوا وخاب

مر کسی راست که بترسد از ایستادن خود من وبترسد از بیم من ونصرت خواستند پیغمبران ونومید شد

كل جبار عنيد ○ لا من ورائه جهنم ويسقى من ماء صديد خمس

هر گردن کش ستیزه کننده که از پس اوست دوزخ وآب داده شود از آب ریم وخون

يتجرعه ولا يكاد يسيغه ويأتيه الموت من كل مكان

فرو میبرد آن را ونتواند که بگلو فرو برد وبیاید او را مرگ از هر جایگاهی

وما هو بميت ط ومن ورائه عذاب غليظ ○ مثل الذين

ونیست او که بمیرد واز پس اوست عقوبتی درشت سخت مانند آنانکه

كفروا بربهم أعمالهم كرماد اشتدت به الريح في يوم

نگرویدند به پروردگار خویش کردار ایشان همچون خاکستریست که سخت بگذرد باو باد در روزی

عاصف

عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ذَٰلِكَ هُوَ
که باد سخت‌ست ندارند توانائی از آنچه بکردند بر چیزی اینست آن
الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
گمراهی دور ایا نمی‌بینید بدرستیکه خدا آفرید آسمانها و زمین
بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ۝ وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى
براستی اگر میخواهد میبرد شمارا و بیاورد آفریدهای نو و نیست این بر
اللَّهِ بِعَزِيزٍ ۝ وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا
خدای دشوار و بیرون آیند از گور مر خدارا همه پس گویند ضعیفان مر آنان را که بزرگی [illegible]
إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ
بدرستیکه بودیم ما مر شمارا پیروان پس آیا هستید شما فریادرسندگان از برای ما از عقوبت خدای
مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجَزِعْنَا
از چیزی گفتند اگر راه نمودی مارا خدای هر آینه راه مینمودیم شمارا برابرست بر ما اگر زاری کنیم ما
أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ ۝ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ
یا شکیبائی کنیم ما نیست مارا گریزگاهی و گفت دیو سرکش یعنی ابلیس آن هنگام تمام کرده شود کار
إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَ
بدرستیکه خدا وعده کرد شمارا وعده راست و وعده کردم شمارا پس خلاف کردم شمارا و
مَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ
نبود مرا بر شما از هیچ حجتی مگر آنکه بخواندم شمارا
فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ
پس اجابت کردید شمارا پس مکنید ملامت مرا و ملامت کنید تنهای خودرا نیستم من فریادرسنده شمارا
وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ
و نیستید شما رهاننده من بدرستیکه من بیزارم بدانچه انباز کردید مرا از پیش

عشر

إن الظالمين لهم عذاب أليم ۝ وأدخل الذين آمنوا وعملوا
بدرستیکه ستمکاراند مرایشان راست عقوبت دردناک ودرآرند آنانکه گرویدند وکردند
الصالحات جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها
کردارهای نیکو بوستانها که میرود از زیران درختان جویها جاودانه دران
بإذن ربهم تحيتهم فيها سلام ۝ ألم تر كيف ضرب الله مثلا
بفرمان پروردگار خویش درود ایشان دران سلام کردن آیا نمی بینی چگونه بزد خدای مثل را
كلمة طيبة كشجرة طيبة أصلها ثابت وفرعها في
سخنی پاکیزه چون درخت پاکست که بیخ ان پایدارست از زمین وشاخهای آن در
السماء ۝ تؤتي أكلها كل حين بإذن ربها ويضرب الله
آسمان میدهد میوهٔ آن هرگاه بفرمان پروردگار او ومیزند خدای
الأمثال للناس لعلهم يتذكرون ۝ ومثل كلمة خمس
مثلها یعنی بیان میکند مردمان را تا مگر ایشان پند گیرند ومانند صفت سخن پلید
خبيثة كشجرة خبيثة اجتثت من فوق الأرض ما لها من
همچون درخت پلید از بن کنده شده از زبر زمین نباشد مر ازا هیچ
قرار ۝ يثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت في الحيوة الدنيا
قراری پایدار کند خدای آنانرا که گرویدند بگفتار ثابت درست در زندگانی دنیا
وفي الآخرة ويضل الله الظالمين ويفعل الله ما يشاء ۝
ودر آخرت وگمراه میکند خدا ستمکاران را ومیکند خدا آنچه میخواهد
ألم تر إلى الذين بدلوا نعمت الله كفرا وأحلوا قومهم دار
آیا نه بینی سوی آنانکه بدل کردند نعمت خدارا بکفران وفرود آوردند گروه خود بسرای
البوار ۝ جهنم يصلونها وبئس القرار ۝ وجعلوا لله أندادا عشر
هلاک دوزخ درایند دران وبد آرامگاهیست دوزخ وبکردند مر خدای را مانندها

ليضلوا

لِيُضِلُّوا عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ۝ قُل
هرآئنه گمراه میکنند مردمان را از راه خدای بگو ای محمد برخوردار گیرید پس بدرستیکه بازگشت شما سوی دوزخ است بگو ای محمد

لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَيُنفِقُوا مِمَّا
مر بندگان مرا آنانکه گرویدند بپای میدارند نمازرا و نفقه میکنند از آنچه

رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ
روزی دادیم ایشان را پنهان و آشکارا از پیش آنکه می آید روزی که نباشد خرید و فروخت

فِيهِ وَلَا خِلَالٌ ۝ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوٰتِ وَالْأَرْضَ وَأَنزَلَ
در آن و نه دوستی کردن خدائی که بیافرید آسمانها و زمین و فرستاد

مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ
از آسمان باران پس بیرون آورد بدان از میوها روزی مر شمارا و نرم کرد و مسخر کرد

لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ
مر شمارا کشتی تا برود در دریا بفرمان او و مسخر کرد مر شمارا جویها

وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ
و مسخر کرد مر شمارا آفتاب و ماه برداب و عادت کرده در سیر کردن و رام کرد مر شمارا شب و روز برای حق و برای معیشت

وَآتَاكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا
و بداد شمارا از هرچه خواستید شما از او و اگر بشمارید شما نعمتهای خدایرا نه

تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ۝ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ
توانید شماره کرد بدرستیکه آدمی هرآئنه ستمکار و ناسپاس است و چون گفت ابراهیم

رَبِّ اجْعَلْ هَٰذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَن نَّعْبُدَ الْأَصْنَامَ
ای خداوند من بگردان این شهر مکه را ایمن و دور دار مرا و فرزندان مرا که بپرستیم ما بتان را

رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَن تَبِعَنِي فَإِنَّهُ
ای خداوند من بدرستیکه آن بتان گمراه کردند بسیاری را از مردمان پس هرکه پیروی کند مرا پس بدرستیکه او

خمس

مِنّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ
از منست وهرکه نافرمانی کند مرا پس بدرستیکه تو آمرزنده بخشاینده ای خداوند ما بدرستیکه فرود آوردم

مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا
از فرزندان خود برودخانه نه کشت زاری نزد خانه تو که حرمتش بزرگست ای خدا تا بپای دارند

الصَّلٰوةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ
نماز را پس بگردان دلهای بعضی از مردمان را که کشش میکنند سوی ایشان و روزی ده ایشان را

مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ۝ رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي
از میوه‌ها که تا مگر ایشان سپاس‌داری کنند ای خداوند ما بدرستیکه تو میدانی آنچه پنهان کنیم

وَمَا نُعْلِنُ ط وَمَا يَخْفَى عَلَى اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي
و آنچه آشکارا و نیست پوشیده بر خدای از چیزی در زمین و نه در

السَّمَاءِ ۝ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ
آسمان سپاس مر خدائی را که بخشید مرا بر پیری اسماعیل

وَإِسْحَاقَ ط إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ ۝ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلٰوةِ
و اسحاق را بدرستیکه خدای من هرآینه شنوای دعای منست ای خداوند من بگردان مرا برپای دارنده نماز

وَمِنْ ذُرِّيَّتِي صلے رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ۝ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ
و از فرزندان من ای خداوند ما و قبول کن دعای ما را ای خداوند بیامرز مرا و مر پدر و مادر را

وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ۝ وَلَا تَحْسَبَنَّ اللّٰهَ غَافِلًا
و مر مومنان را آن روز که قایم حساب و مپندار ای محمد خدای را که غافلست

عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ ط إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ۝
از آنچه میکنند ستمکاران نیست مگر آنکه مهلت ایشان را هرآینه آن روز که خیره شود در آن چشمها

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ
در حالی که شتابند و برداشته کنند سرهای خویش را نیاید سوی ایشان چشم زدن ایشان و دلهای ایشان

عشر

هواء

هواء ۝ وأنذر الناس يوم يأتيهم العذاب فيقول الذين
خالی بود از همه خوشیها و بترسان مردمان را از روزی که بیاید ایشان را عقوبت پس بگویند آنانکه
ظلموا ربنا أخرنا إلى أجل قريب نجب دعوتك ونتبع
ستم کردند ای خداوند ما تاخیر کن ما را سوی مهلتی نزدیک تا اجابت کنیم ما دعوت ترا و پیروی کنیم ما
الرسل أولم تكونوا أقسمتم من قبل ما لكم من زوال ۝
پیغمبران را آیا نبودید شما که سوگند خوردید شما از پیش که نباشد مر شما را هیچ زوالی در دنیا
وسكنتم في مساكن الذين ظلموا أنفسهم وتبين لكم
و ساکن شدید در جایگاه‌های آنانکه ستم کردند تنهای خود را و پدید آمد مر شما را
خمس كيف فعلنا بهم وضربنا لكم الأمثال ۝ وقد مكروا
که چگونه کردیم ما بایشان و بزدیم ما مر شما را مثلها و بتحقیق سگالش کردند
مكرهم وعند الله مكرهم وإن كان مكرهم لتزول
سگالش کردند و نزد خداست جزای مکر ایشان . و اگر باشد مکر ایشان هر آینه زایل شود
منه الجبال ۝ فلا تحسبن الله مخلف وعده رسله إن الله
از او کوهها پس مپندار ای محمد که خدا خلاف کننده است وعده خود پیغمبران خود را بدرستیکه خدا
عزيز ذو انتقام ۝ يوم تبدل الأرض غير الأرض والسموات
ارجمندست خداوند انتقام از روزی که بدل کرده شود زمین بدیگر زمین و آسمانها
وبرزوا لله الواحد القهار ۝ وترى المجرمين يومئذ مقرنين
و همه برخیزند از گورها مر خدای واحد است شکننده کامها و ببینید گناهکاران را در آن روز برهم بسته
في الأصفاد ۝ سرابيلهم من قطران وتغشى وجوههم
در غلها و بندها پیراهنهای ایشان از مس گداخته و میپوشند رویهای ایشان را
عشر النار ۝ ليجزي الله كل نفس ما كسبت إن الله سريع الحساب
آتش دوزخ هر آینه پاداش میدهد خدای هر تنی را آنچه کرده است بدرستیکه خدا زود حساب است

هذا بلاغ للناس ولينذروا به وليعلموا انما هو اله واحد
اینست قران که کفایتست مر مردمانرا و هر آینه بیم کرده شوند بدان و تا بدانند که نیست مگر او خدای یکیست
وليذكر اولوا الالباب ۝ سورة الحجر مكية وهي تسع وتسعون آية
و هر آینه پند گیرند خداوند خردها

بسم الله الرحمن الرحيم
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

الر تلك آيات الكتاب وقران مبين ۝ ربما يود الذين
که این نشانهاکه مر آیتهای این سورتست و آیتهای قرانی فرق کننده میان حق و باطل بسا که دوست دارند
كفروا لو كانوا مسلمين ۝ ذرهم ياكلوا ويتمتعوا ويلههم
نگرویدند اگر بودندی مسلمانان بگذار آنرا که بخورند و برخورداری گیرند و مشغول کند
الامل فسوف يعلمون ۝ وما اهلكنا من قرية الا ولها
امید پس زود باشد که بدانند و نکردیم هلاک ما از اهل دیهی را مگر مر آنرا
كتاب معلوم ۝ ما تسبق من امة اجلها وما يستأخرون
نوشته و قضا کرده دانسته نگردند پیش دستی هیچ گروهی مدت هلاک خود را و نه باز پس مانند از آن
وقالوا يا ايها الذي نزل عليه الذكر انك لمجنون
و گفتند ای آنکه فرستاده شده ابر آن قران بدرستیکه تو هر آینه دیوانه
لو ما تأتينا بالملائكة ان كنت من الصادقين ۝ ما ننزل
چرا نمی آری بما فرشتگان اگر هستی تو از راست گویان نفرستیم ما
الملائكة الا بالحق وما كانوا اذا منظرين ۝ انا نحن
فرشتگان را مگر براستی و نبودند آنهنگام از مهلت داده شدگان بدرستیکه ما
نزلنا الذكر وانا له لحافظون ۝ ولقد ارسلنا من قبلك في
فرستادیم قران را بدرستیکه ما مر او را هر آینه نگاهبانانیم و بتحقیق فرستادیم ما از پیش تو در

۱۴

الجزو الرابع عشر

الف الر و لام و را حرف لطف و رحمت
یعنی سوگند بانچه از حروف
بروایت الف اشارت
بنام الله و لام باسم جبرئیل
و را باسم رسول صلی الله علیه
و آله یعنی بکلام
خدا که بوساطت جبرئیل
برسول رسیده

خمس

شیع

شيع الاولين ۝ وما ياتيهم من رسول الا كانوا به

امتان پیغمبران پیشین ونیامد ایشان را از هیچ پیغمبری مگر بودند که بدان

عشر

يستهزءون ۝ كذلك نسلكه في قلوب المجرمين ۝ لا

استهزا میکردند همچنین درمی آریم قران را در دلهای گناهکاران نمی

يؤمنون به وقد خلت سنة الاولين ۝ ولو فتحنا عليهم

ارند ایمان بدان وبتحقیق گذشته نهاد پیشینیان واگر بگشاییم ما برایشان

بابا من السماء فظلوا فيه يعرجون ۝ لقالوا انما سكرت

دری از آسمان پس باشند هر روز در ان بالا روند عجایب غرایب را ببینند تا بگویند نیست مگر مست گرده شده

ابصارنا بل نحن قوم مسحورون ۝ ولقد جعلنا في السماء

چشمهای ما بلکه ما گروهی جادو کرده شده گانیم وهر اینه بتحقیق کردیم ما در آسمان

بروجا وزيناها للناظرين ۝ وحفظناها من كل

برجهای دوازده گانه وبیاراستیم ما آنرا مر بینندگان ونگاه داشتیم ما آن را از همه

شيطان رجيم ۝ الا من استرق السمع فاتبعه شهاب مبين

دیو رانده شده مگر باسمان رود ودزدد سخن را پس دریابد اورا ستاره روشن

والارض مددناها والقينا فيها رواسي وانبتنا فيها من

وزمین بگسترانیدیم ما آن را وبیفکندیم ما در آن کوههای پایدار وبرویانیدیم ما در آن از

كل شيء موزون ۝ وجعلنا لكم فيها معايش ومن لستم

هر چیزی سنجیده بمیزان حکمت وگردانیدیم ما مر شمارا در ان اسباب معیشت ونیستید شما

خمس

له برازقين ۝ وان من شيء الا عندنا خزائنه وما ننزله

مر اورا روزی دهندگان ونیست از هیچ چیزی مگر نزد ماست خزینهای آن وفرو نفرستیم اورا

الا بقدر معلوم ۝ وارسلنا الرياح لواقح فانزلنا من

مگر باندازه داشته شده وفرستادیم ما بادهای که آبستن کنند ابر را پس فرستادیم ما از

السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ۝ وَإِنَّا لَنَحْنُ

آسمان آبی پس آب دادیم مابان ونیستید شما مر آنرا نگاه دارندکان در چاه و چشمه وبدرستی ما هر آینه

نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ ۝ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ

زنده کنیم و بمیرانیم وما میراث کیرندکانیم وهر آینه بتحقیق میدانیم ما پیش رفتکان را

مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ ۝ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ

از آن شما وهر آینه بتحقیق میدانیم ما پس ماندکان را وبدرستیکه پروردکار تو اوست که کرد میکند ایشانرا

إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ

بدرستیکه او حکم کننده و دانا وهر آینه بتحقیق خلق کردیم ما ادمیان را از کل خشک از

حَمَإٍ مَسْنُونٍ ۝ وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ ۝

کل سیاه رنک بدبو وپری را بیافریدیم ما پیش ازین از اتش بیدود در غایت لطافت

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ

وچون کفت خداوند تو مر فرشتکان را بدرستیکه من آفریدم ادمی را از کل خشک

مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ۝ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي

از کل سیاه رنک بدبو پس چون فراهم آوردم اورا ودر دمیدم دران از روحی که آفریدم

لَهُ سَاجِدِينَ ۝ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ۝ إِلَّا إِبْلِيسَ

اورا سجده کنان پس سجده کردند فرشتکان همه ایشان بالتمام مکر ابلیس

أَبَىٰ أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ۝ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ

که سر باززد که باشد با سجده کنندکان کفت خدا ای ابلیس چه بود ترا انکه نبودی

مَعَ السَّاجِدِينَ ۝ قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ

با سجده کنندکان کفت ابلیس نیستم من که هر آینه سجده کنم مر آدم را که بیافریدی اورا از

صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ۝ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ۝

کل خشک از لای سیاه کندیده کفت خدا پس بیرون رو از آسمان پس بدرستیکه تو رانده شده

خمس

عشر

وَإِنَّ

خمس

وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ ۝ قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ

وبدرستیکه بر تو است نفرین تا روز قیامت گفت ابلیس اخدای من پس مهلت ده مرا تا روزی

يُبْعَثُونَ ۝ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ۝ إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ۝

برانگیخته شوند مردم گفت خدا پس بدرستیکه تو از مهلت داده شده گانی تا روز وقت دانسته شده

قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ

گفت ای پروردگار من بدانچه اغوا کردی مرا هرائنه بیارایم مرایشان را در زمین وهرائنه اغوا کنم ایشان را

عشر

أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ۝ قَالَ هَٰذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ

همه مگر بندگان تو از ایشان که مخلصان ومعصوم‌اند گفت خدا اینست راه بر

مُسْتَقِيمٌ ۝ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ

راست که کجی ندارد بدرستیکه بندگان من نیست مر ترا بر ایشان حجتی مگر کسی که

اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ۝ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ۝

پیروی ترا از گمراهان وبدرستیکه دوزخ هرائنه وعده گاه ایشانست همه

لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ ۝ إِنَّ

مر دوزخ را هست هفت در مر هر دری از ایشان بهره ایست بخش کرده شده بدرستیکه

خمس

الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۝ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ ۝

پرهیزکاران در بوستانها وچشمها از آب وخمر وشیر در آیند در بهشت بسلامت از هر آفت ایمن واز زوال

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ۝

وبیرون آریم ما آنچه در سینهای ایشانست از کینه در حالی که برادران در نشینند بر تختهای روبروی یکدیگر

لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُم مِّنْهَا بِمُخْرَجِينَ ۝ نَبِّئْ عِبَادِي

نرسد ایشان را در آنجا رنجی ونباشند ایشان از آنجا بیرون آورده شده گان خبر ده بندگان مرا

عشر

أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ۝

بدرستیکه من منم آمرزنده وبخشاینده ام وبدرستیکه عقوبت من آن عقوبت دردناکست

وَنَبِّئْهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ ۝ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا

وخبر ده ایشانرا از مهمانان ابراهیم چون در آمدند براو پس گفتند سلام علیک

قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ ۝ قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ

گفت بدرستیکه ما از شما ترسیدگانیم گفتند مترس بدرستیکه ما مژده میدهیم ترا بکودکی

عَلِيمٍ ۝ قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ ۝

دانا گفت ابراهیم آیا مژده میدهید مرا برانکه برسد مرا پیری پس بچه خبر میدهید مژده

قَالُوا بَشَّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْقَانِطِينَ ۝ قَالَ وَمَنْ خمس

گفتند مژده میدهیم ما ترا براستی پس مباش تو از ناامیدان گفت ابراهیم کیست

يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ۝ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ

که نومید شود از رحمت خداوند خویش مگر گمراهان گفت ابراهیم پس چیست کار شما

أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ۝ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُجْرِمِينَ ۝

ای فرستادگان گفتند بدرستیکه ما فرستادیم سوی گروه گناهکاران

إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا إِنَّهَا

مگر آل لوط بدرستیکه ما هرآینه نجات دهیم ایشانرا همه مگر زن لوط را که تقدیر کردیم ما بدرستیکه

لَمِنَ الْغَابِرِينَ ۝ فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ۝ قَالَ إِنَّكُمْ عشر

هرآینه از باز ماندگان است پس چون آمدند آل لوط را فرستادگان گفت لوط بدرستیکه شما

قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ۝ قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ ۝

گروه ناشناختگانید گفتند بلکه آوردیم ما ترا بدانچه بودند در ان شک کنندگان

وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ۝ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ

و آوردیم ما ترا براستی و بدرستیکه ما هرآینه راست گویانیم پس ببر اهل و کسان خود را بپاره از

اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا

شب که بگذرد و پیروی کن از پس ایشان و منگرد پس از شما یکی بروید تو و اهل تو

حيث

خمس حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ۝ وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَٰلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَٰؤُلَاءِ

هرکجا فرموده شده اید وحکم کردیم ما سوی او این کار بدرستیکه بنیاد انکروه

مَقْطُوعٌ مُصْبِحِينَ ۝ وَجَاءَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ ۝

بریده شد درحالتیکه بامداد کردند و آمدند اهل شهر وشادی میکردند

قَالَ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ ۝ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ

گفت لوط بدرستیکه این کروه مهمان منند پس مکنید رسوا مرا وبپرهیزید خدای را ومسازید خوار مرا

عشر قَالُوا أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ۝ قَالَ هَٰؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ

گفتند آیا ونکردیم ما نهی ترا از مهمان داشتن غریبان گفت اینک دختران من اگر هستید شما

فَاعِلِينَ ۝ لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ فَأَخَذَتْهُمُ

کنندکان بجان تو قسم ای محمد بدرستیکه ایشان هرآئنه در مستی خویش کور انند پس بگرفت ایشانرا

الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ۝ فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ

بانگ جبرئیل وقت برآمدن آفتاب پس بگردانیدیم زبرآن شهررا زیرآن وببارانیدیم برایشان

خمس حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ ۝ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ ۝

سنگها از سنگ وگل بدرستیکه در این هرآئنه آیتهاست وحجتهاست مر فراست داران را

وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُقِيمٍ ۝ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ۝

وبدرستیکه آن شهرستانها براهی دایم السلوکست بدرستیکه در این هرآئنه حجتست مر کرویدکان را

وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ ۝ فَانْتَقَمْنَا

واکر بودند کروه مردمان قوم شعیب هرآئنه ستمکاران پس کینه کشیدیم

مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُبِينٍ ۝ وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ

ازایشان وبدرستیکه ایشان هردو هرآئنه براهی پیدا اند وبتحقیق تکذیب کردند یاران ثمود

عشر الْمُرْسَلِينَ ۝ وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ۝

پیغمبران را وبدادیم ماایشانرا نشانها پس بودند ازان روی کردانندکان

وكانوا ينحتون من الجبال بيوتا امنين ۝ فاخذتهم الصيحة

وبودند که می تراشیدند از کوهها خانها ایمن از افتادن پس بگرفت ایشان را صیحه

مصبحين ۝ فما اغنى عنهم ما كانوا يكسبون ۝ وما

بامدادان پس نکرد دفع از ایشان آنچه بودند که میکردند ونه

خلقنا السموات والارض وما بينهما الا بالحق وان

آفریدیم ما آسمانها وزمین را وآنچه میان ایشانست مگر براستی وبدرستیکه

الساعة لاتية فاصفح الصفح الجميل ۝ ان ربك هو الخلاق — خمس

روز قیامت هر آینه آینده است پس درگذر درگذشتن نیکو بدرستیکه خداوند تو که اوست آفریننده

العليم ۝ ولقد اتيناك سبعا من المثاني والقران

ودانا وهر آینه بتحقیق بدادیم ما ترا هفت آیه از سوره فاتحه وقران

العظيم ۝ لا تمدن عينيك الى ما متعنا به ازواجا منهم

بزرگ مکن باز هردو چشم تو سوی آنچه برخوردار کردیم بدان جفتان از ایشان

ولا تحزن عليهم واخفض جناحك للمؤمنين ۝ وقل اني — الربع

ومخور اندوه بر ایشان وفرو گیرد بال تو مر مؤمنان را وبگو ای محمد بدرستیکه

انا النذير المبين ۝ كما انزلنا على المقتسمين ۝ الذين جعلوا — عشر

منم بیم کننده هویدا همچنانکه فرستادیم ما بر قسمت کنندگان آنانکه کردند

القران عضين ۝ فوربك لنسئلنهم اجمعين ۝ عما كانوا

قران را پاره پاره پس بخداوند تو ای محمد هر آینه بپرسیم ایشان را همه در آنچه بودند

يعملون ۝ فاصدع بما تؤمر واعرض عن المشركين ۝ انا — حزب

که میکردند پس آشکارا کن بدانچه مامور شده وروی بگردان از بت پرستان بدرستیکه ما

كفيناك المستهزئين ۝ الذين يجعلون مع الله الها اخر — خمس

کفایت ما ترا شر استهزا کنندگان آنانکه میکردند وشریک میسازند با خدا خدای دیگر

کردند بعض قران ... وصف باز
نمودند از سحر و شعبده و
کهانت و ...
... بعض از کفار ...
سوره بقره ...
از نسخه ...

فسوف

فسوف يعلمون ۝ ولقد نعلم انك يضيق صدرك بما يقولون ۝

پس زود باشد که بدانند و هر آئنه تحقیق میدانیم بدرستیکه تو را تنگ میشود دل تو بدانچه میگویند کافران

فسبح بحمد ربك وكن من الساجدين ۝ واعبد ربك حتى

پس تسبیح کن بسپاس و فرمان پروردگار خویش و باش از سجده کنندگان و عبادت کن خداوند خود را تا

يأتيك اليقين ۝

سورة النحل مكية وهي مائة وعشرون وثمان آية

بیاید ترا مرگ که متیقنست رسیدن آن

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده مهربان

حزب ع

اتى امر الله فلا تستعجلوه سبحانه وتعالى عما يشركون ۝

نزدیکست که بیاید امر خدا پس مکنید شتاب ایمن قیامت پاکست او و برترست از آنچه انباز می آرند

ينزل الملائكة بالروح من امره على من يشاء من عباده

فرو میفرستد فرشتگان را بوحی از فرمان خود بر هر که میخواهد از بندگان خود

ان انذروا انه لا اله الا انا فاتقون ۝ خلق السموات والارض

آنکه بیم کنید بدرستیکه اوست که نیست خدای مگر من پس بترسید از من که بیافریدیم آسمانها و زمین را

بالحق تعالى عما يشركون ۝ خلق الانسان من نطفة فاذا

براستی برترست از آنچه انباز میگیرند بیافریدیم آدمی را از آب منی که جمادیست پس آنگاه

هو خصيم مبين ۝ والانعام خلقها لكم فيها دفء

وقف النبي ص

او جدال کننده ایست پیدا و چهارپایان را آفریدشان مر شمارا در آن پوشاکها از گرم کنند

ومنافع ومنها تأكلون ۝ ولكم فيها جمال حين تريحون

خمس

و سودها و از آن میخورید یعنی شیر و روغن و گوشت و مر شمارا است در آن زینت و آرایش زمانیکه باز گردانید از چراگاه

وحين تسرحون ۝ وتحمل اثقالكم الى بلد لم تكونوا

و زمانیکه روانه کنید بچراگاه و بر میدارند بارهای گران شمارا سوی شهری که نباشید

بالغيه الا بشق الانفس ان ربكم لرءوف رحيم ۝ و

رسندگان بانجا مگر بمشقت که به تنهای شما برسد بدرستیکه خداوند شما هر اینه مهربان بخشاینده است و

الخيل والبغال والحمير لتركبوها وزينة ويخلق ما لا

بیافرید اسپان را واستران را وخران را تا سوار شوید بدان وارایش گیرید ومی افریند انچه

تعلمون ۝ وعلى الله قصد السبيل ومنها جائر ولو شاء لهديكم

می دانید شما وبر خدا است راه راست وازان بعضی کج ومنحرفست واگر خواهد هر اینه راه نماید شما را

اجمعين ۝ هو الذي انزل من السماء ماء لكم منه شراب

همه اوست انخدا انکه فرو فرستاد از اسمان اب مر شمارا ازو اب میخورد

ومنه شجر فيه تسيمون ۝ ينبت لكم به الزرع والزيتون

وازو درختان ودران میچرانید چهارپایان میرویاند مر شمارا بدان کشت زار ودرخت زیتون

والنخيل والاعناب ومن كل الثمرات ان في ذلك

وخرماستان وانگورها واز هر میوها بدرستیکه در این

لاية لقوم يتفكرون ۝ وسخر لكم اليل والنهار

حجتهاست مر گروهی راکه بیندیشند ومسخر کرد مر شمارا شب وروز

والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره ان في ذلك

وافتاب وماه وستارگان مسخر کردان بفرمان او بدرستیکه در این

لايات لقوم يعقلون ۝ وما ذرا لكم في الارض

هر اینه حجتهاست مر گروهی راکه میدانند وانچه آفرید رام کردانید مر شمارا در زمین گوناگون

الوانه ان في ذلك لاية لقوم يذكرون ۝ وهو الذي

گونان گون بدرستیکه در این هر اینه نشانیست مر گروه پند گیرندگان را واوست انخدا انکه

سخر البحر لتاكلوا منه لحما طريا وتستخرجوا منه حلية

رام کردانید دریارا تا بخورید ازو گوشت تازه وبیرون ارید ازان پیرایه

عشر

تلبسونها

تلبسونها وترى الفلك مواخر فيه ولتبتغوا من فضله و

که بپوشید آن را چون مروارید و مرجان و ببینید کشتیهای رونده در آن و تا بجوئید از افزونی و

لعلكم تشكرون ۝ والقى في الارض رواسي ان تميد بكم

تا مگر باشند که شما سپاس داری کنید و افکند در زمین کوههای پایدار تا آنکه میل کند شما

خمس وانهارا وسبلا لعلكم تهتدون ۝ وعلامات وبالنجم

و جویها و راهها تا مگر شما راه بیابید و نشانها کرد و بستارگان

هم يهتدون ۝ افمن يخلق كمن لا يخلق افلا تذكرون ۝

گروه ایشان راه یابند آیا پس آنکس که می آفریند اینها همچو کسیکه نمی آفریند آیا پس نمیگیرید پند شما

وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها ان الله لغفور رحيم ۝

و اگر بشمارید نعمت خدای را نتوانید شمرد آن را بدرستیکه خدا هر آئینه آمرزنده و بخشاینده است

والله يعلم ما تسرون وما تعلنون ۝ والذين يدعون

و خدای میداند آنچه پنهان میکنید شما و آنچه آشکارا میکنید شما و آنانکه میخوانند

عشر من دون الله لا يخلقون شيئا وهم يخلقون ۝ اموات

از جز خدای نمی آفرینند چیزی را و ایشان آفریده شوند مرده گانند

غير احياء وما يشعرون ايان يبعثون ۝ الهكم اله واحد ۝

جز زندگان و نمیدانند کافران که کی برانگیخته خواهند شد خداوند شما خدائیست یگانه

ع فالذين لا يؤمنون بالاخرة قلوبهم منكرة وهم مستكبرون ۝

پس آنانکه نمیگروند بروز بازپسین دلهای ایشان ناشناسنده و ایشان بزرگ منشی کنندگان

لا جرم ان الله يعلم ما يسرون وما يعلنون انه لا يحب

هر آئینه ثابت بدرستی که خدای میداند آنچه پنهان میکنید و آنچه آشکارا میکنید بدرستیکه خدا نمیدارد دوست

المستكبرين ۝ واذا قيل لهم ماذا انزل ربكم قالوا

بزرگ منشی کنندگان را و چون گفته شود مر ایشان را که چه چیز فرستاد خداوند شما گفتند

أساطير الأولين ۝ ليحملوا أوزارهم كاملة يوم القيمة ومن
بتسهای پیشینیان هرانه برمیدارید بارکناهان خویش تمام روز قیامت واز

أوزار الذين يضلونهم بغير علم الا ساء ما يزرون ۝ قد خمس ع
کناهان انانکه کمراه کردید شما بجز دانش اکاه که بد باریست که میکشند از عقوبت و بال اضلال تحقیق

مكر الذين من قبلهم فأتى الله بنيانهم من القواعد فخر
کید کردند انانکه از پیش ایشان بودند پس آمد فرمان خدای بناهای ایشان را از جانب اساس ایشان پس افتاد

عليهم السقف من فوقهم وأتيهم العذاب من حيث
برایشان سقف خانهها از زبر ایشان وآمد ایشان را عقوبت از انجا که

لا يشعرون ۝ ثم يوم القيمة يخزيهم ويقول أين شركاءي
نمیدانستند پس روز قیامت رسوا کند ایشان را وبکوید خدا کجااند انباز من

الذين كنتم تشاقون فيهم قال الذين أوتوا العلم إن
انانکه شریک میپنداشتید شما بودید که خلاف میکردید در ایشان کفت انانکه داده شد دانش را بدرستیکه

الخزي اليوم والسوء على الكافرين ۝ الذين تتوفيهم حزب
رسوائی امروز وبدی عقوبت دوزخ بر کافران است انانکه بمیرانند ایشان را

الملائكة ظالمي أنفسهم فألقوا السلم ما كنا نعمل
فرشتکان که ستم کردند بر تنهای خویش پس درانداختند صلح واقرار کنند بمسلمانی انچه بودیم ما که میکردیم

من سوء بلى إن الله عليم بما كنتم تعملون ۝ فادخلوا أبواب
از بدی بلکه بدرستیکه خدای داناست بدانچه بودید شما میکردید پس درآیید بدرهای

جهنم خالدين فيها فلبئس مثوى المتكبرين ۝ وقيل
دوزخ جاودانه دران پس هرانه بدست جای کردن کشان وکفته شود

للذين اتقوا ماذا أنزل ربكم قالوا خيرا للذين أحسنوا
مر انکسان که پرهیز کردند چه چیز بود که فرستاد پروردگار شما گویند نیکی مر انان را که نیکوی کردند

فِي هٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ

در این جهان نیکوئی وهرآئنه سرای آنجهان بهترست وهرآئنه نیکو سرای

عشر یدخلونها درروند دران

الْمُتَّقِينَ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا

پرهیزکاران بوستانهای باقامت میرود از زیران جویها مرایشانراست دران

مَا يَشَاءُونَ كَذٰلِكَ يَجْزِي اللّٰهُ الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ

انچه میخواهند همچنین پاداش میدهد خدای پرهیزکاران را انانکه بمیرانند ایشانرا

الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمُ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ

فرشتگان خوش منشان وپاکان گویند فرشتگان سلام باد بر شما درائید بهشت

بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ

بدانچه بودید شما میکردید ومنتظر نیستند کافران مگر انکه بیایند ایشانرا فرشتگان

أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ كَذٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا

یا بیاید فرمان خداوند تو همچنین کردند انانکه از پیش ایشان ونه

ظَلَمَهُمُ اللّٰهُ وَلٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ

ستم کرد ایشانرا خدای ولیکن بودند تنهای ایشان ستمکاران پس برسید ایشانرا بدیها

ع

مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ وَقَالَ الَّذِينَ

انچه کردند ودر گرفت ایشانرا انچه بودند بدان استهزا میکردند وگفتند انانکه

أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللّٰهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا

انباز آوردند اگر خواستی خدای نه پرستیدمی از جز او از چیزی ما ونه

آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ

پدران ما ونه حرام کردیمی ما از جز او از چیزی همچنین کردند انانکه

خمس

مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ وَلَقَدْ بَعَثْنَا

از پیش ایشان پس نیست بر پیغمبران مگر رسانیدن پیغام پیدا وآشکار وهرآئنه تحقیق فرستادیم

فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ
در هر گروهی پیغمبری برانکه بپرستید خدای ودور شوید از پرستیدن طاغوت
فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ
پس از ایشان کیست که راه نمودش خدا واز ایشان کیست که واجب شد براو گمراهی کفر
فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ
پس بروید در زمین پس ببینید چگونه بود سرانجام
إِنْ تَحْرِصْ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَ
اگر کوشش کنی بر راه نمودن ایشان پس بدرستیکه ایشان خدا ننماید راه آنکس را که گمراه کند او
مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ
نباشد مر ایشان را کسی یاری کننده وسوگند خورند بخدا سختترین سوگندهای ایشان که زنده نکند
اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
خدای هر که بمرد حق تعالی فرو زنده کند وعده است براو براستی ولیکن بیشتر مردمان
لَا يَعْلَمُونَ لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ
نمیدانند تا پیدا کند مر ایشان را آنانکه اختلاف میکنند در آن وتا بدانند
الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا
آنانکه نگرویدند بدرستیکه ایشان بودند دروغگویان نیست مگر گفتار ما مر چیزی را چون
أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا
خواهیم آنرا که بگوئیم مر او را باش پس بباشد وآنانکه هجرت کردند
فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَأَجْرُ
در راه خدا از پس از آنکه ستم کرده شدند هر آینه جای دهیم ایشان را در دنیا نیکی یعنی بلده نیک و هر آینه مزد
الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى
آنجهان بزرگتر است وبهتر اگر باشند دانایان آنانکه شکیبائی کردند وبر

عشر ع

رَبِّهِمْ

ربهم يتوكلون ۝ وما ارسلنا من قبلك الا رجالا نوحى
پروردگار خود توکل میکنند ونفرستادیم ما از پیش تو مگر مردانی را که وحی کرده
اليهم فسئلوا اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون ۝ بالبينات
سوی ایشان پس بپرسید از اهل کتاب یعنی توریة را اگر هستید شما که نمیدانید بحجتها
والزبر وانزلنا اليك الذكر لتبين للناس ما نزل اليهم و
وکتابها وفرستادیم ما سوی تو قران را تا بیان کنی مردمان را انچه فرستاده سوی ایشان و
لعلهم يتفكرون ۝ افامن الذين مكروا السيئات ان
تا مگر ایشان اندیشه کنند ایا پس ایمن شدند انانکه کردند مکرهای بد برای هلاک مؤمنان انکه
يخسف الله بهم الارض او ياتيهم العذاب من حيث لا
فرو می برد خدای ایشان را بزمین یا بیاید ایشان را عذاب از جائی که
خمس
يشعرون ۝ او ياخذهم في تقلبهم فما هم بمعجزين ۝ او ياخذهم
دانند ایشان یا بگیرد ایشان را در گشتن و تردد کردن ایشان پس نباشند ایشان را عاجز کنندگان یا بگیرد ایشان را
على تخوف فان ربكم لرءوف رحيم ۝ اولم يروا الى ما
بر ترسی پس بدرستیکه پروردگار شما هر اینه مهربان و بخشاینده است ایا ندیدند سوی انچه
خلق الله من شيء يتفيؤا ظلاله عن اليمين والشمائل
بیافرید خدای از چیزی که باز گردد سایه او از دست راست و دست چپ
سجده
حزب
سجدا لله وهم داخرون ۝ ولله يسجد ما في السموات وما
سجده کنان مر خدای را و ایشان ذلیلاند و مر خدای را سجده میکند انچه در آسمانها و انچه
في الارض من دابة والملائكة وهم لا يستكبرون ۝
در زمین است از جنبندگان و فرشتگان و ایشان نمیکنند بزرگ منشی
عشر
يخافون ربهم من فوقهم ويفعلون ما يؤمرون ۝ وقال الله
میترسند خداوند ایشان از زبر ایشان و میکنند انچه مامور شدند و گفت خدای

لا تتخذوا الهين اثنين انما هو اله واحد فاياى فارهبون ۝
مگیرید دو خدا یعنی بتان نیست مگر او است خدای یگانه پس مرا بترسید
وله ما فى السموات والارض وله الدين واصبا افغير الله
و مر او راست انچه در آسمانها و زمین است و مر او راست دین مسلمانی در حالتی که واجب و لازم باشد ایا پس جز خدای را
تتقون ۝ وما بكم من نعمة فمن الله ثم اذا مسكم الضر
مى پرهیزید و انچه بشما از نعمتها رسیده است پس از خداست پس چون برسد شمارا ضرری
فاليه تجارون ۝ ثم اذا كشف الضر عنكم اذا فريق منكم
پس سوی او زاری کنید پس چون باز برد رنج و بیماری از شما چون گروهی از شما
بربهم يشركون ۝ ليكفروا بما اتيناهم فتمتعوا فسوف
به پروردگار خویش انباز گیرند تا کافر شوند بدانچه بدادیم مر ایشان را پس برخوردار گیرید پس زود باشد
تعلمون ۝ ويجعلون لما لا يعلمون نصيبا مما رزقناهم
که بدانید و میکردانند مر انچه را که نمیدانند بهره از انچه روزی کردیم مر ایشان را
تالله لتسئلن عما كنتم تفترون ۝ ويجعلون لله البنات
بخدا که هر اینه پرسیده شوید از انچه بودید شما که دروغ می بافتید و میکردانند مر خدا را دختران
سبحانه ولهم ما يشتهون ۝ واذا بشر احدهم بالانثى ظل
پاکست او و مر ایشان را انچه آرزو میکنند و چون مژده داده شود یکی از ایشان بدختران گردد سیاه
وجهه مسودا وهو كظيم ۝ يتوارى من القوم من سوء ما
روی او و اندوه و او اندوهناک گردد پنهان میشود از گروه از بدی انچه
بشر به ايمسكه على هون ام يدسه فى التراب الا ساء
مژده داده شد بدان ایا نگاه دارد آن برخواری یا پنهان آن را در خاک بدانکه بدست
ما يحكمون ۝ للذين لا يؤمنون بالاخرة مثل السوء
انچه حکم میکنند مر انان را که نگرویدند بروز بازپسین صفت بدست

نصف الحزب

نعمتها عبارت از تندرستی و فراخی و ارزانیست

خمس

ولله

عشر وللّه المثل الاعلى وهو العزيز الحكيم ۝ ولو يؤاخذ اللّه

> ومرخدا راست صفتهای برتر واوست ارجمند وصفت کننده واکر بکیرد خدای

الناس بظلمهم ما ترك عليها من دابة ولكن يؤخرهم الى

> مردمان را بستم کردن ایشان نمیکذارد بر زمین از هیچ جنبنده ولیکن مهلت میدهد ایشان را سوی

اجل مسمى فاذا جاء اجلهم لا يستاخرون ساعة ولا

> وعده نامبرده شده پس چون بیاید وقت مقدر ایشان بازپس نروند ساعتی ونه

يستقدمون ۝ ويجعلون للّه ما يكرهون وتصف

> پیشی کیرند ومیکردانند مرخدا را آنچه دوست نمی دارند ووصف میکند

السنتهم الكذب ان لهم الحسنى لا جرم ان لهم النار

> زبانهای ایشان دروغ را بدرستی مرایشان راست نیکوئی حقا که در قیامت مرایشان راست آتش دوزخ

وانهم مفرطون ۝ تاللّه لقد ارسلنا الى امم من قبلك

> وبدرستیکه ایشان پیش داشته شوند بدوزخ بخدا که هرآئنه بتحقیق فرستادیم سوی امتان که از پیش تو

فزين لهم الشيطان اعمالهم فهو وليهم اليوم ولهم عذاب

> پس بیاراست مرایشان را دیو رجیم کردارهاشان را پس او دوست ایشان است امروز ومرایشان راست عذاب

اليم ۝ وما انزلنا عليك الكتاب الا لتبين لهم الذي

> دردناک ونفرستادیم ما بر تو قرآن را مکر آنکه تا پدید کنی مرایشان را آنانکه

اختلفوا فيه وهدى ورحمة لقوم يؤمنون ۝ واللّه

> اختلاف کردند در آن وراه نمودن وبخشودن مرکروه کرویدکان را وخدای

انزل من السماء ماء فاحيا به الارض بعد موتها ان

> فرستاد از آسمان آب پس زنده کرد بدان زمین پس مردن آن بدرستی

خمس ع في ذلك لاية لقوم يسمعون ۝ وان لكم في الانعام

> در این هرآئنه حجتست مرکروه شنوندکان را وبدرستی مرایشان راست در چهارپایان

لعبرة نسقيكم مما في بطونه من بين فرث ودم لبنا

هرآینه عبرتی بخورانیم شمارا ازانچه در شکمهای انست از میان سرگین وخون شیر

خالصا سائغا للشاربين ۝ ومن ثمرات النخيل والاعناب

پاکیزه خالص گوارنده مرخورندگان را واز میوها خرمابان وانگورها

تتخذون منه سكرا ورزقا حسنا ان في ذلك لاية لقوم

میگیرید ومیکشید ازان شراب وروزی نیکو بدرستیکه دراین هرآینه حجتست مرگروه

يعقلون ۝ واوحى ربك الى النحل ان اتخذي من الجبال

که تعقل کنند والهام داد خداوند تو سوی زنبور عسل که بگیرید از کوهستان

بيوتا ومن الشجر ومما يعرشون ۝ ثم كلي من كل الثمرات

خانها واز درختان وازانچه مردمان بنا میکنند پس بخورید از همه میوها

فاسلكي سبل ربك ذللا يخرج من بطونها شراب مختلف

پس درروید براه خداوند خویش نرم شده بیرون آورد از شکمهای زنبور شرابی که مختلفست

الوانه فيه شفاء للناس ان في ذلك لاية لقوم يتفكرون ۝

رنگهای او درویست تندرستی مرمردمان را بدرستی دراین هرآینه حجتست مرگروه که اندیشه کنند

والله خلقكم ثم يتوفيكم ومنكم من يرد الى ارذل العمر

وخدای بیافرید شمارا پس بمیراند شمارا واز شما کیست که بازگردانیده شود سوی خوارترین زندگانی

لكيلا يعلم بعد علم شيئا ان الله عليم قدير ۝ والله فضل

از برای آنکه نداند پس دانش چیزیرا بدرستیکه خدا دانا و تواناست وخدای افزونی نهاد

بعضكم على بعض في الرزق فما الذين فضلوا برادي

بهره از شما بر بهره در روزی پس نیستند آنانکه افزونداده شدند بازگردانندهٔ

رزقهم على ما ملكت ايمانهم فهم فيه سواء افبنعمة الله

روزی ایشان برانچه مالک شدند دستهای ایشان پس ایشان دران برابرند آیا پس نعمت خدای

بحزب عشرع

یجحدون

يجحدون ۝ والله جعل لكم من انفسكم ازواجا وجعل
منکر می شوید وخدای بکرد مرشمارا از تنهای شما جفتان وبکرد
لكم من ازواجكم بنين وحفدة ورزقكم من الطيبات
مرشمارا از زنان شما پسران ودختران ونبیرگان وروزی کرد شمارا از پاکیزگیها
افبالباطل يؤمنون وبنعمت الله هم يكفرون ۝ و
آیا پس بدیوان باطل میگروند وبنعمت خدای ایشان کافر میشوند و
يعبدون من دون الله ما لا يملك لهم رزقا من السموات
می پرستند از جز خدای چیزی که مالک نیست مرایشان را روزی از آسمان ها
والارض شيئا ولا يستطيعون ۝ فلا تضربوا لله الامثال
وزمین چیزی ونمیتوانند داد پس مزنید مرخدایرا مثلها
ان الله يعلم وانتم لا تعلمون ۝ ضرب الله مثلا عبدا
بدرستیکه خدا میداند وشما نمیدانید که بزد خدای مثلها بنده
مملوكا لا يقدر على شيء ومن رزقناه منا رزقا حسنا فهو
زرخرید که توانائی ندارد بر چیزی وهرکه را روزی دادیم ما از نزد خود روزی نیکو پس او
ينفق منه سرا وجهرا هل يستوون الحمد لله بل اكثرهم
نفقه میکند ازان نهان واشکار نیستند یکسان نیک وبد سپاس مرخدایرا بلکه بیشتر ایشان
لا يعلمون ۝ وضرب الله مثلا رجلين احدهما ابكم لا
نمیدانند وبزد خدای مثلی در مرد یکی ازایشان گنگ است که ندارد
يقدر على شيء وهو كل على مولىه اينما يوجهه
توانائی بر چیزی واوست گران بر متولی امر خود هرجا میفرستد اورا
لا يات بخير هل يستوي هو ومن يامر بالعدل وهو
نیاید به نیکوئی آیا یکسانست او وکسیکه مامور میشود براه راست واو

خمس

عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا

بر راه راست ومر خدایراست نهان آسمانها وزمین ونیست

أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

کار قیامت مگر همچون چشم زدنی یا او نزدیکتر ازان بدرستیکه خدا بر همه چیز

قَدِيرٌ ۝ وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ

توانا است وخدای بیرون آورد شمارا از شکمهای مادران شما نمیدانید شما

شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ

چیزی وگردانید مر شمارا گوش وچشمها ودلها تا باشد که شما

تَشْكُرُونَ ۝ أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا

سپاس دارید ایا نمی بینید سوی پرندگان رام کرده شده بر پریدن در میان آسمان و زمین

يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝

نگاه ندارد انهارا مگر خدای بدرستیکه درین هر آینه حجتهاست مر گروه گروندگان را

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ

وخدای بکرد مر شمارا از خانهای شما ارامگاهی وبکرد مر شمارا از پوستهای

الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ

چهار پایان خانها که سبک یابید آن را روزیکه سفر کنید شما وروزیکه اقامت کنید شما

وَمِنْ أَصْوَافِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ۝ عشر

واز پشمهای گوسفندان وشتران وپشمهای بزها متاع تن وخانه وبرخوردار تا هنگامی که برقرار بود

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ

وخدای بگردانید مر شمارا از انچه آفرید سایها وبکرد مر شمارا از کوهها

أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمْ

پیغارها وخانها تراشیده وبکرد مر شمارا پیراهنها که نگاه دارد شمارا از گرما وسرما وپیراهنها که نگاه دارد شمارا

بَأْسَكُمْ

بأسكم كذلك يتم نعمته عليكم لعلكم تسلمون ۝ فإن

در کارزار همچنین تمام میکند نعمت خودرا برشما تا باشد که شما اسلام آورید پس اگر

تولوا فإنما عليك البلاغ المبين ۝ يعرفون نعمت الله ثم

روی بگردانند پس نیست بر تو ای محمد رسانیدن پیغام هویدا می شناسند نعمت خدارا پس

ينكرونها وأكثرهم الكافرون ۝ ويوم نبعث من

منکر می شوند آن را و بیشتر ایشان ناگرویدگانند و روزیکه برانگیزیم از

كل أمة شهيدا ثم لا يؤذن للذين كفروا ولا هم يستعتبون ۝

هر گروهی گواهی پس دستوری داده نشد مر آنان را که کافر شدند و نه ایشان خوشنود ساخته شوند

خمس

وإذا رأى الذين ظلموا العذاب فلا يخفف عنهم ولا هم

و چون ببینند آنانکه ستم کردند عذاب را پس سبک کرده نشود از ایشان و نه ایشان

ينظرون ۝ وإذا رأى الذين أشركوا شركاءهم قالوا ربنا

مهلت داده شوند و چون ببینند آنانکه انباز کردند انبازان ما گفتند ای خداوند ما

هؤلاء شركاؤنا الذين كنا ندعوا من دونك فألقوا إليهم

این اند انبازان ما آنانکه بودیم ما میخواندیم از جز تو پس افکند سوی ایشان

حزب

القول إنكم لكاذبون ۝ وألقوا إلى الله يومئذ السلم

گفتار بدرستیکه شما هر آینه دروغ گویانید و افکند سوی خدا آن روز که گردن نهند

وضل عنهم ما كانوا يفترون ۝ الذين كفروا وصدوا

و گمراه شد از ایشان آنچه بودند دروغ گویان آنانکه کافر شدند و بازداشتند مردمان

عن سبيل الله زدناهم عذابا فوق العذاب بما كانوا يفسدون ۝

از راه خدای می افزائیم ایشان را عقوبتی بر بالای عقوبت بدانچه بودند که تباهی میکردند

ويوم نبعث في كل أمة شهيدا عليهم من أنفسهم وجئنا بك

و روزیکه برانگیزانیم در هر گروهی گواهی برایشان از تنهای ایشان و بیاریم ما تو

شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ

گواهی بر ایشان و فرستادیم برتو کتاب یعنی قران که بیان روشنست مر هر چیز را

وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ۝ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ

و راه نمودن و بخشایش و مژده مر گردن نهندگان را بدرستیکه خدا امر میکند براستی چون توحید

الْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

نیکی در طاعت و عطا دادن بخویشان نزدیک و باز داشتن از اعمال زشت مثل زنا

وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۝ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ

وستمکاری پند میدهد تا مگر شما پند گیرید و تمام کنید به پیمان خدا چون عهد بستید

وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ

و مشکنید سوگندها را پس استوار کردن آن و تحقیق کردید شما خدا را برخویش

كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ۝ وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي

گواه و میانجی بدرستیکه خدا میداند انچه میکنید و مباشید شما مانند زنیکه

نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ

میشکافد کرهها ریسمان خود را از پس سخت تاب تابیده باشد فرا میگیرید عهدها خویش

دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ

بخیانت میان خود که باشید گروهی که این زیاده از گروه دیگر باشند جز این نیست بیازماید

اللَّهُ بِهِ ۚ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

خدا بدان و هر آینه پدید کند مر شما را روز قیامت انچه بودید شما در ان اختلاف کنندگان

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ

و اگر خواستی خدای هر آینه کردی شما را گروهی متفق بر اسلام و لیکن گمراه کند خدا هر که را می خواهد

وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ وَلَا تَتَّخِذُوا

و راه نماید هر که را میخواهد و هر آینه پرسیده شوید از انچه بودید شما که میکردید و فرا مگیرید

عشر

أَيْمَانَكُمْ

أيمانكم دخلا بينكم فتزل قدم بعد ثبوتها وتذوقوا
سوكند خود را بخيانتى ميان خود پس مى لغزد پاى پس استوارى آن و ميچشيد
السوء بما صددتم عن سبيل الله ولكم عذاب عظيم ۝
اندوه و رنج بدانچه باز داشتيد ايشان را از راه خدا و مر ايشان راست عذاب بزرگ
ولا تشتروا بعهد الله ثمنا قليلا إنما عند الله هو خير لكم
و مخريد و بدل مكنيد به پيمان خداى بهاى اندك بدرستى انچه نزد خداست اوست بهتر مر شمارا
إن كنتم تعلمون ۝ ما عندكم ينفد وما عند الله باق
اكر باشيد شما دانايان انچه نزد شماست فانى شود و انچه نزد خداست باقى ميماند
ولنجزين الذين صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون
و هر اينه پاداش انانكه شكيبائى كردند مزدايشان به نيكوئى انچه بودند كه ميكردند
من عمل صالحا من ذكر أو أنثى فلنحيينه حيوة طيبة
از كردار نيك از مرد يا زن پس هركه زنده كردانيم ما اورا زندكانى خوشى
ولنجزينهم أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون ۝ فإذا قرأت
و هر اينه پاداش دهيم ايشانرا مزدايشان به نيكوئى بر انچه بودند ميكردند پس چون تو بخوانى
القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم ۝ إنه ليس له
قران را پس پناه جوى بخداى از ديو رجيم بدرستيكه نيست مر اورا
سلطان على الذين آمنوا وعلى ربهم يتوكلون ۝ إنما
حجتى بر انانكه كرويدند و بر خداوند ايشان توكل كنند نيست مكر
سلطانه على الذين يتولونه والذين هم به مشركون ۝
انكه ديو تسلط دارد بر انانكه اورا دوست دارند و انانكه ايشان بآن انباز ميكيرند
وإذا بدلنا آية مكان آية والله أعلم بما ينزل قالوا
و چون بكردانيم ما حجتى بجاى آيتى و خدا داناتر است بدانچه فرستاده شد كفتند

خمس

وهو مؤمن صح
و آن مومن و مومنه باشند

عشر

انما انت مفتر بل اكثرهم لا يعلمون ۝ قل نزله روح
نیست مگر آنکه تو دروغ گوی بلکه بیشتر ایشان نمیدانند بگو ای محمد ص فرستاد قرآن را روح

القدس من ربك بالحق ليثبت الذين آمنوا وهدى وبشرى
پاکیزه از پروردگار تو براستی تا پایدار کند آنانرا که گروند و راه راست نماید و مژده دهد

للمسلمين ۝ ولقد نعلم انهم يقولون انما يعلمه بشر لسان
مر گرویدگان را و هر آینه تحقیق میدانیم بدرستیکه ایشان میگویند جز این نیست که میاموزد اورا آدمی زبان

الذي يلحدون اليه اعجمي وهذا لسان عربي مبين ۝
آنانکه میکردانند گفتار خود را بسوی او عجمی که فصاحت ندارد و اینست زبان عربی پیدا و روشن

ان الذين لا يؤمنون بآيات الله لا يهديهم الله ولهم عذاب
بدرستی آنانکه نگرویدند بحجتهای خدا نمینماید راه ایشانرا خدای و مر ایشانراست عقوبت

اليم ۝ انما يفتري الكذب الذين لا يؤمنون بآيات
دردناک جز این نیست که بر می بافند دروغ را آنانکه نگرویدند بحجتهای

الله واولئك هم الكاذبون ۝ من كفر بالله من بعد ايمانه
خدا و ایشانند ایشان دروغ گویان هرکه کافر شد بخدای از پس گرویدن خود

الا من اكره وقلبه مطمئن بالايمان ولكن من شرح
مگر کسیکه ستم کرده شود او و دل او آرام گیرنده باشد بایمان آوردن ولیکن هرکه بگشاید

بالكفر صدرا فعليهم غضب من الله ولهم عذاب عظيم
بکفر سینه خود را پس بر ایشانست خشمی از خدای و مر ایشانراست عقوبت بزرگ

ذلك بانهم استحبوا الحيوة الدنيا على الآخرة وان الله
اینست بدرستیکه ایشان دوست داشتند زندگانی دنیارا بر آخرت و بدرستیکه خدای

لا يهدي القوم الكافرين ۝ اولئك الذين طبع الله
نمینماید راه گروه کافران را ایشانند آنانکه مهر نهاد

على قلوبهم

على قلوبهم وسمعهم وابصارهم واولئك هم الغافلون ۝

بر دلهاء ايشان وگوشهاى ايشان وچشمهاى ايشان واين ايشان غافلان

لا جرم انهم في الاخرة هم الخاسرون ۝ ثم ان ربك

حقا كه ايشان در آخرت ايشان زيانكارانند پس بدرستيكه پروردگار تو

للذين هاجروا من بعد ما فتنوا ثم جاهدوا وصبروا

مر انان را كه هجرت كردند از پس آنچه عذاب كشيده شدند پس جهاد كردند وشكيبائى كردند

عشر

ان ربك من بعدها لغفور رحيم ۝ يوم تاتي كل

بدرستيكه خداوند تو از پس آن هرآئنه آمرزنده ومهربانست روز يكه بيايد هر

نفس تجادل عن نفسها وتوفى كل نفس ما عملت وهم لا يظلمون

تنى را مجادله ميكند از تن خويش وتمام داده شود هر تنى را آنچه كرده باشد وايشان ستم نكردند

وضرب الله مثلا قرية كانت امنة مطمئنة ياتيها رزقها

وزد خداى مثل يعنى داستان دهى كه بود بى بيم آرميده مى آمد بدان روزى آن

رغدا من كل مكان فكفرت بانعم الله فاذاقها الله لباس

فراخ شادكام از هر جائى پس كافر شدند بنعمتهاى خداى پس چون بچشانيد خداى ايشانرا جامه

الجوع والخوف بما كانوا يصنعون ۝ ولقد جاءهم رسول

گرسنگى وترس بدانچه بودند كه ميكردند وهرآئنه تحقيق آمد ايشانرا پيغمبر

منهم فكذبوه فاخذهم العذاب وهم ظالمون ۝ فكلوا

از ايشان پس دروغ داشتند اورا پس فراگرفت ايشانرا عقوبت وايشان ستمكارانند پس بخوريد

مما رزقكم الله حلالا طيبا واشكروا نعمت الله ان كنتم اياه

از آنچه روزى داد شمارا خدا بى شبهه وپاك وسپاس دارى كنيد نعمت خداى را اگر هستيد شما اورا

تعبدون ۝ انما حرم عليكم الميتة والدم ولحم الخنزير

پرستندگان نيست جز اين كه حرام كرد بر شما مردار را وخون را وگوشت خوك را

وما اهل لغير الله به فمن اضطر غير باغ ولا عاد فان الله
وانچه بسمل كنند بجز نام خداى بدان پس هر كه مضطر شود جز حالتى كه طالب لذت نباشد ونه دركذرنده از حد

غفور رحيم ۝ ولا تقولوا لما تصف السنتكم الكذب هذا حلال وهذا حرام لتفتروا على الله الكذب ان الذين
آمرزنده ومهربان وكوئيد هر انچه راكه زبانهاى شما دروغ بدرستى انانكه

يفترون على الله الكذب لا يفلحون ۝ متاع قليل ولهم
برمى بافند برخداى دروغ را نرهند از عذاب برخوردارى اندك ومر ايشانراست

عذاب اليم ۝ وعلى الذين هادوا حرمنا ما قصصنا عليك
عقوبت دردناك وبر انانكه جهود شدند حرام كرديم ما انچه قصه كرديم ما بر تو

من قبل وما ظلمناهم ولكن كانوا انفسهم يظلمون ۝
از پيش وستم نكرديم ايشانرا وليكن بودند تنهاى ايشان ستم كنندكان

ثم ان ربك للذين عملوا السوء بجهالة ثم تابوا من بعد ذلك
پس بدرستيكه پروردكار تو مر انانرا كه كردند بد بنادانى پس توبه كردند از پس ان

واصلحوا ان ربك من بعدها لغفور رحيم ۝ ان ابرهيم كان امة
واصلاح آوردند بدرستيكه خداوند تو هر اينه آمرزنده مهربانست بدرستيكه ابراهيم بود امامى

قانتا لله حنيفا ولم يك من المشركين ۝ شاكرا لانعمه
فرمانبردار خدا مسلمان ونبودى تو از انبازكيرندكان سپاس دارى كردى مر نعمتهاى خدا را

اجتباه وهديه الى صراط مستقيم ۝ واتيناه فى الدنيا
بركزيد خدا اورا وراه نمود اورا سوى راه راست وبداد اورا در اينجهان

حسنة وانه فى الاخرة لمن الصالحين ۝ ثم اوحينا
نيكوئى وبدرستيكه او در آن سراى هر اينه از نيكوكارانست پس وحى كرديم ما

اليك ان اتبع ملة ابرهيم حنيفا وما كان من المشركين ۝
سوى تو كه پيروى كنى كيش ابراهيم راكه مايل بود از همه نهادها بسلام ونبود از انبازكيرندكان

خمس تصف صح
پيدا كند

هذا حلال وهذا
اين حلال واين

حرام لتفتروا على الله
حرام تا افترا كنيد بر خداى

الكذب
دروغ

من بعدها
از پس ان

عشر

انما

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ ۚ وَإِنَّ رَبَّكَ

نیست جزاین که کردانیده شد تعظیم روز شنبه بر انانکه اختلاف کردند دران و بدرستیکه پروردکار تو

لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝ ادْعُ

هرآئنه حکم میکند میان ایشان روز قیامت درانچه بودند درآن خلاف کنندکان بخوان

إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ۖ وَجَادِلْهُمْ

سوی راه پروردکار خود بحکمت و پند نیک و مجادله کن انشا

بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ

بدان این نیکوترست بدرستیکه پروردکار تو اوست داناتر بدانکه کمراه شد از راه او

وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۝ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا

خمس

و اوست داناتر براه یافتکان واکر عقوبت کنید شما پس عقوبت کرده شوید بمانند آنچه

عُوقِبْتُمْ بِهِ ۖ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ ۝ وَاصْبِرْ وَمَا

عقوبت کرده اید شما بدان واکر شکیبائی کنید شما هرآئنه اوست بهتر مر شکیبایان را و شکیبائی کن و نیست

صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ ۚ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ

شکیبائی تو مکر بخدای و مشو اندوهکین برایشان و مباش تو در تنکی از آنچه مکر میکنند

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ ۝ سورة بنی اسرائیل مکیة مائة و احدی عشرون آیة

بدرستیکه خدا با انانست که پرهیزکارند و انانکه ایشان نیکوکارانند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده مهربان

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ

پاک است انخدائی که برد بنده خود را شب از مسجد حرام سوی مسجد

15 الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا ۚ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

اقصی بعنی بیت المقدس انکه برکت دادیم کرد بر کرد اورا تا بنمائیم اورا از حجتهای خود بدرستیکه اوست شنوا و بینا

حزب الجزو الخامس عشر

شب جمعه

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند نمیرد تا قائم را دریابد و از اصحاب او باشد ه من عیون الحیوة

وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا

و بداديم ما موسی کتاب و کردانیدیم ما اورا راه نماینده مر فرزندان یعقوب را که مکیرید

مِنْ دُونِي وَكِيلًا ۝ ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا

از جز من خدا که کار خود را بوی کذاری فرزندان انکه برداشتیم ما با نوح بدرستی که او بود بنده

شَكُورًا ۝ وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي

سپاس کننده و حکم کردیم ما سوی فرزندان یعقوب در کتاب یعنی توریة هر اینه تباهی کنند در

الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا ۝ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ

زمین دوباره و هر اینه برتری کننده بنا فرمانی برتری بزرگ پس چون آید وعده

أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا

نخستین دو عذاب برانگیختیم بر شما بندکان که هر اینه مر استند خداوندان کارزار سخت پس در آمدند

خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا ۝ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ خمس

میان خانهای خود و بود این وعده واقع شونده پس بازکردانیدیم مر شمارا بازکشت

عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ۝

برایشان و مدد کردیم ما شمارا بمالها و فرزندان خویش و کردانیدیم ما شمارا بیشتر نفری

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ

اکر نیک کنید شما نیکی کنید شما مر تنهای خویش و اکر بد کنید شما پس هر اینه مر تنهای شما است پس چون بیاید

وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ

وعده کذ عقاب نوبت دیکر تا بد کنیم رویهای شمارا و تا در آیند بمسجد بیت المقدس همچنانکه در شدند

أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا ۝ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ

اوّل مرتبه و تا هلاک کنند انچه بر شوند بران هلاک کردن شاید پروردکار شما انکه

يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا ۝

رحمت کند شمارا و اکر بازکردید شما بفسا بازکردیم و بکردانیم ما دوزخ را از برای ناکرویدکان جای بازکشت

ان

عشرع

إِنَّ هٰذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ

بدرستیکه اینست قران راه مینماید هرکه را او درست ترست ومژده یابنده میشوند گرویدگان انانکه

يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ۝ وَأَنَّ الَّذِينَ

کردند کردارهای نیکو بدرستی مرایشان راست مزدی بزرگ وبدرستی انانکه

لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ

نگرویدند بروز بازپسین ساخته کردیم ما ایشان را عذابی دردناک ومیخوانند مردم را

بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ ط وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ۝ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ

ببدی مثل دعا کردن چنانکه بنیکوئی وهست آدمی بسیار شتاب کننده وگردانیدیم ما شب را

وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً

وروز را دونشان پس محو کردیم ما نشانی شب را وگردانیدیم ما نشانی روز را روشن کردن

لِتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ط

تا بجوئید شما زیادتی افزونی از پروردگار خویش وتا بدانید شمار سالها وحساب ماهها

وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا ۝ وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي

وهر چیزی را بیان کردیم ما بیان کردنی وهر آدمی را لازم کردیم ما اورا عمل خیر وشر اورا در

عُنُقِهِ ط وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا ۝

گردن او وبیرون آوردیم ما مر اورا روز قیامت نامه که ببیند اورا گشاده کرده

اقْرَأْ كِتَابَكَ ط كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ط ۝ مَنِ

بخوان نامه خودرا بسنده است تن ترا امروز برتو حساب کننده هرکه

اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ط

راه یافت پس جز این نیست که راه نماید مرتن خودرا وهرکه گمراه شد پس جز این نیست گمراه میشود بر نفس خود

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ط وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ

وبرنمیدارد هیچ بردارنده بار دیگری را ونیستیم ما عذاب کننده تا بفرستیم

رَسُولًا ۝ وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا خمس

بغمبری وچون خواهیم ما اینکه هلاک کنیم اهل دیهی را بفرمائیم ما منعمان او کردن کار عبادت پس تباهی کنند در آن

فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ۝ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ

پس واجب شود در آن قوم گفتار عذاب پس هلاک کنیم اهل آن دیه را خراب کردنی وچند هلاک کردیم ما از قرنها

مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ۝ مَنْ

از پس نوح وبسنده است بخدای تو بگناهان بندگان خود آگاه وبینا هر که

كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا

باشد خواهنده اینجهان شتابنده را بشتابانیم ما مر او را در آن آنچه میخواهیم مر هر که خواهیم ما پس بکردانیم

لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا ۝ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ

مر او را دوزخ تا در آید در آن نکوهنده رانده شده وهر که خواهد آنجهان را وکوشد

لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ۝ كُلًّا

مر آنرا کوشش آن واو گرویده باشد پس ایشانند که هست کوشش ایشان پذیرنده همه را

نُمِدُّ هَٰؤُلَاءِ وَهَٰؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ ۚ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا

مدد کنیم آن گروه را بمقدار کفایت واین گروه را از بخشش خداوند تو ونیست بخشش خداوند تو منع کرده

انْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۚ وَلَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ

ببین چگونه افزونی دادیم بهره ایشانرا بر بهره وهر آینه آنجهان بزرگتر است درجات

وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا ۝ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا

وبزرگتر است بروجه افزونی مگردان ای بنده من باخدای خدای دیگر پس نشینی نکوهیده

مَخْذُولًا ۝ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۚ حزب

فرو گذاشته وفرمود خداوند تو که میپرستید مگر او را وبجای پدر ومادر نیکوئی

إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا

اگر برسند نزد تو پیری یکی از هر دو یا با هر دو پس مگو مر ایشان را

اف

افٍّ ولا تنهرهما وقل لهما قولا كريما ۝ واخفض لهما

سخن ناخوش و بانگ درشت مزن و بگو مر ایشان را گفتار نرم و فرو گذار مر ایشان را

جناح الذل من الرحمة وقل رب ارحمهما كما ربياني صغيرا

بال فروتنی از بخشایش و بگوی پروردگار من رحم کن بر ایشان همچنانکه پرورش دادند مرا در خوردی

ربكم اعلم بما في نفوسكم ان تكونوا صالحين فانه كان

ای خداوند تو داناتری بدانچه در تنهای ایشانست اگر باشید نیکوکاران پس بدرستیکه او باشد

خمس لِلاوابين غفورا ۝ وآت ذا القربى حقه والمسكين وابن

مر بازگردندگان را آمرزنده و بده خداوند نزدیک یعنی خویشاوند حق او را و درویش را و مسافر

السبيل ولا تبذر تبذيرا ان المبذرين كانوا اخوان

را و مکن اسراف اسراف کردنی بدرستیکه اسراف کنندگان هستند برادران

الشياطين وكان الشيطان لربه كفورا ۝ واما تعرضن

دیوان رجیم و هست دیو مر پروردگار خود را ناسپاس و اگر روی بگردانی

عنهم ابتغاء رحمة من ربك ترجوها فقل لهم قولا ميسورا

از ایشان از برای جستن رحمت یعنی بخشایش از خداوند خویش امید میداری پس بگو مر ایشان را گفتاری نرم و نیکو

ولا تجعل يدك مغلولة الى عنقك ولا تبسطها كل

و مکن دست خود را غل کرده سوی گردن خود و مکش دست خود را همه

البسط فتقعد ملوما محسورا ۝ ان ربك يبسط الرزق

گشاده پس بنشینی ملامت کرده شده درمانده و محتاج بدرستیکه خداوند تو بگستراند روزی را

عشر لمن يشاء ويقدر انه كان بعباده خبيرا بصيرا ۝ ولا

مر هر کرا خواهد و تنگ میکند هر کرا میخواهد بدرستیکه او هست به بندگان خود آگاه و بینا و

تقتلوا اولادكم خشية املاق نحن نرزقهم واياكم

مکشید فرزندان خویش از ترس درویشی ما روزی میدهیم ایشان را و شما را

إنّ قتلهم كان خطأ كبيرا ۝ ولا تقربوا الزنى إنه كان

بدرستيكه كشتن ايشان هست كناهي بزرگ ونزديك مشويد زنارا بدرستيكه زنا هست

فاحشة وساء سبيلا ۝ ولا تقتلوا النفس التي حرم الله

خصلتي زشت وبد راهيست ومكشيد تني را كه حرام كرد خداي

إلا بالحق ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لوليه سلطانا

مكر براستي وهركه كشته شد ستم كرده شد پس بتحقيق كرديم ما مر وارث اورا تسلط وتوانا

فلا يسرف في القتل إنه كان منصورا ۝ ولا تقربوا مال

پس اسراف مكن در كشتن بدرستيكه وي كشته شده هست يارى داده شده ومشويد نزديك مال

اليتيم إلا بالتي هي أحسن حتى يبلغ أشده وأوفوا بالعهد

يتيم مكر بچيزي كه آن نيكوتر باشد تا برسد بغايت قوت وتمام كنيد عهدهارا

إن العهد كان مسئولا ۝ وأوفوا الكيل إذا كلتم وزنوا

بدرستيكه عهد هست پرسيده شده وتمام كنيد پيمانه هارا چو بپيمائيد وبسنجيد

بالقسطاس المستقيم ذلك خير وأحسن تأويلا ۝ ولا تقف

بترازو درست راست اينست بهتر ونيكوتر از روي عاقبت ومكن پيروي كسي را

ما ليس لك به علم إن السمع والبصر والفؤاد كل أولئك

كه نيست مر ترا بدان دانشي بدرستيكه كوش وچشم ودل همه ايشان

كان عنه مسئولا ۝ ولا تمش في الأرض مرحا إنك لن تخرق

هست از آن سوال كرده شده ومرو در زمين تكبر كننده بدرستيكه تو نيافريدي

الأرض ولن تبلغ الجبال طولا ۝ كل ذلك كان سيئه

زمين را وهركز نرسي بكوهها ازدرازي همه اين هست بد آن نزد

ربك مكروها ۝ ذلك مما أوحى إليك ربك من الحكمة

خداوند تو ناخوش داشته شده اينست هر آنچه وحي كردم مني سوي تو از خداي خويش از حكمت

خمس

ولا تجعل

۲ یعنی پسران که از شما اولاد اند
دختران که از خدا اولاد اند

عشر ع

ولا تجعل مع الله الها اخر فتلقى فى جهنم ملوما مدحورا ۝
و مگردان با خدا خدائی دیگر پس افکنده شوی در دوزخ ملامت کرده دور کرده شده
افاصفیکم ربکم بالبنین واتخذ من الملائکة اناثا
ایا پس برگزید شمارا خداوند شما بفرزندان ۲ و بگرفت از فرشتگان دختران
انکم لتقولون قولا عظیما ۝ ولقد صرفنا فی هذا القران
بدرستیکه ایشان هرائنه میگویند گفتاری بزرگ و هرائنه تحقیق گردانیدیم ما در این قران
لیذکروا وما یزیدهم الا نفورا ۝ قل لو کان معه الهة
تا پند گیرند و نیفزاید ایشان را مگر دوری و رمیدن بگو ای محمد اگر هست با او خدایان
کما یقولون اذا لابتغوا الى ذی العرش سبیلا ۝
همچنانکه میگویند آنگاه بکردند طلب سوی خداوند عرش راهی
سبحانه وتعالى عما یقولون علوا کبیرا ۝ تسبح له السموات
پاک منزه است و برترست از انچه میگویند برتری بزرگ تسبیح میگویند او را آسمانها
السبع والارض ومن فیهن وان من شیء الا یسبح بحمده
هفت گانه و زمین و هرچه در اوست و نیست از هر چیزی مگر که تسبیح میگویند بستایش او
ولکن لا تفقهون تسبیحهم انه کان حلیما غفورا ۝ و
ولیکن شما در نمییابید ای مشرکان تسبیح ایشان را بدرستیکه او هست بردبار آمرزنده و
اذا قرات القران جعلنا بینک وبین الذین لا یؤمنون
چون بخوانی قران را بگردانیم ما میان تو و میان آنانکه نگروید ند
بالاخرة حجابا مستورا ۝ وجعلنا على قلوبهم اکنة ان یفقهوه
بروز بازپسین پرده پوشیده شده و بگردانیم ما بر دلهای ایشان پوششها تا در نیابند ازرا
وفی اذانهم وقرا واذا ذکرت ربک فی القران وحده ولوا على
و در گوشهای شان گرانی که نشنوند و چون یاد کنی تو خداوند خویش در قران بیگانگی برگردند بر

خمس

اَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ۝ نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهٖ اِذْ يَسْتَمِعُونَ
پشتهاشان برمیدن ما داناتریم بدانچه میشنوند بدان چون گوش میدارند
اِلَيْكَ وَاِذْ هُمْ نَجْوٰى اِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ اِنْ تَتَّبِعُونَ اِلَّا رَجُلًا
سوی تو وچون ایشان رازگویان باشند چون بگویند ستمکاران نمکنید پیروی مگر مردی
مَسْحُورًا ۝ اُنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْاَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا
سحر کرده شده بنگر که چگونه زدند مرترا داستانها پس گمراه شدند پس نه
يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ۝ وَقَالُوا ءَاِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا ءَاِنَّا
میتوانند یافتن راه وگفتند آن هنگام که باشیم استخوانها وخاک شده آیا ما
لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ۝ قُلْ كُونُوا حِجَارَةً اَوْ حَدِيدًا ۝ اَوْ خَلْقًا
برانگیخته شده آفریده نو بگو ای محمد ص باشید شما سنگ یا آهن یا آفریده
مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي
از انچه بزرگ میشود در سینهای شما پس زود باشد که بگویند که بازمی آورد مارا بگو ای محمد ص آنکه
فَطَرَكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ اِلَيْكَ رُؤُسَهُمْ وَيَقُولُونَ
بیافرید شمارا نخستین بار پس زود باشند که بجنبانند سوی تو سرهای خودرا وبگویند
مَتٰى هُوَ قُلْ عَسٰى اَنْ يَكُونَ قَرِيبًا ۝ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ
کی خواهد بود آن بگو ای محمد ص شاید که باشد نزدیک روزیکه بخوانند شمارا پس اجابت کنید
بِحَمْدِهٖ وَتَظُنُّونَ اِنْ لَبِثْتُمْ اِلَّا قَلِيلًا ۝ وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا
بسپاس او وگمان برید اینکه درنگ نکردید شما مگر اندکی وبگو ای محمد ص مر بندگان مرا که بگویند
الَّتِي هِيَ اَحْسَنُ اِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزَغُ بَيْنَهُمْ اِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ
انچه آن نیکوتراست بدرستیکه دیو سرکش دشمنی افکند میان ایشان بدرستیکه دیو هست
لِلْاِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا ۝ رَبُّكُمْ اَعْلَمُ بِكُمْ اِنْ يَشَاْ يَرْحَمْكُمْ اَوْ اِنْ
مرادمی را دشمنی پیدا خداوند شما داناترست بشما اگر خواهد می بخشاید شمارا یا اگر

حزب عشر

ع

يشا

نگهبان
که کافران را از کفر
نگاه داری

خمس

يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ ۚ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ۝ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ
میخواهد عذاب میکند شما را ونفرستادیم ما ترا برای ایشان نگهبان وخداوند تو داناترست بدانچه
فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ
در آسمانها و زمینهاست وبتحقیق افزون دادیم ما بهره پیغمبران را بر بهره
وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا ۝ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا
وبدادیم ما داود را زبور بگو ای محمد بخوانید آنانرا که گمان بردید از جز خدای پس نه
يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ
شوند مالک برطرف ساختن رنج از شما ونگردانید بدیگری ایشانند آنانکه میخوانند
يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ
ومیجویند سوی خداوند خویش وسیله بطاعت وعبادت کدام یک ایشان نزدیکترند وامیدوارند رحمت اورا
وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ ۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ۝ وَإِنْ مِنْ
ومیترسند از عذاب او بدرستیکه عذاب خداوند تو هست سزاوار آنکه حذر کنند ازان ونیست از
قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا
اهل دیهی مگر ما هلاک کننده ایم ازا پیش از روز قیامت یا عذاب کننده ایم آنرا عذابی
شَدِيدًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ۝ وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ
سخت هست این در لوح محفوظ نوشته شده ونداشت بازمارا آنکه بفرستیم
بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ ۚ وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً
آیتها مگر آنکه تکذیب کردند بآن پیشینیان وبدادیم ما ثمودیان را اشتر ماده نشانه پیدا
فَظَلَمُوا بِهَا ۚ وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا ۝ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ
پس ستم کردند بران ونفرستیم ما نشانها مگر برای ترسانیدن وچون گفتیم ما مرترا
إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ ۚ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا
بدرستیکه خداوند تو فراگیرنده است مردمان را ونگردانیدیم ما درقران انخواب را که نمودیم ترا مگر

فتنة للناس والشجرة الملعونة في القرآن ونخوفهم فما

فتنه مردمان را ودرخت قوم لعنت کرده شده در قران وبیم کردیم ایشان را پس نیفزود

يزيدهم الا طغيانا كبيرا ○ وإذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم عشرع

افزون ایشان را مگر گمراهی بزرگ وچون گفتیم مر فرشتگان را که سجده کنید مر آدم را

فسجدوا الا ابليس قال ءأسجد لمن خلقت طينا قال أرأيتك

پس سجده کردند همه مگر شیطان گفت آیا سجده کنم من مر آن را که آفریدی از خاک گفت خدایا آیا چه دیدی تو

هذا الذي كرمت علي لئن أخرتن إلى يوم القيامة لأحتنكن

این را آنکه گرامی کردی تو برمن اگر مرگ مرا تاخیر کنی تا روز قیامت هر آینه میرانم

ذريته الا قليلا ○ قال اذهب فمن تبعك منهم فإن جهنم

و فرزندان او را مگر اندکی گفت خدای عز و جل برو پس هر که پیروی کند ترا از ایشان پس بدرستی که دوزخ
تصرف خود آرم

جزاؤكم جزاء موفورا ○ واستفزز من استطعت منهم

پاداش ایشان است پاداش تمام یعنی عذاب بردوام و بلغزان و سبک دار هر که را بتوانی تو از ایشان

بصوتك وأجلب عليهم بخيلك ورجلك وشاركهم في الأموال

باواز خود و گرد کن و برانگیزان بر ایشان بسواران خود و پیادگان خود و انباز کن ایشان را در مالها

مراد از برو گفتن اهانت و ابعاد است
از رحمت و قرب
نعمت او برانده

والأولاد وعدهم وما يعدهم الشيطان الا غرورا ○ إن عبادي

و فرزندان و وعده ایشان و نمیدهد وعده ایشان را دیو مگر فریفتن خطا بدرستیکه بندگان خاص

ليس لك عليهم سلطان وكفى بربك وكيلا ○ ربكم الذي خمس

نیست مر ترا بر ایشان تسلط و قدرت و بسنده است بخداوند تو نگهدار بندگان را خداوند شما آنکه

يزجي لكم الفلك في البحر لتبتغوا من فضله إنه كان بكم

میراند مر شمارا کشتی در دریا تا بجوئید از افزونی او بدرستیکه او هست بشما

رحيما ○ وإذا مسكم الضر في البحر ضل من تدعون الا إياه

بخشاینده و چون برسد شمارا رنج در دریا گم شد هر که را میخوانید شما از بتان مگر خدا را که

فلما

فلما نجيكم الى البر اعرضتم وكان الانسان كفورا ۝ افامنتم
پس چون برهاند شما را سوى خشكى روى بگردانيد وهست آدمى بسيار ناسپاس آيا ايمن شديد
ان يخسف بكم جانب البر او يرسل عليكم حاصبا ثم لا تجدوا
از انكه فرو برد شما را بگوشه از خشكى يا بفرستد بر شما بادى سنگباران پس نيابيد
لكم وكيلا ۝ ام امنتم ان يعيدكم فيه تارة اخرى فيرسل
براى خويش نگهدارنده يا ايمن شديد شما از انكه باز گرداند شما را در دريا بار ديگر پس ميفرستد
عليكم قاصفا من الريح فيغرقكم بما كفرتم ثم لا تجدوا
بر شما شكننده از باد پس غرق كند شما را بدانچه ناسپاسى كرديد شما پس نيابيد
لكم علينا به تبيعا ۝ ولقد كرمنا بنى ادم وحملناهم فى
براى خود بر ما بدان پس دراينده وهر آينه بدرستيكه گرامى كرديم فرزندان آدم را و برنشانديم ايشانرا در
البر والبحر ورزقناهم من الطيبات وفضلناهم على كثير
خشكى بستوران ودر دريا بكشتى وروزى كرديم ايشانرا از طعامهاى پاكيزه وافزونى داديم ايشانرا بغلبه واستيلا بر بسيارى
ممن خلقنا تفضيلا ۝ يوم ندعوا كل اناس بامامهم فمن
ازانچه بيافريديم [illegible] افزونى دادن روز بخوانيم هر گروه مردمانرا به پيشرواى ايشان پس هركه
اوتى كتابه بيمينه فاولئك يقرءون كتابهم ولا يظلمون
داده شود نامه او بدست راست او پس ايشانند كه ميخوانند نامه خويش را وستم كرده نشوند
فتيلا ۝ ومن كان فى هذه اعمى فهو فى الاخرة اعمى
بقدار رشته خرما وهركه هست در اين جهان نابينا واو هست در آنجهان نابينا
واضل سبيلا ۝ وان كادوا ليفتنونك عن الذى اوحينا
وگمراه تر براه نجات واگر خواستيد نزديك بودند كه در فتنه اندازند ترا از انانكه وحى كرديم ما
اليك لتفترى علينا غيره واذا لاتخذوك خليلا ۝ ولولا ان
سوى تو تا دروغ گويى بر ما جز انكه فرستاديم وانگاه بگيرند ترا دوست واگر نبود انكه

عشر

ثبتناك لقد كدت تركن اليهم شيئا قليلا ۝ اذا لاذقناك

استوار کردیم ترا هر آئینه تحقیق که نزدیک بود که میل کنی بسوی ایشان چیزی اندکی اکنون هر آئینه بچشانیدیم ما ترا

ضعف الحيوة وضعف الممات ثم لا تجد لك علينا نصيرا ۝

دو چندان عذاب زندگی و دو چندان مرگ پس نمیافتی برای تو بر ما یاری دهنده

وان كادوا ليستفزونك من الارض ليخرجوك منها واذا

و اگر خواستند بلغزانند اهل مکه ترا از زمین مکه تا بیرون کنند ترا ازان جا و اکنون

لا يلبثون خلافك الا قليلا ۝ سنة من قد ارسلنا قبلك

درنگ نکنند پس از تو مگر اندکی سنت نهادیم کسی را بدرستیکه فرستادیم ما پیش از تو

من رسلنا ولا تجد لسنتنا تحويلا ۝ اقم الصلوة لدلوك الشمس

از پیغمبران ما و نیابی مر سنت ما را گردانیدنی بپای دار نماز را وقت زوال آفتاب

الى غسق الليل وقران الفجر ان قران الفجر كان مشهودا

سوی تاریکی شب و نماز صبح را بدرستی که نماز صبح هست دیده شده یعنی ملائک روز

ومن الليل فتهجد به نافلة لك عسى ان يبعثك ربك

و بعضی از شب پس بیدار شو بخواندن قرآن درحالتیکه فریضه مر ترا شاید که برانگیزد ترا خداوند تو

مقاما محمودا ۝ وقل رب ادخلني مدخل صدق واخرجني

بجایگاهی پسندیده و بگو ای محمد بار خدایا در آور مرا در آوردنی راست و بیرون آور مرا

مخرج صدق واجعل لي من لدنك سلطانا نصيرا ۝ وقل

بیرون آوردنی راست و بگردان مرا از نزد خود حجتی یاری دهنده و بگو ای محمد

جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقا ۝ و

آمد راستی و رفت باطل بدرستیکه باطل هست نیست شده و ناچیز و

ننزل من القران ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد

فرستادیم ما از قرآن آنچه او شفاست امراض را و بخشایش است مر گروندگان را و نیفزاید

خمس

ع ظاهر است که نماز عصر در ضمن لدلوک الشمس است و تابع ظهر است مراد از تسمیه نماز صبح بقرآن وجوب سوره قراءت در آن

عشر

الظالمين

الظّٰلمين الّا خسارا ۝ واذا انعمنا على الانسان اعرض ونا بجانبه

ستمکاران را مکر زیانکاری وچون نعمت دهیم بر مردم روی بکردانند ودور کردند

واذا مسه الشر كان يؤسا ۝ قل كل يعمل على شاكلته

وچون برسد اورا بدی باشد نومید از رحمت بکوای محمد ﷺ همه کار کنید بر طریق مثال حال او

فربكم اعلم بمن هو اهدى سبيلا ۝ ويسئلونك عن الروح

پس خداوند شما داناترست بدانک که او راسترست براه ومیپرسند ترا ای محمد ﷺ از روح

قل الروح من امر ربى وما اوتيتم من العلم الا قليلا ۝ ولئن شئنا

خمس

بکوای محمد ﷺ روح از فرمان خداوند منست ونداده اند شمارا از دانش مکر اندکی واکر خواهیم

لنذهبن بالذى اوحينا اليك ثم لا تجد لك به علينا

هر آئنه ببریم بانکه وحی فرستادیم سوی تو پس نیابی تو بدان بر ما

وكيلا ۝ الا رحمة من ربك ان فضله كان عليك كبيرا ۝

نکاهبانی مکر بخشایش از خداوند تو بدرستیکه افزونی خدا هست بر تو بزرک

قل لئن اجتمعت الانس والجن على ان ياتوا بمثل هذا القران

بکوای محمد ﷺ اکر فراهم آیند آدمیان وپریان بر آنکه بیارند مانند این قران

لا ياتون بمثله ولو كان بعضهم لبعض ظهيرا ۝ ولقد

نیارند مانند این قران واکر باشند بعضی ایشان مر بعضی را یاری دهنده وهر آئنه تحقیق

صرفنا للناس فى هذا القران من كل مثل فابى اكثر

کردانیدیم ما مر مردمان را در این قران از هر داستانی پس سرباز زدند بیشتر

الناس الا كفورا ۝ وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا

مردمان مکر ناسپاسی را وگفتند هرکز نکرویم مر ترا تا بکشائی هر آئنه مارا

من الارض ينبوعا ۝ او تكون لك جنة من نخيل وعنب

عشر

از زمین که چشمه پر آب یا باشد مر ترا بستانی از خرمابنان وانکورها

فتفجر الأنهار خلالها تفجيرا أو تسقط السماء كما زعمت
پس روان گردانی جویهارا درمیان آن بستان روان کردنی یا بیفکنی آسمان را همچنانکه بودی تو
علینا کسفا أو تأتي بالله والملائكة قبيلا أو يكون لك
برما پاره پاره یا بیاری خدای را و فرشتکان را کفیل بانچه دعوی کنی یا بوده باشد مرترا
بيت من زخرف أو ترقى في السماء ولن نؤمن لرقيك حتى
خانهٔ از زر که در انجا بنشینی یا بر شوی در آسمان وهرگز نگرویم ما برانه تر از آسمان تا
تنزل علينا كتابا نقرؤه قل سبحان ربي هل كنت إلا بشرا
فرود آری برما کتابی که بخوانیم اورا بگو ای محمد پاکست خدای من آیا هستم من مگر آدمی
رسولا وما منع الناس أن يؤمنوا إذ جاءهم الهدى إلا أن ع
فرستاده شده به پیغمبری و چه چیز بازداشت مردمان را که بگروند چون آمد ایشان را راه راست مگر آنکه
قالوا أبعث الله بشرا رسولا قل لو كان في الأرض ملائكة
گفتند برانگیزانید خدای آدمی را به پیغمبری بگو ای محمد اگر هست در زمین فرشتگان
يمشون مطمئنين لنزلنا عليهم من السماء ملكا رسولا خمس
میروند آرامیدگان هر آینه فرستادیم بر ایشان از آسمان فرشته به پیغمبری
قل كفى بالله شهيدا بيني وبينكم إنه كان بعباده خبيرا بصيرا
بگو ای محمد بسنده است بخدای گواهی میان من و میان شما بدرستیکه اوهست بر بندگان خود آگاه بینا
ومن يهد الله فهو المهتد ومن يضلل فلن تجد لهم أولياء
و هر که را راه نماید خدای پس او هست راه راست یافته شده و هر که را فرو گذارد بفضل پس هرگز نیابی مرایشان را دوستان
من دونه ونحشرهم يوم القيامة على وجوههم عميا وبكما و
از جز خدای و برانگیزیم ایشان را روز رستخیز بر رویهای ایشان نابینا و گنگ و
صما مأواهم جهنم كلما خبت زدناهم سعيرا ذلك
کر جایگاه ایشان دوزخست هرگاه ساکن شود آتش بیفزائیم مر ایشان را سوختنی اینست

جزاؤهم

جزاؤهم بأنهم كفروا بآياتنا وقالوا أإذا كنا عظاما ورفاتا

پاداش ایشان بدرستیکه ایشان کافر شدند بحجتهای ما وگفتند ایا چون باشیم ما استخوانها و ریزه

أإنا لمبعوثون خلقا جديدا ○ أولم يروا أن الله الذي خلق

ایا باشیم ما هر آینه برانگیخته شدگان آفریده نو آیا نمی بینند ایشان بدرستیکه خدای آن خدایست که بیافرید

السموات والأرض قادر على أن يخلق مثلهم وجعل لهم

آسمانها وزمین تواناست برانکه می آفریند مانندان را و بگرداند مر ایشان را

أجلا لا ريب فيه فأبى الظالمون إلا كفورا ○ قل لو أنتم

مهلتی که نیست شکی در آن پس سرباز زدند ستمکاران مگر ناسپاسی را بگو ای محمد اگر شما

تملكون خزائن رحمة ربي إذا لأمسكتم خشية الإنفاق

مالک شوید خزانهای رحمت خدای مرا آنگاه هر آینه نگاه میداردشما از ترس درویشی نفقه کردن

عشر

وكان الإنسان قتورا ○ ولقد آتينا موسى تسع آيات

وهست آدمی بخیل و ممسک و هر آینه تحقیق دادیم موسی را نه نشانی

بينات فسئل بني إسرائيل إذ جاءهم فقال له فرعون إني

پیدا پس بپرس فرزندان یعقوب را چون آمد ایشان را پس گفت مر او را فرعون بدرستیکه من

لأظنك يا موسى مسحورا ○ قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء

هر آینه گمان میبرم ترا ای موسی که ساحری گفت موسی هر آینه تحقیق دانستی تو نفرستاد این نشانها را

إلا رب السموات والأرض بصائر وإني لأظنك يا فرعون

مگر خداوند آسمانها و زمینها بینائیها و بدرستی که من هر آینه گمان میبرم ترا ای فرعون

مثبورا ○ فأراد أن يستفزهم من الأرض فأغرقناه ومن معه

هلاک کرده شده پس خواست آنکه بلغزاند ایشان را از زمین پس غرق کردیم ما او را و هر که با او بود

جميعا ○ وقلنا من بعده لبني إسرائيل اسكنوا الأرض فإذا

همه را وگفتیم ما از پس آن مر بنی اسرائیل را بیارامید و ساکن شوید در زمین پس

جاء وعد الآخرة جئنا بكم لفيفا ۞ وبالحق أنزلناه و

آمد وعده قيامت بياريم ما بشما برهم آميخته ودرهم پيچيده وبراستی فرود آمد قران و

بالحق نزل ط وما أرسلناك إلا مبشرا ونذيرا م وقرآنا فرقناه خمس

براستی فرود آمد ونفرستاديم ... نده وبيم كننده [illegible] قرانرا [illegible] فرستاديم

لتقرأه على الناس على مكث ونزلناه تنزيلا ۞ قل آمنوا

تا بخوانی اورا بر مردمان بر درنگ ومهلت وفرستاديم ما قرانرا فرستادنی بگو ای محمد ايمان آوريد

به أو لا تؤمنوا إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم

بدان يا ايمان مياوريد بدرستی آنانكه داده شدند دانش را از پيش او چون خوانده شود برايشان

يخرون للأذقان سجدا ۞ ويقولون سبحان ربنا إن كان

در می افتند بر زنخها سجده كنان وبگويند پاكست خداوند ما اگر هست

وعد ربنا لمفعولا ۞ ويخرون للأذقان يبكون ويزيدهم

وعده خداوند ما هر آينه كرده شده ودر می افتند بر روی بر زنخهای خود ومی گريند وزياده می شود

خشوعا ۞ قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمن ط أيا ما تدعوا فله

فروتنی بگو ای محمد بخوانيد خدا را يا بخوانيد رحمن را هر كدام را بخوانيد پس او راست

الأسماء الحسنى ج ولا تجهر بصلاتك ولا تخافت بها وابتغ

نامهای نيكو ومخوانيد بلند قرات نماز خود را ومخوانيد آهسته از آن وبجوييد

بين ذلك سبيلا ۞ وقل الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم

ميان جهر وخفا اين راه راست وبگو ای محمد ستايش مر خدا راست آن خدا آنكه فرا نگرفت فرزندی ونه

يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل

بود مر اورا انبازی در پادشاهی ونبود مر اورا دوستی از بيم خويش از جهت خواری

وكبره تكبيرا ۞ سورة الكهف وهي مكية مائة وعشر آيات

وتعظيم او تعظيم كردنی

عشر

سجده مسنون

بسم الله

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه سورهٔ کهف را در هر شب جمعه بخواند نمیرد مگر شهید و خدا او را در زمرهٔ شهدا محشور گرداند و در قیامت با شهیدان بایستد و بسند
معتبر از آنحضرت منقولست که هرکه سورهٔ کهف را در هر شب جمعه بخواند کفارهٔ گناهان باشد که از جمعه تا جمعه کرده است و در روایت دیگر وارد شده که کسیکه در روز جمعه بعد از نماز
ظهر و عصر بخواند همین ثواب دارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هرکه آیهٔ قل انما انا بشر مثلکم یوحی تا آخر سوره بخواند در وقت از خوابگاه او تا کعبه نوری ساطع
گردد که میان آن پر باشد ملایکه و استغفار کنند از برای او تا صبح و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام وارد شده است که هرکه این آیه را در خواب بخواند هر وقت که خواهد از خواب

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَنْزَلَ عَلٰى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ○
[illegible] ... اَنْ خدای که فرستاد ... [illegible] ... نگردانید مر او را کجی
قَيِّمًا لِيُنْذِرَ بَاْسًا شَدِيدًا مِنْ لَدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ
راستی تا بیم کند کفار را بعذاب سخت از نزد خدای و مژده دهد مومنان را آنانکه
يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ اَنَّ لَهُمْ اَجْرًا حَسَنًا ○ مَاكِثِينَ فِيهِ اَبَدًا ○
میکنند کارهای نیکو بدرستیکه مر ایشانراست پاداش نیکو درنگ کنندگان در آن همیشه
وَيُنْذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا ○ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ
و بیم کند آنانرا که گفتند فرا گرفت خدا فرزندی نیست مر ایشانرا بدان هیچ دانشی و نه مر پدران ایشانرا
كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ اَفْوَاهِهِمْ اِنْ يَقُولُونَ اِلَّا كَذِبًا ○
بزرگست این سخن که بر می آید از دهنهای ایشان نمیگویند مگر دروغی
فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلٰى آثَارِهِمْ اِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهٰذَا الْحَدِيثِ
پس شاید تو هلاک کننده تن خود را بر اثرهای ایشان اگر نگروند باین حدیث
اَسَفًا ○ اِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْاَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ اَيُّهُمْ
جهة اندوه و جزع بدرستیکه کردیم ما آنچه بر زمین است از آرایش مر آنرا تا بیازمائیم ایشانرا که کدام یک از ایشان
اَحْسَنُ عَمَلًا ○ وَاِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ○ اَمْ حَسِبْتَ
نیکوترند بکردار و بدرستیکه ما هر آئنه گردانندهایم آنچه بر روی زمینست خاک پست و خراب آیا می پنداری تو
اَنَّ اَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ○ اِذْ اَوَى
بدرستیکه یاران غار و رقیم بودند از نشانهای ما در شگفت چون باز گشتند
الْفِتْيَةُ اِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا
جوانان سوی غار پس گفتند خداوندا بده ما را از نزد خود و بساز آماده مارا

خمس

رحمة
بخشایش

مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ۝ فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ۝ عشر
از کار ما صواب وراست پس بزدیم ما بر گوشهاء ایشان در غار سالهاء شمرده
ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا ۝ نَحْنُ
پس برانگیختیم ما ایشان تا بدانیم کدام یک ازان دو گروه شمرده ترند مدت درنگ با جل وغایت ما
نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ
قصه کردیم بر تو ای محمد خبر ایشان براستی بدرستیکه ایشان جوانان بودند که گرویدند بخداوند خویش وبیفزودیم ایشان
هُدًى ۝ وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ
راه نمونی وببستیم بر دلهاء ایشان چون برخواستند پس گفتند خداوند ما خداوند آسمانها
وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ إِلَٰهًا ۝ لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا ۝ هَٰؤُلَاءِ
وزمین ها هرگز نخوانیم از جز او خدائی هر آینه بتحقیق گفته باشیم آنگاه دروغ وبهتان اینگروه
قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ فَمَنْ
کسان ما اند گرفتند از جز او خدایان چرا نمی آرند بر ایشان بحجتی پیدا پس کیست
أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۝ وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا خمس
ستمکارتر ازانکه بر بافد بر خدای دروغ وچون یکسو شدند ایشان را ومیپرستند کر
اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ
خدارا پس بازگردید بسوی غار که بگستراند مر شمارا خداوند شمارا از بخشایش خود ومیسازد مر شمارا
مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا ۝ وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ
از کار شما آنچه ازان نفع گیرید وبیاسائید ومی بینی خورشیدرا چون برآید میگردد از غار ایشان
ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ
سوی دست راست وچون فرو رود ببرد ازایشان وبگردد بدست چپ وایشان در فراخی بودند
مِنْهُ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضْلِلْ
ازان این از نشانهاء خدا بود هرکه را راه نماید خدای پس او راه یافته است وهرکه را گمراه کند

فلن تجد له وليا مرشدا ۝ وتحسبهم ايقاظا وهم رقود

پس هرگز نیابی مراورا دوستی راه راست نماینده ومی پنداری ایشانرا بیداران وایشان خفتگان بودند

ونقلبهم ذات اليمين وذات الشمال وكلبهم باسط ذراعيه

ومیگردانیدیم ایشانرا بدست راست وبدست چپ وسگ ایشان گسترانندهٔ دو دست

بالوصيد لو اطلعت عليهم لوليت منهم فرارا ۝ ولملئت

بر آستانه اگر آگاه شوی تو بر ایشان هرآینه روی بگردانی از ایشان گریختن وپر گردی

منهم رعبا ۝ وكذلك بعثناهم ليتساءلوا بينهم قال قائل منهم

از ایشان ترس وهمچنین برانگیختیم ما ایشانرا تا بپرسند میان ایشان گفت گوینده از ایشان

كم لبثتم قالوا لبثنا يوما او بعض يوم قالوا ربكم

چندگاه درنگ کردید شما گفتند هرآینه درنگ کردیم روزی یا بهرهٔ روزی گفتند خداوند شما

اعلم بما لبثتم فابعثوا احدكم بورقكم هذه الى المدينة

داناترست بدانچه درنگ کردید شما پس بفرستید یکی از شمارا باین درمها که شما دارید باین شهر

فلينظر ايها ازكى طعاما فليأتكم برزق منه وليتلطف

بنگرد که کدام پاکیزه ترست طعام که پس هرآینه بیارد برای شما طعامی از آنجا وبمدارا کند در خرید

ولا يشعرن بكم احدا ۝ انهم ان يظهروا عليكم يرجموكم

ونکند خبر بحال شما کسی را بدرستیکه ایشان اگر آگاه شوند بر حال شما سنگسار کنند

او يعيدوكم في ملتهم ولن تفلحوا اذا ابدا ۝ وكذلك

یا بازگردانند شمارا در دین ایشان وهرگز نرهید آنگاه همیشه وهمچنین

اعثرنا عليهم ليعلموا ان وعد الله حق وان الساعة لا ريب

مطلع گردانیدیم بر ایشان تا بدانند که بدرستی وعدهٔ خدای راست وبدرستیکه روز رستخیز نیست شکی

فيها اذ يتنازعون بينهم امرهم فقالوا ابنوا عليهم بنيانا ربهم

در آن چون منازعه میکردند میان ایشان در کار ایشان پس گفتند بنا کنند بر ایشان بنایی خداوند ایشان

وليتلطف نصف القرآن بعدد الحروف

عشر

أَعْلَمُ بِهِمْ ۚ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا

دانا ترست بحال ایشان گفتند آنانکه غالب شدند بر کار ایشان هرآینه بگیریم ما بر ایشان مسجدی

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ

زود باشد که گویند یهودان که اصحاب کهف سه کس چهارم ایشان سگ ایشانست وگویند ترسایان که پنج تن بودند ششم ایشان

كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ ۖ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ ۚ

سگ ایشانست می اندازند سخن را گمان غیب ومسلمانان باخبار رسول گویند هفت تن بودند وهشتم ایشان سگ ایشان

قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ ۗ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ

بگو ای محمد خداوند من داناترست بشماره ایشان نمیدانند ایشانرا مگر اندکی پس مکن جدل در ایشان

إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ۝ وَلَا تَقُولَنَّ

مگر جدلی پیدا ومپرس در حق ایشان از ایشان کسی را ومگوی

لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ۝ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۚ وَاذْكُرْ رَبَّكَ

مر چیزی را بدرستیکه من کننده ام آنرا فردا مگر آنکه میخواهد خدای ویاد کن خدای خودرا

إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنِ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَٰذَا رَشَدًا

چون فراموش کنی وبگو ای محمد شاید آنکه راه نماید مرا خدای من مر نزدیکتر از این راهی

وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا ۝

وهر آینه درنگ کردند در غار ایشان سیصد سال وزیاده کردند نه سال

قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا ۖ لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ أَبْصِرْ بِهِ وَ

بگو ای محمد خدای داناترست بدانچه درنگ کردند مراورات نهانی آسمانها وزمینها بیناست بدان و

أَسْمِعْ ۚ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا ۝

شنوا نیست مر ایشانرا از جز او از هیچ خداوندی وشریک نمیسازد در حکم خود کسیرا

وَاتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ ۖ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ

وبخوان آنچه وحی کرده شد بسوی تو از کتاب خداوند خود نیست گرداننده مر سخنان ورا

خمس

ولن

ولن تجد من دونه ملتحدا ۝ واصبر نفسك مع الذين يدعون

وهرگز نیابی تو از جز او پناهی ۝ و شکیبا کن تن خود را با آنانکه می خوانند

ربهم بالغدوة والعشي يريدون وجهه ولا تعد عيناك

خداوند خویش بصبح و شام میخواهند رضای او را و در نگذرد هر دو چشم تو

عنهم تريد زينة الحيوة الدنيا ولا تطع من اغفلنا قلبه

از ایشان میخواهی آرایش زندگانی اینجهان را و مبر فرمان کسی را که غافل کردیم ما دل او

حزب ثلث ربع

عن ذكرنا واتبع هويه وكان امره فرطا ۝ وقل الحق من

از یاد کردن ما و پیروی کند خواهشهای خود را و هست کار او اسراف ۝ و بگوای محمد راست از

ربكم فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليكفر انا اعتدنا

خداوند شما است پس هر که خواهد پس گو بگرود و هر که خواهد پس نگرود بدرستیکه ما آماده ساختیم

للظالمين نارا احاط بهم سرادقها وان يستغيثوا يغاثوا بماء

مر ستمکاران را دوزخی که در گیرد با ایشان سراپرده های آتش و اگر فریاد خواهند فریاد رسند بابی

كالمهل يشوي الوجوه بئس الشراب وساءت مرتفقا ۝

مانند آنکه در آن بریان کنند رویهای ایشان را بد آبیست و بد است آن منزلت

ان الذين امنوا وعملوا الصالحات انا لا نضيع اجر من احسن

بدرستی آنانکه گرویدند و کردار نیکو کردند بدرستی که ما نمیکنیم ضایع مزد آنکه نیکو کرد

عشر

عملا ۝ اولئك لهم جنات عدن تجري من تحتهم الانهار

کردار ۝ ایشان آنند که مر ایشانراست بوستانهای مقیمی که میرود از زیر آن جویها

يحلون فيها من اساور من ذهب ويلبسون ثيابا خضرا من

آرایه کنند در آن از دست بندها از زر و بپوشانند جامهای سبز از

سندس واستبرق متكئين فيها على الارائك نعم الثواب

دیبای تنک و دیبای سطبر باشند تکیه کنندگان در آن بر تختها نیکوست ثواب

وحسنت مرتفقا ۝ واضرب لهم مثلا رجلين جعلنا لاحدهما

ونیکوست آن منزل وبیدا کن مرایشان را مثلی آن دو مرد کردیم مر یکی را از ایشان دو

جنتين من اعناب وحففناهما بنخل وجعلنا بينهما زرعا ۝

دو بوستان از انگورها وگرد بر گرد آن خرمابنان وبکردیم ما میان ایشان کشت زاری

كلتا الجنتين اتت اكلها ولم تظلم منه شيئا و

هر دو بستان را براد میوه آن ونکرد ستم ازو چیزی و

فجرنا خلالهما نهرا ۝ وكان له ثمر فقال لصاحبه وهو

بکشادیم ما میان آن هر دو بستان جوئی وهست مر اورا میوه بسیار پس گفت فطروس مر برادر خود را که یهودا نام بود

يحاوره انا اكثر منك مالا واعز نفرا ۝ ودخل جنته وهو

مجادله میکرد من بیشترم از تو بمال وغالبترم بگروه ودر آمد در بستان خود واو

ظالم لنفسه قال ما اظن ان تبيد هذه ابدا ۝ وما اظن

ستمکار بود مر تن خود را گفت نه پندارم انکه فانی شود این هرگز ونمی پندارم که آن

الساعة قائمة ولئن رددت الى ربي لاجدن خيرا منها

روز قیامت را آینده واگر بازگردانیده شوم سوی خداوند خویش هر آینه بیابم بهتر از آن

منقلبا ۝ قال له صاحبه وهو يحاوره اكفرت بالذي

در آن جای بازگشتن گفت اورا یهودا برادر او واو بازگردانید سخن اورا آیا کافر شدی بدانکه

خلقك من تراب ثم من نطفة ثم سويك رجلا ۝ لكنا

بیافرید ترا از خاک پس از نطفه پس راست کرد ترا مردی ولیکن ما میگوئیم

هو الله ربي ولا اشرك بربي احدا ۝ ولولا اذ دخلت جنتك

اوست خداوند بحق که پروردگار منست ونمیگیرم انباز بخداوند خود کسی واگر نه چون در آمدی بوستان خود

قلت ما شاء الله لا قوة الا بالله ان ترن انا اقل منك مالا

گفتی تو آنچه خواست خدای نیست نیروئی مگر بخدای اگر بینی تو مرا که کمم از تو بمال

خمس

وولدا

عشر

ووَلَدًا فعسى ربي ان يؤتين خيرا من جنتك ويرسل عليها

و فرزند پس شاید خداوند من مرا بدهد بهتر ازان یعنی از بوستان تو و بفرستد بر آن بستان تو

حسبانا من السماء فتصبح صعيدا زلقا او يصبح ماؤها

صاعقها از آسمان پس گردد زمین هامون که دران سبزه نرو یا گردد آب آن

غورا فلن تستطيع له طلبا واحيط بثمره فاصبح يقلب كفيه

فرو رونده پس هرگز نتوانی مرا او را جستن و فرو گرفته شد بمیوها ان پس او بود که میگردانید هر دو کف خود

على ما انفق فيها وهي خاوية على عروشها ويقول يا ليتني

بر انچه خرج کرده بود در العمارت و آن افتاده بود بر سقفهای خود و میگفت ای کاشکی

لم اشرك بربي احدا ولم تكن له فئة ينصرونه من

نگرفتمی انباز بخدای خود کسی و نبوده باشد مر او را گروهی که یاری کنند او را از

دون الله وما كان منتصرا هنالك الولاية لله الحق

جز خدای و نبود فطرو کس یاری دهنده مر خود را نصرت و یاری مر خدای راست حق و عدل

هو خير ثوابا وخير عقبا واضرب لهم مثل الحيوة الدنيا

اوست بهتر بپاداش دادن و بهترست از روی عاقبت و بزن مر ایشان را داستانی مانند زندگانی اینجهان

كماء انزلناه من السماء فاختلط به نبات الارض

چون آبی است که فرستادیم او را از آسمان پس بیامیخت بدان نبات زمین را

فاصبح هشيما تذروه الرياح وكان الله على كل شيء

پس شد خشک ریزه پراکنده کردان را بادها و هست خدای بر همه چیز

مقتدرا المال والبنون زينة الحيوة الدنيا والباقيات

خمس

توانا مال و فرزندان آرایش زندگانی دنیا و پایدارست

الصالحات خير عند ربك ثوابا وخير املا ويوم نسير الجبال

کارهای شایسته بهترست نزد خداوند تو بپاداش و بهترست با مید داری و روزی که برانیم کوه ها را

وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ۝ وَعُرِضُوا

و ببینی تو زمین ظاهر شده از زیر کوهها و گرد کنیم ما ایشان را پس نگذاریم از ایشان یکی و عرض کرده شوند

عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ

بر خداوند تو صف کشیده ایشان هر آینه تحقیق بیارید ما همچنانکه آفریدیم ما شما را روز نخستین بلکه

زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ۝ وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ

گمان بردید شما آنکه هرگز نگردانیم ما مر شما را موعود برای محاسبه و نهاده شود نوشتها پس ببینی تو گنهکاران

مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَٰذَا الْكِتَابِ

ترسندگان از آنچه در آن باشد و میگویند ای وای بر ما چیست مر این کتاب را

لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا

نمیگذارد خورد را و نه بزرگ را مگر بشماردان را و بیابند آنچه کردند

حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ۝ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا

نزد خود نمیکند ستم پروردگار تو کسی را و چون گفتیم ما مر فرشتگان را سجده کنید

لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ

مر آدم را پس سجده کردند مگر شیطان که بود از گروه جن پس تباهی کرد از فرمان خداوند خود

أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ

آیا پس میگیرید اورا و فرزندان اورا دوستان از جز من و ایشان مر شما را دشمنند و بدست

لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ۝ مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ

مر ستمکاران را بدل از خدای نکردیم حاضر شیطان و اولاد اورا در آفریدن آسمانها و زمینها و نه آفریدن

أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا ۝ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا

تنهای ایشان و نبودم من گیرنده گمراه کنندگان را یاری دهندگان و آن روز که میگوید خدا آواز دهید

شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا

انبازان مرا آنکه گمان بردید شما پس بخوانند ایشان را پس جواب ندهند ایشان مر ایشان را و گردیم ما

عشر

حزب

بينهم

بينهم موبقا ۝ ورا المجرمون النار فظنوا انهم مواقعوها ولم

ميان ايشان جاى هلاك وبينند كافران دوزخ را پس يقين كنند بدرستى ايشان كه درخواهند افتادن و ن

يجدوا عنها مصرفا ۝ ولقد صرفنا فى هذا القران للناس

يابند از آن گريزگاهى وهر آئنه تحقيق بيان كرديم ما اين قران مر مردمان را

من كل مثل وكان الانسان اكثر شىء جدلا ۝ وما منع

از هر داستانى وهست مردمان را بيشتر چيزى در مجادله وچه چيز باز داشت

الناس ان يؤمنوا اذ جاءهم الهدى ويستغفروا ربهم الا ان

مردمان را از آنكه بگرويدند چون آمد ايشان را راه نماينده وآمرزش ميخواهند ايشان از خداوند خويش مگر آنكه

خمس

تاتيهم سنة الاولين او ياتيهم العذاب قبلا ۝ وما نرسل

بيايد ايشان را عادت پيشينيان يا بيايد ايشان را عذاب روبرو معاينه ونفرستاديم

المرسلين الا مبشرين ومنذرين ويجادل الذين كفروا با

پيغمبران را مگر مژده دهندگان وبيم كنندگان ومجادله ميكنند آنانكه كافر شدند به

لباطل ليدحضوا به الحق واتخذوا اياتى وما انذروا هزوا ۝

ناحق تا باطل كنند بدان حق را وگرفتند نشانهاى مارا وبيم كرده شدند بافسوس

ومن اظلم ممن ذكر بايات ربه فاعرض عنها ونسى ما

وكيست ستمكارتر از آنكه پند داده شد بنشانهاى خداوند خود پس روى بگردانيد از آن وفراموش كرد

قدمت يداه انا جعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه

آنچه پيش از تو فرستاده دو دست او بدرستيكه ما گردانيديم بر دلهاى ايشان پوششها آنكه درنيابند آن را

وفى اذانهم وقرا وان تدعهم الى الهدى فلن يهتدوا

ودر گوشهاى ايشان گرانى وكرى واگر بخوانى ايشان را بسوى راه راست پس هرگز راه نيابند

اذا ابدا ۝ وربك الغفور ذو الرحمة لو يؤاخذهم بما كسبوا

آنگاه هميشه وخداوند تو آمرزنده است خداوند بخشايش اگر بگيرد ايشان را بدانچه كردند

لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَل لَّهُم مَّوْعِدٌ لَّن يَجِدُوا مِن دُونِهِ مَوْئِلًا

هرآینه بشتابانیدی مر ایشان را عقوبت بلکه مر ایشان راست وعده‌گاهی هرگز نیابند از جز خدای پناه دیگر

وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا

آن اهل دهها هلاک کردیم ایشان را هرگاه ستم کردند و گردانیدیم ما از برای هلاک ایشان وعده

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ

و چون گفت موسی مر خادم خود را یوشع همیشه خواهم رفت تا برسم جای فراهم آمدن دو دریا یا بروم

حُقُبًا ۝ فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ عشر

سالها پس چون برسیدند جای فراهم آمدن میان ایشان فراموش کردند ماهی خود را پس بگرفت راه

فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ۝ فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ

در دریا راه خشک پس چون گذشتند گفت مر خادم خود را یوشع بیار طعام چاشت ما را هرآینه تحقیق

لَقِينَا مِن سَفَرِنَا هَٰذَا نَصَبًا ۝ قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ

دیدیم از سفر خود این رنج گفت آیا دیدی تو چون آمدیم ما سوی سنگ

فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنسَانِيهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ

پس بدرستی من فراموش کردم ماهی را و نکرد فراموش کار او را مگر دیو سرکش آنکه یاد کنم آن را

وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ۝ قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّا

و بگرفت راه خود را در دریا راه خشک گفت اینست آنچه بودیم ما جوینده پس بازگشتند

عَلَىٰ آثَارِهِمَا قَصَصًا ۝ فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً

بر اثر خویش بانجای که ماهی بدریا درآمده بود پس یافتند بنده از بندگان ما که بدادیم ما او را بخشایش

مِّنْ عِندِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا ۝ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ خمس

از نزد خود و بیاموختیم ما او را از نزد خود دانشی گفت مر او را موسی آیا

أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا ۝ قَالَ إِنَّكَ لَن

پیروی کنم ترا بر آنکه بیاموزانی از آنچه آموختند ترا که براه رشد است گفت بدرستیکه تو نتوانی

ربع

معي صبرا ۝ وكيف تصبر على ما لم تحط به خبرا ۝ قال ستجدني
با من شکیبائی کردن و چگونه صبر کنی تو بر انچه فرا نگرفت بدان علمی گفت موسی زود باشد که یابی مرا
ان شاء الله صابرا ولا اعصي لك امرا قال فان اتبعتني فلا تسئلني
اگر خواهد خدا صابر کننده و نافرمانی نکنم مر ترا بکاری گفت پس اگر پیروی کنی مرا پس مپرس مرا
عشر
عن شيء حتى احدث لك منه ذكرا ۝ فانطلقا حتى اذا
از چیزی تا من بگویم مر ترا ازو یاد کردنی پس برفتند تا چون
ركبا في السفينة خرقها قال اخرقتها لتغرق اهلها لقد جئت
سوار شدند در کشتی سوراخ کرد آن را گفت موسی ایا سوراخ کردی تا غرق کنی اهل انرا هر اینه بدرستیکه اوردی
شيئا امرا ۝ قال الم اقل انك لن تستطيع معي صبرا ۝ قال
چیزی عجیب گفت خضر آیا نگفتم بدرستیکه تو هرگز نتوانی با من صبر کردن گفت موسی
لا تؤاخذني بما نسيت ولا ترهقني من امري عسرا ۝ فانطلقا
مگیر بر من بر انچه فراموش کردم و مرسان مرا از کار من دشواری پس برفتند
١٦
حتى اذا لقيا غلاما فقتله قال اقتلت نفسا زكية بغير
تا چون بدیدند کودکی پس کشت او را گفت موسی ایا کشتی تنی را پاکیزه بجز
حزب الجزو السادس عشر
نفس لقد جئت شيئا نكرا ۝ قال الم اقل لك انك
تنی هر اینه تحقیق آوردی تو چیزی ناپسندیده گفت خضر ایا نگفتم مر ترا بدرستیکه تو
لن تستطيع معي صبرا ۝ قال ان سالتك عن شيء بعدها
هرگز نتوانی با من صبر کردن گفت موسی اگر بپرسم مر ترا از چیزی پس آن
فلا تصاحبني قد بلغت من لدني عذرا ۝ فانطلقا حتى اذا اتيا
پس مصاحبت مکن با من بتحقیق برسیدی تو از من عذری پس بگذشتند و رفتند تا چون برسیدند
اهل قرية استطعما اهلها فابوا ان يضيفوهما فوجدا فيها
باهل دیهی که طعام خواستند از اهل آن دیهه پس سر باز زدند از انکه مهمان کنند ایشان را پس یافتند در ان

جدارا يريد ان ينقض فاقامه قال لو شئت لتخذت عليه

دیواری میخواست که بیفتد پس بپای داشت اورا یعنی خضر عمارت کرد گفت موسی اگر میخواستی تو هر آینه میگرفتی تو بر اینکار

اجرا قال هذا فراق بيني وبينك سانبئك بتاويل ما لم تستطع

مزدی گفت خضر اینست جدائی میان من و میان تو زود باشد که بیاگاهانم ترا بتفسیر آنچه نتوانی

عليه صبرا اما السفينة فكانت لمساكين يعملون في البحر

بران شکیبائی کردن اما آن کشتی پس بود از مسکینان را که کار میکردند در دریا

فاردت ان اعيبها وكان وراءهم ملك ياخذ كل سفينة

پس خواستم که عیب کنم آنرا تا با عیب گردد و بود برابر ایشان پادشاهی که نام او جلندی بود میستاند هر کشتی

غصبا واما الغلام فكان ابواه مؤمنين فخشينا

بغصب و ستم و اما از غلام که کشتم اورا پس بودند مادر و پدر او گرویدگان پس ترسیدیم

ان يرهقهما طغيانا وكفرا فاردنا ان يبدلهما ربهما

که این پسر آن مادر و پدر مصلح را برطغیان و کفر رساند پس خواستیم ما که بدل دهد ایشان را پروردگار ایشان

خيرا منه زكوة واقرب رحما واما الجدار فكان لغلامين

بهتر ازین فرزند پاکیزه تر و نزدیکتر به پیوستن رحمت و اما آن دیوار پس بود مر دو کودکان

يتيمين في المدينة وكان تحته كنز لهما وكان ابوهما

که بی پدر بودند در مدینه و بود زیر آن دیوار گنج مر ایشان را و بود مادر و پدر ایشان

صالحا فاراد ربك ان يبلغا اشدهما ويستخرجا كنزهما رحمة

شایسته پس خواست خداوند تو که برسند هر دو ببلوغ و بیرون آرند گنج خود را از زیر آن دیوار بخشایش

من ربك وما فعلته عن امري ذلك تاويل ما لم تسطع

از خداوند تو و نکردم آنچه تو دیدی از برای نفس خود اینست تفسیر آنچه نتوانستی

عليه صبرا ويسئلونك عن ذي القرنين قل ساتلوا عليكم

بران صبر کردن و می پرسند ترا ای محمد از قصه ذی القرنین بگو زود بخوانم بر شما

عشر

منه

مِنهُ ذِكراً ۝ اِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الاَرضِ وَآتَيناهُ مِن كُلِّ شَيءٍ سَبَباً ۝
ازان خبری بدرستیکه ما متمکن کردانیم مرا ورا در زمین وبدادیم ما اورا از هر چیزی سببی ووسیلهٔ
فَاَتبَعَ سَبَباً ۝ حَتَّى اِذا بَلَغَ مَغرِبَ الشَّمسِ وَجَدَها تَغرُبُ فِي عَينٍ خمس
پس پیروی کرد سببی ووسیلهٔ تا چون برسید بجای فرو رفتن آفتاب بیافت آفتاب را که فرو میرفت در چشمه
حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِندَها قَوماً ۝ قُلنا يا ذَا القَرنَينِ اِمَّا اَن تُعَذِّبَ
کرم وبیافت نزد ان چشمه کروهی کفتیم ما ای ذو القرنین ختیار تراست اکر خواهی عذاب کنی ایشانرا
وَاِمَّا اَن تَتَّخِذَ فِيهِم حُسناً قالَ اَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ
واکر خواهی بکیر وبکزین منت در ایشان نیکوئی کفت اما کسی که ستم کرد پس زود باشد که عذاب کنیم اورا پس باز کردانیده شود
اِلى رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذاباً نُكراً ۝ وَاَمَّا مَن آمَنَ وَعَمِلَ صالِحاً
سوی خدای خود پس عذاب کند خدای عذابی سخت ومنکر واما کسی که بکرود وکار کند نیکو
فَلَهُ جَزاءً الحُسنى وَسَنَقُولُ لَهُ مِن اَمرِنا يُسراً ۝ ثُمَّ اَتبَعَ سَبَباً ۝
پس مر او راست پاداش نیکو وزود باشد که بکویم مرا ورا از کار خود آسانی پس پیروی کرد سببی را
حَتَّى اِذا بَلَغَ مَطلِعَ الشَّمسِ وَجَدَها تَطلُعُ عَلى قَومٍ لَم نَجعَل لَهُم
تا چون برسید بجای برآمدن آفتاب وبیافت آنجا آفتاب را که بر می آمد بر کروهی نکردانیدیم مر ایشانرا
مِن دُونِها سِتراً ۝ كَذلِكَ وَقَد اَحَطنا بِما لَدَيهِ خُبراً ۝ ثُمَّ اَتبَعَ عشر
از جز آفتاب حجابی همچنین وبتحقیق احاطه کردیم بدانچه نزد اوست خبر را پس پیروی کرد
سَبَباً ۝ حَتَّى اِذا بَلَغَ بَينَ السَّدَّينِ وَجَدَ مِن دُونِهِما قَوماً لا يَكادُونَ
سببی را تا چون برسید میان دو کوه وبیافت از میان آن دو کوه کروهی را که نزدیک نبودند
يَفقَهُونَ قَولاً ۝ قالُوا يا ذَا القَرنَينِ اِنَّ يَأجُوجَ وَمَأجُوجَ مُفسِدُونَ
که فهم کنند کفتار را کفتند ای ذو القرنین بدرستیکه یاجوج وماجوج تباه کاراند
فِي الاَرضِ فَهَل نَجعَلُ لَكَ خَرجاً عَلى اَن تَجعَلَ بَينَنا وَبَينَهُم سَدّاً ۝
در زمین پس آیا هست که بکردانیم مر ترا خرجی یعنی بیرون آوریم برانکه بکردانی میان ما ومیان ایشان بندی
از آن خود مردی

قال ما مكني فيه ربي خير فأعينوني بقوة أجعل بينكم

گفت آنچه مرا داده است در آن خداوند من بهتر از خراج شما پس یاری کنید مرا به نیروی خود تا بکنم میان شما

وبينهم ردما ۝ آتوني زبر الحديد حتى إذا ساوى بين الصدفين

و میان ایشان بندی گفت بیارید بمن پارها و قطعهای آهن تا چون راست کرد میان دو کوه بدین صفت چون بکرد

قال انفخوا حتى إذا جعله نارا قال آتوني أفرغ عليه قطرا ۝ فما

گفت بدمید و مهما تا چون گشت آهن مانند آتش گفت بیارید بمن آتش تا بر زنم برو مس گداخته پس

اسطاعوا أن يظهروه وما استطاعوا له نقبا ۝ قال هذا رحمة

توانستند یاجوج و ماجوج که بشکنند آن و نتوانستند از سختی و صلابت آن مرانرا سوراخ کنند گفت ذو القرنین این بخشایش است

من ربي فإذا جاء وعد ربي جعله دكاء وكان وعد ربي

از پروردگار من پس چون بیاید وعده پروردگار من

حقا ۝ وتركنا بعضهم يومئذ يموج في بعض ونفخ في الصور

راست و دست باز داریم بعضی از ایشان را در آن روز که خروج کنند در بعضی دیگر و دمیده شود در صور بر قیامت

فجمعناهم جمعا ۝ وعرضنا جهنم يومئذ للكافرين عرضا ۝

پس گرد آوریم ایشان را همه و عرض کنیم دوزخ را در آن روز مر ناگرویدگان را عرض کردنی

الذين كانت أعينهم في غطاء عن ذكري وكانوا لا يستطيعون

آنانکه بودند چشمهای ایشان در پوشش از یاد کردن من و بودند که نتوانستند

سمعا ۝ أفحسب الذين كفروا أن يتخذوا عبادي من دوني

شنیدن ایا پس پندارند آنانکه نگرویدند که بگیرند بندگان مرا از جز من

أولياء إنا أعتدنا جهنم للكافرين نزلا ۝ قل هل ننبئكم

دوستی بدرستیکه ما ساخته ایم دوزخ را برای ناگرویدگان منزلگاهی بگوی محمد ایا خبر دهیم شما را

بالأخسرين أعمالا ۝ الذين ضل سعيهم في الحياة الدنيا وهم

بزیان کارترین کرداری آنانکه گم و باطل شد کردار ایشان در این جهان و ایشان

خمس

عشر

يحسبون

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره مریم را مداومت نماید نمیرد تا آنچه خواهد در خود و مال و فرزند ببیند و در آخرت باو بدهند مثل ملکی که حضرت سلیمان داشته است

يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا

می پندارند بدرستیکه ایشان نیکو میکنند کرداری ایشانند آنانکه نگرویدند

بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ

بنشانهای پروردگار خویش و رسیدن بجزای او پس تباه شد کردار ایشان پس نکنیم بپا مر ایشانرا روز

الْقِيَامَةِ وَزْنًا ۝ ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا

رستخیز وزنی اینست پاداش ایشان دوزخ بدانچه نگرویدند و بگرفتند

آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ

آیات مرا و پیغمبران مرا بافسوس بدرستی آنانکه بگرویدند و بکردند کارهای نیکو هست

لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ۝ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ۝

مر ایشانرا مشتمل بر اشجار منزلگاه جاودانه باشند در آنجا نجویند از آن بهشت انتقال بجای دیگر

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ

بگو ای محمد صلی الله علیه و آله اگر باشد که دریا مداد گردد مر نوشتن کلمات و معلومات خداوند من هرآینه فانی گردد دریا پیش از آنکه

تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ۝ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ

نماند کلمات خداوند من و اگر بیاریم ما مانند دریا بمدد آن بگو ای محمد جز این نیست که من آدمیم

مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ

مانند شما وحی کرده شد سوی من جز این نیست که خداوند شما خدائیست که معبود یکتا پس هر که هست

يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ

امید دارد برسیدن پاداش پروردگار خویش پس بکنید کرداری نیکو و نگیرد انباز به پرستیدن پروردگار خود

أَحَدًا ۝ سُورَةُ مَرْيَمَ وَهِيَ ثَمَانٍ وَتِسْعُونَ آيَةً مَكِّيَّةٌ

احدی را غیر او

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

خمس

نعیم کافران سرشته شد بنیران بجحیم و جهنم بعذاب و در بازگشت کافران از وزن و عیار نباشد

عشر

كهيعص ۝ ذكر رحمت ربك عبده زكريا ۝ اذ نادى ربه

سوگند خورد خداى تعالى باينحروف كه اين قران حق است · اين ياد كردن برحمت خداوند تست بندهٔ خود را كه نام زكريا است چون بخواند او را خداوند او

نداء خفيا ۝ قال رب انى وهن العظم منى واشتعل الراس

خواندنى نهانى · گفت اى خداوند من بدرستيكه من سست شد استخوان از تن من · و افروخته گشت سر من

شيبا ولم اكن بدعائك رب شقيا ۝ وانى خفت الموالى من

از پيرى يعنى سپيد شد · و نبودم من بخواندن تو اى خداوند بى بهره و نااميد · و بدرستيكه من ترسيدم از وارثان و عمزادگان خود از

وراءى وكانت امراتى عاقرا فهب لى من لدنك وليا ۝ خمس

پس مرگ خود · و هست زن من هرو نازاينده · پس مرا از نزد خود فرزندى

يرثنى ويرث من ال يعقوب واجعله رب رضيا ۝ يا زكريا

كه بگيرد ميراث مرا · و ميراث گيرد از آل يعقوب · و بگردان او را اى خداوند من پسنديده خود · اى زكريا

انا نبشرك بغلام اسمه يحيى لم نجعل له من قبل سميا ۝ قال

بدرستيكه ما مژده ميدهيم ترا بفرزندى كه نام او يحيى است نگردانيديم مر آن را از پيش هم نامى · گفت زكريا

رب انى يكون لى غلام وكانت امراتى عاقرا وقد بلغت

اى خداوند بدرستيكه مرا از كجا و چون باشد مرا فرزندى · و بوده است زن من نازاينده · و بتحقيق رسيدم

من الكبر عتيا ۝ قال كذلك قال ربك هو على هين

از پيرى اندام بخشكى يعنى سخت پير شدم · گفت جبرئيل همچنانست كه ميگوئى · گفت پروردگار تو او است بر فرزند دادن تو آسان

وقد خلقتك من قبل ولم تك شيا ۝ قال رب اجعل لى اية

و بتحقيق بيافريدم من ترا · از پيش · و نبودى تو چيزى · گفت زكريا اى خدايا پيدا كن مرا نشانى

قال ايتك الا تكلم الناس ثلث ليال سويا ۝ فخرج على قومه ۝ عشر

گفت خدا نشان تو آنست كه نگوئى سخن با · مردمان · سه شب و روز پيوسته · پس بيرون آمد زكريا بر قوم خود

من المحراب فاوحى اليهم ان سبحوا بكرة وعشيا ۝ يا يحيى

از محراب · پس وحى كرد سوى ايشان كه نماز كنيد بامدادان و شبانگاه · اى يحيى

خذ الكتاب

خذ الكتاب بقوة ط واتيناه الحكم صبيا ۝ وحنانا من لدنا

بگیر توریة را به نیرو عمل کن بدان وبداديم اورا حکم یعنی پیغمبری در حالت کودکی وبود این مهربانی از نزد ما

وزكوة ط وكان تقيا ۝ وبرا بوالديه ولم يكن جبارا

وزیادتی یعنی صدقه دادیم وبود ذکریا پارسا ونیکوکار یحیی مادر وپدر ونبود بنده باخشم

عصيا ۝ وسلام عليه يوم ولد ويوم يموت ويوم يبعث

نافرمانی وسلامی یعنی ثنای خدا براو روزی که زاد وروزی که بمیرد وروزی که برانگیخته شود

حيا ۝ واذكر في الكتاب مريم اذ انتبذت من اهلها خمس

زنده ویاد کن ای محمد در قران مریم دختر عمران را چون یکسو شد از کسان خود

مكانا شرقيا ۝ فاتخذت من دونهم حجابا قف فارسلنا اليها

جای بر آمدن آفتاب پس بگرفت از پیش ایشان پرده تا جهت غسل کردن پس فرستادیم سوی او

روحنا فتمثل لها بشرا سويا ۝ قالت اني اعوذ بالرحمن منك

جبرئیل خود را پس جبرئیل بصورت بشر شد مر مریم را تمام خلقت گفت مریم بدرستیکه من پناه میگیرم بخدای از تو

ان كنت تقيا ۝ قال انما انا رسول ربك صلے لاهب لك

اگر هستی تو پرهیزکار گفت جبرئیل جز این نیست که منم فرستاده خداوند تو تا ببخشم مر ترا

غلاما زكيا ۝ قالت انى يكون لي غلام ولم يمسسني

پسری پاک گفت مریم از کجا باشد مرا پسری ودست نکرده است مرا

بشر ولم اك بغيا ۝ قال كذلك ط قال ربك هو على هين عشر

آدمی ونبوده ام من زن بدکاری گفت جبرئیل همچنین است که میگوئی تو گفت پروردگار تو آن فرزند بر من آسان

ولنجعله اية للناس ورحمة منا ط وكان امرا مقضيا ۝ فحملته حزب

وتا بکنیم عیسی را نشانه مر مردمان را وبخشایشی از ما وبود یعنی بودن عیسی کاری قضا کرده پس برداشت مریم عیسی را

فانتبذت به مكانا قصيا ۝ فاجاءها المخاض الى جذع النخلة

پس وقت زادن یکسو شد بدان جای دور مقدار یک فرسنگ پس آمد اورا درد زادن سوی درخت خرمای خشک شده پناه گرفت

قالت يا ليتني مت قبل هذا وكنت نسيا منسيا ۝ فناديها
گفت مریم ای کاشکی مردمی پیش ازین و بودمی چیزی حقیر فراموش کرده شده پس بانگ کرد
من تحتها ألا تحزني قد جعل ربك تحتك سريا ۝ وهزي
از زیر قدم او که اندوه مدار بتحقیق که گردانید خداوند تو زیر تو جوی آب وجنبان از برای
إليك بجذع النخلة تساقط رطبا جنيا ۝ فكلي واشربي
سوی خود تنه درخت خرما را تا بیفکند بر تو خرمای تری تازه چیده پس بخور خرما و بیاشام از جوی آب
وقري عينا فإما ترين من البشر أحدا فقولي إني نذرت
و روشن کن چشم را بدین فرزند پاک پس اگر ببینی ای مریم از آدمیان یکی را پس بگو من بدرستیکه من نذر کردم
للرحمن صوما فلن أكلم اليوم إنسيا ۝ فأتت به قومها
مر خدای را روزه یعنی خاموشی پس هرگز سخن نگویم امروز با هیچ آدمی پس بیاورد عیسی یکسان خود
تحمله قالوا يا مريم لقد جئت شيئا فريا ۝ يا أخت هرون
برداشته او را و گفتند ای مریم هر آینه بدرستیکه آوردی چیزی شگفت و غریب ای خواهر هرون
ما كان أبوك امرأ سوء وما كانت أمك بغيا ۝
نبود پدر تو مرد بدی و نبود مادر تو زناکار
فأشارت إليه قالوا كيف نكلم من كان في المهد صبيا
پس بدو اشارت نمود سوی او گفتند چگونه سخن پرسیم با آنکه هست در دامن تو که بمنزله گهواره است کودک
قال إني عبد الله آتاني الكتاب وجعلني نبيا ۝ وجعلني
گفت عیسی بدرستیکه من بنده خدا ام بداد مرا انجیل و بکرد مرا پیغمبر و بکرد مرا
مباركا أين ما كنت وأوصاني بالصلوة والزكوة ما دمت
با برکت هر کجا باشم و وصیت کرد مرا بنماز چون وقت آید و دادن زکوة مادام که باشم
حيا ۝ وبرا بوالدتي ولم يجعلني جبارا شقيا ۝ والسلام علي
زنده و نیکوکار گردانید مرا بمادر و نگردانید مرا بفرمانی بدبخت و سلام باد بر من

عليك
خمس
عشر

يوم

خمس

يَوْمَ وُلِدتُّ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ۝ ذَٰلِكَ عِيسَى

روزی که زاده شدم وروزی که بمیرم وروزی که برانگیخته شوم زنده اینست ای محمد عیسی

ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ۝ مَا كَانَ لِلَّهِ أَن

پسر مریم گفتار راست آنانکه در او گمان میبرند نیست و نباشد مر خدای را که

يَتَّخِذَ مِن وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ

بگیرد از فرزندی پاکست خدای چون حکم کند خدا کاری پس جز این نیست که میگوید مر او را باش پس بباشد

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ۝

و بدرستیکه خدای که خدای منست و خدای شماست پس بپرستید او را اینست راه راست و استوار

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِن بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِن مَّشْهَدِ

پس اختلاف کردند جمیع فرق یهود و نصاری از میان ایشان پس وای مر مردمانرا که نگرویدند از حاضر شدن

يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَٰكِنِ الظَّالِمُونَ

روز بزرگ یعنی قیامت بشنوند ایشان و ببینند روزی که بیایند ما را لیکن ستمکاران

الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ

امروز در گمراهی اند پیدا و بیم کن کفار مکه از روز ندامت و تیمار بردن چون حکم کرده شود کار

ع

وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ

وایشان در گمراهی اند وایشان نمیگروند بروز قیامت بدرستی ما میراث گیریم زمین

عشر

وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ

و هرچه برانست و بسوی ما بازگردانیده شوند و یاد کن ای محمد در کتاب قصه ابراهیم را

إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا ۝ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ

بدرستی که او بود سخت راستگوی و پیغمبر از ظهور نبوت چون گفت مر پدر خود را که ای پدر چرا می پرستی از آن

مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنكَ شَيْئًا ۝ يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ

که نمیشنود و نمی بیند و نه دور کند از تو چیزی از ضرر ای پدر من بدرستیکه من بتحقیق

جاءني من العلم ما لم يأتك فاتبعني أهدك صراطا سويا

آمد مرا از دانش آنچه نیامد ترا پس پیروی مرا تا راه نمایم ترا راهی راست بسندیده

يا أبت لا تعبد الشيطان إن الشيطان كان للرحمن عصيا

ای پدر من مپرست دیو سرکش را بدرستیکه دیو هست مر خداوند مهربان را نافرمان

يا أبت إني أخاف أن يمسك عذاب من الرحمن فتكون للشيطان

ای پدر من بدرستیکه من میترسم آنکه برسد ترا عقوبت از خدای پس باشی مر دیو را

وليا قال أراغب أنت عن آلهتي يا إبراهيم لئن لم تنته خمس

دوست گفت آذر آیا روی گردانیده تو از خدایان من ای ابراهیم هر آینه اگر باز نه ایستی دشنام

لأرجمنك واهجرني مليا قال سلام عليك سأستغفر لك

یا سنگسار کنم و دور شو از من زمانی گفت ابراهیم سلامتی باد بر تو زود باشد که آمرزش خواهم مر ترا

ربي إنه كان بي حفيا وأعتزلكم وما تدعون من دون الله

از خداوند خویش بدرستیکه خدا هست بمن بغایت مهربان و کناره میگیرم مر شما را و از آنچه میپرستید شما از جز خدا

وأدعو ربي عسى ألا أكون بدعاء ربي شقيا فلما اعتزلهم

و میخوانم خدای خود را شاید که نباشم بخواندن خداوند خود بدبخت ناامید پس آنگاه که دور شد از ایشان

وما يعبدون من دون الله وهبنا له إسحق ويعقوب

و آنچه میپرستید از جز خدای و بخشیدیم مر او را اسحق و یعقوب

وكلا جعلنا نبيا ووهبنا لهم من رحمتنا وجعلنا لهم

و همه را گردانیدیم پیغمبر و بخشیدیم مر ایشان را از بخشایش خویش و گردانیدیم مر ایشان را

لسان صدق عليا واذكر في الكتاب موسى إنه كان ع عشر

زبان راست بلند یعنی ثنا نیکو کنند و یاد کن ای محمد در قرآن موسی بدرستیکه او هست

مخلصا وكان رسولا نبيا وناديناه من جانب الطور الأيمن

در عبادت یکتا و مخلص و هست پیغمبر فرستاده شده و آگاه کرده شده و ندا کردیم او را از جانب طور از طرف راست

وقربناه

وقربناه نجيا ● ووهبنا له من رحمتنا اخاه هرون نبيا ●

ونزدیک کردیم اورا در حالی که راز گوینده بود وبخشیدیم مراورا از بخشایش خویش برادراو هرون نام کردیم

واذكر في الكتاب اسمعيل انه كان صادق الوعد

ویاد کن ای محمد در قران اسمعیل پیغمبر را بدرستیکه او هست راست گو وعده را

وكان رسولا نبيا ● وكان يأمر اهله بالصلوة والزكوة

وهست فرستاده شده نبی واگاه کرده شدگان باخبر دهنده نبی وبود که میفرمود اهل خودرا بنماز ودادن زکوة

وكان عند ربه مرضيا ● واذكر في الكتاب ادريس

وبود نزد خدای خویش پسندیده ویاد کن ای محمد در قران قصه ادریس را

انه كان صديقا نبيا ● ورفعناه مكانا عليا ● اولئك الذين

بدرستیکه او بود راستگوی خبر دهنده نبی وبرداشتیم اورا بجائی برتر ایشانند انانکه

انعم الله عليهم من النبيين من ذرية ادم وممن حملنا مع

انعام خدای برایشان از پیغمبرانی که از فرزندان ادم علیه السلام اند واز انانکه برداشتیم با

نوح ومن ذرية ابراهيم واسرائيل وممن هدينا واجتبينا

نوح در کشتی واز فرزندان ابراهیم ویعقوب واز انکسانکه راه نمودیم وبرگزیدیم ما

اذا تتلى عليهم ايات الرحمن خروا سجدا وبكيا ● فخلف

چون خوانده شود برایشان ایات خداوند مهربان بروی در افتند سجده کنان وگریه کنان پس باقی ماند

من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات فسوف

از پس ایشان فرزندان که بیاد دادند نماز را وپیروی کردند ارزوی نفسهای خود پس زود باشد

يلقون غيا ● الا من تاب وامن وعمل صالحا فاولئك

برسند بجزای گمراهی مگر کسی که توبه کند وبگرود وبکند کردار نیکو پس ایشان ‌اند که

يدخلون الجنة ولا يظلمون شيئا ● جنات عدن التي وعد

در ایند در بهشت ونشوند ستم کرده چیزی بوستانهای باقامت که بزبان پیغمبران [illegible]

خمس

سجدة مسنونة

عشر

الرحمن عباده بالغيب انه كان وعده ماتيا ۝ لا يسمعون فيها

خداوند مهربان بندگان خود را در حالتيكه ... خدا محقق الوقوع نشنوند درانجا

لغوا الا سلما ولهم رزقهم فيها بكرة وعشيا ۝ تلك الجنة

بيهوده وهرزه مگر سلام از جانب ومر ايشانراست روزی ايشان در ان بامداد وشبانگاه آن بهشت

التي نورث من عبادنا من كان تقيا ۝ وما نتنزل الا بامر

كه ميراث دهيم بعضی از بندگان خود را هر كه باشد پرهيزكار وفرو نمی آييم فرشتگان مگر بفرمان

ربك له ما بين ايدينا وما خلفنا وما بين ذلك وما كان ربك

خداوند تو مر او را انچه پيش روی ماست وانچه پس ماست وانچه ميانه اينست وانچه نبود خداوند تو

نسيا ۝ رب السموات والارض وما بينهما فاعبده واصطبر

فراموش كننده خداوند آسمانها وزمينها وانچه ميان ايشانست پس بپرست او را وشكيبا باش

لعبادته هل تعلم له سميا ۝ ويقول الانسان ءاذا ما مت

مر بندگی او را آيا ميدانی مر خدا را هم نامی وميگويد آدمی آيا آنگاه كه بميرم

لسوف اخرج حيا ۝ اولا يذكر الانسان انا خلقناه من قبل

هر آينه زود باشد كه بيرون آورده شوم زنده آيا ياد نميكند آدمی از آغاز آفرينش خود كه ما آفريديم او را از پيش

ولم يك شيئا ۝ فوربك لنحشرنهم والشياطين ثم لنحضرنهم

ونبود هيچ چيزی پس بخدای تو ای محمد صلی الله عليه وسلم هر آينه گرد كنيم ما ايشان را وديوان را پس حاضر كردانيم ايشان را

حول جهنم جثيا ۝ ثم لننزعن من كل شيعة ايهم اشد

گرد بر گرد جهنم بزانو افتادگان پس هر آينه بيرون آريم از هر گروهی هر كه را از ايشان سخت تر

على الرحمن عتيا ۝ ثم لنحن اعلم بالذين هم اولى بها صليا ۝

بر خدای مهربان در سركشی پس هر آينه ما داناتريم بآنكه ايشان سزاوارترند بدان دوزخ

وان منكم الا واردها كان على ربك حتما مقضيا ۝ ثم ننجي

ونيست از شما مگر وارد شونده ... هست در دوزخ خداوند تو فيصل حكم كرده شده ... پس نجات دهيم

خمس

خلف ... مردوا بی بن ... سومنكر قيامت بود

عشر

الذين

الذين اتقوا ونذر الظالمين فيها جثيا ۝ واذا تتلى عليهم

انکه نیکه پرهیز کردند و بگذاریم ستمکاران را در انجای بزانو درآمدگان وچون خوانده شود برایشان

آياتنا بينات قال الذين كفروا للذين امنوا اى الفريقين

آیات ما پیدا گفت انانکه نگرویدند مرانانراکه گرویدند کدام یک از دو گروه

خير مقاما واحسن نديا ۝ وكم اهلكنا قبلهم من

بهتراند بمنزلت مقام ونیکوترست از روی مجلس وچند که هلاک کردیم پیش ازیشان از

قرن هم احسن اثاثا ورءيا ۝ قل من كان فى الضلالة فليمدد

پیشینیان گروهان که نیکوتر بود از روی مجلس و محفل بگو ای محمد هر که هست در گمراهی پس بازمیکشد

له الرحمن مدا ط حتى اذا راوا ما يوعدون اما العذاب واما

عمر او را خدای بازکشیدنی تا چون ببینند انچه وعده کرده اند ایشانرا یا عذاب در دنیا بقتل واسیری ویا

خمس الساعة فسيعلمون من هو شر مكانا واضعف جندا ۝

روز قیامت پس زود باشد که بدانند کیست که او بدترست بجایگاه وسست ترست بلشکر و سپاه

ويزيد الله الذين اهتدوا هدى والباقيات الصالحات خير

ومیفزاید خدای انانراکه راه یافتند راه نمودنی وعملهای شایسته ونیکوی پایدار بهترست نزد

ربك ثوابا وخير مردا ۝ افرايت الذى كفر باياتنا وقال

پروردگار تو بثواب و بهترست در بازگشت ایا پس دیدی تو انانکه نگرویدند بنشانهای ما وگفت

لاوتين مالا وولدا ط ۝ اطلع الغيب ام اتخذ عند الرحمن

هرآینه داده شوم در قیامت مالی وفرزندی ایا مطلع شد بغیب یا بگرفت نزد خدای مهربان

عهدا ۝ كلا سنكتب ما يقول ونمد له من العذاب

عهدی و پیمانی حقا زود باشد که بنویسیم انچه میگوید و بازکشیم مرا او را از عذاب

عشر مدا لا ۝ ونرثه ما يقول ويأتينا فردا ۝ واتخذوا من دون الله

بازکشیدنی ومیراث گیریم انچه میگوید وبیاید بما تنها بغیر مال وفرزند وبپرستش گرفتند از جز خدای

یعنی مدت عذاب او را
دراز کردانیم
ه

الهة ليكونوا لهم عزا ۝ كلا سيكفرون بعبادتهم ويكونون

خدایان تعبیر بیان تا باشند مرایشان را ارجمند حقا زود باشد که کافر شوند بپرستیدن ایشان و باشند

عليهم ضدا ۝ الم تر انا ارسلنا الشياطين على الكافرين

برایشان دشمن و مخالف ایا ندیدی ای محمد بدرستیکه ما فرستادیم دیوان را بر کافران که

تؤزهم ازا ۝ فلا تعجل عليهم انما نعد لهم عدا ۝ يوم نحشر

بجنبانند ایشان را جنبانیدنی پس شتاب مکن ای محمد بر عذاب ایشان جز این نیست مر ایشان را می شماریم شماری بروزی که گرد کنیم

المتقين الى الرحمن وفدا ۝ ونسوق المجرمين الى جهنم وردا ۝

پرهیزکاران را سوی خداوند بخشاینده وارد شدگان و برانیم کافران را سوی دوزخ تشنگان

لا يملكون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا ۝

مالک نشوند شفاعت را مگر انکس که گرفته باشد نزد خدای بخشاینده عهدی یعنی ایمان

وقالوا اتخذ الرحمن ولدا ۝ لقد جئتم شيئا ادا ۝ تكاد

وگفتند گرفت خدای مهربان فرزندی یعنی عیسی هر اینه تحقیق آمدید و آوردید خبر زشت و منکر نزدیک شد

السموات يتفطرن منه وتنشق الارض وتخر الجبال هدا ۝

آسمانها که بشکافند از ان خبر و دریده شود زمین و برویدر افتند کوهها بشکستن

ان دعوا للرحمن ولدا ۝ وما ينبغي للرحمن ان يتخذ ولدا ۝

بانکه خواندند مر خدای را فرزندی و نشاید و نسزد مر خدای را اینکه بگیرد فرزندی

ان كل من في السموات والارض الا اتي الرحمن عبدا ۝

نیست هر چه در آسمانها و زمینها مگر اینده خدای بنده وار

لقد احصيهم وعدهم عدا ۝ وكلهم اتيه يوم القيمة فردا ۝

هر اینه تحقیق شمار کرد ایشان را بعلم او محیط شمار کردنی بشمار ایشان و همه ایشان آینده است روز رستخیز تنها بی سپاه

ان الذين امنوا وعملوا الصالحات سيجعل لهم الرحمن ودا ۝

بدرستیکه آنان که بگرویدند و کردار نیکو کردند زود باشد که بکند مر ایشان را خدای مهربان دوستی

یعنی ایشان را برمعاصی تحریص کننده

خمس

عشر

خمس

فاما

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ترک مکنید سورهٔ طه را که خدا دوست میدارد هر که این سوره را میخوانند و دوست میدارد کسی را که بر قرائتش مداومت نماید حق تعالی در قیامت نامه اش را بدست راستش دهد و او را بر گناهانی که در اسلام کرده است حساب نکند و در آخرت بآنقدر مزد باو عطا فرماید که او راضی شود

فانما یسرناه بلسانک لتبشر به المتقین وتنذر به قوما نصف
پس جز این نیست که آسان کردیم ما بزبان تو تا مژده دهی بدان پرهیزکاران را و بیم کنی بدان گروه
لدا ۝ وکم اهلکنا قبلهم من قرن هل تحس منهم من
منکران را و بس که هلاک کردیم ما پیش ایشان را از روزگاری آیا بینی تو از ایشان از
احد او تسمع لهم رکزا ۝ سورة طه وهی مکیة ومائة وخمس وثلثون آیة
کسی را یا می شنوی مر ایشان را آوازی نرم

بسم الله الرحمن الرحیم
ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده مهربان

طه ۝ ما انزلنا علیک القرآن لتشقی ۝ الا تذکرة لمن یخشی ۝
ای محمد صلعم نفرستادیم ما بر تو قرآن را تا رنج نهی بر خود مگر پند دهی مر کسی را که بترسد از خدا
تنزیلا ممن خلق الارض والسموات العلی ۝ الرحمن علی العرش
فرستادنی از آنکس که بیافرید زمینها و آسمانها بلند و برتر را خدای مهربان بر عرش قادر
استوی ۝ له ما فی السموات وما فی الارض وما بینهما وما خمس
که نگاه میدارد او مر اوراست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینهاست و آنچه میان اینهاست و آنچه
تحت الثری ۝ وان تجهر بالقول فانه یعلم السر واخفی ۝
زیر این است زیر خاک و اگر آشکارا کند بگفتار پس بدرستیکه او میداند نهان و پوشیده را
الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی ۝ وهل اتیک حدیث
خدایست که نیست خدا مگر او مر اوراست نامهای نیکوتر و اینکه آمد ترا ای محمد قصه
موسی ۝ اذ را نارا فقال لاهله امکثوا انی آنست نارا لعلی
موسی چون بدید آتش پس گفت مر زن خود را که درنگ کنید اینجا بدرستیکه بدیدم آتش شاید که
آتیکم منها بقبس او اجد علی النار هدی ۝ فلما اتیها عشر
بیارم شمارا از آن آتش پاره یا بیابم بر آتش راهی پس چون آمد سوی آتش

نودي يا موسى ۝ انى انا ربك فاخلع نعليك انك بالواد

خوانده شد که ای موسی بدرستیکه من منم پروردگار تو پس بیرون ار نعلین خود ابدرستیکه تو بوادی

المقدس طوى ۝ وانا اخترتك فاستمع لما يوحى ۝ اننى انا الله

پاکیزه که نام ان طوی است آمده و منم که برگزیدم ترا به پیغمبری پس بشنو هر انچه وحی کرده شود بدرستیکه من منم خدای

لا اله الا انا فاعبدنى واقم الصلوة لذكرى ۝ ان الساعة

که نیست خدای مگر منم پس بپرست مرا و بپای دار نماز را برای یاد کردن من یعنی دوست من بدرستیکه قیامت

اتية اكاد اخفيها لتجزى كل نفس بما تسعى ۝ فلا يصدنك

اینده است میخواهم که پنهان ان را تا پاداش داده شود هر تنی بد انچه میکند کردار پس بگردند ترا ای موسی

عنها من لا يؤمن بها واتبع هويه فتردى ۝ وما تلك بيمينك

ازان یعنی از اتقان بقیامت انکه نمیگرود بان یعنی بقیامت و پیروی میکند خواهش خود را پس هلاک شود او و چیست انچه بدست راست تست

يا موسى ۝ قال هي عصاى اتوكؤا عليها واهش بها على

ای موسی گفت این عصای منست که تکیه میکنم بر ان و میفشانم بدان درختان بر

غنمى ولى فيها مارب اخرى ۝ قال القها يا موسى ۝ فالقها

گوسفندان خود و مراست دران عصا حاجتها دیگر گفت خدا بینداز ای موسی عصا را پس بیفکند ان را

فاذا هي حية تسعى ۝ قال خذها ولا تخف سنعيدها سيرتها

پس ناگاه چون نگریست ماری دید که میرفت گفت خدای بگیر ان را و مترس زود باشد که بازآریم ان را بصفت

الاولى ۝ واضمم يدك الى جناحك تخرج بيضاء من غير

اول دیگر بار عصا شد وضم کن دست خود را سوی زیر بغل خود تا بیرون آید ازان سفیدی از جز مکروهی بیرون آید ان را

سوء اية اخرى ۝ لنريك من اياتنا الكبرى ۝ اذهب الى فرعون

بدی نشانه دیگر تا بنمایم ترا از نشانهای خود بزرگ فرمان رسید که برو سوی فرعون

انه طغى ۝ قال رب اشرح لي صدرى ۝ ويسر لي امرى ۝ واحلل

بدرستیکه او بیراه است گفت موسی ای خدای من بگشای و فراخ گردان دل مرا از ترس فرعون و آسان کن کار مرا برسانیدن و بگشای

خمس

عشر

لعمر ازان که معجز نها
دیر بیض معجز کرده و
چو ان محمد معجز بیغمبر
لذ نبسا العزت فرمان رسید
که برو فرعون ادعوت کن
بایمان

عقده

عقدة من لساني يفقهوا قولي واجعل لي وزيرا من

که از زبان من تا بفهمند گفتار مرا و بگردان مرا یاری از

اهلي هرون اخي اشدد به ازري واشركه في امري عشر

کسان من هرون برادر من قوی کن بدان پشت من وشریک کن اورا درکار پیغمبری من

كي نسبحك كثيرا ونذكرك كثيرا انك كنت بنا بصيرا خمس

تا باکه یاد کنیم ترا بسیار و یاد کنیم ترا بسیار بدرستی که تو هستی بحال ما بینا

قال قد اوتيت سؤلك يا موسى ولقد مننا عليك مرة اخرى

گفت بتحقیق داده شدی تو خواسته خود را ای موسی وهر اینه تحقیق منت نهادم بر تو باری دیگر

اذ اوحينا الى امك ما يوحى ان اقذفيه في التابوت فاقذفيه

چون وحی کردیم مادر موسی را آنچه وحی کرده شدی که بینداز او را یعنی موسی را در تابوت پس بیفکن در آن

في اليم فليلقه اليم بالساحل ياخذه عدو لي وعدو له

دریای نیل پس بیفکند او را دریا بکناره تا بگیرد او را دشمن من و دشمن او یعنی فرعون

والقيت عليك محبة مني ولتصنع على عيني اذ تمشي اختك

و بیفکندم من بر تو دوستی از فضل خود و تا پرورده شوی بر نگاه داشت چون برفت خواهر تو

فتقول هل ادلكم على من يكفله فرجعناك الى امك

پس گفت آیا راه نمایم شما را برکسیکه کار او را بر گیرد یعنی او را تربیت کند پس باز گردانیدیم ترا سوی مادر تو

كي تقر عينها ولا تحزن وقتلت نفسا فنجيناك من الغم

تا روشن شود چشمهای او و اندوه نخورد بر تو و کشتی تو تنی را پس برهانیدیم ما ترا از اندوه

وفتناك فتونا فلبثت سنين في اهل مدين ثم جئت على قدر

و آزموده کردیم ترا آزمودنی پس درنگ کردی تو سالها در میان کسان مدین پس آمدی بر رانده

يا موسى واصطنعتك لنفسي اذهب انت واخوك باياتي عشر

ای موسی و بگزیدم ترا برسالت برای خود برو تو و برادر تو با نشانهای من

ولا تنيا في ذكري ۝ اذهبا الى فرعون انه طغى ۝ فقولا له
سست مشو در یاد کردن من بروید سوی فرعون بدرستیکه او بیراه است پس بگویید مر او را
قولا لينا لعله يتذكر او يخشى ۝ قالا ربنا اننا نخاف ان
گفتار نرم یعنی کلمه شهادت شاید او پند گیرد یا بترسد گفتند موسی و هرون ای پروردگار ما بدرستیکه ما می ترسیم که فرعون
يفرط علينا او ان يطغى ۝ قال لا تخافا انني معكما اسمع وارى ۝
عقوبت کند بر ما یا بیراه شود بکشتن ما گفت خدا که مترسید شما بدرستیکه من با شما ام می شنوم و می بینم احوال را
فأتياه فقولا انا رسولا ربك فارسل معنا بني اسرائيل ولا
پس آیید سوی فرعون پس گفتید بدرستیکه فرستادگان خداوند تواییم پس بفرست با ما فرزندان یعقوب را و مکن
تعذبهم قد جئناك بآية من ربك والسلام على من اتبع الهدى
عذاب ایشان را بدرستیکه آوردیم ترا حجتها از خداوند تو و تحیت و درود و سلام بر آنکه پیروی کند راه را
انا قد اوحي الينا ان العذاب على من كذب وتولى ۝ قال
بدرستی که وحی کرده شد سوی ما بدرستیکه عقوبت خدای برکسیست که تکذیب کرد پیغمبر را و رو گردانید از ایمان گفت
فمن ربكما يا موسى ۝ قال ربنا الذي اعطى كل شيء خلقه
پس کیست خداوند شما ای موسی گفت خداوند ما آنکه بداد هر چیز را آفرینش
ثم هدى ۝ قال فما بال القرون الاولى ۝ قال علمها
پس راه راست نمود گفت پس چونست حال گروههای پیشین گفت موسی دانستن آن
عند ربي في كتاب لا يضل ربي ولا ينسى ۝ الذي جعل لكم
نزد خداوند منست در لوح محفوظ که نشود گم یعنی غافل نشود خداوند من و فراموش نکند آنخدا که کرد مر شما را
الارض مهدا وسلك لكم فيها سبلا وانزل من السماء ماء
زمین گهواره یعنی قرارگاه و در آورد مر شما را در ان راهها تا بروید و فرو فرستاد از آسمان آبی
فاخرجنا به ازواجا من نبات شتى ۝ كلوا وارعوا انعامكم
پس بیرون آوردیم بان اصناف از رستنیها گوناگون پراکنده بخورید و بچرانید چهارپایان خود را

خمس

عشر حزب

ان في

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَىٰ ۝ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ ٤

بدرستیکه در این هرآئنه نشانهاست مرخداوند خودرا ازان زمین بیافریدیم ماشمارا ودران بازگردانیم شمارا

وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ ۝ وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا خمس

وازان بیرون آوریم شما باری دیگر روز قیامت وهرآئنه تحقیق نمودیم مافرعون را نشانهای خودرا همه

فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ ۝ قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ

پس تکذیب کرد وسرباز زد وقبول نکرد گفت فرعون آیا آمدی تو که مارا هرآئنه بیرون کنی مارا از زمین ما بجادوی خود

يَا مُوسَىٰ ۝ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ

ای موسی پس هرآئنه بیاریم ترا بجادویی مانندان پس بگردان میان ما ومیان خود

مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى ۝ قَالَ

وعده که نکنیم خلاف آنرا ما ونه تو بجایی جزان جای گفت موسی

مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ الزِّينَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى ۝ فَتَوَلَّىٰ

وعده شما روز آرایش قبطیانست واگر گرد کرده شوند مردمان وقت چاشت پس روی بگردانید

فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَىٰ ۝ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ وَيْلَكُمْ عشر

فرعون ازقبول حق پس گرد کرد مکرخودرا یعنی جادوان پس بیامد روز نوروز که وعده بود گفت مرایشان را موسی وای بر شما

لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ

مسازید بر خدای دروغی پس هلاک کند شمارا بعقوبتی وبتحقیق نومید شد

مَنِ افْتَرَىٰ ۝ فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَىٰ ۝

هرکه افترا کرد بخدای پس گفت وشنود کردند کار خودرا میان خود ونهان داشتند گفتار خودرا از فرعون

قَالُوا إِنْ هَٰذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ

گفتند حقیقت کار نیست که این هردو هرآئنه هردو جادوان میخواهند که بیرون کنند شمارا از زمین شما

بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَىٰ ۝ فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ

بجادوی خود وببرند راه دین شمارا که بهترینند بهمهاست پس گرد کنید اداث کید وجادوی خود

ثم ائتوا صفا وقد أفلح اليوم من استعلى ۝ قالوا يا موسى إما
پس بیایند بوعد صف زده گان و بتحقیق که رستگار امروز کسی که برتر آمد بجادوی گفتند ای موسی یا تو

أن تلقي وإما أن نكون أول من ألقى ۝ قال بل ألقوا فإذا
می افکنی عصا را خود را و یا آنکه باشیم اول کسی اندازنده جادوی گفت موسی بلکه بیفکنید تا آنجا

حبالهم وعصيهم يخيل إليه من سحرهم أنها تسعى ۝ فأوجس
رسنهای ایشان و عصاهای ایشان بخیال موسی آمد از جادوی ایشان که آنها می شتابند بس یافت

في نفسه خيفة موسى ۝ قلنا لا تخف إنك أنت الأعلى ۝
در دل خود ترسی موسی گفتیم ما مترس بدرستیکه تو برتر از ایشان

وألق ما في يمينك تلقف ما صنعوا إنما صنعوا كيد ساحر
و بیفکن آنچه در دست راست تا فرو برد آنچه ساخته اند بدرستی آنچه ساخته اند مکر و سحر است یعنی جادو

ولا يفلح الساحر حيث أتى ۝ فألقي السحرة سجدا قالوا آمنا
و رستگار نشود جادوگر هرکجا بیاید پس بر افکنده شدند جادوان سجده کنند گفتند گرویدیم ما

برب هرون وموسى ۝ قال آمنتم له قبل أن آذن لكم إنه
بخدای هرون و موسی گفت فرعون گرویدید شما او را پیش از رخصت دادن من شما را بدرستیکه او

لكبيركم الذي علمكم السحر فلأقطعن أيديكم وأرجلكم
که مهتر شما است آنکه آموخته است شما را جادوی پس هر آینه ببرم دستهای شما و پایهای شما را

من خلاف ولأصلبنكم في جذوع النخل ولتعلمن أينا أشد
از خلاف و هر آینه بیاویزم شما را در تنه درخت خرما و تا بدانید که کدام سخت

عذابا وأبقى ۝ قالوا لن نؤثرك على ما جاءنا من البينات والذي
عذاب و باقی تر گفتند ساحران هرگز نگزینیم ترا بر آنچه آمد ما را از حجتها و بدانکه

فطرنا فاقض ما أنت قاض إنما تقضي هذه الحيوة الدنيا إنا
خدای آفریدگار ما [illegible] تو حکم کننده جز این نیست که حکم کنی در این زندگانی دنیا بدرستیکه ما

خمس

عشر

خلاف
یعنی دست راست و پای چپ
و بالعکس

امنا
بگرویدیم

امنا بربنا ليغفر لنا خطايانا وما اكرهتنا عليه من

بگرويدیم بخدای خود تا بیامرزد مارا گناهان ما وانچه اکراه کردی مارا بران از ان

السحر والله خير وابقى ○ انه من يات ربه مجرما فان له

جادوی وخدای بهتر وپاینده ترست بدرستیکه او هرکه بیاید نزد خدای خود گناهکار پس بدرستی مر اورا

جهنم لا يموت فيها ولا يحيى ○ ومن ياته مؤمنا قد عمل

دوزخ نمیرد درانجای ونه زنده باشد وهرکه بیاید نزد خدای خود گرویده تحقیق کرده باشد

الصالحات فاولئك لهم الدرجات العلى ○ جنات عدن

حزب خمس

نیکو پس ایشان که مر ایشان راست پایگاهای بلند بستانهای مقیمی

تجري من تحتها الانهار خالدين فيها وذلك جزاء من

که میرود از زیران جویها جاودانه دران باشند واینست پاداش هرکس که

تزكى ○ ولقد اوحينا الى موسى ان اسر بعبادي فاضرب

پاکیزه کرد وهرانه تحقیق وحی کردیم ما سوی موسی که روانه کن بندگان مرا یعنی بنی اسرائیل پس بزن

لهم طريقا في البحر يبسا لا تخاف دركا ولا تخشى ○ فاتبعهم

مر ایشان را راهی در دریا خشکی نه ترسی از رسیدن فرعون ونه ترسی پس باز پی ایشان رفت

فرعون بجنوده فغشيهم من اليم ما غشيهم ○ واضل

فرعون با لشکر خود پس پوشیدند ایشان را از دریا انچه پوشیدند ایشان را وگمراه کرد

فرعون قومه وما هدى ○ يا بني اسرائيل قد انجيناكم من

فرعون گروه خودرا ونه نمود راه ای فرزندان یعقوب بتحقیق رهانیدیم شمارا از

عدوكم وواعدناكم جانب الطور الايمن ونزلنا

دشمن شما ووعده نهادیم شمارا بپهلوی کوه طور سوی دست راست وفرستادیم ما

عليكم المن والسلوى ○ كلوا من طيبات ما رزقناكم

عشر

بر شما ترنجبین ومرغ بریان بخورید از پاکیزهای حلال انچه روزی کردیم ما شمارا

وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي

و مشوید براه دران پس واجب اید بر شما خشم من و هر کرا واجب آید براو خشم من

فَقَدْ هَوَى ۝ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ

پس بتحقیق افتاد در هاویه هلاک شد و بدرستیکه من هر اینه آمرزنده ام مر کسی را که توبه کند و ایمان آورد و کار نیکو کند پس

اهْتَدَى ۝ وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى ۝ قَالَ هُمْ أُولَاءِ

راه راست یابد و چه چیز شتابیده ترا از گروه تو ای موسی گفت موسی ایشان نزدیکان اند

عَلَى أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى ۝ قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ

بر پی من و شتابیدم سوی تو ای خداوند من تا خوشنود باشی گفت پس بدرستیکه ما بتحقیق ازمودیم گروه ترا کردیم بگوساله

مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ۝ فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ

از پس تو و گمراه ساخت ایشان را گوساله سامری پس باز گشت موسی سوی گروه خود

غَضْبَانَ أَسِفًا ۝ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا

خشمگین متاسف و اندوهگین گفت ای گروه ایا نکرد وعده شمارا خداوند شما وعده نیکو

أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ

ایا پس دراز شد بر شما پیمان یا خواستید شما انکه فرود آید بر شما خشم

مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي ۝ قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ

از خداوند شما پس خلاف کردید وعده را گفتند نکردیم خلاف ما وعده ترا

بِمَلْكِنَا وَلَكِنَّا حُمِّلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا

بقوت و اختیار ولیکن ما بر داشتیم ما بارهای گران از ارایش و پیرایه گروه قبطیان پس بتحقیق در آتش انداختیم

فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ ۝ فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ

پس همچنین بیفکند سامری پس بیرون آورد مر ایشان را گوساله تنومند مر او را بانگ چون بانگ گاو

فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى فَنَسِيَ ۝ أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ

پس گفتند اینست خدای شما و خدای موسی پس فراموش کرد ایا پس نمی بینید مر انکه باز نمی گرداند

خمس

اليهم

إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ۝ وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ

سوی ایشان گفتاری و نشود مالک مر ایشان را زیانی و نه سودی و هر آینه تحقیق گفت مر ایشان را

هٰرُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ ۖ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمٰنُ

هرون از پیش ای گروه جز این نیست که آزموده شدید بدان و بدرستیکه خداوند شما بخشاینده

عشر — فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي ۝ قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ

پس پیروی کنید مرا و اطاعت کنید فرمان بردید کار مرا گفتند هرگز نشویم یعنی دور نشویم بر گوساله پرستیدن مقیمان

حَتّٰى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسٰى ۝ قَالَ يَا هٰرُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ

تا باز گردد سوی ما موسی گفت ای هرون چه چیز مانع شد ترا چون دیدی که ایشان

ضَلُّوا ۝ أَلَّا تَتَّبِعَنِ ۖ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ۝ قَالَ يَا بْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي

گمراه شدند که متابعت نکردی مرا آیا پس نافرمان شدی فرمان مرا گفت هرون ای پسر مادر من مگیر ریش مرا

اسری / فرمان مرا و از روی غضب / هارون گرفته سوی خود کشید

وَلَا بِرَأْسِي ۖ إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ

و نه سر مرا بدرستی که من ترسیدم از آنکه بگوئی پراکنده کردی میان فرزندان یعقوب و نه

خمس — تَرْقُبْ قَوْلِي ۝ قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ ۝ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ

داشتی نگاه گفتار مرا گفت پس چیست این کار عظیم تو ای سامری گفت سامری بدیدم چیزی که ندیدند
ایشان مرا

يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذٰلِكَ

دیدید شما بدان پس بگرفتم مشتی از اثر قدم جبرئیل پس بیفگندم آنرا و همچنین

سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي ۝ قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيٰوةِ أَنْ تَقُولَ

بیاراست مرا تن من گفت پس برو پس بدرستی که تراست در زندگانی آنکه گوئی

لَا مِسَاسَ ۖ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ ۖ وَانْظُرْ إِلٰى إِلٰهِكَ الَّذِي

مست سودن و بدرستیکه مر ترا وعده جایی هرگز خلاف نکنی آنرا و ببین سوی خدای خود آنکه

ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا ۖ لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ۝

بودی تو هر روز بر پرستش او مقیم هر آینه بسوزانیم آنرا پس هر آینه پراکنده کنیم آنرا در دریا پراکنده کردنی

إِنَّمَا إِلٰهُكُمُ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ۝

جز این نیست خدای شما خدایست آنچنان خدای که نیست خدای مگر او موجود فراخ گشت و رسیده هر چیزی را علم و قدرت

كَذٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا

همچنین بیان کنیم بر تو ای محمد از خبرهای آنچه بتحقیق گذشته و بتحقیق که بدادیم ما ترا از نزد خود

ذِكْرًا ۝ مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وِزْرًا ۝

یاد کرد یعنی علم و قرآن هر که روی گردانید از آن پس بدرستیکه او بردارد روز قیامت بار گران یعنی گناه

خٰلِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ حِمْلًا ۝ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي

جاودانه بود در آن و بدست مر ایشان را روز قیامت باری روزی که دمیده شود در

الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ۝ يَتَخَافَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ

صور و گرد آریم گناهکاران را آن روز سبز چشمان آهسته گویند میان یکدیگر اگر

لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ۝ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ

درنگ نکردید در گور مگر ده روزی ما داناتریم بر آنچه میگویند چون بگوید فاضلتر ایشان

طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ۝ وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ

در خرد که نکردید در دنیا درنگ شما مگر روزی و بپرسند ترا از کوهها پس بگوی

يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ۝ فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ۝ لَا تَرٰى فِيهَا

برخواهد کند آنها خداوند من برکندنی پس بگذارد زمین هموار و صاف که نشیب و فراز نشود باشد نبینی در آن

عِوَجًا وَلَا أَمْتًا ۝ يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ

کجی و نه اندک بلندی آن روز پیروی کنند همه مردمان خواننده خود را هیچ میل و کجی مر آن خواننده و پست در رود

الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمٰنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا ۝ يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ

آوازها مر خداوند بخشاینده را پس نشنوی از روز مگر آواز نرم و آهسته آن روز نکند سود درخواست کردن

إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ۝ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ

مگر کسی را که فرماید مر او را خدای مهربان و خوشنود شود مر او را گفتار میداند آنچه میان ایشان یعنی پیش از ایشان

عشر

خمس ع

وما

عشر

وما خلفهم ولا يحيطون به علما ۝ وعنت الوجوه للحي

وانچه پس ایشان است ونتوانند احاطه کنند عالمیان بدان بدانش خدای وخوار وذلیل باشد رویها مر خدای زنده

القيوم ط وقد خاب من حمل ظلما ۝ ومن يعمل من

وپاینده را وبتحقیق زیان کار شد هرکه برداشت بار ستم وهرکه بکند از

الصالحات وهو مؤمن فلا يخاف ظلما ولا هضما ۝ وكذلك

کارهای نیک واو گرویده باشد پس نترسد ستم را ونه شکستن را یعنی نقصان را وهمچنین

انزلناه قرانا عربيا وصرفنا فيه من الوعيد لعلهم يتقون

فرستادیم ما قران را بزبان تازی وگردانیدیم ما دران از وعید شاید ایشان بترسند

او يحدث لهم ذكرا ۝ فتعالى الله الملك الحق ولا تعجل

یا پیدا شود مر ایشان را پند پس برترست خدای پادشاه سزاوار پادشاهی ومکن شتاب

بالقران من قبل ان يقضى اليك وحيه وقل رب زدني

بقرات قران از پیش انکه حکم کرده شود سوی تو وحی آن وبگوای محمد ای خداوند زیاده کن مرا

علما ۝ ولقد عهدنا الى ادم من قبل فنسي ولم نجد

دانش بدان خود وبدرستیکه عهد کردیم ما سوی ادم پیش ازین پس فراموش کرد یعنی ترک کرد ونیافتیم

حزب

ع خمس

له عزما ۝ واذ قلنا للملائكة اسجدوا لادم فسجدوا

مر اورا عزیمتی دران وچون گفتیم ما فرشتگان را که سجده کنید مر ادم را پس سجده کردند

الا ابليس ط ابى ۝ فقلنا يا ادم ان هذا عدو لك ولزوجك

مگر شیطان که سر باز زد پس گفتیم ای ادم بدرستیکه این دشمنست مر ترا ومر زن ترا

فلا يخرجنكما من الجنة فتشقى ۝ ان لك الا تجوع فيها

پس نکند بیرون شمارا یعنی مگذارید از بهشت پس در رنج افتی بدرستیکه مر ترست اینکه نه گرسنه شوی دران

ولا تعرى ۝ وانك لا تظمؤا فيها ولا تضحى ۝ فوسوس اليه

ونه برهنه شوی وبدرستیکه تو نشوی تشنه آدر انجا ونرسد آفتاب بتو پس وسوسه کرد او شیطان

عشر

الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ

شیطان گفت ای آدم آیا رهنمائی کنم ترا بر درخت جاودان و پادشاهی

لَا يَبْلَىٰ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ

که زوال نیابد پس بخوردند از ان آدم و حوا پس پیدا امد مر ایشان را عورت ایشان و در ایستادند و قصد کردند

عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ ثُمَّ اجْتَبَاهُ

بر عورت خود از برگ درختان بهشت و خلاف کرد آدم پروردگار خود را پس بی بهره ماند پس برگزید اورا

رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ

پروردگار او پس قبول کرد توبه اورا و راه نمودش بتوبه گفت خدا فرود اید از بهشت همه بهرهٔ شما

لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ

مر بهره را دشمن پس چون بیاید شمارا از من کتاب و رسول پس هر که پیروی کند آن هادی را

فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً

پس گمراه نشود و نه بدبخت شود و هر که روی بگرداند از قبول کتاب من پس بدرستی مر اورا زندگانی

ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي

تنگ و برانگیزانیم اورا روز قیامت کور گفت خداوند من چرا برانگیختی مرا

خمس

أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا

کور و بتحقیق بودم من بینا گوید خدای عز و جل همچنین که بیامد ترا حجتهای ما پس فراموش کردی آنرا

وَكَذَٰلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَىٰ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ

و همچنین امروز فراموش کرده شدی و همچنین پاداش دهیم کسی را که از حد گذرد و نگرود

يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَىٰ أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ

گرویده بنشانیهای پروردگار خود و هر آئینه عقوبت آنجهان سخت ترست و پاینده تر آیا پس راه بنمود ایشان را

كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ

که هلاک کردیم پیش از ایشان از اصحاب قرنهای گذشته که میروند در مسکنهای ایشان

إِنَّ فِي

203

إنّ في ذلك لآيات لأولي النهى • ولولا كلمة سبقت

بدرستیکه در این هر آینه نشانهاست مر خداوندان خرد را • و اگر نه وعده بودی که پیش گرفته

من ربك لكان لزاما وأجل مسمى • فاصبر على ما يقولون

از خداوند تو ای محمد هر آینه بود عذاب لازم و اجل و مهلتی نامبرده شده پس شکیبایی کن بر آنچه میگویند

وسبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس وقبل غروبها ومن آناء

و نماز کن در حالتیکه مقر باشی بحمد و ستایش خداوندگار پیش از طلوع آفتاب یعنی نماز صبح و پیش از فرو رفتن آفتاب یعنی نماز ظهر و عصر و از ساعات

عشر

الليل فسبح وأطراف النهار لعلك ترضى • ولا تمدن

شب پس نماز گذار و اطراف روز و ظهر یعنی نماز صبح تا باشد که هر آینه خوشنود شوی بکرامتی و مکش دراز ای محمد دو

عينيك إلى ما متعنا به أزواجا منهم زهرة الحيوة الدنيا

یعنی منگر چشمهای خود را سوی آنچه برخوردار داریم بدان ازیشان از زینت و بهجت زندگانی دنیا

لنفتنهم فيه ورزق ربك خير وأبقى • وأمر أهلك بالصلوة

تا بیازماییم ایشان را در آن و روزی پروردگار تو که روز قیامت بهتر و پاینده تر • و بفرمای اهل خود را بنماز کردن

واصطبر عليها لا نسألك رزقا نحن نرزقك والعاقبة

و صبر کن بر مداومت نماز نمیخواهیم از تو روزی دادن ما روزی میدهیم ترا و سر انجام نیکوست

للتقوى • وقالوا لولا يأتينا بآية من ربه أولم تأتهم بينة

مر خداوندان پرهیزکاری را • و گفتند مشرکان چرا نیاورد محمد بما نشانه از خداوند خود آیا نیامد ایشان را از قرآن حجتی

ما في الصحف الأولى • ولو أنا أهلكناهم بعذاب من قبله

آنچه در کتابهای پیشین • و اگر ما هلاک میکردیم ایشان را بعذاب از پیش بعثت محمد

لقالوا ربنا لولا أرسلت إلينا رسولا فنتبع آياتك من قبل

هر آینه میگفتند پروردگارا چرا نفرستادی سوی ما پیغمبری پس پیروی میکردیم نشانهای ترا از پیش

أن نذل ونخزى • قل كل متربص فتربصوا فستعلمون

آنکه ذلیل و خوار شدیم • بگو ای محمد هر یک از ما و شما چشم دارنده ایم پس چشم دارید پس زود باشد که بدانید

من اصحاب الصراط السوي ومن اهتدى ۝ سورة الانبيا مائة واثنى عشر آية مكية

از اهل راه راست وكيست كه راه راست يافت

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

ابتدا ميكنم بنام خداوند بخشاينده ومهربان

اقترب للناس حسابهم وهم في غفلة معرضون ۝ ما ياتيهم

نزديك شد مر مردمان را شمار ايشان بغير روز قيامت وايشان در بيخبرى اند از حساب اعمال خود اعراض كنندگانند نيامد ايشان را

من ذكر من ربهم محدث الا استمعوه وهم يلعبون ۝ لاهية

از هيچ پندى از پروردگار ايشان كه نو فرستاده شده مگر شنوند او را از پيغمبر وايشان بازى كنند بدان وبيهوده اند در حالتى

قلوبهم واسروا النجوى ۝ الذين ظلموا هل هذا الا بشر مثلكم

دلهاى ايشان بچيزهاى ديگر وسر گوشى كنند راز خود را آنانكه ستم كردند كه نيست اين محمد مگر آدمى مانند شما

افتاتون السحر وانتم تبصرون ۝ قل ربي يعلم القول في السماء

آيا ميرويد شما بجادويى وشما مى بينيد گفت پروردگار من ميداند گفتار پنهان در آسمان

والارض وهو السميع العليم ۝ بل قالوا اضغاث احلام بل

وزمينها واوست شنوا دانا بلكه گفتند قرآن تعبير خوابهاست بلكه

افتريه بل هو شاعر فلياتنا باية كما ارسل الاولون ۝ ما آمنت

بر بافته است محمد او را بلكه مرد شاعريست پس گو بيار بما معجزه همچنانكه فرستاده شدند پيغمبران پيشين نگرويدند

قبلهم من قرية اهلكناها افهم يؤمنون ۝ وما ارسلنا

پيش از ايشان از اهل ديهى هلاك كرديم اهل آن ديه را آيا پس ايشان ميگروند ونفرستاديم ما

قبلك الا رجالا نوحي اليهم فسئلوا اهل الذكر ان كنتم

پيش از تو مگر مردانى كه وحى ميكرديم سوى ايشان پس بپرسيد ايشان از اهل توريه را اگر هستيد شما

لا تعلمون ۝ وما جعلناهم جسدا لا ياكلون الطعام وما

نميدانيد ونگردانيديم ما ايشان را تنى كه نه خورند خوردنى ونه

كانوا
بودند

خمس

١٧

الجزء السابع عشر

خمس

كانوا خالدين ● ثم صدقناهم الوعد فأنجيناهم ومن نشاء

بودند جاویدان در دنیا پس راست کردانیدیم ایشان را وعده پس رهانیدیم ایشان را و هر که را میخواستیم ما

عشر ع

وأهلكنا المسرفين ● لقد أنزلنا إليكم كتابا فيه ذكركم

و هلاک کردیم ما اسراف کنندگان را هر آینه تحقیق فرو فرستادیم سوی شما کتابی که در اوست شرف و بزرگواری

أفلا تعقلون ● وكم قصمنا من قرية كانت ظالمة

آیا پس خردمندی نمیکنید و بسا که درهم شکستیم از اهل دیهی که بودند ستمکار و کافر

وأنشأنا بعدها قوما آخرين ● فلما أحسوا بأسنا إذا هم منها

و بیافریدیم ما پس آن گروهی دیگر پس چون دیدند و دانستند عذاب ما را چون ایشان از آن

يركضون ● لا تركضوا وارجعوا إلى ما أترفتم فيه ومساكنكم

میرمیدند متازید و بسرعت مروید سوی آنکه متنعم شدید در آن و بجایگاههای خویش

خمس

لعلكم تسئلون ● قالوا يا ويلنا إنا كنا ظالمين ● فما

تا مگر شما پرسیده شوید گفتند ای وای بر ما بدرستیکه بودیم ما ستمکاران پس همیشه

زالت تلك دعويهم حتى جعلناهم حصيدا خامدين ● وما

بود آن گفتار ایشان تا کردانیدیم ایشان را در حالتی که افسردگان و مردگان بودند

خلقنا السماء والأرض وما بينهما لاعبين ● لو أردنا أن نتخذ

و نکردانیدیم ما آسمان را و زمین و آنچه در میان ایشانست بازی کنندگان اگر خواستیم ما آنکه بگیریم ما

لهوا لاتخذناه من لدنا إن كنا فاعلين ● بل نقذف

آلت بازی بگرفتیم ما آن را از نزد خود اگر بودیم کننده آن بلکه بیفکنیم

بالحق على الباطل فيدمغه فإذا هو زاهق ولكم الويل

حق را که خدمت بر باطل پس فرو شکند آن را پس آنگاه او نابود شونده و مر شما راست وای حسرت

مما تصفون ● وله من في السموات والأرض ومن عنده لا

از آنچه کردید صفت و مر خدا راست آنچه در آسمانها و زمینهاست و هر که نزدیک اوست

يستكبرون عن عبادته ولا يستحسرون ◌ يسبحون الليل
بزرگی نمی کنند از بندگی خداوند ملول نشوند و مانده گردند در عبادت تنزیه میکنند حق تعالی را
والنهار لا يفترون ◌ أم اتخذوا آلهة من الأرض هم
و روز پیوسته و سست نمیشوند یا بگرفتند خدایان باطل از زمین ایشان
ينشرون ◌ لو كان فيهما آلهة إلا الله لفسدتا فسبحان
زنده کنند مردگان را اگر بودی در آسمان و زمین خدایانی مگر خدای هر آینه تباه شدی آسمان و زمین پس پاکست
الله رب العرش عما يصفون ◌ لا يسئل عما يفعل وهم يسألون
خدای که پروردگار عرش است از آنچه وصف کنند پرسیده نشود از آنچه میکند و ایشان پرسیده شوند
أم اتخذوا من دونه آلهة قل هاتوا برهانكم هذا
یا بگرفتند از جز او خدایان بگو ای محمد بیارید حجتهای خود را اینست
ذكر من معي وذكر من قبلي بل أكثرهم لا يعلمون
پند کسانی که با منند و یاد کردن آنانکه پیش از من بودند بلکه بیشتر ایشان نمیدانند
الحق فهم معرضون ◌ وما أرسلنا من قبلك من رسول
راستی را پس ایشان باز گردیدگانند از خدای و نفرستادیم ما از پیش تو از پیغمبر
إلا نوحي إليه أنه لا إله إلا أنا فاعبدون ◌ وقالوا اتخذ الرحمن
مگر وحی کردیم ما سوی تو بدرستیکه نیست خدای مگر منم پس بپرستید مرا و گفتند کفار که فرا گرفت خدای
ولدا سبحانه بل عباد مكرمون ◌ لا يسبقونه بالقول وهم
فرزند از ملائکه منزه است خدای بلکه بندگان گرامی کرده شده اند مقرب و پیش نگیرند ملائکه بر خدای بگفتار بغیر اذن وی ایشان
بأمره يعملون ◌ يعلم ما بين أيديهم وما خلفهم ولا يشفعون
بفرمان او کار میکنند خدای میداند آنچه پیش روی ایشان است و آنچه پس ایشان است و نه شفاعت کنند
إلا لمن ارتضى وهم من خشيته مشفقون ◌ ومن يقل منهم إني
مگر کسی را که خدای پسندد و ایشان از ترس عذاب او ترسانند که مبادا در طاعت تقصیر شود و هر که بگوید از فرشتگان بدرستیکه

عشر

این کلمه تحویل... [illegible]

خمس

اله من

إله من دونه فذلك نجزيه جهنم كذلك نجزي الظالمين ● أولم ير الذين كفروا

خدام از جز خدا پس آن کس قایل را پاداش دهیم دوزخ همچنین که پاداش میدهیم ستمکاران را ایا ندیدند انانکه نگرویدند

أن السموات والأرض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء

که آسمانها و زمینها بودند بسته و برهم نهاده پس گشادیم آنهارا از یکدیگر و گردانیدیم ما از آب

عشر

كل شيء حي أفلا يؤمنون ● وجعلنا في الأرض رواسي

هر چیزی زنده ایا پس نمیگروید شما و گردانیدیم ما در زمین کوهها ثابت

أن تميد بهم وجعلنا فيها فجاجا سبلا لعلهم يهتدون ● و

تا بجنبانند آدمیان را و گردانیدیم ما دران کوهها راهها گشاده تا مگر ایشان راه یابند دران و

جعلنا السماء سقفا محفوظا وهم عن آياتها معرضون ● و

گردانیدیم آسمان را سقفی نگهداشته شده بقدرت و ایشان از نشانیها اعراض کنندگانند و

هو الذي خلق الليل والنهار والشمس والقمر كل في

اوست آن خدای که آفرید شب و روز و آفتاب و ماه همه در

فلك يسبحون ● وما جعلنا لبشر من قبلك الخلد أفإن مت

فلک تسبیح کنندگان و نگردانیدیم ما مر آدمی را پیش از تو جاوید و پاینده پس اگر بمیری تو

فهم الخالدون ● كل نفس ذائقة الموت ونبلوكم بالشر

پس ایشانند که جاویدان باشند هر تنی که در دنیا است چشنده مرگ و می آزمائیم ایشان را ببدی

خمس

والخير فتنة وإلينا ترجعون ● وإذا رآك الذين كفروا إن

و نیکی آزمایشی و بسوی ماست بازگشت شما و چون ببینند ای محمد ترا آنانکه نگرویدند و

يتخذونك إلا هزوا أهذا الذي يذكر آلهتكم وهم بذكر

نگیرند ترا مگر بافسوس و گویند ایا این کیست که یاد میکند خدایان شمارا و ایشان بیاد کردن

الرحمن هم كافرون ● خلق الإنسان من عجل سأريكم آياتي

خدای بخشنده ایشان ستمکارانند آفریده شده اند مردمان از شتاب زدگی زود باشد که بنمایم نشانهای خود

فلا تستعجلون ۝ ويقولون متى هذا الوعد ان كنتم صادقين ۝
پس مکنید شتاب ومیکویند کفار آیا که خواهد بود این وعده اکر هستید شما راست کویان
لو يعلم الذين كفروا حين لا يكفون عن وجوههم النار
اکر بدانند آنانکه کافر شدند هنکامی که بازندارند از رویهای ایشان دوزخ را
ولا هم ينصرون ۝ بل تأتيهم بغتة فتبهتهم فلا يستطيعون ردها
ونه ایشان یاری داده شوند بلکه بیاید ایشان را ناکهان پس حیران کند ایشان را پس نتوانند ایشان کردانیدن آن
ولا هم ينظرون ۝ ولقد استهزئ برسل من قبلك فحاق بالذين
ونیستند ایشان که مهلت داده شوند وبتحقیق که سخریت کردند برسولانی که پیش از تو بودند پس بکرفت آنانرا که
سخروا منهم ما كانوا به يستهزءون ۝ قل من يكلؤكم بالليل
استهزا کردند از ایشان آنچه بودند بدان استهزا میکردند بکو ای محمد کیست که نکاه دارد شما را بشب
والنهار من الرحمن بل هم عن ذكر ربهم معرضون ۝ ام لهم
و روز از عذاب خدا بلکه ایشان از یاد کردن پروردکار خویش روی کردانندکانند آیا مر ایشان را
الهة تمنعهم من دوننا لا يستطيعون نصر انفسهم ولا هم منا
هست خدایان که بازدارد ایشان را از قدرت از که از دون ما ایشان نتوانند یاری دادن تنهای خود را ونه ایشان از ما
يصحبون ۝ بل متعنا هؤلاء وآباءهم حتى طال عليهم العمر
بلکه برخوردنی دادیم ایشان را و پدران ایشان را تا دراز شد بر ایشان مدت عمر
افلا يرون انا نأتي الارض ننقصها من اطرافها افهم الغالبون
آیا نمی بینند کفار بدرستیکه ما میآییم زمین را می کاهانیم از اطراف آن آیا پس ایشان غلبه کنندکانند
قل انما انذركم بالوحي ولا يسمع الصم الدعاء اذا ما ينذرون
بکو ای محمد جز این نیست که من بیم میکنم شما را بآنچه وحی کرده میشود ونمی شنوند کران خواندن را چون آنچه بیم کرده شوند
ولئن مستهم نفحة من عذاب ربك ليقولن يا ويلنا انا كنا
واکر برسد ایشان را اثری بوی از عذاب خداوند تو هر آینه کویند ای وای بر ما بدرستیکه بودیم

ولا عن ظهورهم
ونه از پشتهای ایشان

عشر

خمس

[illegible]

ظالمين

ظالمين ● ونضع الموازين القسط ليوم القيمة فلا تظلم
ستمكاران و نهيم ترازوها بعدل هرانه روز قيامت پس ستم كرده نشود
نفس شيئا وان كان مثقال حبة من خردل اتينا بها وكفى
هيچ تنى چيزرا وگرچه باشد هم سنگ دانه از سپندان كه خورد بياريم ما آنرا و بسنده
ترازو حساب
بنا حاسبين ● ولقد اتينا موسى وهارون الفرقان وضياء
ما را حساب كنندگان وبتحقيق داديم ما موسى وهرون را كتاب جدا كننده حق و باطل و روشنائى
وذكرا للمتقين ● الذين يخشون ربهم بالغيب وهم من
و پندى مر پرهيزكاران را آنانكه ميترسند از خداى خود بنهانى واينان از

عشر

الساعة مشفقون ● وهذا ذكر مبارك انزلناه افانتم له منكرون
هول قيامت ترسندگانند واين قران پندى است با خير و منفعت فرستاديم او را آيا پس شما مر آن انكار كنندگانيد
ولقد اتينا ابراهيم رشده من قبل وكنا به عالمين ● اذ قال
وبتحقيق داديم ابراهيم را راه يافتن پيش از هرون وبوديم ما بدان دانايان چون گفت
لابيه وقومه ما هذه التماثيل التى انتم لها عاكفون ●
مر پدر خود را وگروه خود را كه چه چيزست اين صورتها و شكلها يعنى بتان شما مر آن را مجاورانيد
قالوا وجدنا اباءنا لها عابدين ● قال لقد كنتم انتم
گفتند يافتيم ما پدران خود را مر آنها را پرستندگان گفت هر آنه بتحقيق بوديد شما
واباؤكم فى ضلال مبين ● قالوا اجئتنا بالحق ام انت
و پدران شما در گمراهى روشن پيدا گفتند آيا بيامدى بما براستى يا تو

خمس

من اللاعبين ● قال بل ربكم رب السموات والارض الذى
از بازى كنندگانى گفت بلكه پروردگار شما پروردگار آسمانها و زمينهاست آن خداى
فطرهن وانا على ذلكم من الشاهدين ● وتالله لاكيدن
كه بيافريد زمين و آسمان را و منم برانكه گفتم شما را از گواهان يعنى از روى حق اين گواهى ميدهم و سوگند ياد كرد هر آنه بشكستم

اصنامكم بعد ان تولوا مدبرين ۝ فجعلهم جذاذا الا كبيرا

بتان شمارا بعد از انکه بازکردید شما از صحرا بخانه پس کرد بتانرا پاره پاره مکر بت بزرک

لهم لعلهم اليه يرجعون ۝ قالوا من فعل هذا بالهتنا انه

که مرایشانرا سوی او بازکردند کفتند بروجه که کرد این را بر بتان ما بدرستیکه او

لمن الظالمين ۝ قالوا سمعنا فتى يذكرهم يقال له ابراهيم عشر

هرانه از ستمکاران است کفتند که از قوم شنیدیم که جوانی که یاد میکرد ایشانرا میکویند مراورا ابراهیم

قالوا فأتوا به على اعين الناس لعلهم يشهدون ۝ قالوا ءانت

کفتند پس بیارید اورا بر چشمهای مردمان که همه اورا ببینند تا مکر ایشان کواهی دهند کفتند ایا تو

فعلت هذا بالهتنا يا ابراهيم ۝ قال بل فعله كبيرهم هذا

کردی تو این را بخدایان ما ای ابراهیم کفت ابراهیم بلکه کرد آن را بت بزرکتر ایشان این

ان كانوا ينطقون ۝ فرجعوا الى انفسهم فقالوا انكم انتم الظالمون

اکر هستند سخن کوینده پس باز آمدند بر خویشتن پس کفتند بدرستیکه شما شما ستمکارانید

ثم نكسوا على رءوسهم لقد علمت ما هؤلاء ينطقون ۝ قال خمس

پس درنکس کرد بر سرهای ایشان هرانه میدانی تو نیستند این بتان که سخن کویند کفت

افتعبدون من دون الله ما لا ينفعكم شيئا ولا يضركم ۝ اف

ایا پس چرا پرستید از جز خدای

لكم ولما تعبدون من دون الله افلا تعقلون ۝ قالوا

ایا پس ندارید خرد کفتند

حرقوه وانصروا الهتكم ان كنتم فاعلين ۝ قلنا يا نار كوني

بسوزید ابراهیم را و یاری دهید خدایان خودرا اکر هستید شما کنندکان کفتیم ما ای آتش بباش

بردا وسلاما على ابراهيم ۝ وارادوا به كيدا فجعلناهم الاخسرين عشر

سرد و سلامت بر ابراهیم و خواستند بابراهیم مکر پس کردانیدیم ما ایشانرا زیانکاران

وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ۝ وَوَهَبْنَا
ورهانیدیم ما اورا و لوط را سوی زمین که برکت دادیم ما دران مر عالمیان را و بخشیدیم ما
لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ط وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ۝ وَجَعَلْنَاهُمْ
مر اورا اسحق و نبیره یعقوب درحالتیکه محض عطیه بود و همه را کردانیدیم نیکوکاران و کردانیدیم ایشان را
أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ
پیشروان که راه نمایند بفرمان ما و وحی کردیم ما سوی ایشان کردن نیکیها یعنی عملها و بپای داشتن
الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ ۚ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ۝ وَلُوطًا
نماز و دادن زکوة و بودند مارا پرستندکان و لوط را یاد کن ای محمد
آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ
که دادیم ما اورا حکمت و دانش و برهانیدیم ما اورا از دیهه که بودند میکردند
الْخَبَائِثَ ط إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ ۝ وَأَدْخَلْنَاهُ فِي
عملهای ناشایست بدرستیکه ایشان بودند کروهی بد تباه کاران و درآوردیم لوط را در
رَحْمَتِنَا ط إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ وَنُوحًا إِذْ نَادَىٰ مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا

خمس

بخشایش خود بدرستیکه او از نیکوکاران است و یاد کن ای محمد نوح را چون میخواند پیش ازین ابتلا مر قوم پس اجابت کردیم
لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ۝ وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ
مر اورا پس برهانیدیم اورا و اهل اورا از اندوه بزرک و یاری دادیم اورا از کروه
الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ط إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ
آنانکه تکذیب کردند آیات مارا بدرستیکه ایشان هستند کروه بدی پس غرق کردانیدیم ما ایشان را
أَجْمَعِينَ ۝ وَدَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ
همه و یاد کن ای محمد داود و سلیمان را چون حکم قضا کردند در کشت زار یا باغ تاک درشبی که چرا کردند
فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ ۚ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ۝ فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ
دران کوسفندان آن کروه و بودیم مر حکم ایشان را کواهان پس تفهیم و تعلیم دادیم یعنی بطریق سلیمان

وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَ

وهریک بدادیم حکمت و دانش و رام کردیم با داود کوهها را که تسبیح میکردند و

الطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ● وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ

مسخر کرداندیم او را مرغان و بودیم ما کنندگان وآموختیم ما او را ساختن زره از برای شما تا نگاه دارد شما را

مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ● وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً عشر

از حرب شما پس آیا هستید شما سپاس دارندگان و مر سلیمان را مسخر کردیم باد سخت تند رو

تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ

که میرفت بفرمان او سوی زمین که برکت دادیم در آن و هستیم ما بهمه چیز

عَالِمِينَ ● وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ حزب

دانا و از دیوان که مسخر کردیم که هرکدام غوص کردند در دریا مر او را و میکردند کارها جز

ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ● وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ

این و بودیم مر ایشان را نگاه دارنده و یاد کن ای محمد ایوب را چون خواند خدای خود که رسید مرا رنج

وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ● فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ

و تو بخشاینده ترین بخشاینده گانی پس اجابت کردیم مر او را پس بردیم ما آنچه باو رسیده بود از رنج

وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ

و دادیم او را اهل او و مانند ایشان با ایشان رحمتی از نزد خود و پندی مر پرستندگان را

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ ● وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ خمس

و یاد کن ای محمد اسمعیل و ادریس و ذا الکفل که همه از شکیبایان بودند و در آوردیم ما ایشان را در رحمت خود بدرستیکه ایشان از

وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى

و یاد کن ای محمد ذا النون یعنی یونس علیه السلام که چون شد خشمناک از میان قوم خود پس گمان برد که هرگز تنگ نکنیم براو پس ندا کرد

فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

در تاریکیها در شکم ماهی انکه نیست خدای مگر تو که پاکی تو بدرستیکه منم از ستمکاران بر نفس

فاستجبنا

فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين
پس اجابت کردیم مراورا وبرهانیدیم اورا از اندوه وهمچنین نجات میدهیم گرویدگان را
وزكريا اذ نادى ربه رب لا تذرني فردا وانت خير
ویاد کن قصهٔ ذکریارا چون خواند پروردگار خودرا که ای پروردگار مرا مگذار مرا تنها وتوئی بهترین
الوارثين فاستجبنا له ووهبنا له يحيى واصلحنا له زوجه
وارثان پس اجابت کردیم دعای اورا وبخشیدیم مراورا پسر یحیی نام وباصلاح آوردیم مراورا زن او
انهم كانوا يسارعون في الخيرات ويدعوننا رغبا و
بدرستیکه ایشان بودند که پیش دستی میکردند در نیکیها ومیخواندند مارا برغبت و
عشر رهبا وكانوا لنا خاشعين والتي احصنت فرجها
ترسیدن از عقوبت وبودند مارا ترسندگان وفروتنان ونیز یاد کن آنکه نگهداشت عورت خودرا از حلال وحرام
فنفخنا فيها من روحنا وجعلناها وابنها آية للعالمين ان
پس دردمیدیم دران از روح خود وگردانیدیم مااورا وپسر مریم را نشانه مرجهانیانرا بدرستیکه
ع هذه امتكم امة واحدة وانا ربكم فاعبدون وتقطعوا
این کیش شمایست کیش ملت یگانه ومنم پروردگار شما پس بپرستید وببریدند
امرهم بينهم كل الينا راجعون فمن يعمل من الصالحات
کاردین خودرا میان ایشان همه سوی ما بازگردندگان پس هرکه میکند از کارهای نیک
وهو مؤمن فلا كفران لسعيه وانا له كاتبون وحرام
واو مومن باشد پس ناسپاسی نیست مرسعی اورا وبدرستیکه ما مراورا نویسنده ایم وحرام
خمس على قرية اهلكناها انهم لا يرجعون حتى اذا فتحت
براهل دیهی که هلاک کنیم مااورا بدرستیکه ایشان بازنگردیدند تا چون گشاده شوند
ياجوج وماجوج وهم من كل حدب ينسلون واقترب
یاجوج وماجوج وایشان از هر بلندی شتابنده دوند وشتابنده باشند ونزدیک شد

الوعد الحق فاذا هي شاخصة ابصار الذين كفروا يا ويلنا

وعدهٔ قیامت راست پس چون آنهنگام شود از هول آنروز چشمهای آنانکه نگرویدند گویند ای وای

قد كنا في غفلة من هذا بل كنا ظالمين ۞ انكم وما تعبدون

بتحقیق بودیم ما در غفلت از این روز از بلا بلکه بودیم ما ستمکاران بدرستیکه شما و آنچه می پرستید شما

من دون الله حصب جهنم انتم لها واردون ۞ لو كان

از جز خدای سنگ ریزهٔ دوزخید شما با معبودان خود در آیندگان اگر بودندی

هؤلاء آلهة ما وردوها وكل فيها خالدون ۞ لهم فيها

اینها خدایان در نیامدندی بدوزخ و همه بتان و شیاطین و تبع ایشان جاویدان اند مر ایشانرا

زفير وهم فيها لا يسمعون ۞ ان الذين سبقت لهم منا الحسنى عشر

ناله داینان در آن آتش نشنوند سخن را که بدرستی آنانکه پیشی گرفت مر ایشانرا از جانب ما

اولئك عنها مبعدون ۞ لا يسمعون حسيسها وهم فيما

آنانند که از آتش دوزخ دور شده کانند نشنوند آواز رسیدن آتش و ایشان در آنچه

اشتهت انفسهم خالدون ۞ لا يحزنهم الفزع الاكبر

آرزو کند دلهای ایشان جاودان باشند اندوهگین نکندشان ترس که بزرگتر ترسهاست

وتتلقاهم الملائكة هذا يومكم الذي كنتم توعدون ۞

و استقبال کنند ایشانرا فرشتگان اینست آنروز شما آنانکه بودید شما وعده شدگان

يوم نطوي السماء كطي السجل للكتب كما بدانا اول خلق نعيده وعدا

آن روز که در نوردیم آسمان را چون پیچیدن طومار که بر او کتابت کنند چنانچه آغاز کردیم آفریدن را باز گردانیم

علينا انا كنا فاعلين ۞ ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر

بر ما است وفا کردن بدرستیکه ما کنندگانیم و بتحقیق ثابت کردیم ما در زبور پس از توریه

ان الارض يرثها عبادي الصالحون ۞ ان في هذا لبلاغا خمس

بدرستیکه زمین میراث گیرند بندگان من که شایسته و ستوده اند بدرستیکه هر آینه کفایت است

لقوم

209

لِقَوْمٍ عَابِدِينَ ۝ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ۝ قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ

مر گروهی را که پرستند کانند و نفرستادیم ترا ای محمد مگر بخشایش مر جهانیان را بگو ای محمد جز این نیست که وحی

إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ ۝ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ

بسوی من جز این نیست که خدای شما خدای یگانه است پس آیا هستید شما گردن نهندگان پس اگر روی بگردانند پس بگوی

آذَنتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ ۖ وَإِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ ۝

آگاه کردم شما را بر طریق سویت و نمیدانم که آیا نزدیک است یا دور آنچه وعده کرده شدید

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ۝ وَإِنْ أَدْرِي

بدرستیکه او میداند آشکار آنچه میکنید گفتار و میداند آنچه پنهان میکنید و اگر ندانم من

لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ۝ قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ ۗ

شاید که آن تاخیر آزمایش باشد مر شما را و برخورداری تا هنگام مرگ گفت ای پروردگار من حکم کن بحق

وَرَبُّنَا الرَّحْمَٰنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ۝ سُورَةُ الْحَجِّ مَكِّيَّةٌ ثَمَانٌ وَسَبْعُونَ آيَة

و خدای ما بخشاینده است و طلب یاری از و کنند بر آنچه وصف میکنند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده و مهربان

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ ۚ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ۝

ای مردمان که مکلفید بپرهیزید از عذاب خداوند خود بدرستیکه جنبانیدن قیامت زمین چیزی بزرگ است

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ

آن روز که ببینید بیخبر گردد هر زن شیردهنده از آنچه شیر میدهد و بنهد هر زن آبستن

حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُم بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ

از هول حمل خود را و ببینی مردمان را مستان و نباشند مستان ولیکن

عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ۝ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ

عقوبت خدای سخت است و از مردمان هر که جدال میکند در دین خدای بجز دانش و پیروی میکند

عشر

الحزب
نصف
ربع

كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ۝ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَ

هر دیو رانده شده را نوشته شده براو بدرستیکه شانست که هرکه دوست دارد پس بدرستیکه آن دیو گمراه کند

يَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ

راه مینماید اورا بسوی عقوبت آتش سوزنده ای مردمان اگر هستید شما در شک

مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ

از برانگیختن پس بدرستیکه بیافریدیم شمارا از خاک پس از نطفه یعنی منی پس از پاره خون بسته

ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي

پس از قطعه گوشت تمام خلقت وجز تمام خلقت تا بیان کنیم مر شمارا و آرام دهیم در

الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا

زهدانهای مادران آنچه خواهیم بسوی وقتی نامبرده شده پس بیرون آریم شمارا در حالتیکه کودک باشید پس از آن برسید

أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ

بکمال سختیهای خود در قوت و فهم خود اکیست که فوت شود پیش و از شما کیست که باز گردانیده شود بسوی فروتر زندگانی

لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا

که خرافت تا بدانند از پس دانستن چیزی و بینی تو زمین را خشک پژمرده پس چون

أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ

فرستیم ما بران آب باران جنبش کند و بر آید مانند خمیر مایه دار و برویاند از هر صنف نبات

بَهِيجٍ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

تر و تازه اینست بدرستیکه خدای که اوست ثابت در خدائی خود و او زنده میگرداند مردگان را و بدرستیکه او بر همه چیز

قَدِيرٌ ۝ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي

تواناست و بدرستی که قیامت آینده است نیست شکی دران و بدرستیکه خدای برمی انگیزد آنکه در

الْقُبُورِ ۝ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا

گورهایند و از مردمان کسی هست که مجادله میکند در کلام خدای بی دانشی و نه راه است و نه

خمر

کتاب

كتاب منير ۝ ثاني عطفه ليضل عن سبيل الله له في الدنيا خزي
کتابی روشن درحالتیکه بجیده است عنان تا گمراه کند مرد را از راه خدا مر او راست درین جهان خواری
ونذيقه يوم القيامة عذاب الحريق ۝ ذلك بما قدمت يداك
وبچشانیم اورا روز قیامت عذاب سوزان این عذاب بدانست که پیش فرستاده است دو دست تو
عشر وان الله ليس بظلام للعبيد ۝ ومن الناس من يعبد الله على حرف
وبدرستیکه خدا نیست ستم کننده مر بندگان را واز مردمان کسی هست پرستند خدا را بر جنبیدن
فان اصابه خير اطمان به وان اصابته فتنة انقلب على وجهه
پس اگر برسد اورا نیکوئی بیارامد بدان واگر برسد اورا ابتلا وازمایش برگردد بر روی خود
خسر الدنيا والاخرة ذلك هو الخسران المبين ۝ يدعوا من دون
زیان کار درین جهان ودر آنجهان اینست او زیان کاری روشن میخواند از جز
الله ما لا يضره وما لا ينفعه ذلك هو الضلال البعيد ۝ يدعوا
خدا انچه نه زیان کند اورا وانچه نه سود رساند اورا اینست آن گمراهی دور از مقصد میخواند
لمن ضره اقرب من نفعه لبئس المولى ولبئس العشير ۝ ان الله
مرانکه آن زیان نزدیکترست از سود او وهر آینه بد یاریست وبد مصاحبیست بدرستیکه خدا
يدخل الذين امنوا وعملوا الصالحات جنات تجري من تحتها
درمی آرد آنانکه گرویدند وکارهای نیکو کردند بستانهائیکه میرود از زیر ان
الانهار ان الله يفعل ما يريد ۝ من كان يظن ان لن ينصره
جویها بدرستیکه خدا میکند انچه میخواهد هرکه باشد از کفار که گمان برد که هرگز یاری نکند
الله في الدنيا والاخرة فليمدد بسبب الى السماء ثم ليقطع فلينظر
خدای در دنیا وآخرت پس بنگرد
خمس هل يذهبن كيده ما يغيظ ۝ وكذلك انزلناه ايات بينات
ایا میبرد حیله او انچه خشم آورد وهمچنین فرستادیم ما اورا آیتها روشن

وَأَنَّ اللّٰهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَ
وبدرستیکه خدا راه مینماید هرکه را می خواهد بدرستی اناکه کرویدند واناکه جهود شدند و
الصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَىٰ وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللّٰهَ يَفْصِلُ
ستاره پرستان باکفار که از دین بنجی نقل کنند وترسایان واناکه انباز گرفتند بدرستیکه خدا جدائی افکند
بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللّٰهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ
میان ایشان روز قیامت بدرستیکه خدا بر همه چیز گواه است آیا نمی بینی بدرستیکه خدا
يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ
سجده میکنند اورا هرکه در آسمانها وهرکه در زمینهاست وآفتاب وماه وستارگان
وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ
وکوهها ودرختان وچهارپایان وبسیاری از مردمان وبسیاری سزاوار شده
عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ
بران عقوبت بر سجود نکردن وهرکه را خار کرده خدای پس نباشد مر اورا گرامی کننده بدرستیکه خدا میکند
مَا يَشَاءُ ۝ هَٰذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا
انچه میخواهد این دو گروه خصومت کردند در دین خدای خود پس اناکه نگرویدند
قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ
بریده شده است مر ایشان را جامها از آتش دوزخ فرو میریزد از بالای سرهای ایشان آب گرمی
يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ ۝ وَلَهُمْ مَقَامِعُ مِنْ حَدِيدٍ ۝
که میگدازد بدان انچه در شکمهای ایشان است وپوستهای ایشان ومر ایشان راست گرزها از آهن
كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا
هرگاه خواهند بیرون روند ازان آتش از اندوه بازگردانند ایشان را دران وبچشانند
عَذَابَ الْحَرِيقِ ۝ إِنَّ اللّٰهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
عقوبت آتش سوزان را بدرستیکه خدا در می آرد آنان را که بگرویدند بکردار نیکو

سجده مسنونه

عشر

جنات

جنات تجري من تحتها الانهار يحلون فيها من اساور من
بوستانها که جاری است از زیر آنها جویها آراسته می‌شوند دران از
ذهب ولؤلؤا ولباسهم فيها حرير ۝ وهدوا الى الطيب من
جنس طلا بشی و مروارید و پوشاک ایشان درانجا ابریشم خالص وراه نموده شوند باکیزه‌ها از
القول وهدوا الى صراط الحميد ۝ ان الذين كفروا ويصدون
گفتار وراه نموده شوند سوی راه ستوده بدرستی آنانکه نگرویدند و باز میدارند
عن سبيل الله والمسجد الحرام الذي جعلناه للناس سواء
از راه خدای ومسجد حرام آن مسجدی که ساختیم آنرا مردمان را یکسان
العاكف فيه والباد ومن يرد فيه بالحاد بظلم نذقه من
مقیم دران واینده از بادیه و هرکه اراده کند در حرم کردیدن بسبب ظلم بچشانیم اورا از
عذاب اليم ۝ واذ بوانا لابراهيم مكان البيت ان لا تشرك
عقوبت دردناک یاد کن ای محمد چون مرجع کردیم ما ابراهیم را جای خانه کعبه را وگفتیم انباز مگیر
بي شيئا وطهر بيتي للطائفين والقائمين والركع السجود ۝
در چیزی وپاک کن خانه مرا از بتان مر طواف کنندگان و نماز کنندگان در کوع کنندگان و سجود کنندگان
واذن في الناس بالحج ياتوك رجالا وعلى كل ضامر
وندا کن ای ابراهیم درمیان مردمان بزیارت خانه کعبه تا بیایند پیاده مردم و بر حالتیکه سوار باشند
ياتين من كل فج عميق ليشهدوا منافع لهم ويذكروا
بیایند از هر راه فراخ که دور باشد تا بیایند منفعتهای نزدیک مر ایشان باشد و یاد کنند
اسم الله في ايام معلومات على ما رزقهم من بهيمة الانعام
نام خدا را در روزهای دانسته شده ذیحجه بر آنچه روزی دادیم ایشان را از جانوران و چهارپایان
فكلوا منها واطعموا البائس الفقير ۝ ثم ليقضوا تفثهم
پس بخورید از ان و بخورانید بیچاره درویش را پس بتراشند سرهای خود را

خمس

وليوفوا نذورهم وليطوفوا بالبيت العتيق ۝ ذلك ومن يعظم
وتمام کنند پیمانهای خود را و هر آینه طواف کنند بگرد خانه کهنه این کسی است که بزرگ دارد
حرمات الله فهو خير له عند ربه واحلت لكم الانعام الا
حرمتهای خدا پس آن بهترست مر او را نزد پروردگار او و حلال کرده شد مر شما را چهارپایان مگر
ما يتلى عليكم فاجتنبوا الرجس من الاوثان واجتنبوا
آنچه خوانده شود بر شما پس پرهیزید از پلیدی از بتان و پرهیزید
قول الزور ۝ حنفاء لله غير مشركين به ومن يشرك بالله عشر
از گفتار دروغ در حالتی که پاک شده باشید مر خدا را جز او انباز گیرندگان بدان و هر که انباز میگیرد بخدای
فكانما خر من السماء فتخطفه الطير او تهوي به الريح
پس چنانستی که بیفتد از آسمان پس بربایند او را مرغان یا بیفکند او را باد
في مكان سحيق ۝ ذلك ومن يعظم شعائر الله فانها من
در جائی دور اینست جزا آن و هر که بزرگ دارد نشانهای خدای پس بدرستیکه آن از
تقوى القلوب ۝ لكم فيها منافع الى اجل مسمى ثم محلها
پرهیزکاری دلهاست مر شماراست در آن سودها سوی وعده نامبرده شده پس حلال جای قربان است
الى البيت العتيق ۝ ولكل امة جعلنا منسكا ليذكروا اسم
سوی خانه کهنه آزاد کرده شده و مر هر گروهی را گردانیدیم ما جای عبادتگاه تا یاد کنند نام
الله على ما رزقهم من بهيمة الانعام فالهكم اله واحد
خدای را بر آنچه روزی کردیم ایشان را از جانوران چهارپایان پس خدای شما خدای یگانه است
فله اسلموا وبشر المخبتين ۝ الذين اذا ذكر الله وجلت
پس مر او راست که گردن نهند و بشارت ده فرمانبرداران را آنانکه چون یاد کرده شود خدا بترسند دلهای ایشان
والصابرين على ما اصابهم والمقيمي الصلوة ومما رزقناهم
و شکیبائی کنندگان بر آنچه برسد ایشان را و برپا دارندگان نماز و از آنچه روزی کردیم ما ایشان را

ينفقون

خمس

ينفقون ۝ والبدن جعلناها لكم من شعائر الله لكم

نفقه میکنند و اشتران و گاوان قربانی بکردیم ما آن مر شمارا از نشانهای خدا مر شمارا

فيها خير فاذكروا اسم الله عليها صواف فاذا وجبت

دران نیکویست پس یاد کنید نام خدای را بران صف زدگان پس چون بیارامد

جنوبها فكلوا منها واطعموا القانع والمعتر كذلك

پهلوهای ایشان پس بخورید ازان و طعام دهید محتاجی را که طلب کند و محتاجی که بزبان سوال کند همچنین

سخرناها لكم لعلكم تشكرون ۝ لن ينال الله لحومها

سخر کردیم ما ازا برای شما مگر شمارا که سپاسداری کنید هرگز نرسد خدای عزوجل را گوشتهای آن

ولا دماؤها ولكن يناله التقوى منكم كذلك سخرها

و نه خونهای آن ولیکن میرسد اورا پرهیزکاری از شما همچنین فرمان بردار کرد

لكم لتكبروا الله على ما هداكم وبشر المحسنين ۝ ان الله يدافع

مر شمارا تا به بزرگی یاد کنند خدای را بر آنچه راه نمود شمارا و مژده ده نیکوکاران بدرستی که خدای باز میدارد

ع

عن الذين امنوا ان الله لا يحب كل خوان كفور ۝ اذن للذين

از آنانکه گرویدند بدرستیکه خدای ندارد دوست هر خیانت کننده ناگرویده را دستوری داده شد مر آنان را که

ثلثه الربع

يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم لقدير ۝ الذين

کارزار کنند بدانکه ایشان ستم کرده شوند و بدرستیکه خدای بر یاری دادن ایشان هرآئنه توانا است آنانکه

اخرجوا من ديارهم بغير حق الا ان يقولوا ربنا الله ولولا دفع

بیرون آورده شدند از خانهای خود بجز حق واجب مگر آنکه میگویند پروردگار ما خدا است و اگر نبودی که باز داشتی

الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع وبيع وصلوات

خدای مردمان را بعضی ایشان به بعضی ویران میکردند صومعها و کلیساهای ترسایان و جایگاه نمازهای جهودان

ومساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا ولينصرن الله من ينصره

و جای نماز مسلمانان که یاد کرده می شود در آن نام خدای بسیار و هرآئنه یاری میکند خدای کسی را که یاری میکند محمد را

إِنَّ اللّٰهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا

بدرستیکه خدا هر آینه توانای ارجمندست آنانکه اگر جای دهیم ایشانرا در زمین بپای دارند

الصَّلٰوةَ وَآتَوُا الزَّكٰوةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ

نماز را و بدهند زکوة را و بفرمایند مردم را بنیکوئی و بازدارند از بدی

وَلِلّٰهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ۝ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ

و مر خدار است سرانجام کارها و اگر دروغ زن ترا ای محمد ص پس بتحقیق تکذیب کردند پیش از ایشان

قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ ۝ وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ ۝ وَأَصْحَابُ

گروه نوح و گروه عادیان و ثمودیان و گروه ابراهیم و گروه لوط و اهل

مَدْيَنَ وَكُذِّبَ مُوسَىٰ فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ۝ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ

مدین و تکذیب کرده شد موسی پس امان دادم مر کافران را پس بگرفتم ایشانرا

فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ۝ فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ

پس چگونه بود عقوبت منکر روا پس چقدر از اهل دیهی که هلاک کردیم ماآنرا و این ستمکار بود

فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ ۝ أَفَلَمْ يَسِيرُوا

پس آن برافتاده است بر سقفهای آن و چاههای آن واگذاشته و قصرهای آن مستحکم آیا پس بروند

فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ

در زمین پس بوده باشد مر ایشانرا دلها که دریابند بدان یا گوشها که

يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلٰكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي

می شنوند بدان پس بدرستیکه بینا نیست چشمهای ایشان ولیکن کورست دلهای آنانکه

فِي الصُّدُورِ ۝ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللّٰهُ وَعْدَهُ

در سینهای ایشانست و میشتابند ترا ای محمد ترا بعذاب و هرگز خلاف نکند خدای تعالی وعده

وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ ۝ وَكَأَيِّنْ

و بدرستیکه روز قیامت نزد خدای تو همچون هزار سال است از آنچه میشمارند و چندی

عشر

ظاهر مراد از نزول این آیه کریمه
و ان یکذبوک تخفیف تسلیه و
دل آسائی حضرت پیغمبر
که اگر کفار ترا تکذیب کنند اندوهگین
مباش که بر پیغمبران پیش هم
واقع شده باقی العهده

خمس

من قرية أمليت لها وهي ظالمة ثم أخذتها وإلي المصير ۝
از اهل دهی که مهلت دادم مر ازا وان ستمکار بود پس بگرفتم آن را وسوی منست بازگشت
قل يا أيها الناس إنما أنا لكم نذير مبين ۝ فالذين آمنوا
بگو ای محمد که ای مردمان جز این نیست که منم مر شمارا بیم کننده ام روشن وپیدا پس آنانکه گرویدند
وعملوا الصالحات لهم مغفرة ورزق كريم ۝ والذين
وکردار نیکو کردند مرایشان راست بخشایش وروزی گرامی وآنانکه
سعوا في آياتنا معاجزين أولئك أصحاب الجحيم ۝ وما أرسلنا
مجادله کردند در نشانهای ما معجزه طلبان ایشانند باشندگان دوزخ ونفرستادیم ما
من قبلك من رسول ولا نبي إلا إذا تمنى ألقى الشيطان
پیش از تو ای محمد از هیچ پیغمبری ونه خبر دهنده مگر چون بخواندی می افکند شیطان

ع

في أمنيته فينسخ الله ما يلقي الشيطان ثم يحكم الله آياته
درخواندن آن پس ناپدید کرد خدای آنچه می افکند شیطان پس استوار میکند خدای نشانهای خودرا
والله عليم حكيم ۝ ليجعل ما يلقي الشيطان فتنة للذين في
وخدای داناست محکم کار تا بکند آنچه می افکند شیطان آزمودنی مر آنانرا که در
قلوبهم مرض والقاسية قلوبهم وإن الظالمين
دلهای ایشان بیماری کفر ونفاق است وسخت است دلهای ایشان وبدرستیکه ستمکاران
لفي شقاق بعيد ۝ وليعلم الذين أوتوا العلم أنه الحق من
هر آینه در خلاف دورند واز برای آنکه بدانند آنانکه داده شدند دانش را بدرستیکه آن راست از
ربك فيؤمنوا به فتخبت له قلوبهم وإن الله لهاد الذين
خداوند تو پس گرویدند بدان پس فروتنی کند مر آن را دلهای ایشان وبدرستیکه خدای هر آینه راه نماینده است آنانرا که
آمنوا إلى صراط مستقيم ۝ ولا يزال الذين كفروا في مرية
گرویدند سوی راه راست وهمیشه آنانکه نگرویدند در شک اند

منه حتى تأتيهم الساعة بغتة أو يأتيهم عذاب يوم عقيم

ازان تا بیاید ایشان را قیامت ناگهان یا بیاید ایشان را عقوبت روزی بزرگ

الملك يومئذ لله يحكم بينهم فالذين آمنوا وعملوا الصالحات

و پادشاهی آن روز مر خدای راست حکم میکند میان ایشان پس آنانکه گرویدند و کردار نیکو کردند

في جنات النعيم والذين كفروا وكذبوا بآياتنا فأولئك

در بستانهای با نعمت اند و آنانکه نگرویدند و تکذیب کردند نشانهای ما پس ایشان اند

لهم عذاب مهين والذين هاجروا في سبيل الله ثم

که مر ایشان راست عقوبت خوار کننده و آنانکه هجرت کردند در راه خدای پس

قتلوا أو ماتوا ليرزقنهم الله رزقا حسنا وإن الله لهو خير

کشته شدند و مرده اند هر آینه روزی دهد ایشان را خدا روزی نیکو و بدرستیکه خدای مر اوراست بهترین

الرازقين ليدخلنهم مدخلا يرضونه وإن الله لعليم حليم

روزی دهندگانست که هر آینه در می آرد ایشان را در جایکه می پسندند آن را و بدرستیکه خدا هر آینه داناست بردبار

ذلك ومن عاقب بمثل ما عوقب به ثم بغي عليه لينصرنه

اینست و هر که عقوبت کرد بمانند آنچه عقوبت کرده بدو پس ستم کرده شود براو هر آینه یاری دهد او را

الله إن الله لعفو غفور ذلك بأن الله يولج الليل في النهار

خدای بدرستیکه خدا هر آینه عفو کننده و آمرزنده است اینست بدرستیکه خدا بیرون می آورد شب را در روز

ويولج النهار في الليل وأن الله سميع بصير ذلك بأن الله

و بیرون می آورد روز را در شب و بدرستیکه خدا شنوا و بیناست اینست بدرستیکه خدای

هو الحق وأن ما يدعون من دونه هو الباطل وأن الله هو

داو است سزاوار پرستش و بدرستیکه آنچه را می خوانند از جز او آن باطلست و بدرستیکه خدا او

العلي الكبير ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء فتصبح الأرض

برتر بزرگ آیا نمی بینی بدرستیکه خدا فرستاد از آسمان آبی پس شد زمین

خمس

حزب ع

عشر

مخضرة

ع

مُخْضَرَّةً إِنَّ اللّٰهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

سبز و خرم بدرستیکه خدا لطف کننده و آگاه است مراوراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است

وَإِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي

و بدرستیکه خدا هر آینه او بی نیاز است ستوده آیا نمی بینی بدرستیکه خدا مسخر گردانید مر شما را آنچه در

الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ

زمین است و کشتی را که میرود در دریا بفرمان او و نگاه میدارد آسمان را از آنکه بیفتد

عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ وَهُوَ

خمس

بر زمین مگر بفرمان او بدرستیکه خدا بمردمان هر آینه مهربان و بخشاینده است و او

الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ ۝

آن خدائیست که زنده کرد شما را پس بمیراند شما را پس زنده کند شما را بدرستیکه آدمیان هر آینه ناسپاسند

منسکا می تواند بود که مراد از مناسک حج و قربانگاه باشد

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُنَّكَ

از برای آنکه هر گروهی گردانیدیم ما طریقه و روشی که ایشان متابعت کنند آنرا پس بیکار نکنند با تو

فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٍ ۝ وَإِنْ

در کار تو و بخوان سوی خداوند خود بدرستیکه هر آینه بر راه راستی و اگر

جَادَلُوكَ فَقُلِ اللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ اللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ

مجادله کنند با تو پس بگو خدای داناتر است بآنچه میدانند خدا داوری میکند میان شما

يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۝ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللّٰهَ

روز قیامت در آنچه هستید شما در آن خلاف کنندگان آیا نمی دانید بدرستیکه خدا

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذٰلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذٰلِكَ

میداند آنچه در آسمانها و در زمینهاست بدرستی اینست در کتاب بدرستی که اینست

عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ ۝ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا

عشر

بر خدا آسان و می پرستند از جز خدای آنچه نفرستاده است بدان حجتی

وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ۝ وَإِذَا تُتْلَىٰ

و آنچه نیست مر ایشان را بدان دانشی و نیست مر ستمکاران را کسی یاری دهنده و چون خوانده شود

عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ

بر ایشان آیتهای ما روشن و پیداست همین بینند در رویهای آنانکه نگرویدند ناخوشی

يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُمْ

خواهند که بیفتند بر آنانکه میخوانند بر ایشان آیات ما بگو ای محمد آیا بی آگاه کنم

بِشَرٍّ مِنْ ذَٰلِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ

بتر از آن آتش و وعده کرد آن را خدای آنان را که نگرویدند و بد جای

الْمَصِيرُ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ

بازگشتنیست ای مردمان زده شد مثلی پس بشنوید مر آن را بدرستی آنانکه

تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ

میخوانند از جز خدای هرگز نتوانند آفرید مگسی را و اگر گرد آیند همه مر آن را و اگر

يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَ

رباید از ایشان مگسی چیزی را نتوانند رهانید آن را از و ضعیف کرده شود جوینده و آنکه

الْمَطْلُوبُ ۝ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝ اللَّهُ

او را می جویند و نشناختند خدا سزاوار شناخت او بدرستیکه خدا هر آینه توانا و ارجمندست خدا

يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

میگزیند از فرشتگان پیغمبری و از مردمان بدرستی که خدا شنوا و بینا

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝

میداند آنچه میان روی ایشانست و آنچه پس پشت ایشانست و سوی خدا بر میگردد کارها

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا

ای آنانکه گرویدید رکوع کنید و سجود کنید و پرستش کنید پروردگار خویش را و بکنید

ع

خمس

سجده مسنونه

الخير لعلكم

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در هر شب جمعه سورهٔ مومنون را بخواند حق تعالی او را بخیر گرداند و در فردوس اعلی منزلش او دهند که با منزل پیغمبران باشد

الخیر لعلکم تفلحون ۝ وجاهدوا فی الله حق جهاده هو

کار نیکو تا مگر باشید شما که رستگار یابید وجهاد کردند در عبادت خدا سزاوار کوشش او او

اجتبیکم وما جعل علیکم فی الدین من حرج ملة ابیکم

برگزید شمارا و نکرد برشما در دین از تنگی دین پدر شما

ابراهیم هو سمیکم المسلمین من قبل وفی هذا لیکون

ابراهیم او نام کرد شمارا مسلمانان پیش ازین ودرین تا باشد

الرسول شهیدا علیکم وتکونوا شهداء علی الناس

پیغمبررا گواهی برشما وباشید شما گواهان برمردمان

فاقیموا الصلوة واتوا الزکوة واعتصموا بالله هو مولیکم

پس بپای دارید نماز را وبدهید زکوة را وچنگ زنید بخدای اوست خداوند شما

فنعم المولی ونعم النصیر

سورة المؤمنون مکیة مائة وثمان وعشر ایة

پس نیکو خداوندیست ونیکو یاری دهنده ایست

بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده ومهربان

قد افلح المؤمنون ۝ الذین هم فی صلاتهم خاشعون ۝

بتحقیق رستگار شدند گروندگان آنانکه ایشان اند در نمازهای خویش ترسندگان

والذین هم عن اللغو معرضون ۝ والذین هم للزکوة

وآنانکه ایشان از سخن بیهوده روی گردانندگانند وآنانکه ایشان مرزکوة را

فاعلون ۝ والذین هم لفروجهم حافظون ۝ الا علی ازواجهم

اداکنندگانند وآنانکه ایشان مرعورتهای خود نگاه دارندگانند مگر بر جفتان خویش

او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین ۝ فمن ابتغی

یا آنچه مالک باشد دستهای ایشان یعنی کنیزان پس بدرستیکه ایشان ملامت کرده نشوند پس هر که بجوید

۱۸

الجزو الثامن عشر

خمس

وراء ذلك فاولئك هم العادون ○ والذين هم لاماناتهم
جز آن پس ایشانند ایشان از حد گذرندگان وآنانکه ایشان مرامانتهای خویش
وعهدهم راعون ○ والذين هم على صلواتهم يحافظون ○
وعهد خویش رعایت کنندگان وآنانکه ایشان بر نمازهای خویش محافظت کنندگانند
اولئك هم الوارثون ○ الذين يرثون الفردوس هم فيها عشر
ایشانند ایشان که میراث میگیرند آنانکه میراث میگیرند بهشت فردوس را ایشان در آن
خالدون ○ ولقد خلقنا الانسان من سلالة من طين ○
جاودانه باشند وهرآینه بیافریدیم ما مردمان را از پارچه از گل
ثم جعلناه نطفة في قرار مكين ○ ثم خلقنا النطفة علقة
پس گردانیدیم آب منی را خون بسته در آرامش استوار پس بیافریدیم ما آب منی را خون بسته
فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظاما فكسونا
پس بیافریدیم خون بسته را گوشت پاره پس بیافریدیم ما گوشت پاره را استخوانها پس پوشیدیم ما
العظام لحما ثم انشاناه خلقا آخر فتبارك الله احسن
استخوانها را گوشت پس بگردیدیم ما او را آفرینش دیگر پس بزرگست خدا بهترین
الخالقين ○ ثم انكم بعد ذلك لميتون ○ ثم انكم يوم خمس
آفرینندگان پس بدرستیکه شما پس این هرآینه مردگانند پس بدرستیکه ایشان روز
القيامة تبعثون ○ ولقد خلقنا فوقكم سبع طرائق
قیامت برانگیخته شوندگانند وهرآینه بتحقیق بیافریدیم ما بر زبر شما هفت طبقه آسمان را
وما كنا عن الخلق غافلين ○ وانزلنا من السماء ماء بقدر
ونبودیم ما از آفرینش بیخبران وفرستادیم از آسمان باران باندازه
فاسكناه في الارض وانا على ذهاب به لقادرون ○
پس قرار دادیم ما آن را در زمین وبدرستیکه ما بر بردن بدان هرآینه توانا باشیم

فانشانا لکم

فأنشأنا لكم به جنات من نخيل وأعناب لكم فيها
پس آفریدیم مامر شمارا بدان بستانها از خرمابنان وتاکهای انگور مر شمارا دران
فواكه كثيرة ومنها تأكلون ۝ وشجرة تخرج من طور
میوهها بسیاری وازان میخورند ودرختیکه بیرون می آید از کوه
عشر سيناء تنبت بالدهن وصبغ للآكلين ۝ وإن لكم في
سینا برویید بروغن ونان خورشی مرخورندگان را وبدرستیکه مر شمارا است در
الأنعام لعبرة نسقيكم مما في بطونها ولكم فيها منافع
چهارپایان هرآینه عبرتست می‌شامانیم شمارا ازانچه در شکمهای ایشانست از شیر ومر شمارا دران سودهای
كثيرة ومنها تأكلون ۝ وعليها وعلى الفلك تحملون ۝
بسیار وازان میخورند وبران چهارپایان و بر کشتی بارمیکنید
ولقد أرسلنا نوحا إلى قومه فقال يا قوم اعبدوا الله
وهرآینه تحقیق فرستادیم مانوح را سوی گروه او پس گفت ای گروه بپرستید خدای را
ما لكم من إله غيره أفلا تتقون ۝ فقال الملأ الذين
نباشد مر شمارا کسی خدا جز او آیا پس نمی پرهیزید پس گفتند گروه انانکه
كفروا من قومه ما هذا إلا بشر مثلكم يريد أن يتفضل
نگرویدند از گروه او نیست این مگر آدمی مانند شما میخواهد که تفضل کند
عليكم ولو شاء الله لأنزل ملائكة ما سمعنا بهذا
برشما واگر خواهد خدا هرآینه فرو فرستد فرشتگان را نشنویم ما باین
في آبائنا الأولين ۝ إن هو إلا رجل به جنة فتربصوا به حتى
در پدران ما پیشینیان نیست آن مگر مردی که بر او دیوانگیست پس چشم دارید بدو تا
خمس حين ۝ قال رب انصرني بما كذبون ۝ فأوحينا إليه أن اصنع
زمان مرگ گفت نوح ای خداوند یاری کن مرا بانچه دروغ زن داشتند پس وحی کردیم ماسوی او که بساز

الفلك باعيننا ووحينا فاذا جاء امرنا وفار التنور فاسلك
کشتی را بیاری دادن ما والهام ما پس چون بیامد فرمان ما بعذاب وبجوشید تنور آب پس درآر
فيها من كل زوجين اثنين واهلك الا من سبق عليه
دران کشتی از هر صنفی جفتان دوگانه واهل خود را مگر کسی که پیش شد براو
القول منهم ولا تخاطبني في الذين ظلموا انهم مغرقون
گفتار عذاب از ایشان وسخن مگوی با من در انانکه ستم کردند بدرستیکه ایشان غرق شدگانند
فاذا استويت انت ومن معك على الفلك فقل الحمد لله
پس چون راست ایستادی تو وهرکه با تو است بر کشتی پس بگوی سپاس مر خدای را
الذي نجينا من القوم الظلمين وقل رب انزلني منزلا مباركا
انخدای که رهانید ما را از گروه ستمکاران وبگوی خداوند من فرود آر مرا فرود آوردنی مبارک
وانت خير المنزلين ان في ذلك لايت وان كنا لمبتلين عشر
وتوئی بهترین فرود آورندگان بدرستیکه در این نشانهاست واینکه بودیم ما هر اینه ازمودگان
ثم انشانا من بعدهم قرنا اخرين فارسلنا فيهم رسولا منهم
پس بیافریدیم از پس ایشان گروهی دیگر پس فرستادیم ما در ایشان پیغمبری از ایشان
ان اعبدوا الله ما لكم من اله غيره افلا تتقون وقال
که پرستند خدای را نیست مر ایشان را کسی خدا مگر او ایا پس نمی پرهیزید وگفت
الملا من قومه الذين كفروا وكذبوا بلقاء الاخرة واترفنهم
گروهی از گروه او انانکه نگرویدند وتکذیب کردند بدیدن آنجهان ونعمت دادیم ایشان را
في الحيوة الدنيا ما هذا الا بشر مثلكم ياكل مما تاكلون
در زندگی دنیا نیست این مگر آدمی مانند شما میخورد ازانچه میخورید شما
منه ويشرب مما تشربون ولئن اطعتم بشرا مثلكم انكم
ازان ومی اشامد ازانچه می اشامید شما واگر فرمان بردار شدید شما آدمی که مانند شماست بدرستیکه

اذا

اِذاً لَخاسِرُونَ ۝ اَيَعِدُكُمْ اَنَّكُمْ اِذا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُراباً وَعِظاماً
آنگاه هرآئنه از زیان کاران باشید ایا وعده میکند شمارا بدرستیکه شما چون بمیرید وشوید خاکی واستخوانی
اَنَّكُمْ مُخْرَجُونَ ۝ هَيْهاتَ هَيْهاتَ لِما تُوعَدُونَ ۝ اِنْ هِيَ
خمس
بدرستیکه شما بیرون آورده شوید دورست دورست مرانچه شما وعده کرده شوید نیست این
اِلاّ حَياتُنا الدُّنْيا نَمُوتُ وَنَحْيا وَما نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ۝ اِنْ هُوَ
مگر زندگانی ما اینجهان بمیریم وزنده شویم ونیستیم ما برانگیختگان نیست او
اِلاّ رَجُلٌ افْتَرى عَلَى اللهِ كَذِباً وَما نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ۝ قالَ
مگر مردی که بربندد برخدا دروغی ونیستیم ما مر او را گرویدگان گفت
رَبِّ انْصُرْنِي بِما كَذَّبُونِ ۝ قالَ عَمّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نادِمِينَ ۝
عشر
ای خداوند من یاری کن مرا بدانچه کردند تکذیب مرا گفت ازانچه اندکی هرآئنه بامداد کنند پشیمان شدگان
فَاَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْناهُمْ غُثاءً فَبُعْداً لِلْقَوْمِ
پس بگرفت ایشان را بانگ عذاب براستی پس گردانیدیم ما ایشان را مانند خاک پس دوری باد مر گروه
الظّالِمِينَ ۝ ثُمَّ اَنْشَأْنا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُوناً آخَرِينَ ۝ ما تَسْبِقُ
ستمکاران را پس بیافریدیم ما از پس ایشان گروههائی دیگر انچه پیش شود
مِنْ اُمَّةٍ اَجَلَها وَما يَسْتَأْخِرُونَ ۝ ثُمَّ اَرْسَلْنا رُسُلَنا تَتْرى
از گروهی مهلت ایشان ونه درنگ کنند پس فرستادیم ما پیغمبران خود را پی در پی
كُلَّما جاءَ اُمَّةً رَسُولُها كَذَّبُوهُ فَاَتْبَعْنا بَعْضَهُمْ بَعْضاً
هرگاه بیاید گروهی را پیغمبر ایشان تکذیب کنند او را پس پیرو کردیم بعضی ایشان را ببعضی
وَجَعَلْناهُمْ اَحادِيثَ فَبُعْداً لِقَوْمٍ لا يُؤْمِنُونَ ۝ ثُمَّ اَرْسَلْنا
وگردانیدیم ما ایشان را حدیث ها پس دوری باد مر گروهی راکه نگروید ایشان پس فرستادیم ما
مُوسى وَاَخاهُ هارُونَ بِآياتِنا وَسُلْطانٍ مُبِينٍ ۝ اِلى فِرْعَوْنَ
خمس
موسی را وبرادر او هرون را بنشانهای ما وحجتهای پیدا سوی فرعون

وَمَلَائِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ ۝ فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ

و مهتران گروه او پس گردنکشی کردند و بودند ایشان گروهی برتران پس گفتند آیا گرویم ما

لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ ۝ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا

مراین دو آدمی مانند ما و گروه ایشان مارا پرستندگانند پس تکذیب کردند موسی و هرون را پس بودند

مِنَ الْمُهْلَكِينَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ۝

از هلاک کرده شدگان و هر آینه بتحقیق دادیم ما موسی را توریت تا مگر ایشان راه یابند

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ

و گردانیدیم پسر مریم را و مادر او را نشانی و جای دادیم ایشان را بسوی تل بلندی جایگاه آرام

وَمَعِينٍ ۝ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا عشر ع

و آب روان ای پیغمبران بخورید از پاکیزگیها و بکنید کارهای نیکو

إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ۝ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ

بدرستیکه من بدانچه میکنید دانا ام و بدرستیکه این گروه شما گروهی یگانه است و منم پروردگار شما

فَاتَّقُونِ ۝ فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ

پس بپرهیزید مرا پس پاره کردند کار خویش را میان ایشان کتاب خدا را هر گروهی بدانچه نزد ایشان است
یعنی اختلاف کردند پاره پاره کردند

فَرِحُونَ ۝ فَذَرْهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ حَتَّى حِينٍ ۝ أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ

شاد مانند پس بگذار ایشان را در بیهوشی ایشان تا هنگام مرگ آیا می پندارند آنچه افزودیم ایشان را

بِهِ مِنْ مَالٍ وَبَنِينَ ۝ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ خمس

بان از مال و فرزندان می شتابیم مرایشان را در نیکوییها بلکه نمیدانند

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ

بدرستی آنانکه ایشان از خوف خدای خویش ترسندگانند و آنانکه ایشان بنشانهای

رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ۝ وَالَّذِينَ

پروردگار خویش گرویدند و آنانکه ایشان به پروردگار خویش انباز نمیگیرند و آنانکه

عشر
يُؤْتُونَ مَا آتَوا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ
بطاعت و عبادت بکردند مر آنچه اورند به آنچه آمده و دلهاء ایشان ترسی بود بدرستیکه ایشان سوی پروردگار خویش بازگردندگانند
أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ وَلَا نُكَلِّفُ
ایشانند که می شتابند در نیکوئیها و ایشان مرانرا پیشی گیرندگانند و نکنیم تکلیف ما
نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
نفسی را مگر بقدر استطاعت او و نزد ما کتابیست که سخن میگوید براستی و ایشان ستم کرده نشوند
بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَلِكَ
بلکه دلهاء ایشان در بیهوشیست از این و مر ایشانرا کردار است از جز این
هُمْ لَهَا عَامِلُونَ حَتَّى إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ
که ایشان مرانرا کنندگانند تا چون بگرفتیم ما انبارگیرندگان ایشانرا بعذاب انگاه ایشان
خمس
يَجْأَرُونَ لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنْصَرُونَ قَدْ كَانَتْ
زینهار خواهند نیست زینهاری امروز بدرستیکه شما از ما یاری کرده نشوید بتحقیق که بود
حزب
آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ تَنْكِصُونَ مُسْتَكْبِرِينَ
آیتهاء من خوانده برشما پس بودید شما بر پاشنهاء خویش گردندگان گردن کشیدگان
بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ
بدان حدیث کنندگان می برید از حق آیا پس اندیشه نمیکنند گفتار مرا یا آمد ایشانرا آنچه نیامد
آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ
بپدران ایشانرا پیشینیان یا نشناختند پیغمبر خویش را پس ایشان مرانرا انکار کنندگانند
أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ
یا میگویند بدان دیوانگیست بلکه آمد ایشانرا براستی و بیشتر ایشان مر راستی را
عشر
كَارِهُونَ وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ
دشوار داران و اگر پیروی کند راستی را خواهشهاء ایشان هر آینه تباه شود آسمانها

وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِم
وزمين وهرچه دران است بلکه بياريم ايشانرا بيادکردن ايشان پس ايشان از يادکردن خويش
مُّعْرِضُونَ ۝ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ
روی کردانند يا ميخواه از ايشان راهبردن آمده پس مزد آوردن پروردکار بهترست واو بهترين
الرَّازِقِينَ ۝ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۝ وَإِنَّ الَّذِينَ
روزی دهندکان وبدرستيکه تو هرانه ميخوانی ايشان سوی راه راست وبدرستی آنانکه
لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ ۝ وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ
نکرويدند بان جهان از راه راست هرانه برکردندکانند واکر رحمت کنيم با ايشان
وَكَشَفْنَا مَا بِهِم مِّن ضُرٍّ لَّلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ خمس
وبرداريم ما انچه بديشانست از زيان هرانه لجاج کنند در هر بر خويش ميروند چون کوران
وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ
وهرانه تحقيق کرفتيم ما ايشانرا بعقوبت پس فروتنی نکنند مر خداوند خويش را ونه زاری کنند
حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ۝
تا چون بکشاديم ما بر ايشان دری صاحب عذاب سختی چون ايشان دران نوميد شدکانند
وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا
واو آنخدائيست که می آفريند مر شمارا کوش وچشمها ودلها اندک
مَّا تَشْكُرُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ
انچه شکر ميکنيد شما واو آنخدائيست که آفريد شمارا در زمين وسوی او کردکرده شويد
وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا
واو آن خدائيست که زنده ميکرداند و ميميراند ومر اوراست کروش شب وروز آيا پس
تَعْقِلُونَ ۝ بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ ۝ قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا عشر
خرد نداريد شما بلکه اکر کويند مانند انچه کفتند پيشينيان کويند آيا چون بميريم ما وباشيم ما

ترابا

ترابا وعظاما ءانا لمبعوثون ۝ لقد وعدنا نحن واباؤنا هذا

خاک و استخوانی آیا ما هرآینه برانگیخته شویم هرآینه تحقیق وعده کرده شدیم ما و پدران ما این

من قبل ان هذا الا اساطیر الاولین ۝ قل لمن الارض ومن

از پیش نیست این مگر بیتهای پیشینان بگوای محمد مر کراست زمین و آنچه

فیها ان کنتم تعلمون ۝ سیقولون لله قل افلا تذکرون خمس

در آنست اگر هستید شما دانایان زود باشد که بگویند مر خدای را بگوای محمد آیا پس پند نمیگیرید شما

قل من رب السموات السبع ورب العرش العظیم ۝ سیقولون

بگوای محمد کیست پروردگار آسمانهای هفت و پروردگار عرش بزرگ زود باشد که بگویند

لله قل افلا تتقون ۝ قل من بیده ملکوت کل شیء وهو یجیر

مر خدای را بگوای پس نمیپرهیزید بگو کیست که بدست اوست پادشاهی همه چیزی و اوست که زنهار دهد

ولا یجار علیه ان کنتم تعلمون ۝ سیقولون لله قل فانی

و زنهار داده نشود بر آن اگر هستید شما دانایان زود باشد که بگویند مر خدای را بگو پس چگونه

تسحرون ۝ بل اتیناهم بالحق وانهم لکاذبون ۝ ما اتخذ عشر

جادو کرده شدید بلکه بیاریم ما ایشان را براستی و بدرستیکه ایشان هرآینه دروغگو باشند نمیگیرد

الله من ولد وما کان معه من اله اذا لذهب کل اله بما خلق

خدای از هیچ فرزندی و نیست و نبوده با او از خدائی اکنون هرآینه ببرد هر خدائی بدانچه آفرید

ولعلا بعضهم علی بعض سبحان الله عما یصفون عالم الغیب

هرآینه برترشدندی بعضی ایشان بر بعضی پاکست خدای در آنچه صفت میکنند دانای نهان

والشهادة فتعالی عما یشرکون ۝ قل رب اما ترینی ما یوعدون

و آشکارات خدای پس برترست از آنچه انباز گیرند بگوای خداوند من اگر بنمائی مرا آنچه وعده کرده شده

رب فلا تجعلنی فی القوم الظالمین ۝ وانا علی ان نریک

ای خدای پس مگردان مرا در زمره گروه ستمکاران و بدرستیکه ما برآنچه می نمودیم ترا

مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ ۝ اِدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ السَّيِّئَةَ نَحْنُ اَعْلَمُ خمس

انچه وعده کردیم ایشان را هرائنه توانائیم برکردان بدانچه ان بهترست بدی ما داناتریم

بِمَا يَصِفُونَ ۝ وَقُلْ رَبِّ اَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ۝

بدانچه صفت میکنند وبکوای خداوند من پناه میکیرم بتو از وسوسهای دیوان

وَاَعُوذُ بِكَ رَبِّ اَنْ يَحْضُرُونِ ۝ حَتّٰى اِذَا جَاءَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ

وپناه میکیرم بتو ای خداوند من انکه حاضر آیند مرا تاچون بیاید یکی ایشان را مرک

قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ۝ لَعَلِّي اَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا اِنَّهَا

بکوید خداوند من بازکردان مرا شاید که من بکنم کار نیکی درانچه فروکذاشتم حقا که آن

كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ اِلٰى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝ عشر

سخنی است که او کوینده آنست وازپس ایشان دشواریست تاروزی که برانکیخته شوند

فَاِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا اَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ۝ فَمَنْ

پس چون دمیده شود درصور پس نباشد نسب میانه ایشان درآن روز ونه پرسند پس هرکه

ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَاُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَاُولٰئِكَ الَّذِينَ

کران تر ترازوی او در عمل پس ایشانند ایشان رستکاران وهرکه سبک آمد ترازو درعمل او پس ایشانند آنان که

خَسِرُوا اَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ۝ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ

زیان کردند تنهای خویش در دوزخ باشند جاودان می سوزد در رویهای ایشان آتش وایشان اندران ترش رویانند

اَلَمْ تَكُنْ اٰيَاتِي تُتْلٰى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ۝ قَالُوا خمس

ایا نبود که نشانهای من خوانده میشد برشما پس بودید شما بدان تکذیب کنندکان کویند

رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ۝ رَبَّنَا اَخْرِجْنَا

ای پروردکار ما غلبه کرد برما بدبختی ما وبودیم ما کروهی کمراهان ای پروردکار ما بیرون آور ما را

مِنْهَا فَاِنْ عُدْنَا فَاِنَّا ظَالِمُونَ ۝ قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ

ازان آتش پس اکر بازکردیم ما پس بدرستیکه ما ستمکاران باشیم کفت کم شوید دران وسخن مکوئید

إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا

بدرستیکه او بود گروهی از بندگان من که میگفتند ای پروردگار ما ایمان آوردیم پس بیامرز ما را

وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ۝ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ

و ببخشای ما را و تو بهترین رحم کنندگانی پس برگرفتید ایشان را بافسوس تا فراموش شد ایشان

ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ ۝ إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا

عشر

یاد من کردن و بودید از ایشان میخندیدید بدرستیکه من پاداش دهم ایشان را امروز بدانچه

صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ ۝ قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ

شکیبائی کردند بدرستیکه ایشانند ایشان رستگاران گفت چند درنگ کردید شما در زمین

عَدَدَ سِنِينَ ۝ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسْأَلِ الْعَادِّينَ ۝

بشمار سالها گویند درنگ کردیم ما روزی یا بهره روزی پس بپرس از حد کنندگان

قَالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ أَفَحَسِبْتُمْ

گفت درنگ کردید شما مگر اندکی اگر بدرستیکه شما بودید دانایان آیا پس پنداریدید شما

أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ۝ فَتَعَالَى اللَّهُ

خمس

بدرستیکه بیافریدیم ما شما را ببازی و آنکه شما سوی ما نشوید باز گردانیده پس برترست خدای

الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ۝ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ

پادشاه راست سزاوار پادشاهی نیست خدا مگر او خداوند عرش بزرگوار و هر که بخواند با

اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ

نصف الحزب

خدای خدای دیگر نیست حجت مر او را بدان پس جز این نیست حساب وی نزد پروردگار او بدرستی نمیشوند رستگار

الْكَافِرُونَ ۝ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ۝

ناگرویدگان و بگو ای محمد ای خداوند من بیامرز مرا و ببخشای مرا و توئی بهترین بخشایندگان

سورة النور وهي اربع وستون ايات

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حفظ نمایید اموال و فروج خود را از حرام بتلاوت کردن سوره نور و بایین سوره زنان خود را نیز حفظ نمایید از حرام بدرستیکه هر که این سوره را در هر شب یا در هر روز
مداومت نماید هیچ یک از خانه او زنا نکند تا او بمیرد و چون بمیرد هفتاد هزار ملک با قبر او مشایعت نمایند که همه از برای او دعا کنند و استغفار نمایند تا بقبرش گذارند و بسند معتبر منقولست از ربیع
چشم بحضرت امام موسی علیه السلام شکایت کرد حضرت فرمود که این آیه نور را سه مرتبه در جایی بنویس و آن را بشوید و در شیشه ضبط کن و سرمه بکش راوی گوید که صد میل کمتر کشیدم که دیده ام صحیح شد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

سُورَةٌ أَنزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ
این پاره ایست از قران که فرو فرستادیم انرا و تقدیر کردیم انرا و فرو فرستادیم ما در ان نشانهای هویدا تا شاید شما
تَذَكَّرُونَ ۝ الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا
پند گیرید زن زناکننده و مرد زناکننده پس بزنید هر یک از انها را
مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ
یکصد تازیانه و نگیرید شما بان هردو مهربانی در دین خدا اگر هستید شما
تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ
که گرویده اید بخدا و روز رستخیز و حاضر اینده گواهی دهند عقوبت شان را گروهی از
الْمُؤْمِنِينَ ۝ الزَّانِي لَا يَنكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ
گرویدگان و مرد زناکننده نکاح نکند مگر زن زانیه را یا انباز گیرنده و زن زناکننده
لَا يَنكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
نکاح نکند مگر مرد زانی یا انباز گیرنده را و حرام کرده شد این بر گرویدگان
وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ
و انانکه طعن میکنند زنان پارسا را پس نیاورند چهار گواه
فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَٰئِكَ
پس بزنید ایشان را هشتاد تازیانه و نه پذیرید مرایشان را گواهی همیشه و ایشانند
هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ
ایشان تباه کاران مگر انانکه توبه کردند از پس این و نیکوکار کردند پس بدرستی
اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ
خدا امرزنده و بخشاینده است و انانکه طعن میکنند زنان خویش را از زنا و نباشد مرایشان را

خمس

شهداء

شُهَدَآءُ اِلَّآ اَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ اَحَدِهِمْ اَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللّٰهِ اِنَّهُ لَمِنَ

کواهان مکر تنهاء ایشان پس کواهی دادن یکی از ایشان چهار کواهیست بخدای بدرستیکه او هر آینه از

الصَّادِقِينَ ۝ وَالْخَامِسَةُ اَنَّ لَعْنَتَ اللّٰهِ عَلَيْهِ اِنْ كَانَ مِنَ

راست کویانست و پنجم بار بکوید بدرستیکه نفرین خدای براوست اکر بوده باشد از

الْكَاذِبِينَ ۝ وَيَدْرَؤُا عَنْهَا الْعَذَابَ اَنْ تَشْهَدَ اَرْبَعَ شَهَادَاتٍ

دروغ کویان و باز دارند ازو عقوبت را اکر کواهی دهد چهار کواهان

بِاللّٰهِ اِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ۝ وَالْخَامِسَةَ اَنَّ غَضَبَ اللّٰهِ عَلَيْهَا

بخدای بدرستیکه او هر آینه از دروغ کویانست . و پنجم بار کوید انکه خشم خدای بران

اِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ

اکر بوده باشد از راست کویان واکر نبودی افزونی خدا بر شما و بخشایش او

عشر ع

وَاَنَّ اللّٰهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ۝ اِنَّ الَّذِينَ جَآؤُا بِالْاِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ

وانکه خدای توبه پذیرنده است و حکم کننده بدرستی اناانکه بیایند بدروغ بیارند کروهی را از شما

لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ

که نه پندارید از بدی مر شما بلکه او بهترست مر شما را مر هر مردی راست از ایشان انچه کسب کرد

مِنَ الْاِثْمِ وَالَّذِي تَوَلّٰى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝

از بزه و انانکه برکشت بزرک سختی او از ایشان مر اوراست عقوبت بزرک

لَوْلَا اِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِاَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا

چرا نه وقتی که شنیدند اندروغ را کمان نبردند کرویدکان وزنان کرونده بتنهار خویش نیکویی و کویند

هٰذَا اِفْكٌ مُبِينٌ ۝ لَوْلَا جَآؤُا عَلَيْهِ بِاَرْبَعَةِ شُهَدَآءَ فَاِذْ لَمْ يَاْتُوا

این دروغیست پیدا چرا نه آیند براو چهار کواهان پس چون نیارند

بِالشُّهَدَآءِ فَاُولٰٓئِكَ عِنْدَ اللّٰهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ ۝ وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ

کواهان پس ایشانند نزد خدا ایشان دروغ کویان واکر نبود افزونی خدا

عليكم ورحمته في الدنيا والآخرة لمسكم فيما أفضتم فيه

بر شما وبخشایش او در اینجهان وآنجهان هرآینه بودی شمارا در آنچه درشدید دراو

عذاب عظيم ۝ إذ تلقونه بألسنتكم وتقولون بأفواهكم

عقوبت بزرگ چون افکندید اورا بزبانهای خویش وبگویید بدهنهای خویش

ما ليس لكم به علم وتحسبونه هينا وهو عند الله عظيم ۝ خمس

آنچه نیست مر شمارا بدان دانشی وپنداریدآن را آسان واو نزد خدای بزرگست

ولولا إذ سمعتموه قلتم ما يكون لنا أن نتكلم بهذا

وچرا چون شنیدید آن را گفتید شمارا روا نیست مر مارا آنکه سخن گوییم ما باین

سبحانك هذا بهتان عظيم ۝ يعظكم الله أن تعودوا لمثله

پاکی تو این دروغی بزرگست پند میدهد شمارا خدا آنکه بازنگردید مر مانند آن را

أبدا إن كنتم مؤمنين ۝ ويبين الله لكم الآيات والله عليم

هرگز اگر هستید شما گرویدگان وپیدا کند خدای مر شمارا نشانها وخدای دانا

حكيم ۝ إن الذين يحبون أن تشيع الفاحشة في الذين

ومحکم کارست بدرستی آنانکه دوست میدارند که آشکارا کنند ناشایست را درحق آنانکه

آمنوا لهم عذاب أليم في الدنيا والآخرة والله يعلم وأنتم

گرویده اند مرایشانراست عقوبت دردناک دراینجهان ودرآنجهان وخدای میداند وشما

لا تعلمون ۝ ولولا فضل الله عليكم ورحمته وأن الله رءوف

نمیدانید واگر نبودی افزونی خدای بر شما وبخشایش او وهرآینه خدا مهربان

رحيم ۝ يا أيها الذين آمنوا لا تتبعوا خطوات الشيطان ومن

بخشاینده است ای آنانکه گرویدید پیروی مکنید گامهای یعنی وسوسهای دیورا وهرکه

يتبع خطوات الشيطان فإنه يأمر بالفحشاء والمنكر ولولا

پیروی کند وسوسهای دیورا پس بدرستیکه او میفرماید بزشتیها ومنهیات واگر نبودی

عشر
نصف

فضل الله

فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكٰى مِنْكُمْ مِنْ اَحَدٍ اَبَدًا وَلٰكِنَّ

افزونی خدای بر شما وبخشایش او نشدی پاکیزه از شما از یکس همیشه ولیکن

اللّٰهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاۤءُ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ وَلَا يَأْتَلِ اُولُوا الْفَضْلِ

خدای پاکیزه میکند هرکه را می خواهد و خدای شنوای داناست و نخورد سوگند خداوندان افزونی

مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ اَنْ يُؤْتُوا اُولِي الْقُرْبٰى وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ

از شما و فراخی که بدهید خداوندان نزدیکی و مسکینان و هجرت کنندگان

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا اَلَا تُحِبُّونَ اَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ لَكُمْ وَ

در راه خدا و عفو کنند و درگذرند ایا اگر دوست دارید انکه بیامرزد خدا مر شمارا و

اللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ اِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ

خدای آمرزنده و مهربانست بدرستی انانکه طعنه میکنند زنان پارسا را بیخبرانند

الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ يَوْمَ

زنان گرونده لعنت کرده شوند در اینجهان و انجهان و مرایشانراست عقوبت بزرگ روزی

تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ اَلْسِنَتُهُمْ وَاَيْدِيهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

گواهی دهند بر ایشان زبانهای ایشان و دستهای ایشان و پایهای ایشان بدانچه بودند عمل کنندگان

يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ اللّٰهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ اَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ

ان روز تمام کند ایشانرا خدای دین ایشانرا راست و میدانند بدرستیکه خدای اوست راست

الْمُبِينُ ۝ اَلْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ

خمس

پیدا زنان پلیدکار مر مردان پلیدکار و مردان پلیدکار مر زنان پلیدکار و زنان پاکیزه

لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ اُولٰۤئِكَ مُبَرَّؤُنَ مِمَّا يَقُولُونَ

مر مردان پاکیزه را و مردان پاکیزه مر زنان پاکیزه را ایشانند بیزار کرده شدگان از انچه میگویند

لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَدْخُلُوا

ع

مرایشانراست آمرزش و روزی نیکو ای انانکه گرویدید در مروید

بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ
بخانها جز خانهای خویش تا اجازت نخواهید و سلام کنید بر اهل انخانه که این شمارا
خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۝ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا
بهترست مر شما تا باشید شما پند گیرندگان پس اگر نیابید در انخانه کسی را
فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ — فَارْجِعُوا / پس بازگردید
پس در مشوید در انخانه تا اذن دهند مر شمارا و اگر گفته شود مر شمارا بازگردید که او
أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ۝ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ
پاکیزه ترست مر شمارا و خدای بدانچه میکنید داناست نیست بر شما حرجی
أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
انکه در ائید بخانهای جز ساکن شده دران برخورداری مر شمارا و خدای میداند
مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ۝ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ
انچه اشکارا کنید و انچه پنهان کنید بگوای محمد مر گرویدگانرا فرو پوشند از
أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا
چشمهای خویش و نگاه دارند عورتهای خویش این پاکیزه ترست مرایشانرا بدرستیکه خدا اگاه ترست
يَصْنَعُونَ ۝ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ — عشر
میکنند و بگوای محمد مر زنان گرویدگان را که فرو خوابانند چشمهای خویش و نگاه دارند
فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ
عورتهای خویش و نکنند اشکارا ارایش خویش مگر انچه پیدا اید از ان و گو بزنند یعنی بپوشند
بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ
بسر پوشهای خویش بر گریبانهای خویش و اشکارا نکنند زینتهای خویش مگر مر شوهران خویش را یا
آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ
پدران خویش را یا پدران شوهران خویش را یا پسران خویش را یا پسران شوهران خویش را یا برادران خود

أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ
یا پسران برادران خود یا پسران خواهران خویش یا زنان ایشان یا انچه بخرد دستهای ایشان
أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ
یا نوکران بی‌منخنی جز خداوندان حاجتها از مردان یا اطفال انانکه نه
يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ ۖ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ
گردند پیدا بر عورتهای زنان و نزنند بپاهای خود تا دانسته شود
مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ ۚ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ
انچه پوشیده است از ارایش ایشان و توبه کنید سوی خدا همه ای گرویدگان
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ
تا اگر شما رستگار شوید و نکاح کنید بیوگان از شما و نیکان
مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ ۚ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ
از بندگان خویش و پرستاران خویش اگر بوده باشند درویشان توانگر کنداین را خدا از افزونی خود
وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا
و خدا فراخ عطا و داناست وکو باکی و پرهیز کنند انانکه نیابند نکاحی
حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ
تا غنی کند ایشان را خدا از افزونی خود و انانکه میجویند نوشته از انچه بخرد
أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۖ وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ
دستهای شما پس بنویسید اگر دانید شما در ایشان نیکی و بدهید ایشان را از مال خدا
الَّذِي آتَاكُمْ ۚ وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا
انانکه داد شمارا و نه دشوار کنید بر شماران خودرا بر نابکاری اگر خواهند پارسایی
لِتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا ۚ وَمَنْ يُكْرِهْهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ
تا بجویند متاع زندگانی اینجهان و هرکه دشوار کند ایشان را بدرستیکه خدا از پس

اكراههن غفور رحيم ● ولقد انزلنا اليكم ايات
دشواری ایشان آمرزنده وبخشاینده است وبتحقیق فرو فرستادیم ما سوی شما نشانهای
مبينات ومثلا من الذين خلوا من قبلكم وموعظة
هویدا وداستان از آنکه بگذشت از پیش شما وپندی
للمتقين ● الله نور السموات والارض مثل نوره كمشكوة
مر پرهیزکاران را خدای عزوجل روشن کنند آسمانها وزمینها است داستان روشنی او همچون چراغدانی
فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاجة كانها كوكب
که دران چراغی باشد وان چراغ در آبگینه باشد وآن آبگینه چنان نماید که ستاره
دري يوقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية ولا
روشن می افروزد از درختی بابرکت درخت زیتون نه شرقی ونه
غربية يكاد زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار نور على نور
غربی میخواهد روغن آن که روشن کرده شود واگر نرسد ازا آتش روشنی بر روشنی
يهدي الله لنوره من يشاء ويضرب الله الامثال للناس والله
راه مینماید خدای مر روشنی خود را هر که را میخواهد وبیان کند خدای داستانها مر مردمان را وخدا
بكل شيء عليم ● في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها
بهمه چیز داناست در خانها که دستوری داد خدا که بردارند ویاد کنند در آن
اسمه يسبح له فيها بالغدو والاصال ● رجال لا تلهيهم
نام خدا را تسبیح کنند مر او را دران بامداد وشبانگاه مردانی که مشغول نکند ایشان
تجارة ولا بيع عن ذكر الله واقام الصلوة وايتاء الزكوة
خرید وفروخت از یاد خدا وبپای دارند نماز را وبدهند زکوة را
يخافون يوما تتقلب فيه القلوب والابصار ● ليجزيهم الله
وبترسند از روزی که بگردد دران روز دلها وچشمها تا پاداش دهد ایشان را خدا

نخرب

خمس

احسن ما عملوا

أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ

نیکوتر انچه کردند وبیفزایدایشان را از افزونی خود وخدای روزی میدهد هرکه را خواهد

بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ

بی هیچ شمارے واانکه بگرویدند کردار ایشان چون کوراب بزمین هموار

يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ

پندارندانی را تشنه آب تاچون بیاید آبرا نیابد چیزی وبیابد خدای را نزدیک او

فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ

پس تمام کند حساب او وخدای زود شمارست یاچون تاریکیها در دریای

لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ

ژرف که بپوشد ازا موج از زبراو موجی از زبرآن ابر تاریکیها

بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَنْ

بهره آن زبر بهره چون بیرون آورد دست خود نیست که ببیند آنرا وهرکه

لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ

نکرداند خدا مراو را روشنایی پس او را از هیچ روشنایی ایا نمی بینی بدرستیکه خدا بپاکی یاد میکنند مراو را

مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ

هرانکه در آسمانها وزمینهاست وپرندکان صف زدکان هریک بتحقیق دانستند

صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ۝ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ

نماز او وتسبیح اورا وخدای داناست بدانچه میکنند ومر خدای راست پادشاهی آسمانها

وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ

وزمینها وسوی خدایست بازگشت ایا نمی بینی ای محمد بدرستیکه خدای میراند ابر را پس

يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ

فراهم آرد میان او پس میکرداند اورا تو بر تو پس ببینی تو باران بزرک قطره بیرون می اید

عشر

مِن خلاله ويُنزّل من السماء من جبال فيها من برد فيصيب
از میان آن ومیفرستد از آسمان از کوهها دران از شبنم پس میرساند
به من يشاء ويصرفه عن من يشاء يكاد سنا برقه يذهب
بدان هرکه را میخواهد ومیکرداند آنرا از هرکه میخواهد نزدیک میشود روشنای برق آن شبنم میبرد روشنای
بالابصار يقلب الله الليل والنهار ان في ذلك لعبرة لاولي
چشمها میکرداند خدا شب وروز را بدرستیکه درین هرآئنه عبرتست مر صاحبان
الابصار والله خلق كل دابة من ماء فمنهم من يمشي
چشمهارا وخدا آفرید هر جانوررا از آب پس ازان آن انست که میرود
على بطنه ومنهم من يمشي على رجلين ومنهم من يمشي على
بر شکم خود وازایشان انست که میرود بر دو پای وازان بعضی انست که میرود بر
اربع يخلق الله ما يشاء ان الله على كل شيء قدير لقد انزلنا
چهارپای می‌آفریند خدا آنچه میخواهد بدرستیکه خدا بر همه چیز تواناست هرآئنه تحقیق فرستادیم
ايات مبينات والله يهدي من يشاء الى صراط مستقيم
آن نشانهای پیدا وخدا راه مینماید هرکه را میخواهد سوی راه راست
ويقولون امنا بالله وبالرسول واطعنا ثم يتولى فريق منهم
ومیکویند بکرویدیم ما بخدا وبرسول وفرمان برداریم ما پس برمیکردند کروهی ازایشان
من بعد ذلك وما اولئك بالمؤمنين واذا دعوا الى الله ورسوله
از پس این کفتار ونیستند ایشان کرویدکان وچون خوانده شوند سوی خدا ورسول
ليحكم بينهم اذا فريق منهم معرضون وان يكن لهم الحق
تا حکم کند میان ایشان آنکاه کروهی ازایشان روی کرداننده‌اند واگر باشد مر ایشان را راست
ياتوا اليه مذعنين افي قلوبهم مرض ام ارتابوا ام يخافون
می‌آیند سوی او کردن نهندکان آیا در دلهای ایشان بیماری کفر ونفاق است یا بشک باشند یا میترسند

خمس

ان يحيف الله

حزب عشرع

أن يحيف الله عليهم ورسوله بل أولئك هم الظالمون ۝

انكه ستم كند خداى بر ايشان ورسول او بلكه ايشانند ايشان ستمكاران

إنما كان قول المؤمنين إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم

جز اين نيست كه هست گفتار گرويدگان چون خوانده شوند سوى خدا ورسول او تا حكم كند

بينهم أن يقولوا سمعنا وأطعنا وأولئك هم المفلحون ۝ ومن

ميان ايشان انكه ميگويند شنيديم وفرمان برداريم وايشانند ايشان رستگاران وهر كه

يطع الله ورسوله ويخش الله ويتقه فأولئك هم الفائزون ۝

برد خداى ورسول اورا وترسد از خداى وبپرهيزد از گناه پس ايشانند ايشان رستگاران

ثلث

وأقسموا بالله جهد أيمانهم لئن أمرتهم ليخرجن قل لا تقسموا

وسوگند خوردند بخداى بسزا سوگندهاى خويش كه اگر بفرمائى ايشان را هر آئنه بيرون شوند بگو قسم مخوريد

طاعة معروفة إن الله خبير بما تعملون ۝ قل أطيعوا الله وأطيعوا

فرمان بردارى نيكوست بدرستيكه خدا آگاهست بدانچه ميكنيد بگو فرمان بردارى كنيد خداى را وفرمان بريد

الرسول فإن تولوا فإنما عليه ما حمل وعليكم ما حملتم

پيغمبر را پس اگر برگرديد پس جز اين نيست بر او انچه بر داشته شده وبر شماست انچه بر داشته شده ايد

وإن تطيعوه تهتدوا وما على الرسول إلا البلاغ المبين ۝

واگر فرمان بريد اورا راه راست يابيد ونيست بر پيغمبر مگر رسانيدن هويدا

وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم

وعده كرد خداى انانكه ايمان آوردند از ايشان وكردند كردار نيكو كه هر آئنه خلافت دهد ايشان را

في الأرض كما استخلف الذين من قبلهم وليمكنن لهم

در زمين همچنانكه خليفه كرد انانرا از پيش ايشان وهر آئنه جاى دهد مر ايشان را

دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد خوفهم أمنا

دين ايشان انانكه پسنديد مر ايشان را وهر آئنه بدل كند ايشان را از پس ترسيدن ايشان ايمنى

يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۚ وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

می پرستند مرا انباز نیارند بمن چیزی و هرکه کافر شد پس این پس ایشان اند ایشان

الْفَاسِقُونَ ۝ وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَآتُوا الزَّكَوٰةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ — خمس

تباه کاران و بپای دارید نماز را و بدهید زکوة و فرمان برید پیغمبر را دوام و فرمان [illegible]

لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ

تا مگر شما بخشیده شوید مپندارید انان را که نگرویدند عاجز شده کانند در زمین

وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنْكُمُ

و جای ایشان دوزخ و هرآینه بد جای بازگشت ایشان ای انانکه گرویدند هرآینه دستوری خواهند

الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ

انانکه بخریده است دستهای شما و انانکه نرسیدند بخواب دیدن یعنی بغ بالغ از شما سه

مَرَّاتٍ ۚ مِنْ قَبْلِ صَلَوٰةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ

بار پیش از نماز صبح و هنگام که بنهید جامهای خویش از نماز پیشین

وَمِنْ بَعْدِ صَلَوٰةِ الْعِشَاءِ ۚ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ ۚ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا

و از پس نماز خفتن سه حرمت مر شما را نیست بر شما و نه

عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ ۚ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۚ

بر ایشان بزه پس ازین طواف کنندگان بر شما بهره شما بر بهره همچنین

يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ

بیان کند خدا مر شما را نشانها و خدا دانا محکم کار است و چون برسند کودکان از شما

الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ كَذَٰلِكَ

بخواب دیدن یعنی بس کو دستوری خواهید همچنانکه دستوری خواستند انانکه از پیش ایشان همچنین

يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ

بیان کند خدا مر شما را نشانها و خدا دانا و محکم کار و زنان از زائید مانده از زنان

عشر

اللاتي لا يرجون نكاحا فليس عليهن جناح ان يضعن ثيابهن
دیگر ندارند امید نکاح کردن پس نیست برایشان بزه که بنهند جامهای خویش
غير متبرجات بزينة وان يستعففن خير لهن والله سميع
جز برایها باارایش وانکه پاک دامنی کنند بهتر مرایشان را وخدا شنوا
عليم ۝ ليس على الاعمى حرج ولا على الاعرج حرج ولا على
داناست نیست بر کور بزه ونه بر لنگ بزه ونه بر
المريض حرج ولا على انفسكم ان تاكلوا من بيوتكم او بيوت
بیمار بزه ونه بر تنهای شما انکه بخورید از خانهای خویش یا خانهای
اباءكم او بيوت امهاتكم او بيوت اخوانكم او بيوت
پدران خود یا خانهای مادران خود یا خانهای برادران خود یا خانهای
اخواتكم او بيوت اعمامكم او بيوت عماتكم او
خاهران خود یا خانهای برادران پدر خود یا خانهای خواهران پدر خود یا
بيوت اخوالكم او بيوت خالاتكم او ما ملكتم مفاتحه
خانهای برادران مادر خود یا خانهای خواهران مادر خود یا انچه مالک شدید خزینهای انرا یا کلیدهای
او صديقكم ليس عليكم جناح ان تاكلوا جميعا او اشتاتا
یا دوست شما نیست بر شما بزه که بخورید همه یا پراکنده
فاذا دخلتم بيوتا فسلموا على انفسكم تحية من عند الله
پس چون درائید بخانها پس سلام کنید بر تنهای خویش دعودی از نزد خدا
مباركة طيبة كذلك يبين الله لكم الايات لعلكم تعقلون ۝
بابرکت پاکیزه همچنین بیان کند خدا مر شمارا نشانیها تا باشد که شما خردمند شوید
انما المؤمنون الذين امنوا بالله ورسوله واذا كانوا معه على امر
جز این نیست گرویدگان انانکه گرویدند بخدا ورسول او وچون بودند باو برکاری

از حضرت امام موسی علیه السلام منقولست که ترک مکن تلاوت سوره فرقان را بدرستیکه هرکه در هر شب این سوره را بخواند حق تعالی حساب و عذاب او نکند و منزلش در فردوس اعلی باشد بحق محمد

جامع لم يذهبوا حتى يستاذنوه ان الذين يستاذنونك اولئك

گرداننده نروند تا دستوری خواهند اورا بدرستیکه انانکه دستوری میخواهند از تو انانند

الذين يؤمنون بالله ورسوله فاذا استاذنوك لبعض شانهم

انانکه میگروند بخدا و رسول او پس چون دستوری خواهند از تو مر بهره کار ایشان

فاذن لمن شئت منهم واستغفر لهم الله ان الله غفور رحيم

پس دستوری ده مر کسی را خواهی از ایشان و طلب آمرزش کن ازین ان از خدا بدرستیکه خدا امرزنده و بخشاینده

لا تجعلوا دعاء الرسول بينكم كدعاء بعضكم بعضا قد يعلم

مگردانید خوانده شدن رسول را میان خویش مانند خوانده شدن بعض شما بعض را بتحقیق میداند

الله الذين يتسللون منكم لواذا فليحذر الذين يخالفون

خدا انانکه بیرون میکنند از ایشان جنبیده پس پرهیز کنند انانکه مخالفت میکنند

عن امره ان تصيبهم فتنة او يصيبهم عذاب اليم الا ان

از فرمان او که برسد ایشان را آشوب یا برسد ایشان را عقوبتی دردناک بدانکه

لله ما في السموات والارض قد يعلم ما انتم عليه ويوم

مر خدایراست انچه در آسمانها و زمینهاست بتحقیق میداند خدا انچه شما بران هستید و روزی که

يرجعون اليه فينبئهم بما عملوا والله بكل شيء عليم

بازگردانند ایشان را سوی او پس آگاه کند ایشان را بر انچه کردند و خدای بهمه چیزی داناست

سورة الفرقان وهي مكية سبع وسبعون ايات

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده مهربان

تبارك الذي نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيرا

بزرگست الخدائیکه فرستاد قران را بر بنده خود تا باشد مر جهانیان را بیم کننده

الذی له ملک السموات

الذي له ملك السموات والارض ولم يتخذ ولدا ولم يكن له

آن خدائیکه مراورا است پادشاهی آسمانها و زمینها و نه گرفت فرزندی و نباشد مراورا

شريك في الملك وخلق كل شيء فقدره تقديرا ۝ واتخذوا

انبازی در پادشاهی و بیافرید هر چیزرا پس باندازه ان اندازه کردنی و گرفتند

من دونه الهة لا يخلقون شيئا وهم يخلقون ولا يملكون

از جز او خدایان بغیر بتان نه بیافرینند چیزی و ایشان آفریده شدند و نشوند مالک

لانفسهم ضرا ولا نفعا ولا يملكون موتا ولا حيوة ولا

مرتنهای خویش را زیانی و نه سودی و نه شوند مالک مرگ را و نه زندگانی را و نه

نشورا ۝ وقال الذين كفروا ان هذا الا افك افتريه

قیامت و گفتند آنانکه نگرویدند نیست این مگر دروغی که بر بسته است اورا

واعانه عليه قوم اخرون فقد جاءو ظلما وزورا ۝ وقالوا

و یاری کردند بر او گروهی دیگر پس بتحقیق آمدند بستمی و دروغی و گفتند

اساطير الاولين اكتتبها فهي تملى عليه بكرة واصيلا ۝

نوشتهای پیشینیان است که نوشته است از ان پس این املا کرده شود براو بامداد و شبانگاه

قل انزله الذي يعلم السر في السموات والارض انه كان

بگو ای محمد فرو فرستاد آنکه میداند نهان که در آسمانها و زمین است بدرستیکه او هست

غفورا رحيما ۝ وقالوا مال هذا الرسول ياكل الطعام

آمرزنده و بخشاینده و گفتند چیست اینکه پیغمبر میخورد خورش

ويمشي في الاسواق لولا انزل اليه ملك فيكون معه نذيرا ۝

و میرود در بازارها چرا فرستاده نشد سوی او فرشته پس باشد با او بیم کننده

او يلقى اليه كنز او تكون له جنة ياكل منها وقال

یا افکنده شود سوی او گنجی یا باشد مراورا باغی میخورد از آن و گفتند

معانقه

خمس

الظالمون ان تتبعون الا رجلا مسحورا ۝ انظر كيف ضربوا لك

ستمکاران که پیروی نکردید مگر مردی جادوی کرده شده ببین ای محمد چگونه بیدکردند مر ترا

الامثال فضلوا فلا يستطيعون سبيلا ۝ تبارك الذي ان شاء

داستانها پس گم شدند پس نتوانند رفتن راهی بزرگست انکه اکر خواهد

جعل لك خيرا من ذلك جنات تجري من تحتها الانهار

بکند مر ترا بهتر از این بستانها که میرود از زیران جویها

ويجعل لك قصورا ۝ بل كذبوا بالساعة واعتدنا لمن كذب عشر

و بکند مر ترا کوشکها بلکه دروغ زن داشتند بقیامت و ساختیم ما مر هر که دروغ

بالساعة سعيرا ۝ اذا رأتهم من مكان بعيد سمعوا لها تغيظا

بقیامت آتش دوزخ چون ببیند ایشان را از جایگاه دوری بشنوند مر او را آوازی

وزفيرا ۝ واذا القوا منها مكانا ضيقا مقرنين دعوا هنالك

و نالشی و چون انداخته شوند ازان جایگاه تنگی بهم پیوستگان بخوانند آنجا

ثبورا ۝ لا تدعوا اليوم ثبورا واحدا وادعوا ثبورا كثيرا ۝ قل

هلاک مخوانید امروز هلاک یکی و بخوانید هلاک بسیاری بگو ای محمد

اذلك خير ام جنة الخلد التي وعد المتقون كانت لهم جزاء

اینست بهتر یا بستان جاودانه که وعده کرده شدند پرهیزکاران هست مر ایشان را پاداش

ومصيرا ۝ لهم فيها ما يشاؤن خالدين كان على ربك وعدا خمس

و جای بازگشتن مر ایشان راست در آنجا آنچه خواهند جاودانه هست بر خداوند تو وعده

مسئولا ۝ ويوم يحشرهم وما يعبدون من دون الله فيقول

پرسیده شده و آن روز که گرد کنیم ایشان را و آنچه می پرستند از جز خدای پس میگوید

ءانتم اضللتم عبادي هؤلاء ام هم ضلوا السبيل ۝ قالوا سبحانك

آیا شما گمراه کردید بندگان مرا این یا ایشان گمراه شدند از راه راست گفتند پاکی تو

ما كان

ما كان ينبغي لنا أن نتخذ من دونك من أولياء ولكن
نبود نشايد ما را اينكه بگيريم ما از جز تو كسى دوستان وليكن
متعتهم وآباءهم حتى نسوا الذكر وكانوا قوما بورا ۝ فقد
برخوردارى دادى ايشان و پدران ايشان تا فراموش كردند قرآن را و بودند گروهى هلاك شده پس تحقيق
كذبوكم بما تقولون فما تستطيعون صرفا ولا نصرا ومن
تكذيب كنندان ايشان را بدانچه ميگوييد پس نتوانيد شما گردانيدن و نه يارى دادن و هر كه
يظلم منكم نذقه عذابا كبيرا ۝ وما أرسلنا قبلك من
ستم كند از شما بچشانيم او را عقوبتى بزرگ و نفرستاديم ما پيش تو از
المرسلين إلا إنهم ليأكلون الطعام ويمشون في الأسواق
پيغمبران مگر ايشان هرآينه ميخورند طعام و ميروند در بازارها
١٩ وجعلنا بعضكم لبعض فتنة أتصبرون وكان ربك
گردانيديم ما بعضى شما را مر بعضى آشوبى آيا شكيبايى ميكنيد و هست پروردگار تو
بصيرا ۝ وقال الذين لا يرجون لقاءنا لولا أنزل علينا
بينا و گفتند آنانكه ندارند اميد ديدار ما را چرا فرستاده نشد بر ما
الملائكة أو نرى ربنا لقد استكبروا في أنفسهم وعتوا
فرشتگان يا به بينيم ما پروردگار خود را هرآينه تحقيق بزرگ منشى كردند در تنهاى خويش و نافرمانى كردند
عتوا كبيرا ۝ يوم يرون الملائكة لا بشرى يومئذ
نافرمانى بزرگ روز قيامت كه ببينند فرشتگان را نبود مژده آن روز
للمجرمين ويقولون حجرا محجورا ۝ وقدمنا إلى ما عملوا من عمل
مر مجرمان را و ميگويند محروم شديم از مژده خبر دار باد و قصد كرديم ما سوى آنچه كردند از كارى
فجعلناه هباء منثورا ۝ أصحاب الجنة يومئذ خير مستقرا وأحسن
پس كرديم ما او را چون گرد پراكنده باشندگان بهشت آن روز بهتر باشند بقرارگاه و نيكوتر باشند

حزب الجزو التاسع عشر

مقيلا ۝ ويوم تشقق السماء بالغمام ونزل الملائكة تنزيلا

جای آسوده و آن روز که بشکافد آسمان بگرانبارها و فرود آرند فرشتگان را فرود آوردنی

الملك يومئذ الحق للرحمن وكان يوما على الكافرين

پادشاهی آن روز سزاوارست مر خدای بخشاینده را و هست قیامت بر کافران

عسيرا ۝ ويوم يعض الظالم على يديه يقول يا ليتني اتخذت

دشوار و روزی که بگزید ستمکاران بر دو دستهای خود میگویند کاشکی میگرفتیم

مع الرسول سبيلا ۝ يا ويلتى ليتني لم اتخذ فلانا خليلا ۝

با پیغمبر راه ای وای بر ما کاشکی که نگرفتیمی فلان را دوست

لقد اضلني عن الذكر بعد اذ جاءني وكان الشيطان

بتحقیق گمراه کرد مرا از قران پس چون آمد مرا و هست دیو

للانسان خذولا ۝ وقال الرسول يا رب ان قومي اتخذوا

مر آدمی را مخذول کننده و گفت پیغمبر ای خداوند من بدرستیکه گروه من گرفتند

هذا القران مهجورا ۝ وكذلك جعلنا لكل نبي عدوا من

این قران را مهجور یعنی دور میکردند و همچنین که بکردیم ما مر هر پیغمبری را دشمنی از

المجرمين وكفى بربك هاديا ونصيرا ۝ وقال الذين كفروا

گناهکاران و بسنده است خداوند تو راه نماینده و یاری دهی و گفتند آنانکه نگرویدند

لولا نزل عليه القران جملة واحدة كذلك لنثبت به

چرا فرستاده نشد بر او قران همه بیکبار همچنین تا استوار کنیم بدان

فؤادك ورتلناه ترتيلا ۝ ولا ياتونك بمثل الا جئناك بالحق

دل ترا و بیان کنیم آن را بیان کردنی و نیایند ترا بداستانی مگر بیاوریم ما ترا براستی

واحسن تفسيرا ۝ الذين يحشرون على وجوههم الى جهنم

و نیکوتر تفسیری آنانکه برانگیخته شوند بر رویهاشان با سوی

خمس

عشر

معانقه

اولئك

اولئك شر مكانا واضل سبيلا ۝ ولقد اتينا موسى الكتاب

ایشانند بدتر جایی وگمراه تر راهی و هرآینه تحقیق بدادیم موسی را توریة

وجعلنا معه اخاه هرون وزيرا ۝ فقلنا اذهبا الى القوم خمس

وگردانیدیم با او برادر او هرون را هم پشت او پس گفتیم ما بروید هر دو سوی گروهی

الذين كذبوا بآياتنا فدمرناهم تدميرا ۝ وقوم نوح لما

آنانکه تکذیب کردند نشانهای ما پس هلاک کردیم ما ایشان را هلاک کردنی و گروه نوح را هرگاه

كذبوا الرسل اغرقناهم وجعلناهم للناس اية واعتدنا

تکذیب کردند پیغمبران را غرق کردیم ما ایشان را و گردانیدیم مر مردمان را نشانه و آماده ساختیم ما

للظالمين عذابا اليما ۝ وعادا وثمود واصحاب الرس و

ستمکاران را عقوبت دردناک و عادیان و ثمودیان و گروه چاه و

قرونا بين ذلك كثيرا ۝ وكلا ضربنا له الامثال وكلا

قرنها میان این بسیار گذشته و همه بیان کردیم ما مر از داستانها و همه را

تبرنا تتبيرا ۝ ولقد اتوا على القرية التي امطرت مطر السوء

هلاک کردیم هلاک کردنی و هرآینه تحقیق آمدند یعنی مکه بردهی که بارانیده باران بد

افلم يكونوا يرونها بل كانوا لا يرجون نشورا ۝ واذا عشر

آیا پس نبودند که ببینند آن را بلکه بودند که نخواهند دید روز رستخیز و چون

راوك ان يتخذونك الا هزوا اهذا الذي بعث الله رسولا ۝

ببینند ترا ای محمد نگیرند ترا مگر بافسوس آیا این آنکس است که فرستاد خدا پیغمبر

ان كاد ليضلنا عن الهتنا لولا ان صبرنا عليها وسوف

اگر بهست هرآینه گمراه کننده ما را از خدایان ما اگر نبایستی آن بود صبر میکردیم بر آن و زود باشد

يعلمون حين يرون العذاب من اضل سبيلا ۝ ارايت

که بدانند وقتیکه ببینند عقوبت روز قیامت کیست گمراه تر براه حق آیا می بینی ای محمد

مَنِ اتَّخَذَ إِلٰهَهُ هَوٰيهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا أَمْ تَحْسَبُ
انکه بگرفت خدای بهوای خود آیا پس تو هستی بران مسلط کر او را بجبر بازاری یا پنداری
أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ
بدرستیکه بیشتران می شنوند یا خرد دارند نیستند ایشان مگر مانند چهارپایان
بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ
بلکه ایشان گمراه ترند براه حق آیا نمی بینی یا محمد سوی خداوند خود چگونه کشید سایه را و اگر خواهد
لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا خمس
هر آینه میکرد او را ساکن پس کردیم ما آفتاب بران دلیل پس برداریم ما ازا سوی خود
یعنی سایه را
قَبْضًا يَسِيرًا وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا
بردنی آسان و اوست آن خدائی که کرد مر شما را از شب پوشش و خواب را راحتی و آرامی
وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَ
و گردانید روز را نشور یعنی بیداری و اوست آن خدائی که بفرستاد بادها را پراکنده میان دو دست باران رحمت
وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا وَنُسْقِيَهُ
و فرستادیم ما از آسمان آبی پاک کننده تا زنده کنیم بدان زمین مرده را و آب دهیم
مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ
از آنچه آفریدیم ما چهارپایان و مردمان بسیار و هر آینه تحقیق گردانیدیم او را میان ایشان
لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا وَلَوْ شِئْنَا عشر
تا پند گیرند پس اباکردند بیشتر مردمان مگر ناسپاسی و اگر خواهیم ما
لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ
هر آینه میفرستادیم ما در هر دهی رسولی بیم کننده پس اطاعت بکردن ناگرویدگان و کارزار کن با ایشان
بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هٰذَا عَذْبٌ
بدان کارزاری بزرگ و اوست آن خدائی که بیامیخت دو دریا را این آب

فرات وهذا ملح اجاج وجعل بينهما برزخا وحجرا محجورا ۝
خوشگوار یکی این آب شور و تلخ و بکرد میانهٔ آن دو دریا مانعی و بازداشتنی بازداشته شده
وهو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وكان
واوست آن خدائیکه بیافرید از آب آدمی را پس کردانید اورا بفرزندی و دامادی و هست
ربك قديرا ۝ ويعبدون من دون الله ما لا ينفعهم ولا يضرهم ط
خداوند تو توانا و می پرستند از جز خدای آنچه ندارد سود ایشانرا و نه زیان کند ایشانرا
خمس
وكان الكافر على ربه ظهيرا ۝ وما ارسلناك الا مبشرا
وهست کافر برخدای خود یاری دهنده و نفرستادیم ما ترا مگر مژده دهنده
ونذيرا ۝ قل ما اسألكم عليه من اجر الا من شاء ان يتخذ
و ترساننده بگو ای محمد نمیخواهیم شما را بران از مزدی مگر کسیکه خواهد بگیرد
الى ربه سبيلا ۝ وتوكل على الحی الذی لا يموت وسبح بحمده ط
بسوی خداوند خود راهی و توکل کن برخدای زنده آنخدائیکه هرگز نمیرد و بپاکی یاد کن بحمد او
سجده
وكفى به بذنوب عباده خبيرا ۝ الذی خلق السموات و
و بسنده است باو بگناهان بندگان او آگاهی آنخدائیکه بیافرید آسمانها و
الارض وما بينهما فی ستة ايام ثم استوى على العرش
زمینها و آنچه میان این هست در شش روز پس مستولی شد برعرش
الرحمن فسئل به خبيرا ۝ واذا قيل لهم اسجدوا للرحمن قالوا
رحمن پس بخواه از خدای آگاه خبر را و چون گفته شد مرایشانرا که سجده کنید مرخدای رحمن را گفتند
عشر
وما الرحمن انسجد لما تأمرنا وزادهم نفورا ۝ تبارك الذی
و چیست رحمن آیا سجده کنیم مرآنکه میفرمایی ما را و بیفزود ایشانرا رمیدگی پاک و بزرگست آنخدائیکه
جعل فی السماء بروجا وجعل فيها سراجا وقمرا منيرا ۝ وهو
گردانید در آسمان ستارها و بگردانید دران چراغی یعنی آفتاب و ماه روشنی و او

الذی جعل اللیل والنهار خلفة لمن اراد ان یذکر او اراد

انخدائیست که بگردانید شب و روز را از پی هم در آینده مر آنرا که خواهد اینکه پند گیرد یا خواهد که

شکورا ۝ وعباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا

سپاسدار کند و بندگان خدای مهربان آنانند که میروند بر زمین متواضع

واذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما ۝ والذین یبیتون

و چون سخن کنند با ایشان نادانان گویند سلامی و آنانکه بیدار کنند

لربهم سجدا وقیاما ۝ والذین یقولون ربنا اصرف عنا

مر خداوند خویش بسجود و قیامی و آنانکه میگویند ای خداوند ما بگردان از ما

عذاب جهنم ان عذابها کان غراما ۝ انها ساءت

عقوبت دوزخ بدرستیکه عقوبت دوزخ هست دایمی بدرستیکه دوزخ بد

مستقرا ومقاما ۝ والذین اذا انفقوا لم یسرفوا ولم یقتروا

قرارجایست و بد جای بودنیست و آنانکه چون انفاق کنند اسراف نکنند و نه تنگ کنند

وکان بین ذلک قواما ۝ والذین لا یدعون مع الله

و باشند میان این هر دو یعنی در وسط قایم و آنانکه نمی خوانند با خدای تعالی

الها اخر ولا یقتلون النفس التی حرم الله الا بالحق

خدای دیگر و نمی کشند تنی را انکه حرام کرد خدا مگر بحق

ولا یزنون ومن یفعل ذلک یلق اثاما ۝ یضاعف له العذاب

و نمیکنند زنا و هر که میکند این افعال را می بیند عذاب و عقوبت دو چندانست مر او را عذاب

یوم القیمة ویخلد فیه مهانا ۝ الا من تاب وامن وعمل

روز قیامت و میباشد جاودانه در آن خوار کرده شده مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و بکند

عملا صالحا فاولئک یبدل الله سیاتهم حسنات وکان الله

کار نیکو پس ایشانند که بدل میکند خدا گناهان ایشان را به نیکیها و هست خدای

خمر

غفورا رحیما

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه سوره طسم را در هر شب جمعه بخواند از اولیا و دوستان خدا باشد و در حفظ و حراست الهی باشد و در دنیا فقر و بیچارگی باو نرسد و در آخرت از بهشت
مدد باو بدهند که راضی شود و زیاده از رضای او باو عطا فرمایند و حق تعالی صد زن از حور العین باو کرامت کند من مجمع

عشر

غفورا رحیما ۝ ومن تاب وعمل صالحا فانه یتوب الی الله متابا
آمرزنده و بخشاینده و هرکه توبه کند و کردار نیکو کند پس بدرستیکه او بازمیکردد بسوی خدا بازگشتنی

والذین لا یشهدون الزور واذا مروا باللغو مروا کراما ۝
و آنانکه نمیدهند گواهی دروغ و چون بگذرند بلغوی بگذرند کرم کنندگان

والذین اذا ذکروا بایات ربهم لم یخروا علیها صما وعمیانا ۝
و آنانکه چون پند داده شوند بنشانهای خداوند خویش نیفتند بران کران و کوران

والذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا وذریاتنا قرة
و آنانکه میکویند ای بارخدایا ببخش مارا از زنان ما و فرزندان ما که روشنی

اعین واجعلنا للمتقین اماما ۝ اولئک یجزون الغرفة بما
چشمهای ما باشند و بکردان مارا مر پرهیزکاران را پیشوا آن کروه آنند که پاداش داده میشوند غرفهای بهشت بدانچه

خمس

صبروا ویلقون فیها تحیة وسلاما ۝ خالدین فیها حسنت
شکیبایی کردند و برمیخورند دران تحیت و سلام را جاودانه باشند دران نیکو

مستقرا ومقاما ۝ قل ما یعبؤا بکم ربی لولا دعاؤکم فقد
قرارگاهی و جای بودنیست بگو ای محمد چه عذاب کند شمارا خداوند من اگر نباشد پرستیدن شما پس بتحقیق

کذبتم فسوف یکون لزاما ۝ سورة الشعراء مکیة مائتان وسبع وعشرون آیة
تکذیب کردید شما پس زود باشد که رسد شمارا عذاب لازم

بسم الله الرحمن الرحیم ۝
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

طسم ۝ تلک ایات الکتاب المبین ۝ لعلک باخع نفسک
قسم یاد میکند خدا باین حروف که این آیات قرآن هویدا چرانکه شاید که تو هلاک کننده تن خودی

الا یکونوا مؤمنین ۝ ان نشأ ننزل علیهم من السماء ایة
اگر نمیباشند کرویدگان اینکه میخواهیم نفرستیم برایشان از آسمان آیتی قاهر و جبر کننده بایمان پس رود

بلغو یعنی بازی بگذرانند

طا طول و عظمت است
و سین سلام او و میم
مجد او

أعناقهم لها خاضعين ۝ وما يأتيهم من ذكر من الرحمن

گردنهای ایشان مرانرا فروتنی کنندگان ونه یامد ایشانرا از یاد کردن از خدای مهربان

محدث إلا كانوا عنه معرضين ۝ فقد كذبوا فسيأتيهم خمس

نقل کرده شده مگر باشند ازان روی گردانندگان پس بتحقیق تکذیب کردند پس زود باشد که ایشانرا

أنبؤا ما كانوا به يستهزءون ۝ أولم يروا إلى الأرض كم أنبتنا

آگاهی آنچه بودند که بدان افسوس میکردند ایا نمی بینند سوی زمین که چند گونه رویانیدیم

فيها من كل زوج كريم ۝ إن في ذلك لآية وما كان أكثرهم

در آن از هر نوعی نغز ونیکو بدرستیکه در این هرآینه نشانیست ونبودند بیشتر ایشان بر

مؤمنين ۝ وإن ربك لهو العزيز الرحيم ۝ وإذ نادى ربك

گرویدگان وبدرستیکه خداوند تو هرآینه او ارجمند وبخشاینده است وچون بخواند خداوند تو

موسى أن ائت القوم الظالمين ۝ قوم فرعون ألا يتقون ۝ عشر

موسی را که برو سوی گروه ستمکاران گروه فرعون که آیا نمی ترسند

قال رب إني أخاف أن يكذبون ۝ ويضيق صدري ولا

گفت موسی ای خداوند من بدرستیکه میترسم که تکذیب کنند وتنگ شود دل من ونه

ينطلق لساني فأرسل إلى هرون ۝ ولهم علي ذنب فأخاف

رود زبان من در سخن گفتن پس بفرست وحی سوی هرون ومرایشانرا بر من گناهی پس میترسم

أن يقتلون ۝ قال كلا فاذهبا بآياتنا إنا معكم مستمعون خمس

از انکه بکشند مرا گفت خدای عز وجل حقا پس بروید بنشانیهای ما بدرستیکه ما با شما اشنوندگانیم

فأتيا فرعون فقولا إنا رسول رب العالمين ۝ أن أرسل معنا

پس بروید سوی فرعون پس بگوئید که ما فرستادگان خداوند جهانیانیم باید که بفرستی با ما

بني إسرائيل ۝ قال ألم نربك فينا وليدا ولبثت فينا من عمرك

فرزندان یعقوب بعیر دست ایشان گفت فرعون آیا نیست تو که پروردیم ترا در میان خود بحال کودکی ودرنگ کردی در میان ما از عمر خود

سنين وفعلت

سنين ۝ وفعلت فعلتك التي فعلت وانت من الكافرين

سالها و بکردی کردار خود انکه کردی و تو از ناسپاسان نعمتی

عشر قال فعلتها اذا وانا من الضالين ۝ ففررت منكم لما خفتكم

گفت موسی کردم ترا انگاه که من از نادانان بودم پس بگریختم از شما ازانکه میترسیدم از شما

فوهب لي ربي حكما وجعلني من المرسلين ۝ وتلك نعمة

پس بخشید مرا خداوند من بصواب کار و بدانش و گردانید مرا از جمله پیغمبران مرسل و این نعمتی است

تمنها علي ان عبدت بني اسرائيل ۝ قال فرعون وما رب

منت نهاد ازانکه معبود کردی بپرستیدن فرزندان یعقوب گفت فرعون کیست پروردگار

العالمين ۝ قال رب السموات والارض وما بينهما ان كنتم

جهانیان گفت موسی خداوند آسمانها و زمینها و آنچه میان آن است اگر هستید شما

خمس موقنين ۝ قال لمن حوله الا تستمعون ۝ قال ربكم ورب

استوارکاران بیگمان گفت فرعون مر کسانی که گرداگرد او بودند [illegible] گفت موسی خداوند شما و خداوند

اباۤئكم الاولين ۝ قال ان رسولكم الذي ارسل اليكم

پدران شما که پیشینیان بودند گفت فرعون بدرستی رسول شما انکه فرستاده شده سوی شما

لمجنون ۝ قال رب المشرق والمغرب وما بينهما ان كنتم

هرآینه دیوانه است گفت موسی خداوند مشرق و مغرب و آنچه میان آن است اگر هستید شما

تعقلون ۝ قال لئن اتخذت الها غيري لاجعلنك من

خردمندان گفت فرعون اگر بگیری خدائی جز من هرآینه بگردانم ترا از

عشر المسجونين ۝ قال اولو جئتك بشيء مبين ۝ قال فات به

زندانیان گفت موسی آیا اگر بیارم تو بچیزی پیدا گفت فرعون پس بیارید آن

ان كنت من الصادقين ۝ فالقى عصاه فاذا هي ثعبان

اگر هستی تو از راست گویان پس بیفکند موسی عصای خود را ناگاه آن عصا ماری

مُبِينٌ ۝ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ ۝ قَالَ الْمَلَأُ
بيدا وبيرون آورد دست خود را پس آنگاه سفید بود روشن مر بینندگان را گفت مر گروهی گردا و بود فرعون

إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ۝ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ
بدرستیکه این جادو ئیست دانا میخواهد که بیرون کند شمارا از زمین شما بجادوی خود

فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ۝ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ
پس چه چیز میفرمائید گفتند تاخیر کن کشتن اورا و برادر اورا و بفرست رسولان در مداین جوالی گرد کنندگان

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ۝ فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ۝
بیارند بتو بهر جادوئی دانا پس گرد شد جادوان برای وقت روز دانسته شده

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ ۝ لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِنْ
وگفتند مر مردمان را زود باشد که شما گرد آئید شاید که ما متابعت جادوان اگر

كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ۝ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ
هستند ایشان غلبه کنندگان پس چون آمدند ساحران بسوی فرعون گفتند مر فرعون را که آیا هست

لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ۝ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَمِنَ
مارا هرآئنه مزدی اگر بوده باشیم ما غلبه کنندگان گفت فرعون آری و شما آنگاه نزدیک از

الْمُقَرَّبِينَ ۝ قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ۝ فَأَلْقَوْا
نزدیکانید گفت مر ایشان را موسی بیفکنید آنچه شما افکنندگانید پس بیفکندند

حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ
رسنهای خویش و عصاهای خویش را وگفتند بعزت فرعون بدرستیکه هرآئنه مائیم غلبه کنندگان

فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ۝ فَأُلْقِيَ
پس بیفکند موسی عصای خود را

السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ۝ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ
گفتند بگرویدیم ما بخداوند جهانیان خداوند موسی و هرون

خمس

عشر

خمس

قالوا

قال آمنتم له قبل ان آذن لكم انه لكبيركم الذي
گفت فرعون ایمان آوردید مر او را پیش از آنکه دستوری دهم مر شما را بدرستیکه او هر آینه بزرگ شماست آنکه
علمكم السحر فلسوف تعلمون لاقطعن ايديكم وارجلكم
بیاموخت شما را جادوی پس زود باشد که بدانید که هر آینه ببرم دستهای شما را و پاهای شما را
من خلاف ولاصلبنكم اجمعين قالوا لا ضير انا الى ربنا
از خلاف یعنی دست راست و پای چپ و هر آینه بردار کنم شما را همه گفتند زیان نکند ما را که ما سوی خداوند خود
عشر
منقلبون انا نطمع ان يغفر لنا ربنا خطايانا ان كنا اول
باز گردیده ایم بدرستیکه ما امید داریم که بیامرزد ما را خداوند ما گناهان گذشته ما را که بودیم ما نخستین
المؤمنين واوحينا الى موسى ان اسر بعبادي انكم متبعون
گرویدگان و وحی کردیم سوی موسی آنکه ببر بندگان ما یعنی فرزندان یعقوب بدرستیکه شما متابعت کرده شدگانید
فارسل فرعون في المدائن حاشرين ان هؤلاء لشرذمة
پس فرستاد فرعون در شهرهای حوالی مصر گرد کنندگان بدرستیکه ایشان گروهی اند
خمس
قليلون وانهم لنا لغائظون وانا لجميع حاذرون فاخرجناهم
اندک و ایشان هر آینه ما را دشمن دارند و بدرستیکه ما همه حذر کنندگانیم با سلاح پس بیرون آوردیم ایشان را
من جنات وعيون وكنوز ومقام كريم كذلك
از بستانها و چشمها و گنجها و جایگاهی پاکیزه همچنین که خبر دادیم
عشر
واورثناها بني اسرائيل فاتبعوهم مشرقين فلما تراءا الجمعان
و میراث دادیم اینهمه را بفرزندان یعقوب پس تعاقب ایشان کردند وقت برآمدن آفتاب پس چون دیدند هر دو گروه
قال اصحاب موسى انا لمدركون قال كلا ان معي ربي سيهدين
گفتند یاران موسی چاره نه از دست فرعون و گروه او گفت موسی حقا بدرستی با منست خداوند من زود باشد راه نماید
فاوحينا الى موسى ان اضرب بعصاك البحر فانفلق فكان
پس وحی کردیم ما سوی موسی که بزن بعصای خود دریا را پس بشکافت و دوازده راه پیدا شد پس بود

كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ ○ وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخَرِينَ ○ وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ

هر پاره آب برخواست مانند کوهی بزرگ ونزدیک آوردیم فرعون وقوم اورا بدریا وبرهانیدیم موسی را

وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ ○ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ ○ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً

و هر کس که با او بود همه را پس غرق کردیم ... قوم اورا بدرستیکه درین هر آینه نشانی است

خمس

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ○ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ○

ونیستند بیشتر ایشان گرویدگان وبدرستیکه خداوند تو هر آینه اوست ارجمند بخشاینده

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ○ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ○

وبرخوان ... قصه ابراهیم را چون گفت مر پدر خود را ومر قوم خود را چه میپرستید شما

عشر

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَاكِفِينَ ○ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ

گفتند می پرستیم بتان را پس روز مرانها معتکف میباشیم گفت ایا می شنوند حرف شما چون

تَدْعُونَ ○ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ○ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَٰلِكَ

میخوانید ایشان را یا نفع میرسانند یا زیان میرسانند مر شما را گفتند بلکه یافتیم پدران خود را همچنین

يَفْعَلُونَ ○ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ○ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمُ

میکردند گفت ابراهیم ایا پس بینید شما آنچه هستید شما پرستندگان شما وپدران شما

خمس

الْأَقْدَمُونَ ○ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ○ الَّذِي خَلَقَنِي

پیشینیان پس بدرستیکه ایشان دشمنند مرا مگر خداوند جهانیان آن خدا آنکه خلق کرد مرا

فَهُوَ يَهْدِينِ ○ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ○ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ

پس او راه مینماید وآن خدا آنکه او طعام میدهد مرا وآب میدهد مرا وچون بیمار شوم پس او

يَشْفِينِ ○ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ○ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ

شفا میدهد وآن خدا آنکه میمیراند مرا پس زنده میکند مرا وآن خدا آنکه امید دارم اینکه بیامرزد

عشر

لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ○ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ

مرا گناهان مرا روز پاداش یعنی قیامت ای خداوند من ببخش مرا حکمی وپیوسته کردان مرا بنیکان

واجعل لي

واجعل لي لسان صدق في الاخرين ۝ واجعلني من ورثة
وبگردان مرا زبان راست یعنی ثنا نیکو در زبان پسینیان وبگردان مرا از وارثان
جنة النعيم ۝ واغفر لابي انه كان من الضالين ۝ ولا تخزني خمس
بهشت با نعمت وبیامرز مر پدر مرا بدرستیکه او هست از گمراهان ورسوا مکن مرا
يوم يبعثون ۝ يوم لا ينفع مال ولا بنون ۝ الا من اتى الله بقلب
روز قیامت آن روز که نه سود میکند مال ونه فرزندان مگر کسی که بیاید بخداوند خود با دلی
سليم ۝ وازلفت الجنة للمتقين ۝ وبرزت الجحيم للغاوين ۝ عشر
سلامت ونزدیک کرده شود بهشت مر پرهیزکاران را وبیرون آورد دوزخ مر بیراهان را
وقيل لهم اين ما كنتم تعبدون ۝ من دون الله هل ينصرونكم
وگویند مر ایشان را کجا اند ایشان که میپرستیدند از جز خدا هیچ توانند یاری کنند شما را
او ينتصرون ۝ فكبكبوا فيها هم والغاوون ۝ وجنود
یا نصرت کنند ایشان را پس برو افکنند در آن ایشان را یعنی معبودان وعابدان ولشکرهای
ابليس اجمعون ۝ قالوا وهم فيها يختصمون ۝ تالله ان كنا لفي خمس
شیطان همه گفتند ایشان در آنجا خصومت کردند بخدا که بودیم ما مگر در
ضلال مبين ۝ اذ نسويكم برب العالمين ۝ وما اضلنا
گمراهی پیدا بانیکه برابر کردیم ما شما را بخداوند جهانیان از وگم نکردیم ما
الا المجرمون ۝ فما لنا من شافعين ۝ ولا صديق حميم ۝ فلو عشر
مگر گناهکاران پس نیست ما را از شفاعت کنندگان ونه دوست ونزدیک غمخوار کننده پس اگر
ان لنا كرة فنكون من المؤمنين ۝ ان في ذلك لاية
بدرستی ما را بار دیگر پس میبودیم از گروندگان بدرستیکه در این هرآینه نشانه وحجتست
وما كان اكثرهم مؤمنين ۝ وان ربك لهو العزيز الرحيم ۝
ونباشند بیشتر ایشان گرویدگان وبدرستی خداوند تو هرآینه اوست ارجمند بخشنده

ع
كذبت قوم نوح المرسلين ۝ اذ قال لهم اخوهم نوح الا

تكذيب كردند كروه نوح پيغمبران را چون كفت ايشان را برادر ايشان نوح چرا

تتقون ۝ انى لكم رسول امين ۝ فاتقوا الله واطيعون ۝

پرهيزيد خداى را بدرستيكه من شما را پيغمبرم امانت دار پس بپرهيزيد خداى را و فرمان بريد مرا

وما اسئلكم عليه من اجر ان اجرى الا على رب العالمين ۝

و نميخواهم شما را بران يعنى رسانيدن احكام خدا مزدى نيست مزد من مكر بر خداوند جهانيان

فاتقوا الله واطيعون ۝ قالوا انؤمن لك واتبعك الارذلون ۝ عشر

پس بپرهيزيد خداى را و فرمان بريد مرا كفتند آيا بكرويم مر ترا و حال آنكه پيروى كردند ترا فرومايكان

قال وما علمى بما كانوا يعملون ۝ ان حسابهم الا على ربى لو نصف الحزب

كفت نوح و نيست دانستن مرا بدانچه بودند ميكنند نيست جزاى ايشان مكر بر خداى من اكر

تشعرون ۝ وما انا بطارد المؤمنين ۝ ان انا الا نذير مبين ۝ خمس

ميدانيد خداوند من حق است و نه ام راننده [illegible] كرويدكان را نيستم من مكر بيم كننده هويدا

قالوا لئن لم تنته يا نوح لتكونن من المرجومين ۝ قال

كفتند اكر نيستى توازين دعوت اى نوح هرآينه باشى تو از سنكساران كفت

رب ان قومى كذبون ۝ فافتح بينى وبينهم فتحا ونجنى ومن

اى خداوند بدرستى كروه من تكذيب كردند مرا پس بكشاى ميان من و ميان ايشان حكم كردنى و برهان مرا [illegible] و هر كه

معى من المؤمنين ۝ فانجيناه ومن معه فى الفلك المشحون ۝

با منست از كرويدكان پس برهانيديم او را و هر كه با او بود در كشتى بربار كران

ثم اغرقنا بعد الباقين ۝ ان فى ذلك لاية وما كان اكثرهم عشر

پس غرق كرديم ما كافران را بدرستيكه درين هرآينه نشانيست و نبودند بيشتر ايشان

مؤمنين ۝ وان ربك لهو العزيز الرحيم ۝ كذبت عاد المرسلين

كرويدكان و بدرستيكه خداوند تو هرآينه اوست غالب بخشاينده تكذيب كردند كروه عاديان پيغمبران

اذ قال

خمس اذ قال لهم اخوهم هود الا تتقون ۝ انی لکم رسول امین ۝
چون گفت مر ایشان را برادر ایشان هود چرا نمی پرهیزید خدای را بدرستیکه من شما را پیغمبری استوارم
فاتقوا الله واطیعون ۝ وما اسئلکم علیه من اجر ان اجری
پس بپرهیزید خدای و فرمان برید مرا و نمی خواهم از شما بر رسانیدن پیغام از مزدی نیست مزد من
الا علی رب العالمین ۝ اتبنون بکل ریع ایة تعبثون ۝
مگر بر خداوند جهانیان ایا بنا میکنید بهمه مکانی علامتی که بدان بازی کنید
وتتخذون مصانع لعلکم تخلدون ۝ واذا بطشتم بطشتم
و میگیرید این بنیادها را تا باشد که شما جاودانه باشید و چون عقوبت کنید عقوبت کنید
عشر جبارین ۝ فاتقوا الله واطیعون ۝ واتقوا الذی امدکم
جباران پس بپرهیزید خدای را و فرمان بردار کنید او را و بپرهیزید انکه بداده است شما
بما تعلمون ۝ امدکم بانعام وبنین ۝ وجنات وعیون ۝
بدانچه میدانید بیفزوده است شما را چهارپایان و فرزندان و بستانها و چشمهای آب روان
خمس انی اخاف علیکم عذاب یوم عظیم ۝ قالوا سواء علینا اوعظت
بدرستیکه من میترسم بر شما عقوبت روز بزرگ گفتند برابر است بر ما اگر پند دهی
ام لم تکن من الواعظین ۝ ان هذا الا خلق الاولین ۝
یا نبوده باشی از پند دهندگان بدرستیکه این مگر رسم پیشینیان و فن ایشان
وما نحن بمعذبین ۝ فکذبوه فاهلکناهم ان فی ذلک
و نیستیم ما بعذاب کرده شدگان پس تکذیب کردند او را پس هلاک کردیم ما ایشان را بدرستیکه در این
عشر لایة وما کان اکثرهم مؤمنین ۝ وان ربک لهو العزیز الرحیم ۝
حجت و نشانیست و نبودند بیشتر ایشان گرویدگان و بدرستیکه خداوند تو هر اینه اوست رحمن بخشاینده
کذبت ثمود المرسلین ۝ اذ قال لهم اخوهم صالح الا تتقون ۝
تکذیب کردند ثمودیان پیغمبران را چون گفت مر ایشان را برادر ایشان صالح چرا نپرهیزید

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ وَمَا أَسْأَلُكُمْ

بدرستیکه من شمارا پیغمبرم راستکار پس بترسید از خدای و فرمان بردار کنید مرا و نخواهم از شما

عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَتُتْرَكُونَ خمس

بر رسانیدن پیغام از مزدی نیست مزد من مگر بر خداوند جهانیان آیا باز دارید

فِيمَا هَاهُنَا آمِنِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا

در آنچه در دنیا ایمنانید در بوستانها و چشمها و کشتها و خرمابان شکوفهای آن

هَضِيمٌ وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ عشر

بیکدیگر پیوسته و میتراشید از کوهها خانهها نغز استادانه پس بترسید از خدای و فرمان بردار

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ

و فرمان مبرید کار کافران را آنانکه تباهی میکنند در زمین و نیکوئی نمیکنند

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ

گفتند جز این نیست که تو از جملهٔ جادو کرده شدگانی نیستی تو مگر آدمی مانند ما پس بیاور آیتی

إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ قَالَ هَٰذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ

اگر هستی تو از راست گویان گفت این ماده شتریست مر اوراست آب دادن و شمارا روز آب دادن

يَوْمٍ مَعْلُومٍ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ خمس

روز معلومی و مسائید آنرا ببدی پس بگیرد شمارا عذاب روز بزرگ

فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ

پس بکشتند آنرا پس بامداد کردند پشیمانان پس گرفت ایشانرا عذاب بدرستیکه در این

لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ

هرآینه حجتیست و نبود بیشتر ایشان گرویدگان و بدرستیکه خداوند تو هرآینه اوست ارجمند

الرَّحِيمُ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ عشر

بخشاینده تکذیب کردند گروه لوط پیغمبران را چون گفت مر ایشانرا برادر ایشان

لوط الا تتقون

لوط الا تتقون ۝ انی لکم رسول امین ۝ فاتقوا الله و
لوط چرا نمی‌ترسید بدرستیکه من مر شما را پیغمبرام راستکار پس بپرهیزید خدا را و
اطیعون ۝ وما اسئلکم علیه من اجر ان اجری الا علی رب
فرمان برید مرا و نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت از هر دین مزد من مگر بر خداوند
حزب خمس العالمین ۝ اتاتون الذکران من العالمین ۝ وتذرون
جهانیان آیا فراز می‌آیید بزنان و مردان از جهانیان و ترک میکنید
ما خلق لکم ربکم من ازواجکم بل انتم قوم عادون ۝ قالوا
آنچه بیافرید مر شما را پروردگار شما از جفتان شما بلکه شما گروه از حد گذرندگانید گفتند
لئن لم تنته یا لوط لتکونن من المخرجین ۝ قال انی
باز نیائی ازین گفتار ای لوط هر آینه باشی تو از بیرون آورده‌شدگان گفت بدرستی که
لعملکم من القالین ۝ رب نجنی واهلی مما یعملون ۝ فنجینه
من از دشمن دارندگانم ای خداوند من برهان مرا و اهل مرا از آنچه میکنند پس برهانیدیم او را
عشر واهله اجمعین ۝ الا عجوزا فی الغابرین ۝ ثم دمرنا الاخرین ۝
و اهل او را همه مگر پیره زنی که زن لوط بود در پس ماندگان بود پس هلاک کردیم مادیگران را
وامطرنا علیهم مطرا فساء مطر المنذرین ۝ ان فی ذلک لایة
و بارانیدیم باران بر ایشان باران پس بد بارانی بود که بیم کرده شدگان بدرستی در این هر آینه نشانیست
خمس وما کان اکثرهم مؤمنین ۝ وان ربک لهو العزیز الرحیم ۝
و نبود بیشتر ایشان گروندگان و بدرستیکه خداوند تو هر آینه اوست ارجمند بخشاینده
کذب اصحاب الایکة المرسلین ۝ اذ قال لهم شعیب الا تتقون ۝
تکذیب کردند گروه ایکه پیغمبران را چون گفت ایشان را شعیب آیا نمی‌ترسید
انی لکم رسول امین ۝ فاتقوا الله واطیعون ۝ وما اسئلکم
بدرستیکه من شما را پیغمبرام راستکار پس بپرهیزید خدا را و فرمان برید مرا و نمیخواهم از شما

عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلٰى رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ اَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا عشر

بر تبلیغ رسالت از مزدی نیست مزد من مگر بر خداوند جهانیان پیمانه را تمام کنید و

تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ۝ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ۝ وَلَا تَبْخَسُوا

مباشید از زیان کاران و بسنجید بترازوی راست و درست و کم مدهید

النَّاسَ اَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ ۝ وَاتَّقُوا الَّذِي

مردمان را چیزهای ایشان را و مبالغه مکنید در زمین تباهی کنندگان و بترسید از خدا آنکه

خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْاَوَّلِينَ ۝ قَالُوا اِنَّمَا اَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ۝ وَمَا خمس

آفریده شما را و خلقان گذشته را گفتند جز این نیست که تو از جادو کردگانی و نیستی

اَنْتَ اِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَاِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ۝ فَاَسْقِطْ عَلَيْنَا

تو مگر آدمی مانند ما و میداریم گمان ترا که هر آینه از دروغ گویانی پس بیفکن بر ما

كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ قَالَ رَبِّي اَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝

پاره از آسمان اگر تو از راست گویانی گفت شعیب خداوند من داناتر به آنچه میکنید

فَكَذَّبُوهُ فَاَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ اِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ

پس دروغ زن داشتند او را پس بگرفت ایشان را عقوبت از روز سایه ابر بدرستیکه هست عذاب روز

عَظِيمٍ ۝ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَاِنَّ

بزرگ بدرستیکه در این هر آینه نشانیست و نیستند بیشتر ایشان گروندگان و بدرستیکه

رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ وَاِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ نَزَلَ بِهِ

خداوند تو هر آینه اوست ارجمند بخشاینده و بدرستیکه او هر آینه فرستاده خداوند جهانیانست فرستاد قرآن

الرُّوحُ الْاَمِينُ ۝ عَلٰى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ ۝ بِلِسَانٍ

جبرئیل امین را بر دل تو که مصطفی تا باشی تو از بیم کنندگان بر زبان

عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ۝ وَاِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْاَوَّلِينَ ۝ اَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ اٰيَةً اَنْ خمس

عربی پیدا و بدرستیکه از قرآن و مهر آینه در کتابهای پیشینیان آیا نمیشود پسنده مر کافران نشانه که

يعلمه

یعنی در توریة موسی و انجیل عیسی
و در زبور داود مشرح بود
که قرآن را برای تو نازل خواهم
کرد

يعلمه علمؤا بني اسرائيل ۝ ولو نزلناه على بعض الاعجمين ۝ فقراه
میدانندان عالمان فرزندان یعقوب و اگر فرستادیم انرا بر بعضی عجمها غیر مرد عجمی پس میخواند
عليهم ما كانوا به مؤمنين ۝ كذلك سلكناه في قلوب
بر ایشان نمیبودند بدان راست گوی دارندگان همچنین در آوردیم ما انرا در دلهای
عشر المجرمين ۝ لا يؤمنون به حتى يروا العذاب الاليم ۝ فياتيهم
کافران که نگرویدند بقران تا بینند عقوبت دردناک پس بیاید ایشان را
بغتة وهم لا يشعرون ۝ فيقولوا هل نحن منظرون ۝ افبعذابنا
ناگاه و ایشان نمیدانند که از کجا آمد پس میگویند هستیم آیا ما ضمان داده شدگان آیا پس عذاب ما
خمس يستعجلون ۝ افرايت ان متعناهم سنين ۝ ثم جاءهم ما كانوا
تعجیل میکنید آیا پس می بینی تو ای محمد اگر برخوردار دهیم ایشانرا سالها پس بیاید ایشان را انچه بودند
يوعدون ۝ ما اغنى عنهم ما كانوا يمتعون ۝ وما اهلكنا
وعده داده شدگان نکند سود ازایشان انچه بودند برخورداران و نکردیم هلاک ما
من قرية الا لها منذرون ۝ ذكرى وما كنا ظالمين ۝ وما
از هیچ اهل دهی الا که هر اینه آنرا فرستادیم بیم کنندگان اینی پند است و نبودیم ما ستمکاران
عشر تنزلت به الشياطين ۝ وما ينبغي لهم وما يستطيعون ۝ انهم
و نه فرود آمدند بان دیوان و نشاید مر ایشانرا و نتوانند بدرستیکه ایشان
عن السمع لمعزولون ۝ فلا تدع مع الله الها اخر فتكون من
از گوش هر اینه معزول شدند پس مخوان با خدای خدای دیگر پس اگر بخواندی تو باشی از
المعذبين ۝ وانذر عشيرتك الاقربين ۝ واخفض جناحك لمن
عذاب کرده شدگان و بیم کن خویشاوندان خویش که نزدیکانند و بگستران بال خود را مر کسی را
خمس اتبعك من المؤمنين ۝ فان عصوك فقل اني بريء مما تعملون ۝
که پیروی کند ترا از گرویدگان پس اگر نافرمانی کنند ترا پس بگو بدرستیکه من بیزارم از انچه میکنید شما

وتوكل على العزيز الرحيم ۝ الذي يراك حين تقوم ۝ وتقلبك

وتوکل کن برخدای ارجمند بخشاینده آنخدا ایکه می بیند ترا آنگاه که برخیزی بنماز شب و می بیند گردیدن ترا

في الساجدين ۝ انه هو السميع العليم ۝ هل انبئكم على من تنزل

درمیان یاران سجده کنند بدرستیکه اوست شنوای دانا هست که خبر کنم شمارا بر آنکه فرود آیند

الشياطين ۝ تنزل على كل افاك اثيم ۝ يلقون السمع واكثرهم

دیوان فرود آید بر هر دروغ گوئی بزکاری تلقین کنند دیو گوش خبار بسی و بیشتر ایشان

كاذبون ۝ والشعراء يتبعهم الغاوون ۝ الم تر انهم في كل واد

دروغ گویانند وشعراکه متابعت کنند دیوان گمراهانند آیا نمی بینی ای محمد بدرستیکه ایشان در هر وادی

يهيمون ۝ وانهم يقولون ما لا يفعلون ۝ الا الذين امنوا و

میروند کج وبدرستیکه ایشان میگویند آنچه نمیکنند مگر آنانکه گرویدند و

عملوا الصالحات وذكروا الله كثيرا وانتصروا من بعد ما ظلموا

وبکردند کارهای نیکو و یاد کردند خدارا بسیار وانصاف ستانیدند از پس آنچه ستم رسیده بود

وسيعلم الذين ظلموا اي منقلب ينقلبون ۝ سورة النمل مكية ثلث وتسعون آية

وزود باشند که بدانند آنانکه رسیده بودند بکدام جای بازگشتن بازگردند

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده مهربان

طس ۝ تلك ايات القران وكتاب مبين ۝ هدى وبشرى

قسم یاد کرد بدین که این سورت آیات قران وکتاب هویدا راه نماینده و مژده دهنده

للمؤمنين ۝ الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم

مر گرویدگان را آنانکه بپای میدارند نماز را ومیدهند زکوة را و ایشانند

بالاخرة هم يوقنون ۝ ان الذين لا يؤمنون بالاخرة زينا لهم

باخرت ایشان یقین دارندگان بدرستی آنانکه نگرویدند باخرت بیارایم ما ایشان را

اعمالهم

عشر

خمس

خمس
حزب

أعمالهم فهم يعمهون ۝ أولئك الذين لهم سوء العذاب وهم
کردار ایشان پس ایشان کور شوند ایشانند آنانکه مر ایشان راست بدی عقوبت و ایشانند
في الآخرة هم الأخسرون ۝ وإنك لتلقى القرآن من لدن
در آخرت ایشان زیانکارتران و بدرستیکه ترا هر آینه القا شده است قرآن از نزد خداوند
حكيم عليم ۝ إذ قال موسى لأهله إني آنست نارا سآتيكم
حکم کننده دانا چون گفت موسی مر اهل خودرا بدرستیکه من بدیدم آتشی زود باشد که شما
منها بخبر أو آتيكم بشهاب قبس لعلكم تصطلون ۝ فلما
ازان آتش بیارم خبری یا بیارم شمارا شعله آتشی تا مگر شما بجوبی که بر سر او آتش است گرم شوید پس چون
جاءها نودي أن بورك من في النار ومن حولها وسبحان الله
بیامد موسی سوی آتش ندا کرده شد موسی که برکت یافته شد آنکه از طلب آتش و آنچه بر گرد آتش است از فرشتگان و پاکست خدای
رب العالمين ۝ يا موسى إنه أنا الله العزيز الحكيم ۝ وألق عصاك
پروردگار جهانیانست ای موسی بدرستیکه آن منم خداوند ارجمند حکم کننده و بیفکن عصای خودرا
فلما رآها تهتز كأنها جان ولى مدبرا ولم يعقب يا موسى
پس چون دیدان را جنبنده مانند آنکه جان داشت یعنی مار برگشت هزیمت کرده و نه بازگشت ندا کرد خدا که ای موسی

عشر

لا تخف إني لا يخاف لدي المرسلون ۝ إلا من ظلم ثم بدل
مترس بدرستیکه من نمیترسانم نزد وحی من نترسند پیغمبران من مگر کسیکه ستم کند پس بدل شود نیکی
بعد سوء فإني غفور رحيم ۝ وأدخل يدك في جيبك تخرج
پس بدی پس بدرستیکه من آمرزنده بخشاینده ام و در آور دست خودرا در گریبان خود و بیرون آید
بيضاء من غير سوء في تسع آيات إلى فرعون وقومه إنهم كانوا
سفید از جز هیچ بدی در نه آیات سوی فرعون و گروه او بدرستیکه ایشان بودند
قوما فاسقين ۝ فلما جاءتهم آياتنا مبصرة قالوا هذا سحر مبين ۝
گروهی تباه کاران پس چون آمد ایشان را نشانهای ما پیدا کننده گفتند این جادوئیست پیدا

وجحدوا بها واستيقنتها انفسهم ظلما وعلوا فانظر كيف كان عاقبة

ومنكر شدند بدان ويقين بودند آنرا تنها ايشان ستم وبزرگی پس ببين چگونه بود سرانجام

المفسدين ۝ ولقد اتينا داود وسليمان علما وقالا الحمد لله الذى

تباه کاران وتحقيق داديم ما داود را وسليمان را دانشی وگفتند هردو سپاس مر خداى را آنکه

فضلنا على كثير من عباده المؤمنين ۝ وورث سليمان داود

افزونی نهاد ما را بر بسيارى از بندگان خود گرويدگان وميراث گرفت سليمان داود

وقال يا ايها الناس علمنا منطق الطير واوتينا من كل شىء ان

وگفت اى مردمان آموخته شديم ما زبان مرغان را وداده شديم ما از هر چيزى بدرستی

هذا لهو الفضل المبين ۝ وحشر لسليمن جنوده من الجن والانس

اين هرآئنه افزونی هويداست وگرد کرده شد مر سليمان را لشکرهای او از جنيان پريان ومردم

والطير فهم يوزعون ۝ حتى اذا اتوا على واد النمل قالت نملة يا

ومرغان پس ايشان بازداشته شدند تا چون رسيدند بر وادى مورچگان گفت مهتر مورچگان اى

ايها النمل ادخلوا مساكنكم لا يحطمنكم سليمن وجنوده وهم

مورچگان در رويد بخانهاى خود تا پايمال نکنند شما را سليمن ولشکرهاى او وايشان

لا يشعرون ۝ فتبسم ضاحكا من قولها وقال رب اوزعنى ان

در نمييابند پس تبسم کرد سليمان خنديد از گفتار ان وگفت اى خداوند من توفيق ده مرا که

اشكر نعمتك التى انعمت على وعلى والدى وان اعمل صالحا

شکر کنم نعمت ترا آنکه منت نهادى بر من وبر پدر ومادر من وآنکه بکنم کار نيکو

ترضيه وادخلنى برحمتك فى عبادك الصالحين ۝ وتفقد الطير

که خشنود تو دران باشد ودرآور مرا برحمت خود درميان بندگان خود نيکوکاران وبجست سليمان مرغ را

فقال مالى لا ارى الهدهد ام كان من الغائبين ۝ لاعذبنه

پس گفت چيست مرا که نمی بينم هدهد را يا هست از غايبان هرآئنه عذاب کنم او را

خمس

عشر

عذابا

عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝ فَمَكَثَ غَيْرَ

عذاب سختی یا هر آینه ذبح کنم اورا یا هر آینه بیارد بمن حجتی پیدا پس درنگ کرد جز

بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِن سَبَإٍ بِنَبَإٍ

دوری پس گفت بر هر انجا بودم بانچه نبودی تو ... بدان واوردم ترا از شهر سبا خبری

يَقِينٍ ۝ إِنِّي وَجَدتُّ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِن كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا

درست بدرستیکه یافتم مر زنیرا که پادشاه شده است و داده شده از هر چیزی و مر اورا است

عَرْشٌ عَظِيمٌ ۝ وَجَدتُّهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِن دُونِ اللَّهِ

تختی بزرگ یافتم اورا و کروه اورا سجده کنندکان مر آفتاب را از جز خدای

وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ

وآراسته است مرایشان را دیو بکارهای باطل ایشان پس باز داشته است ایشان را از راه راست پس ایشان ... راه نیافتند

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ

تا خود گفتم چرا سجده نمیکنند مر خدای را انکه بیرون می آرد نهانیها که در آسمانها و زمین نهانست و میداند

مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ۝ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

آنچه پوشیده میدارید وانچه آشکارا میکنید خدا انکه نیست خدای مگر او پروردگار عرش بزرگست

قَالَ سَنَنظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۝ اذْهَب بِّكِتَابِي

گفت زود باشد که ببینیم که آیا راست میگوئی تو یا هستی تو از دروغ گویان ببر نوشته مرا

هَٰذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ۝ قَالَتْ

این پس بیفکن نامه را سوی ایشان پس برکرد از نزد ایشان پس بنکر بانچه جواب باز کردند کفت بلقیس

يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ ۝ إِنَّهُ مِن سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ

ای بزرگان کروه بدرستیکه من که افکنده است سوی من کتابت گرامی را بدرستیکه ان نامه از سلیمان و بدرستیکه آن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝ أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ۝

بنام خدای بخشاینده مهربانست انکه بزرگی و تکبر مکنید بر من و بیایید مرا مسلمان شدکان

م سجده ...

خمس حزب

عشر

[illegible]

قالت يا أيها الملأ أفتوني في أمري ما كنت قاطعة أمرا حتى تشهدون

گفت بلقیس ای سرکردگان گروه جواب دهید مرا در کار من نبوده ام من هرگز قطع فصل کننده کاری تا شما حاضر نشوید

قالوا نحن أولوا قوة وأولوا بأس شديد والأمر إليك فانظري ماذا

گفتند ما خداوندان نیروییم و خداوندان جنگ کننده سخت و الحال فرمان تراست پس بنگر تا چه

تأمرين قالت إن الملوك إذا دخلوا قرية أفسدوها وجعلوا أعزة

فرمایی گفت بلقیس بدرستیکه پادشاهان چون درآیند بهر ده ولایتی تباه و خراب کنند آنرا و کنند ارجمندان

أهلها أذلة وكذلك يفعلون وإني مرسلة إليهم بهدية

آنشهر را خواران و همچنین میکنند و بدرستیکه من فرستاده شده ام سوی ایشان مال و هدیه

فناظرة بم يرجع المرسلون فلما جاء سليمن قال أتمدونن

پس چشم دارنده ام که بچه باز گردند فرستادگان پس چون آمد رسول بلقیس نزد سلیمان با هدیه گفت سلیمان آیا مرا فراخ میدهید

بمال فما آتاني الله خير مما آتاكم بل أنتم بهديتكم تفرحون

بمال تا بفریبید مرا پس آنچه داده است مرا خدای بهتر است از آنچه او داد شما بلکه شما بهدیه خود یعنی بدنیا شادی کنندگانید

ارجع إليهم فلنأتينهم بجنود لا قبل لهم بها ولنخرجنهم

بازگرد بسوی ایشان پس اگر بیاییم بایشان با سپاهی پیش از آنکه مر ایشان را باشد و هر آینه بیرون کنیم ایشان را

منها أذلة وهم صاغرون قال يا أيها الملأ أيكم يأتيني

از آن بخواری و ایشان خواران اند گفت سلیمان ای سرداران سپاه کیست از شما که بیارد بمن

بعرشها قبل أن يأتوني مسلمين قال عفريت من الجن أنا آتيك

تخت بلقیس را پیش از آنکه آیند بمن مسلمان شدگان گفت دیو سطبر از دیوان منم می آیم ترا

به قبل أن تقوم من مقامك وإني عليه لقوي أمين قال الذي

آن تخت پیش از آنکه برخیزی تو از جای حکم خود و بدرستیکه من بر آن هر آینه توانا ام و امانت دار گفت آنکه

عنده علم من الكتاب أنا آتيك به قبل أن يرتد إليك طرفك

نزد او دانش است از کتاب منم بیارم ترا آن تخت پیش از آنکه چشم بر هم زنی تو

خمس

وآن آصف بن برخیا وزیر سلیمان بود که مجرد گفتن یا حی یا قیوم زمین بشکافت و تخت بلقیس برآمد ۶۵

فلما رآه

فلما رآه مستقرا عنده قال هذا من فضل ربي ليبلوني

پس چون بدید سلیمان قرار گرفت نزد او گفت این از فضل خداوند منست تا بیازماید مرا تا

أأشكر أم أكفر ومن شكر فإنما يشكر لنفسه ومن كفر فإن

شکر کنم یا ناسپاسی و هر که شکر کند نیست اینکه شکر کند مر تن خود را و هر که کفر ورزد پس بدرستیکه

ربي غني كريم ۝ قال نكروا لها عرشها ننظر أتهتدي

خداوند من بی نیاز است کرامی کننده بلقیس را گفت سلیمان ناشناخت کنید تخت او را تا به بینیم راه می یابد

أم تكون من الذين لا يهتدون ۝ فلما جاءت قيل أهكذا

یا میباشد از آنانکه نیابند راه پس چون بیامد بلقیس گفتند آیا چنین

عرشك قالت كأنه هو وأوتينا العلم من قبلها وكنا مسلمين

است تخت تو گفت چنانست که او اوست و دادند ما را دانش از پیش آمدن بلقیس و بودیم ما مسلمانان

وصدها ما كانت تعبد من دون الله إنها كانت من قوم كافرين

و باز داشتش از آنچه بود که میپرستید از جز خدا بدرستیکه آن یعنی بلقیس بود از گروه ناگرویدگان

قيل لها ادخلي الصرح فلما رأته حسبته لجة وكشفت عن

گفتند مر بلقیس را درآی بدین کوشک پس چون بدید بلقیس کوشک را پنداشت آنرا آب بسیار و گشاده کرد از

ساقيها قال إنه صرح ممرد من قوارير قالت رب إني ظلمت

ساقها یعنی جامه را از ساق خود را گفت سلیمان بدرستیکه این کوشک نیست پیرایه شده از آبگینه در آمد و سلام کرد و گفت ای خداوند من بدرستیکه من ستم کرده ام

نفسي وأسلمت مع سليمان لله رب العالمين ۝ ولقد أرسلنا

بر نفس خود و گردن نهادم و سلام پذیرفتم با سلیمان مر خدا را که پروردگار جهانیان است و بدرستیکه فرستادیم ما

إلى ثمود أخاهم صالحا أن اعبدوا الله فإذا هم فريقان يختصمون ۝

سوی ثمودیان پیغمبر ایشان صالح را که بپرستید خدا را پس چون ایشان دو گروه شدند خصومت کنندگان

قال يا قوم لم تستعجلون بالسيئة قبل الحسنة لولا تستغفرون

گفت صالح ای قوم من چرا می شتابید ببدی پیش از نیکی چرا نخواهید آمرزش

عشر

و آن چنان بود که بعد از آمدن حضرت سلیمان رسیده بود که بر ساقهای پاهای بلقیس موی بسیار است منکر بودند بلقیس لهذا جنیان بفرموده سلیمان دریا چه ساختند و دیوان که زیر آن آب بود و بالا آبگینه تخت سلیمان را در آن طرف دریاچه گذاشتند چون بلقیس حضرت برای خدمت آمد تصور نمود که او را از آب بگذرد پس ساقهای پای خود را برهنه کرد معلوم شد موی بسیار دارد و بعد از آنکه او را نکاح کرد فرمود نوره بکشند و اضع نوره حضرت سلیمانست

الله لعلكم ترحمون ۝ قالوا اطيرنا بك وبمن معك قال طائركم
خدای تا مگر شما رحمت کرده شوید گفتند کافران اختر بد گرفتیم ما بتو و بانانکه با تو اند گفت صالح بد اختری شما از
عند الله بل انتم قوم تفتنون ۝ وكان في المدينة تسعة
نزد خداست بلکه شما گروهی اید آزمایش کرده شده و بودند در آن شهر نه
رهط يفسدون في الارض ولا يصلحون ۝ قالوا تقاسموا بالله
تن که تباهی میکردند در زمین و صلاحیت نداشتند گفتند ما سوگند میخوریم بخدا
لنبيتنه واهله ثم لنقولن لوليه ما شهدنا مهلك اهله
که شبیخون کنیم صالح و اهل او پس هر آینه گوییم مر وارث او را حاضر نبودیم ما بجای هلاک تو و اهل او
وانا لصادقون ۝ ومكروا مكرا ومكرنا مكرا وهم لا يشعرون ۝ عشر
و بدرستیکه ما هر آینه راست گویانیم و سگالش کردند سگالش کردند و سگالش کردیم جزای مکر ایشان و ایشان نمیدانستند
فانظر كيف كان عاقبة مكرهم انا دمرناهم وقومهم اجمعين ۝
پس بنگر چگونه بود سرانجام کار مکر ایشان بدرستیکه ما هلاک کردیم ایشان را و قوم ایشان را همه
فتلك بيوتهم خاوية بما ظلموا ان في ذلك لاية لقوم يعلمون
پس اینست خانهای ایشان که خالی است بدانچه ستم کردند بدرستیکه در این هر آینه نشانه است مر گروهی را که میدانند
وانجينا الذين امنوا وكانوا يتقون ۝ ولوطا اذ قال لقومه
و برهانیدیم ما آنانرا که بگرویدند و بودند پرهیزکاران و یاد کن لوط چون گفت مر گروه خود را
اتاتون الفاحشة وانتم تبصرون ۝ ائنكم لتاتون الرجال
آیا میآیید شما فاحشه را و شما میبینید آیا شما اید هر آینه میآیید مردان را
شهوة من دون النساء بل انتم قوم تجهلون ۝ فما كان جواب خمس
بشهوت از جز زنان بلکه شما گروهی نادانانید پس نبود پاسخ
قومه الا ان قالوا اخرجوا ال لوط من قريتكم انهم اناس يتطهرون
گروه او مگر آنکه گفتند بیرون کنید اهل لوط را از دیه ایشان بدرستیکه ایشان مردمانند که پاکی میجویند

فانجيناه واهله الا امراته قدرناها من الغابرين ۝ وامطرنا

پس برهانیدیم لوط را واهل اورا مکر زن اورا که تقدیر کرده بودیم ما که ان از پس ماندکان باشد وببارانیدیم ما

عليهم مطرا فساء مطر المنذرين ۝ قل الحمد لله وسلام على

برایشان بارانی سنک پس بدست باران بیم کرده شدکان بکوی محمد سپاس مر خدارا وسلام دایم بر

عباده الذين اصطفى آلله خير اما يشركون ۝ امن خلق

بندکان او انانکه برکزید خدا بهتر یا انچه انباز میکیرند ایاکیست که آفرید

السموات والارض وانزل لكم من السماء ماء فانبتنا به

آسمانها وزمینهارا وفرو فرستاد مر شمارا از آسمان آبی پس رویانیدیم ما بدان

حدائق ذات بهجة ما كان لكم ان تنبتوا شجرها أءله مع

باغها وبستانها خداوند نزهت نبشد مر شمارا که برویانید درختهارا ایاهست خدای

الله بل هم قوم يعدلون ۝ امن جعل الارض قرارا وجعل

خدا عزوجل بلکه ایشان کروهی اندکه برابر میکنند بتان کیست که کرد زمین را قرارکاه خلق وکرد

خلالها انهارا وجعل لها رواسى وجعل بين البحرين حاجزا

در کرد ان را جویها وکرد مران را کوهها وکرد میان دو دریا مانعی

أءله مع الله بل اكثرهم لا يعلمون ۝ امن يجيب المضطر

ایاهست خدای دیکر با خدای عزوجل بلکه بیشتر ایشان نمیدانند ایاکیست که پاسخ کند درمانده را

اذا دعاه ويكشف السوء ويجعلكم خلفاء الارض أءله

چون بخواند اورا وباز کرد رنج وسختی وبیچارکی میکند شمارا خلیفها در روی زمین ایاهست خدای دیکر

مع الله قليلا ما تذكرون ۝ امن يهديكم فى ظلمات البر و

با خدا اندکی انچه پند میکیرید ایاکیست که راه مینماید شمارا در تاریکیهای خشکی ودریا

البحر ومن يرسل الرياح بشرا بين يدى رحمته أءله مع الله تعالى

وکیست که میفرستد بادهای پراکنده میان پیش روی باران رحمت خود ایاهست خدای دیکر با خدای که برترست خدا

الجزء العشرون ٢٠

عشر

نوع مژده دهنده باران

اللّه عمّا يشركون ۝ أمّن يبدؤا الخلق ثمّ يعيده ومن يرزقكم
از انچه انباز میکیرند ایا کیست که بیافریند خلق را باغاز پس بمیراند و باز زنده کرداند و کیست که روزی میدهد شما را
من السماء والأرض أإله مع اللّه قل هاتوا برهانكم إن كنتم
از اسمان وزمین ایا هست خدای با خدای عزوجل بگو ای محمد صلعم بیارید حجت های خویش اکر هستید شما
صادقين ۝ قل لا يعلم من في السموات والأرض الغيب إلا اللّه
راست کویان بگو ای محمد نمیداند انچه در اسمانها و زمین نهانست نهان مکر خدای
وما يشعرون أيّان يبعثون ۝ بل ادّارك علمهم في الآخرة بل هم خمس
ونمیدانید شما که کی برانگیخته شوند بلکه دریابند دانش ایشان در انجهان بلکه ایشان
في شكّ منها بل هم منها عمون ۝ وقال الذين كفروا أإذا كنّا
در کمان اند ازان بلکه ایشان ازان در کور اند وکفتند انانکه نکرویدند ایا چون باشیم
ترابا وآباؤنا أئنّا لمخرجون ۝ لقد وعدنا هذا نحن وآباؤنا من قبل
خاک و پدران ما ایا ما هر اینه بیرون اورنده کانیم هر اینه تحقیق وعده داده بودند ما را این که ما و پدران ما از پیش
إن هذا إلا أساطير الأوّلين ۝ قل سيروا في الأرض فانظروا
نیست این مکر نوشتهای پیشینیان بگو ای محمد بروید در زمین پس بنکرید که
كيف كان عاقبة المجرمين ۝ ولا تحزن عليهم ولا تكن في
چکونه است بود سرانجام کناه کاران ومباش اندوهکین ای محمد برایشان ومباش در
ضيق ممّا يمكرون ۝ ويقولون متى هذا الوعد إن كنتم عشر
تنکی ازانچه سکالش کنند ومیکویند که این وعده اکر هستید شما
صادقين ۝ قل عسى أن يكون ردف لكم بعض الذي
راست کویان بکو شاید که نزدیک باشد که بیاید مر شما را بهره انانکه
تستعجلون ۝ وإنّ ربّك لذو فضل على الناس ولكنّ أكثرهم
شتاب میکنید شما وبدرستیکه خداوند تو هر اینه خداوند افزونیست بر مردمان ولیکن بیشتر ایشان

لا يشكرون

لا يشكرون ۝ وان ربك ليعلم ما تكن صدورهم وما يعلنون ۝
سپاس داری نمیکنند وبدرستیکه خداوند تو هر آینه میداند آنچه پوشیده دارد دلهای ایشان وآنچه آشکارا کنند

خمس
وما من غائبة في السماء والارض الا في كتاب مبين ۝
ونباشد از هیچ غیبی در آسمان وزمین مگر در لوح محفوظ پیداست

ان هذا القرآن يقص على بني اسرائيل اكثر الذي هم
بدرستیکه این قرآن قصه میکند برحال فرزندان یعقوب بیشتر آنانکه ایشان

فيه يختلفون ۝ وانه لهدى ورحمة للمؤمنين ان ربك يقضي
در آن اختلاف میکنند وبدرستیکه او هر آینه راه نماینده است ورحمتی مر گرویدگان را بدرستی که خداوند تو حکم میکند

بينهم بحكمه وهو العزيز العليم ۝ فتوكل على الله انك
میان ایشان بحکم خود واو ارجمندست دانا پس توکل کنید بر خدای بدرستی تو بر

على الحق المبين ۝ انك لا تسمع الموتى ولا تسمع الصم الدعاء
براستی پیدا بدرستیکه تو نمیشنوانی مردگان را ونمیشنوانی کران را بخواندن

عشر
اذا ولوا مدبرين ۝ وما انت بهادي العمي عن ضلالتهم
چون روی بگردانند وپشت دهندگان باشند ونیستی تو راه نماینده کوران را از گمراهی ایشان

ان تسمع الا من يؤمن بآياتنا فهم مسلمون ۝ واذا وقع القول
نشنوانی تو مگر کسی را که میگرود بنشانهای ما پس ایشان گردن نهادگان باشند وچون واجب شود گفتار

عشر
عليهم اخرجنا لهم دابة من الارض تكلمهم ان الناس كانوا
برایشان بیرون آریم ما مر ایشان را جنبنده از زمین سخن گوید با ایشان که مردمان بودند

بآياتنا لا يوقنون ۝ ويوم نحشر من كل امة فوجا ممن يكذب
بنشانهای ما بی یقینان وآن روز که گرد کنیم از هر گروهی صنفی از آن کسانکه تکذیب کردند

بآياتنا فهم يوزعون ۝ حتى اذا جاؤ قال اكذبتم بآياتي ولم
بنشانهای ما پس ایشان بازداشته شوند تا خلق دیگر در رسند گوید خدای عز وجل آیا تکذیب کردید بنشانهای من ونه

تحيطوا بها علما اما ذا كنتم تعملون ○ ووقع القول عليهم بما

کرفته اید شما بان دانشی چرا کردید انچه بودید شما میکردید و واجب شد گفتار خدای بر ایشان بدانچه

ظلموا فهم لا ينطقون ○ الم يروا انا جعلنا الليل ليسكنوا فيه خمس

ستم کردند پس ایشان سخن نگویند ایا نمی بینید بدرستیکه ما کردیم ما شب را تا ارام گیرند در ان

والنهار مبصرا ان في ذلك لايات لقوم يؤمنون ○ ويوم ينفخ

و روز روشن تا ببینند بدرستیکه در این هر اینه نشانهاست مر گروه گرویدگان را و روزی که دمیده شود

في الصور ففزع من في السموات ومن في الارض الا من شاء

در صور پس بترسد هر که در اسمانهاست و هر که در زمین است مگر کسی را که خواهد

الله وكل اتوه داخرين ○ وترى الجبال تحسبها جامدة وهي

خدا و همه بیایند او را خواران و ببینی کوهها را پنداری ان را بجا ار میده اند و ان

تمر مر السحاب صنع الله الذي اتقن كل شيء انه خبير

میرود مانند سحاب یعنی ابر بقدرت خدای ان خدا انکه محکم کرده است هر چیزی بدرستیکه او اگاه است

بما تفعلون ○ من جاء بالحسنة فله خير منها وهم من فزع

بدانچه میکنید و هر که بیاید بقیامت با نیکوی ایمان پس مر او راست جزا بهتر از ان و ایشان از ترس

يومئذ امنون ○ ومن جاء بالسيئة فكبت وجوههم

ان روز ایمنان باشند و هر که بیاید بقیامت بدی کفر پس بروی در افکنند ایشان را

في النار هل تجزون الا ما كنتم تعملون ○ انما امرت ان عشر

در اتش جزا نیابند ایشان مگر انچه بودند میکردند جز این نیست که فرموده شدم

اعبد رب هذه البلدة الذي حرمها وله كل شيء وامرت

پرستم خداوند این شهر را یعنی مکه ان را که حرام کرده است و مر او راست همه چیزی و فرموده شدم

ان اكون من المسلمين ○ وان اتلوا القران فمن اهتدى فانما

باشم از گردن نهندگان و انکه بخوانیم قران را پس هر که راه راست یابد جز این نیست

يهتدي لنفسه

يهتدي لنفسه ومن ضل فقل انما انا من المنذرين ۝ و

گمراه میباید برای تن خود و هر که گمراه شود پس بگو ای محمد جز این نیست که منم از بیم کنندگان و

قل الحمد لله سيريكم اياته فتعرفونها وما ربك بغافل

بگو ای محمد سپاس مر خدای را که زود باشد که ایشان را بنماید نشانیهای خود پس بشناسید از او و نیست خداوند تو بی آگاه

عما تعملون ۝ سورة القصص وهي مكية ثمان وثمانون آيات

از انچه میکنید

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده مهربان

طسم ۝ تلك ايات الكتاب المبين ۝ نتلوا عليك من نبا موسى

نیم یاد کرد خدای این ایات قرانست بیان کننده جبریل را فرستادیم تا بخواند بر تو ای محمد از خبر موسی

وفرعون بالحق لقوم يؤمنون ۝ ان فرعون علا في الارض

و فرعون براستی مر گروه که میگروند بدرستیکه فرعون کبر آورد در زمین

وجعل اهلها شيعا يستضعف طائفة منهم يذبح ابناءهم

و کرد اهل آن زمین گروه گروه ضعیف کرد گروهی را از ایشان میکشت پسران ایشان

ويستحيي نساءهم انه كان من المفسدين ۝ ونريد ان نمن على

و زنده میگذاشت زنان یعنی دختران را بدرستیکه او بود از تباه کاران و خواستیم ما منت نهیم بر

الذين استضعفوا في الارض ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثين ۝

آنانکه ضعیف و مقهور بودند در زمین و میکنیم ایشان را گروهی پیشروان و کردیم ایشان را میراث گیرندگان

خمس

ونمكن لهم في الارض ونري فرعون وهامان وجنودهما

و تمکین کردیم ایشان را در زمین و بنمائیم فرعون را و هامان و لشکر ایشان را

منهم ما كانوا يحذرون ۝ واوحينا الى ام موسى ان ارضعيه

از ایشان آنچه بودند که حذر میکردند و وحی کردیم ما سوی مادر موسی که شیر ده او را

فاذا خفت عليه فالقيه في اليم ولا تخافي ولا تحزني انا رادوه

پس چون بترسی بر او پس بفکن اورا در دریا ومترس واندوهگین مباش از مفارقت او بدرستیکه ما بازدهنده ایم

اليك وجاعلوه من المرسلين ۝ فالتقطه ال فرعون ليكون لهم

سوی تو وگرداننده ایم اورا از پیغمبران مرسل پس برگرفتند اورا آل فرعون که مبادا باشد مرایشان را

عدوا وحزنا ان فرعون وهامان وجنودهما كانوا خاطئين

دشمنی واندوهی بدرستیکه فرعون وهامان ولشکرهای ایشان بودند خطاکنندگان

وقالت امرات فرعون قرت عين لي ولك لا تقتلوه عسى ان

وگفت زن فرعون موسی روشنائی چشم است مرا ومرترا مکشید اورا شاید که

ينفعنا او نتخذه ولدا وهم لا يشعرون ۝ واصبح فؤاد ام موسى فارغا

سود کند مارا یا بگیریم اورا بفرزندی وایشان نمیدانستند که ... ودر روز دیگر دل مادر موسی قرار گرفت

ان كادت لتبدي به لولا ان ربطنا على قلبها لتكون من المؤمنين

اگر خواستی ... اگرنه بستیم ما بر دل او که ... باشد از باوردارندگان

وقالت لاخته قصيه فبصرت به عن جنب وهم لا يشعرون ۝

وگفت مادر موسی مرخواهر موسی را ... پس چشم ... موسی از دور وایشان نمیدانستند

وحرمنا عليه المراضع من قبل فقالت هل ادلكم على اهل

وحرام کردیم ... بر موسی شیر دهنده را از پیش پس گفت آیا هست که راه نمایم شمارا بر اهل

بيت يكفلونه لكم وهم له ناصحون ۝ فرددناه الى امه

خانه که بپروردند اورا برای شما وایشان اورا نیکخواهانند پس بازگردانیدیم موسی را سوی مادر او

كي تقر عينها ولا تحزن ولتعلم ان وعد الله حق ولكن اكثرهم

تا روشن شود چشم او واندوهگین نشود وتا بداند بدرستیکه وعده خدا راست ولیکن بیشتر ایشان

لا يعلمون ۝ ولما بلغ اشده واستوى اتيناه حكما وعلما و

نمیدانند وچون برسید بقوت ونیروی او ودرست شد بدادیم ما اورا حکمی وعلمی و

عشر

حزب

ولكن

ولیکن

كذلك

كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ

همچنین جزا میدهیم نیکوکاران ودر آمد بشهر مصر بر وقت غفلت

مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَٰذَا

از اهل مصر پس بیافت درانجا دو مرد را که باهم کارزار میکردند این یکی از دوستان موسی واین یکی

مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ

از دشمنان او یعنی قبطی

فَوَكَزَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ

پس فریاد خواست از موسی پس حکم کرد خدا برا او بمرگ گفت این از کار دیو است بدرستیکه او

عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ

خمس

دشمنیست گمراه کننده پیدا گفت ای خداوند من بدرستیکه من ستم کردم بر تن خود پس بیامرز مرا پس بیامرزید او را

إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ

بدرستیکه اوست آمرزنده ومهربان گفت موسی ای خداوند من بانچه منت نهادی بر من پس هرگز نباشم

ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ ۝ فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي

یاری دهنده مرکافران را پس بامداد برخواست در شهر مدینه ترسان چشم دارنده پس چون آنانکه

اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُبِينٌ

یاری خواست ازو دیروز فریاد میخواست از ان قبطی گفت مر اورا موسی بدرستیکه تو هر آینه در گمراهی پیدا

فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَىٰ أَتُرِيدُ

پس چون خواست موسی که بگیرد قبطی را بانکه او بود دشمن هر دو را گفت قبطی ای موسی آیا می خواهی

أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا

که بکشی مرا همچنین که کشتی تو تنی را دیروز نمی خواهی تو مگر آنکه باشی جبار

فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ ۝ وَجَاءَ رَجُلٌ

در زمین ونمی خواهی که باشی از مصلحان وآمد مردی

مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ

از کناره شهر شتابنده گفت ای موسی بدرستیکه این گروه مشورت میکنند بتو

لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ۝ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ — عشر

تا بکشند ترا پس بیرون رو بدرستیکه من مرترا از نیک خواهانم پس بیرون رفت موسی از مصر ترسان منتظر

قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ — ع

گفت ای خداوند من برهان مرا از گروه ستمکاران وچون روی آورد سوی مدین

قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ ۝ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ

گفت شاید خداوند من راه نماید مرا راه راست وچون فرود آمد بسر چاه مدین

وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ

یافت بران گروهی از مردمان که آب میدادند گوسفندان و یافت از جز ایشان دو زن

تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا

باز داشته شده گفت چیست کار شما گفتند ما آب نمیدهیم تا نکردند شبانان و پدر ما

شَيْخٌ كَبِيرٌ ۝ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ

پیر بزرگ پس موسی آب داد ایشان را باز گشت سوی سایه پس گفت ای خداوند من بدرستیکه من بانچه فرستادی

إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ۝ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ

سوی من از نیکی درویشم پس آمد او را یکی از ان دختران صفورا نام میرفت بر شرم گفت

إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ

بدرستیکه پدر من میخواند ترا تا پاداش دهد ترا مزد آنچه آب دادی برای ما پس چون بیامد موسی و بیان کرد قصه بر شعیب

الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا — خمس

قصهای خود را گفت شعیب مترس که نجات یافتی از گروه ستمکاران گفت یکی از ان دو دختر

يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ۝ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ

ای پدر مزد بگیر او را بدرستیکه بهترین کسیست که بمزد گیری توانا است راست کار گفت شعیب

ان انكحك احدى ابنتى

أن أنكحك إحدى ابنتي هاتين على أن تأجرني ثماني حجج فإن
که بزنی دهم بتو یکی ازین دو دختر خودرا هر کدام اکه میخواهی بر قرار انکه مزدوری کنی مرا هشت سال پس اگر
أتممت عشرا فمن عندك وما أريد أن أشق عليك ستجدني إن شاء
تمام کنی ده سال پس از فضل تست و نخواهم من که دشوار کنم کار بر تو زود باشد که بیابی مرا اگر خواسته
الله من الصالحين ۝ قال ذلك بيني وبينك أيما الأجلين قضيت
خدا از نیکان گفت موسی این عهد میان من و میان تو هر کدام این مهلت را تمام کنم
فلا عدوان علي والله على ما نقول وكيل ۝ فلما قضى موسى
پس نباشد کینه بر من و خدای بر انچه میگوییم گواه است پس چون تمام کرد موسی
الأجل وسار بأهله آنس من جانب الطور نارا قال لأهله امكثوا إني
ده سال را و روانه گردید با اهل خود بدید از کرانه کوه تور اتش گفت مر اهل خود را که بمانید بدرستی من
آنست نارا لعلي آتيكم منها بخبر أو جذوة من النار لعلكم
دیدم آتشی تا مگر شاید بیارم شمارا از ان اتش خبری یا پاره از اتش تا مگر شما
تصطلون ۝ فلما أتاها نودي من شاطئ الواد الأيمن في البقعة
گرم شوید پس چون بیامد از ان بقعه مبارک ندا کرده شد از کرانه وادی راست موسی در بقعه
المباركة من الشجرة أن يا موسى إني أنا الله رب العالمين ۝
مبارک از جانب درخت که ای موسی بدرستی که منم خدای پروردگار جهانیان
وأن ألق عصاك فلما رآها تهتز كأنها جان ولى مدبرا ولم
و انکه بیفکن عصای خودرا پس چون بیفکند دیدانرا که می جنبد مانند مار بازگشت و روی گردانید
يعقب يا موسى أقبل ولا تخف إنك من الآمنين ۝ اسلك يدك في
ای موسی پیش ای و مترس از ایمنانی بدر دست راست در
جيبك تخرج بيضاء من غير سوء واضمم إليك جناحك
دررت جیب خود که بیرون می اید سفید نورانی از جز بدی و بهم کنی سوی خود بال خود

عشر

إنك
بدرستیکه تو
حزب

مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِن رَّبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِ

از ترس پس آن را دو حجت است از خداوند تو سوی فرعون و گروه او

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا

بدرستیکه ایشان بودند گروهی تباه کاران گفت ای خداوند من بدرستیکه من کشتم از ایشان تنی را

فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ ۝ وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْ

پس میترسم آنکه بکشند مرا و برادر مرا هرون را او گویاتر است از من بزبان پس بفرست او را

مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ ۝ قَالَ سَنَشُدُّ

با من یاری تا تصدیق کند مرا بدرستیکه من میترسم آنکه دروغ زن دارند مرا گفت زود باشد سخت کنیم بازوی تو

بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا

ببرادر تو و بگردانیم مر شما را حجتی پس نترسند ایشان سوی شما بآیات ما

أَنتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ ۝ فَلَمَّا جَاءَهُم مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ

شما و هرکه پیروی کند شما را غالب آیید پس چون آمد ایشان را موسی بآیات ما پیدا

قَالُوا مَا هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ

گفتند نیست این مگر جادوی دروغ بربافته و نشنیدیم ما باین در پدران ما پیشینیان

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَن جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِندِهِ وَمَن تَكُونُ

و گفت موسی ای پروردگار من داناتر است بدانکه آمد براه نماینده از نزد خود و بدانکه هست

لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ۝ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا

مر او را سرانجام دار بهشت بدرستیکه نرهند ستمکاران و گفت فرعون ای

الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ

گروه مهتران ندانم من مر شما را از هیچ خدای جز من پس برافروز مرا ای هامان بر گل یعنی خشت پخته کن برای من

فَاجْعَل لِّي صَرْحًا لَّعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَىٰ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۝

پس بنا کن برای من کوشکی تا باشد بر رسم سوی خدای موسی و بدرستیکه من هر آینه گمان میبرم که از دروغ گویان است

خمس

وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا

و بزرگ منشی کرد او و لشکر او در زمین به هیچ حقی و گمان بردند بدرستیکه ایشان سوی ما

لَا يُرْجَعُونَ ۝ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَانْظُرْ كَيْفَ

باز نمیگردند پس بگرفتیم ما او را و لشکرهای او را پس بینداختیم ایشان را در دریا پس بنگر چگونه

كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ۝ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ عشر

باشد سرانجام ستمکاران و گردانیدیم ما ایشان را راهبران آتش که میخوانند سوی آتش

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنْصَرُونَ ۝ وَأَتْبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً

و روز قیامت یاری کرده نشوند و در پی انداختیم ایشان را در این دنیا نفرین

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ

و روز قیامت ایشان از زشت کرداران باشند و هرآینه بتحقیق دادیم ما موسی را کتاب

مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى

از پس آنکه هلاک کردیم ما گروهان پیشین یعنی فرعونیان بینائیها مر مردمان را و راه نمودن

وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا

و رحمتی تا مگر ایشان پند گیرند و نبودی تو بجانب غربی چون حکم کردیم ما

إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ۝ وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا

سوی موسی کار را و نبودی تو از گواهان و لیکن ما آفریدیم

قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا فِي أَهْلِ

گروهان را پس دراز شد بر ایشان زندگانی و نبودی تو مقیم در اهل

مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ۝ وَمَا كُنْتَ خمس

مدین میخواندی بر ایشان نشانهای ما را و لیکن ما بودیم فرستندگان و نبودی تو

بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا

بکرانه کوه طور چون ندا کردیم و لیکن رحمتی از خداوند تو تا بیم کنی گروهی را

ما أتيهم من نذير من قبلك لعلهم يتذكرون ● ولولا أن

که نیامد ایشان را هیچ بیم کننده پیش از تو تا باشد که ایشان پند گیرند و اگر نه آن بود

تصيبهم مصيبة بما قدمت أيديهم فيقولوا ربنا لولا أرسلت

که برسیدی ایشان را مصیبتی بدانچه پیش فرستاده دستهای ایشان پس بگویندی خداوند ما اگر نه فرستادی تو

إلينا رسولا فنتبع آياتك ونكون من المؤمنين ● فلما

سوی ما پیغمبری پس پیروی کردیم نشانهای ترا و باشیم از گرویدگان پس چون

جاءهم الحق من عندنا قالوا لولا أوتي مثل ما أوتي موسى أولم

بیامد ایشان را راستی از نزد ما گفتند اگر نه داده شدی مانند آنچه داده شد موسی را آیا

يكفروا بما أوتي موسى من قبل قالوا سحران تظاهرا و

کافر نشدند بدانچه داده شد موسی را از پیش گفتند هر دو کس جادو است پشت کردند بهم

قالوا إنا بكل كافرون ● قل فأتوا بكتاب من عند الله هو

و گفتند بدرستیکه ما بهمه ناگروندگانیم بگو یا محمد پس بیارید کتابی از نزد خدا که او

أهدى منهما أتبعه إن كنتم صادقين ● فإن لم يستجيبوا

راه نماینده تر است ازین دو کتاب اگر هستید شما راست گویان پس اگر اجابت نکنند

لك فاعلم أنما يتبعون أهواءهم ومن أضل ممن اتبع هويه

مر ترا پس بدانکه جز این نیست که پیروی میکنند خواهشهای دل خویش و کیست گمراه تر از آنکه پیروی کند خواهش دل خود

بغير هدى من الله إن الله لا يهدي القوم الظالمين ● ولقد نصف عشر

بجز راه نماینده از خدا بدرستیکه خدا راه نمی نماید گروه ستمکاران را و بدرستیکه

وصلنا لهم القول لعلهم يتذكرون ● الذين آتيناهم الكتاب

پیوستیم ما مر ایشان را گفتار خود تا مگر ایشان پند گیرند آنانکه بدادیم ما ایشان را کتاب

من قبله هم به يؤمنون ● وإذا يتلى عليهم قالوا آمنا به إنه

از پیش این ایشان بدان بگروند و چون خوانده شود برایشان گفتند بگرویدیم ما بدین قرآن بدرستیکه

الحق

الحق من ربنا انا كنا من قبله مسلمين ۝ اولئك يؤتون

راست از خداوند ما بدرستیکه ما بودیم از پیش این گرویدگان ایشانند که داده می شوند

اجرهم مرتين بما صبروا ويدرؤن بالحسنة السيئة ومما

مزدان ان دوباره بدانچه صبر کنند ودفع کردند به نیکی بدی را وازانچه

رزقناهم ينفقون ۝ واذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه وقالوا

روزی دادیم ایشان را نفقه میکنند وچون بشنوند لغو را روی بگردانند ازو وگویند

لنا اعمالنا ولكم اعمالكم سلام عليكم لا نبتغي الجاهلين ۝ خمس

مارا کردار ما و مر شمارا کردار شما سلامی بر شما نخواهیم فضل از نادانان

انك لا تهدي من احببت ولكن الله يهدي من يشاء وهو

بدرستیکه تو راه ننمائی کسی راکه دوست داری ولیکن خدا راه مینماید هرکه را میخواهد واو

اعلم بالمهتدين ۝ وقالوا ان نتبع الهدى معك نتخطف

داناتر براه یافتگان وگفتند بدرستیکه پیروی کنیم راه راست را با تو ربوده شویم

من ارضنا اولم نمكن لهم حرما امنا يجبى اليه ثمرات

از زمین خود یا ندادیم جای ایشان را در حرم کعبه ایمن کرده میشود سوی او میوهای

كل شيء رزقا من لدنا ولكن اكثرهم لا يعلمون ۝ وكم

همه چیزی روزی از نزد ما ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند وچندی

اهلكنا من قرية بطرت معيشتها فتلك مساكنهم

را هلاک کردیم ما از اهل دهی که بطر بردند در نعمت آن پس آن مسکنهای ایشان

لم تسكن من بعدهم الا قليلا وكنا نحن الوارثين ۝ و

نماند از پس ایشان مگر اندکی وبودیم ما میراث گیرندگان و

ما كان ربك مهلك القرى حتى يبعث في امها رسولا

نبود ونباشد خداوند تو هلاک کننده اهل دهات را تا بفرستد در تخت یغمبری

يتلوا عليهم اياتنا وما كنا مهلكي القرى الا واهلها ظالمون

مى خوانند بر ايشان آيتهاى ما و انچه بوديم ما هلاك كننده اهل دهها مكر و اهل آن ستمكاران باشند

وما اوتيتم من شيء فمتاع الحيوة الدنيا وزينتها وما عند الله

و انچه داده شديد از چيزى پس آرايش زندگانى دنيا و آرايش آن و انچه نزد خداست

خير وابقى افلا تعقلون ۝ افمن وعدناه وعدا حسنا فهو لاقيه عشر

بهتر و پاينده ترست آيا پس نيست كه هوش داريد آيا پس كيست كه وعده داديم او را وعده نيكو پس او رسنده است

كمن متعناه متاع الحيوة الدنيا ثم هو يوم القيمة من

چون كسيكه برخوردارى داديم او را آرايش زندگانى دنيا پس او روز قيامت از

المحضرين ۝ ويوم يناديهم فيقول اين شركائى الذين

گرد كرده شدگان باشند و از روز كه ندا كند ايشان را پس بگويد كجااند انبازان من آنانكه

كنتم تزعمون ۝ قال الذين حق عليهم القول ربنا هؤلاء

بوديد ايشان كه گمان بردند گويند آنانكه راست شد بر ايشان گفتار عذاب اى خداوند ما اين آن

الذين اغوينا اغويناهم كما غوينا تبرأنا اليك ما كانوا

گروهند كه بيراه كرديم ما بيراه كرديم ايشان را همچنانكه بيراه گرديم ما بيزار شديم ما سوى تو انچه بودند

ايانا يعبدون ۝ وقيل ادعوا شركاءكم فدعوهم فلم يستجيبوا

كه ما را مى پرستيدند و گفته شوند كه بخوانيد انبازان خويش را پس بخوانند ايشان را پس اجابت نكنند

لهم ورأوا العذاب لو انهم كانوا يهتدون ۝ ويوم يناديهم

ايشان را و ببينند عذاب را اى كاشكى ايشان بودند راه يافتگان و از روز ندا كند

فيقول ماذا اجبتم المرسلين ۝ فعميت عليهم الانباء يومئذ خمس

پس ميگويد چه چيز جواب داديد شما پيغمبران را پس پوشيده شود بر ايشان از حجتها و جواب آن روز

فهم لا يتساءلون ۝ فاما من تاب وعمل صالحا فعسى ان يكون وامن / و بگرود

پس ايشان نمى پرسند ايشان پس اما كسى كه توبه كند و بكند كردار نيكو پس شايد كه باشد

من المفلحين

من المفلحين ۝ وربك يخلق ما يشاء ويختار ما كان لهم الخيرة سبحان

از رستكاران وخداوند تو بيافريند انچه ميخواهد وبر گزيند بپيغمبرى نباشند مر ايشان را كه اختيار كنند پيغمبر را پاكست

الله وتعالى عما يشركون ۝ وربك يعلم ما تكن صدورهم

خداى وبرترست از انچه انباز ميكنند وخداوند تو ميداند انچه پنهان ميدارد دلهاى ايشان

وما يعلنون ۝ وهو الله لا اله الا هو له الحمد في الاولى والاخرة

وانچه اشكارا ميكنند واوست خداى نيست خداى مگر او مر اوراست سپاس در اينجهان وانجهان

عشر

وله الحكم واليه ترجعون ۝ قل ارايتم ان جعل الله عليكم

ومر اوراست حكم كردن و بسوى او باز گرديد شما بگو اى محمد ايا مى بينيد شما اگر بكند خداى بر شما

الليل سرمدا الى يوم القيمة من اله غير الله ياتيكم بضياء

شب هميشه تا روز قيامت كيست خداى جز خداى كه مى آرد شما را بروشنى

افلا تسمعون ۝ قل ارايتم ان جعل الله عليكم النهار سرمدا

ايا پس نميشنوند بگو اى محمد چه مى بينيد انكه بكند خداى بر شما روز را هميشه

الى يوم القيمة من اله غير الله ياتيكم بليل تسكنون فيه افلا

تا روز قيامت كدام خدايست جز خداى كه بيارد شما را شب كه آرام گيريد در ان ايا پس

تبصرون ۝ ومن رحمته جعل لكم الليل والنهار لتسكنوا

نمى بينيد واز بخشش خود بكرد مر شما را شب وروز كه بدانند آرام گيريد

فيه ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون ۝ ويوم يناديهم

دران وتا بجوئيد از افزونى او وروزى تا مگر شما سپاس دارى كنيد وروز قيامت ندا ميكند ايشان را

فيقول اين شركاءى الذين كنتم تزعمون ۝ ونزعنا من

پس ميگويد كجا اند انبازان من انانكه بوديد شما گمان مى برديد وبيرون آورديم ما از

كل امة شهيدا فقلنا هاتوا برهانكم فعلموا ان الحق لله

هر گروهى گواهى پس بگوئيم ما بياريد شما حجتهاى خويش را پس بدانند بدرستيكه حق مر خداى راست

وضل عنهم ما كانوا يفترون ● ان قارون كان من قوم

وبراه شد ازايشان انچه بودند افترا كننده بدرستی قارون بود از گروه

موسى فبغى عليهم واتيناه من الكنوز ما ان مفاتحه لتنوأ

موسى پس افزونى جست برايشان وبداديم ما اورا از گنجها چندانكه كليد هاى ان هر اينه گران بارمى كرد

بالعصبة اولى القوة اذ قال له قومه لا تفرح ان الله لا يحب الفرحين

گروه صاحب قوت را چون گفت مر اورا موسى وهرون ناشكرى مكن بدرستيكه خدا دوست نمى دارد ناشكران را

وابتغ فيما اتيك الله الدار الاخرة ولا تنس نصيبك من الدنيا واحسن

وبجوى در انچه بداد ترا خداى سراى انجهان را ونه فراموش كن نصيب خويش را از دنيا ونيكوئى كن

كما احسن الله اليك ولا تبغ الفساد فى الارض ان الله لا يحب

همچنانكه نيكوئى كرد خدا سوى تو ونه بجوى تباهى در زمين بدرستيكه خدا دوست نمى دارد

المفسدين ● قال انما اوتيته على علم عندى اولم يعلم ان الله

تباه كاران را گفت جز اين نيست كه داده شده ام ان را بر دانشى كه نزد منست ايا نمى داند بدرستيكه خدا

قد اهلك من قبله من القرون من هو اشد منه قوة واكثر

تحقيق هلاک كرد از پيش ان از گروهها هر كه او سخت تر است از ان در قوت وبيشتر

جمعا ولا يسئل عن ذنوبهم المجرمون ● فخرج على قومه فى

جمعيت وپرسيده نمى شود از گناهان ايشان كافران پس بيرون آمد بر گروه خود در

زينته قال الذين يريدون الحيوة الدنيا يا ليت لنا مثل ما اوتى

ارايش خويش گفت انانكه مى خواهند زندگانى دنيا اى كاش بودى مارا مانند انچه داده شد

قارون انه لذو حظ عظيم ● وقال الذين اوتوا العلم ويلكم

قارون را بدرستيكه او هر اينه خداوند بهرۀ بزرگست وگفتند انانكه داده شدند دانش را واى شما را

ثواب الله خير لمن امن وعمل صالحا ولا يلقيها الا الصابرون ●

پاداش خداى بهتر است مر انرا كه بگرويد وبكرد كردار نيكو ونه بيابند مگر شكيبائى كنندگان

فخسفنا به وبداره

فخسفنا به وبداره الارض فما كان له من فئة ينصرونه من

پس فرو بردیم با بدان و سرای اورا در زمین پس نبود مر اورا گروهی که یاری دهند اورا از

دون الله وما كان من المنتصرين ۝ واصبح الذين تمنوا مكانه

جز خدای و نبود از یاری کنندگان و بامداد برخاستند آنانکه آرزو میکنند قدر منزلت قارون

بالامس يقولون ويكان الله يبسط الرزق لمن يشاء من

دیروز میگفتند ای وای بر تو ای بیکبخت بدرستیکه خدا میگستراند روزی را مر هر که را می خواهد از

عباده ويقدر لولا ان من الله علينا لخسف بنا ويكانه لا يفلح

بندگان خود و تنگ میکند بر هر که میخواهد اگر نه آن بودی که منت نهادی خدا بر ما هر آینه فرو بردی بزمین ما را ای قارون ای بیکبخت بدرستیکه رستگار نباشند

الكافرون ۝ تلك الدار الاخرة نجعلها للذين لا يريدون علوا

کافران این سرای آخرت یعنی بهشت بدهیم مر آنانرا که نخواهند کرد بزرگی

في الارض ولا فسادا والعاقبة للمتقين ۝ من جاء بالحسنة

در زمین و نه تباهی را و سرانجام نیکو مر پرهیزکاران راست هرکه بیارد نیکی

فله خير منها ومن جاء بالسيئة فلا يجزى الذين عملوا السيئات

پس مر اوراست بهتر ازان و هرکه بیارد بدی یعنی کفر پس میکنند پاداش آنانکه بکردند بدیها

الا ما كانوا يعملون ۝ ان الذي فرض عليك القران لرادك

مگر آنچه بودند که میکردند بدرستی آنانکه واجب کردند بر تو قران را هر آینه بازگردانیده

الى معاد ۝ قل ربي اعلم من جاء بالهدى ومن هو في ضلال

سوی میعاد بگو خداوند من داناترست هرکه بیاید براه راست و هرکه اوست در گمراهی

مبين ۝ وما كنت ترجوا ان يلقى اليك الكتاب الا رحمة من

هویدا و نبودی تو امیدوار که فرود آورده شود سوی تو کتاب مگر بخشایشی از

ربك فلا تكونن ظهيرا للكافرين ۝ ولا يصدنك عن

از خداوند تو پس مباش یاری دهنده مر کافران را و نگردانند ترا از

بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سورهٔ عنکبوت و سورهٔ روم را در شب بیست و سیوم ماه مبارک رمضان بخواند والله که از اهل بهشت است و در این حکم استثنا نمیکنم و نمیترسم که خدا از این سوگند گناهی بر من نویسد و این دو سوره را نزد حق تعالی منزلت عظیم است من عین الحیوة

ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَٱدْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ

ایات خدا یعنی قران پس انکه فرو فرستاده شد بسوی تو و بخوان بسوی خداوند تو و مباش از

ٱلْمُشْرِكِينَ ۝ وَلَا تَدْعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَىْءٍ هَالِكٌ

انباز گیرندگان و مخوان با خدا خدائی دیگر نیست خدائی مگر او همه چیز هلاک شوند

إِلَّا وَجْهَهُۥ ط لَهُ ٱلْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ سورة العنكبوت تسع وستون آية

مگر ذات پاک او مر او راست حکم و قدرت و پادشاهی و بسوی او باز گردانیده شوید شما

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ۝

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓمٓ ۝ أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتْرَكُوٓا أَن يَقُولُوٓا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ۝

من خدا داناترم ایا پنداشتند مردمان که بگذارند ایشان را که بگویند بگرویدیم و ایشان اگاه نیستند باز نهی

وَلَقَدْ فَتَنَّا ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ صَدَقُوا وَ

و بتحقیق اگاهانیدیم انان را که از پیش ایشان پس میداند خدای انان را که راست گفتند و

لَيَعْلَمَنَّ ٱلْكَٰذِبِينَ ۝ أَمْ حَسِبَ ٱلَّذِينَ يَعْمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن

میداند دروغ گویان را ایا می پندارند انانکه میدانند کردارهای بد انکه

يَسْبِقُونَا سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ ۝ مَن كَانَ يَرْجُوا لِقَآءَ ٱللَّهِ فَإِنَّ

پیشی میگیرند بما از دست بد است انچه حکم میکنند هر که هست امید میدارد دیدار خدا را پس بدرستیکه

أَجَلَ ٱللَّهِ لَءَاتٍ ط وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ۝ وَمَن جَٰهَدَ فَإِنَّمَا يُجَٰهِدُ

که مهلت خدا یعنی قیامت هر اینه آمدنیست و او شنوا و داناست و هر که کوشش کند پس جز این نیست که میکوشد

لِنَفْسِهِۦٓ ط إِنَّ ٱللَّهَ لَغَنِىٌّ عَنِ ٱلْعَٰلَمِينَ ۝ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا

برای تن خود بدرستیکه خدا هر اینه بی نیازست از جهانیان و انانکه گرویدند و کردار

ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّـَٔاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ ٱلَّذِى

نیکو کردند هر اینه بپوشیم از ایشان بدیهای ایشان را و هر اینه پاداش دهیم ایشان را نیکوتر انانکه

كانوا

كانوا يعملون ۝ ووصينا الإنسان بوالديه حسنا وإن جاهداك

بودند که میکردند و وصیت کردیم ما مردمان را بحق مادر و پدر نیک کردن و اگر بکوشند ترا

لتشرك بي ما ليس لك به علم فلا تطعهما إلي مرجعكم فأنبئكم

برانکه یار انباز تو بمن انچه نباشد مر ترا بران دانشی پس مکن فرمان بردار ایشان سوی منست بازگشت شما پس خبر دهم شما را

بما كنتم تعملون ۝ والذين آمنوا وعملوا الصالحات لندخلنهم

بانچه هستید شما میکنید و انانکه گرویدند و کردند کردار نیک هر اینه درآریم ایشان را

في الصالحين ۝ ومن الناس من يقول آمنا بالله فإذا أوذي

در زمره نیکوکاران و بعضی از مردمان کسیست که میگوید گرویدیم با خدا پس چون بیازارگرند

في الله جعل فتنة الناس كعذاب الله ولئن جاء نصر من

در حق خداوند بگرداند دین اسلام عذاب مردمان را مانند عذاب خدای و اگر بیاید یاری از

ربك ليقولن إنا كنا معكم أوليس الله بأعلم بما في صدور

خداوند تو هر اینه میگویند بدرستی بودیم ما با شما ایا نیست خدا داناتر بدانچه در دلهای

العالمين ۝ وليعلمن الله الذين آمنوا وليعلمن المنافقين ۝

جهانیان است و هر اینه میداند خدا انانکه گرویدند و هر اینه میداند دورویان را

وقال الذين كفروا للذين آمنوا اتبعوا سبيلنا ولنحمل خطاياكم

و گفت انانکه نگرویدند مر انانرا که گرویدند پیروی کنید راه ما را و برداریم خطاهای شما را

وما هم بحاملين من خطاياهم من شيء إنهم لكاذبون ۝

و نیستند ایشان بردارندگان از خطاهای ایشان از هیچ چیزی بدرستیکه ایشان هر اینه دروغ گویانند

وليحملن أثقالهم وأثقالا مع أثقالهم وليسألن يوم القيامة

و هر اینه برمیدارند گرانی کفر ایشان و بارها با بارهای کفر و هر اینه پرسیده شوند روز قیامت

عما كانوا يفترون ۝ ولقد أرسلنا نوحا إلى قومه فلبث

از انچه بودند بر میبافتند و هر اینه بتحقیق فرستادیم ما نوح را سوی گروه او پس درنگ کرد

فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ
در میان ایشان هزار سال مگر پنجاه سال (یعنی نهصد و پنجاه سال) پس بگرفت ایشان را طوفان و ایشان
ظَالِمُونَ ۝ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ
ستمکاران‌اند پس برهانیدیم ما او را و اهل کشتی را و گردانیدیم ما آن را نشانی مر جهانیان را
وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ
و ابراهیم چون گفت مر گروه خود را که بپرستید خدا را و بپرهیزید او را این بهتر است مر شما را
إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ
اگر هستید شما که میدانید جز این نیست که می‌پرستید از جز خدا بتان را و می‌تراشید بتان
إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا
دروغی بدرستی آنانکه می‌پرستید شما از جز خدا نمیتوانند مر شما را روزی دادن
فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
پس بجوئید از نزد خدا روزی و بپرستید او را و شکر کنید مر او را و سوی او بازگردانند شما را
وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ
و اگر تکذیب کنند پس تحقیق دروغ گفتند گروهان از پیش شما و نیست بر پیغمبر
إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ
مگر رسانیدن پیدا آیا نمی‌بینید چگونه آفرید خدای خلق را
ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۝ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا
پس باز گرداند و زنده کند بدرستیکه این بر خدای آسانست بگو ای محمد بروید در زمین پس بنگرید
كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنْشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ
چگونه آفرید خلق را پس خدای می‌آفریند آفرینش دیگر یعنی در قیامت زنده بدرستیکه
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ عشر
بر همه چیزی تواناست عذاب میکند هر که را می‌خواهد و می‌آمرزد هر که را میخواهد و سوی او

تُقْلَبُونَ ۝ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا

باز گردیده شوید و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان و نیست

لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ

مر شمارا از جز خدای کسی یاری و نه ناصری و آنانکه نگرویدند بنشانهای

اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِن رَّحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ

خدا و دیدار او ایشانند نومید از بخشایش من و ایشانند که مر ایشان راست عذاب

أَلِيمٌ ۝ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَن قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ

دردناک پس انجه هست جواب گروه او مگر انکه گفتند بکشید اورا یا بسوزانید اورا

فَأَنجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝

پس برهانید اورا خدا از آتش بدرستی در این از آن نشانهاست مر گروه گرویدگان را

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي

و گفت ابراهیم جز این نیست که بگرفتید شما از جز خدای بتان را دوستی میان خود در

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ

زندگانی دنیا پس روزیکه قیامت شود بیزار می شود بهره شما بهره و نفرین میکند

بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن نَّاصِرِينَ ۝

بهره شما بهره و جایگاه شماست آتش و نیست مر شمارا کسی یاری دهنده

فَآمَنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝

پس گروید مر ابراهیم را لوط و گفت بدرستی که من رونده ام سوی خداوند خود بدرستیکه او ارجمند و استوارکارست

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَ

و بخشیدیم ما مر اورا اسحق و یعقوب و کردیم ما در میان فرزندان او پیغمبری و

الْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ۝

کتاب و دادیم ما اورا مزد او در دنیا و بدرستیکه او در آخرت هر آئنه از نیکوکاران است

ولوطا اذ قال لقومه انكم لتاتون الفاحشة ما سبقكم
ولوط چون گفت مر گروه خود را ایا شما هر آینه می آیید بزشتی نکرده پیش از شما
بها من احد من العالمين ۝ ائنكم لتاتون الرجال و
بآن از یکی از جهانیان ایا شما هر آینه می آیید مردان را و
تقطعون السبيل وتاتون في ناديكم المنكر فما كان
میبرید راه نسل را و می آیید در مجلس خود آشکارا این زشتی پس نبودند
جواب قومه الا ان قالوا ائتنا بعذاب الله ان كنت من
جواب گروه او مگر اینکه گفتند بیار مارا بعذاب خدای اگر هستی تو از
الصادقين ۝ قال رب انصرني على القوم المفسدين ۝ ولما عشر
راست گویان گفت ای خداوند من یاری ده مرا بر گروه تباه کاران و چون
جاءت رسلنا ابراهيم بالبشرى قالوا انا مهلكوا اهل
بیامدند رسولان ما بابراهیم بمژده دادن گفتند بدرستی ما هلاک کننده ایم اهل
هذه القرية ان اهلها كانوا ظالمين ۝ قال ان فيها لوطا
این دیه را بدرستیکه اهل آن دیه بودند ستمکاران گفت بدرستی در آن لوط
قالوا نحن اعلم بمن فيها لننجينه واهله الا امراته كانت
گفتند ما داناتریم بدانچه در آنجا هر آینه برهانیم او را و اهل او را مگر زن او را که هست
من الغابرين ۝ ولما ان جاءت رسلنا لوطا سيء بهم وضاق
از بازماندگان و چون بیامدند رسولان ما لوط اندوهگین شد بآمدن ایشان و دل تنگ
بهم ذرعا وقالوا لا تخف ولا تحزن انا منجوك واهلك
بآمدن ایشان و گفتند مترس و اندوه مدار بدرستیکه ما رهاننده ایم ترا و اهل ترا
الا امراتك كانت من الغابرين ۝ انا منزلون على اهل هذه
مگر زن ترا که هست از واپس ماندگان بدرستیکه ما فرستاننده ایم بر اهل این

القرية رجزا من السماء بما كانوا يفسقون ● ولقد تركنا

دیهه عذابی را از آسمان بدانچه بودند که تباهی میکردند و بدرستی که بگذاشتیم

منها آية بينة لقوم يعقلون ● والى مدين اخاهم شعيبا

ازان عذاب نشانه پیدا مر گروه را که خردمند باشند و فرستادیم سوی مدین برادر ایشان شعیب را

فقال يا قوم اعبدوا الله وارجوا اليوم الآخر ولا تعثوا

پس گفت ای گروه بپرستید خدای را و امید دارید روز بازپسین و مبالغه مکنید

في الارض مفسدين ● فكذبوه فاخذتهم الرجفة فاصبحوا

در زمین تباهی کنندگان پس تکذیب کردند اورا پس بگرفت ایشان را لرزه عذاب پس بامداد کردند

في دارهم جاثمين ● وعادا وثمودا وقد تبين لكم من

در سراهای خویش مردگان و هلاک کردیم عادیان و ثمودیان را و بدرستی که پیدا شد مر شما را از

مساكنهم وزين لهم الشيطان اعمالهم فصدهم عن السبيل

مسکنهای ایشان و بیاراست مر ایشان را دیو کرداران را پس بگردانید از راه حق

وكانوا مستبصرين ● وقارون وفرعون وهامان

و بودند بینایان و هلاک کردیم قارون و فرعون را و هامان را

ولقد جاءهم موسى بالبينات فاستكبروا في الارض وما كانوا

و بدرستی آمد ایشان را موسی بحجتها پس بزرگ منشی کردند در زمین و نه بودند

سابقين ● فكلا اخذنا بذنبه فمنهم من ارسلنا عليه

پیش گیرندگان پس همه را گرفتیم ما بگناه او پس ازیشان کسی بود که فرستادیم بر او

حاصبا ومنهم من اخذته الصيحة ومنهم من خسفنا به الارض

سنگ ریزه چون کرده لوط و ازایشان کسیست که گرفت اورا بانگ عذاب و ازایشان کسی که فرو برده ایم اورا بزمین

ومنهم من اغرقنا وما كان الله ليظلمهم ولكن كانوا انفسهم

و ازایشان کسی بود که غرق کردیم و نه بود خدای که ستم کند ولیکن بودند ایشان تنهای خویش را

عشر

يظلمون ۝ مثل الذين اتخذوا من دون الله اولياء كمثل
ستم ميكردند داستان انانكه بگرفتند از جز خداي دوستان همچون داستان
العنكبوت اتخذت بيتا وان اوهن البيوت لبيت
عنكبوت كه بگيرد خانه وبدرستيكه سست ترين خانها است هرانيه خانه
العنكبوت لو كانوا يعلمون ۝ ان الله يعلم ما يدعون
عنكبوت اگر بودند ميدانند بدرستيكه خدا ميداند انچه ميخوانند
من دونه من شيء وهو العزيز الحكيم ۝ وتلك الامثال
از جز او ازچيزي واو ارجمند حكم كننده است واين داستانها است
نضربها للناس وما يعقلها الا العالمون ۝ خلق الله السموات ٢٠١
كه بزنيم ما مر مردمان را ونيافتندان را مگر دانايان بيافريد خداي آسمانها
والارض بالحق ان في ذلك لاية للمؤمنين ۝ اتل ما اوحي
وزمين براستي بدرستيكه دراين هرانيه نشانيست مر گرويدگان را برخوان محمد انچه وحي كرده
اليك من الكتاب واقم الصلوة ان الصلوة تنهى عن الفحشاء
بسوي تو از كتاب وبپادار نمازرا بدرستيكه نماز بازميدارد از زشتيها
والمنكر ولذكر الله اكبر والله يعلم ما تصنعون ۝
وناشايست وهرانيه يادكردن خدا بزرگتر است وخدا ميداند انچه ميكنيد
ولا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتي هي احسن الا الذين
ومكنيد مجادله باخداوندان كتاب مگر انكه اين نيكوتر است مگر انانكه
ظلموا منهم وقولوا امنا بالذي انزل الينا وانزل اليكم
ستم كردند ازايشان وگفتند گرويديم بانچه فرستاده شد سوي ما وفرستاده شد سوي شما
والهنا والهكم واحد ونحن له مسلمون ۝ وكذلك انزلنا
وخداي ما وخداي شما يكيست وما مر اورا گردن نهندگانيم وهمچنين فرو فرستاديم

الجزو الحادي والعشرون

اليك الكتاب

إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ

سوی تو ای محمد قرآن را پس آنانکه دادیم ما ایشان را قرآن گرویدند بآن واز

هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ ۝

آنگروه کسی که ایمان می‌آرد بدان ومنکر نمیشود بآیات ما مگر ناگروندگان

وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ

ونبود تو ای محمد خواننده ایشان را از پیش این از کتابی ونوشته بودی خطی بدست راست خود

إِذًا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ ۝ بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ

آنگون شک میکنند کافران بلکه اوست نشانهای پیدا در دلهای آنانکه

أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ ۝ وَقَالُوا لَوْلَا

داده شدند دانش ومنکر نشدند بآیات ما مگر ستمکاران وگفتند چرا

أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا

فرستاده نشد براو نشانها از خداوند او بگو ای محمد جز این نیست که آیات نزد خداست وجز این نیست

أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝ أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

منم بیم کننده پیدا آیا نیست بسنده ایشان را بدرستی فرستادیم ما بر تو قرآن را

يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَى لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

که خوانده شود برایشان بدرستی در این هرآینه بخشش است وپندی مرگروه را که گرویدند

قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ

بگو ای محمد بسنده است بخدا میان من ومیان شما گواهی میداند آنچه در آسمانهاست

وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ

وزمین است وآنانکه گرویدند بباطل وکافر شدند بخدا ایشانند

هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ

ایشان زیانکاران ومی شتابانند ترا بعذاب واگر نبودی مهلتی

عشر

مسمى لجاءهم العذاب وليأتينهم بغتة وهم لا يشعرون

نامبرده شده هرآئنه آمدی ایشان را عذاب وهرآئنه آمدی ایشان را ناگاهی وایشان نمیدانند

يستعجلونك بالعذاب وان جهنم لمحيطة بالكافرين

می شتابانند ترا بعذاب وبدرستیکه دوزخ هرآئنه درگیرنده است بنا گرویدگان

يوم يغشيهم العذاب من فوقهم ومن تحت ارجلهم

آن روز که فرو پوشد ایشان را عذاب از زبر ایشان واز زیر پایهای ایشان

ويقول ذوقوا ما كنتم تعملون ۞ يا عبادي الذين آمنوا

وبگوید بچشید جزای آنچه بودید شما کنندگان ای بندگان من آنانکه گرویدند

خمس

ان ارضي واسعة فاياي فاعبدون ۞ كل نفس ذائقة

بدرستیکه زمین من فراخست پس مرا بپرستید هر تنی چشنده

الموت ثم الينا ترجعون ۞ والذين آمنوا وعملوا الصالحات

مرگست پس سوی ما بازگردانیدگانید وآنانکه گرویدند وکردار نیکو کردند

لنبوئنهم من الجنة غرفا تجري من تحتها الانهار خالدين

هرآئنه جای بازیم از بهشت غرفها که میرود از زیر آن جویها جاودانه

فيها نعم اجر العاملين ۞ الذين صبروا وعلى ربهم يتوكلون

دران نیکو مزدیست نیکو کنندگان را آنانکه صبر کردند وبر خداوند خویش توکل کنند

وكاين من دابة لا تحمل رزقها الله يرزقها واياكم

وچندین از جنبندگان که برنمیدارند روزی خود خدای روزی میدهد آنرا وشمارا

وهو السميع العليم ۞ ولئن سالتهم من خلق السموات

واو شنوای داناست واگر بپرسی تو ایشانرا از آفرینش آسمانها

عشر

والارض وسخر الشمس والقمر ليقولن الله فانى يؤفكون ۞

وزمین وسخر کردن آفتاب وماه را هرآئنه میگویند خدای پس از کجا بازگردانیده میشوند

الله بسط الرزق

الله يبسط الرزق لمن يشاء من عباده ويقدر له ان الله

خدا میگستراند روزی مر هر که را می خواهد از بندگان خویش و تنگ میکند مر او را بدرستیکه خدا

بكل شيء عليم ولئن سألتهم من نزل من السماء

بهمه چیزی داناست و اگر بپرسی ایشان را کیست که فرو فرستاد از آسمان

ماء فاحيا به الارض من بعد موتها ليقولن الله قل

آبی پس زنده کردبان زمین را از پس موت آن هر آینه میگویند فرستاد الله از آسمان باران بگو ای محمد

الحمد لله بل اكثرهم لا يعقلون وما هذه الحيوة الدنيا

سپاس مر خدای را بلکه بیشتر ایشان ناخردمندند و نیست این زندگانی دنیا

الا لهو ولعب وان الدار الاخرة لهي الحيوان لو كانوا

مگر مشغولی و بازیچه است و بدرستیکه خانه آخرت هر آینه سرای باقیست اگر باشند که

يعلمون فاذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين

بدانند پس چون سوار شوند در کشتی بخوانند خدای را یکتایان شده

له الدين فلما نجيهم الى البر اذا هم يشركون ليكفروا

مر او را در دین پس چون برهاند ایشان سوی خشکی آنگاه ایشان انبار گیرندگانند تا کافر شوند

بما اتيناهم وليتمتعوا فسوف يعلمون اولم يروا انا جعلنا

بانچه دادیم ایشان را تا برخوردار یابند پس زود باشد که بدانند ایا نمی بینند بدرستیکه گردانیدیم

حرما امنا ويتخطف الناس من حولهم افبالباطل يؤمنون

حرم کعبه را امین جای و می ربودند مردم را از گرد حرم ایا پس بباطل یعنی بتان میگروند

وبنعمة الله يكفرون ومن اظلم ممن افترى على الله

و بنعمت خدای ناسپاسی میکنند و کیست ستمکارتر از آن کس که بربافت بر خدای

كذبا او كذب بالحق لما جاءه اليس في جهنم مثوى

دروغی یا تکذیب کرد براستی چون بیامد او را ایا نیست در دوزخ جایگاه

للكافرين ○ والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا و

مر ناگرويدگان را • وانانكه جهاد كردند در راه دين ما • هر آينه راه نماييم ايشان را راه دين خود و

إن الله لمع المحسنين ○ سورة الروم وهي ستون آيات

بدرستيكه خداي هر آينه با نيكوكاران است

بسم الله الرحمن الرحيم ○

ابتدا ميكنم بنام خداي بخشاينده مهربان

الم ○ غلبت الروم ○ في أدنى الأرض وهم من بعد غلبهم عشر

سوگند ياد كرد خداي بحروف • غلبه كرده شوند اهل روم • در نزديكترين زمين مكه • وايشان از پس غلبه كرده شوند

سيغلبون ○ في بضع سنين لله الأمر من قبل ومن

زود باشد كه غالب آيند • در مدت چند سال • مر خداي راست كار و نصرت از پيش • و از

بعد ويومئذ يفرح المؤمنون ○ بنصر الله ينصر من يشاء

پس غلبه كردن • وان روز • شادي ميكنند گرويدگان • بياري خداي • ياري ميدهد خداي هر كه را مي خواهد

وهو العزيز الرحيم ○ وعد الله لا يخلف الله وعده ولكن

واو ارجمند بخشاينده است • وعده خداي • نيست خلاف خداي وعده او • وليكن

أكثر الناس لا يعلمون ○ يعلمون ظاهرا من الحيوة

بيشتر مردمان • نميدانند • ميدانند كافران ظاهر را يعني دنيا را كه زنده اند از زندگاني جهان

الدنيا وهم عن الآخرة هم غافلون ○ أولم يتفكروا في

يعني دنيا • وايشان از آن جهان • ايشان بيخبرانند • آيا نمي انديشند • در

أنفسهم ما خلق الله السموات والأرض وما بينهما إلا بالحق

تنهاي ايشان كه نيافريد خداي • آسمانها • و زمين • وآنچه ميان ايشان است مگر براستي

وأجل مسمى وإن كثيرا من الناس بلقاء ربهم لكافرون

و مهلت نام برده شده يعني حق و باطل • و بدرستيكه بسياري • از مردمان • بديدار • خداوند خود هر آينه ناگرويدگانند

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ
ایا نمیروند در زمین پس بهبینید چگونه باشد سرانجام انانکه
مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا
از پیش ایشان بودند سخت تر از ایشان بنیرو وبسیار کردند زمین را واباذان کردند زمین
أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ
بیشتر از انچه اباذان کردند ایشان وامدند ایشان را پیغمبران ایشان بحجتها پس نباشد خدا
لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ
تا ستم کند بر ایشان ولیکن بودند تنهای ایشان ستم میکردند پس بود سرانجام
الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوأَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا
انانکه بدی کردند اتش دوزخ جاودانی که تکذیب کردند بایات خدا و بودند بدان
يَسْتَهْزِئُونَ ۝ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
استهزا کنندگان خدا بیافریند خلق را پس زنده میکند او پس بسوی او بازگردانیده شوند
وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ ۝ وَلَمْ يَكُن لَّهُم
وان روز که برخیزد قیامت نومید گردند گناهکاران و نباشد مر ایشان را
مِّن شُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ ۝ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ
از انبازان ایشان منکران وان روز که برخیزد قیامت انروز خلق پراکنده باشند
فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ
پس اما انانکه گرویدند وکردار نیکو کردند پس ایشان در مرغزار بهشت شادکام باشند
وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَٰئِكَ
واما انانکه نگرویدند و دروغ داشتند بنشانهای ما و دیدار ما در انجهان پس ایشان
فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ۝ فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ
در عذاب زیانکاران اند پس پاک خدای در ان هنگام شبانگاه شود و هنگامی که

صحیح
شُفَعَاءُ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ
شفیعان وباشند بانبازان خویش

تصبحون • وله الحمد في السموات والارض وعشيا وحين

بامداد شوید   ومر اوراست سپاس در آسمانها   و زمینها   و نماز عشا را   و هنگام کی

تظهرون • يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من الحي

نیمروز شوید   بیرون می آرد زنده از مرده یعنی جوجه از بیضه   و بیرون می آرد مرده را از زنده یعنی بیضه از مرغ

ويحيي الارض بعد موتها وكذلك تخرجون • ومن اياته

و زنده میکند زمین را پس مردن آن   و همچنین بیرون آورده شوید شما   و از نشانهای اوست

ان خلقكم من تراب ثم اذا انتم بشر تنتشرون • و

اینکه بیافرید شما را   از خاک   پس آنگاه شما خلق کنید پراکنده   و

عشر

من اياته ان خلق لكم من انفسكم ازواجا لتسكنوا اليها

از نشانهای اوست اینکه بیافرید شما را   از تنهای شما   جفتان   تا بیارامید بدان

وجعل بينكم مودة ورحمة ان في ذلك لايات لقوم

و بکرد میان شما دوستی   و بخشش   بدرستیکه در این هر آینه نشانهاست مر گروهی را که

يتفكرون • ومن اياته خلق السموات والارض

تفکر کنند   و از نشانهای اوست آفرینش آسمانها   و زمینها

واختلاف السنتكم والوانكم ان في ذلك لايات لقوم

و اختلاف زبانهای شما   و رنگهای شما   بدرستیکه در این نشانهاست مر گروهی را

يسمعون • ومن اياته يريكم البرق خوفا وطمعا وينزل

می شنوند   و از نشانهای اوست که مینماید برق جهنده   ترس   و طمع   و میفرستد

من السماء ماء فيحيي به الارض بعد موتها ان في ذلك

از آسمان   آب   پس زنده میکند بآن زمین را   پس مردن آن   بدرستیکه در این

لايات لقوم يعقلون • ومن اياته ان تقوم السماء والارض

هر آینه نشانیست مر گروه خردمندان را   و از نشانهای اوست که ایستاده است آسمان   و زمین

للعالمين • ومن اياته منامكم بالليل والنهار وابتغاؤكم من فضله ان في ذلك لايات

بامره ثم اذا دعاكم

بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ

بفرمان او پس چون بخواند شمارا خواندنی از زمین آنگاه شما بیرون آئید

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ ۝ وَهُوَ

و مراورا ست آنچه در آسمانها و زمین است همه اورا فرمان برداران و اوست

الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ

آن خدائیکه باغاز بیافرید پس زنده کند بعد مردن و آن آسانتر است براو و مراورا ست صفات

الْأَعْلَى فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ ضَرَبَ

بزرگتر در آسمانها و زمین و اوست ارجمند و استوارکار زد

لَكُمْ مَثَلًا مِنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ

مر شمارا داستانی از تنهای شما آیا هست مر شمارا از آنچه مالکید دستهای شما

مِنْ شُرَكَاءَ فِيمَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ

از انبازان در آنچه روزی کردیم ما شمارا و شما دران برابرید می ترسید ازایشان

كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ

مانند ترسیدن شما تنهای یکدیگرا همچنین تفصیل کردیم نشانیها مر گروه

يَعْقِلُونَ ۝ بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ

خردمندان را بلکه پیروی کردند آنانکه ستم کردند خواهشهای دل خودرا بجز دانش پس کیست

يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۝ فَأَقِمْ وَجْهَكَ

که راه نماید کسی راکه گمراه کند خدا و نیست مرایشان را از یاری کننده پس راست دار روی خود

لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ

مر دین خالص مسلمانی را و متابعت نما دین خدای آنخدا که آفرید مردمان را بران نیست بدل کردن

لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝

مر آفرینش خدارا اینست دین راست ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند

مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ

بازگردنده باشید سوی او وبترسید ازو وبپای دارید نمازرا ومباشید از

الْمُشْرِكِينَ ۝ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلُّ

انباز گیرندگان - از انانکه جدا کردند دین خودرا وبودند گروه گروه هر

حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ۝ وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا

گروهی بدانچه نزد ایشان بود شاد بودند وچون برسد مردمان را رنجی بخوانند

رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ

خداوند خویش را بازگردندگان سوی او پس چون بچشاندشان ازان بخششی ناگاه گروهی

مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ۝ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا

ازایشان بخداوند خویش انباز آرند تا ناسپاسی کنند بدانچه دادیم ما ایشان را پس برخوردار گردید

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ

پس زود باشد که بدانید یا فرستادیم ما برایشان حجتی پس او سخن میگوید

بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ ۝ وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا

بدانچه بودند بدان انباز گیرندگان وچون بچشانیم ما مردمان را بخششی پس شاد شوند

بِهَا وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ

بدان واگر برسد ایشان را بدی بدانچه پیش فرستاد دستهای ایشان ناگاه ایشان نومید گردند

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي

ایا نمی بینند بدرستیکه خدا میگستراند روزی مر هر کرا می خواهد وتنگ میکند بدرستیکه در

ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ فَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ

این هر اینه نشانهاست مر گروه گروندگان را پس بده خویشاوندان را حق ایشان

وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ۝ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ

ودرویشان را ودراه گذران را این بهترست مرانان را که می خواهند رضای خدا

واولئک

واولئك هم المفلحون ۝ وما آتيتم من ربا ليربوا في

وایشان ندایشان رستگاران وانچه میدهید شما از ربا تا زیادت شود در

اموال الناس فلا يربوا عند الله وما آتيتم من زكوة

مالهای مردمان پس نشود زیادت نزد خدا وانچه میدهید از زکوة

تريدون وجه الله فاولئك هم المضعفون ۝ الله الذي خلقكم

ومی خواهید رضای خدا پس ان ایشانند زیاده کنندگان این خدا است که بیافرید

ثم رزقكم ثم يميتكم ثم يحييكم هل من شركائكم

پس روزی داد شمارا پس بمیراند شمارا پس زنده میکند شمارا ایا از انباران شما

عشر

من يفعل من ذلكم من شيء سبحانه وتعالى عما يشركون ۝

کسی که میکند ازین شمارا از چیزی پاکست خدا وبرترست از انچه انباز میکنند

ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت ايدي الناس

اشکارا شد تباهی در خشکی وتری بدانچه کسب کرد دستهای مردمان

ليذيقهم بعض الذي عملوا لعلهم يرجعون ۝ قل سيروا في

تا بچشاند ایشان را بهره انانکه کردند تا مگر ایشان باز گردند براه راست بگو ای محمد صلعم بروید در

الارض فانظروا كيف كان عاقبة الذين من قبل كان

زمین پس بنگرید که چگونه بود سرانجام انانکه از پیش بودند

اكثرهم مشركين ۝ فاقم وجهك للدين القيم من قبل

بیشتر ایشان انبازگیرندگان پس راست کن روی خودرا برای دین راست از پیش

ان ياتي يوم لا مرد له من الله يومئذ يصدعون ۝ من كفر

که بیاید روزی که نیست بازگردانیدن مر اورا از خدا ان روز که پراکنده شوند

فعليه كفره ومن عمل صالحا فلانفسهم يمهدون ۝ ليجزي

تا پاداش دهد

الذين آمنوا وعملوا الصالحات من فضله انه لا يحب الكافرين خمس
انانراکه گرویدند و کردار نیکو کردند از افزونی خود بدرستیکه او دوست نمیدارد ناگرویدگان
ومن آياته ان يرسل الرياح مبشرات وليذيقكم من رحمته
وازنشانهای اوست انکه میفرستد بادهارا بشارت دهنده و تا بچشاند شمارا از بخشایش خود
ولتجري الفلك بامره ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون
و تا روان سازد کشتیرا بفرمان خود و تا بجویید از فضل او و تا باشد که شما سپاس دارید
ولقد ارسلنا من قبلك رسلا الى قومهم فجاؤهم بالبينات
و بدرستیکه فرستادیم ما از پیش تو پیغمبران سوی گروه ایشان پس بیامدند ایشان با حجتها
فانتقمنا من الذين اجرموا وكان حقا علينا نصر المؤمنين
پس کینه کشیدیم از انانکه گناه کردند و هست واجب بر ما یاری دادن گرویدگان
الله الذي يرسل الرياح فتثير سحابا فيبسطه في السماء كيف
خدا انخدائیست که میفرستد بادهارا تا برانگیزاند ابری پس میگستراند در آسمان چگونه
يشاء ويجعله كسفا فترى الودق يخرج من خلاله
می خواهد و میکند اورا سطبر پس ببینی باران بیرون می آید از میان ابر
فاذا اصاب به من يشاء من عباده اذا هم يستبشرون
پس چون برسد باران بکسی که میخواهد خدا از بندگان خود ناگاه ایشان شادی شوند
وان كانوا من قبل ان ينزل عليهم من قبله لمبلسين
و اگر بودند خداوندان از پیش انکه باریده شود بر ایشان از پیش ان باران نومیدان
فانظر الى آثار رحمت الله كيف يحيي الارض بعد موتها
پس بنگر سوی آثار رحمت خدای که چگونه زنده میکند زمین را پس از مردن ان
ان ذلك لمحيي الموتى وهو على كل شيء قدير ولئن ار عشر
بدرستیکه ان دلیل انست که هرانئه زنده میکند مردگانرا و او بر همه چیزی تواناست و اگر بفرستیم ما

ریحا

رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ ۝ فَإِنَّكَ
باد را هلاک کننده پس ببینید کشت زار شده زرد انه هم بکروند از پس ان که ناسپاسی کنند پس بدرستیکه تو
لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ۝
نشنوانی مردگان را و نشنوانی کران را خواندن چون برگردند پشت دهندگان
وَمَا أَنْتَ بِهَادِ الْعُمْيِ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ
و نیستی تو راه نماینده کوران را از گمراهی ایشان نشنوانی مگر کسی راکه بگرود
بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ۝ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ
بایات ما پس ایشان گردن نهندگانند خدا آنخدا است که بیافرید شما را از سستی یعنی آب منی پس
جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا
بکرد از پس سستی قوت پس بکرد از پس قوت سستی
وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ ۝ وَيَوْمَ تَقُومُ
و پیری می آفریند انچه میخواهد و او دانای تواناست و روزی که برخیزد
السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ ۝ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَٰلِكَ كَانُوا
قیامت سوگند خورند کافران که نکردند درنگ جز ساعتی در دنیا همچنین بودند
يُؤْفَكُونَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ
دروغ گویان و گویند آنانکه داده شدند دانش و ایمان
لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَىٰ يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَٰذَا يَوْمُ
بدرستیکه درنگ کردید در کتاب خدای سوی روز برانگیختن پس اینست روز
الْبَعْثِ وَلَٰكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝
برانگیختن ولیکن شما بودید که نمیدانستید
فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ۝
پس آن روزیست که نمیکند سود آنان را ستم کردند خواستن عذر و نه ایشان را عذر خواستن گذارند

خمس

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که کسی که سوره لقمان در شب بخواند حق تعالی در آن شب ملکی چند موکل کرداند که اورا از شیطان و لشکرهاش حفظ کند تا صبح شود و اگر در روز بخواند اورا از شیطان و لشکرش حفظ نماید تا شب مر عین الحیوة

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هٰذَا الْقُرْاٰنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ
و بدرستی که بیان کردیم مر مردمان را در این قران از هر داستانی و اگر

جِئْتَهُمْ بِاٰيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا مُبْطِلُونَ
بیاوری ایشان را نشانی هر آینه میگفتند آنانکه کافر شدند نیستید شما مگر باطل کاران

كَذٰلِكَ يَطْبَعُ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ فَاصْبِرْ
همچنین مهر میکند خدا بر دلهای آنانکه نمیدانند پس صبر کنید

اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ
بدرستیکه وعده خدا راست سبک نیابند ترا آنانکه اهل یقین نباشند

سورة لقمان مكية وهي اربع وثلثون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓمٓ تِلْكَ اٰيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ هُدًى وَرَحْمَةً
سوگند یاد میکند که این آیات قران حکم کننده است راه نماینده و بخششی

لِلْمُحْسِنِينَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ
مر نیکوکاران را آنانکه بپا دارند نماز را و بدهند زکوة مال را

وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ اُولٰئِكَ عَلٰى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ
و ایشان بآن جهان ایشان بیقین دانند ایشانند بر راه راست از خداوند خویش

وَاُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ
و ایشانند ایشان رستگاران و از مردمان هر که میخرد سخن

الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا
لغو را هر آینه گمراه شود از راه راست خدا بجز دانشی و هر که میگیرد سرود گفتن را

خدای الله

الف لام لطف و ملک و میم

اولئک

اولئك لهم عذاب مهين ۝ واذا تتلى عليه اياتنا ولى

این اند که مر ایشان راست عذاب بزرگ وچون خوانده شود براو ایات ما برگردد

مستكبرا كان لم يسمعها كان في اذنيه وقرا

کبر کننده چنانچه نشنیدان را گوئی در گوشهای او گرانیست

فبشره بعذاب اليم ۝ ان الذين امنوا وعملوا الصالحات

پس مژده اورا بعذاب دردناک بدرستی انانکه گرویدند وکردار نیکو کردند

لهم جنات النعيم ۝ خالدين فيها وعد الله حقا وهو العزيز

مر ان راست بستانهای پرنعمت جاودانه باشند دران وعده خدا راستست واو ارجمند

الحكيم ۝ خلق السموات بغير عمد ترونها والقى في

استوار کارست افرید اسمانهارا بجز ستونی می بیند ان را ومی افکند در

الارض رواسي ان تميد بكم وبث فيها من كل دابة

زمین کوهها تا نجنبد زمین بر شما وپراگنده کرد در زمین از همه جانوری

عشر

وانزلنا من السماء ماء فانبتنا فيها من كل زوج كريم ۝

وفرستادیم از اسمان آبی پس رویانیدیم مادران از هر گونه نعمت نیکو

هذا خلق الله فاروني ماذا خلق الذين من دونه بل الظلمون

اینست افرینش خدای پس به بینید تا چون آفریده اند انانکه از جز خداست بلکه ستمکاران

في ضلال مبين ۝ ولقد اتينا لقمان الحكمة ان اشكر

در گمراهی پیدا اند وبدرستی بدادیم ما لقمان را حکمت تا سپاس داری کند

لله ومن يشكر فانما يشكر لنفسه ومن كفر فان الله

مر خدای را وهرکه سپاس داری کند جز این نیست سپاس داری میکند مر تن خودرا وهرکه کافر شود پس بدرستی خدا

غني حميد ۝ واذ قال لقمان لابنه وهو يعظه يا بني

بی نیازست ستوده وچون گفت لقمان مر پسر خودرا واو پند میداد که ای پسر من

لا تشرك بالله ان الشرك لظلم عظيم ووصينا الانسان
بکر انباز بخدای بدرستیکه انباز گرفتن ستم بزرگست و وصیت ما مردمان را
بوالديه حملته امه وهنا على وهن وفصاله في عامين
بحق مادر و پدر برداشته مادر او اورا سستی بر سستی و باز گرفت او را از شیر بعد دو سال
ان اشكر لي ولوالديك الي المصير وان جاهداك على
انگه شکر کن مرا و مادر و پدر خود را که سوی منست بازگشت و اگر بکوشند ترا مادر و پدر تو بر
ان تشرك بي ما ليس لك به علم فلا تطعهما وصاحبهما
اینکه انباز آری بمن آنچه نیست مر ترا بدان دانشی پس مکن اطاعت در این ایشان و مصاحبت با ایشان کن
في الدنيا معروفا واتبع سبيل من اناب الي ثم الي مرجعكم
در اینجهان بنیکوئی و پیروی کن راه کسی را که بازگشت میکند سوی من پس سوی منست بازگشتن
فانبئكم بما كنتم تعملون يا بني انها ان تك مثقال حبة
پس آگاه گردانم شمارا بدانچه هستید که میکنید ای پسر من بدرستی اگر باشی تو هم چند دانه
من خردل فتكن في صخرة او في السموات او في الارض
از خردل که خردترین همه دانهاست پس باشد در سنگی یا در آسمانها یا در زمینها
يات بها الله ان الله لطيف خبير يا بني اقم الصلوة
می آرد بآن خدا بدرستیکه خدا دوربین و آگاه است ای پسرک من بپای دار نماز را
وامر بالمعروف وانه عن المنكر واصبر على ما اصابك
و بفرما خلق را بنیکوئی و بازدار از ناشایست و صبر کن برآنچه برسد ترا
ان ذلك من عزم الامور ولا تصعر خدك للناس ولا تمش
بدرستیکه اینست از کارهای دشوار و مگردان روی و رخ خود را مردمان را و مرو
في الارض مرحا ان الله لا يحب كل مختال فخور واقصد
در زمین متکبروار بدرستیکه خدا نمیدارد دوست هر خرامنده نازنده را و میانه روی کن

یعنی شکر نعمت من بازآری و مادر و پدر

في مشيك

عشر

نصف الحزب

فی مشیک واغضض من صوتک ان انکر الاصوات

در رفتن خود وفرود اور از اواز خود بدرستی که منکرترین اوازها

لصوت الحمیر ۝ الم تروا ان الله سخر لکم ما فی السموات

هر اینه اواز خرانست ایا نمی بینی تو بدرستی خدا مسخر کرد مر شما انچه در آسمانهاست

وما فی الارض واسبغ علیکم نعمه ظاهرة وباطنة

وانچه در زمین است وتمام کرد بر شما نعمتی ظاهری وباطنی

ومن الناس من یجادل فی الله بغیر علم ولا هدی ولا کتاب

واز مردمان کیست که جدال میکند در وحدانیت خدا بهیچ دانشی ونیابد راهی ونه کتابی

منیر ۝ واذا قیل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما

بیدا وچون گفته شود مر ایشانرا که پیروی کنید انچه فرستاد خدا گویند بلکه پیروی کنیم انچه

وجدنا علیه اباءنا اولو کان الشیطان یدعوهم الی

یافتیم ما بران که پدران ما بودند واگر باشد دیو که بخواند ایشانرا سوی

عذاب السعیر ۝ ومن یسلم وجهه الی الله وهو محسن

عذاب دوزخ وهر که خالص دین خود را سوی خدا واوست نیکوکار

فقد استمسک بالعروة الوثقی والی الله عاقبة الامور ۝

پس تحقیق چنگ بیند ازد بگوشه استوار وبسوی خداست سرانجام کارها

ومن کفر فلا یحزنک کفره الینا مرجعهم فننبئهم

وهر که کافر شود پس اندوهگین نمیکند ترا ای محمد کفر او سوی ماست بازگشت ایشان پس بیاگاهانیم

بما عملوا ان الله علیم بذات الصدور ۝ نمتعهم قلیلا ثم

بانچه کردند بدرستیکه خدا داناست بانچه نهانست در دلها ایشان برخوردار سدهیم مالان ان اندکی پس

نضطرهم الی عذاب غلیظ ۝ ولئن سألتهم من خلق السموات

بیکنیم بیچاره ایشانرا سوی عقوبت صعب واگر بپرسی تو ایشانرا از افرینش آسمانها

وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللّٰهُ ط قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ ط بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ خمس

ور زمین هرآئنه میگویند خدای بگو ای محمد سپاس مر خدای راست بلکه بیشتر ایشان نمیدانند

لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ وَلَوْ

مر خدای راست آنچه در آسمانها و زمین است بدرستیکه خدا اوست بی نیاز ستوده واگر

أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ

بدرستیکه آنچه در زمین است از درختان قلمها و دریا ها مداد گردیدی از پس او

سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللّٰهِ ط إِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝

هفت دریا نوشتندی تمام نگردندی کلمات خدای را بدرستیکه خدای ارجمند استوار کار است

مَا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ ط إِنَّ اللّٰهَ

نیست آفرینش شما و نمیدانند مگر همچون تنی یگانه بدرستیکه خدای

سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ

شنوا است بینا آیا نمی بینی بدرستیکه خدا بیرون می آورد شب را در روز و بیرون می آورد روز را

فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ط كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى

در شب و مسخر کرد آفتاب را و ماه را همه میروند سوی مهلت نام برده

وَأَنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ

و بدرستیکه خدا آنچه میکنید آگاه است اینست بدرستیکه خدا او حق است و آنچه میخوانید

مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ عشر

از جز خدای باطلست و بدرستیکه خدا اوست برتر و بزرگتر آیا نمی بینی تو بدرستیکه کشتی

تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللّٰهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ ط إِنَّ فِي ذٰلِكَ

میرود در دریا بقدرت خدای تا بنماید شما را از نشانهای قدرت خود بدرستیکه در این

لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ۝ وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلَلِ

هرآئنه نشانهاست مر هر صبر کننده شکر کننده را و چون بپوشد ایشان را موج مثل سایه ها

دعوا الله

2601

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه سوره سجده در هر شب جمعه بخواند حق تعالی در روز قیامت نامه اش بدست راست دهد و او را حساب نفرماید هرچند گناهکار باشد و در بهشت از رفقای محمد صلی الله و آله باشد من عین الحیوة ۵

دَعَوُا اللّٰهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۝ فَلَمَّا نَجّٰيهُمْ اِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ

بخوانند خدای را باخلاص گویند مر او راست دین پس چون رهانید ایشان سوی خشکی پس بعضی از ایشان

مُقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِاٰيٰتِنَا اِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ ۝ يَا اَيُّهَا

میانه روند در دین و نمیشود منکر بآیات ما مگر هر غدار یعنی مکار ناسپاس ای

النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا ۝ لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَ

مردمان بپرهیزید خدای خود را و بترسید روزی را که نمیآید بسود پدری از فرزند خود و

(margin: یوما)

لَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَلَا

فرزندی او سود کند مادر و پدر خود را چیزی و بدرستی که وعده خدا راست پس

تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُورُ ۝

فریبد شما را زندگانی دنیا و نه فریبد شما را بخدای غرور

اِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْاَرْحَامِ

بدرستیکه خدای نزد اوست دانش قیامت و میفرستد باران را و میداند آنچه در رحمهاست

وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِاَيِّ اَرْضٍ

و آنچه نمیداند هیچ تنی که چه کار خواهد کرد فردا و نمیداند هیچ تنی که در کدام زمین

تَمُوتُ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

سُورَةُ السَّجْدَةِ وَهِيَ ثَلٰثُونَ آيَةً

بمیرد بدرستیکه خدا دانا و آگاه است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓمٓ ۝ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ اَمْ

قسم یاد میکند خدا باین حروف فرستادن قرآن نیست شک در آن از خداوند جهانیان است یا

يَقُولُونَ افْتَرٰيهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا اَتٰيهُمْ

میگویند دروغ بافته است او را بلکه قرآن راست است از خداوند تو تا بیم کنی تو گروهی را که نه آمد ایشان را

(margin: لطف الله نام ... مکی)

مِن نَذِيرٍ مِن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ۝ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ

کسی بیم کننده از پیش تو تا مگر ایشان بیابند راه خدا را الخدائیکه آفرید آسمانها

وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ

و زمین و آنچه میان ایشانست در شش روز پس قادر شد بر آفرینش عرش

مَا لَكُم مِن دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ۝

نیست مر شمارا از جز او از خداوندی و نه شفاعت کننده آیا پس پند نمیگیرید

يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ

تدبیر میکند در کارها از آسمان سوی زمین پس میرود فرشته سوی او در روزی که

كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ ۝ ذَٰلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ خمس

هست اندازه او هزار سال از آنچه بشمارید اینست داننده نهان

وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ

و آشکارا و ارجمند بخشاینده الخدائیکه محکم کرد هر چیزی را بیافرید

وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِن طِينٍ ۝ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِن سُلَالَةٍ

و ابتدا کرد آفرینش آدمیان را از گل پس بکرد زادگان او را از پاره

مِن مَاءٍ مَهِينٍ ۝ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُوحِهِ وَجَعَلَ

از آب منی خوار شده پس نیکو کرد اندام او را و دردمید در آن از جان خود و بکرد

لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ ۝

مر شمارا گوشها و چشمها و دلها اندکی آنچه شکر کنید

وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُم

و گفتند کافران آیا چون گمراه شویم ما در زمین آیا باشیم ما در میان آفرینش نو بلکه ایشان

بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ ۝ قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي عشر

بخداوند خود کافرانند بگو ای محمد میمیراند شمارا ملک الموت آنکه

وکل بکم

وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ۝ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ
موکل شده بشما پس سوی خداوند شما باز کردانند شمارا واکر بهبینی تو انکاه کافران را
نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا
سرنکون سرهاران نی را نزد خداوند خویش ارخداوندما دیدیم ما وشنیدیم ما پس بازکردان مارا
نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ ۝ وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ
تاکنیم ما کردار نیکو بدرستیکه ما بیکمانانیم واکر خواهیم ما هرانئه میدادیم ما هر تنی را
هُدَاهَا وَلَٰكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ
راه راست اورا ولیکن وجب شد کفتار از من هرانئه پرکنیم دوزخ را از پریان کافر
وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ۝ فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا
واز میان کافر همه پس بچشید بانچه فراموش کردید شما دیدار روز خود را این روز
إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝
بدرستی ما فراموش کردیم شمارا وبچشید عذاب جاودانه بدانچه بودید شما میکردید
إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا
جز این نیست که میکروند بایات ما انانکه چون پند کیرند بان آیات وافتند بر روی سجده کنان وتسبیح کنند
بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۝ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ
بسپاس پروردکار خویش وایشان تکبر نمیکنند همه شب خالی کنند پهلوهای خویش از خوابکاه
يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۝ فَلَا
میخوانند خداوند خویش ترسی وطمع واز انچه روزی کردیم ما ایشان را نفقه میکنند پس نه
تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا
میداند هیچ تنی انچه ساخته ام مر ایشان را از روشنای چشمها پاداش بدانچه بودند
يَعْمَلُونَ ۝ أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ
کار میکردند ایا پس هر که هست کرونده همچون کسیت که بود کافر و تباه کار برابر نیستند

سجده واجب

خمس

اما الذین امنوا وعملوا الصالحات فلهم جنات الماوی نزلا

اما انانکه گرویدند و کردار نیکو کردند پس مرانرا است بوستانها جایگاه منزلگاه

بما کانوا یعملون ۝ واما الذین فسقوا فماویهم النار

بدانچه بودند کننده واما انانکه تباهی کردند پس جای بازگشت ایشان آتش دوزخ

کلما ارادوا ان یخرجوا منها اعیدوا فیها وقیل لهم ذوقوا

هرگاه خواهند تا بیرون روند از انجا بازگردانیده شوند دران و گفته شود مرایشانرا که بچشید

عذاب النار الذی کنتم به تکذبون ۝ ولنذیقنهم عشر

عذاب آتش انکه بودید شما بدان تکذیب کنندگان وهراینه بچشانیم ایشانرا

من العذاب الادنی دون العذاب الاکبر لعلهم یرجعون

از عذاب اندک دون عذاب بزرگتر تا مگر ایشان از کفر بازگردند

ومن اظلم ممن ذکر بایات ربه ثم اعرض عنها انا من

وکیست ستمکارتر از انکس که پند داده شد بآیات خداوند خود پس روگردان شود از ان بدرستیکه ما از

المجرمین منتقمون ۝ ولقد اتینا موسی الکتاب فلا تکن فی

کافران انتقام کننده ایم وهراینه تحقیق دادیم موسی را کتاب پس مباش ای محمد در

مریة من لقائه وجعلناه هدی لبنی اسرائیل ۝ وجعلنا

شک از دیدار وی وکردیم ما اورا راه نما مر فرزندان اسرائیل وکردیم ما

منهم ائمة یهدون بامرنا لما صبروا وکانوا بایاتنا یوقنون

ازایشان پیروان که راه نمایند بفرمان ما بانکه صبر کردند و بودند بآیات ما بیگمانان

ان ربک هو یفصل بینهم یوم القیمة فیما کانوا فیه

بدرستیکه خداوند تو اوست که حکم میکند میان ایشان روز قیامت در انچه بودند دران که

یختلفون ۝ اولم یهد لهم کم اهلکنا من قبلهم من القرون خمس

اختلاف کردند ایا ننمود راه مرایشانرا که چند هلاک کردیم از پیش ایشان از اهل قرنها

یمشون فی

يمشون في مساكنهم ان في ذلك لايات افلا يسمعون ○ اولم

ميروند در مسكنهاى ايشان بدرستيكه درين هرآينه نشانهاست آيا پس نمى شنوند آيا نمى

يروا انا نسوق الماء الى الارض الجرز فنخرج به زرعا تاكل منه

بينند بدرستيكه ما ميرانيم آب را سوى زمين خشك پس بيرون آريم بآن نباتات تا ميخورند از آن

انعامهم وانفسهم افلا يبصرون ○ ويقولون متى هذا

چهارپايان ايشان وتنهاى ايشان آيا پس نمى بينند وميگويند كيست اين روز

الفتح ان كنتم صادقين ○ قل يوم الفتح لا ينفع الذين

حكم فتح اگر هستيد شما راست گويان بگو اى محمد روز قيامت كه سود نكند آنرا كه

كفروا ايمانهم ولا هم ينظرون ○ فاعرض عنهم وانتظر

كافر شدند ايمان ايشان ونه ايشان مهلت داده شوند پس روگردان شو از ايشان وچشم دار هلاك را

انهم منتظرون ○ سورة الاحزاب وهي مكية ثلث وسبعون آية

بدرستيكه ايشان چشم دارندهاند هلاك را

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا ميكنم بنام خداوند بخشاينده مهربان

يا ايها النبي اتق الله ولا تطع الكافرين والمنافقين ○

خطاب نبي الالباب اى پيغمبر بپرهيز خدا را وفرمان بردارى مكن كفار را ودورويان را

ان الله كان عليما حكيما ○ واتبع ما يوحى اليك من

بدرستيكه خدا هست داناى حكيم كننده وپيروى كن آنچه وحى كرده ميشود سوى تو از

ربك ان الله كان بما تعملون خبيرا ○ وتوكل على الله

خداوند تو بدرستيكه خدا هست بدانچه ميكنيد آگاه وتوكل كن بر خدا است

وكفى بالله وكيلا ○ ما جعل الله لرجل من قلبين في

وبسنده است بخدا كارسازى نكرد بغير نيافريد خداى هيچ مردى را از دو دل در

جوفه وما جعل ازواجكم اللائي تظهرون منهن امهاتكم

یک شکم و نکرد زنان شما آنزنه که ظاهر میکنند ازایشان مادران ایشان

وما جعل ادعیاءکم ابناءکم ذلکم قولکم بافواهکم

و نکرد پسرخواندگان را پسران شما این شمارا سخنیست از شما که میگویید بدهانها

والله يقول الحق وهو يهدي السبيل ادعوهم لابائهم

و خدای میگوید راست و اوست که مینماید راه راست بخوانید ایشان را بنام پدران ایشان

هو اقسط عند الله فان لم تعلموا اباءهم فاخوانكم في الدين

این راسترست نزد خدا پس اگر نمیدانید پدران ایشان را پس بنام برادران خود در دین

ومواليكم وليس عليكم جناح فيما اخطاتم به ولكن ما

و دوستان خود و نیست بر شما بزه در انچه خطا کردید شما بدان ولیکن انچه

تعمدت قلوبكم وكان الله غفورا رحيما النبي اولى

قصد میکند دلهای شما و هست خدا آمرزنده و بخشاینده پیغمبر سزاوارتر

بالمؤمنين من انفسهم وازواجه امهاتهم واولوا الارحام

بر مؤمنان از تنهای ایشان و زنان پیغمبر مادران ایشانند و خویشاوندان

بعضهم اولى ببعض في كتاب الله من المؤمنين والمهاجرين

بعضی ایشان سزاوارترست ببهره در کتاب خدای از گرویدگان و مهاجران

الا ان تفعلوا الى اوليائكم معروفا كان ذلك في الكتاب

مگر انکه میکنید سوی دوستان شما نیکوئی هست این در لوح محفوظ

مسطورا واذ اخذنا من النبيين ميثاقهم ومنك ومن

نوشته شده و چون گرفتیم ما از پیغمبران پیمانهای ایشان را و از تو و از

نوح وابراهيم وموسى وعيسى ابن مريم واخذنا منهم

نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و گرفتیم ما ازایشان

غلطا مسافا

ميثاقا غليظا ○ ليسئل الصادقين عن صدقهم واعد للكافرين

پیمانی بزرگ استوار تا بپرسد راست گویان از راستی ایشان وآماده کرد مر کافران را

عذابا اليما ○ يا ايها الذين آمنوا اذكروا نعمة الله عليكم

عذابی دردناک ای آنانکه گرویدید یاد کنید نعمت خدای بر شما

اذ جاءتكم جنود فارسلنا عليهم ريحا وجنودا لم تروها

چون آمد شمارا لشکر پس فرستادیم بر ایشان بادی ولشکری که ندیدید شما آن را

وكان الله بما تعملون بصيرا ○ اذ جاؤكم من فوقكم

وهست خدا بدانچه میکنید بینا چون بیامدند شما از زبر شما

ومن اسفل منكم واذ زاغت الابصار وبلغت القلوب

واز فروتر از شما وچون متحیر شده بود چشمهای شما ورسیده بود دلهای شما

عشر الحناجر وتظنون بالله الظنونا ○ هنالك ابتلي المؤمنون

بگلوهای شما وگمان میبردید بخدا گمانها که یاری کند یا نکند آنجا مبتلا کرده شدند گرویدگان

وزلزلوا زلزالا شديدا ○ واذ يقول المنافقون والذين في

ولرزا کرده شدند تزلزل سختی وچون میگویند دورویان وآنانکه در

قلوبهم مرض ما وعدنا الله ورسوله الا غرورا ○ واذ قالت

دلهای ایشان مرض شرک ونفاق است وعده نکرد خدا وپیغمبر او مگر فریفتنی وچون گفتند

طائفة منهم يا اهل يثرب لا مقام لكم فارجعوا ويستاذن

گروهی از ایشان ای اهل یثرب نام زمینی نیست جایگاه مر شمارا پس باز گردید ودستوری میخواستند

فريق منهم النبي يقولون ان بيوتنا عورة وما هي بعورة

گروهی از ایشان از پیغمبر میگفتند بدرستیکه خانهای ما گشاده است ونیست خانهای ایشان

ان يريدون الا فرارا ○ ولو دخلت عليهم من اقطارها ثم

نخواهند مگر گریختن واگر درآمده شد بر ایشان از کرانهای مدینه پس

سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا ۝ وَلَقَدْ كَانُوا
میکردند میکردند منافقان [کفر و شرک] هر آینه بیارند [آن را] و نکنند درنگ بآن مگر اندکی و بدرستیکه بودند
عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ ط وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ
عهد کردند با خدا پیش ازین نگردانند پشتهای خود از حرب و هست پیمان خدا
مَسْئُولًا ۝ قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ
پرسنده بگو ای محمد هرگز سود نمیکند شما را گریختن اگر بگریزید از مرگ یا کشتن
وَإِذًا لَا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ
وانگاه برخوردار نباید مگر اندکی بگو ای محمد کیست آنکه نگهدارد شما را از عذاب
اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ
خدا اگر خواهد بشما بدی یا خواهد بشما بخشش و نیابند برای خود
مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ
از جز خدای دوستی و نه یاری دهنده بدرستی میداند خدا بازدارندگان را از شما
وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا ۝
و گویندگان مر برادران خویش سوی ما بیایید و نیایند حرب را مگر اندکی
أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ
بخیلی کنند بر شما پس چون آمد ترس بینی ایشان را نگرندگان سوی تو
تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ
میگردد چشمهای ایشان همچون کسی بیهوش شود بر آن از مرگ پس چون برود
الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ ط أُولَٰئِكَ
ترس زود باشد هرزه کنند با شما بزبانهای تیز به بخیلی کردن بر خیر ایشانند
لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ۝
که نگرویدند پس تباه کرد خدای کردار ایشان را و هست این بر خدای آسان

خمس

يحسبون الاحزاب

يحسبون الاحزاب لم يذهبوا وان يات الاحزاب يودوا لو

می پندارند سپاهها که نمیگردیدند باز واگر بیاید سپاهها دوست دارند اگر

انهم بادون في الاعراب يسئلون عن انبائكم ولو كانوا

ایشان اهل بیابان باشند در عرب می پرسند از خبرهای شما واگر هستید شما

فيكم ما قاتلوا الا قليلا ۝ لقد كان لكم في رسول الله

در میان ایشان حرب نا کردکان مگر اندکی بدرستی هست مر شمارا در رسول خدا

اسوة حسنة لمن كان يرجوا الله واليوم الاخر وذكر الله

اقتدا کردن نیکویی هر کسی را که هست امیدوار خدا و روز قیامت و یاد میکند خدا را

كثيرا ۝ ولما را المؤمنون الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا

بسیار وچون دیدند گروندگان سپاههارا گفتند اینست انچه وعده کرده مارا

الله ورسوله وصدق الله ورسوله وما زادهم الا ايمانا

خدا ورسول او وراست گفت خدا وپیغمبر او ونیفزود ایشان را مگر یقین

وتسليما ۝ من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه

وگردن نهادن از مومنان مردانند که راست کردند انچه کردند عهد با خدای بر او

فمنهم من قضى نحبه ومنهم من ينتظر وما بدلوا تبديلا ۝

پس ازایشان کیست که تمام کرد نذر خود را وازایشان کیست وچشم دارد حرب را وبدل نکردند عهد را تبدیلی

ليجزي الله الصادقين بصدقهم ويعذب المنافقين ان شاء

تا جزا دهد خدا راست گویان را براستی ایشان وعذاب میکند دورویان را اگر خواهد

او يتوب عليهم ان الله كان غفورا رحيما ۝ ورد الله الذين

یا توبه دهد برایشان بدرستیکه خدا هست آمرزنده بخشاینده وباز گردانید خدا ایشان را

كفروا بغيظهم لم ينالوا خيرا وكفى الله المؤمنين القتال

که کافر شدند بخشم نمیرسند بهیچ مراد ونیکی وبس کننده است خدا گروندگان را به قوت در جنگ

وَكَانَ اللّٰهُ قَوِيًّا عَزِيزًا ۝ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ

وهست خدا قوی وارجمند وفرود آورد آنان را که یاری دادند ایشان را از

أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ

اهل کتاب از حصارهای ایشان وبیفکند در دلهای ایشان ترس

فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا ۝ وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ

گروهی را که میکشتند واسیر میکردند گروهی را یعنی زنان را ومیراث داد شمارا زمین ایشان

وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَؤُهَا وَكَانَ اللّٰهُ عَلَى

وخانهای ایشان ومالهای ایشان وزمینی را که نا سپرده اید آن را وهست خدا بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُنَّ

همه چیز توانا ای پیغمبر بگو مر زنان خود را اگر هستید شما که

تُرِدْنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ

میخواهید زندگانی اینجهان وآرایش آن پس بیایید تا متعه کنم شمارا ودست بازدارم از

سَرَاحًا جَمِيلًا ۝ وَإِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ

دست باز داشتنی نیکو واگر هستید شما که میخواهید خوشنودی خدای وپیغمبر او را وسرای آنجهان را

فَإِنَّ اللّٰهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ

پس بدرستیکه خدا آماده کرده مر نیکان را از شما مزدی بزرگ ای زنان پیغمبر

مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ

هرکه بیاید از شما بفاحشه پیدا دوچندان کرده مر او را عذاب

وَكَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرًا ۝ وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلّٰهِ وَرَسُولِهِ

وهست این بر خدای آسان وهرکه مطیع باشد از شما مر خدا وپیغمبر او را

وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ۝

وبکند کردار نیکو بدهیم او را مزد آن دوباره یعنی دوچندان وآماده کنیم مر او را روزی نیکو در بهشت

الجزء الثاني والعشرون

٢٢

يٰنِسَآءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَاَحَدٍ مِّنَ النِّسَآءِ اِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ

اى زنان پيغمبر نيستيد شما مانند يكى از زنان ديگر مردمان اگر پرهيزكارى كنيد پس مكنيد تواضع مردمان

بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهٖ مَرَضٌ وَّقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا

بگفتار پس طمع ميدارند اندر كه در دل او مرض نفاقست وبگوييد گفتارى نيكو

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْاُولٰى وَ

وقرار گيريد در خانهاى خويش ومياراييد خودرا آراستن نادانى پيش و

اَقِمْنَ الصَّلٰوةَ وَاٰتِينَ الزَّكٰوةَ وَاَطِعْنَ اللّٰهَ وَرَسُولَهٗ اِنَّمَا

بپا داريد نمازرا وبدهيد زكوة مال وفرمان بردارى كنيد خدارا وپيغمبر اورا جز اين نيست

يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ

كه مى خواهد خدا تا ببرد از شما پليدى اى اهل بيت پيغمبر وپاك ميكرداند شمارا

تَطْهِيرًا ۝ وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلٰى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ اٰيَاتِ اللّٰهِ

پاك كردنى وياد كنيد انچه خوانده ميشود در خانهاى شما از نشانهاى خدا

وَالْحِكْمَةِ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ۝ اِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

وبيان احكام او بدرستيكه خدا هست دوربين آگاه بدرستيكه مردان مسلمان وزنان مسلمه

وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ

ومردان مؤمن وزنان مؤمنه ومردان مطيع وزنان مطيعه

وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ

ومردان راست گوى وزنان راست گوينده ومردان صبر كننده وزنان صبر كننده

وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ

ومردان خدا ترس وزنان خدا ترسنده ومردان صدقه ده وزنان صدقه دهنده

وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ

ومردان روزه دار وزنان روزه دارنده ومردان نگاه دار فرجهاى خود زنان نگاه دارنده فرجهاى خود

وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً

و مردان یاد کننده خدای را بسیار و زنان یاد کننده خدای را اماده کرده خدا ایشان را آمرزش

وَأَجْرًا عَظِيمًا ۝ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى

و مزدی بزرگ و نه باشد مر گرویدگان را و نه مومنه را چون حکم کند

اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَن

خدا و رسول او کاری را که باشد مر ایشان را اختیاری از کار ایشان و هر که

يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا ۝ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي

نافرمانی کند خدا و رسول او را پس بتحقیق گمراه شد گمراهی پیدا و چون بگفتی تو محمد مر آن

أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ

نیکو نعمت داد خدا منت نهاد بر آن باسلام و نعمت داد و منت نهاد بر او که نگاه دار بر خود زن تو

وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ

و بپرهیز خدای را و پوشیده میداری در تن خود آنچه خدای آشکار کننده ویست و میترسی مردمان را

وَاللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا

و خدای سزاوارتر است که بترسی او را پس چون بگذارد زید از زینت مراد خویش بزنی دادیم

لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ

تا نباشد بر گرویدگان بزه در خواستن زنان

أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ۝

پسرخواندگان ایشان چون برداشته باشند از ایشان مراد خویش و هست فرمان خدای بوده کرده شد

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي

نیست و نباشد بر پیغمبر از بزه در آنچه حکم کرد خدا مر او را سنت خدا در

الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا ۝

دین پیغمبران که گذشتند از پیش و هست کار خدا تقدیری تقدیر کرده شده

الذين يبلغون رسالات الله ويخشونه ولا يخشون

آنانکه برسانیدند وحی پیغامهای خدا بخلق ومیترسیدند از خدا ونمیترسیدند از

احدا الا الله وكفى بالله حسيبا ۝ ما كان محمد ابا

احدی مگر خدا وبسنده است بخدا جزا دهنده وحساب دهنده نیست ونباشد محمد صلی الله علیه وآله پدر

احد من رجالكم ولكن رسول الله وخاتم النبيين

یکی از مردان شما ولیکن پیغمبر خداست وآخرین همه پیغمبرانست

وكان الله بكل شيء عليما ۝ يا ايها الذين آمنوا اذكروا

وهست خدا بهمه چیزی دانا ای آنانکه گرویدید یاد

الله ذكرا كثيرا ۝ وسبحوه بكرة واصيلا ۝ هو الذي

خدارا یاد کردنی بسیار وتسبیح گوئید اورا بامداد وشبانگاه اوست آنخدائیکه

يصلي عليكم وملائكته ليخرجكم من الظلمات الى

رحمت میکند بر شما وفرشتگان او تا بیرون آرد شمارا از تاریکیهای کفر سوی

النور وكان بالمؤمنين رحيما ۝ تحيتهم يوم يلقونه

روشنائی ایمان وهست خدا بر گرویدگان بخشاینده سلام ایشان روزیکه ببینند بهشت را

سلام واعد لهم اجرا كريما ۝ يا ايها النبي انا ارسلناك

سلام از خدای عز وجل وآماده کرد ایشانرا مزدی نیکو ای پیغمبر بدرستیکه ما فرستادیم ترا

شاهدا ومبشرا ونذيرا ۝ وداعيا الى الله باذنه وسراجا

گواهی دهنده ومژده دهنده وبیم کننده وخواننده سوی خدا بفرمان او

منيرا ۝ وبشر المؤمنين بان لهم من الله فضلا كبيرا ۝

ومژده ده گرویدگان را بدرستی مر ایشانراست از خدا افزونی بسیار

ولا تطع الكافرين والمنافقين ودع اذاهم وتوكل على الله

ومکن فرمان برداری کافران ودوروبان وبگذار آزار دادن ایشانرا وتوکل کن بر خدا

وكفى بالله وكيلا ۝ يا أيها الذين آمنوا إذا نكحتم المؤمنات

وبسنده است بخدا نگاهدار ای آنانکه گرویده‌اید چون بزنی گیرید شما زنان گرویده را

ثم طلقتموهن من قبل أن تمسوهن فما لكم عليهن

پس طلاق دهید ایشان را از پیش آنکه دخول کرده باشید با ایشان پس نیست مر شما را بر ایشان

من عدة تعتدونها فمتعوهن وسرحوهن سراحا جميلا ۝

از عده که بشمارید آن را پس برخوردار دهید ایشان را و روانه کنید ایشان را روانه کردن نیکو

يا أيها النبي إنا أحللنا لك أزواجك اللاتي آتيت أجورهن

ای پیغمبر بدرستی که ما حلال کردیم مر ترا زنان ترا آن زنان که دادی تو کابینهای ایشان

وما ملكت يمينك مما أفاء الله عليك وبنات عمك

وانچه مالک بدست تو یعنی کنیزان از انچه نصیب کرد خدا بر تو و دختران عم تو

وبنات عماتك وبنات خالك وبنات خالاتك اللاتي

و دختران عمه تو و دختران خال تو و دختران خاله تو آنانکه

هاجرن معك وامرأة مؤمنة إن وهبت نفسها للنبي إن أراد

هجرت کردند ایشان با تو و زن گرویده اگر ببخشد تن خود مر پیغمبر را که این اگر خواهد

النبي أن يستنكحها خالصة لك من دون المؤمنين قد

پیغمبر نکاح میکند او را این حکم خالص است مر ترا از جز گرویدگان تحقیق

علمنا ما فرضنا عليهم في أزواجهم وما ملكت أيمانهم

دانستیم ما انچه حکم کردیم ما بر ایشان در زنان ایشان وانچه مالک شود دستهای ایشان

لكيلا يكون عليك حرج وكان الله غفورا رحيما ۝ ترجي

تا نباشد بر تو بزه و تنگی و هست خدا آمرزنده بخشاینده تاخیر میکند

من تشاء منهن وتؤوي إليك من تشاء ومن ابتغيت ممن عزلت

هرکه را می خواهد از ایشان و می آورد خود سوی تو هرکه را می خواهد و هرکه را خواهی تو بجوی باز از آنکه تاخیر کردی تو

وان ام شریک بود رضی الله عنها

عشر

فلا جن

فلا جناح عليك ذلك ادنى ان تقر اعينهن ولا يحزن

پس نیست بزه بر تو اینست نزدیکتر که روشن میکردد چشمهای ایشان ونه اندوهکین شوند

ويرضين بما اتيتهن كلهن والله يعلم ما في قلوبكم و

وخوشنود می شوند بدانچه دادی تو ایشان را همه ایشان را وخدا میداند انچه در دلهای ایشانست و

كان الله عليما حليما ۝ لا يحل لك النساء من بعد ولا ان

هست خدا دانا بردبار نمیشود حلال مر ترا زنان از پس این ونیست انکه

تبدل بهن من ازواج ولو اعجبك حسنهن الا ما ملكت

بدل کنی تو ایشان را از یکی زنان واکر بشکفت آورد ترا نیکوی ایشان مکر انچه مالک باشد

يمينك وكان الله على كل شيء رقيبا ۝ يا ايها الذين امنوا

دست تو وهست خدا بر همه چیزی نکهبان ای انانکه کرویدید

لا تدخلوا بيوت النبي الا ان يؤذن لكم الى طعام غير

در میائید بخانهای پیغمبر مکر انکه دستوری دهند مر شمارا سوی طعام جز

ناظرين اناه ولكن اذا دعيتم فادخلوا فاذا طعمتم فانتشروا

بینندکان طرف ان ولیکن چون خوانده شوید شما پس درائید پس چون طعام خورید پس پراکنده شوید

ولا مستانسين لحديث ان ذلكم كان يؤذي النبي

وانس مجوئید مر حدیث را بدرستی اینست که هست رنجیده میشود پیغمبر

فيستحيي منكم والله لا يستحيي من الحق واذا سالتموهن

پس شرم دارد پیغمبر از شما وخدا نمیکند شرم از راستی وچون بپرسید شما ایشان را

متاعا فسئلوهن من وراء حجاب ذلكم اطهر لقلوبكم

چیزی پس طلب کنید ایشان را از پس پرده این شمارا پاکتر است مر دلهای شمارا

وقلوبهن وما كان لكم ان تؤذوا رسول الله ولا ان تنكحوا

ودلهای ایشان را ونباشد مر شمارا که برنجانید پیغمبر خدارا ونه انکه بزنی کیرید

ازواجه من بعده ابدا ان ذلكم كان عند الله عظيما ● ان تبدوا

زنان پیغمبر را از پس او هرگز بدرستیکه این شما را هست نزد خدا بزرگ اگر آشکار کنید

شيئا او تخفوه فان الله كان بكل شيء عليما ● لا جناح

چیزی یا پوشیده داریدش پس بدرستیکه خدا هست بهمه چیزی داننده نیست بزه

عليهن في آبائهن ولا ابنائهن ولا اخوانهن ولا ابناء اخوانهن

برایشان در پدران ایشان ونه فرزندان ایشان ونه برادران ایشان ونه پسران برادران ایشان

ولا ابناء اخواتهن ولا نسائهن ولا ما ملكت ايمانهن واتقين

ونه پسران خواهران ایشان ونه زنان ایشان ونه آنچه مالک است دستهای ایشان و بپرهیزید از

الله ان الله كان على كل شيء شهيدا ● ان الله وملائكته

خدای را بدرستیکه خدا هست بر همه چیزی گواه است بدرستیکه خدا و فرشتگان او

يصلون على النبي يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا

درود میفرستند بر پیغمبر ای آنانکه گرویدید درود بفرستید بر پیغمبر و سلام گوئید

تسليما ● ان الذين يؤذون الله ورسوله لعنهم الله في الدنيا

سلام گفتنی بدرستی آنانکه میرنجانند خدای را و پیغمبر او را هرآینه نفرین کند خدای در این جهان

والآخرة واعد لهم عذابا مهينا ● والذين يؤذون المؤمنين

و در آنجهان و آماده کند برای ایشان عذابی خوارکننده و آنانکه می رنجانند گرویدگان را

والمؤمنات بغير ما اكتسبوا فقد احتملوا بهتانا واثما

و زنان مؤمنه بجز آن چیز که کرده باشند پس بدرستیکه برداشتند ایشان بهتانی و گناه

مبينا ● يا ايها النبي قل لازواجك وبناتك ونساء

پیدا ای پیغمبر محمد بگوی مر زنان خود را و دختران خود را و زنان

المؤمنين يدنين عليهن من جلابيبهن ذلك ادنى ان يعرفن

گروندگان را نزدیک می آورند بر ایشان از مقنعهای ایشان را این است نزدیکتر تا بشناسند

فلا يؤذين

عشر

فلا يؤذين وكان الله غفورا رحيما ○ لئن لم ينته المنافقون

پس نمی‌آزرند ایشان و هست خدای آمرزنده بخشاینده اگر باز نایستند منافقان از نفاق

والذين في قلوبهم مرض والمرجفون في المدينة

و آنانکه در دلهای ایشان بیماری کفر و نفاق است و فتنه انگیزان در مدینه

لنغرينك بهم ثم لا يجاورونك فيها الا قليلا ○ ملعونين

هر آینه برانگیزانیم ما ترا با ایشان پس همسایگی نکنند ترا دران مگر اندکی لعنت کرده شدگان

اينما ثقفوا اخذوا وقتلوا تقتيلا ○ سنة الله في الذين

هر کجا یافته شوند بگیریدشان را و بکشیدشان را کشتنی سنت خداست در آنانکه

خلوا من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلا ○ يسئلك الناس

گذشتند از پیش و هرگز نیابی مر سنت و حکم خدا را تبدیل کردنی می‌پرسند ترا ای محمد مردمان

عن الساعة قل انما علمها عند الله وما يدريك لعل

از قیامت بگو جز این نیست که دانستن نزد خداست و ندانی تو شاید که

الساعة تكون قريبا ○ ان الله لعن الكافرين واعد

قیامت نزدیک باشد بدرستیکه خدا لعنت کرد کافران را و آماده ساخت

لهم سعيرا ○ خالدين فيها ابدا لا يجدون وليا ولا نصيرا ○

برای ایشان آتش دوزخ که جاودانه در انجا باشند همیشه نیابند ایشان دوستی و نه یاری کننده

يوم تقلب وجوههم في النار يقولون يا ليتنا اطعنا الله

روز برگردانیده شود رویهای ایشان در آتش جهنم میگویند ای کاشکی طاعت میکردیم خدا

واطعنا الرسولا ○ وقالوا ربنا انا اطعنا سادتنا وكبراءنا

و طاعت میکردیم پیغمبر را و گویند ای خداوند ما بدرستیکه ما فرمان بردار کردیم بزرگان خود را و علمای خود را

فاضلونا السبيلا ○ ربنا اتهم ضعفين من العذاب والعنهم

پس گمراه کردند ما را از راه راست ای خداوند ما بده ایشان را دو چندان از عذاب و لعنت کن ایشان را

لعنا كبيرا ● يا ايها الذين امنوا لا تكونوا كالذين

لعنتی بزرک ای انانکه کرویدید مباشید شما مانند انانکه

اذوا موسى فبراه الله مما قالوا وكان عند الله وجيها ●

برنجانیدند موسی را پس بیزار کرد اورا خدا از انچه کفتند وهست نزد خدا باجاه

يا ايها الذين امنوا اتقوا الله وقولوا قولا سديدا ● يصلح

ای انانکه کرویدید بپرهیزید خدارا وبکویید کفتاری راست باصلاح آرد

عشر

لكم اعمالكم ويغفر لكم ذنوبكم ومن يطع الله و

مر شمارا کردار شما ومی امرزد مر شمارا کناهان شما وهرکه فرمان بردار کند خدای را

رسوله فقد فاز فوزا عظيما ● انا عرضنا الامانة على السموت

رسول اورا پس بتحقیق برهد رستنی بزرک بدرستیکه ما عرض کردیم امانت امر ونهی بر اسمانها

والارض والجبال فابين ان يحملنها واشفقن منها وحملها

وزمین وکوهها پس سرباز زدند از برداشتن امانت وبترسیدند ازان وبرداشت آن

الانسان انه كان ظلوما جهولا ● ليعذب الله المنافقين

مردمان بدرستیکه او هست ستم کننده نادان تا عذاب کند خدای مر منافقان را

والمنافقات والمشركين والمشركات ويتوب الله

وزنان منافقه را ومردان انباز کیر وزنان انباز کننده وتوبه میدهد خدای

على المؤمنين والمؤمنات وكان الله غفورا رحيما ●

بر کرویدکان مردان وزنان کرونده وهست خدای آمرزنده بخشاینده

سورة السبا وهي اربع وخمسون آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

الحمد لله الذي

و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره سبا و فاطر را در شب بخواند در آن شب در حفظ و حراست الهی باشد و اگر در روز بخواند مکروهی باو نرسد و حق تعالی
از دنیا و آخرت باو کرامت فرماید که در خاطرش خطور نکرده باشد و آرزویش باو نرسیده باشد و بسند معتبر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که هر که در وقت
خواب این آیه را بخواند إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا خانه بر سرش خراب نشود و بسند دیگر منقولست که شخصی
از اهل مرو بخدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از درد مر حضرت فرمود که نزدیک بیا پس دست مبارک بر سر او گذاشتند و این آیه را خواندند ان الله یمسک تا آخر آیه
من عین الحیوة

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ
سپاس مر خدا را آن خدائیکه مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و مر او راست
الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ • يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي
سپاس در آن جهان و اوست حکم کننده و آگاه میداند آنچه در آید در
الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ
زمین و آنچه بیرون آید از آن و آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا رود
فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ • وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
در آن و اوست بخشاینده آمرزنده و گفتند آنانکه کافر شدند
لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ
نیاید ما را روز قیامت بگو ای محمد آری قسم بخدای من هر آینه هر آید شما را قیامت داننده نهانی دانا که نه غایب
لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ
است پوشیده از او هم سنگ مورچه و ذره که گرد آفتاب در آسمانها و نه در زمین
وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَٰلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ • لِيَجْزِيَ
و نه خوردتر از این و نه بزرگتر مگر در کتاب پیدا تا پاداش دهد
الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ
آنانکه گرویدند و کردار نیکو کردند آن جماعت که مر ایشان راست آمرزش و روزی
كَرِيمٌ • وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ
نیکو و آنانکه شتافتند در ابطال آیات ما بعاجز گردانیدن ایشان که
لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ • وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي
مر ایشان راست عذاب از دوزخ دردناک و به بینند آنانرا داده شدند دانش آنچه
أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقَّ وَيَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ
فرستاده شده سوی تو از خداوند تو اوست راست و مینماید راه راست سوی راه راست خداوند حمید

خمس

الحميد ۝ وقال الذين كفروا هل ندلكم على رجل ينبئكم

ستوده وگفتند آنانکه نگرویدند هست که ما راه نمائیم شمارا بر مردی که خبر کند شمارا

اذا مزقتم كل ممزق انكم لفي خلق جديد ۝ افترى

چون بمیرید شما پاره پاره کردید پاره کردنی بدرستیکه شما هر آئینه در آفرینش نوید برمی بافید

على الله كذبا ام به جنة بل الذين لا يؤمنون بالاخرة

بر خدای دروغی یا بآن دیوانه اید بلکه آنانکه نگرویدند بآنجهان

في العذاب والضلال البعيد ۝ افلم يروا الى ما بين

در عذاب و گمراهی دور اند آیا پس نمی بینند سوی آنچه میان

ايديهم وما خلفهم من السماء والارض ان نشا نخسف

روی ایشانست و آنچه پس پشت ایشانست از آسمان و زمین

بهم الارض او نسقط عليهم كسفا من السماء ان في ذلك لاية

یا بیفکنیم ما بر ایشان پاره از آسمان بدرستیکه در این هر آئینه نشانه

لكل عبد منيب ۝ ولقد اتينا داود منا فضلا يا جبال

مر هر بنده بازگردنده را و هر آئینه تحقیق دادیم ما داود را از نزد خود افزونی ای کوهها

اوبي معه والطير والنا له الحديد ۝ ان اعمل سابغات

تسبیح کنید با او و با مرغان و نرم گردانیدیم مر او را آهن که بسازد زرهای فراخ تمام

وقدر في السرد واعملوا صالحا اني بما تعملون بصير ۝ ولسليمان

و اندازه کن در بافتن و پیوستن و میکنید کار نیکو بدرستیکه من بدانچه میکنند بینایم و مر سلیمان را

الريح غدوها شهر ورواحها شهر واسلنا له عين القطر

مسخر گردانیدیم باد را بامدادان یکماهه و شبانگاه آن یکماهه و فرستادیم ما مر او را چشمه مس گداخته

ومن الجن من يعمل بين يديه باذن ربه ومن يزغ منهم

و از پریان و دیوان آن که کار میکردند پیش روی او بفرمان خداوند او و هر که بگشت از ایشان

عشر

یعنی باد تخت سلیمان روز یکماهه راه می برد و شب یکماهه راه می برد

عن امرنا

عن امرنا نذقه من عذاب السعير ۝ يعملون له ما يشآء

از فرمان ما بچشانیم ما اورا از عذاب دوزخ میکردند مراورا انچه می خواهد

من محاريب وتماثيل وجفان كالجواب وقدور راسيٰت

از محرابها وهیکلها وکاسهای بزرگ چون حوضها ودیگهای بلند استوار

اعملوا ال داود شكرا وقليل من عبادي الشكور ۝

کار کنید ای ال داود شکری واندکی از بندگان من شکر کنندگان

فلما قضينا عليه الموت ما دلهم على موته الا دابة

پس چون حکم کردیم براو بمرگ ننمود ایشانرا بر مرگ او مگر جنبنده

الارض تاكل منساته فلما خر تبينت الجن ان لو كانوا

زمین که می خورد عصای اورا پس چون بیفتاد روشن دانستند پریان که اگر هستندی که

يعلمون الغيب ما لبثوا في العذاب المهين ۝ لقد كان

میدانند نهانرا درنگ نمی نمودند در عذاب دردناک هر آینه هست

لسبا في مسكنهم اية جنتان عن يمين وشمال كلوا من

سبارا در مسکنهای ایشان نشانه دو بهشت از دست راست وچپ بخورید از

رزق ربكم واشكروا له بلدة طيبة ورب غفور ۝

روزی پروردگار خویش وسپاس گوئید مراورا شهری خوش وخداوند آمرزنده

فاعرضوا فارسلنا عليهم سيل العرم وبدلناهم بجنتيهم

پس روی گردانیدند پس فرستادیم بر ایشان سیلاب کنده برنده وبدل کردیم ما ایشانرا بدو بوستان ایشان

جنتين ذواتي اكل خمط واثل وشيء من سدر قليل ۝

دو بوستان دیگر خداوند میوه خود خمط ودرخت خار وچیزی از کنار اندکی

ذلك جزيناهم بما كفروا وهل نجازي الا الكفور ۝

بیت پاداش دادیم ایشانرا بدانچه نکردند وهست که پاداش دهیم ما مگر ناسپاسانرا

وجعلنا بينهم وبين القرى التي باركنا فيها قرى ظاهرة وقدرنا

وکردیم ما میان ایشان و میان دیههای انکه برکت کردیم ما دران دیهها پیدا یعنی اکر از یکی شهر بیرون شدندی شهری دیکر ظاهر شدی واندازه کردیم

فيها السير سيروا فيها ليالي واياما امنين ۝ فقالوا ربنا

دران رفتن را بروید دران شبها و روزها ایمن شدکان پس کفتند ای خداوند ما

باعد بين اسفارنا وظلموا انفسهم فجعلناهم احاديث

دور کردان میان سفرهای ما و ستمکاران نهاد خویش را پس کردیم ما ایشان را حدیثها

ومزقناهم كل ممزق ان في ذلك لايات لكل صبار شكور

و پراکنده کردیم ما ایشان را همه پراکنده کردنی بدرستی درین هرانه نشانهاست مر هر صبر کننده شکر کننده را

ولقد صدق عليهم ابليس ظنه فاتبعوه الا فريقا من

و هرانه تحقیق راست کرد برایشان شیطان کمان او پس پیروی کردند او را مکر کروهی از

المؤمنين ۝ وما كان له عليهم من سلطان الا لنعلم

کرویدکان و انچه هست مر او را برایشان از حجتی مکر تا بدانیم ما

من يؤمن بالاخرة ممن هو منها في شك وربك على كل

کیست که میکرود بان جهان از انکه او از ان در کمانست و خداوند تو بر همه

شيء حفيظ ۝ قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله لا

چیزی نکاهبانست بکوای محمد بخوانید انان را که کمان بردید شما از جز خدای

يملكون مثقال ذرة في السموات ولا في الارض وما

مالک نیستند هم سنک ذره در اسمانها و نه در زمین و انچه

لهم فيهما من شرك وما له منهم من ظهير ۝ ولا تنفع

مرایشان را در هردو افرینش از انبازی و نیست مر خدای را از ایشان از یاری کری و نکند سود

الشفاعة عنده الا لمن اذن له حتى اذا فزع عن قلوبهم

ایشان را شفیعی نزد او مکر کسی را که فرمان دهد خدای مر او را تا چون فزع کنند از دلهای ایشان

عشر

قالوا ماذا قال

نصف

قالوا ماذا قال ربكم قالوا الحق وهو العلي الكبير ۝ قل من

گفتند چه چیز گفت خداوند شما گویند حق واوست برتر وبزرگ بگو ای محمد کیست

يرزقكم من السموات والارض قل الله وانا او اياكم

که روزی میدهد شمارا از اسمان وزمین بگو خدا وبدرستی ما یا شما

لعلى هدى او في ضلال مبين ۝ قل لا تسئلون عما اجرمنا

هرآئنه برراه راستیم یا در گمراهی پیدا بگو ای محمد میپرسید ازانچه گناه کردیم ما

ولا نسئل عما تعملون ۝ قل يجمع بيننا ربنا ثم يفتح بيننا

وپرسیده نشویم ما ازانچه میکنید بگو ای محمد جمع میکند میان ما خداوند ما پس حکم میکند میان ما

بالحق وهو الفتاح العليم ۝ قل اروني الذين الحقتم به

براستی واو حکم کننده داناست بگو ای محمد بنمائید مرا انان راکه رسانیدید بخدای

شركاء كلا بل هو الله العزيز الحكيم ۝ وما ارسلناك

انبازان حقا نه چنانست بلکه اوست خدای ارجمند استوارکار ونفرستادیم ما ترا

الا كافة للناس بشيرا ونذيرا ولكن اكثر الناس

مگر کافه مردمان مژده دهنده وبیم کننده ولیکن بیشتر مردمان

لا يعلمون ۝ ويقولون متى هذا الوعد ان كنتم صادقين ۝

نمیدانند ومیگویند که کی خواهد بود این وعده اگر هستید شما راست گویان

قل لكم ميعاد يوم لا تستاخرون عنه ساعة ولا تستقدمون

بگو ای محمد مرایشان را میعاد روزی که نشوید پس ازاو ساعتی ونه پیش شوید

وقال الذين كفروا لن نؤمن بهذا القران ولا بالذي

وگفتند انانکه کافر شدند هرگز نشویم مومن باین قران ونه بانانکه

بين يديه ولو ترى اذ الظالمون موقوفون عند ربهم

پیش ازوست واگر ببینی انگاه ستمکاران را بازداشته اند نزد پروردگار ایشان

يرجع بعضهم الى بعض ن القول يقول الذين استضعفوا
باز میگردند بهره ایشان سوی بهره گفتار میگویند انانکه ضعیف کرده شده
للذين استكبروا لولا انتم لكنا مؤمنين ○ قال الذين
مرانانکه بزرگ منشی کردند اگر نه شما هراینه هستید شما گرویدگان گفتند انانکه
استكبروا للذين استضعفوا انحن صددناكم عن الهدى
بزرگ منشی کردند مرانانکه سست کرده شدند آیا ما بازداشتیم شمارا از راه راست
بعد اذ جاءكم بل كنتم مجرمين ○ وقال الذين استضعفوا
پس چون آمد شمارا بلکه بودید شما گناهکاران وگفتند انانکه سست کرده
للذين استكبروا بل مكر الليل والنهار اذ تأمروننا
مرانان راکه بزرگ منشی کردند بلکه سکالش شب وروز چون بفرمودید مارا
ان نكفر بالله ونجعل له اندادا واسروا الندامة لما راوا
انکه کافر گردیم با خدا وگردانیدیم مراورا انبازان وانکار اکنند ندامت را چون دیدند
العذاب وجعلنا الاغلال في اعناق الذين كفروا
عذاب را وگردانیدیم ما طوقها در گردنهای انانکه نگرویدند
هل يجزون الا ما كانوا يعملون ○ وما ارسلنا في
جز پاداش میدهند مگر انچه هستند ایشان که میکردند وانچه فرستادیم ما در
قرية من نذير الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به كافرون
دیهی از بیم کننده مگر گفتند توانگران خویش فراموش کنندگان بدرستی ما بانچه فرستاده شدید شما بدان کافران
وقالوا نحن اكثر اموالا واولادا وما نحن بمعذبين ○
وگفتند ما بیشتریم از شما بمالها و فرزندان ونیستیم ما بعذاب کرده شدگان
قل ان ربي يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر ولكن اكثر الناس
بگو ای محمد بدرستی خداوند من گسترده میکند روزی را مر هر که را میخواهد وتنگ میکند بر هر که میخواهد ولیکن بیشتر مردمان

لا يعلمون

لا يعلمون ۝ وما اموالكم ولا اولادكم بالتي تقربكم

نمیدانند ونیست مالهای شما ونه اولاد شما بانکه فخر میکنید که نزدیک کند شما را

عندنا زلفى الا من امن وعمل صالحا فاولئك لهم جزاء

نزد ما نزدیک کردنی مگر کسی که بگرود وکردار نیکو کند پس ایشانند که مر ایشانراست پاداش

الضعف بما عملوا وهم في الغرفات امنون ۝ والذين يسعون

سست بدانچه کردند وایشان در کوشکها اند ایمن کرده شدگان وانانکه سعی میکنند

في اياتنا معجزين اولئك في العذاب محضرون ۝ قل ان

در انکار نشانهای ما بعاجز کردانیدن ایشانند در عذاب حاضر شدکان بگو ای محمد بدرستی

ربي يبسط الرزق لمن يشاء من عباده ويقدر له وما

خداوند من میگسترد روزی مر هر که را می خواهد از بندگان خود وتنگ میکند مر او را وانچه

انفقتم من شيء فهو يخلفه وهو خير الرازقين ۝ ويوم

نفقه کنید شما از چیز پس او خلف دهد او را واو بهترین روزی دهندگانست واز روز

يحشرهم جميعا ثم يقول للملائكة اهؤلاء اياكم كانوا

که گرد کنیم انرا همه پس میگوید مر فرشتگان را ایا اینانند که دعوی میکنند که بودید شما

يعبدون ۝ قالوا سبحانك انت ولينا من دونهم بل كانوا

مر پرستید ید گویند فرشتگان پاکی تو توئی دوست ما از جز ایشان بلکه بودند ایشان

يعبدون الجن اكثرهم بهم مؤمنون ۝ فاليوم لا يملك

که می پرستیدند شیاطین بیشتر ایشان بایشان گرویدگان پس امروز نیست مالک

بعضكم لبعض نفعا ولا ضرا ونقول للذين ظلموا ذوقوا

بهره شما مر بهره را سودی ونه زیانی ومیگوییم مر انان را که ستم کردند بچشید

عذاب النار التي كنتم بها تكذبون ۝ واذا تتلى عليهم

عذاب دوزخ که بودید شما بان تکذیب کنندگان وچون خوانده شود بر ایشان

عشر

ءاياتنا بينات قالوا ما هذا الا رجل يريد ان يصدكم عما كان

ایات ما که پیدااست گفتند نیست این مگر مردی که میخواهد که بگرداند شمارا از انچه بود که میپرستیدند

اباؤكم وقالوا ما هذا الا افك مفترى وقال الذين

پدران شما وگفتند نیست این مگر دروغی که از خود بربافته وگفتند انانکه

كفروا للحق لما جاءهم ان هذا الا سحر مبين ○ وما اتيناهم

نگرویدند مر راستی را چون امد ایشانرا آیات قران نیست این مگر جادوی پیدا ونداده ایم ایشانرا

من كتب يدرسونها وما ارسلنا اليهم قبلك من نذير ○

از کتابها که بخوانند آن را وانچه فرستادیم ما سوی ایشان پیش از تو از بیم کننده

وكذب الذين من قبلهم وما بلغوا معشار ما اتيناهم

و دروغ زن داشتند انانکه پیش از ایشان بودند و نرسیدند ظالمان بده یک انچه داده ایم ایشانرا

فكذبوا رسلى فكيف كان نكير ○ قل انما اعظكم بواحدة

پس تکذیب کردند پیغمبران مرا پس چگونه بود عقوبت من ایشانرا بگو ای محمد جز این نیست پند میدهم شمارا بیک خصلت

ان تقوموا لله مثنى وفرادى ثم تتفكروا ما بصاحبكم

انکه بایستید مر خدایرا دو دو ویک یک پس فکر کنید که نیست یار شما

من جنة ان هو الا نذير لكم بين يدى عذاب شديد ○

از هیچ دیوانگی نیست او مگر بیم کننده مر شمارا میان پیش روی عذاب سخت

قل ما سألتكم من اجر فهو لكم ان اجرى الا على الله وهو

بگو ای محمد نمیپرسم شمارا از مزدی پس او مر شماراست نیست مزد من مگر بر خدا واو

على كل شىء شهيد ○ قل ان ربى يقذف بالحق علام

بر همه چیزی گواه است بگو ای محمد خداوند من برهان میکند براستی اشکارا داننده

الغيوب ○ قل جاء الحق وما يبدئ الباطل وما يعيد ○

غیبهاست بگو ای محمد امد حق ونکرد اغاز آفرینش باطل وباز نگرداند

خمس

قل ان ضللت

عشر

قل ان ضللت فانما اضل على نفسي وان اهتديت فبما
بگو ای محمد اگر گمراه شدم من پس نیست اینکه گمراهی بر تن منست و اگر راه یافته شدم پس در انچه
يوحي الي ربي انه سميع قريب ● ولو ترى اذ فزعوا فلا فوت
وحی کرده سوی من پروردگار من بدرستیکه او شنوا و نزدیکست و اگر ببینی تو ای محمد چون فزع کنند کافران پس نیست گریختن
واخذوا من مكان قريب ● وقالوا امنا به وانى لهم
و گرفته شوند از جایگاهی نزدیک و گفتند گرویدیم ما بدان و از کجا باشد مر ایشان را
التناوش من مكان بعيد ● وقد كفروا به من قبل و
تناول از جایگاهی دور و بتحقیق نگرویدند بدو از پیش و
يقذفون بالغيب من مكان بعيد ● وحيل بينهم وبين
گفتگو میکنند پنهانی یعنی ایمان از جایگاهی دور یعنی از قبول توبه و بیرون کرده شد میان ایشان و میان
ما يشتهون كما فعل باشياعهم من قبل انهم كانوا
انچه آرزو بردند از قبول ایمان چنانچه کرده شد بگروهان ایشان از پیش بدرستیکه ایشان بودند
في شك مريب

سورة الملائكة وهي خمس واربعون ايات

در گمان شک و ریب افکننده

بسم الله الرحمن الرحيم
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان
الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا
سپاس مر خدای را که آفریننده آسمانها و زمین است گرداننده فرشتگان فرستاده شده
اولي اجنحة مثنى وثلث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء
خداوندان بالها که فرشته دو بال دارد و فرشته سه و چهار زیاده میکند در آفرینش انچه میخواهد
ان الله على كل شيء قدير ● ما يفتح الله للناس من رحمة
بدرستیکه خدا بر همه چیزی تواناست انچه میگشاید خدا مردمان را از بخشایش

فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من بعده وهو العزيز
پس نيست هيچ بازدارنده مر آنرا و آنچه باز ميدارد پس نيست هيچ فرستنده مر اورا از پس آن واو ارجمند
الحكيم ○ يا ايها الناس اذكروا نعمت الله عليكم هل
حكم كننده است اى مردمان ياد كنيد نعمت خدارا بر شما آيا هست
من خالق غير الله يرزقكم من السماء والارض لا اله الا
از هيچ آفريننده جز خدا كه روزى ميدهد مر شمارا از آسمان و زمين نيست خداى مگر
هو فانى تؤفكون ○ وان يكذبوك فقد كذبت رسل
او پس مر از كجا ميگرديد شما از حق واگر تكذيب كنند ترا پس بتحقيق تكذيب كردند پيغمبران
من قبلك والى الله ترجع الامور ○ يا ايها الناس ان
از پيش تو وبسوى خدا باز ميگردد كارها را اى مردمان بدرستيكه
وعد الله حق فلا تغرنكم الحيوة الدنيا ولا يغرنكم بالله
وعده خدا راست است پس نفريبد شمارا زندگانى اينجهان و نفريبد شمارا بخدا
الغرور ○ ان الشيطان لكم عدو فاتخذوه عدوا انما يدعوا
غرور شيطان بدرستيكه شيطان مر شمارا دشمنيست پس بگيريد اورا دشمن جز اين نيست كه ميخواند
حزبه ليكونوا من اصحاب السعير ○ الذين كفروا لهم عذاب
گروه خودرا تا باشند از يارشدگان دوزخ آنانكه نگرويدند مر ايشانراست عذاب
شديد ○ والذين امنوا وعملوا الصالحات لهم مغفرة واجر
سخت وآنانكه گرويدند وكردار نيكو كردند مر ايشانراست آمرزش ومزدى
كبير ○ افمن زين له سوء عمله فراه حسنا فان الله يضل
بزرگ آيا پس زينت كرده آراسته شد اورا بدى كردار او پس ديد آنرا نيكو بدرستيكه خدا گمراه ميكند
من يشاء ويهدى من يشاء فلا تذهب نفسك عليهم حسرات
هركه را ميخواهد وراه مينمايد هركه را ميخواهد آيا پس نبرد تن تو براى آن حسرتها

ان الله

إن الله عليم بما يصنعون ۝ والله الذي أرسل الرياح فتثير

بدرستیکه خدا داناست بدانچه میکنند وخدا آنخدایست که فرستاد بادها را پس برانگیزد میکند

سحابا فسقناه إلى بلد ميت فأحيينا به الأرض بعد

ابر پس بارانیدیم باران سوی زمین مرده نارسته پس زنده گردانیدیم یعنی رویانیدیم بآن زمین پس

موتها كذلك النشور ۝ من كان يريد العزة فلله

مرگ آن همچنین است زنده گردانیدن مردگان هرکه هست که میخواهد ارجمندی پس مر خدا راست

العزة جميعا إليه يصعد الكلم الطيب والعمل الصالح

ارجمندی همه سوی اوست بالا رود کلمات پاکیزه وکردار نیکو

يرفعه والذين يمكرون السيئات لهم عذاب شديد

بلند میکند او را وآنکسانکه سکالش میکردند بدیها را مرایشانراست عقوبت سختی

عشر

ومكر أولئك هو يبور ۝ والله خلقكم من تراب ثم من

ومکر ایشان او مکر ایشان هلاک شونده است وخدا بیافرید شمارا از خاک پس از

نطفة ثم جعلكم أزواجا وما تحمل من أنثى ولا تضع إلا بعلمه

پاره منی پس گردانید شمارا جفتان یعنی نر وماده وبرنمی دارد از هیچ ماده ونمی نهد آنچه در شکم بر نمی دارد مگر بدانش خداوند است

وما يعمر من معمر ولا ينقص من عمره إلا في كتاب

ونه عمر داده شود از عمر دراز داده شده ونه کم شود از عمر او مگر در لوح محفوظ است

إن ذلك على الله يسير ۝ وما يستوي البحران هذا عذب

بدرستیکه این بر خدا آسانست ونیست برابر دو دریا آنکه این شیرین پاکیزه

فرات سائغ شرابه وهذا ملح أجاج ومن كل تأكلون

طیب سزاوار نوشیدن واین دیگر شور تلخ واز هر یکی میخورید شما

لحما طريا وتستخرجون حلية تلبسونها وترى الفلك

گوشت تازه یعنی ماهی وبیرون می آرید پیرایه یعنی مروارید می پوشیدانرا وبه بینی تو کشتی

فيه مواخر لتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون ۝ يولج
دران راننده آب تا بجوئید از افزونی او بغیر روزی و تا مگر شما شکر گوئید خدای را می آرد

الليل في النهار ويولج النهار في الليل وسخر الشمس والقمر
شب را در روز و در می آرد روز را در شب و مسخر کرد آفتاب و ماه

كل يجري لأجل مسمى ذلكم الله ربكم له الملك
همه میروند مر مهلتی نام برده شده اینست شما را خدا که پروردگار شماست مر اوراست پادشاهی

والذين تدعون من دونه ما يملكون من قطمير ۝ إن تدعوهم
وآنکه که می خوانند از جز او انچه ملک نشوند از پوست هسته خرما اگر بخوانید شما ایشان را

لا يسمعوا دعاءكم ولو سمعوا ما استجابوا لكم ويوم القيمة
نمی شنوند خواندن شما را و اگر بشنوند پاسخ ندهند مر شما و روز قیامت

يكفرون بشرككم ولا ينبئك مثل خبير ۝ يا أيها
بیزار میشوند با انباز کردن شما و نمی آگاه گرداند ترا ای محمد مانند خدای آگاه ای

الناس أنتم الفقراء إلى الله والله هو الغني الحميد ۝ إن يشأ
مردمان شما محتاجانید سوی خدا و خدا او بی نیاز است ستوده اگر خواهد

يذهبكم ويأت بخلق جديد ۝ وما ذلك على الله بعزيز ۝ ولا
ببرد شما را و بیارد خلقی فرمان بردار از شما و نیست این بر خدای دشوار و

تزر وازرة وزر أخرى وإن تدع مثقلة إلى حملها
برنمیدارد هیچ بردارنده بار گناه دیگری و اگر بخواند تو نفسی گران بار سوی بار او

لا يحمل منه شيء ولو كان ذا قربى إنما تنذر الذين يخشون
برندارد بار از و چیزی و اگر بوده باشد خداوند خویشاوندی نیست جز این بیم کنی آنان که می ترسند

ربهم بالغيب وأقاموا الصلوة ومن تزكى فإنما يتزكى
خداوند خویش را بنهانی و بپای میدارند نماز را و هرکه پاک بود جز این نیست که پاک میشود

لنفسه وإلى الله

عشر

لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللهِ الْمَصِيرُ ۝ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ

مرتن خودرا وبسوی خدااست جای بازگشت و برابر نبود کور وبینا

وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ ۝ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ ۝ وَمَا يَسْتَوِي

ونه تاریکیهای کفر ونه روشنائی ایمان ونه سایه ونه گرد باد ونه برابر است

الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ

زندگانی مؤمنان ونه مردگان یعنی کافران بدرستیکه خدا بشنواند هرکه را خواهد ونیستی تو ای محمد بشنواند

مَنْ فِي الْقُبُورِ ۝ إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا

کسی را در گورها نیستی تو مگر بیم کننده بدرستیکه فرستادیم ماترا براستی مژده دهنده

وَنَذِيرًا ۝ وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ۝ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ

وبیم کننده ونیست از هیچ گروهی مگر گذشته در آن بیم کننده واگر تکذیب کنند ترا

فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

پس بتحقیق تکذیب کردند آنانکه از پیش ایشان آمد ایشان را پیغمبران ایشان بحجتها

وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ۝ ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا

وبکتابها که پیش از قرآن بود وبکتاب روشن کننده پس بگرفتم آنانرا که نگرویدند

فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

پس چگونه بود انکار کنندگان عقوبت من آیا ندیدی بدرستیکه خدا فرستاد از آسمان آبی

فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ

پس بیرون آوردیم بآن میوهای مختلف وگوناگون واز کوهها راههای سفید

وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ ۝ وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ

وسرخ بیکدیگر نمانند رنگهای آن وسخت سیاه واز مردمان وجانوران

وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللهَ مِنْ عِبَادِهِ

وچهارپایان مختلف رنگهای آن اینست جز این نیست که میترسم من خدارا از بندگان او

العلموا ان الله عزيز غفور ۝ ان الذين يتلون كتاب

عالمان بدرستيكه خدا ارجمند آمرزنده است بدرستي انانكه مي خوانند قران

الله واقاموا الصلوة وانفقوا مما رزقناهم سرا وعلانية

خدارا وبپاي دارند نمازرا ونفقه كنند از آنچه روزي كرديم ايشانرا پنهان وآشكارا

يرجون تجارة لن تبور ۝ ليوفيهم اجورهم ويزيدهم

اميد ميدارند بازرگاني كه هرگز كاسد نشود [illegible] ايشانرا مزد ايشان وزيادت كند ايشانرا

من فضله انه غفور شكور ۝ والذي اوحينا اليك

از افزوني خود بدرستي او آمرزنده باداش دهنده است وانانكه وحي كرديم بسوي تو

من الكتاب هو الحق مصدقا لما بين يديه ان الله بعباده

از قران اوراست تصديق كننده مرانرا كه پيش اوست بدرستيكه خداي ببندگان

لخبير بصير ۝ ثم اورثنا الكتاب الذين اصطفينا من

هر آينه آگاه وبيناست پس ميراث داديم ما قران را انانكه برگزيديم ما از

عبادنا فمنهم ظالم لنفسه ومنهم مقتصد ومنهم سابق

بندگان خود پس از ايشان بعضي ستم كننده مرتن خودرا واز ايشان ميانه روست واز ايشان پيش گيرنده

بالخيرات باذن الله ذلك هو الفضل الكبير ۝ جنات

بر نيكيها بفرمان خدا اينست او فضل بزرگ بوستانها

عدن يدخلونها يحلون فيها من اساور من ذهب

مقيمي درايند دران پوشانيده شوند دران آراسته كرده شوند از زيورها از طلا

ولؤلؤا ولباسهم فيها حرير ۝ وقالوا الحمد لله الذي

ومرواريد وپوشش ايشان دران ديباست وبگويند سپاس مرخداي را آن خداي كه

اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شكور ۝ الذي

ببرد از ما اندوه بدرستيكه خداوند ما هر آينه آمرزنده وپاداش دهنده آن خدايكه

احلنا

أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا

فرود آورد مارا در سرای جاودانه از فضل نرسد مارا در انجا رنجی و نرسد

فِيهَا لُغُوبٌ ○ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ

در ان لغوب رنج وانانکه نگرویدند ایشان راست آتش دوزخ حکم کرده نشود بر ایشان

فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُم مِّنْ عَذَابِهَا كَذَٰلِكَ نَجْزِي

پس بمیرند و سبک کرده نشود از ایشان از عقوبت دوزخ همچنین پاداش دهیم ما

كُلَّ كَفُورٍ ○ وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ

هر ناسپاسی را وایشان فریاد کنند در انجا ای خداوند ما بیرون آر مارا تا بکنیم

صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ

کار نیکو جز انکه بودیم ما که میکردیم ما ایا نه عمر دادیم شمارا انقدار که پند گیرید در ان

مَن تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن

هرکه پند گیرد و آمد شمارا بیم کننده پس بچشید پس نیست مر ستمکاران را از

نَّصِيرٍ ○ إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ

هیچ یاری کننده بدرستیکه خدا داننده نهان آسمانها و زمین است بدرستی او داناست

بِذَاتِ الصُّدُورِ ○ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ

بنهان دلها او آن خدائیست که کرد شمارا خلیفها در زمین

فَمَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِندَ

پس هرکه کافر شد پس بر اوست کفر او و زیاده نکند کافران را کفران ایشان نزد

رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا ○ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا ○

خداوند ایشان مگر خشم و زیاده نکند کافران را کفران ایشان مگر زیان

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَرُونِي

بگو ای محمد ایا ببینید شما شریکان خود را انانکه می خوانید از جز خدای بنمائید مرا

مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمٰوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ
چه چیز آفریدند از زمین یا مر ایشان را هست انبازی در آفرینش آسمانها یا بداده‌ایم ایشان را
كِتَابًا فَهُمْ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِنْهُ بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ
کتابی بر حجتند از او بلکه وعده نمیکنند ستمکاران را بهره ایشان
بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا ۝ إِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ
بهره را مگر فریفتن بدرستیکه خدا نگاه میدارد آسمانها و زمین از آنکه
تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا
بروند از جای واگر بروند از جای نگاه ندارد ایشان را کسی از پس او بدرستیکه هست خدا بردبار
غَفُورًا ۝ وَأَقْسَمُوا بِاللّٰهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَيَكُونُنَّ
آمرزنده و سوگند خوردند بخدای تاکید سوگند خویش را که اگر بیاید ایشان را بیم کننده هر آینه باشند
أَهْدٰى مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا
راه یافته‌تر از دیگر امتان پس چون آمد ایشان را بیم کننده زیاده نکرد ایشان را مگر
نُفُورًا ۝ اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ
رمیدن بزرگی کردن در زمین و سگالش شرک و باز نگردد
الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ
سگالش شرک مگر باهل خود پس نه بینند مگر سنت
الْأَوَّلِينَ ۝ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللّٰهِ تَبْدِيلًا ۝ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ
پیشینیان را پس هرگز نیابد مر سنت خدای را تبدیل کردنی و هرگز نیابد مر سنت
اللّٰهِ تَحْوِيلًا ۝ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ
خدای را گردانیدنی آیا نمیروند در زمین پس بنگرند که چگونه بود
عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللّٰهُ
سرانجام آنانکه از پیش ایشان و بودند سخت‌تر از ایشان بنیرو تن و مال و نیست و نباشد خدای را

لیعجزه

ليعجزه من شيء في السموات ولا في الارض انه كان

مرانرا عاجز کند و وراز چیزی در آسمانها و نه در زمین بدرستیکه هست

عليما قديرا ● ولو يؤاخذ الله الناس بما كسبوا ما ترك

دانا توانا و اکر بگیرد خدای مردمان را بدانچه کردند نگذارد

على ظهرها من دابة ولكن يؤخرهم الى اجل مسمى

بر پشت زمین از هیچ جنبنده ولیکن تاخیر کند مواخذه ایشانرا تا مهلت نام برده شده

فاذا جاء اجلهم فان الله كان بعباده بصيرا ●

پس چون آمد مهلت ایشان پس بدرستی خدا هست بر بندکان خود بینا

سورة يس وهي ثلث وثمانون آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

يس ● والقرآن الحكيم ● انك لمن المرسلين ● على صراط

سوکند یس و قرآن محکم بدرستیکه تو ای محمد هر آینه از جمله مرسلانی بر راه

مستقيم ● تنزيل العزيز الرحيم ● لتنذر قوما ما انذر

راست فرستنده ارجمند بخشاینده تا بیم کنی کروهی را آنچه بیم کرده نشد

آباؤهم فهم غافلون ● لقد حق القول على اكثرهم

پدران ایشان پس ایشان بیخبرانند بدرستی واجب شد عذاب کفار بر بیشتر ایشان

فهم لا يؤمنون ● انا جعلنا في اعناقهم اغلالا فهي الى

پس ایشان نکروند بدرستی کردانیدیم ما در کردنهای ایشان غلها طوقها پس آن تا

الاذقان فهم مقمحون ● وجعلنا من بين ايديهم سدا

زنخهای ایشان پس ایشان برافکنده و چشم خوابنده باشند و بکردیم ما از پیش روی کفار ایشان سدی بازدارنده

وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ۝ وَسَوَآءٌ
و از پس پشت ایشان سدی پس کور کردانیدیم ایشان را پس ایشان نابینا اند و برابر است
عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ إِنَّمَا تُنذِرُ
بر ایشان اگر بیم کنی تو ایشان را یا نکنی بیم ایشان را نمیگروند ایشان جز این نیست بیم کنی
مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ
هر که پیروی کند قرآن را و بترسد از خدای مهربان بنهانی پس مژده اورا بآمرزش و مزدی
كَرِيمٍ ۝ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِ الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ
نیکو بدرستیکه ماییم که زنده میکنیم مرده را و بنویسیم آنچه پیش از ین کردند
وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ ۝ وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا
و هر چیزی را بشماریم ما آنرا در امامی پیدا یعنی لوح محفوظ و بیان کن مر ایشان را داستانی
أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَآءَهَا الْمُرْسَلُونَ ۝ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ
باشندکان دیه انطاکیه چون آمدند آن را پیغمبران چون فرستادیم بایشان
اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم
دو پیغمبر پس تکذیب کردند هر دو را پس زیادت کردیم بسیم پس گفتند بدرستی ما بسوی شما
مُرْسَلُونَ ۝ قَالُوا مَا أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنزَلَ الرَّحْمَٰنُ
پیغمبرانیم کفتند نیستید شما مگر آدمی مانند ما و نفرستاد خدای
مِن شَيْءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ۝ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا
از چیزی نیستید شما مگر دروغ کویان کفتند پروردگار ما میداند بدرستی
إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ۝ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝ قَالُوا
سوی شما هر آینه فرستاده شدکان و نیست بر ما مگر رسانیدن پیدا کفتند
إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا
بدرستی شوم کرفتیم ما بشما اگر باز نیایید هر آینه سنگسار کنیم شمارا و هر آینه برسد شمارا از ما

خمس

عذاب الیم

٢٣

عشر

الجزء الثالث والعشرون

عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ

عقوبت دردناک کفتند شومی شما باشماست اکر پند کرفته شوید بلکه شما

قَوْمٌ مُسْرِفُونَ ۝ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ

کروه اسراف کنندکانید وامد از کرانه شهر مردی می شتافت کفت

يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ۝ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ

ای کروه من پیروی کنید پیغمبران را پیروی کنید کسی را که نمیخواهد از شما مزدی و ایشان

مُهْتَدُونَ ۝ وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝

راه نمایندکانند وچیست مرا که نپرستم آن خدای را که افریدمرا و سوی او بازکردانند شمارا

أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي

ایا بکیرم من از جز او خدایان اکر خواهد مرا خداوند ببلائی بدنیا نکند از من

شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ ۝ إِنِّي إِذًا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝

شفاعت ایشان چیزی ونجات ندهند مرا بدرستیکه من انکاه هراینه در کمراهی باشم پیدا

خمس

إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ ۝ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ

بدرستی که من کرویدم بخداوند خویش پس بشنوید از من کفته شد وی را درای بهشت کفت

يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ۝ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ

ای کاشکی کروه من بدانستی بدانچه بیامرزید مرا خدای من وکردانید مرا از

الْمُكْرَمِينَ ۝ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ

کرامی کرده شدکان ونفرستادیم ما بر کروه او از پس او از لشکری

مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ۝ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً

از آسمان ونیستیم ما فرستندکان نبود عقوبت ایشان مکر یک بانک جبرئیل علیه السلام

فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ ۝ يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ

پس انکاه ایشان اند فرومانده کان ای وای بر بندکان نیامد ایشان را از

رسول الا كانوا به يستهزءون ۝ الم يروا كم اهلكنا عشر
هيچ پيغمبرى مگر بودند بدان استهزا كنندگان ايا نمى بينيد چند هلاك كرديم ما
قبلهم من القرون انهم اليهم لا يرجعون ۝ وان كل
پيش ايشان از گروهان بدرستيكه ايشان سوى ايشان باز نا گردندگانند واگر هر كه
لما جميع لدينا محضرون ۝ وآية لهم الارض الميتة احييناها
جون همه نزد ما حاضر شوند ونشانه مر ايشان را زمين مرده است كه زنده كرديم ما
واخرجنا منها حبا فمنه ياكلون ۝ وجعلنا فيها جنات
وبيرون آورديم ما از آن دانه پس از ان ميخورند وكرديم ما دران بستانها
من نخيل واعناب وفجرنا فيها من العيون ۝ ليأكلوا
از خرمابنان وانگورها وبگشاديم ما دران از چشمها تا بخورند
من ثمره وما عملته ايديهم افلا يشكرون ۝ سبحان الذى
از ميوه ان ونكرد اين كار دستهاى ايشان ايا پس چرا شكر نميكنند پاكست انكه بيافريد
خلق الازواج كلها مما تنبت الارض ومن انفسهم ومما
آفريد جفتان هر صنف همه مخلوقات از انچه برويانيد زمين واز تنهاى ايشان واز انچه
لا يعلمون ۝ وآية لهم الليل نسلخ منه النهار فاذا هم
ندانند از خلق آسمان وزمين ونشانه ايست مر ايشان را شب بيرون آريم از و روز پس ناگاه ايشان
مظلمون ۝ والشمس تجرى لمستقر لها ذلك تقدير العزيز
در تاريكى روز گانند وآفتاب ميرود مر منزلى كه مر اوراست اينست اندازه كردن خداى
العليم ۝ والقمر قدرناه منازل حتى عاد كالعرجون
دانا وماه اندازه كرديم اورا منزلها تا باز همچو خوشه خشك
القديم ۝ لا الشمس ينبغى لها ان تدرك القمر ولا الليل
براو گذشته نه آفتاب بتابد مر اورا كه دريابد ماه را ونه شب

سابق النهار

عشر سابق النهار وكل في فلك يسبحون ○ وآية لهم أنا حملنا

پیش اینده روز وهریکی در فلکی تسبیح میکویند ونشانیست مرایشان را ازانکه برداشتیم ما

ذريتهم في الفلك المشحون ○ وخلقنا لهم من مثله

ذریه ایشان را در کشتی نوح که پر از خلق بود وآفریدیم ما مرایشان را مانند ان کشتی

ما يركبون ○ وإن نشأ نغرقهم فلا صريخ لهم ولا هم

که بران نشینند واکر خواهیم غرق کنیم ایشان را پس نیست فریادرسی مرایشان را ونه ایشان را

ينقذون ○ إلا رحمة منا ومتاعا إلى حين ○ وإذا قيل لهم

از غرق نجات دهند مکر بخشایشی از ما وبرخورداری تا مدت اجل وچون کویند مرایشان را

خمس اتقوا ما بين أيديكم وما خلفكم لعلكم ترحمون ○ وما

بپرهیزید ازانچه پیش شماست وانچه پس شماست تا مکر شما رحمت کرده شوید ونه

تأتيهم من آية من آيات ربهم إلا كانوا عنها معرضين ○

آید ایشان را هیچ نشانی از ایات خداوند ایشان مکر بودند دران روی کردانندکان

وإذا قيل لهم أنفقوا مما رزقكم الله قال الذين كفروا

وچون گفته شود مرایشان را که نفقه کنید ازانچه روزی کرد شما را خدا کویند انانکه منکر شدند

للذين آمنوا أنطعم من لو يشاء الله أطعمه إن أنتم إلا في

مرانان را که کرویدند آیا طعام کنیم کسی را که اکر خواهد خدا ای طعام دهد او را نیستید شما مکر در

ضلال مبين ○ ويقولون متى هذا الوعد إن كنتم صادقين ○

کمراهی پیدا وکویند کی خواهد بود این وعده اکر هستید شما راست کویان

ما ينظرون إلا صيحة واحدة تأخذهم وهم يخصمون ○

انتظار نکشند مکر یک بانک ودمیدن بکیرد ایشان را ان نفخه وایشان خصومت میکنند

عشر فلا يستطيعون توصية ولا إلى أهلهم يرجعون ○ ونفخ في

پس نتوانند وصیت کردن ونه سوی اهل خویش باز کردند ودمیده شود در

الصور فاذا هم من الاجداث الى ربهم ينسلون ۝ قالوا يا ويلنا

نفخه صور پس چون ایشان از گورها سوی خداوند خویش بشتاب روند گویند ای وای ما

من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن وصدق المرسلون ۝

بر انگیخت ما را از خوابگاه ما گویند اینست انچه وعده کرده بود خداوند و راست گفته بودند پیغمبران

ان كانت الا صيحة واحدة فاذا هم جميع لدينا محضرون ۝

نبود این نفخه مگر بانگ خالق یگانه پس انگاه ایشان همه نزد ما حاضر اید

فاليوم لا تظلم نفس شيئا ولا تجزون الا ما كنتم تعملون ۝

پس امروز ستم کرده نشود هیچ نفسی چیزی وجزا داده نشوید مگر انچه بودید کنندگان

ان اصحاب الجنة اليوم في شغل فاكهون ۝ هم وازوا

بدرستیکه یاران بهشت آن روز در شغل شادمان ایشان وجفتهای ایشان

جهم في ظلال على الارائك متكئون ۝ لهم فيها فاكهة ولهم

در سایهاء درختان بر تختهای حجله تکیه کنندگان مر ایشان را در انجا میوها و مر ایشان را

ما يدعون ۝ سلام قولا من رب رحيم ۝ وامتازوا اليوم

انچه آرزو کنند سلام مر ایشان را بقول از خداوند بخشاینده وجدا شوید امروز

ايها المجرمون ۝ الم اعهد اليكم يا بني ادم ان لا تعبدوا

ای کافران ایا نکردم پیمان سوی شما ای فرزندان آدم انکه مپرستید

الشيطان انه لكم عدو مبين ۝ وان اعبدوني هذا عشر

دیو را بدرستیکه او مر شما را دشمن هویداست واینکه پرستید مرا اینست

صراط مستقيم ۝ ولقد اضل منكم جبلا كثيرا افلم

راه راست وبدرستی که گمراه کرد از شما خلقان بسیار ایا پس

تكونوا تعقلون ۝ هذه جهنم التي كنتم توعدون ۝

نبودید شما خردمندان اینست آن دوزخ انکه بودید شما وعده شدگان

اصلوها اليوم بما كنتم تكفرون ۝ اليوم نختم على

در دان امروز بدانچه بودید شما انکار کنندگان امروز مهر کنیم بر

افواههم وتكلمنا ايديهم وتشهد ارجلهم بما كانوا

دهنهای شان وسخن کنند دستهای شان بدانچه کرفت وکواهی دهند پایهای شان بر جاکه رفت بدانچه بودید

يكسبون ۝ ولو نشاء لطمسنا على اعينهم فاستبقوا الصراط

کسب کنندگان واکر خواهیم هرآئنه کور کنیم بر چشمهای شان پس بکشتند از راه راست

فانى يبصرون ۝ ولو نشاء لمسخناهم على مكانتهم فما

پس کجا می بینند واکر خواهیم ما هرآئنه مسخ کنیم شمارا بر صورت خوکان جایگاه های شان پس

استطاعوا مضيا ولا يرجعون ۝ ومن نعمره ننكسه

[illegible] توانند کذشتن پیش ونه باز کشتن وهرکه را عمر بسیار دهیم نکس کنیم اورا

في الخلق افلا يعقلون ۝ وما علمناه الشعر وما ينبغي

در آفرینش ایا پس چرا خردمندی نکنند ونیاموختیم ما اورا شعر یعنی قران محمد ونباشد سزاوار

له ان هو الا ذكر وقران مبين ۝ لينذر من كان حيا

مر اورا نیست او مکر پند وقرآنی پیدا تا بیم کنند هرکه باشد زنده

عشر

ويحق القول على الكافرين ۝ اولم يروا انا خلقنا لهم

وواجب قول عذاب بر کافران ایا نمی بینید که ما بیافریدیم مر ایشان را

مما عملت ايدينا انعاما فهم لها مالكون ۝ وذللناها

ازانچه کرد دست قدرت ما چهارپایان پس ایشان مر ایشان را مالک اند ومسخر کردیم ما چهارپایان

لهم فمنها ركوبهم ومنها ياكلون ۝ ولهم فيها منافع

مر ایشان پس ازان سواری میکنند وازان میخورند ومر ایشان را دران منفعتها یعنی صوف وغیره

ومشارب افلا يشكرون ۝ واتخذوا من دون الله

وآشامیدنیها مانند شیر وروغن ایا پس چرا شکر نمیکنند خدا را وبگرفتند از جز خدا [illegible] خدایان

لعلهم ينصرون ۝ لا يستطيعون نصرهم وهم لهم جند
تا مگر باشند که ایشان یاری کنند نتوانند ان بتان یاری ایشان و ان بتان مر ایشان را گروه اند
محضرون ۝ فلا يحزنك قولهم انا نعلم ما يسرون وما
حاضر آورده شدگان در دوزخ اند و بگین نکند ترا ای محمد گفتار تکذیب ایشان بدرستی ما میدانیم انچه پنهان میکنند و انچه
يعلنون ۝ اولم ير الانسان انا خلقناه من نطفة فاذا هو
اشکارا میکنند ایا نمی بینند مردمان که بدرستیکه بیافریدیم ما او را از آب منی پس انگاه او
خصيم مبين ۝ وضرب لنا مثلا ونسي خلقه قال من
نزاع کننده است پیدا و پیدا کرد برای ما داستانی و فراموش کرد آفرینش خود گفت کیست که
يحيي العظام وهي رميم ۝ قل يحييها الذي انشاها اول مرة
زنده کند استخوانها را در حالتی که او پوسیده است بگو ای محمد زنده کند آن خدائی که بیافرید ان را نخست بار
وهو بكل خلق عليم ۝ الذي جعل لكم من الشجر الاخضر
و او ... آفریده داناست آن خدائی که بکرد مر شمارا از درخت سبز
نارا فاذا انتم منه توقدون ۝ اوليس الذي خلق السموات عشر
آتش پس انگاه شما از آن می افروزید ایا نیست آن خدائی که آفرید آسمانها
والارض بقادر على ان يخلق مثلهم بلى وهو الخلاق
و زمین را توانا بر آنکه بیافریند مانند ایشان آری تواناست و او آفریننده
العليم ۝ انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون ۝
داناست جز این نیست فرمان او در زمانی که اراده کند چیزی را آنکه بگوید مر او را باش پس باشد
فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء واليه ترجعون ۝
پس پاکست آن خدائی که بقدرت اوست پادشاهی هر چیزی و سوی او بازگردانند شمارا

سورة الصافات وهي مكية مائة وثمانون اية

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سورهٔ والصافات را در روز جمعه بخواند از جمیع آفتها و بلاها محفوظ باشد و در دنیا روزیش فراخ باشد و بیدن و مال و فرزندانش را مکروهی نرسد و نه از شیطان مردود و نه از جبار معاندی و اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد خدا او را شهید میراند و شهید مبعوث گرداند و با شهیدان داخل بهشت گرداند و در درجه شهیدان او را جا دهد و بسند معتبر از سلیمان جعفری منقولست که امام موسی علیه السلام بفرزند خود قاسم فرمود که ای فرزند برخیز و در بالای سر برادرت سورهٔ والصافات را بخوان تا تمام کنی او شروع کرد بخواندن چون بآیه اهم اشد خلقا ام من خلقنا رسید قبض روحش شد و چون جامه بر روی میت کشیدند و بیرون آمدند یعقوب بن جعفر بحضرت عرض نمود که ما چنین میدانستیم که برای آسانی جان کندن سورهٔ یس باید خواند و شما فرمودید که سورهٔ والصافات بخوانید حضرت فرمود که سورهٔ والصافات را هرگز نخواندند نزد کسی که در شدت جان کندن گرفتار باشد مگر آنکه البته حق تعالی در راحتش نزدیک میگرداند و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که هر که از کریمه ... بسند ابن بابویه بخواند سلام علی نوح فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین انه من عبادنا المؤمنین و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که کسیکه خواهد بکیل وافی ثواب کامل برهد باید که بعد از هر نماز فریضه این آیه را بخواند سبحان ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین و در حدیث دیگر وارد شده است که از هر مجلس که برخیزد این آیه را بخواند کفاره گناهان آن مجلس میکرده

بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

والصافات صفا ۝ فالزاجرات زجرا ۝ فالتالیات

سوگند است بفرشتگان که صف زده اند در آسمان پس فرشتگان که باز میدارند باز داشتنی پس آنکه بخوانند کتاب خدای را

ذکرا ۝ ان الهکم لواحد ۝ رب السموات والارض

خواندنی بدرستیکه خداوند شما خدایست یکی پروردگار آسمانها و زمین

وما بینهما ورب المشارق ۝ انا زینا السماء الدنیا بزینة

و آنچه در آنست و پروردگار مشرقها و مغربها بدرستیکه ما بیاراستیم آسمان نزدیکتر را با رایش

الکواکب ۝ وحفظا من کل شیطان مارد ۝ لا یسمعون

از ستارگان و نگاه داشتیم نگاه داشتنی از هر دیو بیفرمان نمیشنوند

خمس

الی الملا الاعلی ویقذفون من کل جانب ۝ دحورا

سخن فرشتگان را و رانده میشوند از هر کرانه دفع کردنی

ولهم عذاب واصب ۝ الا من خطف الخطفة فاتبعه

و مر ایشانراست عقوبت دایمی مگر کسیکه بر باید ربابیدنی پس در می یابد او را

شهاب ثاقب ۝ فاستفتهم اهم اشد خلقا ام من خلقنا

ستاره درخشنده سوزنده پس بپرس ایشانرا ای محمد آیا ایشان سخت ترند از آفرینش یا کسیکه بیافریدیم ما از ملک و آسمان

انا خلقناهم من طین لازب ۝ بل عجبت ویسخرون ۝

بدرستیکه ما آفریدیم ایشانرا از گل چسبنده بلکه شگفت آری تو و استهزا میکنند

واذا ذکروا لا یذکرون ۝ واذا راوا آیة یستسخرون ۝

و چون پند داده شوند پند نپذیرند ایشان و چون به بینند معجزه استهزا کنند

وقالوا ان هذا الا سحر مبین ۝ ءاذا متنا وکنا ترابا وعظاما

و گویند نیست این مگر جادوئی پیدا آیا چون بمیریم ما و باشیم ما خاک و استخوانها

أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ۝ أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ۝ قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ
آیا ما را هر آینه برانگیزانند یا پدران ما که پیشینیان بودند بگوای محمد آری و شما
دَاخِرُونَ ۝ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ۝
خوار انید پس جز این نیست آن یک بانگ است از بانگهای اسرافیل پس چون ایشان می‌بینند بر انگیختن خلق را
وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَٰذَا يَوْمُ الدِّينِ ۝ هَٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي عشر
و گویند ای وای بر ما اینست روز حساب اینست روز حکم آنکه
كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ۝ احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ
بودید شما بآن دروغ داشتندگان بگویند ملائکه گرد کنید آنکسانرا که ستم کردند یعنی شرک آوردند و جفتان ایشان
وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ۝ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطِ
و آنچه بودند پرستندگان بتان از جز خدای پس برانیدان ایشانرا سوی راه
الْجَحِيمِ ۝ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ۝ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ
دوزخ و باز دارید ایشان را بدرستیکه ایشان پرسیده شوندگانند چیست مر شمارا که یاری نمیکنید یکدیگر را
بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ۝ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ
بلکه ایشان امروز گردن نهندگانند مر عذاب را و پیش آیند بعضی ایشان بر بعضی پرسند یکدیگر را
قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ۝ قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا
گویند فرومایگان مر مهتران را که شما بودید که بیامدید ما را از دست راست بقوت گویند بلکه نبودید شما
مُؤْمِنِينَ ۝ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ
گروندگان و نه بود ما را بر ایشان از حجتی بلکه بودید
قَوْمًا طَاغِينَ ۝ فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ ۝ فَأَغْوَيْنَاكُمْ عشر
گروهی شرک آورندگان پس واجب شد بر ما گفتار خداوند ما بدرستی که ما چشندگان عذابیم پس گمراه کردیم ما شما را
إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ ۝ فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۝
بدرستی بودیم ما راه گم کردگان پس بدرستیکه ایشان آن روز در عذاب شریکانند برابر

۱۳۱ انا كذلك

انا كذلك نفعل بالمجرمين ۝ انهم كانوا اذا قيل لهم
بدرستیکه ما همچنین کنیم با مشرکان بدرستیکه ایشان بودند چون گویند مر ایشان را

خمس لا اله الا الله يستكبرون ۝ ويقولون ائنا لتاركوا
نیست خدائی مگر خدا بزرگی میکردند و میگفتند آیا ما هر آینه گذارندگان ایم

آلهتنا لشاعر مجنون ۝ بل جاء بالحق وصدق المرسلين ۝
خدایان خود را برای شاعران دیوانه بلکه آورد قرآن را براستی و تصدیق کرد پیغمبران را

انكم لذائقوا العذاب الاليم ۝ وما تجزون
بدرستیکه ایشان هر آینه چشنده اند عذاب دردناک را و پاداش نه دهند شما

عشر الا ما كنتم تعملون ۝ الا عباد الله المخلصين ۝ اولئك
مگر آنچه بودید شما کنندگان مگر بندگان خالص خدا ایشان اند که

لهم رزق معلوم ۝ فواكه وهم مكرمون ۝ في جنات
مر ایشان راست روزی معروف میوها و ایشان گرامی کرده شدگان اند در بوستانهای

النعيم ۝ على سرر متقابلين ۝ يطاف عليهم بكاس
با نعمت مقیم بر تختها نشسته روبروی یکدیگر طواف کنند بر ایشان قدحی پر

من معين ۝ بيضاء لذة للشاربين ۝ لا فيها غول ولا هم
از خمر ظاهر صاف که لذت از آشامندگان دهند نباشد در آن بیهوشی و نه ایشان را

عنها ينزفون ۝ وعندهم قاصرات الطرف عين ۝ كانهن
بریده شود و نزد ایشان باشند زنان چشم فرو خوابانیده از غیر شوهران خود چنانستی

بيض مكنون ۝ فاقبل بعضهم على بعض يتساءلون ۝
که تخم مرغ پنهان اند پس پیش آیند بهره ایشان بر بهره پرسندگان

قال قائل منهم اني كان لي قرين ۝ يقول ائنك لمن
گوید گوینده از ایشان بدرستیکه مرا بود برادری در دنیا میگوید آیا تو هر آینه از

المصدقين ۝ أإذا متنا وكنا ترابا وعظاما أئنا لمدينون ۝

راست گویندگان ایا چون بمیریم ما و باشیم ما خاک و استخوانها ایا ما را بر انگیزانند

قال هل أنتم مطلعون ۝ فاطلع فرآه في سواء الجحيم ۝ خمس

گویند ملائکه ایا هستید شما دیده ور شوید پس نظر کرد پس دید اورا در میان دوزخ

قال تالله إن كدت لتردين ۝ ولولا نعمة ربي لكنت من

گفت بخدای اگر خواستی هر آینه هلاک کنی مرا و اگر نبودی نعمت خداوند من هر آینه من بودمی از

المحضرين ۝ أفما نحن بميتين ۝ إلا موتتنا الأولى وما نحن

از حاضر شدگان دوزخ ایا پس نیستیم ما عذاب کرده شدگان مرگمان مگر مردن ما اول در دنیا و نیستیم ما

بمعذبين ۝ إن هذا لهو الفوز العظيم ۝ لمثل هذا فليعمل عشر

بعذاب کرده شدگان بدرستیکه این هر آینه او رستگاری بزرگست برای مانند این پس باید کنند

العاملون ۝ أذلك خير نزلا أم شجرة الزقوم ۝ إنا جعلناها

و بکوشند کارکنندگان ایا این بهترست بثواب و کرامت یا درخت زقوم بدرستیکه گردانیدیم آن

فتنة للظالمين ۝ إنها شجرة تخرج في أصل الجحيم ۝ طلعها

فتنه مر ستمکاران را بدرستیکه زقوم درختیست که بیرون آید در اصل دوزخ شاخهای آن

كأنه رءوس الشياطين ۝ فإنهم لآكلون منها

چنانستی که سرهای دیوان پس بدرستیکه ایشان هر آینه خورندگانند از آن

فمالئون منها البطون ۝ ثم إن لهم عليها لشوبا من

پس پر کنندگانند از آن درخت شکمهای خود پس بدرستی مر ایشان راست بر آن هر آینه آمیزشی از

حميم ۝ ثم إن مرجعهم لإلى الجحيم ۝ إنهم ألفوا آباءهم

آب گرم پس بدرستیکه بازگشت ایشان سوی دوزخ است بدرستیکه ایشان بروند پدران خویش

ضالين ۝ فهم على آثارهم يهرعون ۝ ولقد ضل قبلهم أكثر عشر

که گمراه بودند پس ایشان بر متابعت ایشان شتابندگان و هر آینه تحقیق گمراه شدند پیش از ایشان اکثر

الأولين ۝ ولقد أرسلنا فيهم منذرين ۝ فانظر كيف كان

پیشینیان وبدرستیکه فرستادیم ما درمیان ایشان بیم کنندگان پس بنگر که چگونه باشد

عاقبة المنذرين ۝ إلا عباد الله المخلصين ۝ ولقد نادينا نوح

سرانجام بیم کنندگان مگر بندگان خدا مخلصانند وبدرستی خواند ما را نوح

فلنعم المجيبون ۝ ونجيناه وأهله من الكرب العظيم ۝

پس هر آینه نیکو پاسخ کنندگان وبرهانیدیم ما اورا واهل اورا از غم بزرگ

وجعلنا ذريته هم الباقين ۝ وتركنا عليه في الآخرين ۝

وکردیم ما فرزندان اورا ایشان را باقی ماندگان وبازگذاشتیم ما بر نوح در پسینیان

عشر

سلام على نوح في العالمين ۝ إنا كذلك نجزي المحسنين

سلام خود بر نوح در جهانیان بدرستیکه ما همچنین پاداش دهیم نیکان را

إنه من عبادنا المؤمنين ۝ ثم أغرقنا الآخرين ۝ وإن من

بدرستیکه او از بندگان ماست راست گوی پس غرق کردیم ما دیگران را وبدرستیکه از

شيعته لإبراهيم ۝ إذ جاء ربه بقلب سليم ۝ إذ قال لأبيه

گروه مکه بود هر آینه ابراهیم چون آمد خداوند او بدل خالص چون گفت مر پدر خود را

خمس

وقومه ماذا تعبدون ۝ أئفكا آلهة دون الله تريدون ۝

وگروه خود را چه چیز می پرستید شما بدروغ خدایان را جز خدای میخواهید پرستید

فما ظنكم برب العالمين ۝ فنظر نظرة في النجوم ۝

پس چیست گمان شما بخداوند جهانیان پس نظر کرد نظر کردنی در ستارگان

عشر

فقال إني سقيم ۝ فتولوا عنه مدبرين ۝ فراغ إلى آلهتهم

پس گفت بدرستی من رنجورم پس بازگشتند ازو روی گردانندگان پس میل کرد سوی خدایان ایشان

فقال ألا تأكلون ۝ ما لكم لا تنطقون ۝ فراغ عليهم

پس گفت آیا چرا نمی خورند چیست مر شما را که سخن نمیگوئید پس میل کرد بر ایشان

ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ۝ فَاَقْبَلُوا اِلَيْهِ يَزِفُّونَ ۝ قَالَ اَتَعْبُدُونَ
بردند بدست راست پس پیش آمدند سوی او شتابان گفت ابراهیم آیا می پرستید شما
مَا تَنْحِتُونَ ۝ وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ۝ قَالُوا ابْنُوا لَهُ
آنچه تراشیده اید وخدای بیافرید شمارا وانچه میکنید گفتند بنا کنید برای او
بُنْيَانًا فَاَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ ۝ فَاَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ
بناها پس بیفکنید اورا در آتش پس خواستند بدان سگالش پس کردیم ما ایشان را
الْاَسْفَلِينَ ۝ وَقَالَ اِنِّي ذَاهِبٌ اِلَى رَبِّي سَيَهْدِينِ ۝ رَبِّ هَبْ
فروتران زیان کاران وگفت بدرستیکه من رونده ام سوی خداوند یعنی زود باشد راه نماید مرا ای خداوند من بخش
لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ۝ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ عشر
مرا از نیکان پس مژده دادیم اورا به پسر بردبار یعنی اسمعیل پس چون برسید با او
السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ اِنِّي اَرَى فِي الْمَنَامِ اَنِّي اَذْبَحُكَ فَانْظُرْ
شتابان گفت ای پسر بدرستیکه من دیدم در خواب که من بسمل میکنم ترا پس بنگر
مَاذَا تَرَى قَالَ يَا اَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي اِنْ شَاءَ اللّٰهُ
تا چه بینی گفت ای پدر بکن آنچه فرموده اند زود باشد که یابی مرا اگر خواهد خدا از
مِنَ الصَّابِرِينَ ۝ فَلَمَّا اَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ۝ وَنَادَيْنَاهُ
از صابران بر بسمل کردن پس چون گردن نهادند پدر و پسر هردو وبیفکند اورا بر پیشانی وندا کردیم ما اورا
اَنْ يَا اِبْرٰهِيمُ ۝ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا اِنَّا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ
آنکه ای ابراهیم بدرستیکه راست کردی تو خواب خود بدرستی ما همچنین پاداش میدهیم نیکوکاران
اِنَّ هٰذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ ۝ وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ ۝ وَ
بدرستی این مر اورا آزمایش پیداست وفدا کردیم ما اورا بقربانی بزرگ و
تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ۝ سَلَامٌ عَلَى اِبْرٰهِيمَ ۝ كَذٰلِكَ نَجْزِي
بازگذاشتیم ما بر او در پسینیان سلامت بر ابراهیم همچنین پاداش دهیم

المحسنين

عشر المحسنين ۝ انه من عبادنا المؤمنين ۝ وبشرناه باسحق
نیکان را بدرستی او از بندگان ما ست راست گویان و مژده دادیم او را باسحق
نبيا من الصلحين ۝ وباركنا عليه وعلى اسحق ومن ذريتهما
پیغامبری از نیکمردان و برکت کردیم براو و بر اسحاق و از فرزندان این دو
محسن وظالم لنفسه مبين ۝ ولقد مننا على موسى وهرون
نیکوکار و غیر مسلمان و ستم کننده مر تن خود را پیدا و بدرستی منت نهادیم بر موسی و هرون
ونجيناهما وقومهما من الكرب العظيم ۝ ونصرناهم
و رهانیدیم ما هر دو را و گروه هر دو را از غم بزرگ و یاری کردیم ما ایشان را
فكانوا هم الغالبين ۝ واتيناهما الكتاب المستبين ۝
پس بودند ایشان غالبان و دادیم ما ایشان را کتاب بیان کننده حلال و حرام
وهديناهما الصراط المستقيم ۝ وتركنا عليهما في الاخرين ۝
و نمودیم ما هر دو را راه راست و باز گذاشتیم بر هر دو در پسینیان ثنای نیکو
سلام على موسى وهرون ۝ انا كذلك نجزي المحسنين ۝
سلام باد بر موسی و هرون بدرستیکه ما همچنین پاداش میدهیم نیکوکاران را
انهما من عبادنا المؤمنين ۝ وان الياس لمن المرسلين ۝
بدرستی هر دو بودند از بندگان ما راست گویان و بدرستیکه الیاس هر آینه از مرسلان است
اذ قال لقومه الا تتقون ۝ اتدعون بعلا وتذرون
چون گفت مر گروه خود را آیا نمی پرهیزید خدا را آیا می خوانید بت را و میگذارید
خمس احسن الخالقين ۝ الله ربكم ورب ابائكم الاولين ۝
نیکوترین آفرینندگان این خدا خداوند شما است و خداوند پدران شما است پیشینیان
فكذبوه فانهم لمحضرون ۝ الا عباد الله المخلصين ۝
پس تکذیب کردند او را بدرستیکه ایشان هر آینه حاضر شدگان در دوزخ مگر بندگان خدای که مخلصان اند

وتركنا عليه في الآخرين ○ سلام على آل ياسين ○ إنا كذلك

وباز گذاشتیم بر او در پسینیان ثنای نیکو سلام باد بر الیاس پیغمبر بدرستی ما چنین

نجزي المحسنين ○ إنه من عبادنا المؤمنين ○ وإن لوطا لمن

پاداش میدهیم نیکان را بدرستیکه او از بندگان ما است رهگرویده وبدرستیکه لوط هر آینه از

المرسلين ○ إذ نجيناه وأهله أجمعين ○ إلا عجوزا في الغابرين

مرسلان است چون رهانیدیم او را واهل او را همه مگر زن او در میان پس ماندگان

ثم دمرنا الآخرين ○ وإنكم لتمرون عليهم مصبحين ○ وبالليل

پس هلاک کردیم ما دیگران را وبدرستیکه شما میگذرید بر ایشان بوقت صبح وبشب

أفلا تعقلون ○ وإن يونس لمن المرسلين ○ إذ أبق إلى

آیا پس فهم نمیکنید وبدرستیکه یونس هر آینه از مرسلان است چون گریخت سوی

الفلك المشحون ○ فساهم فكان من المدحضين ○

کشتی که پر بود از آدم سوار شد پس قرعه انداخت پس بود از دورکرده شدگان

فالتقمه الحوت وهو مليم ○ فلولا أنه كان من المسبحين ○

پس فرو برد او را ماهی و گناه کار بود پس اگر نه بدرستیکه او بود از تسبیح کنندگان

للبث في بطنه إلى يوم يبعثون ○ فنبذناه بالعراء وهو

هر آینه درنگ کردی در شکم ماهی تا روز قیامت پس بیفکندیم ما او را بصحرا و او

سقيم ○ وأنبتنا عليه شجرة من يقطين ○ وأرسلناه إلى

رنجور بود و رویانیدیم ما بر او درختی از کدو و فرستادیم ما او را سوی

مائة ألف أو يزيدون ○ فآمنوا فمتعناهم إلى حين ○

صد هزار مرتبه یا بیشتر پس گرویدند پس برخوردار دادیم ما ایشان را تا روز مرگ

فاستفتهم ألربك البنات ولهم البنون ○ أم خلقنا الملائكة

پس سوال کن از ایشان ای محمد آیا مر خدا راست دختران و مر ایشان راست پسران یا آفریدیم ما فرشتگان را

منتصف الحزب

عشر

اناثا وهم شاهدون ۝ الا انهم من افكهم ليقولون ۝

ماده وايشان حاضران بودند بدانكه بدرستى كه ايشان از دروغ گفتن خويش هر آينه ميكويند

ولد الله وانهم لكاذبون ۝ اصطفى البنات على البنين ۝

بزاد خدا فرزند وبدرستى ايشان هر آينه دروغ كويانند بركزيده دختران را بر پسران

خمس

ما لكم كيف تحكمون ۝ افلا تذكرون ۝ ام لكم سلطان

چيست مر شمارا چكونه حكم ميكنيد آيا پس چرا پند نميكيريد يا مر شمارا حجتيست

مبين ۝ فأتوا بكتابكم ان كنتم صادقين ۝ وجعلوا

پيدا پس بياريد كتاب خود را اگر هستيد شما راست كويان وبكردند

بينه وبين الجنة نسبا ولقد علمت الجنة انهم لمحضرون ۝

ميانه خدا وميان ملائكه نسبتى وهر آينه تحقيق بدانستم منكه فرشتكان بدرستيكه ايشان هر آينه حاضر كرده شدكانند

عشر

سبحان الله عما يصفون ۝ الا عباد الله المخلصين ۝ فانكم

پاكست خدا از آنچه صفت ميكنند مكر بندكان خدا مخلصان پس بدرستى شما

وما تعبدون ۝ ما انتم عليه بفاتنين ۝ الا من هو

وآنچه مى پرستيدان را نيست شمارا بران كمراه كردكان مكر هركه او

صال الجحيم ۝ وما منا الا له مقام معلوم ۝ وانا لنحن

درآينده است بدوزخ ونيست از ما مكر مر اورا جائى دانسته شده وكويند ملائكه بدرستى هر آينه

الصافون ۝ وانا لنحن المسبحون ۝ وان كانوا ليقولون ۝

صف زده كانيم وبدرستى ما هر آينه تسبيح كنندكانيم وبودند كافران مكه هر آينه ميكفتند پيش از آمدن رسول

لو ان عندنا ذكرا من الاولين ۝ لكنا عباد الله المخلصين ۝

اگر بدرستى نزد ما مى بود كتابى از پيشينيان هر آينه ميبوديم بندكان خدا مخلصان

فكفروا به فسوف يعلمون ۝ ولقد سبقت كلمتنا

پس چون بيامد پيغمبر ايشان را كافر شدند پس زود باشد كه بدانند وبدرستيكه بكذشت وعده ما

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در شب جمعه سوره صاد بخواند حق تعالی از خیر و برکت دنیا و آخرت آنقدر با و عطا نماید که هیچ احدی آنقدر عطا نبوده باشد مگر پیغمبر مرسل یا ملک مقرب
و او را داخل بهشت کرداند و هر کرا خواهد از اهلبیت او حتی خادمیکه او را خدمت کرده است

لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ۝ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ۝ وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ

مر بندگان ما را پیغمبران مرسل بدرستی ایشان ایشانند ظفر یافته بر اعدا و بدرستیکه لشکر ما انبیا و اولیا از ایشان را

الْغَالِبُونَ ۝ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ۝ وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ

غلبه کنندگانند پس روی بگردان ای محمد از کفار تا وقت مرگ و علم ده ایشان را بروز عذاب پس زود باشد

يُبْصِرُونَ ۝ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ۝ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ

که ببینند آیا پس بعذاب ما شتاب میکنند پس چون فرود آمد عذاب بایشان

فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ۝ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ۝ وَأَبْصِرْ

پس بد شد بامداد بیم کردگان و روی بگردان از ایشان تا هنگام عذاب ایشان و علم ده ایشان را

فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ۝ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝

پس زود باشد که ببینند پاکست خداوند تو خداوند عزت از آنچه صفت میکنند

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ۝ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝

و سلام بر پیغمبران مرسل و سپاس مر خدا را که خداوند جهانیانست

سُورَةُ الصِّ وَهِيَ ثَمَانٌ وَثَمَانُونَ آيَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

ص ۚ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ۝ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ

قسم بص و قرآن صاحب شرف بلکه آنانکه کافر شدند در دشواری

وَشِقَاقٍ ۝ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوْا

و بدبختی اند چندی هلاک کردیم ما از پیش ایشان از گروهها پس بر آوردند

وَلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ ۝ وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ

و نبود آن هنگام خلاص و شگفت آوردند ایشان که آمد ایشان را بیم کننده از ایشان و گفتند

الکافرون

ٱلْكَٰفِرُونَ هَٰذَا سَٰحِرٌ كَذَّابٌ ۝ أَجَعَلَ ٱلْءَالِهَةَ إِلَٰهًا وَٰحِدًا

کافران این جادویست دروغ گو آیا کردند خدایان یغمبتان خدای وحد

إِنَّ هَٰذَا لَشَىْءٌ عُجَابٌ ۝ وَٱنطَلَقَ ٱلْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ ٱمْشُوا۟ وَٱصْبِرُوا۟

بدرستیکه این هرآینه چیزی عجیب است وگفتند گروهی از ایشان آیا بروید و صبر کنید

عَلَىٰٓ ءَالِهَتِكُمْ إِنَّ هَٰذَا لَشَىْءٌ يُرَادُ ۝ مَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِى ٱلْمِلَّةِ

بر خدایان خویش بدرستیکه این هرآینه چیزیست که میخواهید هرگز نشنیدیم ما باین در دین

ٱلْءَاخِرَةِ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا ٱخْتِلَٰقٌ ۝ أَءُنزِلَ عَلَيْهِ ٱلذِّكْرُ مِنۢ بَيْنِنَا

دیگر نیست این مگر از خود بستن آیا فرود آمد براو وحی قرآن ازمیان ما

بَلْ هُمْ فِى شَكٍّ مِّن ذِكْرِى ۝ بَل لَّمَّا يَذُوقُوا۟ عَذَابِ ۝ أَمْ

بلکه ایشان در گمانند از قرآن من بلکه هنوز نچشیدند عقوبت من آیا

عِندَهُمْ خَزَآئِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ ٱلْعَزِيزِ ٱلْوَهَّابِ ۝ أَمْ لَهُم

نزد ایشان خزینهای رحمت خداوند تو که ارجمند و بخشاینده است یا مر ایشان را

مُّلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا۟ فِى ٱلْأَسْبَٰبِ

پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان ایشان است پس بروید در آسمان

جُندٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ ٱلْأَحْزَابِ ۝ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ

لشکر سپاهی اینجا اینها و هزیمت شدند از گروه فرشتها تکذیب کردند پیش از ایشان

قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو ٱلْأَوْتَادِ ۝ وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ

گروه نوح و عادیان و فرعون موسی که خداوند قوت بود و ثمود و گروه لوط

وَأَصْحَٰبُ لْـَٔيْكَةِ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلْأَحْزَابُ ۝ إِن كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ

و اهل بیشه و مرغزار ایشانند گروه نبودند همه مگر تکذیب کننده

ٱلرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ۝ وَمَا يَنظُرُ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا صَيْحَةً وَٰحِدَةً

پیغمبران پس واجب شد عذاب بر ایشان و چشم ندارند این گروهها مگر بانگ صور را یک بار

مَا لَهَا مِن فَوَاقٍ ۝ وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبْلَ

نیست مران را که دو باز باده باشد وگویند ای خداوند ما زود نفقه کن ما را پیش از

يَوْمِ الْحِسَابِ ۝ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ ۝ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ

روز قیامت صبر کن بر انچه میگویند و یاد کن بنده ما را داود

ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۝ إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ

که صاحب قوت بود بدرستی او بازگردنده بود مسخر گردیم ما کوهها را با او تسبیح میکردند شبانگاه

وَالْإِشْرَاقِ ۝ وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهُ أَوَّابٌ ۝ وَشَدَدْنَا

و بامداد و مرغان گرد کننده همه مر او را بازگردنده بودند و قوی گردیم

مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ ۝ وَهَلْ أَتَاكَ

پادشاهی او را وبدادیم ما او را صواب کار و گفتار و فیصل کردن مهمات مردم و بدرستی

نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ۝ إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُودَ فَفَزِعَ

خبر ان دو فرشته چون از بالای محراب برآمدند چون در آمدند بر داود پس بترسید

مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَىٰ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَاحْكُم

از ایشان گفتند مترس ما دو خصمان جفا کرد بعضی ما بر بعضی پس حکم کن

بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ ۝ إِنَّ هَٰذَا

میان ما براستی و میل مکن و راه نما ما را سوی راه راست بدرستیکه این

أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا

برادر منست مر او راست نود و نه گوسفند و مراست یک میش واحد پس گفت مرا ان یکی

وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ۝ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَىٰ

و غلبه میکند در خواستن گفت داود بدرستی ستم کرد بتو بخواستن میش تو بسوی

نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا

میشان خود و بدرستی بسیاری از انبازان هر آینه افزونی میجویند بعضی ایشان بر بعضی مگر

عشر

خمس

٢
سجده خمس

الذين امنوا وعملوا الصالحات وقليل ما هم وظن داود
آنکه گرویدند وکردار نیکو کردند واندکه اند ایشان وپنداشت داود
انما فتناه فاستغفر ربه وخر راكعا واناب ۝ فغفرنا
بدرستیکه مبتلا کردیم ما اورا پس استغفار کرد خداوند خودرا وفرورفت بسجده ورکوع وبازگشت بخدا پس امرزیدیم
له ذلك وان له عندنا لزلفى وحسن ماب ۝ يا داود انا
مر اورا اینست وبدرستی مر اورست نزد ما هرآئنه نزدیکی ونیکو جای بازگشت ای داود بدرستیکه ما
جعلناك خليفة في الارض فاحكم بين الناس
گردانیدیم ترا خلیفه در زمین پس حکم کن میان مردمان براستی
بالحق ولا تتبع الهوى فيضلك عن سبيل الله ان الذين يضلون
ومپیروی مکن خواهش دل خودرا پس گمراه کند ترا از راه خدای بدرستی آنانکه گمراه شدند
عن سبيل الله لهم عذاب شديد بما نسوا يوم الحساب ۝
از راه خدا مر ایشانرا عذاب سخت بدانچه فراموش کردند روز حساب
وما خلقنا السماء والارض وما بينهما باطلا ذلك ظن
ونیافریدیم ما آسمان وزمین وآنچه میان ایشانست بباطل اینست گمان
الذين كفروا فويل للذين كفروا من النار ۝ ام نجعل
آنانکه نگروند پس وای مر آنانرا که کافر شدند از آتش دوزخ آیا بکردیم برابر
الذين امنوا وعملوا الصالحات كالمفسدين في الارض
آنانکه گرویدند وکردار نیکو کردند همچون تباه کاران در زمین
ام نجعل المتقين كالفجار ۝ كتاب انزلناه اليك
یا بکردیم ما پرهیزکاران را مانند گناهکاران کتابی فرستادیم ما اورا سوی تو
مبارك ليدبروا اياته وليتذكر اولوا الالباب ۝
بابرکت که هرآئنه تدبر نمایند آیات اورا وتا پند گیرند خداوندان خرد ما وبخشیدیم ما

لداود سليمان نعم العبد انه اواب • اذ عرض عليه بالعشي عشر

مرداود را سلیمان نیکو بنده بدرستیکه او بود بازگرده چون عرض کرده شد براو بشبانگاه

الصافنات الجياد • فقال اني احببت حب الخير عن ذكر

اسپان نیکو پس گفت بدرستیکه من دوست داشتم دوستی اسپان از ذکر کردن

ربي حتى توارت بالحجاب ق • ردوها علي فطفق مسحا بالسوق

خداوند من تا پوشیده شد آفتاب بحجاب بازگردانید آفتاب را برمن پس قصد کرد بودن بساقها

والاعناق • ولقد فتنا سليمن والقينا على كرسيه جسدا

و گردنها و بدرستیکه مبتلا کردیم ما سلیمان را و بیفکندیم ما بر تخت او تنی و کالبدی

ثم اناب • قال رب اغفر لي وهب لي ملكا لا ينبغي لاحد

پس بازگشت گفت ای خداوند من بیامرز مرا و ببخش مرا پادشاهی که نشاید مر دیگری را

من بعدي انك انت الوهاب • فسخرنا له الريح تجري

از پس من بدرستیکه تو تو بخشنده بسیار پس مسخر کردیم ما او را باد جاری کردیم

بامره رخاء حيث اصاب • والشياطين كل بناء وغواص

بفرمان او نرم چنانچه او خواست و نیز مسخر کردیم دیوان را هر بنا کننده و بدریا فرو روند

واخرين مقرنين في الاصفاد • هذا عطاؤنا فامنن او

و دیگران را در بند میداشت مترادف در طوقها و زنجیرها این بخشایش ماست پس بده ای خواهی دیگری

امسك بغير حساب • وان له عندنا لزلفى وحسن مآب عشر

خواهی نگاهدار برای خود بی هیچ حسابی و بدرستیکه مر او را نزد ماست هر آینه نزدیکی و نیکو جای بازگشت

واذكر عبدنا ايوب اذ نادى ربه اني مسني الشيطان بنصب

و یاد کن بنده ما ایوب را چون بخواند خداوند خود را بدرستیکه مرا بسود دیو برنجی

وعذاب • اركض برجلك هذا مغتسل بارد وشراب

و سختی بجنبان پای خود را این جای شستن است سرد و هم بخوردن خنک است و آشامیدنی

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى لِأُولِي

بخشیدیم ما مر اورا اهل اورا وماننداینان با اینان بخشایشی از ما وپندی مر صاحبان

الْأَلْبَابِ ○ وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنَثْ إِنَّا

خردها وبگیر بدست خود دسته خاشاک پس بزن بدان بیمار را ومکن سوگند شکن بدرستیکه

وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ○ وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَ

یافتیم ما اورا صبر کننده نیکو بنده بدرستیکه او بود بازگردنده ویاد کن بندگان ما را ابراهیم و

إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ○ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ

اسحاق ویعقوب صاحبان قوتها وطاعتها وبینایها بدرستیکه ما بیرون آوردیم از اهلها دوستی دنیا او خاص کردیم ایشان را

بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ○ وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ

بخلوص اعتقاد یاد کردن سرای آخرت وبدرستیکه ایشان نزد ما هر اینه از برگزیدگان و

الْأَخْيَارِ ○ وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِنَ

نیکانند ویاد کن اسماعیل ویسع وذا الکفل را وهر یکی بودند از

الْأَخْيَارِ ○ هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ ○ جَنَّاتِ

نیکان این پندست وبدرستیکه پرهیزکاران راست هر اینه نیکو جای بازگشت بوستانها

عَدْنٍ مُفَتَّحَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ ○ مُتَّكِئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ

مقیم گشاده شده برای ایشان درهای بهشت تکیه کنندگانند دران میخوانند اینان را

فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ○ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ

آنجا بمیوهای بسیار وانواع آشامیدنیها ونزدیک ایشان باشند زنان چشم خوابیده از غیر

أَتْرَابٌ ○ هَذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ○ إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا

همه هم سال در سن اینست آنچه وعده کرده شدید مر روز قیامت را بدرستیکه این است هر اینه روزی که دادیم

مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ ○ هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ ○ جَهَنَّمَ

هیچ نیست مر اورا از تمام شدن این وبدرستی مر کافران راست هر اینه بد جای بازگشت دوزخ

يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝ هَٰذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ

در یابند ان را پس بد آرامگاهیست این پس بچشید هر آینه او را آب گرم و ریم

وَآخَرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ ۝ هَٰذَا فَوْجٌ مُقْتَحِمٌ مَعَكُمْ

و دیگران از مانندان صنفها این گروه زود در آیند با شما گویند

لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ ۝ قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا

مبادا خوشی بر ایشان بدرستیکه ایشان در ایندگان آتش اند گویند بلکه شما را مبادا خوشی

بِكُمْ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ ۝ قَالُوا رَبَّنَا

با شما شما سبقت کرفتید کفر را بر ما پس بد آرامگاهیست گویند ای خداوند ما

مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ۝ وَقَالُوا

کیست که سبقت کافری نمود ما را اینت پس یاد کن او را عقوبت دو چندان در دوزخ و گویند

مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ ۝ أَتَّخَذْنَاهُمْ

چه بود ما را که نمی بینیم مردانرا که بودیم ما که میشمردیم ایشانرا از بدان میگرفتیم ما ایشانرا

سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ ۝ إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ

استهزا یا میل کرد از ایشان بینایها بدرستیکه این هر آینه راست خصومت کردن

أَهْلِ النَّارِ ۝ قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنْذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ

اهل دوزخ بگو ای محمد جز این نیست که منم بیم کننده و نیست هیچ خدا مگر خداوند یگانه

الْقَهَّارُ ۝ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ

شکننده کامها پروردگار آسمانها و زمینها و آنچه میان هردوست ارجمند آمرزنده

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ۝ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ۝ مَا كَانَ لِيَ

بگو ای محمد اوست خبری بزرگ که شما ازو روکردندگانید نیست و نبایست مرا

مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ۝ إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا

از هیچ دانشی بکلام گروه فرشتگان چون دشمنی کنند فرستاده نشد وحی سوی من مگر

عشر

انما انا نذير

عشر أنما أنا نذير مبين ۝ إذ قال ربك للملائكة إني خالق

جز این نیست که منم بیم کننده پیدا ۝ چون گفت خداوند تو مر فرشتگان را بدرستیکه من آفریننده ام

بشرا من طين ۝ فإذا سويته ونفخت فيه من روحي

آدمی را از گل ۝ پس چون مساوی کردم اعضای او را و دمیدم در او از آن خود روح

فقعوا له ساجدين ۝ فسجد الملائكة كلهم أجمعون ۝

پس بیفتادند مر او را سجده کنندگان ۝ پس سجده کردند فرشتگان همه ایشان یکبار همه

إلا إبليس استكبر وكان من الكافرين ۝ قال يا إبليس

مگر شیطان که کبر کرد و سر باز زد و گشت از کافران ۝ گفت ای دیو سرکش

ما منعك أن تسجد لما خلقت بيدي أستكبرت أم كنت

چه چیز باز داشت ترا که نکردی سجده مرا آنچه را که بیافریدم من بقدرت خود کبر آوردی تو یا بودی

خمس من العالين ۝ قال أنا خير منه خلقتني من نار وخلقته

از برتران ۝ گفت منم بهتر از او بیافریدی تو مرا از آتش و بیافریدی تو او را

من طين ۝ قال فاخرج منها فإنك رجيم ۝ وإن عليك

از گل ۝ گفت خدا پس بیرون رو از صورت فرشتگی پس بدرستی تو رانده و افتاده و بدرستیکه بر تست

لعنتي إلى يوم الدين ۝ قال رب فأنظرني إلى يوم يبعثون

نفرین من تا روز قیامت ۝ گفت ای خداوند من پس مهلت مرا تا روز قیامت

عشر قال فإنك من المنظرين ۝ إلى يوم الوقت المعلوم ۝ قال

گفت خدا پس بدرستیکه تو از مهلت دادگان ۝ تا روز وقت معلوم یعنی قیامت ۝ گفت دیو

فبعزتك لأغوينهم أجمعين ۝ إلا عبادك منهم المخلصين ۝

پس بعزت تو هر آینه بیراه کنم ایشان را همه ۝ مگر بندگان تو از ایشان که مخلصانند

قال فالحق والحق أقول ۝ لأملأن جهنم منك وممن

گفت خدا پس منم حق و حق میگویم ۝ هر آینه پر کنم بدرستی جهنم را از تو و از هر که

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره زمر را بخواند حق تعالی شرف دنیا و آخرت باو کرامت فرماید و او را عزت بی مال و خویشان بخشد تا که هر که او را بیند
از و مهابتی در دلش بهم رسد و بدنش از آتش جهنم حرام گرداند و در بهشت از برای او شهری بنا کند و در هر شهری هزار قصر باشد و در هر قصری صد حور بود و از چیزها اعجب در قرآن
از نسوه ها وصف فرموده باو کرامت فرماید

خمس

تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ قُلْ مَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا
پیروی تو کنند از ایشان همه بگو ای محمد ص نخواهم از شما بر تبلیغ بر آن از هیچ مزدی و نیستم
أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ۝ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۝ وَلَتَعْلَمُنَّ
من از تکلیف کنندگان از خود نیست قرآن مگر پندی مر جهانیان را و هر آینه بدانید

سُورَةُ الزُّمَرِ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ۝ وَهِيَ خَمْسٌ وَسَبْعُونَ آيَةً
آگاهی دادن او را پس از موت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ
این تنزیل قرآن از خدای ارجمند حکم کننده است بدرستیکه ما فرستادیم سوی تو
الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ۝ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ
کتاب را براستی پس بپرست خدای را باخلاص مر او راست دین بدانکه مر خدای راست دین
الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا
باخلاص و آنانکه فرو گرفتند از جز خدای دوستان یعنی خدایان گویند نمی پرستیم ایشان را مگر
لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝
برای آنکه نزدیک کنند ما را سوی خدای از نزدیک کردنی بدرستیکه خدا حکم میکند میان ایشان در آنچه ایشان در او اختلاف میکنند
إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ۝ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ
بدرستیکه خدا نمینماید راه کسی را که او دروغگوست ناسپاس اگر خواهد خدا آنکه بگیرد
وَلَدًا لَاصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ
فرزندی هر آینه برگزیدی از آنچه خلق کرد بفرزندی از آنکه میخواهد پاکست او و اوست خدای یگانه
الْقَهَّارُ ۝ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ
قهر کننده آفرید آسمانها و زمین را براستی در آورد شب را

علی النهار

خمس

علی النهار ویکور النهار علی اللیل وسخر الشمس والقمر

بر روز ودر آرد روز را بر شب ومسخر کرد آفتاب وماه را

کل یجری لاجل مسمی الا هو العزیز الغفار خلقکم من

که هر یک میروند مر مهلتی نامبرده شده بدانکه او ارجمند امرزنده است بیافرید شما را از

نفس واحدة ثم جعل منها زوجها وانزل لکم من الانعام ثمانیة

تن واحد پس بکرد ازان جفت آن وفرستاد مر شما را از چهارپایان هشت گونه

ازواج یخلقکم فی بطون امهاتکم خلقا من بعد خلق

می آفریند شما در شکمهای مادران شما آفریدنی از پس آفریدنی

فی ظلمات ثلث ذلکم الله ربکم له الملک لا اله الا

در تاریکیهای سه گانه اینست شما را خدای پروردگار شما است مر او راست پادشاهی نیست خدای مگر

هو فانی تصرفون ان تکفروا فان الله غنی عنکم ولا

او پس کجا گردانیده میشوید از عبادت اگر کافر شوید پس بدرستیکه خدا بی نیاز است از شما ونشود

یرضی لعباده الکفر وان تشکروا یرضه لکم ولا تزر

خشنود مر بندگان خود را بکرویدن واگر سپاس دارید خشنود شود او مر شما راست وبرنگیرد

وازرة وزر اخری ثم الی ربکم مرجعکم فینبئکم بما کنتم

هیچ بار برگیرنده بار گناه دیگری پس سوی خداوند شما است بازگشت شما پس مر آگاه کند شما را بدانچه هستید شما

تعملون انه علیم بذات الصدور واذا مس الانسان

که میکنید بدرستیکه خدا دانا است به نهانی سینها وچون برسد مردم را

ضر دعا ربه منیبا الیه ثم اذا خوله نعمة منه نسی ما

زیانی بخواند خداوند خود را بازگرداننده سوی او پس چون بدهد او را نعمتی از خود فراموش کند آنچه

کان یدعوا الیه من قبل وجعل لله اندادا لیضل

باشد که میخواند سوی خود از پیش وگرداند مر خدا را مانندها تا گمراه کند دیگران را

عن سبيله قل تمتع بكفرك قليلا انك من اصحاب
از راه است او بگو ای محمد برخوردار گیر باشیای خود اندکی بدرستیکه تو از باشندگان
النار امن هو قانت اناء الليل ساجدا وقائما يحذر
دوزخی یا کسی که او گذارنده نمازست ساعات شب را سجده کننده و قیام کننده می ترسد
الاخرة ويرجوا رحمة ربه قل هل يستوي الذين يعلمون
از روز بازپسین و امید میدارد بخشایش خداوند خود را بگو ای محمد آیا هست برابر آنانکه میدانند
انما يتذكر اولوا الالباب قل يا عباد الذين امنوا اتقوا
جز این نیست که پند گیرند خداوندان خردها بگو ای محمد ای بندگان آنانکه گرویدید بپرهیزید
ربكم للذين احسنوا في هذه الدنيا حسنة وارض الله
خداوند خویش را آنانکه نیکی کردند در این دنیا نیکی کردند وزمین خدا
واسعة انما يوفى الصابرون اجرهم بغير حساب قل
فراخست جز این نیست که تمام داده شود شکیبایی کنندگان مزدهاشان بی شمارست بگو ای محمد
اني امرت ان اعبد الله مخلصا له الدين وامرت لان اكون
بدرستیکه من فرموده شدم که بپرستم خدای را باخلاص مراورا بدین وفرموده شدم که باشم از
اول المسلمين قل اني اخاف ان عصيت ربي عذاب يوم
اول گردن نهندگان بگو ای محمد بدرستیکه من میترسم گر عاصی شوم خداوند خود را عذاب روز
عظيم قل الله اعبد مخلصا له ديني فاعبدوا ما شئتم
بزرگ را بگو ای محمد خدای را می پرستم باخلاص مراورا در دینی پس بپرستید شما آنچه خواهید
من دونه قل ان الخاسرين الذين خسروا انفسهم واهليهم
از جز خدای بگو ای محمد بدرستیکه زیان کارانند آنانکه زیان کردند تن ایشان واهل خویش
يوم القيمة الا ذلك هو الخسران المبين لهم من فوقهم
روز قیامت بدانکه این اوست زیان کننده پیدا مرایشان راست از زبر ایشان

والذين لا يعلمون
و آنانکه نمیدانند

ظلل

ظلل من النار ومن تحتهم ظلل ذلك يخوف الله به عباده

سایها از آتش و از زیر ایشان سایها اینست که میترساند خدا بدان بندگان خود را

يا عباد فاتقون والذين اجتنبوا الطاغوت ان يعبدوها

ای بندگان پس بپرهیزید وآنانکه کرانه گرفتند از فرمان برداری بت که می پرستند آنرا

وانابوا الى الله لهم البشرى فبشر عباد الذين يستمعون

وباز گردند سوی خدا مر ایشان راست مژده پس مژده بندگان مرا آن بندگان که می شنوند

القول فيتبعون احسنه اولئك الذين هداهم الله و

گفتار پس پیروی میکنند کلام بهتر را ایشانند آنانکه راه راست نمود ایشانرا خدا و

اولئك هم اولوا الالباب افمن حق عليه كلمة العذاب

ایشانند ایشان خداوندان خردها ایا پس هرکه واجب شد براو سخن عذاب

افانت تنقذ من في النار لكن الذين اتقوا ربهم

ایا پس تو که برهانی کسی را در آتش لیکن آنانکه میپرهیزند خداوند خود

لهم غرف من فوقها غرف مبنية تجري من تحتها الانهار

مر ایشان راست دریچها از زبران دریچها بنا کرده شده میرود از زیران جویها

وعد الله لا يخلف الله الميعاد الم تر ان الله انزل من

وعده کرد خدا خلاف نمیکند خدای وعده را ایا نمی بینی تو بدرستیکه خدا فرو فرستاد از

السماء ماء فسلكه ينابيع في الارض ثم يخرج به

آسمان اب پس در آورد آنرا بچشمها در زمین پس بیرون آرد بدان

زرعا مختلفا الوانه ثم يهيج فتراه مصفرا ثم يجعله

کشتهای مختلف رنکهای آن پس خشک شد پس بینی تو آنرا زرد شده پس میکرداند آنرا

حطاما ان في ذلك لذكرى لاولي الالباب افمن شرح الله

کوفته نرم بدرستیکه در این هرآینه پندیست مر خداوندان خردها را ایا پس هرکه بکشاید خدای

صَدْرَهُ لِلْاِسْلَامِ فَهُوَ عَلٰى نُوْرٍ مِّنْ رَّبِّهٖ ط فَوَيْلٌ لِّلْقٰسِيَةِ

دل او را از برای اسلام پس او بر نوری از خداوند خود پس وای مر سخت دلان را

قُلُوْبُهُمْ مِّنْ ذِكْرِ اللّٰهِ ط اُولٰٓئِكَ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ۝ اَللّٰهُ نَزَّلَ

دلان را از یاد کردن خدای ایشانند در گمراهی پیدا خدای فرو فرستاد

اَحْسَنَ الْحَدِيْثِ كِتٰبًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُوْدُ

نیکوترین قرآن و کتاب متشابه و حسن تألیف در نظم قصص و اخبار مرلرزد ازان پوستهای اندام

الَّذِيْنَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِيْنُ جُلُوْدُهُمْ وَقُلُوْبُهُمْ اِلٰى

آنانکه می ترسند از خداوند خویش پس نرم شود پوستهای ایشان و دلهای ایشان سوی

ذِكْرِ اللّٰهِ ط ذٰلِكَ هُدَى اللّٰهِ يَهْدِيْ بِهٖ مَنْ يَّشَآءُ ط وَمَنْ يُّضْلِلِ

یاد کردن خدا اینست قرآن خدا که راه می نماید بدان هرکه را می خواهد و هرکه را گمراه میکند

اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ هَادٍ ۝ اَفَمَنْ يَّتَّقِيْ بِوَجْهِهٖ سُوْٓءَ الْعَذَابِ

خدا پس نیست او را هیچ راهنمای آیا پس کیست که باز دارد از روی خود بدی و سختی عذاب

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ط وَقِيْلَ لِلظّٰلِمِيْنَ ذُوْقُوْا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُوْنَ ۝

روز قیامت و گویند مر ستمکاران را یعنی کافران بچشید آنچه بودید شما کنندگان

كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاَتٰىهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ

تکذیب کردند آنانکه از پیش ایشان پس آمد ایشان را عذاب از انجا که

لَا يَشْعُرُوْنَ ۝ فَاَذَاقَهُمُ اللّٰهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ

نیافتند پس بچشانید ایشان را خدا خواری در زندگانی دنیا و هر آینه عقوبت

الْاٰخِرَةِ اَكْبَرُ لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ ۝ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِيْ

آنجهان بزرگترست اگر باشند دانایان و هر آینه تحقیق بیان کردیم مر مردمان را در

هٰذَا الْقُرْاٰنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ۝ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا

این قرآن از همه داستانی تا باشند که ایشان پند گیرند قرآن بزبان عربی

غير ذي عوج لعلهم يتقون ○ ضرب الله مثلا رجلا فيه

نیست دراو هیچ کجی تا مگر باشند که ایشان بپرهیزند بیان کرد خدا داستان مردی که دراو باشند

شركاء متشاكسون ورجلا سلما لرجل هل يستويان

انبازان مختلف ومرد مسلمانه مردی را آیا هستند برابر هر دو

مثلا الحمد لله بل اكثرهم لا يعلمون ○ انك ميت

مانند هم سپاس مر خدا را بلکه بیشتر ایشان نمیدانند بدرستیکه تو خواهی مرد

وانهم ميتون ○ ثم انكم يوم القيمة عند ربكم

وایشان خواهند مرد پس بدرستیکه شما روز قیامت نزد خداوند خویش

تختصمون ○ فمن اظلم ممن كذب على الله وكذب

مخاصمت کنید پس کیست ستمکارتر از کسیکه دروغ گوید بر خدا ودروغ گوید

بالصدق اذ جاءه اليس في جهنم مثوى للكافرين ○

براستی یعنی توحید چون آید اورا آیا نیست در دوزخ جای بازگشت مر کافران را

والذي جاء بالصدق وصدق به اولئك هم المتقون ○

وانکه بیارد براستی یعنی توحید وراست گو دارد بدان ایشانند ایشان پرهیزگاران

لهم ما يشاءون عند ربهم ذلك جزاء المحسنين ○ ليكفر

مر ایشان راست انچه میخواهند نزد خدای ایشان اینست مزد نیکان تا کفارت کند

الله عنهم اسوا الذي عملوا ويجزيهم اجرهم باحسن

خدا از ایشان بترین آنانکه بکردند وپاداش دهد ایشان را پاداشی نیکو

الذي كانوا يعملون ○ اليس الله بكاف عبده ويخوفونك

آنانکه بودند کنندگان آیا نیست خدا بسنده بنده خود را می ترسانند ترا ای محمد

بالذين من دونه ومن يضلل الله فما له من هاد

بانان که از جز خداوند او وهر کرا گمراه کند خدا پس نیست مر اورا از هیچ راه نماینده

عشر

الجزو الرابع والعشرون

خمس

وَمَن يَهْدِ اللّٰهُ فَمَا لَهُ مِن مُّضِلٍّ أَلَيْسَ اللّٰهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ

وهر کرا راه نماید خدا پس نیست مر او را از هیچ گمراه کننده آیا نیست خدا بارحمت صاحب انتقام گرفتن

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللّٰهُ

واگر بپرسی ایشان را که کیست که بیافرید آسمانها را و زمین را هر آینه گویند خدا

قُلْ أَفَرَأَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللّٰهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللّٰهُ

بگو ای محمد آیا پس چه می بینید از آنچه میخوانید از جز خدا اگر خواهد بمن خدای برنجی

هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ

نیستند ایشان برندکان زیان او یا خواهد بمن رحمتی هست کران

مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ

باز دارند رحمت او را بگو ای محمد بسنده است خدای بر آن پس توکل کنند توکل کنندگان

قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

بگو ای گروه من بکنید بر همین جای خود بدرستیکه من بر جای خود بر نصرت و عبادتم پس زود باشد که بدانید

مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

کیست که بیاید او را

عذاب دایمی

إِنَّا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ

بدرستی ما فرستادیم بر تو کتاب مر مردمان را براستی پس هر که راه راست یافت

فَلِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ ع

پس مر تن خود را و کسیکه گمراه شد پس جز این نیست که گمراه شود بر آن و نیستی تو بر ایشان نگاهبان

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا

خدا بر دارد جانها را هنگام مردن آن و آنکه نمیرد در خواب آن

فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ

پس باز دارد آنرا که حکم کرد بر آن بمرگ و بفرستد جان دیگر تا مهلت

مسمّى ان في ذلك لآيات

مُسَمًّى اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ● اَمِ اتَّخَذُوا

نام برده شده بدرستی در این هر آینه نشانهاست مر گروه اندیشه کنندگان را یا بگرفتند

مِنْ دُونِ اللّٰهِ شُفَعَاءَ قُلْ اَوَلَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا

از جز خدا شفیعان بگوای محمد آیا اگر بودند بتان شفیعان چرا مالک نمیشوند چیزی

وَلَا يَعْقِلُونَ ● قُلْ لِلّٰهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ

و نه دانستند خرد بگوای محمد مر خداراست شفاعة همه مر او راست پادشاهی آسمانها

وَالْاَرْضِ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ● وَاِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ

و زمینها پس سوی اوست بازگشت شما و چون یاد کرده شود خدا بیکانه برمد

قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْاٰخِرَةِ وَاِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ

دلهای آنانکه نگروند بروز قیامت و چون یاد کرده شوند آنانکه از جز خداست

اِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ● قُلِ اللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ

چون ایشان شادمان شوند بگوای محمد بار خدا آفریننده آسمانها و زمین

عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ اَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا

داننده نهان و آشکارا توئی حاکم میان بندگان خود در آنچه

كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ● وَلَوْ اَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْاَرْضِ

بودند در آن اختلاف کنندگان و اگر بدرستی مر آنان را که ستم کردند آنچه در زمین است

جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ

همه و مانند آن با او هر آینه فدا دهند بآن از بدی عذاب

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللّٰهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ

روز قیامت و پیدا شد مر ایشان را از خدا آنچه نبودند که گمان نبردند

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

و پیدا شد مر ایشان را بدیهای آنچه کردند و فرود آمد بایشان آنچه بودند بدان استهزا کنندگان

فاذا مس الانسان ضر دعانا ثم اذا خولناه نعمة منا قال

پس چون برسد مردمان را ضرری بخوانند ما را پس چون بدهیم ما او را نعمتی از نزد خود گوید

انما اوتيته على علم بل هي فتنة ولكن اكثرهم لا يعلمون

جز این نیست که داده شد بر دانشی بلکه آن فتنه را دادم ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند

قد قالها الذين من قبلهم فما اغنى عنهم ما كانوا يكسبون عشر

تحقیق گفته اند آنانکه از پیش ایشان پس سود نکرد از ایشان آنچه بودند کنندگان

فاصابهم سيئات ما كسبوا والذين ظلموا من هؤلاء

پس رسید ایشان را بدیهای آنچه کردند وآنانکه ستم کردند از آن گروه

سيصيبهم سيئات ما كسبوا وما هم بمعجزين ۝ اولم يعلموا

زود باشد که برسد ایشان را بدیهای آنچه کردند ونیستند ایشان عاجز کنندگان آیا نمیدانند

ان الله يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر ان في ذلك لايات

بدرستیکه خدا فراخ کند روزی مر هر که را می خواهد وتنگ گرداند هر که را خواهد بدرستیکه در این هر آینه نشانهاست

لقوم يؤمنون ۝ قل يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم ع

مر گروه گروندگان را بگو ای محمد ای بندگان من آنانکه اسراف کردند بر تنهای ایشان

لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا انه

ناامید مشوید از رحمت خدا بدرستیکه خدا می آمرزد گناهان همه را بدرستی او

هو الغفور الرحيم ۝ وانيبوا الى ربكم واسلموا له من

اوست که آمرزنده بخشنده است وباز گردید سوی خداوند خویش وگردن نهید مر او را از

قبل ان ياتيكم العذاب ثم لا تنصرون ۝ واتبعوا احسن

پیش آنکه بیاید شما را عذاب پس نه بینند وپیروی کنید نیکوتر کتاب

ما انزل اليكم من ربكم من قبل ان ياتيكم العذاب

آنچه فرستاده شد سوی شما از خداوند شما از پیش آنکه بیاید شما را عذاب

بغتة وانتم لا تشعرون

بغتة وانتم لا تشعرون ○ ان تقول نفس يا حسرتى على ما
ناگهان وایشان نمیدانند اگر گوید تنی ای پشیمانی بر انچه
فرطت فى جنب الله وان كنت لمن الساخرين ○ او تقول
ضایع کردم در حق خدای واگر بودم من هرانینه از باطل کاران یا بگوید
حين ترى العذاب لو ان لى كرة فاكون من المحسنين ○
ان وقت که ببیند عذاب اگر مرا بار دیگر بازگشتن بودی پس میبودم از نیکوکاران
بلى قد جاءتك اياتى فكذبت بها واستكبرت وكنت
آری تحقیق آمد ترا نشانهای من پس دروغ داشتی تو بدان و بزرگ منشی نمودی تو وبودی
من الكافرين ○ ويوم القيامة ترى الذين كذبوا على الله
از ناگرویدگان و روز قیامت ببینی آنان را که دروغ گفتند بر خدای
وجوههم مسودة اليس فى جهنم مثوى للمتكبرين ○
رویهای ایشان سیاه گشته ایا نیست در دوزخ جای بازگشت مر متکبران را
وينجى الله الذين اتقوا بمفازتهم لا يمسهم السوء ولا هم
و نجات دهد خدا انانرا که پرهیز کردند بستمگاری ایشان نیابد ایشان را بدی و نه ایشان
يحزنون ○ الله خالق كل شىء وهو على كل شىء وكيل ○
اندوه خورند خدا افریننده همه چیزهاست واو بر همه چیز نگاهبانست
له مقاليد السموات والارض والذين كفروا بايات الله
مراوراست کلیدهای اسمانها و زمین و انانکه کافر شدند بنشانهای خدا
اولئك هم الخاسرون ○ قل افغير الله تامرونى اعبد
ایشانند ایشان زیان کاران بگو ای محمد ایا پس جز خدا میفرمایید مرا که بندگی کنم
ايها الجاهلون ○ ولقد اوحى اليك والى الذين من قبلك
ای نادانان وبدرستیکه وحی کرده شد سوی تو و سوی انانکه پیش از تو بودند

لو ان الله هدانى
اگر بدرستیکه خدا راه نمودی مرا
لكنت من المتقين
هر اینه بودمی از پرهیزکاران
او تقول
یا بگوید

عشر

ع

لئن اشركت ليحبطن عملك ولتكونن من الخاسرين ۝

اکر انباز آری تو هر اینه تباه شود کردار تو وسوی انانکه از زیان کارانند

بل الله فاعبد وكن من الشاكرين ۝ وما قدروا الله حق

بلکه خدا پس بپرست وباش از سپاس داران ونکردند صفت خدارا چنانچه

قدره والارض جميعا قبضته يوم القيمة والسموات

سزاوار صفت اوست وزمین همه در قبضه قدرت اوست روز قیامت وآسمانها

مطويات بيمينه سبحانه وتعالى عما يشركون ۝ ونفخ في

طی کرده شوند بقدرت او پاکست خدای وبرترست از انچه کافران انباز کیرند ودمیده شود در

الصور فصعق من في السموات ومن في الارض الا من

صور پس بمیرند هرکه در آسمانها وهرکه در زمین است مکر هرکه

شاء الله ثم نفخ فيه اخرى فاذا هم قيام ينظرون ۝

خواهد خدای پس دمیده شود در صور بار دیکر پس ناکاه ایشان قامت راهی بینند خلق آسمان وزمین

واشرقت الارض بنور ربها ووضع الكتاب وجيء

وروشن شود زمین قیامت بعدل خداوندان ونهاده شود ناجهای اعمال بدستهای بندکان وبیایند

بالنبيين والشهداء وقضي بينهم بالحق وهم لا يظلمون ۝

پیغمبران وبرسید شوند تبلیغ رسالت وحکم کرده شود میان ایشان براستی وایشان ستم کرده نشوند

ووفيت كل نفس ما عملت وهو اعلم بما يفعلون ۝ ع

وتمام داده شود هر تنی را انچه کرده باشد واوست داناتر بر انچه میکنند

وسيق الذين كفروا الى جهنم زمرا حتى اذا جاؤها

وزنده شوند انانکه نکرویدند بسوی دوزخ کروه کروه تا چون بیایند اورا

فتحت ابوابها وقال لهم خزنتها الم ياتكم رسل منكم

کشاده شود درهای دوزخ وکویند مرایشان را خازنان دوزخ ایا نیامدند شمارا پیغمبران از قوم شما

يتلون عليكم

يتلون عليكم آيات ربكم وينذرونكم لقاء يومكم

ميخوانند بر شما ايات خداوند شما وبيم ميكردند شمارا ابديدن روز شما اين قيامت و دوزخ

هذا قالوا بلى ولكن حقت كلمة العذاب على

اينت گويند آرى وليكن واجب شد قول عذاب بر

الكافرين • قيل ادخلوا ابواب جهنم خالدين فيها

كافران گويند درائيد بدرهاى دوزخ جاودانه دران باشند

فبئس مثوى المتكبرين • وسيق الذين اتقوا ربهم

پس بدست جاى بازگشت سركشان ورانده شوند انانكه پرهيزند خداوند خويش

الى الجنة زمرا حتى اذا جاؤها وفتحت ابوابها وقال لهم

سوى بهشت گروه گروه تا چون بيايند به بهشت وگشاده شود درهاى بهشت وگويند مرايشان

خزنتها سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدين •

خازنان بهشت سلام بر شما پاك زيستيد شما پس داخل شويد در بهشت جاودانه باشيد

وقالوا الحمد لله الذى صدقنا وعده واورثنا الارض

وگويند اهل بهشت سپاس مرخداى را آنخدائيكه راست كرد بما وعده خود را وميراث داد ما را زمين بهشت

نتبوا من الجنة حيث نشاء فنعم اجر العاملين •

جاى گيريم ما از بهشت هرجا كه خواهيم ما پس نيكوست مزد كاركنندگان

وترى الملائكة حافين من حول العرش يسبحون

وبينى تو فرشتگان را صف زده از گرد برگرد عرش تسبيح ميكنند

بحمد ربهم وقضى بينهم بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين •

بسپاس خداوند خويش وحكم كرده شود ميان ايشان براستى وگويند سپاس مرخداى را كه پروردگار جهانيان

سورة المؤمن وهى خمس وثمانون آيات

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر کس سوره حم مومن را در هر شب بخواند حق تعالی گناهان گذشته و اینده او را بیامرزد و ایمان او را سلامت نماید
و اخرت او را از دنیا بهتر کرداند

بسم الله الرحمن الرحیم
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان
حم ۝ تنزیل الکتاب من الله العزیز العلیم ۝ غافر الذنب
سوگند بحکیم که فرستادن قران از خدای ارجمند داناست آمرزنده گناه مومنان
وقابل التوب شدید العقاب ذی الطول لا اله الا هو الیه
و پذیرنده توبه ایشان سخت است عقوبت از خداوند قدرت و قوت نیست خدای مگر او بسوی او
المصیر ۝ ما یجادل فی ایات الله الا الذین کفروا فلا یغررک
بازگشت نمیکنند جدال در ایات خدای مگر انانکه نگرویدند پس نفریبد ترا
تقلبهم فی البلاد ۝ کذبت قبلهم قوم نوح والاحزاب
گشتن ایشان در شهرها تکذیب کردند پیش از ایشان گروه نوح را و لشکرها یعنی گروه‌ها
من بعدهم وهمت کل امة برسولهم لیاخذوه وجادلوا
از پس ایشان و قصد کردند هر گروهی با پیغمبر خویش تا بگیرند او را و جدال کنند
بالباطل لیدحضوا به الحق فاخذتهم فکیف
بباطل تا باطل کنند بدان حق را پس بگرفتیم ایشان را پس چگونه
کان عقاب ۝ وکذلک حقت کلمت ربک علی
بود عقوبت من و همچنین واجب شد عقوبت خداوند تو بر
الذین کفروا انهم اصحاب النار ۝ الذین یحملون
انانکه نگرویدند بدرستی که ایشانند باشندگان دوزخ انانکه بر میدارند
العرش ومن حوله یسبحون بحمد ربهم ویؤمنون به و
عرش خدا را و هر که بر گرد عرش است تسبیح کنند بسپاس پروردگار خویش و میگروند بدو و
یستغفرون للذین امنوا ربنا وسعت کل شیء رحمة و
استغفار میکنند مر انان را که گرویدند خداوند ما فراخ گردانیدی تو هر چیز را رحمتی و دانش

فاغفر للذين تابوا واتبعوا سبيلك وقهم عذاب الجحيم

پس بخشای مر آنان را که توبه کردند و پیروی کردند راه ترا نگاه دار ایشان را عذاب دوزخ

ربنا وادخلهم جنات عدن التي وعدتهم ومن صلح

ای خداوند ما و در آر ایشان را بهشت مقیم آنکه وعده کردی تو ایشان را و هر که بصلاح آورد یعنی نیکو بود

من آبائهم وازواجهم وذرياتهم انك انت العزيز

از پدران ایشان و زنان ایشان و فرزندان ایشان بدرستیکه تو تو ارجمند

الحكيم ۝ وقهم السيئات ومن تق السيئات يومئذ

و حکم کننده و نگاه دار ایشان را از بدیها و هر که را نگاه داشتی از بدیها یعنی عمل و فزع روز قیامت

فقد رحمته وذلك هو الفوز العظيم ۝ ان الذين كفروا

پس بدرستیکه بخشش کردی تو او را و اینست آن رستگاری بزرگ بدرستی آنانکه بگرویدند

ينادون لمقت الله اكبر من مقتكم انفسكم اذ تدعون

ندا کرده شوند که هر آینه خشم خدای بزرگتر است از خشم شما بر تنهای شما چون خوانند شمارا

الى الايمان فتكفرون ۝ قالوا ربنا امتنا اثنتين واحييتنا

سوی ایمان پس کافر شوید گویند ای خداوند ما میرانیدی مارا دو بار و زنده کردی مارا

اثنتين فاعترفنا بذنوبنا فهل الى خروج من سبيل

دو بار پس اعتراف کردیم ما بگناهان خویش پس هست سوی بیرون آمدن از دوزخ از راهی

ذلكم بانه اذا دعي الله وحده كفرتم وان يشرك

این خلود در دوزخ بآنست که چون خوانده شدید بخدای یگانه منکر شدید شما و چون می آوردند انباز

به تؤمنوا فالحكم لله العلي الكبير ۝ هو الذي

بدو ایمن بودید پس حکم مر خدای برتر بزرگتر است اوست آن خدای که

يريكم آياته وينزل لكم من السماء رزقا وما يتذكر

مینماید شمارا نشانها و میفرستد مر شمارا از آسمان روزی و پند نمیگیرند

إلا من ينيب ۝ فادعوا الله مخلصين له الدين ولو كره

مگر کسی که باز گردد بخدای پس بخوانید خدای را باخلاص مر او راست دین و اگرچه کراهت دارند

الكافرون ۝ رفيع الدرجات ذو العرش يلقي الروح

ناگرویدگان بلندست درجات او خداوند عرش است فرستد جبرئیل را

من أمره على من يشاء من عباده لينذر يوم التلاق ۝

از فرمان خود بر هرکه میخواهد از بندگان خود تا بیم کند روز قیامت

يوم هم بارزون لا يخفى على الله منهم شيء لمن الملك

روزیست که ایشان آشکار شوند از گورها پوشیده نمیماند بر خدا از ایشان چیزی مر کراست پادشاهی

اليوم لله الواحد القهار ۝ اليوم تجزى كل نفس

امروز مر خدایراست که یکیست کشنده کامها امروز پاداش داده شود هر تنی

بما كسبت لا ظلم اليوم إن الله سريع الحساب ۝ وأنذرهم

بدانچه کسب کردست هیچ ستم امروز بدرستیکه خدا زود شمارست و بیم کن ایشان را

يوم الآزفة إذ القلوب لدى الحناجر كاظمين ۝ ما

از روز آینده چون دلها نزدیک گلوها [illegible] نباشد

للظالمين من حميم ولا شفيع يطاع ۝ يعلم خائنة الأعين

مر ستمکاران را از خویشاوندی گرم و نه شفاعت گری که مطاع بود میداند خیانت چشمهارا

وما تخفي الصدور ۝ والله يقضي بالحق والذين يدعون

وانچه پنهان دارد سینهها و خدا حکم کند براستی و آنانکه میخوانند

من دونه لا يقضون بشيء إن الله هو السميع البصير ۝ ٤

از جز خدا حکم نمیکنند روز قیامت بچیزی بدرستی خدا او شنوا بیناست

أولم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عاقبة الذين

آیا نمیروند در زمین پس ببینید که چگونه بود سرانجام آنانکه

كانوا من قبلهم

كانوا من قبلهم كانوا هم اشد منهم قوة واثارا في الارض
بودند از پیش ایشان بودند ایشان سخت‌تر از ایشان به بسیاری و بناها بسیار در زمین

فاخذهم الله بذنوبهم وما كان لهم من الله من
پس گرفت ایشان را خدای بگناهان ایشان و نه بود مر ایشان را از خدا از

واق ذلك بانهم كانت تاتيهم رسلهم بالبينات
هیچ نگاه دارنده اینست بدرستی که ایشان بودند که بیامدی ایشان را پیغمبران ایشان به نشانها

فكفروا فاخذهم الله انه قوي شديد العقاب
پس نگرویدند ایشان پس بگرفت ایشان را خدای بدرستیکه او قوی سخت عذاب است

ولقد ارسلنا موسى باياتنا وسلطان مبين الى فرعون
و هر اینه بدرستیکه فرستادیم موسی را به نشانهای خویش و حجتی پیدا سوی فرعون

وهامان وقارون فقالوا ساحر كذاب فلما جاءهم
و هامان و قارون پس گفتند جادوگر دروغگوی است پس چون بیاورد ایشان

بالحق من عندنا قالوا اقتلوا ابناء الذين امنوا معه
براستی از نزد ما گفتند بکشید پسران آنانکه بگرویدند با او

واستحيوا نساءهم وما كيد الكافرين الا في ضلال
و زنده گذارید دختران ایشان را و نه بود مکر کافران مگر در گمراهی

وقال فرعون ذروني اقتل موسى وليدع ربه اني اخاف
وگفت فرعون بگذارید مرا تا بکشم موسی را وگو بخواند خداوند خود را بدرستیکه من میترسم

ان يبدل دينكم او ان يظهر في الارض الفساد و
که بدل کند دین شما را یا آنکه آشکارا کند در زمین تباهی و

قال موسى اني عذت بربي وربكم من كل متكبر لا يؤمن
گفت موسی بدرستیکه من پناه میگیرم بخداوند خود و خداوند شما از هر سرکشی که نگرود

ع

يوم الحساب ۝ وقال رجل مؤمن من ال فرعون يكتم

بروز شمار يعنى قيامت وگفت مردى گرويده از ال فرعون پوشيده داشت

ايمانه اتقتلون رجلا ان يقول ربى الله وقد جاءكم بالبينات

ايمان خودرا ايا ميكشيد مردى راكه ميگويد خداوند من خداست وبتحقيق آمد شمارا بحجتهاى روشن

من ربكم وان يك كاذبا فعليه كذبه وان يك

از خداوند شما واگر هست موسى دروغگو پس براوست عذاب دروغ گفتن او واگر هست موسى

صادقا يصبكم بعض الذى يعدكم ان الله لا يهدى

راست گوينده ميرسد شمارا بهره انچه وعده ميكند بدرستيكه خدا راه ننمايد

من هو مسرف كذاب ۝ ياقوم لكم الملك اليوم

كسى راكه او اسراف كننده است وبسيار دروغ گوينده اى گروه مر شماراست پادشاهى امروز در مصر

ظاهرين فى الارض فمن ينصرنا من باس الله ان جاءنا

ظاهر كنندگانيد در زمين پس كيست كه يارى كند مارا از عذاب خداى اگر بيايد مارا

قال فرعون ما اريكم الا ما ارى وما اهديكم الا سبيل

گفت فرعون نمى بينم شمارا مگر انچه مى بينم ونمايم شمارا مگر راه راست

الرشاد ۝ وقال الذى امن ياقوم انى اخاف عليكم

راست وگفت انكه ايمان آورد اى گروه بدرستيكه من ميترسم بر شما

مثل يوم الاحزاب ۝ مثل داب قوم نوح وعاد

مانند روز سپاهها كه عذاب ايشان را مانند عذاب گروه نوح وعاد

وثمود والذين من بعدهم وما الله يريد ظلما للعباد ۝

وثمود وانانكه از پس ايشان بودند ونيست انكه خدا بخواهد ستم مر بندگان را

ويا قوم انى اخاف عليكم يوم التناد ۝ يوم تولون

واى گروه بدرستيكه من ميترسم بر شما روز فرياد كردن يكديگر روز فرياد كردن يكديگر

مدبرين مالكم

مُدْبِرِينَ مَا لَكُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ

پس باز نيست مر شمارا از عذاب خداى از هيچ نگاهدارنده وهركه را گمراه كند خداى

فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۝ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِن قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ

پس نيست مر اورا از هيچ راه نماينده وبدرستيكه آمد بشما يوسف پيغمبر پيش ازين بحجتها

فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِّمَّا جَاءَكُم بِهِ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ

پس هميشه شما در گمان بوديد از آنچه بيامد شمارا بدان تا چون هلاك شد گفتيد

لَن يَبْعَثَ اللَّهُ مِن بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ

نفرستد خداى از پس او پيغمبرى همچنين گمراه كند خدا

مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ ۝ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ

هركه او اسراف كننده شك آورنده است آنانكه جدال ميكنند در آيات

اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِندَ اللَّهِ وَعِندَ

خدا بى هيچ حجتى بيامد آنرا بزرگ خشمى نزد خداى ونزد

الَّذِينَ آمَنُوا كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ

آنانكه گرويدند همچنين مهر كند خداى بر هر دل گردنكش

جَبَّارٍ ۝ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانُ ابْنِ لِي صَرْحًا لَّعَلِّي

جبار وگفت فرعون اى هامان بنا كن براى من كوشك بلند تا

أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ۝ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلَٰهِ

برسم اسباب را اسباب آسمانها پس مطلع گردم سوى خداى

مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ

موسى وبدرستيكه من هرآئنه گمان ميبرم اورا دروغ گوى وهمچنين آراسته شد براى فرعون

سُوءُ عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ

بدى كردار او وباز داشته شد از راه راست ونبود مكر فرعون مگر در زيان كارى

وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ

وگفت آنانکه ایمان آورند ای گروه پیروی کنید مرا تا بنمایم شمارا راه راه راست

يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَٰذِهِ الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ

ای گروه من جز این نیست این زندگانی دنیا متاع فانیست و بدرستیکه آخرت

دَارُ الْقَرَارِ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ

سرای باقیست هرکه بکند بدی پس پاداش کرده نشود مگر مانند آن و هرکه بکند

صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ

کردار نیک از مردی یا زنی و او گرویده باشد پس آنانند که درآیند

الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ وَيَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ

بهشت روزی داده شوند در آن بی شمار وای گروه چه بود مرا که میخوانم شمارا

إِلَى النَّجَوٰةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ

سوی رستگاری و میخوانید مرا سوی آتش میخوانید مرا تا کافر شوم بخدا

وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ

و انباز گیرم بدو آنچه نیست مرا بدان دانشی و منم که میخوانم شمارا سوی خدای عزیز

الْغَفَّارِ لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا

آمرزنده حقا که جز این نیست که میخوانید مرا سوی او نیست مر او را دعوتی در دنیا

وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ

و نه در آخرت و بدرستیکه بازگشت ما سوی خدایست و بدرستیکه اسراف کنندگان ایشانند خداوندان

النَّارِ فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى

آتش پس زود باشد که یاد کنید آنچه میگویم مر شمارا و باز گذاشتم کار خود را سوی

اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا

خدا بدرستیکه خدا بیناست بحال بندگان پس نگاه داشت خدای بدیهای آنچه سگالش میکردند

الحزب
نصف

وحاق بآل فرعون

وحاق بال فرعون سوء العذاب ۝ النار يعرضون عليها

وفرود آمد بال فرعون بدی عذاب آتش عرض میکنند بر ال فرعون

غدوا وعشيا ۝ ويوم تقوم الساعة ادخلوا ال فرعون

بامداد وشبانگاه وروزی که برپا شود قیامت گویند داخل کنید ال فرعون

اشد العذاب ۝ واذ يتحاجون في النار فيقول الضعفوا

سخت ترین عقوبت را وچون در ایند ال فرعون در اتش پس گویند ضعیفان کفار

للذين استكبروا انا كنا لكم تبعا فهل انتم مغنون

مر انان را که سرکشی کردند بدرستیکه بودیم ما مر شمارا تابعی پس هیچ بر اینده شما بر داشتن

عنا نصيبا من النار ۝ قال الذين استكبروا انا كل

از ما بهره از اتش گفتند انانکه متکبران بودند بدرستیکه ما همه

فيها ان الله قد حكم بين العباد ۝ وقال الذين في النار

در اتشیم بدرستیکه خدا بتحقیق حکم کند میان بندگان خود وگویند انانکه در اتش اند

لخزنة جهنم ادعوا ربكم يخفف عنا يوما من العذاب ۝

مر خازنان دوزخ که بخوانید خداوند خویش تا سبک کند از ما روزی از عذاب

قالوا اولم تك تاتيكم رسلكم بالبينت قالوا بلى

گویند ایا نبود که بیامدند شمارا پیغمبران شما بحجتها گویند اری

قالوا فادعوا وما دعوا الكفرين الا في ضلل ۝

گویند پس بخوانید ونیست خواندن کافران مگر در گمراهی

انا لننصر رسلنا والذين امنوا في الحيوة الدنيا ويوم

بدرستیکه ما هر اینه یاری کنیم پیغمبران خود وانانکه بگرویدند در زندگی دنیا وروزی که

يقوم الاشهاد ۝ يوم لا ينفع الظلمين معذرتهم ولهم

بپای خیزند گواهان یعنی روز قیامت که سود نکند ستمکاران را عذر خواستن ایشان ومر ایشان راست

اللعنة ولهم سوء الدار ۝ ولقد آتينا موسى الهدى
لعنت و مر ایشان راست بدی دوزخ و بدرستیکه بدادیم ما موسی را راه نماینده
وأورثنا بني إسرائيل الكتاب هدى وذكرى لأولي الألباب
و میراث دادیم ما فرزندان یعقوب را کتاب راه نماینده و پندی مر صاحبان خرد را
فاصبر إن وعد الله حق واستغفر لذنبك وسبح بحمد ربك
پس صبر کن بدرستیکه وعده خدا راست و طلب آمرزش کن مر گناه خود را و تسبیح گوی بسپاس خداوند خود
بالعشي والإبكار ۝ إن الذين يجادلون في آيات الله
بشبانگاه و بامداد بدرستی آنانکه مجادله کردند در آیات خدا
بغير سلطان أتاهم إن في صدورهم إلا كبر ما هم
بجز حجتی که آمد ایشان را نیست در دلهای ایشان مگر کبری نیستند ایشان
ببالغيه فاستعذ بالله إنه هو السميع البصير لخلق
رسانندگان با و پس پناه گیر از خدا بدرستیکه او اوست شنوا بینا هر آینه آفرینش
السماوات والأرض أكبر من خلق الناس ولكن أكثر
آسمانها و زمین بزرگترست از آفرینش مردمان و لیکن بیشتر
الناس لا يعلمون ۝ وما يستوي الأعمى والبصير و
مردمان نمیدانند و نیست برابر کور و بینا و
الذين آمنوا وعملوا الصالحات ولا المسيء قليلا ما تتذكرون
آنانکه گرویدند و کردار نیکو کردند و نه گناهکار اندکی آنچه پند گیرند
إن الساعة لآتية لا ريب فيها ولكن أكثر الناس لا
بدرستیکه روز قیامت آینده است نیست شکی در آن و لیکن بیشتر مردمان نه
يؤمنون ۝ وقال ربكم ادعوني أستجب لكم إن الذين
میگروند و گفت خداوند شما بخوانید مرا که اجابت کنم دعوی شما را بدرستی آنانکه

حا

يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين ۝ الله

بزرگی منشی کردند از بندگی منی زود باشند که درایند در دوزخ خواران خدای

الذي جعل لكم الليل لتسكنوا فيه والنهار مبصرا ان الله

آن خدایست که بیافرید شمارا شب تا قرار گیرید دران و روز را بیافرید روشن بدرستیکه خدا

لذو فضل على الناس ولكن اكثر الناس لا يشكرون

خداوند افزونیست بر مردمان ولیکن اکثر مردمان سپاس داری نمیکنند

ذلكم الله ربكم خالق كل شيء لا اله الا هو فانى

این شمارا خدایست خداوند شما آفریننده هر چیزی نیست خدای مگر او پس از کجا

تؤفكون ۝ كذلك يؤفك الذين كانوا بايات الله

منیگروید همچنین نگرویدند آنانکه بودند بنشانهای خدا

٨١ يجحدون ۝ الله الذي جعل لكم الارض قرارا والسماء بناء

منکر می شدند خدا آن خدائیست که بکرد برای شما زمین را قرارگاهی و آسمان را سقف شما

وصوركم فاحسن صوركم ورزقكم من الطيبات ذلكم

و صورت کرد شمارا پس نیکوتر صورت کرد شمارا و روزی کرد شمارا از پاکیزها این

ذلكم الله ربكم
خداوند شمارا

فتبارك الله رب العالمين ۝ هو الحي لا اله الا هو فادعوه

پس بزرگست خدا که پروردگار جهانیانست اوست زنده نیست خدای مگر او پس بخوانید او را

مخلصين له الدين الحمد لله رب العالمين ۝ قل اني نهيت

اخلاص مر او راست دین سپاس مر خدای را که پروردگار جهانیانست بگو ای محمد بدرستیکه باز داشته ام

ان اعبد الذين تدعون من دون الله لما جاءني البينات

از آنکه بپرستم آنانرا که می پرستید شما از جز خدای چون آنکه بیامد مرا حجتهای پیدا

من ربي وامرت ان اسلم لرب العالمين ۝ هو الذي خلقكم

از پروردگار من و فرموده شده ام که گردن نهم مر پروردگار جهانیان اوست آن خدا آنکه بیافرید شمارا

مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ

از خاک پس از اب منی پس از خون بسته پس بیرون آورد شمارا از رحم در حالت کودکی پس

لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى

برسانید بحد بلوغ جهل سالگی پس تا برسید به پیری واز شما کیست که بمیرانند او

مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ هُوَ الَّذِي

از پیش وتا رسید مهلتی را نامبرده شده وتا باشد که شما خردمند گردید اوست الخدا انکه

يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝

زنده میکند ومی میراند پس چون حکم کند کاری را پس جز این نیست که بگوید مر اورا بش پس میباشد

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّى يُصْرَفُونَ ۝

ایا ننگری تو سوی انانکه جدال میکنند در ایات خدای از کجی گردانیده شدند

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ

انانکه دروغ گفتند بکتاب وبدانچه فرستادیم بدان پیغمبران خود اینسو دانش

يَعْلَمُونَ ۝ إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ ۝

کرده اند چون غلها نهند در گردنهای ایشان وسلسلها که کشیده میشوند

فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ۝ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ

در اتش دوزخ پس در اتش انداخته شوند پس گویند مر ایشان را کجا اند انانکه بودید شما

تُشْرِكُونَ ۝ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُوا

انباز گیرندگان از جز خدای گویند گم شدند از ما بلکه نبودیم ما که میخواندیم

مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ ۝ ذَلِكُمْ بِمَا

از پیش چیزی همچنین گمراه کند خدای کافران را اینست شمارا بدانچه

كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ ۝

بودید شما شادی کنندگان در زمین بجز راستی وبدانچه بودید شما کبر کنندگان

ادخلوا ابواب جهنم خالدين فيها فبئس مثوى المتكبرين

در ایید بدرهای دوزخ جاودانه دران باشید پس بد جای بازگشت است متکبرانرا

فاصبر ان وعد الله حق فاما نرينك بعض الذي نعدهم

پس صبر کن بدرستیکه وعده خدا راست است پس اگر بنمایم ترا بهره انانکه وعده کردیم ایشانرا

او نتوفينك فالينا يرجعون ○ ولقد ارسلنا رسلا

یا میرانیم پس سوی ماست بازگشت وبدرستیکه فرستادیم پیغمبران

من قبلك منهم من قصصنا عليك ومنهم من لم نقصص

از پیش تو ازایشان کسیست که قصه کردیم ما بر تو وازایشان کسیست که قصه نمیکنند بر تو

عليك وما كان لرسول ان ياتي باية الا باذن الله فاذا

بر تو ونیست ونبود مر پیغمبری را انکه بیاید باتی مگر بفرمان خدای پس چون

جاء امر الله قضي بالحق وخسر هنالك المبطلون ○ الله

اید فرمان خدای حکم کرده شود براستی وزیان کار شوند انجا باطلان خدا

الذي جعل لكم الانعام لتركبوا منها ومنها تاكلون ○

الخدایست که کردانید برای شما چهارپایان تا سوار شوید بعضی ازان وازان بخورید

ولكم فيها منافع ولتبلغوا عليها حاجة في صدوركم

ومر شمارا دران باشد سودها وتا برسید بران حاجتی را در دلهای شما

وعليها وعلى الفلك تحملون ○ ويريكم اياته فاي ايات

وبران وبر کشتی بارکنید ومینماید شمارا ایات خود پس کدام ایات

الله تنكرون ○ افلم يسيروا في الارض فينظروا

خدارا منکر میشوید ایا پس نمیروید در زمین پس بنکرید

كيف كان عاقبة الذين من قبلهم كانوا اكثر منهم

که چگونه باشد انجام انانکه از پیش ایشان بودند بیشتر ازایشان

وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ

وسخت تر وقوت تر وبا آثار در زمین پس منفعت نکرد از ایشان آنچه بودند کسب کنندگان

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِندَهُم

پس چون آمدند ایشان را پیغمبران ایشان بحجتها پس شادمانی کردند بدانچه نزد ایشان بود

مِّنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ فَلَمَّا رَأَوْا

از دانش وفرود آمد بایشان آنچه بودند بدان استهزا کنندگان پس چون بدیدند

بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ ۝ فَلَمْ

عذاب مارا گفتند بگرویدیم ما بخدای یگانه او وبیزار شدیم ما بدانچه بودیم ما بدان انباز آرندگان پس

يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي

نبود که سود کند ایشانرا گرویدن ایشان چون بینند عذاب مارا سنت خدایست آنکه بدرستیکه گذشت در

عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ ۝ سورة السجدة اربع وخمسون آية

بندگان او وزیان کار شدند اینجا کافران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

حم ۝ تَنزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝ كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا

سوگند بحکم وملک که فرستادن این سوره از خداوند مهربان این قرآن که آیتیست جدا کرده شد آیات او قرآنی

عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ

عربی مر گروهی را که بدانند مژده دهنده وبیم کننده پس روی گردانیدند بیشتر ایشان پس ایشان

لَا يَسْمَعُونَ ۝ وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي

نمیشنوند وگفتند دلهای ما در پوششی از آنچه میخوانید مارا بسوی او ودر

آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِن بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ

گوشهای ما گرانیست واز میان ما ومیان تو پرده ایست پس بکن هر چه میتوانی که ما کنندگانیم

قل انما انا بشر مثلکم

قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فاستقیموا

بگو ای محمد جز این نیست که منم بشاری مانند شما وحی کرده شد سوی من جز این نیست که خدای شما خدایست یگانه پس مستقیم باشید

الیه واستغفروه وویل للمشرکین ۝ الذین لا یؤتون

سوی او وامرزش خواهید از و وچاه دوزخ بر مشرکان راست انانکه نمیدهند

الزکوة وهم بالاخرة هم کافرون ۝ ان الذین امنوا وعملوا

زکوة مال وایشان بآنجهان منکر باشند ایشانند کافران بدرستی انانکه گرویدند وکردار

الصالحات لهم اجر غیر ممنون ۝ قل ائنکم لتکفرون

نیکو کردند مر ایشان راست پاداش بی منت بگو ای محمد ص ایا شما هرآئنه کافر میشوید

بالذی خلق الارض فی یومین وتجعلون له اندادا ذلک

بان خدائیکه بیافرید زمین را در دو روز وبگردانید مر اورا مانندها آنخداوند

رب العالمین ۝ وجعل فیها رواسی من فوقها وبارک

خداوند جهانیان وبکرد دران زمین کوهها از زبر آن وبرکت کرد

فیها وقدر فیها اقواتها فی اربعة ایام سواء للسائلین

دران واندازه کرد دران وقتهای آن در چهار روز راست ایجواب پرسندگان

ثم استوی الی السماء وهی دخان فقال لها وللارض

پس اهنگ کرد بافریدن آسمان وان دود بود پس گفت مر انرا ومر زمین را که

ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین ۝ فقضیهن

بیائید بطوع یا اکراه گفتند بیامدیم ما بخوشی منشی پس تمام کرد افرینش

سبع سموات فی یومین واوحی فی کل سماء امرها و

هفت آسمان در دو روز وامر کرد در هر آسمانی امر که خواستیم و

زینا السماء الدنیا بمصابیح وحفظا ذلک تقدیر العزیز العلیم

وبیاراستیم آسمان دنیا را بستارگان ونگاهداشتنی اینست اندازه کردن خدای ارجمند دانا

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِّثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ

پس اگر روی بگردانند پس بگو ترسانیدم شمارا از عذاب مهلک مانند عذاب عادیان

وَثَمُودَ ۝ إِذْ جَاءَتْهُمُ الرُّسُلُ مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ

و ثمودیان چون بیامدند ایشان را پیغمبران از پیش روی ایشان واز پس ایشان

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا

میگفتند که مپرستید مگر خدا را گفتند اگر خواهد خداوند ما هر آینه فرستادی فرشتگان پس بتحقیق ما

بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ كَافِرُونَ ۝ فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ

بدانچه فرستاده شدید شما بدان کافرانند پس اما قوم عاد پس تکبر کردند در زمین

بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي

بنا حق و گفتند کیست سخت تر از ما بقوت ایا نمی بینند بدرستیکه خدا انانکه

خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ۝ فَأَرْسَلْنَا

آفریدیان را او سخت تر از ایشان بقوت و بودند بایات ما منکر می شدند پس فرستادیم

عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ لِّنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي

بر ایشان بادی که بهر جا رسیدی خشک از بنیاد در روزهای نحس بی نفع تا بچشانیم مایان را عقوبت خوار کننده در

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ ۝

زندگانی اینجهان و هر آینه عذاب آنجهان خوار کننده تر است و ایشان یاری کرده نشوند

وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ

و اما ثمودیان را پس راه نمودیم ایشان را پس دوست داشتند کوری را بر راه راست

فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝

پس بگرفت ایشان را عذاب هلاک کننده خوار کننده بدانچه بودند کسب میکردند

وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ۝ وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ

و برهانیدیم ما انانرا که گرویدند و بودند پرهیزکاران و روز قیامت گرد کرده شوند دشمنان خدا

الى النار فهم يوزعون

الی النار فهم یوزعون ۝ حتی اذا ما جاؤها شهد علیهم

بسوی آتش پس ایشان بازداشته شوند تا چون بیایند آن را گواهی دهند بر ایشان

سمعهم وابصارهم وجلودهم بما کانوا یعملون ۝ وقالوا لجلودهم

گوشهای ایشان و چشمهای ایشان و پوستهای ایشان بدانچه بودند که میکردند و گویند مر پوستهای ایشان

لم شهدتم علینا قالوا انطقنا الله الذی انطق کل شیء

چرا گواهی دادید شما بر ما گویند گویا کردانید ما را خدای آنکه گویا کردانید همه چیز را

وهو خلقکم اول مرة والیه ترجعون ۝ وما کنتم تستترون

و او آفرید شما را نخست بار پس بسوی او بازگردانند شما را و نبودید شما که بپوشانید

ان یشهد علیکم سمعکم ولا ابصارکم ولا جلودکم

که دهند گواهی بر شما گوشهای شما و نه چشمهای شما و نه پوستهای شما

ولکن ظننتم ان الله لا یعلم کثیرا مما تعملون ۝ وذلکم

ولیکن گمان بردید شما بدرستیکه خدا نمیداند بسیاری از انچه میکنید . و اینت

ظنکم الذی ظننتم بربکم اردیکم فاصبحتم من الخاسرین

گمان شما آن گمان شما بخداوند شما . هلاک کرد شما را پس بامداد کردید از زیانکاران شدید

فان یصبروا فالنار مثوی لهم وان یستعتبوا فما هم

پس اگر صبر کنید پس آتش جایگاه است مر ایشان را و اگر عذر خواهند پس نیستند ایشان

من المعتبین ۝ وقیضنا لهم قرناء فزینوا لهم ما بین ایدیهم

عذر پذیرفتگان و بهم کردیم مر ایشان را قرینهای شیطان پس بیارایند مر ایشان را آنچه پیش ایشان است

وما خلفهم وحق علیهم القول فی امم قد خلت من قبلهم

و آنچه پس ایشان است و واجب شد بر ایشان گفتار در گروهان گذشته از پیش ایشان

من الجن والانس انهم کانوا خاسرین ۝ وقال الذین کفروا

از پریان و مردمان بدرستیکه ایشان بودند زیانکاران و گفتند آنانکه نکرویدند

لَا تَسْمَعُوا لِهٰذَا الْقُرْاٰنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ ۝ فَلَنُذِيقَنَّ

مشنوید مراین قران را وسخن افگنید تا غلط شود دران تا مگر شما باشید غالب شده گان پس هرآینه بچشانیم

الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ اَسْوَاَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ

انانرا که کفر ورزیدند عذاب سخت وهرآینه پاداش دهیم ایشانرا بدتر انانکه بودند کنندگان

ذٰلِكَ جَزَاءُ اَعْدَاءِ اللّٰهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا

اینست پاداش دشمنان خدا آتش مرایشانراست دران جاودانی باشند پاداشی بدانچه بودند

بِاٰيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا اَرِنَا الَّذَيْنِ اَضَلَّانَا

بایات ما انکار کنندگان وگفتند انانکه کفر ورزیدند ای خداوند ما بنما مارا انانکه گمراه کردند

مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ اَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْاَسْفَلِينَ

از پریان وآدمیان بگردانیم ما ایشانرا زیر پایهای خویش تا باشند هردو از فروتران

اِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ

بدرستی انانکه گفتند خداوند ما خدا است پس مستقیم بودند که فرود آید برایشان فرشتگان

اَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَاَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

که مترسید واندوه مخورید ومژده است شمارا ببهشت انکه بودید شما وعده کرده شده

نَحْنُ اَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْاٰخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي

ما دوستان شماایم در زندگانی دنیا ودر آخرت ومر شماراست دران انچه ارزو کنند

اَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ۝ نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ ۝ وَمَنْ

تنهای شما ومر شماراست دران انچه بخواهید وبطلبید نزل از خداوند آمرزنده مهربان

اَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا اِلَى اللّٰهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ اِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ

وکیست نیکوکارتر بگفتار از انکه خوانده شود بسوی خدا وکردار نیکو وگفت بدرستیکه من از مسلمانانم

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ اِدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِي

ونیست برابر نیکی ونه بدی دفع کن بدی بانکه این نیکوتر است پس چنین انانکه

[illegible]

بينك وبينه عداوة كانه ولي حميم وما يلقها الا الذين

میان تو و میان اوست دشمنی چنانست که او دوست خویشست و توفیق یافته نشود مگر انانکه

صبروا وما يلقها الا ذو حظ عظيم ۝ واما ينزغنك من

شکیبائی کردند و نیافتند توفیق مگر خداوند نصیبی بزرگ و اگر برسد ترا از

الشيطان نزغ فاستعذ بالله انه هو السميع العليم ۝ ومن

دیو وسوسه پس پناه گیر بخدای بدرستیکه اوست شنوای دانا و از

اياته اليل والنهار والشمس والقمر لا تسجدوا للشمس ولا

آیات اوست شب و روز و آفتاب و ماه مکنید سجده مر آفتاب و نه

للقمر واسجدوا لله الذي خلقهن ان كنتم اياه تعبدون ۝

مر ماه را و سجده کنید مر خدای را آن خدای که بیافرید ایشان اگر هستید شما او را پرستندگان

فان استكبروا فالذين عند ربك يسبحون له باليل

پس اگر تکبر کنید پس انانکه نزد خداوند خود تسبیح میکنند مر او را بشب

والنهار وهم لا يسامون ۝ ومن اياته انك ترى الارض

و روز و ایشان نه ملول شوند و از آیات اوست بدرستیکه تو می‌بینی زمین را

خاشعة فاذا انزلنا عليها الماء اهتزت وربت ان الذي

ارمیده پس چون فرو فرستیم ما بر آن آب بجنبد و بیاماسد بدرستیکه انکه

احياها لمحي الموتى انه على كل شيء قدير ۝ ان الذين

زنده کند زمین را هر آینه زنده کند مردگان را بدرستیکه او بر همه چیزی تواناست بدرستیکه انانکه

يلحدون في اياتنا لا يخفون علينا افمن يلقى في النار خير ام

میل کنند در آیات ما پنهان نمیشوند ایشان از بر ما ایا پس هر که را بیفکنند در آتش بهترست یا

من ياتي امنا يوم القيمة اعملوا ما شئتم انه بما تعملون بصير ۝

کسیکه بیاید ایمن کرده شده در روز قیامت بکنید آنچه خواهید شما بدرستیکه او بدانچه میکنید بیناست

سجده وا…

ایاه تعبدون

إن الذين كفروا بالذكر لما جاءهم وإنه لكتاب عزيز ۝ لا يأتيه

بدرستی انانکه نکرویدند بقران هرکاه آمد ایشان را وبدرستیکه او هرانئه کتابیست ارجمند نیاید باو

الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد

باطل از پیش روی او ونه از پس او قران فرستاده شده از خدای حکم کننده ستوده

ما يقال لك إلا ما قد قيل للرسل من قبلك إن ربك لذو مغفرة

نکویند مرترا مکر انچه بدرستی کفتند مر پیغمبران را از پیش تو بدرستیکه خداوند تو هرانئه خداوند امرزش

وذو عقاب أليم ۝ ولو جعلناه قرآنا أعجميا لقالوا لولا فصلت

وخداوند عذاب دردناک واکر کردیم ما اورا قرانی

آياته ءأعجمي وعربي قل هو للذين آمنوا هدى وشفاء

عجمی یعنی غیر عربی نافصیح بکو ای محمد این ذکر مر انانیست که کرویدند راه نماینده وشفادهنده

والذين لا يؤمنون في آذانهم وقر وهو عليهم عمى أولئك

وانانکه نکرویدند در کوشهای ایشان کرانیست واو برایشان کوری ایشانند که

ينادون من مكان بعيد ۝ ولقد آتينا موسى الكتاب

ندا کرده شوند از جایکاهی دور وهرانئه بدرستی دادیم ما موسی را کتاب توریة

فاختلف فيه ولولا كلمة سبقت من ربك لقضي بينهم

پس اختلاف کردند دران واکر نبودی وعده سابق شده از خداوند تو ای محمد هرانئه حکم کرده شدی میان

وإنهم لفي شك منه مريب ۝ من عمل صالحا فلنفسه ومن

وبدرستیکه ایشان هرانئه در کمانند از قران بتهمت هرکه کردار نیک کند پس هرانئه تن اوراست وهرکه

أساء فعليها وما ربك بظلام للعبيد ۝ إليه يرد علم

بد کند پس براوست بزیان ونیست خداوند تو بستم کننده مر بندکان خودرا سوی خداوند باز کردانیده شوند دانش

الساعة وما تخرج من ثمرات من أكمامها وما تحمل من أنثى

قیامت وبیرون نیاید از هیچ میوه از غنچه خود وبار نکیرد از ماده

الجزء الخامس والعشرون

٢٥

ولا تضع

ولا تضع الا بعلمه ويوم يناديهم اين شركاءي قالوا

ده بار نهند مگر بدانش خدا و روز قیامت ندا کرده شوند ایشان که کجا اند انانکه انباز میگرفتند بمن گویند

اذناك ما منا من شهيد ۝ وضل عنهم ما كانوا يدعون

اگاه کردانیم ترا که نیست از ما از هیچ گواهی و گم شد از ایشان انچه بودند میخواندند

من قبل وظنوا ما لهم من محيص ۝ لا يسام الانسان من

از پیش و گمان بردند که نیست مر ایشان را از هیچ خلاصی سیر نمیشود ادمی از

دعاء الخير وان مسه الشر فيؤس قنوط ۝ ولئن اذقناه رحمة

خواستن مال و نیکوئی و اگر برسد اورا بدی پس نومید گردد و اگر بچشانیم اورا رحمتی

منا من بعد ضراء مسته ليقولن هذا لي وما اظن الساعة

از ما از پس رنجی که رسید اورا هر اینه گوید این مراست و گمان نبرم روز قیامت

قائمة ولئن رجعت الى ربي ان لي عنده للحسنى فلننبئن

را قایم گردد و اگر باز گردانند سوی خداوند من بدرستیکه مرا نزد او هر اینه نیکوئی بهشت پس هر اینه بیا

الذين كفروا بما عملوا ولنذيقنهم من عذاب غليظ ۝

انانرا که کافر شدند بدانچه کردند و هر اینه بچشانیم ایشان را از عذاب جاودانه سخت

واذا انعمنا على الانسان اعرض ونا بجانبه واذا مسه الشر

و چون نعمت دهیم ما بر ادمی روی بگرداند و دور شود متابعت در اعراض و چون برسد اورا بدی

فذو دعاء عريض ۝ قل ارايتم ان كان من عند الله ثم

پس خداوند دعای عریض است بگو ای محمد ص ببینید شما اگر هست قران از نزد خدای پس چرا

كفرتم به من اضل ممن هو في شقاق بعيد ۝

منکر شدید بدان کیست گمراه تر از کسیکه او در بدبختیست دور

سنريهم اياتنا في الافاق وفي انفسهم حتى يتبين لهم انه

زود باشد که بنمایم شمارا ایات خود در کرانهای عالم و در تنهای ایشان تا پیدا شود مر ایشان را بدرستیکه آن

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که مداومت نماید سوره حم عسق چون در قیامت مبعوث شود روی او مانند برف سفید باشد و مانند آفتاب نورانی و چون بنزد عرش آید حق تعالی فرماید که ای بنده من مداومت
نمودی بر تلاوت حم عسق و نمیدانستی که چه ثواب دارد و اگر منزلت و ثواب آن را میدانستی هرگز از خواندن آن ملال بهم نمیرسانیدی و اکنون جزای خود را خواهم داد ای ملائکه او را داخل بهشت گردانید و برای او قصری ساخته ام
از یاقوت سرخ و کنگرها و درجهایش از زمرد یاقوت و از لطافت اندرون و بیرون نمایان از بیرون و اندرون را میتوان یافت و در آن قصور دختران باکره و جوانان حور العین و هزار کنیز و هزار غلام از پسران گوشواره
در گوش بهشت در حسن پاینده باو عطا کردم من علیه ۴

الحقّ اولم یکف بربّک انّه علی کلّ شیء شهید ○ الا انّهم فی مریة
حقست آیا نیست بسنده به پروردگار تو بدرستیکه او بر همه چیز گواهی دهنده بدان بدرستیکه ایشان در شک اند

من لقاء ربّهم الا انّه بکلّ شیء محیط ○ سورة الشوری ثلث و خمسون آیة
از دیدار خداوند خویش بدان بدرستیکه علم او بهمه چیز فرا گیرنده است

بسم الله الرّحمن الرّحیم ○
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

حم ○ عسق ○ کذلک یوحی الیک والی الّذین من قبلک الله
قسم باین حروف همچنین وحی کرد بر ای محمد ص و سوی آنانکه از پیش تو بودند خدا

العزیز الحکیم ○ له ما فی السّموات وما فی الارض وهو
ارجمند حکم کننده که مر اوراست آنچه در آسمانها وآنچه در زمین است و اوست

العلیّ العظیم ○ تکاد السّموات یتفطّرن من فوقهنّ
برتر بزرگ خواست آسمانها را که بشکافد از زبر ایشان

والملائکة یسبّحون بحمد ربّهم ویستغفرون لمن فی
و فرشتگان تسبیح گوینده بسپاس خداوند خویش و آمرزش میخواهند مر آنانرا که در

الارض الا انّ الله هو الغفور الرّحیم ○ والّذین اتّخذوا
زمین بدانید بدرستیکه خدا اوست که آمرزنده و مهربانست وآنانکه فرا گرفتند

من دونه اولیاء الله حفیظ علیهم وما انت علیهم بوکیل ○
از جز او دوستان خدا نگاه دارنده اعتقادات ایشانست بر ایشان و نیستی تو بر ایشان وکیل

وکذلک اوحینا الیک قرانا عربیّا لتنذر امّ القری
و همچنین وحی کردیم ما سوی تو قران عربی را تا بیم کنی مردم مکه را

ومن حولها وتنذر یوم الجمع لا ریب فیه فریق فی الجنّة
و هر که گرد بر گرد مکه است و بیم کنی از روز جمع یعنی روز قیامت که نیست شکی در ان گروهی یعنی مومنان در بهشت

ح حلم م ملک ع علم و س سنا
و ق قدرت اوست

وفریق فی السعیر

وفريق في السعير ۝ ولو شاء الله لجعلهم امة واحدة و

وگروهی یعنی کافران در دوزخ واگر خواهد خدای هر آینه بکند ایشان را یک گروه وحد و

لكن يدخل من يشاء في رحمته والظالمون ما لهم

لیکن در آرد هر که را خواهد در رحمت خود وستمکاران که نیست ایشان را

من ولي ولا نصير ۝ ام اتخذوا من دونه اولياء فالله هو

از دوستی ونه یاری آیا میگیرند از جز او دوستان پس خدا اوست

الولي وهو يحي الموتى وهو على كل شيء قدير ۝ وما

دوست واوست که زنده کند مرده را واوست بر همه چیزی توانا وانچه

اختلفتم فيه من شيء فحكمه الى الله ذلكم الله ربي عليه

اختلاف کردید شما در آن از چیزی پس حکم او سوی خداست اینست شما را خدا که پروردگار منست بر او

توكلت واليه انيب ۝ فاطر السموات والارض جعل لكم من

توکل کردم وسوی اوست باز گردیدن من آفریننده آسمانها وزمین بیافرید مر شما را از

انفسكم ازواجا ومن الانعام ازواجا يذرؤكم فيه ليس

نفسهای شما جفتان برای تناسل وتوالد واز چهارپایان جفتان می آفریند شما را در حال جفت بودن نیست

كمثله شيء وهو السميع البصير ۝ له مقاليد السموات

مانند او چیزی واوست شنوا بینا مر اوراست کلیدهای آسمانها

والارض يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر انه بكل شيء

وزمین بگسترانید روزی را مر هر که را که میخواهد وتنگ کند هر که را خواهد بدرستیکه او بهمه چیزی

عليم ۝ شرع لكم من الدين ما وصى به نوحا والذي

داناست بیان نمود مر شما را از دین وانچه وصیت کردیم بدان نوح را وانانکه

اوحينا اليك وما وصينا به ابراهيم وموسى وعيسى ان

وحی کردیم ما سوی تو ای محمد ص وانچه وصیت کردیم ما بدان ابراهیم را وموسی و عیسی را که

أقيموا الدين ولا تتفرقوا فيه كبر على المشركين ما تدعوهم

برپای دارید دین را و مکنید اختلاف دروی بزرگ بر مشرکان آنچه خوانید شما ایشان را

إليه الله يجتبي إليه من ينيب ○ وما تفرقوا إلا من بعد

سوی او خدا برگزیند سوی خویش هرکه بازگردد سوی او و نکردند اختلاف امتان گذشته مگر از پس

من يشاء ويهدي إليه
هرکه را خواهد و راه نماید سوی خود

ما جاءهم العلم بغيا بينهم ولولا كلمة سبقت من

آنچه آمد ایشان را دانش بکبر و حسد میان ایشان و اگر نیست وعده تاخیر عذاب از

ربك إلى أجل مسمى لقضي بينهم وإن الذين أورثوا الكتاب

خداوند تو سوی مهلت نام برده شده هرآئنه حکم کرده شود میان ایشان و بدرستی آنانکه میراث داده شدند کتاب

من بعدهم لفي شك منه مريب ○ فلذلك فادع واستقم

از پس ایشان هرآئنه در شک اند ازان در تهمت افکنده پس برای این توحید بخوان خلق را و مستقیم باش

كما أمرت ولا تتبع أهواءهم وقل آمنت بما أنزل الله من كتاب

همچنانکه فرموده شدی و پیروی مکن خواهشهای دل ایشان را و بگو بگرویدم من بدانچه فرستاد خدای از کتاب

وأمرت لأعدل بينكم الله ربنا وربكم لنا أعمالنا

و فرموده شدم تا حکم کنم بعدل میان شما خدا پروردگار ما و پروردگار شماست مر ماراست کارهای ما

ولكم أعمالكم لا حجة بيننا وبينكم الله يجمع بيننا

و مر شماراست کردار شما نیست خصومتی میان ما و میان شما خدا گرد می آرد میان ما یعنی در قیامت

وإليه المصير ○ والذين يحاجون في الله من بعد ما

و سوی اوست بازگشت و آنانکه جدال میکنند در وحدانیت خدا از پس آنکه

استجيب له حجتهم داحضة عند ربهم وعليهم غضب

اجابت کرده شد مر او را حجت ایشان باطل است نزد پروردگار ایشان و بر ایشانست خشم خدا

ولهم عذاب شديد ○ الله الذي أنزل الكتاب بالحق

و مر ایشانراست عذاب سخت خداوند تعالی آن خدائیست که فرستاد کتاب را براستی

وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ ۝ يَسْتَعْجِلُ بِهَا
وترازو دین وچه داند تو ای محمد شاید قیامت نزدیک باشد شتاب میکنند بان
الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ
انانکه نگرویدند بان وانانکه گرویدند میترسند ازان و میدانند
أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ
بدرستیکه ان راستست بدان بدرستیکه انان که ستیزه میکنند در قیامت هر اینه در گمراهی
بَعِيدٍ ۝ اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ
دورند خدای لطف کننده است بر بندگان خود روزی میدهد هرکه را میخواهد و اوست نیرومند
الْعَزِيزُ ۝ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ
ارجمند هرکه باشد که میخواهد بخواهش تمام انجهان را زیادت کنیم مر اورا در ثواب او
وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ
وهرکه باشد که بخواهد کشت دیگر روزی دنیارا میدهیم اورا ازان و نیست مر اورا در ان جهان
مِنْ نَصِيبٍ ۝ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ
از هیچ نصیبی یا مر ایشانراست انبازان بیان کنند مر ایشانرا از دین انچه
يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ
دستوری باعتقاد در ان خدا واگرنه کلمه فصل بودی هر اینه حکم کرده شدی میان ایشان و بدرستی
الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا
ستمکاران ایشانراست عذاب دردناک می بینی ستمکاران را ترسندگان از عذاب انچه
كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
کرده اند ... ایشان وانانکه گرویدند وکردار نیکو کردند
فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ
در مرغزارهای بهشت مر ایشانراست انچه میخواهند نزد خداوند ایشان اینست

هو الفضل الكبير ۝ ذلك الذي يبشر الله عباده الذين
او فضل بزرگ اینست انکه مژده میدهد خدا بندکان خودرا انکه
امنوا وعملوا الصالحات قل لا اسئلكم عليه اجرا الا
کرویدند وکردار نیکو کردند بکو ای محمد نمیخواهم از شما بر رسانیدن مژده مزدی مکر
المودة في القربى ومن يقترف حسنة نزد له فيها
دوستی در قرابتان واهل بیت من وهرکه بکند نیکی زیادت کنیم مر او را دران نیکی
ان الله غفور شكور ۝ ام يقولون افترى على الله
بدرستیکه خدا امرزنده سپاس کرده شده است یا میکویند افترا بر خدا
كذبا فان يشا الله يختم على قلبك ويمح الله الباطل
دروغی پس اکر میخواهد خدا مهر میکند بر دل تو ومحو میکند خدا باطل را
ويحق الحق بكلماته انه عليم بذات الصدور ۝ وهو
وآشکارا میکند حق را بایات خود بدرستیکه او داناست بنهانی دلها واوست
الذي يقبل التوبة عن عباده ويعفوا عن السيئات و
انخدائی که می پذیرد توبه از بندکان خود وعفو میکند از کناهان و
يعلم ما تفعلون ۝ ويستجيب الذين امنوا وعملوا الصالحات
میداند انچه میکنید واجابت میکند انانرا که میکروند وکردار نیک میکنند
ويزيدهم من فضله والكافرون لهم عذاب شديد ۝
وزیاده میکند ایشانرا از افزونی خود وناکرویدکان که مرایشانراست عذاب سخت
ولو بسط الله الرزق لعباده لبغوا في الارض ولكن ينزل
واکر فراخ کند خدا روزی مر بندکان خودرا هر اینه نافرمانی کنند در زمین ولیکن میفرستد
بقدر ما يشاء انه بعباده خبير بصير ۝ وهو الذي ينزل الغيث
باندازه انچه می خواهد بدرستیکه او بحال بندکان خود اکاهست بینا واو انخدائیست که میفرستد باران

من بعد ما قنطوا

مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ۝ وَمِنْ

از پس انکه نومید میشوند و پراکنده میکند رحمت خود را و اوست دوست ستوده واز

آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ

نشانهای اوست افرینش آسمانها و زمین وانچه پراکنده است درمیان هردو از جنبنده

وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ۝ وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ

واوست بر گرد اوردن ایشان چون میخواهد توانا وانچه میرسد شمارا بدین و عمل واز مصیبت

فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ ۝ وَمَا أَنْتُمْ

درانچه کردار دستهای شماست و عفو میکند از بسیاری و نیستید شما

بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝

عاجز کنندگان در زمین و نیست مر شمارا از جز خدای از هیچ دوستی و نه یاری

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ۝ إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ

واز ایات او کشتیها در بحر مانند کوهها اگر میخواهد می ارامانند

الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ

بادرا پس بمانند کشتی ایستاده بر پشت دریا بدرستیکه در این هر اینه نشانیست

لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ۝ أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ

مر هر شکیبا کننده سپاس دارنده یا هلاک کند اهل کشتی را بانچه کسب کردند و عفو کند

عَنْ كَثِيرٍ ۝ وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ

از بسیاری و میداند انان را که جدال میکنند در ایات وحدانیت ما نیست مر ایشانرا

مِنْ مَحِيصٍ ۝ فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا

از هیچ خلاص پس انچه داده شوید شما از چیزی پس ارایش زندگانی دنیا

وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۝

وانچه نزد خداست بهتر و باقی ترست مر انان را که گرویدند و بر خداوند خویش کار باز گذاشتند

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا

و انانکه دوری کزینند از کناهان کبیره وکارهای قبیح وچون

غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ۝ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَوٰةَ

خشم کیرند ایشان درکذرانند ایشان و انانکه استجابت کنند مر خداوند خود را وبپای دارند نماز را

وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۝ وَالَّذِينَ

وکارایشان بمشورت شد میان ایشان واز انچه روزی کردیم مال ایشان را انفقه میکنند و انانکه

إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ۝ وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا

چون برسد ایشان را ستم از دشمنان ایشان انصاف بستانند وپاداش بدی بدی است مانند آن

فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ ط إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝

پس هرکه عفو کند وصلح کند پس مزد او بر خدا است بدرستیکه خدا دوست نمیدارد ستمکاران را

وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ۝

وهرانه هرکه انصاف بستاند پس ستم او پس ایشانند که نیست بر ایشان از هیچ راهی ملامت

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي

جز این نیست راه ملامت بر انانکه ستم میکنند مردمان را وعناد میجویند در

الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ط أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَلَمَنْ صَبَرَ

زمین بناحق ایشانند که مر ایشان راست عقوبت دردناک وهرانه کسیکه شکیبائی کند

وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ۝ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ

ودرکذرد بدرستیکه اینست هرانه هرکه بصواب کار کند وهرکه را کمراه میکند خدا پس نیست مر او را

مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ

از دوستی از پس او وبینند ستمکاران را هرگاه بینند عقوبت

يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ ط ۝ وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ

میکویند ایا هست سوی بازکشت از هیچ راهی وبینی ایشان را که عرض کرده می شوند

سَيِّئَةٍ

علیها خاشعین

عليها خاشعين من الذل ينظرون من طرف خفي ۝ وقال
بر آتش فروتنی کنندگان از خواری می نگرند از کرانهٔ چشم پنهان و گویند
الذين امنوا ان الخاسرين الذين خسروا انفسهم ۝ واهليهم
آنانکه گرویدند بدرستیکه خواران آنانکه زیان کردند تنهای خودرا واهل خودرا
يوم القيمة الا ان الظلمين في عذاب مقيم ۝ وما
روز قیامت بدان بدرستیکه ستمکاران در عذابی اند جاودانه ونیست
كان لهم من اولياء ينصرونهم من دون الله ومن يضلل الله
نباشد مرانرا از هیچ دوستی یاری دهنده ایشان را از جز خدای وهرکه را گمراه کند خدای
فما له من سبيل ۝ استجيبوا لربكم من قبل ان ياتي يوم
پس نیست مر اورا از هیچ راهی اجابت خوانید مر خداوند خویش را از پیش انکه بیاید روزی
لا مرد له من الله ما لكم من ملجا يومئذ وما لكم من نكير ۝
نیست بازگردانیدن مر اورا از خدای نیست مر شمارا از هیچ پناهی آن روز ونیست شمارا از هیچ منکری
فان اعرضوا فما ارسلناك عليهم حفيظا ان عليك الا
پس اگر روی بگردانند پس نفرستادیم ترا برایشان نگاه بانی نیست بر تو مگر
البلاغ ۝ وانا اذا اذقنا الانسان منا رحمة فرح بها
رسانیدن رسالت و بدرستیکه چون بچشانیم ما مردمان را از خود رحمتی فراخی شادمان شوند بدان
وان تصبهم سيئة بما قدمت ايديهم فان الانسان
واگر برسانیم ایشان را رنجی وبلایی بدانچه پیش فرستادی دستهای ایشان را پس بدرستیکه مردمان
كفور ۝ لله ملك السموات والارض يخلق ما يشاء
ناسپاسند مر خدای راست پادشاه آسمانها و زمین است می آفریند آنچه میخواهد
يهب لمن يشاء اناثا ويهب لمن يشاء الذكور ۝ او يزوجهم
می بخشد مر هرکه میخواهد دختران و می بخشد مر هرکه میخواهد پسران یا جفت میدهد شان

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که مداومت نماید بر مداومت سورهٔ حم زخرف خدا او را در قبر از جانوران زمین و از فشار قبر ایمن گرداند
و چون بمقام حساب اورند ان سوره بیاید و بار الهی او را داخل بهشت کرد اندم

ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ

پسران و دختران و میکند هر که را می خواهد نازاینده بدرستیکه او دانا و تواناست

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ

و نیست و نباشد مرادمی را انکه سخن کند خدا مگر وحی یا از عقب

حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيٌّ

پرده که الهام است یا میفرستد رسولی پس وحی میکند بفرمان او انچه میخواهد بدرستیکه او برتر

حَكِيمٌ وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ

حکم کننده است و همچنین وحی کردیم ما سوی تو این فرمان از فرمان خود نبودی تو

تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَٰكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي

که میدانستی که چیست کتاب و نه دانستی که چیست بکتاب ایمان ولیکن کردیم ما او را نوری که راه نمائیم

بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

بدان هر که را میخواهیم از بندگان خود و بدرستیکه تو راه نمائی ای محمد سوی راه راست

صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى

که راه دین خداست انخدائی که مر او راست انچه در اسمانها و انچه در زمین است بدانکه سوی

اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ سورة الزخرف مكية تسع وثمانون آية

خدا باز میگردد ترا کار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

حم وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ

قسم بحلیم و ملک و کتاب پیدا کننده حق و باطل بدرستیکه گردانیدیم ما او را قران بزبان عربی تا مگر

تَعْقِلُونَ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ أَفَنَضْرِبُ

در یابید و بدرستیکه قران در لوح محفوظست که اصل کتابست نزد ما هر اینه برترست محکم کرده شده ایا پس منع کنیم

عنكم الذكر

عنكم الذكر صفحا ان كنتم قوما مسرفين وكم

از شما بند کرفتن روی کرداندن اکر هستید شما کروهی مسرفان بغیر در کذرندکان از حد وچندی

ارسلنا من نبي في الاولين وما ياتيهم من نبي الا كانوا

که فرستادیم ما از پیغمبران در کروههای پیشینیان ونیامد ایشان را از هیچ پیغمبری مکر که بودند

به يستهزءون فاهلكنا اشد منهم بطشا ومضى مثل

بدان استهزا کنندکان پس هلاک کردیم ما سخت تر از ایشان بقوت کرفتن وکذشته است عادت

الاولين ولئن سالتهم من خلق السموات والارض

انقوم پیشینیان واکر پرسی ایشانرا که که افرید اسمانها را وزمین را

ليقولن خلقهن العزيز العليم الذي جعل لكم الارض

هرانه کویند بیافرید ایشانرا خداوند ارجمند دانا انخدائیکه بکرد مر شمارا زمین

مهدا وجعل لكم فيها سبلا لعلكم تهتدون

ارامکاهی وبکرد مر شمارا دران راهها تا باشید شمارا راه نمایندکان

والذي نزل من السماء ماء بقدر فانشرنا به بلدة ميتا

وانانکه فرو فرستاد از اسمان ابی باندازه پس زنده کردیم ما بدان زمین مرده را

كذلك تخرجون والذي خلق الازواج كلها

همچنین بیرون ارنده از کور وانخدائیکه افرید جفتانرا کونها اجناس تمام آن

وجعل لكم من الفلك والانعام ما تركبون لتستووا

وبکرد مر شمارا از کشتی وچهارپایان انچه بران سوار میشوید تا راست شوید

على ظهوره ثم تذكروا نعمة ربكم اذا استويتم عليه

بر پشتهای ان پس یاد کنید نعمت خداوند خویش را چون راست شدید بر ان

وتقولوا سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين

وبکوئید پاکست انخدائیکه مسخر کرد ما را این جانوران ونبودیم ما مر اورا طاقت ارنده که تسخیر کنیم

وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ ۝ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ

وبدرستیکه ما سوی خداوند خود هر آینه بازگردندگانیم و بگردند مر او را از بندگان او جزوی یعنی شریک

الْإِنسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ۝ أَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ

آدمی ناسپاس پیداست یا گویند بگرفتی تو از آنچه می‌آفریند دختران

وَأَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ ۝ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَٰنِ

و برگزید شما را به پسران و چون مژده داده شود یکی از ایشان بدانچه بدید وضع کرد مر خدا را

مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ۝ أَوَمَن يُنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ

مثل بگردد روی او سیاه از خشم و غیظ و او بست خشم فرو خورنده یا آنکه پیراسته شود در پیرایه

وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ۝ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ

و او در خصومت جز پیدا شده و وصف کردند فرشتگان را آنانکه

هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَٰنِ إِنَاثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ

ایشان بندگان خدااند ماده آیا حاضر بودند وقت آفرینش ایشان زود باشد که نوشته شود گواهی ایشان

وَيُسْأَلُونَ ۝ وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَٰنُ مَا عَبَدْنَاهُم مَّا لَهُم

و پرسیده شوند و گویند اگر خواهد خدای نمی‌پرستیم ما ایشان را که نیست مر ایشان را

بِذَٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ۝ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا

بدین از هیچ دانشی نیستند ایشان مگر تخمین کنندگان یا بدادیم ایشان را کتابی

مِّن قَبْلِهِ فَهُم بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ۝ بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا

پیش ازین قرآن پس ایشان بدان چنگ زنندگانند بلکه گفتند بدرستیکه ما یافتیم پدران خود را

عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ ۝ وَكَذَٰلِكَ مَا

بر این ملت و بدرستیکه ما بر تقلید ایشان راه یافتگانیم و همچنین

أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا

فرستادیم ما از پیش تو در دیهی از هیچ پیغمبر بیم کننده مگر گفتند بزرگان آن دیه که ما یافتیم

آباءنا على

اباءنا على امة وانا على اثارهم مقتدون ۝ قال اولو جئتكم
پدران خودرا براین ملت وبدرستیکه ما بر سیرت ایشان اقتدا کننده کانیم گفت یا اگر بیارم شمارا
باهدى مما وجدتم عليه اباءكم قالوا انا بما ارسلتم
دینی راست تر ازانچه یافتید شما بران پدران خویش را گفتند ما بدانچه فرستاده شدیم
به كافرون ۝ فانتقمنا منهم فانظر كيف كان عاقبة
بدان ناگرونده کانیم پس کینه کشیدیم ما ازایشان پس بنگر چگونه بود سرانجام
المكذبين ۝ واذ قال ابرهيم لابيه وقومه انني براء
دروغ گویان وچون گفت ابراهیم مرآذر را که بمنزله پدر او بود وقوم خود را بدرستیکه من بیزارم
مما تعبدون ۝ الا الذي فطرني فانه سيهدين ۝ وجعلها
ازانچه میپرستید شما مگر آن خدا را که آفرید مرا پس بدرستیکه او زود باشد که بنماید مرا وبگردانید
كلمة باقية في عقبه لعلهم يرجعون ۝ بل متعت
سخن باقی در میان فرزندان خود تا باشد که ایشان بازگردند بلکه برخورداری دادیم
هؤلاء واباءهم حتى جاءهم الحق ورسول مبين ۝ ولما
اینان را وپدران ایشان را تا بیامد ایشان را راستی وپیغمبر پیدا وچون
جاءهم الحق قالوا هذا سحر وانا به كافرون ۝
آمد ایشان را دین راست بزبان رسول گفتند این جادوییست وبدرستیکه ما بدان ناگرویده کانیم
وقالوا لولا نزل هذا القران على رجل من القريتين
گفتند چرا فرستاده نشد این قران بر مردی از دو شهر
عظيم ۝ اهم يقسمون رحمت ربك نحن قسمنا بينهم
بزرگ جواب داد ایشان را خدای تعالی ایشان تقسیم میکنند بخشایش پروردگار ما قسمت کردیم میان ایشان
معيشتهم في الحيوة الدنيا ورفعنا بعضهم فوق بعض
زندگانی ایشان در زندگانی اینجهان وبرداشتیم بهره ایشان را زبر بهره

نصف الحزب

دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا ۗ وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ

پایگاهها تا بگیرد بهرهٔ ایشان بهره مزدوری و بخشش خداوند تو بهتر

مِمَّا يَجْمَعُونَ ۝ وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً

از انچه گرد میکنند واگر نه انکه باشند مردمان یک گروه

لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَٰنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِنْ فِضَّةٍ وَ

هراینه بکردیم مر کسی راکه کافر شود بخدا مرخانهاء ایشان را سقفها از نقره

مَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ ۝ وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا

نردبانها بر انجانها که بر میشدند و مرخانهای ایشان را میکردیم درها و تختها برا

يَتَّكِئُونَ ۝ وَزُخْرُفًا ۚ وَإِنْ كُلُّ ذَٰلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ

که تکیه کنند و از زر و سیم و نیست همه این مگر ارایش زندگانی

الدُّنْيَا ۚ وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ۝ وَمَنْ يَعْشُ عَنْ

اینجهان و انجهان نزد پروردگار تو مر پرهیزکاران را و هرکه روی بگرداند از

ذِكْرِ الرَّحْمَٰنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ۝ وَإِنَّهُمْ

ذکر خدای رحمن مسلط کنیم مر او را دیو پس او را قرین باشد روز قیامت و دیوها

لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ۝

هراینه میگردانند از راه راست و می پندارند بدرستی ایشان راه یافتگانند

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ

تا چون بیاید جزا ما گوید ای کاشکی بودی میان من و میان تو دوری مشرق و مغرب

فَبِئْسَ الْقَرِينُ ۝ وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي

پس بد قرینیست شیطان و هرگز سود نکند شما را امروز چون ستم کردید شما بدرستیکه شما در

الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۝ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ

عقوبت شریکانید ایا پس تو می شنوانی کران را و یا راه مینمائی کوران را

وَمَنْ كَانَ

وَمَن كَانَ فِي ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ۝ فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا

و هر که باشد در گمراهی پیدا پس چون ببریم ترا از دنیا پس ما

مِنْهُم مُّنتَقِمُونَ ۝ أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم

از ایشان کینه کشندگانیم یا بنمائیم ترا آنکه وعده کردیم ما ایشان را پس ما بر ایشان

مُّقْتَدِرُونَ ۝ فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ

قادرانیم پس چنگ در زن تو بآنچه وحی کرده شد بسوی تو بدرستیکه تو

عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۝ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ

بر راه راستی و بدرستیکه این چیز هرآئنه پندیست مر ترا و مر گروه ترا

وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ۝ وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن

و زود باشد که پرسیده شوید از شکر این نعمت و بپرس از چیز مگر هر که فرستادیم ما از پیش تو از

رُّسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِن دُونِ الرَّحْمَٰنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ ۝

پیغمبران ما آیا بکردیم ما از جز خدای مهربان خدائی که پرستیده شوند

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِ فَقَالَ

و هرآئنه فرستادیم ما موسی را بآیات ما سوی فرعون و گروه او پس گفت

إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ فَلَمَّا جَاءَهُم بِآيَاتِنَا إِذَا هُم

بدرستیکه من پیغمبر پروردگار جهانیان ام پس چون آمد ایشان را بآیات ما ناگاه ایشان

مِّنْهَا يَضْحَكُونَ ۝ وَمَا نُرِيهِم مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ

از آن می خندیدند و ننمودیم ما ایشان را از هیچ آیتی مگر اینکه بزرگتر بود از

أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ وَقَالُوا

آیت پیشین و گرفتیم ما ایشان را بعقوبت تا باشد که ایشان باز گردند و گفتند

يَا أَيُّهَ السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ إِنَّنَا

ای شیرو در جادوی بخوان برای ما خداوند خود بآنچه عهد کرد نزد تو که آیا ما

لمهتدون ● فلما كشفنا عنهم العذاب إذا هم ينكثون ●

هرآئنه راه یافتگانیم پس چون بردیم ازایشان عقوبت ناگاه ایشان بشکنند کان عهد [illegible]

ونادى فرعون في قومه قال يا قوم أليس لي ملك

و منادی کرد فرعون درگروه خود گفت ای گروه من آیا نیست مرا پادشاهی

مصر وهذه الأنهار تجري من تحتي أفلا تبصرون ●

مصر واین ان جویهاست که میرود از زیر فرمان من آیا پس نیست ببینید کان

أم أنا خير من هذا الذي هو مهين ● ولا يكاد يبين

یا منم بهتر از موسی اینست آنکه او خوارست ونمیتواند پیدا کند

فلولا ألقي عليه أسورة من ذهب أو جاء معه الملائكة

پس اگر نفگنده شود براو زیورها از زر یا چرا نیامدند با او فرشتگان

مقترنين ● فاستخف قومه فأطاعوه إنهم كانوا

کرفوت دهند پس سبک عقلی یافت فرعون گروه خود را پس کردند او را طاعت بدرستیکه ایشان بودند

قوما فاسقين ● فلما آسفونا انتقمنا منهم فأغرقناهم

گروهی تباه کاران پس چون بخشم آوردند ما را انتقام کشیدیم از ایشان پس غرق کردیم ایشان را

أجمعين ● فجعلناهم سلفا ومثلا للآخرين ● ولما

همه پس گردانیدیم ایشان را عبرت و داستانی برای پسینان و چون

ضرب ابن مريم مثلا إذا قومك منه يصدون ●

بدید کرده شد عیسی پسر مریم داستانی ناگاه گروه تو از او روی گردانیدند

وقالوا أآلهتنا خير أم هو ما ضربوه لك إلا جدلا بل هم

و گفتند آیا خدایان ما بهترست یا او نزدند ایشان مثل مر ترا مگر جدلی بلکه ایشان

قوم خصمون ● إن هو إلا عبد أنعمنا عليه وجعلناه

گروهی خصومت کنندگانند نیست عیسی مگر بنده که نعمت دادیم براو و گردیدیم او را

مثلا

مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً

داستانی مر فرزندان یعقوب را واگر خواهیم ما هر آینه کردیم از شما فرشتگان

فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ۝ وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ

در زمین خلیفها وبدرستیکه او هر آینه نشانیست مر بودن قیامت را پس منکر مشوید

بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ

بدان و پیروی کنید مرا اینست راه راست مستقیم و بازندارد شمارا دیو

إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ

بدرستیکه او مر شمارا دشمنیست پیدا وچون آمد عیسی با حجتهای پیدا

قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي

گفت بدرستیکه بیاوردم شمارا بحکمت وهر آینه بیان کنم مر شمارا بهره آنانکه

تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي

اختلاف میکنند در او پس پرهیزکار گشید خدای و فرمان بردار گشید مرا بدرستیکه خدای اوست پروردگار منست

وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝ فَاخْتَلَفَ

و پروردگار شما پس پرستید اورا که اینست راه راست مستقیم پس اختلاف کردند

الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ

گروهان از میان ایشان پس وای مر آنان را که ستم کردند از عقوبت

يَوْمٍ أَلِيمٍ ۝ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً

روز دردناک را آیا چشم میدارند مگر قیامت آنکه بیاید ایشانرا ناگاه

وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ

وایشان نمیدانند دوستان روز قیامت بهره ایشان مر بهره دشمنی

إِلَّا الْمُتَّقِينَ ۝ يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا

مگر پرهیزکاران ای بندگان من ترسی نیست بر شما امروز و نه

أَنتُمْ تَحْزَنُونَ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ۝

شما اندوهگین باشید انانکه گرویدند بایات ما وبودند گردن نهندگان

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ۝ يُطَافُ عَلَيْهِم

درآیید در بهشت شما وجفتان شما شادمان باشید گردانیده میشود برایشان

بِصِحَافٍ مِّن ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ

کاسهها باطعام از زر وکوزهای بی دسته ودران باشد انچه آرزو کنند تنهای ایشان

وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ

ولذت گیرد چشمهای ایشان وشما دران جاودان باشید واین بهشت

الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ

انست میراث داده شدید شما انرا بانچه شما بودید کارکنندگان مرشمارا است دران میوهها

كَثِيرَةٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ ۝ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ

بسیار ازان بخورید بدرستیکه کافران را در عقوبت

جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ۝ لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ۝

دوزخ جاودان کم کرده نشود ازایشان وایشان دران نومید باشند

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَٰكِن كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ۝ وَنَادَوْا يَا مَالِكُ

ونکردیم ستم مایشانرا ولیکن بودند ایشان ستمکاران وندا کنند کای مالک دوزخ

لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُم مَّاكِثُونَ ۝ لَقَدْ جِئْنَاكُم

تا حکم کند برما پروردگار تو گفت بدرستیکه شما درنگ کنندگانید بدرستیکه آوردیم بشما

بِالْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ۝ أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا

براستی ولیکن بیشتر شما مرراستی دشوار داشتید یا محکم گردیده کاری

فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ۝ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُم بَلَىٰ

پس بدرستیکه ما محکم کنندهایم یا می پندارید اگر نمیشنویم ما ونمیدانیم نهانهای ایشانرا وراز گفتن ایشانرا

ورسلنا

ورسلنا لديهم يكتبون ۝ قل ان كان للرحمن ولد
وفرشتکان ما که نزد ایشانند مینویسند بگو ای محمد اگر هست برخداوند مهربان را فرزندی
فانا اول العابدين ۝ سبحان رب السموات والارض رب
پس منم اول یعنی پرستندگان پاک و منزه است پروردگار آسمانها و زمین پروردگار
العرش عما يصفون ۝ فذرهم يخوضوا ويلعبوا حتى يلاقوا
تخت بزرگ از آنچه صفت میکنند بد باکان پس بگذار ایشان را که بوکند و بازی میکنند در دین خود تا به بینند
يومهم الذي يوعدون ۝ وهو الذي في السماء اله وفي
از روز ایشان آنانکه وعده کرده است ایشان را و اوست آن خدا ایکه در آسمان سزاوار خدا است و در
الارض اله وهو الحكيم العليم ۝ وتبارك الذي له
زمین خدا است و او حکم کننده داناست و بزرگوار عالیست آن خدای که مراورا است
ملك السموات والارض وما بينهما وعنده علم الساعة
پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان هر دو است نزد اوست علم روز قیامت
واليه ترجعون ۝ ولا يملك الذين يدعون من دونه
و بسوی او باز گردانیده شوید و مالک نباشند روز قیامت آنانکه میخوانند و پرستند از جز خدای
الشفاعة الا من شهد بالحق وهم يعلمون ۝ ولئن
شفاعت را مگر کسیکه گواهی داد براستی و ایشان میدانند و اگر
سألتهم من خلقهم ليقولن الله فانى يؤفكون ۝
بپرسی تو ایشان را از آفرینش ایشان هر آئینه میگویند خدای آفریده پس از کجا گردانیده میشوند
وقيله يا رب ان هؤلاء قوم لا يؤمنون ۝ فاصفح عنهم
و گفتار ایشان ای پروردگار بدرستیکه ایشان گروهی اند که نمیگروند پس درگذر ای محمد از ایشان
وقل سلام فسوف يعلمون ۝ سورة الدخان سبع وخمسون آية
و بگو سلام باد شما را زود باشد که بدانند

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

حم ۝ والكتاب المبين ۝ انا انزلناه في ليلة مباركة

سوگند بحکم ودیگر وقران پیداکننده حق وباطل بدرستیکه ما فرستادیم اورا در شب مبارک

انا كنا منذرين ۝ فيها يفرق كل امر حكيم ۝ امرا

بدرستیکه بودیم ما بیم کننده ایم دران بیان کرده شود هر کاری محکم کرده شود کاری

من عندنا انا كنا مرسلين ۝ رحمة من ربك انه هو

از نزد ماست بدرستیکه بودیم ما فرستنده رسولان بخشایشی از پروردگار تو بدرستیکه او او

السميع العليم ۝ رب السموات والارض وما بينهما

شنوا دانا خداوند آسمانها وزمین وآنچه میان ایشانست

ان كنتم موقنين ۝ لا اله الا هو يحيي ويميت ربكم

اگر هستید شما بیگمانان نیست خدائی مگر او زنده میکند ومیمیراند خداوند شما

ورب اباۤئكم الاولين ۝ بل هم في شك يلعبون

وخداوند پدران شما پیشینیان بلکه ایشان در گمانند بازی کنندگان

فارتقب يوم تاتي السماء بدخان مبين ۝ يغشى الناس

پس صبر کن در عذاب روزی که بیارد آسمان دودی پیدا فرومی پوشاند دود مردمانرا

کافران وختنه دار ای محمد

هذا عذاب اليم ۝ ربنا اكشف عنا العذاب انا مؤمنون

اینست عقوبت دردناک گویند ای خداوند ما دور کن از ما عقوبت که ما گرویدگانیم

انى لهم الذكرى وقد جاءهم رسول مبين ۝ ثم تولوا

از کجاست مر ایشانرا پند وبدرستیکه آمد ایشانرا پیغمبری پیدا وبیان کننده پس برگردانیدند

عنه وقالوا معلم مجنون ۝ انا كاشفوا العذاب قليلا

ازو وگفتند آموخته شده است از مردمان بدرستیکه ما برنده ایم عقوبت را اندک زمانی

که دیوانه است
آنچه میگوید از
نزد خدا نیست
این ه

إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ۝ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا
بدرستیکه شما باز کردنده اید بکفر آنروز که بگیریم ما گرفتنی بزرگ بدرستیکه ما
مُنْتَقِمُونَ ۝ وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ
کینه کشنده کانیم و هر آئینه بدرستیکه مبتلا کردیم از پیش ایشان گروه فرعون را و آمد ایشان را
رَسُولٌ كَرِيمٌ ۝ أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ
پیغمبری گرامی اگر نه بفرستید سوی من بندگان خدا بدرستیکه من مر شما را پیغمبرام
أَمِينٌ ۝ وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ
راست کار و انکه رد کنند فرمان خدا را بر خدای بدرستیکه من آوردم شما را حجتی پیدا
وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ ۝ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا
و بدرستیکه من پناه میجویم بخداوند خود و خداوند شما از انکه سنگسار کنید مرا و اگر نگرویدید مرا گرویده
لِي فَاعْتَزِلُونِ ۝ فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَٰؤُلَاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ ۝
مرا پس کرانه کنید از جهان من پس دعا کرد خداوند او را بدرستیکه ایشان گروه گناه کارانند
فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ ۝ وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ
پس ببر بندگان مرا بشب بدرستیکه شما از پی کرده شدگانید و بگذار دریا را ساکن شده بدرستیکه ایشان
جُنْدٌ مُغْرَقُونَ ۝ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۝ وَزُرُوعٍ
لشکر غرق شدگانند چند گذاشتند از بوستانها و چشمها و کشتها
وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ۝ وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ ۝ كَذَٰلِكَ
و جایگاهای گرامی و جهانها که بودند دران تفکر میکردند همچنین
وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ ۝ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ
و میراث دادیم ما انرا گروهی دیگر پس گریه نکرد بر ایشان آسمان و زمین
وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ ۝ وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ
و نبودند مهلت داده شدگان و هر آئینه بدرستی برهانیدیم فرزندان یعقوب از عقوبت

نعیم قوم فرعون اندرینی
جز ایشان را بنمایند
ابد

المهين ۝ من فرعون انه كان عاليا من المسرفين ۝
خوار كننده از فرعون بدرستيكه او بود برترى از مسرفان
ولقد اخترناهم على علم على العالمين ۝ وآتيناهم
وهر آئنه بدرستيكه بركزيديم ايشانرا بر دانشتى بر جهانيان ودباديم ايشانرا
من الآيات ما فيه بلوء مبين ۝ ان هؤلاء ليقولون
از آيات آنچه در اوست آزمايش پيدا بدرستيكه اين كروه هر آئنه ميكويند
ان هي الا موتتنا الاولى وما نحن بمنشرين ۝ فأتوا
نيست اين مكر مردن ما نخستين ونيستيم ما كه برانكيخته شويم پس بياريد
بآبائنا ان كنتم صادقين ۝ اهم خير ام قوم تبع و
پدران مارا اكر هستيد شما راست كويان آيا ايشان بهترند يا كروه تبع كه اين نام ملكيست
الذين من قبلهم اهلكناهم انهم كانوا مجرمين ۝
وآنانكه از پيش ايشان بودند هلاك كرديم ما ايشانرا بدرستيكه ايشان بودند كناهكاران
وما خلقنا السماوات والارض وما بينهما لاعبين ۝ ما
ونه آفريديم ما آسمانها وزمين وآنچه ميان ايشانست بازى نه
خلقناهما الا بالحق ولكن اكثرهم لا يعلمون ۝ ان
نيافريديم ما ايشانرا مكر براستى وليكن بيشتر ايشان نميدانند بدرستيكه
يوم الفصل ميقاتهم اجمعين ۝ يوم لا يغني مولى عن
روز جدا كردن ميان كافران ومؤمنان يعنى روز قيامت ميقات ايشانست همه آنروز منفعت نكند خويشاوندى دوستى يعنى از
مولى شيئا ولا هم ينصرون ۝ الا من رحم الله انه هو
خويشان چيزى ونه ايشان يارى داده شوند مكر كسى راكه رحم كند خداى بدرستيكه اوست
العزيز الرحيم ۝ ان شجرت الزقوم طعام الاثيم
خداوند ارجمند بخشاينده بدرستيكه درخت زقوم خورش بدكاران كافران

كالمهل يغلي في البطون ۝ كغلي الحميم ۝ خذوه فاعتلوه

مانند زر وسیم گداخته میجوشند در شکمهای دوزخیان همچون آب گرم جوشان فرمان آید ملائکه را که بگیرید اورا پس کشید اورا

إلى سواء الجحيم ۝ ذق إنك أنت العزيز الكريم ۝ إن هذا ما

سوی میان دوزخ گویند بچش بدرستیکه تو تو عزیزی کریمی بدرستیکه این است که

كنتم به تمترون ۝ إن المتقين في مقام أمين ۝ في

بودید شما بدان شک آورندگان بدرستی پرهیزکاران در جایگاهی امن باشند در

جنات وعيون ۝ يلبسون من سندس وإستبرق

بوستانها و چشمها میپوشند از دیبای تنک و دیبای ستبر

متقابلين ۝ كذلك وزوجناهم بحور عين ۝ يدعون فيها

مقابل یکدیگر همچنین وجفت دهیم ایشان را با زنان سفید روی سیاه دیده فراخ چشم میخوانند در بهشت

بكل فاكهة آمنين ۝ لا يذوقون فيها الموت

بهر میوها ایمنانند از مرگ نچشند در بهشت مرگ را

إلا الموتة الأولى ووقاهم عذاب الجحيم ۝ فضلا من ربك

مگر مرگی که چشیده اند نخستین ونگاهداریم از عقوبت دوزخ این افزونیست از خداوند تو

ذلك هو الفوز العظيم ۝ فإنما يسرناه بلسانك لعلهم

اینست آن رستگاری بزرگ پس بدرستیکه آسان گردانیدیم قرآن را بزبان تو تا باشد که ایشان

يتذكرون ۝ فارتقب إنهم مرتقبون ۝

پند گیرند پس چشم دار بدرستیکه ایشان چشم دارندگانند

سورة الجاثية وهي سبع وثلثون آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

ثم صبوا فوق رأسه
پس ریخته شود زبر سراو
من عذاب الحميم
از عقوبت که گرم است

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره جاثیه بخواند ثوابش آنست که جهنم را نه بیند و آواز و خروش را نشنود و با رسول خدا صلی الله علیه وآله بوده باشد.

حم ۝ تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم ۝ ان في السموات

سوگند بحلم وملک اوست فرو فرستادن قران از خدای ارجمند محکم کار است بدرستیکه در آسمانها

والارض لايات للمؤمنين ۝ وفي خلقكم وما يبث

و زمین هر آئنه نشانهاست در وحدانیت خدا مر گرویدگان را و در آفرینش ایشان و آنچه پدا کننده است

من دابة ايات لقوم يوقنون ۝ واختلاف الليل و

از جنبندگان نشانهای قدرت است مر گروه بیگمانان را و اختلاف شب

النهار وما انزل الله من السماء من رزق فاحيا به الارض

روز و آنچه فرستاد خدا از آسمان از روزی پس زنده کند بدان زمین

بعد موتها وتصريف الرياح ايات لقوم يعقلون ۝ تلك

پس مردن آن و گشتن بادها نشانهای بر قدرت خدا مر گروه دریابندگان را اینست

ايات الله نتلوها عليك بالحق فباي حديث بعد الله

نشانهای قدرت خدا میخوانند آنرا برتو براستی پس بکدام حدیث پس کتاب خدا

واياته يؤمنون ۝ ويل لكل افاك اثيم ۝ يسمع ايات الله

و آیات او ایمان می آورند وای مر هر دروغگوی گناهکاری که می شنود آیات خدا

تتلى عليه ثم يصر مستكبرا كان لم يسمعها فبشره

که خوانده می شود براو پس اصرار میکند بر کفر از روی تکبر چنانست که نمی شنود آنرا پس مژده ده اورا

بعذاب اليم ۝ واذا علم من اياتنا شيئا اتخذها هزوا

بعقوبت دردناک و چون بداند از آیات ما چیزی بگیرد آنرا بافسوس استهزا

اولئك لهم عذاب مهين ۝ من ورائهم جهنم ولا يغني

ایشانند که مر ایشانراست عقوبت خوار کننده از پس مرگ ایشان دوزخ و بی نیاز نکند

عنهم ما كسبوا شيئا ولا ما اتخذوا من دون الله اولياء

از ایشان آنچه کردند چیزی و نه آنچه گرفتند از جز خدای دوستان

ولهم عذاب عظيم

ولهم عذاب عظيم ۝ هذا هدى والذين كفروا
ومرايشان را ست عقوبت بزرگ اينست راه نماينده وانانكه كافر شدند
بآيات ربهم لهم عذاب من رجز اليم ۝ الله الذي
بآيات خداوندشان مرايشان راست عقوبت از عذاب دردناك خدا ان خدايست
سخر لكم البحر لتجري الفلك فيه بامره ولتبتغوا من فضله
كه مسخر كرد مر شما را دريا تا برود كشتى دران بفرمان او تا بجوييد از فضل او
ولعلكم تشكرون ۝ وسخر لكم ما في السموات وما
تا باشد كه شما سپاس دارى كنيد ومسخر كرد مر شما را انچه در اسمانها وانچه
في الارض جميعا منه ان في ذلك لآيات لقوم يتفكرون ۝
در زمين است همه ازو بدرستيكه در اين هر اينه نشانهاست مر گروه انديشه كنندگان
قل للذين امنوا يغفروا للذين لا يرجون ايام الله ليجزي
بگواى محمد مر انانرا كه گرويدند در گذرند مر انانرا كه ندارند اميد روزهاى عذاب خدا تا جزا دهد
قوما بما كانوا يكسبون ۝ من عمل صالحا فلنفسه
گروهى را بدانچه بودند كه كسب كردند هر كه كردار نيكو پس مراورا ست ثواب ان
ومن اساء فعليها ثم الى ربكم ترجعون ۝ ولقد اتينا
وهر كه بدى كند پس بر اوست پس سوى خداوند شما باز گردندگان وبدرستيكه داديم ما
بني اسرائيل الكتاب والحكم والنبوة ورزقناهم
فرزندان يعقوب را كتاب وحكم وپيغمبرى وروزى داديم ما ايشانرا
من الطيبات وفضلناهم على العالمين ۝ واتيناهم
از پاكيزگيها وبرگزيديم ما ايشانرا بر عالميان ودا داديم ما ايشانرا
بينات من الامر فما اختلفوا الا من بعد ما جاءهم
پيدائيها از فرمان پس نكردند اختلاف مگر از پس انچه امد ايشانرا

الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

دانشی حسد میان ایشان بدرستی خداوند تو حکم میکند میان ایشان روز قیامت

فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ

در انچه بودند در ان اختلاف کنندکان پس کردیم ما ترا بر شریعتی و راست

مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۝ إِنَّهُمْ

از فرمان پس پیروی کن آنرا و مکن پیروی خواهشهای انانکه نمیدانند بدرستیکه ایشان

لَنْ يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ

هرگز باز نمیدارند از تو از عذاب خدا چیزی و بدرستیکه ستمکاران بعض ایشان دوستانند

بَعْضٍ وَاللّٰهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ ۝ هٰذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى

بعضی را و خدا دوست دارنده پرهیزکارانست اینست بینائیها مر مردمان را و راه نمودنی

وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۝ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا

و بخشایش مر گروهی را که بیگمانانند یا می پندارند انانکه کسب کردند بدیها

السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً

که بکنیم ما ایشان را مانند انانکه گرویدند و کردار نیکو کردند برابر

مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۝ وَخَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوَاتِ

در زندگی ایشان و مرگ ایشان بد است انچه حکم میکنند ایشان و آفرید خدا آسمانها

وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ

و زمین براستی و تا پاداش داده شود هر تنی بانچه کسب کردند و ایشان

لَا يُظْلَمُونَ ۝ أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلٰهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ

ستم کرده نشوند ایا پس چه می بینی ای محمد انرا که برگزید خدای خود را از خواهش خود و گمراه کرد او را

اللّٰهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ

خدا بر دانش و مهر کرد بر گوش او و دل او و بکرد بر بینائی او

غشاوة فمن يهديه من بعد الله أفلا تذكرون ○ وقالوا
پوشش پس کیست که راه نماید اورا از پس خدای ایا پس پند نمیگیرند وگفتند
ما هي إلا حياتنا الدنيا نموت ونحيا وما يهلكنا
نیست این مگر زندگانی ما در جهان می میریم ما وزنده می شویم و نمیکند هلاک ما را
إلا الدهر وما لهم بذلك من علم إن هم إلا يظنون ○
مگر درازی عمر ونیست مران را باین از هیچ دانشی نیستند این مگر گمان برندگان
وإذا تتلى عليهم آياتنا بينات ما كان حجتهم
چون خوانده شود برایشان ایات ما هویدا ایها نباشد حجت ایشان
إلا أن قالوا ائتوا بآبائنا إن كنتم صادقين ○ قل الله
مگر اینکه گویند بیارید پیغمبر پدران مارا اگر هستید شما راست گویان بگو یا محمد خدای
يحييكم ثم يميتكم ثم يجمعكم إلى يوم القيامة لا ريب
زنده میکند شمارا پس میمیراند شمارا پس گرد آورد شمارا سوی روز قیامت نیست شکی
فيه ولكن أكثر الناس لا يعلمون ○ ولله ملك
دران ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند ومر خدایراست پادشاهی
السماوات والأرض ويوم تقوم الساعة يومئذ يخسر
آسمانها وزمین وروزیکه برخیزد قیامت آن روز زیان کنند
المبطلون ○ وترى كل أمة تدعى إلى كتابها اليوم
باطل کاران را وببینی تو ای محمد هر گروهی را خوانده شود بسوی نامه اعمال او امروز
تجزون ما كنتم تعملون ○ هذا كتابنا ينطق عليكم
پاداش داده شوید آنچه بودید شما کنندگان اینست کتاب ما سخن میگوید بر شما
بالحق إنا كنا نستنسخ ما كنتم تعملون ○ فأما الذين
براستی بدرستیکه بودیم ما نسخه بردارنده آنچه بودید شما کنندگان پس اما آنانکه

جاثية كل أمة
برانو درآمده هر گروهی

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ

گرویدند وکردار نیکو کردند پس درمی آرد ایشان را خداوند ایشان در رحمت خود

ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ۝ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ

اینست او رستگاری پیدا واما آنانکه نگرویدند پس نبود که

آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُجْرِمِينَ

آیات من خوانده شده بر شما پس تکبر کردید شما وهستید شما گروهی گناهکاران

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ

وچون گفته شد بدرستیکه وعده خدا راست است وروز قیامت نیست هیچ شکی در آن گفتید

مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ

ندانیم ما که چیست روز قیامت گمان نبریم ما مگر گمانی ونیستیم ما بیقین دارندگان

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

وپیدا شود مر ایشان را بدیهای آنچه کردند وفرود آید بایشان آنچه بودند بدان استهزا کنندگان

وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا

وگویند امروز فراموش کنیم ما شما را همچنانکه فراموش کردید دیدار امروز شما اینست

وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۝ ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمُ

وجای شما است دوزخ ونیست مر شما را از هیچ یاری دهنده اینست شما را بدرستیکه شما

اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ

گرفتید شما آیات خدا استهزا وفریفت شما را زندگانی دنیا پس امروز

لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ۝ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ

بیرون آورده نشوید از آن ونیست ایشان را عذر پذیرفتگان پس مر خدا راست ستایش خداوند آسمانها

وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ

وخداوند زمین است وخداوند جهانیان است ومر اوراست کبریا در آسمانها

والارض

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره احقاف را در هر شب جمعه بخواند در دنیا خوف با و خوف نرسد و از فزع قیامت کرده و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که سورهای حامیم ریاحین بهشتند پس چون توفیق خواندن انها بیابد حمد و ثنا بکند که توفیق تلاوت انها را شما کرامت فرمود است بدرستیکه بنده که از خواب برخیزد و در بیان حامیم بخواند از دهانش مشک خوش بو تر از مشک و عنبر بیرون اید بدرستی حق تعالی رحم میکند تلاوت کننده و خوانندهای این سوره ها را و رحم میکند بر همسایگان و آشنایان و مصاحبان و خویشان او و در روز قیامت عرش و کرسی و ملائکه مقرب از برای او استغفار می نمایند بن عمر الحق

٢٦

الجزء السادس والعشرون

والارض وهو العزيز الحكيم ○ سورة الاحقاف اربع وثلثون آية

و زمین و اوست ارجمند محکم کار

بسم الله الرحمن الرحيم ○

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

حم ○ تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم ○ ما خلقنا

سوگند بحلم که فرستادن قران از خدای ارجمند کننده نیافریدیم ما

السموات والارض وما بينهما الا بالحق واجل مسمى

آسمانها و زمین و آنچه میان آن است مگر براستی و مهلتی نام برده شده

والذين كفروا عما انذروا معرضون ○ قل ارايتم ما تدعون

و آنانکه نگرویدند از آنچه بیم کرده شدند روی گردانندگان بگو ای محمد می بینید شما آنچه میپرستید شما

من دون الله اروني ماذا خلقوا من الارض ام لهم شرك

از جز خدای بنمائید مرا که چه چیز آفریدند از زمین یا مر ایشان راست شرکتی

في السموات ائتوني بكتاب من قبل هذا او اثارة

در آفرینش آسمانها بیارید بکتابی که آمده است از پیش این قران یا حجتی

من علم ان كنتم صادقين ○ ومن اضل ممن يدعوا من

از دانشی اگر هستید شما راستگویان و کیست گمراه تر از آنکسی که میخواند از

دون الله من لا يستجيب له الى يوم القيمة وهم عن دعائهم

جز خدا کسیکه اجابت نمیکند مر او را تا روز قیامت و ایشان از خواندن ایشان

غافلون ○ واذا حشر الناس كانوا لهم اعداء وكانوا

بیخبرانند و چون گرد کرده شوند مردمان بودند مر ایشان را دشمنان و بودند

بعبادتهم كافرين ○ واذا تتلى عليهم اياتنا بينات قال الذين

بپرستیدن ایشان ناگرویدگان و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما پیدا کننده امر و نهی گویند آنانکه

كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ هٰذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ۝ اَمْ يَقُولُونَ
نکرویدند مر راستی را چون آمد ایشان را این جادویست پیدا یا میگویند
افْتَرٰيهُ قُلْ اِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا هُوَ
بر بافته است پیغمبر بگو ای محمد صلعم بر بافته ام من آن را پس نیستید مالک مرا از خدا چیزی او
اَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفٰى بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَ
داناترست بدانچه میگوئید در قران بسنده است بدان خدا گواه دهنده میان من و میان شما و
هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا
اوست آمرزنده بخشاینده بگو ای محمد نیستم من نو پیش شما از پیغمبران و
اَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ اِنْ اَتَّبِعُ اِلَّا مَا يُوحٰى اِلَيَّ
دانم من که آنچه میکند مرا و نه بشما پیروی نکنم مگر آنچه وحی کرده سوی من
وَمَا اَنَا اِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ قُلْ اَرَاَيْتُمْ اِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَ
و نیستم من مگر بیم کننده پیدا بگو ای محمد صلعم آیا ببینید شما اگر هست قران از نزد خدا و
كَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي اِسْرَآئِيلَ عَلٰى مِثْلِهِ فَاٰمَنَ
کافر شدید بدان و گواهی داد گواهی دهنده از فرزندان یعقوب بر مانند گواهی دادن
وَاسْتَكْبَرْتُمْ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ وَقَالَ
و تکبر کردید شما بدرستیکه خدا راه نمینماید گروه ستمکاران را و گفتند
الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ اٰمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا اِلَيْهِ
آنانکه کافر شدند مر آنان را که گرویدند اگر بودی چیزی پیشی نمیکردند ما را سوی او
وَاِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هٰذَا اِفْكٌ قَدِيمٌ ۝ وَمِنْ قَبْلِهِ
و چون راه نیافتند بدان پس گفتند این قران دروغ قدیم و از پیش این بود
كِتَابُ مُوسٰى اِمَامًا وَرَحْمَةً وَهٰذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ
کتاب موسی پیشرو و رحمت و این کتابیست راست دارنده

لساناً عربياً لينذر الذين

لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنْذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِلْمُحْسِنِينَ ۝ إِنَّ

بزبان تازی تا بیم کنند انانکه ستمکارانند و مژده دهنده مر نیکان را بدرستی

الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

انانکه گفتند خداوند ما الله است پس استقامت ورزیدند پس نیست ترسی بر ایشان

وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا

نه ایشان اندوهگین گردند ایشانند باشندگان بهشت جاودانه در ان باشند

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ

پاداشی بر انچه بودند کنندگان و وصیت کردیم ما مردمان را بحق مادر و پدر

إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَ

نیکی کردن برداشت اورا مادر او برنجی و زائید اورا برنجی و برداشتن و

فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً

وجدا کردن مر اورا از شیر بعد دو سال و شش ماه تا چون برسد باجتماع قوت او و برسد چهل سالگی

قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ

گفت ای بار خدایا الهام و توفیق ده مرا که شکر گویم نعمت ترا انکه نعمت دادی و منت نهادی بر من و بر

وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي

مادر و پدر من و انکه بکنم کردار نیکی که رضای تو در ان بود و اصلاح ارحرا در فرزندان من بدرستی من

تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ

باز گشتم سوی تو و بدرستی که من از گردن نهندگانم ایشانند انانکه از ایشان

أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ

نیکوتر انچه کردند و درگذریم از بدیهای ایشان در باشندگان بهشت

وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ۝ وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ

وعده راست انکه بودند وعده کرده شدگان و انانکه گفتند مر مادر و پدر خود را که مادر و پدر منشید

أُفٍّ لَكُمَا أَتَعِدَانِنِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي

ننگ مر شمارا ايا وعده ميکنيد مرا انکه زنده کنند و بيرون ارند و بدرستيکه گذشت روزگارها از پيش من

وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ اللَّهَ وَيْلَكَ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا

و مادر و پدر فرياد خواهند از خداى و او را ملامت کنند و گويند ويل بر تو گرويد بدرستيکه وعده خداى راستست پس ميگويد نيست

هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ

اين مگر نوشتهاى پيشينيان   ايشانند   انانکه   واجب شده برايشان گفتار عذاب

فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا

در گروهها انکه گذشتند از پيش ايشان   از پريان   و ادميان   بدرستيکه ايشان بودند

خَاسِرِينَ ۝ وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ

زيان کاران   و مر هر يکى را پايگاهست از انچه کردند و تا تمام دهيم ايشانرا پاداش کردارها

وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى

و ايشان ستمکرده نشوند   و ان روز که عرض کرده شوند   انانکه   نگرويدند   بر

النَّارِ ۚ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ

اتش دوزخ گويند بخورديد روزيهاى پاکيزه خود را در زندگانى خود دنيا   و برخوردارى داشتيد

بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ

بدان پس امروز   پاداش داده شويد   عقوبت خوارکننده   بدانچه بوديد شما تکبر کنندگان

فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ ۝ وَاذْكُرْ أَخَا

در زمين   بجز حق   و بدان بوديد شما تباه کاران   و ياد کن اى محمد قصه

عَادٍ ۖ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ النُّذُرُ مِنْ

هود   چون بيم کرد گروه خود را بتلهاى ريگ   و بدرستيکه گذشتند بيم کنندگان از

بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ

ميان روى او   و از پس پشت او   گفت اينکه مپرستيد   مگر خداى را   بدرستيکه من ميترسم

عليکم

عليكم عذاب يوم عظيم ۝ قالوا أجئتنا لتأفكنا

برشما عقوبت روز بزرگ گفتند ایا بیامدی مارا تا بگردانی مارا

عن آلهتنا فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصادقين ۝

از پرستش خدایان ما پس بیار بما بانچه وعده میکنید مارا اگر هستی از راست گویان

قال إنما العلم عند الله وأبلغكم ما أرسلت به ولكني

گفت جز این نیست که دانستن ان نزد خدا است و برسانم من شمارا انچه فرستاده شدم بدان ولیکن

أريكم قوما تجهلون ۝ فلما رأوه عارضا مستقبل

می بینم شمارا گروهی نادان پس چون بدیدند اورا ابری روی نهاده

أوديتهم قالوا هذا عارض ممطرنا بل هو ما استعجلتم به

بوادی ایشان گفتند این ابریست که باران دهد مارا بلکه این ان ابریست که شتاب کردید شما بدان

ريح فيها عذاب أليم ۝ تدمر كل شيء بأمر ربها فأصبحوا

بادیست دران عقوبت دردناکست که هلاک کند هر چیزرا بفرمان خداوند خویش پس بامداد کردند

لا يرى إلا مساكنهم كذلك نجزي القوم المجرمين ۝

دیده نشد مگر مسکنهای ایشان همچنین پاداش میدهیم ما گروه کافران را

ولقد مكناهم فيما إن مكناكم فيه وجعلنا لهم

و بدرستیکه متمکن کردیم ما ایشان را دران و کردیم ما ایشان را

سمعا وأبصارا وأفئدة فما أغنى عنهم سمعهم ولا

شنوائی و بینائی و دلها پس سود نکرد از ایشان شنوائی ایشان و نه

أبصارهم ولا أفئدتهم من شيء إذ كانوا يجحدون

بینائی ایشان و نه دلهای ایشان از چیزی چون بودند انکار کنندگان

بآيات الله وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون ۝ ولقد

بایات خدای و فرود آمد بایشان انچه بودند بدان استهزا کنندگان و بدرستی

أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ
که هلاک کردیم ما آنچه گرد شما از دیهه‌ها و بگردانیدیم ما آیات را تا شاید ایشان
يَرْجِعُونَ ۝ فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا
باز گردند پس چرا یاری نکردند ایشان آنانکه بگرفتند از جز خدا قریب را
آلِهَةً ۖ بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ ۚ وَذَٰلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝
خدائی بلکه گمراه شدند از ایشان و اینست دروغ ایشان و آنچه بودند دروغ گویان
وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا
و چون گردانیدیم ما سوی تو گروهی را از پریان که گوش میداشتند قران را پس چون
حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا ۖ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ
حاضر آمدند رسول را گفتند خاموش باشید پس چون فارغ شد بازگشتند سوی گروه خویش بیم کنندگان
قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا
گفتند ای گروه ما بدرستی ما شنیدیم کتابی که فرستاده شده از پس کتاب موسی براستی
لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ ۝
مرآنچه پیش روی اوست راه نماینده سوی راستی و سوی راهی راست
يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ
ای گروه ما اجابت کنید خواننده دین خدا و ایمان آرید بدان می‌آمرزد مر شما را از گناهان شما
وَيُجِرْكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ
و میرهاند شما را از عقوبت دردناک و هر که اجابت نکند خواننده دین خدا را نیست
بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ ۚ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ
عاجز کننده و نا دارنده در زمین و نیست مر او را از جز او دوستان ایشانند در گمراهی
مُبِينٍ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
پیدا آیا نمی‌بینید بدرستیکه خدا آنچنانست که آفرید آسمانها و زمین

ولم يعي بخلقهن

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره الذین کفروا را بخواند گناه نکند و در دین خود هرگز شک بهم نرساند و بفقر هرگز مبتلا نشود و هرگز از پادشاهی خوف باو نرسد و همیشه از شرک و کفر محفوظ باشد تا بمیرد و حق تعالی هزار ملک بقبر او فرستد که نماز کنند و ثواب آن از ایشان ازو باشد و چون از قبر بیرون آید هزار ملک او را مشایعت کنند تا او را بمحل ایمنان از خوفهای قیامت برسانند و در امان خدا و رسول باشد

وَلَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ط بَلَىٰ إِنَّهُ

و مانده نشود بافریدن انها بقدرت بر آنکه زنده میکند مرده را آری بدرستیکه او

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى

بر همه چیزی توانا و روزی که عرض کرده شود انانکه کافر شدند بر

النَّارِ ط أَلَيْسَ هَٰذَا بِالْحَقِّ ط قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا ۚ قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَا

بر اتش ایا نیست این براستی گویند اری و خداوند ما گوید پس بچشید عقوبت

بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ

انچه بودید شما کافر شده پس صبر کن چنانچه صبر کردند خداوندان عزم از پیغمبران

وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ ۚ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا

و شتاب مکن مر ایشان را چنانکه ایشان از روز که ببینند انچه وعده کرده شدند درنگ نکردند در

إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ ط بَلَاغٌ ۚ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ

دنیا مگر ساعتی از روز پندیست در قرآن پس هلاک نمیشوند مگر گروه

الْفَاسِقُونَ ۝

تباه کاران

سُورَةُ مُحَمَّدٍ ص وَهِيَ أَرْبَعُونَ آيَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ۝

انانکه کافر شدند و باز گردیدند از راه خدا گمراه کرد اعمال ایشان

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

و انانکه گرویدند و کردار نیکو کردند و گرویدند بدانچه فرستاده شد بمحمد ص

وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ ۙ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ۝

و او حق است از خداوند ایشان بپوشاند از ایشان بدیهای ایشان و باصلاح آرد کار ایشان ط

ذلك بأن الذين كفروا اتبعوا الباطل وأن الذين آمنوا

اینت بدرستی انانکه نکرویدند وپیروی کردند باطل را وبدرستیکه انان که کرویدند

اتبعوا الحق من ربهم كذلك يضرب الله للناس

پیروی کردند حق را از خداوندان ایشان همچنین بدید کند خدا مر مردمان را

أمثالهم ۝ فإذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب

مانندهای ایشان پس چون ببینید انانکه نکرویدند پس بزنید گردن ایشان

حتى إذا أثخنتموهم فشدوا الوثاق فإما منا بعد وإما فداء

تا چون استوار کنید ایشان را پس سخت کنید بند ایشان پس منت نهید عوض پس ازان ویا جزیه بگیرید

حتى تضع الحرب أوزارها ذلك ولو يشاء الله لانتصر منهم

تا بنهید حرب بارهای خود را اینت واگر میخواهد خدای یاری بکند ازان

ولكن ليبلو بعضكم ببعض والذين قتلوا في سبيل الله

ولیکن تا بیازماید بهره شما را ببهره وانانکه کشته شدند در راه خدا

فلن يضل أعمالهم ۝ سيهديهم ويصلح بالهم ۝ ويدخلهم

پس هرگز گمراه نمیکند کردار ایشان را زود باشد که راه نماید و باصلاح مر ارد کار ایشان و در مر اردان

الجنة عرفها لهم ۝ يا أيها الذين آمنوا إن تنصروا الله ينصركم

در بهشت شناسا کند مر ایشان را ای انانکه گروید اگر یاری میدهید خدا یاری

ويثبت أقدامكم ۝ والذين كفروا فتعسا لهم وأضل

واستوار میکند قدمهای شما را وانانکه نکرویدند پس هلاکیت مر ایشان را وگمراه کند

أعمالهم ۝ ذلك بأنهم كرهوا ما أنزل الله فأحبط

کردارهای ایشان

أعمالهم ۝ أفلم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان

ایا پس نمیروند در زمین پس نمی‌نگرند که چگونه بود

عاقبة الذين

عاقبة الذين من قبلهم دمر الله عليهم وللكافرين

سرانجام آنانکه از پیش ایشان بودند هلاک کرد خدا ایشان را و مر کافران را

امثالها ۝ ذلك بان الله مولى الذين آمنوا وان الكافرين

مانند آنها این بدرستی خدا دوست آنانکه گرویدند و بدرستیکه کافران را

لا مولى لهم ۝ ان الله يدخل الذين آمنوا وعملوا الصالحات

نیست دوستی مر ایشان را بدرستیکه خدا داخل میکند آنانکه گرویدند و کردار نیکو کردند

جنات تجري من تحتها الانهار والذين كفروا يتمتعون

بهشت که جاریست از زیران جویها و آنانکه نگرویدند برخوردار میگردند

ويأكلون كما تأكل الانعام والنار مثوى لهم ۝

و میخورند چنانچه میخورند چهارپایان و آتش دوزخ جایگاهست مر ایشان را

وكأين من قرية هي اشد قوة من قريتك التي اخرجتك

و چندی از اهل دیهها و شهرها که آن سخت تر بود بقوت از دیهه تو که بیرون کردند ترا

اهلكناهم فلا ناصر لهم ۝ افمن كان على بينة

هلاک کردیم ما ایشان را پس نبود یاری مر ایشان را آیا پس کسیکه هست بر حجتی

من ربه كمن زين له سوء عمله واتبعوا اهواءهم ۝

از خداوند خویش همچو کسیکه آراسته شد مر او را بدی کردار او و پیروی کردند خواهشهای دل خویش

مثل الجنة التي وعد المتقون فيها انهار من ماء غير

مانند بهشت که وعده کرده شدند پرهیزکاران دران جویهاست از آب غیر

آسن وانهار من لبن لم يتغير طعمه وانهار من خمر لذة

متغیر و جویها از شیر که نمیشود متغیر مزه آن و جویها از می خوش بالذت

للشاربين وانهار من عسل مصفى ولهم فيها من كل

مر نوشندگان و جویها از عسل صاف کرده شده و مر ایشانراست دران از همه

الثمرات ومغفرة من ربهم كمن هو خالد في النار

میوه وآمرزش از خداوندان ایشان همچون کسیکه او جاودانه باشند در اتش

وسقوا ماء حميما فقطع امعاءهم ۝ ومنهم من يستمع اليك

واشامانیده شود آب گرمی پس پاره گردد رودهای ایشان و ایشان هرکه می شنود خطبه تو

حتى اذا خرجوا من عندك قالوا للذين اوتوا العلم ماذا

تا چون بیرون میروند از نزد تو گفتند مر انانرا که داده شدند دانش چه چیز

قال انفا اولئك الذين طبع الله على قلوبهم واتبعوا اهواءهم

گفت محمد اکنون اینانند انانکه مهر نهاد خدای بر دلهای ایشان و پیروی کردند خواهشهای

والذين اهتدوا زادهم هدى واتيهم تقويهم ۝ فهل

وانانکه راه یافتند زیاده کردیم راه نمای را و دادیم ایشانرا پرهیزکاری پس آیا

ينظرون الا الساعة ان تاتيهم بغتة فقد جاء اشراطها

نمی نگرند ای محمد مگر آمدن قیامت انکه بیاید ایشانرا ناگهان پس تحقیق آمد علامتهای

فانى لهم اذا جاءتهم ذكريهم فاعلم انه لا اله الا الله

پس ستیزه مر ایشانرا چون بیاید قیامت ایشانرا پند ایشان ذات پس بدانکه بدرستی او خدای نیست مگر خدای

واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات والله يعلم

و آمرزش خواه مر گناهان خویش و مر مومنین و مومنات را و خدا میداند

متقلبكم ومثويكم ۝ ويقول الذين امنوا لولا نزلت

گشتن شما را روز و جای گرفتن شما در شب و میگویند انانکه گرویدند چرا فرستاده نشد

سورة فاذا انزلت سورة محكمة وذكر فيها القتال

امر قتال سوره پس چون فرستاده شد سوره محکم و یاد کرده شد دران سوره قتال

رايت الذين في قلوبهم مرض ينظرون اليك نظر المغشي

دیدی تو انانرا که در دلهای ایشان که بیماری شرک و نفاق مینگرند سوی تو نگریستنی که پوشیده باشند

عليه من الموت فأولى لهم ۝ طاعة وقول معروف فاذا

او بیهوشی از مرگ پس اولی است مر ایشان را که بهمین فرمان برداری و گفتار نیکو پس چون

فاذا عزم الأمر فلو صدقوا الله لكان خيرا لهم ۝

پس چون واجب شد امر قتال پس اگر راست گویند مر خدا را و طاعت میکردند هر آینه بود بهتر مر ایشان را

فهل عسيتم ان توليتم ان تفسدوا في الأرض وتقطعوا

پس آیا نزدیک شد اگر پشت بگردانید آنکه تباهی کنید در زمین و ببرید

أرحامكم ۝ أولئك الذين لعنهم الله فأصمهم وأعمى أبصارهم

پیوندهای رحمهای خویش ایشانند آنانکه لعنت کرد ایشان را خدا پس کر گردانید ایشان را و کور کرد چشمهای ایشان

أفلا يتدبرون القران أم على قلوب أقفالها ۝ ان الذين

آیا پس نیست تفکر ایشان را در این قران یا بر دلهای ایشان قفلهاست بدرستی آنانکه

ارتدوا على أدبارهم من بعد ما تبين لهم الشيطان

الهدى
هدایت

برگشتند بر پشتهای خویش از پس آنچه پیدا شد مر ایشان را دیو

سول لهم وأملى لهم ۝ ذلك بأنهم قالوا للذين كرهوا

بیاراست مر ایشان را و املا کرد مر ایشان را اینست بدرستیکه ایشان گفتند مر آنان را که کراهیت داشتند

ما نزل الله سنطيعكم في بعض الأمر والله يعلم

آنچه فرستاده است خدا زود باشد که اطاعت کنیم ترا در بعضی فرمان و خدا میداند

إسرارهم ۝ فكيف اذا توفتهم الملائكة يضربون وجوههم

پس چگونه باشد چون بمیرانند ایشان را فرشتگان میزنند رویهای ایشان را

وأدبارهم ۝ ذلك بأنهم اتبعوا ما أسخط الله وكرهوا

و پشتهای ایشان را اینست بدرستی ایشان پیروی کردند آنچه خشم خدا بر آن و مکروه داشتند

رضوانه فأحبط أعمالهم ۝ أم حسب الذين في قلوبهم

خوشنودی خدا را پس ناچیز کرد خدا کردار ایشان را یا پندارند آنانکه در دلهای ایشان

مَرَضٌ اَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللّٰهُ اَضْغَانَهُمْ ۝ وَلَوْ نَشَاۤءُ لَاَرَيْنَاكَهُمْ

بیماریست که هرگز بیرون نیارد خدا انچه در دلهای ایشانست واگر خواهیم ماهر اینه بنماییم تو ایشانرا

فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ ط وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ ط وَاللّٰهُ يَعْلَمُ

تا بشناسی تو ایشانرا بعلامت ایشان وهر اینه بشناسی ایشانرا در گفتن زبان گفتار ایشان وخدا میداند

اَعْمَالَكُمْ ۝ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتّٰى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ

کردار شما وهر اینه می ازماییم شمارا تا بدانیم ما کارزار کنندگانرا از شما

وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَا اَخْبَارَكُمْ ۝ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا

وشکیبایی کنندگان وبیازماییم ما خبرهای شمارا بدرستی انانکه کافر شدند وبازداشتند

عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ وَشَاۤقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ

از راه خدا وخلاف کردند پیغمبررا از پس انچه پیدا شد مرایشانرا

الْهُدٰى لَنْ يَضُرُّوا اللّٰهَ شَيْئًا ط وَسَيُحْبِطُ اَعْمَالَهُمْ ۝

راه هرگز زیان نکنند خدا چیزی وزود باشد که ناچیز کند خدا کردارهای ایشان

يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اَطِيعُوا اللّٰهَ وَاَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا

ای انانکه بگرویدید فرمان برید خدارا وفرمان برید رسولرا وباطل مکنید

اَعْمَالَكُمْ ۝ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ

کردارهای خویش بدرستی انانکه نگرویدند وبازداشتند دیگرانرا از راه خدا

ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ ۝ فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا

پس مردند وایشان بودند کافران پس هرگز نیامرزد خدا مرایشانرا پس خوار مباشید وخوانید ایشانرا

اِلَى السَّلْمِ وَاَنْتُمُ الْاَعْلَوْنَ ج وَاللّٰهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتِرَكُمْ

سوی صلح وشما برترانید وخدا باشماست وهرگز نقصان نمیکند شمارا

اَعْمَالَكُمْ ۝ اِنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَاِنْ تُؤْمِنُوا

کردارهای شمارا جز این نیست زندگانی این جهان بازیست ومشغولی واگر بگروید

وتتقوا

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که حفظ نماید اموال وزنان خودرا وبندهای خودرا بخواندن سوره انا فتحنا بر کسیکه بخواندن این سوره مداومت نماید در روز قیامت منادی از جانب رب العزت او را ندا
میکند که همه خلایق بشنوند که از بندگان مخلص ماتی ایمنیکه او را ملحق کرد اند به بندگان شایسته من او را داخل بهشت جاوید کنید واز شراب بهشت که با کافور ممزوجست باو بخورانید ۳

وتتقوا یؤتکم اجورکم ولا یسألکم اموالکم ۞ ان
وپرهیز کنید میدهد خدا مزدهای شمارا ونمی پرسد شمارا مالهای شمارا اگر
یسألکموها فیحفکم تبخلوا ویخرج اضغانکم ۞
میکرد سوال شمارا پس الحاح میکرد وبخیلی وبیرون می آورد کینه های شمارا
ها انتم هؤلاء تدعون لتنفقوا فی سبیل الله فمنکم من
اینک شما اید ای گروه که خوانده شدید هر آینه نفقه کنندگان در راه خدا پس از شما هر که
یبخل ومن یبخل فانما یبخل عن نفسه والله الغنی وانتم الفقراء
بخل میکند جز این نیست که بخیلی میکند از تن خود وخدا بی نیازست وشما محتاجانید
وکسیکه بخل ورزد
وان تتولوا یستبدل قوما غیرکم ثم لا یکونوا
واگر روی بگردانید بدل میکند شمارا بگروهی غیر شما پس نباشند آنگروه
امثالکم ۞
مانندهای شما

سورة الفتح وهی تسع وعشرون آیة

بسم الله الرحمن الرحیم ۞
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان
انا فتحنا لک فتحا مبینا ۞ لیغفر لک الله ما تقدم من
بدرستی حکم کردیم بامر ترا باظهار دین مسلمانی تا بیامرزد مر ترا خدا آنچه بگذشت از
ذنبک وما تأخر ویتم نعمته علیک ویهدیک صراطا
ذلت تو گناه از
وآن گناه
وآنچه خواهد آمد وتمام میکند خدا نعمت خویش را بر تو وراه مینماید ترا راهی
مستقیما ۞ وینصرک الله نصرا عزیزا ۞ هو الذی انزل السکینة
راست ویاری میدهد ترا خدا یاری دادنی ارجمند اوست آن خدا آنکه فرستاد آرام
فی قلوب المؤمنین لیزدادوا ایمانا مع ایمانهم ولله
در دلهای گروندگان تا زیاده کنند ایشان را یقین ثبات با یقین ایمان ایشان ومر خدا راست

جنود السموات والارض وكان الله عليما حكيما ليدخل

لشکرهای آسمانها وزمین وهست خدا دانای حکم کننده هر آینه در آورد

المؤمنين والمؤمنات جنات تجري من تحتها الانهار

مردان گرونده وزنان گرونده ببوستانها که میرود از زیران جویها

خالدين فيها ويكفر عنهم سيئاتهم وكان ذلك

جاوید اند دران باشند وبرطرف میکند ازان ایشان گناهان ایشان را وهست این

عند الله فوزا عظيما ويعذب المنافقين والمنافقات

نزد خدا رستگاری بزرگ وعقوبت میکند منافقان را از مردان وزنان منافقه

والمشركين والمشركات الظانين بالله ظن السوء عليهم

ومردان انباز گیرنده وزنان مشرکه که گمان می برند بخدا گمان بدی بر ایشان

دائرة السوء وغضب الله عليهم ولعنهم واعد لهم جهنم

باز گردنده است بدی وخشم خدای بر ایشان ونفرین خدای بر ایشان وآماده کرد مر ایشان را دوزخ

وساءت مصيرا ولله جنود السموات والارض وكان

وبد جای باز گشتنیست دوزخ ومر خدای راست لشکرهای آسمانها وزمین وهست

الله عزيزا حكيما انا ارسلناك شاهدا ومبشرا و

خدا ارجمند حکم کننده بدرستی فرستادیم ما ترا گواهی دهنده ومژده دهنده و

نذيرا لتؤمنوا بالله ورسوله وتعزروه وتوقروه وتسبحوه

بیم کننده که هر آینه بگروید بخدا وپیغمبر او ویاری کنید پیغمبر اورا وتعظیم نمایید پیغمبر اورا وتسبیح

بكرة واصيلا ان الذين يبايعونك انما يبايعون

بامداد وشبانگاه بدرستی آنانکه بیعت کردند ترا جز این نیست که بیعت کردند

الله يد الله فوق ايديهم فمن نكث فانما ينكث على نفسه

خدا قدرت وقوت خدا زبر قوت ایشانست پس هرکه در نکث کند پس جز این نیست که در نکث میکند بر تن خود

نصف جز

وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ سَيَقُولُ

وهر که وفا کند بدانچه عهد کرد بر او خدا پس زود باشد بدهد او را خدا مزدی بزرگ زود باشد که بگویند

لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا

مر ترا اختلاف کنندگان از بدویان یعنی عربها که مشغول کرد ما را مالهای ما و اهل و عیال ما

فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ

پس آمرزش خواه برای ما میگویند بزبانهای خویش آنچه نیست در دلهای ایشان بگو ای محمد

فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ

آن کیست که مالک میکند مر شما را از خدا چیزی اگر خواهد بشما زیانی یا خواهد بشما

نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ

نفعی بلکه هست خدا بدانچه میکنید دانا و آگاه بلکه گمان بردید شما که هرگز

يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ

باز نمیگردد رسول وگرویدگان سوی اهل عیال خویش همیشه و آراسته شد این گمان

فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ۝

در دلهای شما وگمان بردید شما گمان بد و هستید شما گروه هلاک شدگان

وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ

و هر که نمیگرود بخدا و رسول او پس بدرستی ما آماده کردیم مر ناگروندگان را

سَعِيرًا ۝ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ

دوزخ و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین می آمرزد مر هر که را می خواهد

وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ سَيَقُولُ

و عقوبت میکند مر هر که را می خواهد و هست خدا آمرزنده بخشاینده زود باشد که بگویند

الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا

پس ماندگان یعنی تازیان چون بروید شما سوی غنیمتها که برانند بگیرید آن را دست نگاه دارید

نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ ط قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا

که بیائیم با شما میخواهند که بدل کنند سخن خدا را بگو ای محمد هرگز نیائید با ما

كَذَٰلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ ج فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا

همچنان گفت خدا از پیش پس زود باشد که بگویند بلکه حسد میکنند ما را

بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ

بلکه بودند نافهمان مگر اندکی بگو ای محمد مر خلاف کنندگان را از

الْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ

عربان که زود باشد که خوانده شوید سوی گروهی که خداوند حرب سخت باشند

تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ ج فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا

وکارزار کرده شوید یعنی کشته شوید یا ایمان آورده گردن نهنده پس اگر فرمان برید میدهد شما را خدای مزدی

حَسَنًا ط وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ

نیکو واگر برگردید چنانکه برگشتند از پیش عذاب کرده شوید

عَذَابًا أَلِيمًا ۝ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ

عذابی دردناک نیست بر کور بزه ونه بر لنگ

حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ ط وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

بزه ونه بر بیمار بزه وهرکه فرمان میبرد خدا را ورسول او را

يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ط وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ

در آورده میشود او بوستانهای بهشت که میرود از زیر آن جویها وهرکه برمیگردد یعنی روگردان میشود عذاب کرده

عَذَابًا أَلِيمًا ۝ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ

عذابی دردناک هر آینه بدرستیکه خوشنود شد خدا از گروندگان چون بیعت کردند ترا ای محمد

تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ

در زیر درخت پس دانست آنچه در دلهای ایشان پس فرستاد آرامی

علیهم

328

عليهم واثابهم فتحا قريبا ۝ ومغانم كثيرة يأخذونها

بر ایشان و پاداش ایشان فیروزی نزدیکی و غنیمتهای بسیاری میگیرند آنرا

وكان الله عزيزا حكيما ۝ وعدكم الله مغانم كثيرة

و هست خدای ارجمند حکم کننده وعده کرد شمارا خدا غنیمتهای بسیار

تأخذونها فعجل لكم هذه وكف ايدي الناس عنكم

بگیرید شما آنرا پس شتاب کرد مر شمارا این غنیمت و بازداشت دستهای مردمان را از شما

ولتكون اية للمؤمنين ويهديكم صراطا مستقيما ۝

و تا باشد نشانی مر گرویدگان را و راه نماید شمارا راه راست

واخرى لم تقدروا عليها قد احاط الله بها وكان الله على

و غنیمت دیگر که قادر نشدید بران تحقیق عالم است خدای بان و هست خدا بر

كل شيء قديرا ۝ ولو قاتلكم الذين كفروا لولوا الادبار

همه چیزی توانا و اگر کارزار کنند با شما آنانکه نگرویدند روی گردان شوند

ثم لا يجدون وليا ولا نصيرا ۝ سنة الله التي قد خلت

پس نیابند ایشان دوستی و نه یاری دهنده سنت خدای آنکه تحقیق گذشت

من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلا ۝ وهو الذي كف

از پیش و هرگز نیابی تو مر سنت خدای را بدل کردنی و اوست آن خدای که بازداشت

ايديهم عنكم وايديكم عنهم ببطن مكة من بعد ان

دستهای ایشان را از شما و دستهای شما را از ایشان بوادی مکه از پس آنکه

اظفركم عليهم وكان الله بما تعملون بصيرا ۝ هم الذين

فیروزی داد شمارا بر ایشان و هست خدا بدانچه میکنید بینا ایشانند آنانکه

كفروا وصدوكم عن المسجد الحرام والهدي معكوفا

نگرویدند و بازداشتند شمارا از مسجد حرام و هدی بازداشته شده

أن يبلغ محله ط ولولا رجال مؤمنون ونساء مؤمنات
که برسد نزدیک مسجد حرام واکر نبودند مردان کروندکان وزنان کرونده
لم تعلموهم أن تطؤهم فتصيبكم منهم معرة بغير علم ط
نمیدانستید شما ایشانرا اکر میکشتید شما ایشانرا پس میرسید شما از ایشان دینی بغیر دانشی
ليدخل الله في رحمته من يشاء لو تزيلوا لعذبنا الذين
هر آینه در می آرد خدا در رحمت خویش هر کرا میخواهد اکر جدای شدید هر آینه عذاب کردیم ما آنانرا که
كفروا منهم عذابا أليما ۝ إذ جعل الذين كفروا في
نکرویدند از ایشان عقوبتی دردناک چون در آوردند آنانکه نکرویدند در
قلوبهم الحمية حمية الجاهلية فأنزل الله سكينته
در دلهای ایشان حمیت حمیت نادانی پس فرستاد خدای آرام
على رسوله وعلى المؤمنين وألزمهم كلمة التقوى و
بر پیغمبر خود وبر کرویدکان والهام داد و واجب کرد کلمه پرهیزکاری و
كانوا أحق بها وأهلها وكان الله بكل شيء عليما ۝
بودند سزاوارتر بآن واهل آن وهست خدا بهمه چیز دانا
لقد صدق الله رسوله الرؤيا بالحق لتدخلن المسجد
هر آینه تحقیق راست کرد خدای خواب پیغمبر خودرا براستی هر آینه در آیید شما بمسجد
الحرام إن شاء الله آمنين محلقين رؤوسكم ومقصرين
حرام اکر خواهد خدای در ایمنی تراشیده موی سرهای شما وموی محاسن کوتاه کرده
لا تخافون فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك ط
نترسید پس دانست آنچه نمیدانستید شما پس بکرد از جز این
فتحا قريبا ۝ هو الذي أرسل رسوله بالهدى ودين الحق
فتح نزدیک اوست آن خدا آنکه فرستاد پیغمبر خودرا براه نمودن ودین راست

و واجب کرد ایشانرا کردن کلمه طیبه
لا اله الا الله محمد رسول الله

ليظهره

بر همه دینها غالبست و برهمه ملتها غالبست

از حضرت صادق علیه السلام که هر که سوره حجرات را بخواند در هر شبی یا در هر روزی در بهشت از جماعتی باشد که بزیارت حضرت صلی الله علیه و آله رسول مشرف میشوند

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ط وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ۝ مُحَمَّدٌ رَسُولُ

اشکارا کند از بر دینها همه و بسنده است بخدا گواهی دادن که محمد رسول خدا است

اللَّهِ ط وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ

و انانکه با او گرویدند درشتان بر کفار و رحمت کننده اند میان ایشان

تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا ز

ببینی ایشان را رکوع کنندگان و سجود کنندگان میجویند فضل را از خدا و خوشنودی

سِيمَاهُمْ ط فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ط ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ

علامت ایشان در روی های ایشان از اثر سجود بسیار اینست داستان ایشان در توریة

وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ قف كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ

و داستان ایشان در انجیل مثل ایشان چون دانه است که بیرون اید از زمین بارک ضعیف پس قوی کند او را

فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ

پس سطبر کند پس راست باشید بر ساق خویش بشگفت مر آرد کشت را تا دشوار کند

بِهِمُ الْكُفَّارَ ط وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

بان قوی کردن مومنان بر کفار وعده کرد خدا انان را که گرویدند و کردار نیکو کردند

مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ۝ سُورَةُ الْحُجُرَاتِ وَهِيَ ثَمَانَ عَشْرَ آيَاتٍ

از ایشان آمرزش و مزدی بزرگ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ صلے

ای انانکه بگرویدید پیشی مکنید در گفتار میان امر خدا و پیغمبر او

وَاتَّقُوا اللَّهَ ط إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا

و پرهیزکاری کنید خدا را بدرستیکه خدا شنوا و داناست ای انانکه بگرویدید بر مدارید بلند مکنید

أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ

آوازهای خویش را زبر آواز پیغمبر و بلند مکنید مر اورا بگفتار همچون بلند کردن

بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

آواز بعضه شما مر بعضی را که ناچیز کنید کارهای خویش را و شما در نمییابید

إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

بدرستی آنانکه فرو دمیارند آوازهای خویش نزد پیغمبر خدا ایشانند آنانکه

امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ

پاکیزه کرد خدا دلهای ایشانرا مر پرهیزکاری مر ایشانراست آمرزش و مزدی بزرگ

إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

بدرستی آنانکه بانگ میکردند ترا از پس حجرها بیشتر ایشان بیخردان بودند

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّىٰ تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ

و اگر بدرستی ایشان صبر کردندی تا بیرون آمدی تو سوی ایشان بودی هر آینه بهتر مر ایشانرا

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ

و خدا آمرزنده بخشاینده ای آنانکه بگرویدید اگر بیاید شمارا

فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا

تباه کاری بخبری پس بپژوهید تا نرسانید گروهی را بنادانی پس بگردید

عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ ۝ وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ

بر آنچه کردید شما پشیمانان و بدانید بدرستیکه در میان شماست پیغمبر خدا اگر

يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ

اجابت میکند شمارا در بسیاری از فرمان رنج و سختی شما ولیکن خدا دوست داد سوی شما

الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ

توحید و آراسته گردانیدن اورا در دلهای شما و دشمن گردانید سوی شما کفررا

والفسوق والعصيان اولئك هم الراشدون فضلا
و تباه کاری و نافرمانی را ایشانند ایشان راه راست یافتگان افزونی
من الله ونعمة والله عليم حكيم وان طائفتان من
از خدا و نعمتی و خدا دانای حکم کننده است و اگر دو گروه از
المؤمنين اقتتلوا فاصلحوا بينهما فان بغت احدهما
مومنان کارزار کنند پس آشتی کنید میان ایشان پس اگر زبردستی کند یکی از ایشان
على الاخرى فقاتلوا التي تبغي حتى تفيء الى امر الله فان
بر دیگری پس کارزار کنید با ایشان که زبردستی میکند تا بازگردد سوی فرمان خدا پس اگر
فاءت فاصلحوا بينهما بالعدل واقسطوا ان الله يحب
بازگشت کند پس صلح بکنید میان ایشان براستی و عدل کنید بدرستیکه خدا دوست میدارد
المقسطين انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم
داد دهندگان را جز این نیست که گرویدگان برادران یکدیگر اند از روی دین پس صلح کنید میان برادران خویش
واتقوا الله لعلكم ترحمون يا ايها الذين امنوا لا يسخر
و پرهیزکاری کنید خدا را تا باشند که شما رحمت کرده شوید ای آنانکه ایمان آوردید مسخره نکنند
قوم من قوم عسى ان يكونوا خيرا منهم ولا نساء
گروهی از گروهی شاید آنکه باشند بهتر از ایشان و نه زنان
من نساء عسى ان يكن خيرا منهن ولا تلمزوا انفسكم
از زنان شاید که باشند بهتر از ایشان و طعنه مزنید تنهای خویش را
ولا تنابزوا بالالقاب بئس الاسم الفسوق بعد الايمان
و مخوانید یکدیگر را بالقاب زشت که بد نامیست فاسقی پس ایمان آوردن
ومن لم يتب فاولئك هم الظالمون يا ايها الذين امنوا
و هر که توبه نکند پس ایشانند ستمکاران ای آنکه گرویدید

اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا
بپرهیزید بسیاری از گمان بدرستیکه بعض گمان بزه است و مجوئید عیب یکدیگرا
ولا يغتب بعضكم بعضا ايحب احدكم ان ياكل
و غیبت مکنید بعضی شما بعضی ایا دوست میدارد یکی از شما انکه بخورد
لحم اخيه ميتا فكرهتموه واتقوا الله ان الله تواب
گوشت برادر خودرا بعد مردن پس مکروه دارید انرا و بپرهیزکاری کنید خدارا بدرستیکه خدا پذیرنده
رحيم ● يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر وانثى
بخشاینده است ای مردمان بدرستیکه ما آفریدیم شمارا از نر و ماده
وجعلناكم شعوبا وقبائل لتعارفوا ان اكرمكم عند
و گردانیدیم ما شمارا شعبه ها و قبیلها تا بشناسید یکدیگرا بدرستیکه گرامی ترین شما نزد
الله اتقاكم ان الله عليم خبير ● قالت الاعراب امنا قل لم
خدا پرهیزکارتر شماست بدرستیکه خدا دانا اگاه هست گفتند بدویان که ایمان آوردیم بگو ای محمد
تؤمنوا ولكن قولوا اسلمنا ولما يدخل الايمان في
گرویدید و لیکن بگوئید که گردن نهادیم ما و در نیامد ایمان در
قلوبكم وان تطيعوا الله ورسوله لا يلتكم من اعمالكم
دلهای شما و اگر فرمان برید خدارا و پیغمبر اورا کم نکند شمارا از کردار شما
شيئا ان الله غفور رحيم ● انما المؤمنون الذين امنوا
چیزی بدرستیکه خدا آمرزنده بخشاینده است جز این نیست که گرویدگان انانکه گرویدند
بالله ورسوله ثم لم يرتابوا وجاهدوا باموالهم وانفسهم
بخدا و پیغمبر او پس نشوند و جهاد کنند بمالهای خویش و تنهای خویش
في سبيل الله اولئك هم الصادقون ● قل اتعلمون الله بدينكم
در راه خدا ایشانند ایشان راست گویان بگو ای محمد آیا مخبر میدانید خدارا بدین خویش

والله

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که مداومت نماید بر خواندن سوره قاف
در نمازهای واجب وسنت خدا روزی او وافراخ کند ونامه اش را بدست راست او
بدهند واو را حساب آسان کند

والله یعلم ما فی السموات وما فی الارض ط والله بکل
وخدا میداند آنچه در آسمانها وآنچه در زمین است وخدا بهمه
شیء علیم ۝ یمنون علیك ان اسلموا قل لا تمنوا علی
چیز داناست منت می نهند بر تو آنکه اسلام آوردند بگو ای محمد منت منهید بر من
اسلامکم ط بل الله یمن علیکم ان هدیکم للایمان
اسلام خویش بلکه خدا را منت باشد بر شما آنکه هدایت کرد شما را مر ایمان
ان کنتم صادقین ۝ ان الله یعلم غیب السموات والارض
اگر هستید شما راست گویان بدرستیکه خدا میداند نهانی آسمانها وزمین را
والله بصیر بما تعملون ۝

سورة قاف خمس واربعون آیة

وخدا بیناست بدانچه میکنید شما

بسم الله الرحمن الرحیم ۝
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان
ق ۝ والقرآن المجید ۝ بل عجبوا ان جاءهم منذر منهم
سوگند باین حروف وبقرآن شریف بلکه عجب داشتند کافران که آمد ایشان را بیم کننده از ایشان
فقال الکافرون هذا شیء عجیب ۝ ءاذا متنا وکنا
پس گفتند کافران این چیزی شگفت آمده است آیا چون بمیریم وباشیم
ترابا ذلك رجع بعید ۝ قد علمنا ما تنقص الارض منهم
خاک اینست بازگردانیدن دور از حشر قیامت بدرستیکه میدانیم ما آنچه کم میکند تو زمین را از ایشان
وعندنا کتاب حفیظ ۝ بل کذبوا بالحق لما جاءهم
ونزد ما کتابیست نگاهدارنده بلکه تکذیب کردند براستی قرآن چون بیامد ایشان را
فهم فی امر مریج ۝ افلم ینظروا الی السماء فوقهم کیف
پس ایشان در کاری اند آمیخته آیا نظر نمی کنند سوی آسمان که زبر ایشانست چگونه

بنيناها وزيناها وما لها من فروج ۝ والارض مددناها

بنا کردیم ما انرا وبیاراستیم ما انرا ونیست مر انرا از هیچ سوراخ ودر زمین که دراز کشیدیم ما انرا

والقينا فيها رواسي وانبتنا فيها من كل زوج بهيج ۝

وافکندیم ما دران کوههای استوار وبرویانیدیم ما دران از هر نباتی شاداب

تبصرة وذكرى لكل عبد منيب ۝ ونزلنا من السماء

ازبرای بیان معجزه وپند مر هر بنده بازکرونده وفرستادیم ما از اسمان

ماء مباركا فانبتنا به جنات وحب الحصيد ۝ والنخل

ابی بابرکت پس برویانیدیم ما بان بوستانها واز دو کیده ودرختان

باسقات لها طلع نضيد ۝ رزقا للعباد واحيينا به

بلند که مرانرا شاخهای بهم پیچیده روزی مر بندکانرا وزنده کردیم ما بدان اب

بلدة ميتا كذلك الخروج ۝ كذبت قبلهم قوم نوح

زمین مرده را همچنین بیرون آمدن بعد مردن از زمین تکذیب کردند پیش ازیشان کروه نوح

واصحاب الرس وثمود ۝ وعاد وفرعون واخوان لوط ۝

واصحاب رس وثمودیان وعادیان وقوم فرعون وبرادران لوط

واصحاب الايكة وقوم تبع كل كذب الرسل

واهل بیشه وکروه تبع همه تکذیب کردند پیغمبران

فحق وعيد ۝ افعيينا بالخلق الاول بل هم في لبس من

پس راست شد وعید عذاب ای ایا بس مانده شدیم ما بافرینش نخستین بلکه ایشان در شک اعتقادند از

خلق جديد ۝ ولقد خلقنا الانسان ونعلم ما

افرینش نو وهر اینه بدرستی که آفریدیم ما مردمان ومیدانیم ما انچه

توسوس به نفسه ونحن اقرب اليه من حبل الوريد ۝

وسوسه میکند بان تن او وما نزدیکتریم باو از رک کردن

تبع حمیری بود که بعضی مسلمان وبعضی کافر بودند

یعنی شیطان اینچنین را در خاطر وی تزیین داده انکار میکند

اذ یتلقی

إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ

چون مینوایند دو فرشته نویسنده از راست واز چپ نشسته

مَا يَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ وَجَاءَتْ

هیچ سخنی بیرون نیاید از گفتار مگر نزد او نگهبانی حاضر است وبیاید ترا

سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ مَا كُنتَ مِنْهُ تَحِيدُ وَ

مستی مرگ براستی اینست آنچه بودی تو ازان ترسنده و

نُفِخَ فِي الصُّورِ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ

دمیده شود در صور اینست روز وعید وبیاید هر تن را

مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ لَقَدْ كُنتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَٰذَا

با آن سوی موقف وگواهی دهنده هر آینه که تو بودی در غفلت از این

فَكَشَفْنَا عَنكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ

پس بگشادیم ما از تو پوشش ترا پس بینایی تو روز تیز است

وَقَالَ قَرِينُهُ هَٰذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ

و گوید آنکه باد یار او یعنی آن فرشته که اینست آنچه در حضور من از حد در گذشته بیندازند در جهنم

دردنیا باو رفیق بود

كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُرِيبٍ الَّذِي

هر ناسپاس گردن کش بازدارنده مر نیکی را از حد گذرنده شک آرنده آنانکه

جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ

بگروند با خدای خدای دیگر پس بیفکنید هر دو ورا در عذاب سخت

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَٰكِن كَانَ فِي ضَلَالٍ

گوید قرین او ای خداوند ما از حد نرفته ام اورا ولیکن بود در گمراهی

بَعِيدٍ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُم

دوری گوید خدا خصومت مکنید نزد من وبدرستیکه پیش فرستادم سوی شما

القول

بالوعيد ۝ ما يبدل لدي وما انا بظلام للعبيد ۝ يوم

اگاه انیدم شمارا بوعید خود بدل کرده نشود گفتار نزد من ونیم من ستم کننده مر بندگان را آن روز

نقول لجهنم هل امتلأت وتقول هل من مزيد ۝

که بگوییم مر دوزخ را آیا هست که پر شدی تو وبگوید دوزخ آیا هست کی دیگر بیارید که جای دهم

وأزلفت الجنة للمتقين غير بعيد ۝ هذا ما توعدون

ونزدیک گردانیده شود بهشت مر پرهیزکارانرا جز دوری اینست انچه وعده کرده شدید

لكل أواب حفيظ ۝ من خشي الرحمن بالغيب و

مر هر بازگردنده نگاه دارنده انکه بترسید خدارا که بگرویده نادیده و

جاء بقلب منيب ۝ ادخلوها بسلام ذلك يوم الخلو

بیامد بدل بازگردنده بخدای گویند درآیید بهشت بسلامتی اینست روز جاودانگی

لهم ما يشاؤن فيها ولدينا مزيد ۝ وكم اهلكنا قبلهم

مرایشان راست انچه میخواهند دران بهشت ونزد ماست مزید مرایشانرا وچندی که هلاک کردیم ما پیش ازایشان

من قرن هم اشد منهم بطشا فنقبوا في البلاد هل من

از قرنها ایشان سخت تر ازایشان بقوت گرفتن پس ببریدند در شهرها نیست ازهیچ

محيص ۝ ان في ذلك لذكرى لمن كان له قلب او القى

خلاص بدرستیکه در این هرآینه پندیست مر کسی را که هست مراورا دل یعنی عقل یا گوش

السمع وهو شهيد ۝ ولقد خلقنا السموات والارض و

شنوا دارد واو حاضرست وبدرستیکه بیافریدیم ما آسمانها وزمین و

ما بينهما في ستة ايام وما مسنا من لغوب ۝ فاصبر على

انچه میان ایشانست در شش روزی ونرسید مارا ازهیچ ماندگی پس صبر کن بر

ما يقولون وسبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس وقبل الغروب

انچه میگویند ای محمد وتسبیح کن بسپاس پروردگار تو پیش از برآمدن آفتاب وپیش از فرو رفتن آفتاب

ومن الليل

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سورهٔ ذاریات را در روز یا در شب بخواند خدا امر معیشت او را با صلاح آورد و وسعت دهد روزی او را و منور گرداند قبر او را بچراغی که درخشد
تا روز قیامت

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ ۞ وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ
و بعضی از شب پس نماز کن و سجده کن و دو رکعت بعد از مغرب بگذار و گوش دار بر آن روز که منادی
الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ ۞ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ
ندا کند از جای نزدیک روزی که بشنوند نفخ اسرافیل را
بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ۞ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا
براستی این است روز بیرون آمدن از گور بدرستیکه ماییم ما که زنده میکنیم و میمیرانیم و با سوی ماست
الْمَصِيرُ ۞ يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَٰلِكَ حَشْرٌ
بازگشت روزی که بشکافد زمین از ایشان زود سر کشند این است برانگیختن
عَلَيْنَا يَسِيرٌ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ
بر ما آسان ما داناتریم بدانچه میگویند و نیستی تو بر ایشان جبر کننده
فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ ۞
پس پند ده بقرآن از ترس وعید من

سورة الذاريات وهي ستون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

الذّا

وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوًا ۞ فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا ۞ فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا ۞
این سوگند است از خدا که پراکنده کنند بادها را پراکنده کننده پس بردارندگان باریغی ابرها که برمی دارند باران را گرانی و پس روندگان که آسان میروند یعنی کشتیها
فَالْمُقَسِّمَاتِ أَمْرًا ۞ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ ۞ وَإِنَّ الدِّينَ
پس قسمت کننده کار جز این نیست آنچه وعده کرده شده هر آینه راست و بدرستیکه دین
لَوَاقِعٌ ۞ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ ۞ إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ ۞
هر آینه واقع است روز پاداش یعنی قیامت و آسمان صاحب راهها بدرستیکه شما هر آینه در گفتار مختلف اید
يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ ۞ قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ ۞ الَّذِينَ هُمْ فِي
گردانیده شد از و هر که گردانیده شد کشته شدند دروغ گویان آنانکه ایشان در

غَمْرَةٍ سَاهُونَ ۝ يَسْـَٔلُونَ اَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ ۝ يَوْمَ هُمْ
غفلت اند فراموش كنندگان مى پرسند كه كى خواهد آمد روز قيامت ان روز كه ايشان
عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ۝ ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هٰذَا الَّذِى كُنْتُمْ بِهٖ
بر آتش عذاب كرده شوند گويند بچشيد عذاب خويش اين آنروز است كه بوديد شما بدان
تَسْتَعْجِلُونَ ۝ اِنَّ الْمُتَّقِينَ فِى جَنّٰتٍ وَعُيُونٍ ۝ اٰخِذِينَ
شتاب كنندگان بدرستيكه پرهيزكاران در بستانها و چشمها باشند گيرندگان
مَا اٰتٰيهُمْ رَبُّهُمْ اِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذٰلِكَ مُحْسِنِينَ ۝ كَانُوا
آنچه داد ايشان را خداوند ايشان بدرستى ايشان بودند پيش از اين نيكان را كه بودند
قَلِيلًا مِنَ الَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ۝ وَبِالْاَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ۝
اندكى از شب كه خواب ميكردند وبوقت سحرها ايشان استغفار ميكردند
وَفِى اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ۝ وَفِى الْاَرْضِ اٰيٰتٌ
ودر مالهاى ايشان حق بود مر سايل را ومحروم را ودر زمين نشانهاست
لِلْمُوقِنِينَ ۝ وَفِى اَنْفُسِكُمْ اَفَلَا تُبْصِرُونَ ۝ وَفِى السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ
مر اهل يقين را ودر تنهاى شما ايا پس نمى بينيد شما ودر آسمان روزى شما
وَمَا تُوعَدُونَ ۝ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ اِنَّهٗ لَحَقٌّ مِثْلَ
وآنچه وعده كرده شده ايد پس بخداوند آسمان وزمين بدرستيكه او هر آينه راست مانند
مَا اَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ ۝ هَلْ اَتٰيكَ حَدِيثُ ضَيْفِ
آنچه بدرستى شما ميگوييد بدرستيكه آمد ترا اى محمد حديث مهمان آمدن
اِبْرٰهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ۝ اِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلٰمًا قَالَ
با ابراهيم اكرام كرده شدگان چون در آمدند بر او پس گفتند سلام گفت ابراهيم
سَلٰمٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ۝ فَرَاغَ اِلٰى اَهْلِهٖ فَجَاءَ بِعِجْلٍ
سلام بر شما گروهى ناشناخت پس بازگشت سوى اهل خود پس بياورد گوساله

سمين • فقربه اليهم قال الا تاكلون • فاوجس

فربه پس نزدیک کرد انرا بسوی ایشان گفت ایا چرا نمیخورید پس بدلش آمد

منهم خيفة قالوا لا تخف وبشروه بغلام عليم •

از ایشان خوفی گفتند مترس وبشارت دادند اورا بپسری دانا

فاقبلت امرأته في صرة فصكت وجهها وقالت عجوز

پس پیش آمد زن ابراهیم در بانگ کردن پس بزد بر روی خود از شگفت وگفت پیره زنی

عقيم • قالوا كذلك قال ربك انه هو الحكيم العليم •

زاییده ام گفتند همچنین گفت خداوند تو بدرستیکه او است حکم کننده دانا

٢٠٧ الجزء السابع والعشرون

قال فما خطبكم ايها المرسلون • قالوا انا ارسلنا الى قوم

گفت ابراهیم پس چه چیز است شما را ای فرستادگان گفتند بدرستیکه ما فرستاده شدیم بسوی گروهی
یعنی بچه کار آمده اید

مجرمين • لنرسل عليهم حجارة من طين • مسومة عند

گناه کاران تا بباریم برایشان سنگها ساخته از گل نشان کرده بخط سیاه وسفید نزد

ربك للمسرفين • فاخرجنا من كان فيها من المؤمنين •

پروردگار تو مر اسراف کنندگان را پس بیرون آوردیم ما هر که باشد دران دیهه از گرویدگان

فما وجدنا فيها غير بيت من المسلمين • وتركنا فيها

پس نیافتیم ما دران دیهه جز یک خانه از مسلمانان یعنی خانه لوط وبگذاشتیم ما دران شهرستان

اية للذين يخافون العذاب الاليم • وفي موسى اذ ارسلناه

نشانهٔ مر انانرا که می ترسند عقوبت دردناک را ودر فرستادن موسی عبرت بود چون فرستادیم

الى فرعون بسلطان مبين • فتولى بركنه وقال ساحر

اورا بسوی فرعون بحجت هویدا پس برگشت فرعون بقوت خود وگفت جادو است

او مجنون • فاخذناه وجنوده فنبذناهم في اليم وهو

یا دیوانه پس بگرفتیم ما اورا ولشکرهای اورا پس بینداختیم ما ایشانرا در دریا واو

مُلِيمٌ ۝ وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ ۝ مَا تَذَرُ

ملامت کنندگان و در فرستادن هود چون فرستادیم بر ایشان بادی بی منفعت نگذاشت

مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ ۝ وَفِي ثَمُودَ

از هیچ چیزی که آمد آن باد بر او مگر بگرداورا مانند گیاه خشک و در فرستادن صالح بثمودیان

إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ۝ فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ

چون گفت مر ایشان را برخوردار گیرید تا آن زمان که عذاب برسد پس از حد گذشتند از فرمان خداوند پس بگرفت ایشان را

الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ۝ فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا

عذاب هلاک کننده و ایشان بودند بینندگان پس نتوانستند از هیچ ایستادن و نه بودند

مُنْتَصِرِينَ ۝ وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا

کنندگان یکدیگرا و گروه نوح از پیش بدرستیکه ایشان بودند گروهی

فَاسِقِينَ ۝ وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ۝ وَالْأَرْضَ

تباه کاران و آسمان که بنا کردیم ما آنرا بقوت خود و بدرستی ما هر آینه فراخ کننده ایم روزی و زمین

فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ ۝ وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا

گستردیم ما آن را فرش پس نیکو گسترندگانیم ما و از هر چیزی بیافریدیم

زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۝ فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ

جفتان تا شاید شما پند گیرید پس بگریزید از عذاب سوی خدا بدرستیکه من

مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝ كَذَٰلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ

از خدا بیم کننده ام پیدا همچنین نیامد آنان را از پیش ایشان از هیچ

رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ۝ أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ

پیغمبری مگر گفتند جادوگر است یا دیوانه آیا وصیت کردند بدان بلکه ایشان گروه

طَاغُونَ ۝ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ ۝ وَذَكِّرْ فَإِنَّ

نافرمانانند پس روی بگردان از محمد از ایشان پس نیستی تو ملامت زده و یاد کن و پند ده پس بدرستی

صحح
وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا
و شریک مکنید با خدا خدای
آخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ
دیگر بدرستیکه من مر شما را بیم کننده پیدا ام

الذکری

از حضرت صادق علیه السلام و امام محمد باقر ع منقولست که هرکه سوره طور بخواند حق تعالی خیر دنیا و آخرت بماید من عین الجنة

الذِّكْرَىٰ تَنفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ
پند گرفتن سود میکند مومنان را و نیافریدم من پریان و آدمیان را

إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ۝ مَا أُرِيدُ مِنْهُم مِّن رِّزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَن
مگر برای پرستیدن من نمیخواهم از ایشان از روزی و نمیخواهم انکه

يُطْعِمُونِ ۝ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ۝ فَإِنَّ
طعام دهند مرا بدرستیکه خدای اوست روزی دهنده خداوند نیروی استوار پس بدرستی

لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنُوبًا مِّثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ ۝
مر آنانرا که ستم کردند گناهی مانند گناهی یاران پیشین ایشان پس شتاب نمیکنند

سورة الطور ثمان واربعون آية فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِن يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ۝
پس وای مر آنانرا که کافر شدند از روز خویش انچه وعده کرده شدند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالطُّورِ ۝ وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ ۝ فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ ۝ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ۝
سوگند است بطور و کتاب نوشته شده در لوح محفوظ و بخانه کعبه

وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ۝ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ۝ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ
و سقف بلند یعنی آسمان و دریای دوزخ بدرستیکه عذاب خداوند تو واقعست

مَّا لَهُ مِن دَافِعٍ ۝ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ۝ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ
نیست مر او را از هیچ باز گرداننده روزی که میگردد آسمان گردنده و میروند کوهها

سَيْرًا ۝ فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝ الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ
رفتنی پس وای آن روز تکذیب کنندگان را آنانکه ایشان در گوشیدن باطل

يَلْعَبُونَ ۝ يَوْمَ يُدَعُّونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا ۝ هَٰذِهِ النَّارُ الَّتِي
بازی کنند کانند از وز که بیندازند کافران را سوی آتش جهنم اندا ختنی گویند اینست آن آتش انکه

بعضی گفته اند مراد از طور کوه فاران
و بعضی گفته اند کوه سینا که موسی مناجات کرد
و بعضی گفته اند مراد از طور کوه ...
و بعضی گفته اند کوههای بهشت

بعضی گفته اند مراد از بیت المعمور
خانه ایست که آدم علیه السلام
بنا نهاده و در وقت طوفان
نوح آن را بآسمان بردند

كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ۝ أَفَسِحْرٌ هٰذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ۝
بوديد شما بدان تكذيب كنندگان ايا پس جادو ست اين يا شما نمى بينيد
اِصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ ط إِنَّمَا تُجْزَوْنَ
درائيد بآن پس شكيبايى كنيد يا مكنيد شكيبايى برابرست بر شما جزا اين نيست كه باز داده
مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ۝ لا
انچه بوديد شما كنندگان بدرستيكه پرهيزكاران در بوستانها و نعمتهاى خوش
فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ ط وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ۝
شادمان باشند بدانچه داد ايشانرا خداوند ايشان و نگاه داشت ايشان خداوند ايشان عذاب دوزخ
كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا م بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ لا مُتَّكِئِينَ
بخوريد و بياشاميد گوارنده باد بدانچه بوديد شما كنندگان تكيه كنندگان
عَلَىٰ سُرُرٍ مَصْفُوفَةٍ ج وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ۝ ع وَالَّذِينَ
بر تختهاى بر زده و جفت كنيم ايشانرا بدختران سفيد رويان و انانكه
آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ
گرويدند و پيروى كردند ترا فرزندان ايشان بايمان ملحق ميسازيم ما بايشان فرزندان ايشان و نقصان
مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ ط كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ ۝ وَأَمْدَدْنَاهُمْ
از كردار ايشان از هيچ چيز هر مردى بدانچه كرده است در گروست و بيفزائيم ما ايشانرا
بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ۝ يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا
بميوها و گوشتها از انچه آرزو كنند دست بدست گيرندگان در ان بهشت جامهاى
لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ ۝ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ
نباشد لغو در ان و نه بزه در خوردن انرا و دور ميگردند بر ايشان خادمان مانند غلامان گوئى ايشان
لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ ۝ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ
مرواريد ناسفته و پيش ايند بهره از بهشتيان بر بهره پرسندگان

قالوا إنا كنا قبل في أهلنا مشفقين ۝ فمن الله علينا

بدرستیکه ما بودیم ما پیش ازین در اهل خویش ترسندگان از عذاب خدا پس منت نهاد خدا بر ما

ووقينا عذاب السموم ۝ إنا كنا من قبل ندعوه إنه

نگاهداشت ما را از عذاب گرمی دوزخ بدرستیکه ما بودیم ما از پیش که میخواندیم او را بدرستیکه

هو البر الرحيم ۝ فذكر فما أنت بنعمت ربك بكاهن

او نیکوکار بخشاینده پس پند گیر پس نیستی تو بنعمت خداوند خود فال گیر بودن

ولا مجنون ۝ أم يقولون شاعر نتربص به ريب المنون

و دیوانه بودن یا میگویند ایشان که این قافیه گوی است چشم داریم ما بدان که گشتن روزگار است آن

قل تربصوا فإني معكم من المتربصين ۝ أم تأمرهم

بگو ای محمد چشم دارید پس بدرستیکه من با شماام از چشم دارندگان یا میفرماید ایشان را

أحلامهم
خوابهای ایشان را

بهذا أم هم قوم طاغون ۝ أم يقولون تقوله بل لا يؤمنون

این یا ایشان گروهی نافرمانانند یا میگویند گفته محمد است این بلکه منکرند

فليأتوا بحديث مثله إن كانوا صادقين ۝ أم خلقوا من غير

بگو ای محمد بیارید شما حدیثی مانند این قرآن اگر هستید شما راست گویان یا خود آفریده شدند از جز

شيء أم هم الخالقون ۝ أم خلقوا السماوات والأرض بل

چیزی یا ایشانند آفرینندگان یا آفریدند آسمانها و زمین را بلکه

لا يوقنون ۝ أم عندهم خزائن ربك أم هم المصيطرون

ندانند یقین یا نزد ایشان است خزینهای خداوند تو یا ایشان

أم لهم سلم يستمعون فيه فليأت مستمعهم بسلطان

یا ایشان راست نردبانی که میشنوند در آن از اهل آسمان پس بگو بیارند شنیدهای خویش را حجتی

مبين ۝ أم له البنات ولكم البنون ۝ أم تسألهم أجرا فهم

پیدا یا مر خدای راست دختران و مر شما راست پسران یا میخواهی تو از ایشان مزدی پس ایشان

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که
سوره والنجم را در هر روز یا در هر شب بخواند در میان
مردم بخیر و نام نیک تعیش نماید و گناهانش آمرزیده
شود و محبوب دلها گردد

مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ۝ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ۝

از بهره آن تاوان زده وگران بار هستند یا نزد ایشان است غیب پس ایشان می‌نویسند

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ ۝ أَمْ

یا میخواهند کیدی پس آنانکه نگرویدند ایشانند کید کرده شدگان یا

لَهُمْ إِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ وَإِنْ يَرَوْا

مر ایشانراست خدا بجز خدای که پاکست خدای عز و جل از آنچه انباز گیرند واگر ببینند

كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ ۝ فَذَرْهُمْ

پاره عذاب که از آسمان بر ایشان می‌افتد گویند ابریست بر هم پیچیده پس بگذار ایشانرا

حَتّٰى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ۝ يَوْمَ لَا يُغْنِي

تا ببینند روز خویش آن روز که در آن بیهوش گردند از هول روزی که بی نیاز نکند

عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ۝ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا

از ایشان کید ایشان چیزی و نه ایشان یاری داده شوند و بدرستیکه مر آنانراست که ستم کردند

عَذَابًا دُونَ ذٰلِكَ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَاصْبِرْ لِحُكْمِ

عذابی جز این و لیکن بیشتر ایشان نمیدانند و شکیبائی کن مر فرمان

رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ۝ وَمِنَ

خداوند خود پس بدرستی تو بنگاه داشتن مائی و نماز کن حمد گویان خداوند خود را آنگاه که بر میخیزی از خواب و از

اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ ۝

سورة النجم ستون آيات

شب پس تسبیح کن او را هنگام فرو رفتن ستارگان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوٰى ۝ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوٰى ۝ وَمَا

و سوگند است بستاره چون فرو رود که نیست گمراه یار شما یعنی محمد و نیست بیراه و نه

ینطق

ينطق عن الهوى ۝ ان هو الا وحي يوحى ۝ علمه شديد

سخن نکند از خواهش خود ۝ نیست این قران مگر وحی که وحی کرده شده ۝ بیاموخته او را جبرئیل سخت

القوى ۝ ذو مرة فاستوى ۝ وهو بالافق الاعلى ۝

قوت او ۝ خداوند توانائی پس راست ایستاد ۝ و او بکرانه عالم برترست

ثم دنا فتدلى ۝ فكان قاب قوسين او ادنى ۝

پس نزدیک شد بمصطفی پس فرود آورد ۝ پس بود مقام دو کمانی میان جبرئیل و محمد یا نزدیکتر

فاوحى الى عبده ما اوحى ۝ ما كذب الفؤاد ما راى ۝

پس وحی کرد جبرئیل سوی پیغمبر خدا انچه میکرد خدا وحی ۝ دروغ نداشت دل او انچه دید صورت

افتمارونه على ما يرى ۝ ولقد راه نزلة اخرى ۝ عند

ایا پس جدال میکنید با او بر انچه دیده ۝ و هر اینه بتحقیق دید او را باری دیگر ۝ نزد

سدرة المنتهى ۝ عندها جنة الماوى ۝ اذ يغشى

سدرة المنتهی ان مقام است ۝ نزد ان بهشت جای ارواح شهدا ۝ چون بوشید

السدرة ما يغشى ۝ ما زاغ البصر وما طغى ۝ لقد راى من

سدره را انچه بوشید ۝ نگردید نگاه محمد چشم را و انچه فرمان بود از حد درگذشت ۝ بدرستیکه [illegible] از

ايات ربه الكبرى ۝ افرايتم اللات والعزى ۝

ایات خداوند خود ایات بزرگ ۝ ایا پس خبر کردند شما را لات و عزی

ومنوة الثالثة الاخرى ۝ الكم الذكر وله الانثى ۝

و بت سیم کومی پرستید و دیگر بتان را ۝ ایا مر شما راست پسران و مر او راست دختران

تلك اذا قسمة ضيزى ۝ ان هي الا اسماء سميتموها انتم و

ایست انگون قسمة جایره ۝ نیست این مگر نامها که نام نهادید شما انرا شما و

اباؤكم ما انزل الله بها من سلطان ان يتبعون

پدران شما ۝ نفرستاد خدا بان از هیچ حجتی ۝ پیروی نمیکنید [illegible]

إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ

مگر گمان را وانچه آرزو کند تنهاء ایشان و بدرستیکه آمد ایشان را از خداوند ایشان

الْهُدَى ۝ أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى ۝ فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى ۝

راه نماینده یا مر آدمیان را انچه آرزو نماید پس مر خدای راست آنجهان و اینجهان

وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا

و چند از فرشتگان در آسمانها بی نیاز نکند شفاعت ایشان چیزی

إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى ۝ إِنَّ الَّذِينَ

مگر از پس آنکه دستوری دهد خدا مر هر که را می خواهد و خوشنود شود بدرستی آنانکه

لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنْثَى

نگرویدند بآنجهان هرآینه نام میکنند فرشتگان را نام بردن مادگان

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ

و نیست مر ایشان را بدان از هیچ دانشی نمیکنند پیروی مگر گمان را و بدرستیکه گمان

لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا ۝ فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا

بی نیاز نمیکند از راستی چیزی پس روی بگردان از کسیکه روی گردانید از قرآن ما

وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۝ ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ

و نه خواهد مگر زندگانی اینجهان اینست غایت ایشان از دانش بدرستیکه خداوند تو

هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى ۝

او داناترست بکسیکه گمراه شد از راه او و او داناترست بآنکه راه یافت

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا

و مر خدای راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تا پاداش دهد آنانرا که بدی کردند

بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى ۝ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ

بدانچه کردند و جزا دهد آنانرا که نیکوئی کردند به بهشت آنانکه پرهیز کنند

کبائر الاثم

كبائر الاثم والفواحش الا اللمم ط ان ربك واسع
از گناهان کبیره و فواحش مگر گناه صغیره بدرستیکه خداوند تو فراخ
المغفرة هو اعلم بكم اذ انشاكم من الارض واذ انتم
آمرزش است او داناترست بشما چون آفرید شمارا از زمین و چون شما
اجنة في بطون امهاتكم فلا تزكوا انفسكم
جنینان در شکمهای مادران خود پس مستائید تنهای خویش را
هو اعلم بمن اتقى ۝ افرايت الذي تولى ۝ واعطى قليلا واكدى ۝
او داناترست بکسیکه پرهیزکارست آیا پس دیدی تو آنرا که روی گردانید از توحید و صدقه داد اندکی و ازان باز ایستاد
اعنده علم الغيب فهو يرى ۝ ام لم ينبا بما في صحف
آیا نزد اوست علم نهانی پس او می بیند یا خبر نکردند اورا بدانچه در صحف
موسى ۝ وابراهيم الذي وفى ۝ الا تزر وازرة وزر اخرى ۝
موسی یعنی توریت و در صحف ابراهیم آنکه تمام کرد امر خدارا بآنکه بر نمیگیرد برگیرنده گرانی گناه دیگری را
وان ليس للانسان الا ما سعى ۝ وان سعيه سوف يرى ۝
وآنکه نیست مر مردمان را مگر آنچه سعی میکند و بدرستیکه سعی خودرا زود باشد که ببیند
ثم يجزيه الجزاء الاوفى ۝ وان الى ربك المنتهى ۝ وانه هو
پس جزا داده شود جزای تمامتر و بدرستیکه سوی خداوند تست منتهای امور و بدرستیکه او
اضحك وابكى ۝ وانه هو امات واحيى ۝ وانه خلق
خنداننده تر و گریاننده تر و بدرستیکه اوست میراننده و زنده کننده و بدرستیکه اوست که آفرید
الزوجين الذكر والانثى ۝ من نطفة اذا تمنى ۝
جفت ان نر و ماده از آب منی چون افگنده شد در رحم
وان عليه النشاة الاخرى ۝ وانه هو اغنى واقنى ۝ وانه
و بدرستیکه براوست آفرینش دیگر در محشر و بدرستیکه اوست توانگر کننده تر و بخشنده تر و بدرستیکه او

هُوَ رَبُّ الشِّعْرٰى ۝ وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولٰى ۝ وَثَمُودَ فَمَا

او خداوند آفریننده ستاره کو ... و بدرستیکه او هلاک کرد عادیان پیشترا و ثمودیان را پس

أَبْقٰى ۝ وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغٰى ۝

باقی نگذاشت و گروه نوح از پیش بدرستیکه ایشان بودند ایشان ستمکارتر و نافرمان تر

وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوٰى ۝ فَغَشّٰيهَا مَا غَشّٰى ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ

و دیهای زیر و زبر شده فرو افگند قوم لوط پس بپوشید آنرا آنچه پوشید بود پس بکدام نعمتهای خداوند

تَتَمَارٰى ۝ هٰذَا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولٰى ۝ أَزِفَتِ الْآزِفَةُ ۝ لَيْسَ

انکار می آرید این بیم کننده ایست از بیم کنندگان پیشین نزدیک شد قیامت نیست

لَهَا مِنْ دُونِ اللّٰهِ كَاشِفَةٌ ۝ أَفَمِنْ هٰذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ۝

فرا آنرا از جز خدای پیدا کردن آیا پس ازین قرآن که بمحمد فرستادیم شگفت میکنید

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ۝ وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ ۝ فَاسْجُدُوا

و میخندید و نمیگریید از بیم خدا از عذاب و شما بیخبر هستید پس سجده کنید خدا را

سُورَةُ الْقَمَرِ خَمْسٌ لِلّٰهِ وَاعْبُدُوا ۝ وَخَمْسُونَ آيَاتٍ

خدا را و پرستید او را

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ۝ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا

نزدیک شد قیامت و شکافت ماه و اگر ببینند نشانه روی گردانند

وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ ۝ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ

و گویند جادوی است گذرنده و تکذیب کنند پیغمبر را و پیروی کنند خواهشهای خویش را و همه

أَمْرٍ مُسْتَقِرٌّ ۝ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ۝ حِكْمَةٌ

کاری قرار گیرنده است و بدرستیکه آمد ایشانرا از خبرها آنچه در آن منع بود از کفر این حکمت

سجده واجب

بالغة

بالغة فما تغن النذر ۝ فتول عنهم يوم يدع الداع الى شيء

بالغه است پس نكند سود بيم كنندگان پس رو بگردان از ايشان روزی كه بخواند خواننده سوی چيزی

نكر خشعا ابصارهم يخرجون من الاجداث

منكر يعنی دوزخ فرو افكنده چشمهای ايشان بيرون آيند از گورها

كانهم جراد منتشر ۝ مهطعين الى الداع يقول الكافرون

مانند ايشان ملخهای پراكنده را گويند ناگرويدگان بسوی خواننده دوزخ گويند كافران

هذا يوم عسر ۝ كذبت قبلهم قوم نوح فكذبوا

اين روزيست سخت تكذيب كردند پيش از ايشان گروه نوح پس تكذيب كردند

عبدنا وقالوا مجنون وازدجر ۝ فدعا ربه انى مغلوب

بنده ما را و گفتند ديوانه است و باز داشته شد او را پس بخواند خداوند خود را كه من مغلوب شده

فانتصر ۝ ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر ۝ وفجرنا

پس ياری كن مرا پس بگشاديم درهای آسمان را بآبی سيل آرنده و روان كرديم

الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر ۝ وحملناه

و شكافتيم زمين را چشمها پس جمع شد آب آسمان و زمين بر فرمانی كه بتحقيق تقدير شده بود و برداشتيم ما او را

على ذات الواح ودسر ۝ تجرى باعيننا جزاء لمن كان

بر كشتی كه خداوند تختها بود و ميخها استوار كنند ميرفت بنگاهداشت ما پاداش مر كسی را كه بود

كفر ۝ ولقد تركناها اية فهل من مدكر ۝ فكيف

انكار كرده شده و هر آينه تحقيق گذاشتيم ما اين كشتی را نشانی پس هست از پند گيرنده پس چگونه

كان عذابى ونذر ۝ ولقد يسرنا القران للذكر

باشد عذاب من و بيم كردن من و بدرستی آسان كرديم ما قرآن را مر پند گيرندگان

فهل من مدكر ۝ كذبت عاد فكيف كان عذابى

پس هست از هيچ پند گيرنده تكذيب كردند عاد پس چگونه بود عذاب من

وَنُذُرِ ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ ۝

و بیم کردن من ۝ بدرستیکه ما فرستادیم بر ایشان بادی سخت و سرد در روز شوم مستحکم

تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ ۝ فَكَيْفَ كَانَ

که بر میکند مردمان را مانند ایشان که ساق خرما بنان اند کنده شده از بیخ ۝ پس چگونه بود

عَذَابِي وَنُذُرِ ۝ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ۝

عذاب من و بیم کردن من ۝ و هر آینه تحقیق آسان کردیم ما قرآن را مر پند گیرندگان را پس هست از هیچ پند گیرنده

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ ۝ فَقَالُوا أَبَشَرًا مِنَّا وَاحِدًا

تکذیب کردند ثمودیان [illegible] ۝ پس گفتند آیا آدمی که یکی از ما است

نَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذًا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ۝ أَأُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا

متابعت کنیم او را بدرستیکه ما آن گاه در گمراهی و دیوانگی ۝ آیا فرستاده شد وحی بر او از میان ما

بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ ۝ سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَنِ الْكَذَّابُ

بلکه او است سخت دروغ گوی از خود کامه ۝ زود باشد که بدانند فردا کیست دروغ گوی تر

الْأَشِرُ ۝ إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ ۝

شریرتر ۝ بدرستیکه ما فرستنده ماده شتریم آزمایش ایشان را پس منتظر باش ایشان را و صبر کن

وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌ ۝ فَنَادَوْا

و بیاگاهان ایشان را بدرستیکه آب قسمت کرده شده میان ایشان هر کس را نصیب حاضر کرده شده ۝ پس ندا کردند

صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ ۝ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ۝

یار خویش را پس قصد کرد و بکشت شتر ۝ پس چگونه بود عقوبت من و بیم کردن من

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ ۝

بدرستیکه ما فرستادیم بر ایشان آواز یک بار پس گشتند همچون خار خشک [illegible]

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ۝ كَذَّبَتْ قَوْمُ

و هر آینه بدرستیکه آسان کردیم قرآن را برای پند گرفتن پس هست از هیچ پند گیرنده ۝ تکذیب کردند گروه

۲ یعنی بیرون آورنده از سنگ

لوط بالنذر انا ارسلنا

لوط بالنذر ۝ انا ارسلنا عليهم حاصبا الا آل لوط نجيناهم

لوط بیم کنندگان را بدرستیکه ما فرستادیم بر ایشان سنگ باران مگر بر آل لوط برهانیدیم ما ایشان را

بسحر ۝ نعمة من عندنا كذلك نجزي من شكر ۝ ولقد

وقت سحر نعمتی از نزد ما همچنین پاداش میدهیم هر که شکر کند و هر آینه بتحقیق

انذرهم بطشتنا فتماروا بالنذر ۝ ولقد راودوه عن

بیم کرد لوط ایشان را از گرفتن ما پس شک کردند به بیم کنندگان و هر آینه بتحقیق جستند از لوط مهمان او را

ضيفه فطمسنا اعينهم فذوقوا عذابي ونذر ۝ ولقد صبحهم

تا دو عمل فاحش کنیم با ایشان پس بردیم ما از چشمهای ایشان پس بچشید عقوبت مرا و بیم کردن مرا و بدرستی بیامد ایشان را

بكرة عذاب مستقر ۝ فذوقوا عذابي ونذر ۝ ولقد

وقت صبح دم عذابی قرار گیرنده پس بچشید عذاب مرا و بیم کردن من و بدرستیکه

يسرنا القرآن للذكر فهل من مدكر ۝ ولقد جاء آل فرعون

آسان کردیم ما قرآن را مر پند گیرنده را پس هست از هیچ پند گیرنده و هر آینه بتحقیق بیامد بر آل فرعون

النذر ۝ كذبوا بآياتنا كلها فاخذناهم اخذ عزيز

بیم کنندگان تکذیب کردند آیات ما همه از آن پس بگرفتیم ما ایشان را گرفتن دشوار

مقتدر ۝ اكفاركم خير من اولئكم ام لكم براءة

و هر تقدیر کرده شده آیا کافران شما بهتر است از کافران گذشته یا مر شما را است بیزاری

في الزبر ۝ ام يقولون نحن جميع منتصر ۝ سيهزم الجمع

در نوشته‌های پیشین یا میگویند ما همه نصرت کنیم زود باشد که هزیمت کرده شوند جمیع

ويولون الدبر ۝ بل الساعة موعدهم والساعة ادهى

و بگردانند پشتها را بلکه قیامت وعده ایشانست و قیامت هولناک تر

وامر ۝ ان المجرمين في ضلال وسعر ۝ يوم يسحبون في

و تلخ تر بدرستیکه کافران در گمراهی و سختی اند آن روز که میکشند کافران در

النار على وجوههم ذوقوا مس سقر ○ انا كل شيء خلقناه

در آتش دوزخ بر رویهای ایشان گویند بچشید ساییدن دوزخ را بدرستیکه ما هر چیز بیافریدیم آن را

بقدر ○ وما امرنا الا واحدة كلمح بالبصر ○ ولقد اهلكنا

باندازه و نیست فرمان ما مگر یک چشم زدن خلق کنیم و بدرستیکه هلاک کردیم

اشياعكم فهل من مدكر ○ وكل شيء فعلوه في الزبر ○

گروهان مانند پس هست از هیچ پند گیرنده و هر چیزی کردند آن را که در لوح محفوظ نوشته

وكل صغير وكبير مستطر ○ ان المتقين في جنات ونهر

و هر خردی و بزرگی نوشته شده است بدرستیکه پرهیزکاران در بهشتها و جویها باشند

سورة الرحمن في مقعد صدق عند مليك مقتدر ○ ست وسبعون آية

در نشستن گاه راستی نزدیک پادشاه قادر بکمال

بسم الله الرحمن الرحيم ○

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

الرحمن ○ علم القران ○ خلق الانسان ○ علمه البيان ○ الشمس

خداوند رحمن بیاموزانیده قرآن را بیافرید مردمان را بیاموزانید بیان آفتاب

والقمر بحسبان ○ والنجم والشجر يسجدان ○ والسماء

و ماه میروند بحساب معلوم و هر گیاه بی ساق و درخت با ساق سجده میکنند خدا را و آسمان

رفعها ووضع الميزان ○ الا تطغوا في الميزان ○ واقيموا

برداشته آن را و بنهاده ترازو تا که در نگذرید از حد در ترازو و بپای دارید

الوزن بالقسط ولا تخسروا الميزان ○ والارض وضعها

در سنجیدن بعدل و کم مکنید ترازو را و زمین را و بنهاد آن را

للانام ○ فيها فاكهة والنخل ذات الاكمام ○ والحب

برای آفریدگان را در آن میوه و خرما بنانی خداوند شاخها و دانه

ذو العصف والريحان

ذو العصف والريحان ۝ فبأي آلاء ربكما تكذبان ۝
بابرگ چون گندم و جو و نعمت و انچه خوشبوی باشد پس بکدام نعمتهای خداوند خود تکذیب میکنید
خلق الإنسان من صلصال كالفخار ۝ وخلق الجان
بیافرید آدمیان را از گل چون سفال وبیافرید پریان را
من مارج من نار ۝ فبأي آلاء ربكما تكذبان ۝ رب
از زبانه از اتش بیدود پس بکدام نعمتهای خداوند خود تکذیب میکنید خداوند
المشرقين ورب المغربين ۝ فبأي آلاء ربكما تكذبان ۝
دو مشرق وخداوند دو مغرب پس بکدام نعمتهای خداوند خود تکذیب میکنید
مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان ۝ فبأي
بگذاشت دو دریا را بهلوی یکدیگر میان ایشان حایلست که بر یکدیگر افزونی نجویند پس بکدام
آلاء ربكما تكذبان ۝ يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان ۝
نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنید بیرون می‌آرد از ان دریا مروارید و مرجان
فبأي آلاء ربكما تكذبان ۝ وله الجوار المنشآت في البحر
پس بکدام نعمتهای خداوند خود تکذیب میکنید ومراورا است کشتیهای روان در دریا
كالأعلام ۝ فبأي آلاء ربكما تكذبان ۝ كل من عليها فان ۝
مانند کوهها پس بکدام نعمتهای خداوند خود تکذیب میکنید هرکه هست بر روی زمین فانی است

نصف

ويبقى وجه ربك ذو الجلال والإكرام ۝ فبأي آلاء
و باقی ماند ذات خداوند تو خداوند گرامی و بزرگی و گرامی کننده پس بکدام نعمتهای
ربكما تكذبان ۝ يسأله من في السماوات والأرض كل
خداوند خود تکذیب میکنید میخواهد ازو هرکه در آسمانها و زمین است هر
يوم هو في شأن ۝ فبأي آلاء ربكما تكذبان ۝
روز او انچه در کارست پس بکدام نعمتهای خداوند خود تکذیب میکنید

سَنَفْرُغُ لَكُمْ اَيُّهَ الثَّقَلٰانِ ۝ فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰانِ ۝
زود باشند که از حساب شما ای گروه جن و انس پس بکدام نعمتهای خداوند خود تکذیب میکنید
يٰا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنِ اسْتَطَعْتُمْ اَنْ تَنْفُذُوا مِنْ اَقْطٰارِ
ای گروه پریان و آدمیان اگر توانید شما که بگریزید از کرانهای
السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ اِلَّا بِسُلْطٰانٍ
آسمانها و زمین پس بگریزید نگریزید مگر بحجتی
فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰانِ ۝ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوٰاظٌ مِنْ
پس بکدام نعمتهای خداوند خود تکذیب میکنید فرستاده شود بر شما زبانه از
نٰارٍ وَنُحٰاسٌ فَلَا تَنْتَصِرٰانِ ۝ فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰانِ ۝
آتش و دود دوزخ پس نتوانید برهانید پس بکدام نعمتهای خداوند خود تکذیب میکنید
فَاِذَا انْشَقَّتِ السَّمٰاۤءُ فَكٰانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهٰانِ ۝ فَبِاَيِّ
پس چون بشکافد آسمان پس باشد رنگین مانند روغن پس بکدام
اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰانِ ۝ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْاَلُ عَنْ ذَنْبِهِ اِنْسٌ
نعمتهای خداوند خود تکذیب میکنید پس امروز پرسیده نشود از گناهان او آدمی
وَلَا جَاۤنٌّ ۝ فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰانِ ۝ يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ
و نه پری پس بکدام نعمتهای خداوند خویش تکذیب میکنید شناخته شوند کافران
بِسِيمٰاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوٰاصِي وَالْاَقْدٰامِ ۝ فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا
بعلامت یعنی سیاهی پس بگیرند بموی های پیشانی و بپایها پس بکدام نعمتهای خداوند خود
تُكَذِّبٰانِ ۝ هٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ۝
تکذیب میکنید این دوزخ است آنکه تکذیب میکردند بر آن کافران
يَطُوفُونَ بَيْنَهٰا وَبَيْنَ حَمِيمٍ اٰنٍ ۝ فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبٰانِ ۝ ع
میگردیدند میان آتش و میان آب گرم پس بکدام نعمتهای خداوند خویش تکذیب میکنید

ولمن خاف

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

مر انرا كه بترسد از مقام خداوند خود بوستانهاى بهشت پس بكدام نعمتهاى خداوند خويش

تُكَذِّبَانِ ۝ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝

تكذيب ميكنيد بوستانها خداوندان شاخها [illegible] پس بكدام نعمتهاى خداوند خود تكذيب ميكنيد

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ فِيهِمَا

دران دو بوستان دو چشمهٔ آب هر دو روان پس بكدام نعمتهاى خداوند خويش تكذيب ميكنيد دران بوستانها

مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝

هر ميوه دو نوع پس بكدام نعمتهاى خداوند خود تكذيب ميكنيد

مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ

تكيه زدگان باشند بر فرشها كه استرانها از ديباى ستبر باشند و چيدن ميوه گرفتن ازان دو بوستان

دَانٍ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ

پس بكدام نعمتهاى خداوند خويش تكذيب ميكنيد دران بوستانها باشند حوران

الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

[illegible] پيش ازايشان و نه پرى پس بكدام نعمتهاى خداوند

تُكَذِّبَانِ ۝ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ

تكذيب ميكنيد حوران مانند ياقوت و مرجان پس بكدام نعمتهاى

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ۝

خداوند خويش تكذيب ميكنيد [illegible] نيكوئى

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ۝

پس بكدام نعمتهاى خداوند خود تكذيب ميكنيد و از جز اين دو بوستان دو بوستان ديگر

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ مُدْهَامَّتَانِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ

پس بكدام نعمتهاى خداوند خويش تكذيب ميكنيد [illegible] پس بكدام نعمتهاى

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه در شب جمعه سورهٔ واقعه بخواند خدا او را دوست دارد و مردم را دوست او گرداند و در دنیا بحالی و فقر و احتیاج نرسد
و بهیچ بلائی مبتلا نشود و از رفقای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام باشد این سوره مخصوص آنحضرتست و بسند معتبر از آنحضرت منقولست که هرکه مشتاق بهشت
و وصف آن باشد سورهٔ اذا وقعه را بخواند و هرکه خواهد وصف جهنم ملاحظه نماید سورهٔ الم سجده را بخواند و بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هرکه سورهٔ اذا وقعه
در هر شب پیش از آنکه بخوابد بخواند در قیامت روی او مثل ماه شب چهارده نورانی باشد و بسند معتبر از اسمعیل بن عبد الخالق منقولست که حضرت صادق ع فرمود که پدرم بعد از نماز خفتن
دو رکعت نماز نشسته میکرد و در آن دو رکعت صد آیه میخواند و میفرمود که هرکه این دو رکعت و صد آیه در آن دو رکعت بخواند او را در آن شب از غافلان ننویسند و اسمعیل گفت
که حضرت امام محمد باقر ع در این دو رکعت و غیره سوره اذا وقعه و قل هو الله احد میخواندند

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ۞ فَبِأَيِّ
خداوند خویش تکذیب میکنید دران دو بوستان دو چشمه است بر دمند پس بکدام

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ۞
نعمتهای خداوند خود تکذیب میکنید در آن دو بوستان میوه‌ها و خرمابنان و انار

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ ۞
پس بکدام نعمتهای خداوند خود تکذیب میکنید دران بستانها زنان نیکو روی باشند

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ۞
پس بکدام نعمتهای خداوند خویش تکذیب میکنید حوران محبوس درخیمها اند

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ
پس بکدام نعمتهای خداوند خویش تکذیب میکنید نسوده است ایشان را آدمی پیش از ایشان

وَلَا جَانٌّ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ
و نه پری پس بکدام نعمتهای خداوند خود تکذیب میکنید تکیه زنندگان باشند بر

رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
خیمهای سبز و فرشها مانند مخملها پس بکدام نعمتهای پروردگار خود

تُكَذِّبَانِ ۞ تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ۞
تکذیب میکنید بزرگست نام پروردگار تو خداوند بزرگی و گرامی کردن

سُورَةُ الْوَاقِعَةِ وَهِيَ سِتٌّ وَتِسْعُونَ آيَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۞ لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ ۞ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ ۞
چون وقوع یابد واقعه قیامت نیست مر وقوع آن را دروغ دارنده فرو برنده بردارنده

اذا رجت الارض

ذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا ۝ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ۝ فَكَانَتْ هَبَآءً

چون بجنبانند زمین را جنبانیدنی و بکوبند کوهها را کوبیدنی پس بگردد آن کوهها چون گرد

مُنۢبَثًّا ۝ وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ۝ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ

پراکنده و باشند اهل عرصات سه گروه پس اصحاب میمنه چیست اصحاب

الْمَيْمَنَةِ ۝ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۝ وَ

میمنه خداوندان یمن و دولت سعادت و اصحاب مشأمه کیست خداوندان مشأمه و

السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ۝ أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ۝ فِي جَنَّاتِ

پیشی گیرندگان سوی طاعت پیشی گیرندگانند ایشانند نزدیک شدگان در بوستانهای بهشت

النَّعِيمِ ۝ ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ۝ وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ ۝ عَلَىٰ

نعیم گروهی از پیشینیان و اندکی از پسینیان بر

سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ ۝ مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ ۝ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ

تختها بافته از مروارید و زمرد تکیه زدگان بران برابر یکدیگر میگردند بطواف کنندگی بر ایشان

وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ ۝ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ

کودکان جاودانه در بهشت باکوزها و ابریقها و قدحها

مِنْ مَعِينٍ ۝ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ ۝ وَفَاكِهَةٍ

از می آب روان نه دردسری ازان و نه کم کرده شود و میوها

مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ ۝ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ۝ وَحُورٌ عِينٌ

از انچه اختیار کنند و گوشت مرغ از انچه آرزو نمایند و زنان سپید

كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ ۝ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝

مانند مروارید بزرگ در پرده نهفته پاداش بدانچه بودند کنندگان

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا ۝ إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا

نشنوند در آن بهشت حرف لغو و نه زشتی مگر گفتار صواب و سلامتی سلامتی

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ۝ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ۝
و اصحاب یمین چیست اصحاب یمین در سایه درختی بی خار
وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ ۝ وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ ۝ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ۝ وَفَاكِهَةٍ
و درخت موزون بهم چسبیده و سایهای کشیده و گشاده و آب روان و میوه های
كَثِيرَةٍ ۝ لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ۝ وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ ۝
بسیار که هرگز قطع نشود و هرگز منع نکنند و فرشهای برداشته شده
إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً ۝ فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا ۝ عُرُبًا أَتْرَابًا ۝
بدرستیکه ما بیافریدیم ایشانرا آفریدنی پس کردیم ایشانرا دوشیزگان شوهردوست همزادان
لِّأَصْحَابِ الْيَمِينِ ۝ ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ۝ وَثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ۝
مر یاران دست راست را گروهی از پیشینیان و گروهی از پسینیان
وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ۝ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ۝
و اصحاب دست چپ چیست اصحاب دست چپ در آتش سوزنده و آب گرم
وَظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ ۝ لَّا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ۝ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ
و سایه از دود سیاه دوزخ نه خنک و نه گرامی بدرستیکه ایشان بودند پیش
ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ ۝ وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ ۝ وَكَانُوا
ازین مسرفان و متجبران و بودند اصرار کنندگان بر گناه بزرگ و بودند
يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَئِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ۝
گویندگان که آیا چون بمیریم ما و باشیم ما خاک و استخوان پوسیده آیا هرآینه برانگیختگانیم
أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ۝ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ۝ لَمَجْمُوعُونَ
یا پدران ما که پیش از ما مرده اند بگو ای محمد بدرستیکه پیشینیان و پسینیان هرآینه گرد کرده
إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ۝ ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ
سوی وقت روزی دانسته شده پس بدرستیکه شما ای گمراهان تکذیب کنندگان

لَآكِلُونَ مِن شَجَرٍ

لَآكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ ۝ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ۝ فَشَارِبُونَ

هرآینه بخورند از درخت از زقوم پس پر کنید ازان شکمها پس بیاشامید

عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ۝ فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ ۝ هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ

بران از آب گرم پس بیاشامید چون شتر تشنه ده روزه اینست مهمانی ایشان روز قیامت

ع

نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ۝ ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ

ما بیافریدیم شمارا پس چرا راست نمیدارید بعث را ایا دیدید شما خبر کنید مرا ازان ایا شما می آفرینید آنرا

أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ۝ نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ۝

یا ما آفریننده ایم ما اندازه کردیم ما میان شما مرگ را و نیستیم ما پیش دهنده

عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنْشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ

بر آنکه بدل کنیم ما بمانندهای شمارا و می آفرینیم شمارا در چیزی که نمیدانید شما و بدرستی بدانید شما

النَّشْأَةَ الْأُولَى فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ۝ ءَأَنْتُمْ

آفرینش نخستین را پس چرا پند نمیگیرید ایا پس خبر دهید شما آنچه کشت میکنید ایا شما

تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ۝ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ

میکارید آنرا یا ما رویانیم ودانه بر آریم اگر خواهیم ما هرآینه میکردانیم آن کشت را شکسته پس همه روز باشید

تَفَكَّهُونَ ۝ إِنَّا لَمُغْرَمُونَ ۝ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ

پشیمانان بدرستیکه هرآینه تاوان دهندگانیم بلکه ما محرومانیم ایا پس خبر کنید مرا از آن آب

الَّذِي تَشْرَبُونَ ۝ ءَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ ۝

که می خورید ایا شما فرو فرستادید آنرا از ابر یا ما فرستندگانیم

لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي

اگر خواهیم ما میکردانیم آنرا تلخ شور پس چرا شکر نمیکنید ایا خبر کنید مرا از آتش که

تُورُونَ ۝ ءَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ ۝ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا

بیرون می آرید از درخت ایا شما می آفرینید درخت آن را یا ما آفریننده آن ما گردانیدیم آن را

ثلث
ع

تذكرة ومتاعا للمقوين ۝ فسبح باسم ربك العظيم ۝ فلا
پندی و برخورداری مر مقیمان و مسافران پس تسبیح کن بنام پروردگار خود که بزرگست
اقسم بمواقع النجوم ۝ وانه لقسم لو تعلمون عظيم ۝ انه
سوگند یاد کرد بنجوم و بدرستیکه چنانست سوگندیست اگر بدانید بزرگ بدرستیکه آن
لقران كريم ۝ في كتاب مكنون ۝ لا يمسه الا المطهرون ۝
هر آینه قرانیست گرامی در لوح محفوظ نوشته شده بنبسد آنرا مگر فرشتگان پاکیزه
تنزيل من رب العلمين ۝ افبهذا الحديث انتم مدهنون ۝
این قران از پروردگار جهانیانست آیا پس این حدیث از شما روی گردان
وتجعلون رزقكم انكم تكذبون ۝ فلولا اذا بلغت
و میگردانید روزی خویش بدرستیکه شما دروغ گو میدانید پس چرا چون برسد روح
الحلقوم ۝ وانتم حينئذ تنظرون ۝ ونحن اقرب اليه منكم
بحلق و شما آن زمان می نگرید و ما نزدیکتریم سوی او از شما
ولكن لا تبصرون ۝ فلولا ان كنتم غير مدينين ۝ ترجعونها
و لیکن شما نمی بینید پس چرا اگر هستید شما جز جزا یابندگان بازگردانید آن
ان كنتم صادقين ۝ فاما ان كان من المقربين ۝ فروح
اگر هستید شما راست گویان پس اما اگر باشد از نزدیکان پس وعده
وريحان وجنت نعيم ۝ واما ان كان من اصحاب
در راحت و بهشت پرنعمت و اما اگر باشد از اصحاب
اليمين ۝ فسلام لك من اصحاب اليمين ۝ واما ان كان من
دست راست پس سلام مر ترا ای محمد از اصحاب دست راست و اما اگر باشد از
المكذبين الضالين ۝ فنزل من حميم ۝ وتصلية جحيم ۝
دروغ گویان گمراهان پس روزی او آماده باشد از آب گرم و انداختن در دوزخ

ان هذا

اِنَّ هٰذا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ • فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ •

بدرستیکه این هرآئنه این راست و یقین پس تسبیح کن بنام خداوند خود که بزرگست

سوره الحدید ومی تسع وعشرون ايات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ •

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ •

پاکی یاد کند مر خدا را آنچه در آسمانها و زمین است و اوست ارجمند حکم کننده

لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ

واوست پادشاهی آسمانها و زمین زنده میکند و می میراند و او بر همه

شَيْءٍ قَدِيرٌ • هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ

چیز تواناست اوست اول که همیشه بود و آخر که همیشه باشد و پیدا بهمه و بنهایت از چگونگی و اوست

بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ • هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِي

بهمه چیز دانا اوست آنخدا آنکه آفرید آسمانها و زمین را در

سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ

شش روز پس مستقر شد بر عرش میداند آنچه میرود در زمین

وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ

و آنچه بیرون می آید از آن و آنچه فرود می آید از آسمان و آنچه بر می رود در آن و او با شماست

اَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ • لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ

هرکجا باشید شما و خدا بدانچه میکنید بیناست مر اوراست پادشاهی آسمانها

وَالْاَرْضِ وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُورُ • يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ

و زمین و بسوی خدا میگردد کارها در آورد شب را در روز و در آورد

النهار في الليل وهو عليم بذات الصدور ۝ آمنوا بالله ورسوله

وانفقوا مما جعلكم مستخلفين فيه فالذين آمنوا منكم

وانفقوا لهم اجر كبير ۝ وما لكم لا تؤمنون بالله والرسول

يدعوكم لتؤمنوا بربكم وقد اخذ ميثاقكم ان كنتم

مؤمنين ۝ هو الذي ينزل على عبده آيات بينات

ليخرجكم من الظلمات الى النور وان الله بكم لرؤوف

رحيم ۝ وما لكم الا تنفقوا في سبيل الله ولله ميراث

السموات والارض لا يستوي منكم من انفق من قبل

الفتح وقاتل اولئك اعظم درجة من الذين انفقوا

من بعد وقاتلوا وكلا وعد الله الحسنى والله بما تعملون

خبير ۝ من ذا الذي يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه ٤

لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ ۝ يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

مر او را و مر او راست مزدی گرامی ۝ آن روز که ببینی تو گرویدگان را از مردان و زنان

يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ

که میشتابد نور ایشان پیش روی ایشان و بدست راست بشارت کرده شوند که امروز مژده باد شما را

جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ

بهشت که میرود از زیر آن جویها جاویدانند در آن این

هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ

آن رستگاری بزرگ ۝ روز که گویند منافقان از مردان و زنان منافقه

لِلَّذِينَ آمَنُوا انْظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ

مر آنها را که ایمان آوردند بنگرید ما را تا فرا گیریم باز از نور شما گویند باز گردید پس پشت خویش

فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ

پس بجوئید نوری پس زده شود میان ایشان حصاری که مر او راست دری باطنش در آن رحمت

وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ۝ يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ

و ظاهر آن از جهت او عذاب ۝ آواز کنند منافقان ایشان را آیا نبودیم ما با شما

قَالُوا بَلَى وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ

گویند بلی ولیکن شما در فتنه افکندید تنهای خویش را و توبه نکردید و شک کردید

وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغَرُورُ

و فریفت شما را امیدهای باطل تا آمد فرمان خدای و فریفت شما را بخدای شیطان فریبنده

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا

پس امروز گرفته نشود از شما بدل و نه از آنها که نگرویدند

مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ

جای شما آتش است آن آتش یار شما و بد جایست بازگشت دوزخ ۝ آیا نیامد هنگام مر آنان را

امنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله وما نزل من الحق ولا

يكونوا كالذين اوتوا الكتاب من قبل فطال عليهم

الامد فقست قلوبهم وكثير منهم فاسقون ○ اعلموا

ان الله يحي الارض بعد موتها قد بينا لكم الايات لعلكم

تعقلون ○ ان المصدقين والمصدقات واقرضوا الله قرضا

حسنا يضاعف لهم ولهم اجر كريم ○ والذين امنوا

بالله ورسله اولئك هم الصديقون ○ والشهداء عند ربهم

لهم اجرهم ونورهم والذين كفروا وكذبوا باياتنا

اولئك اصحاب الجحيم ○ اعلموا انما الحيوة الدنيا لعب ٤

ولهو وزينة وتفاخر بينكم وتكاثر في الاموال

والاولاد كمثل غيث اعجب الكفار نباته ثم يهيج فتريه

مصحف ٣٣١

مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ
زرد شده پس باشد شکسته و ریزه ریزه و در آنجهان عذاب سخت نا سپاسان
وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ
و آمرزش از خدای تعالی گرویدگان را و نیست زندگانی دنیا مگر اسباب فریب
سَابِقُوا إِلٰى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ
پیشی گیرید سوی آمرزش از خداوند خویش و بهشتی که فراخی آن مانند فراخی آسمان
وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ ذٰلِكَ فَضْلُ اللّٰهِ
و زمین است آماده کرده شده است مر آنانرا که گرویدند بخدا و رسول او اینست افزونی خدا
يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۝ مَا أَصَابَ
میدهد افزونی هر کرا میخواهد و خدا خداوند فضل بزرگست رسید
مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ
از هیچ مصیبتی در زمینی و نه در تنهای شما مگر در لوح محفوظ
مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ ۝ لِكَيْلَا تَأْسَوْا
از پیش آنکه بیافریدیم آنرا بدرستیکه اینست بر خدا آسان برای آنکه اندوه نخورید
عَلٰى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ
بآنچه فوت شده شما را و نه خوشحال شوید بآنچه آمد شما را و خدا دوست ندارد هر متکبر کننده
فَخُورٍ ۝ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ
نازکننده آنانکه بخل میکنند و میفرمایند مردمان را به بخل و هرکه
يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ
روی بگرداند پس بدرستیکه خدا اوست بی نیاز ستوده هر آینه بتحقیق فرستادیم پیغمبران را بحجتها
وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ
و فرو فرستادیم با ایشان کتاب و ترازو تا بایستند مردمان براستی و عدل و

أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللّٰهُ

فرستاده آهن که دراو قوت سخت است و منفعت [illegible] تا بداند که خدا

مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝ وَلَقَدْ ٤

کیست که یاری کند این او را و پیغمبران او را [illegible] بدرستیکه خدا [illegible] و هر آینه تحقیق

أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرٰهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَا

[illegible]

بَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ۝ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ

[illegible]

بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا

[illegible]

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا

[illegible]

مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللّٰهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ

[illegible]

رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

[illegible]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ

[illegible]

مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللّٰهُ غَفُورٌ

[illegible]

رَحِيمٌ ۝ لِئَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ

[illegible]

من فضل الله

من الجزء الثامن والعشرون

من فضل الله وأن الفضل بيد الله يؤتيه من يشاء والله

از افزونی خدا و بدرستیکه فزونی بدست قدرت خداست میدهد هر که را می خواهد و خدا

ذو الفضل العظيم

خداوند افزونی بزرگست

سورة المجادلة اثنان وعشرون آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشنده مهربان

قد سمع الله قول التي تجادلك في زوجها وتشتكي إلى الله والله

تحقیق شنید خدا گفتار آن زنی که خصومت با تو درحق شوهر خویش و شکایت میکند سوی خدا و خدا

يسمع تحاوركما إن الله سميع بصير الذين يظاهرون

می شنود گفتار سخت هر دو را بدرستیکه خدا شنوای بیناست آنانکه اظهار میکنند

منكم من نسائهم ما هن أمهاتهم إن أمهاتهم إلا اللائي

از شما از زنان خویش نیستند آن زنان مادران ایشان نیستند مادران ایشان مگر آن زنانی که

ولدنهم وإنهم ليقولون منكرا من القول وزورا وإن الله

بزادند ایشان را و بدرستیکه ایشان هر آئینه میگویند سخن ناشناخت از گفتار و دروغ و بدرستیکه خدا

لعفو غفور والذين يظاهرون من نسائهم ثم

هر آئینه درگذرنده و آمرزنده است و آنانکه اظهار میکنند از زنان خویش پس

يعودون لما قالوا فتحرير رقبة من قبل أن يتماسا

باز میگردند هر آنچه گفته اند پس آزاد کردن بنده است بر او واجب پیش از آنکه مجامعت کنند

ذلكم توعظون به والله بما تعملون خبير فمن

این شما را پند میدهند بدان و خدا بدانچه میکنید آگاه است پس هر که

لم يجد فصيام شهرين متتابعين من قبل أن يتماسا

نیابد بنده پس روزه داشتن دو ماه پی در پی است از پیش آنکه مجامعت کنند

فمن لم يستطع فاطعام ستين مسكينا ذلك لتؤمنوا
پس هر که دو ماه روزه نداشته باشد پس طعام بخوراند شصت درویش را اینست تا مومنان گردیده اند
بالله ورسوله وتلك حدود الله وللكافرين عذاب
بخدا و رسول او و اینست حدهای خدا و کافران را عقوبت
اليم ان الذين يحادون الله ورسوله كبتوا كما كبت
دردناکست بدرستی آنانکه از حد میگذرند خدا و رسول او را نگونسار کرده شوند چنانکه نگون
الذين من قبلهم وقد انزلنا ايات بينات وللكافرين
آنانکه پیش از ایشان بودند و تحقیق فرستادیم نشانهای پیدا و مر ناکروندگان را
عذاب مهين يوم يبعثهم الله جميعا فينبئهم بما عملوا
عقوبت خوار کننده آن روز که برانگیزد ایشان را خدا همه را پس آگاه کند ایشان را بدانچه کرده اند
احصيه الله ونسوه والله على كل شيء شهيد الم تر ان الله
بشمرد آن را خدا و فراموش کردند آن را و خدا بر همه چیز گواه است آیا نمی بینی که خدا
يعلم ما في السموات وما في الارض ما يكون من نجوى
میداند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است نمیشود از راز گفتن
ثلثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم ولا ادنى
سه کس مگر او چهارم ایشانست و نه پنج تن مگر او ششم ایشانست و نه کمتر
من ذلك ولا اكثر الا هو معهم اينما كانوا ثم ينبئهم
از این و نه بیشتر مگر او با ایشانست هر کجا باشند پس آگاه کند ایشان را
بما عملوا يوم القيمة ان الله بكل شيء عليم الم تر الى الذين
بدانچه کردند روز قیامت بدرستیکه خدا بهمه چیز داناست آیا نمی بینی بسوی آنانکه
نهوا عن النجوى ثم يعودون لما نهوا عنه ويتناجون
باز داشته شدند از راز گفتن پس باز میگردند مر آنچه که نهی کرده شدند از آن و راز

بِالْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ ط وَاِذَا جَاۤءُوكَ حَيَّوْكَ

بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللّٰهُ وَيَقُولُونَ فِيٓ اَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللّٰهُ

بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ ج يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ

اٰمَنُوٓا اِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ

الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوٰى ط وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِيٓ اِلَيْهِ

تُحْشَرُونَ ۝ اِنَّمَا النَّجْوٰى مِنَ الشَّيْطٰنِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ اٰمَنُوا

وَلَيْسَ بِضَاۤرِّهِمْ شَيْـًٔا اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ط وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

الْمُؤْمِنُونَ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوٓا اِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي

الْمَجٰلِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللّٰهُ لَكُمْ ج وَاِذَا قِيلَ انْشُزُوا فَانْشُزُوا يَرْفَعِ

اللّٰهُ الَّذِينَ اٰمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ اُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجٰتٍ ط

وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوٓا اِذَا نَاجَيْتُمُ

الرسول فقدموا بين يدي نجويكم صدقة ذلك خير لكم
پیغمبر پس پیش کیرید میان راز کفتن خویش صدقه این بهترست مر شمارا
واطهر فإن لم تجدوا فإن الله غفور رحيم ءأشفقتم
و پاکیزه‌تر پس اگر نیابید پس بدرستیکه خدا آمرزنده بخشاینده است آیا بترسید شما
أن تقدموا بين يدي نجويكم صدقات فإذ لم
اگر پیش کیرید میان راز کفتن خویش صدقها پس چون نه
تفعلوا وتاب الله عليكم فأقيموا الصلوة وآتوا الزكوة
کنید و توبه کنید خدای بر شما پس بپای دارید نمازرا و بدهید زکوة را
وأطيعوا الله ورسوله والله خبير بما تعملون ألم تر إلى الذين
و فرمان برید خدایرا و پیغمبر اورا و خدا آگاهست بآنچه میکنید آیا نمی بینی تو سوی آنانکه
تولوا قوما غضب الله عليهم ما هم منكم ولا منهم ويحلفون
دوست گرفتند گروهی که خشم گرفت خدای بر ایشان نیستند ایشان از شما و نه از ایشان و سوگند میخورند
على الكذب وهم يعلمون أعد الله لهم عذابا شديدا
بر دروغ و ایشان میدانند آماده کرد خدا برای ایشان عذابی سخت
إنهم ساء ما كانوا يعملون اتخذوا أيمانهم جنة فصدوا
بدرستیکه ایشان بد بود آنچه بودند میکردند فرا گرفتند سوگندهای خود را سپری پس بازداشتند
عن سبيل الله فلهم عذاب مهين لن تغني عنهم أموالهم
از راه خدا پس مر ایشانراست عذابی خوار کننده هرگز بی نیاز نکند ایشانرا مالهای ایشان
ولا أولادهم من الله شيئا أولئك أصحاب النار هم فيها
و نه فرزندان ایشان از خدا چیزی ایشانند یاران آتش ایشان در آن
خالدون يوم يبعثهم الله جميعا فيحلفون له كما يحلفون
جاودانه باشند آن روز که برانگیزد خدای همه ایشانرا پس سوگند میخورند مر او را همچنانکه سوگند میخورند

لكم ويحسبون انهم

لكم ويحسبون انهم على شيء الا انهم هم الكاذبون ○

شما را و می پندارند [illegible] بر چیزی [illegible] ایشان دروغ گویان

استحوذ عليهم الشيطان فانسيهم ذكر الله اولئك حزب

غالب گرد [illegible] بر ایشان شیطان پس فراموش کرد ایشان را یاد خدا ایشان اند گروه

الشيطان الا ان حزب الشيطان هم الخاسرون ○ ان الذين

شیطان بدانکه [illegible] گروه شیطان ایشان اند زیانکاران بدرستیکه آنانکه

يحادون الله ورسوله اولئك في الاذلين ○ كتب الله لاغلبن

[illegible] خدا و رسول او را ایشان اند ایشان در خوارترین نوشته است خدا [illegible]

انا ورسلي ان الله قوي عزيز ○ لا تجد قوما يؤمنون بالله و

من و پیغمبران من بدرستیکه خدا نیرومند [illegible] نیابی تو گروه گروندگان را بخدا و

اليوم الاخر يوادون من حاد الله ورسوله ولو كانوا

[illegible] خدا و رسول او را [illegible] باشند

اباءهم او ابناءهم او اخوانهم او عشيرتهم اولئك كتب في

پدران ایشان یا پسران ایشان یا برادران ایشان یا قریبان ایشان ایشان [illegible] نوشت در

قلوبهم الايمان وايدهم بروح منه ويدخلهم جنات

دلهای ایشان ایمان را [illegible] ایشان را [illegible] درآرد ایشان را بهشتها

تجري من تحتها الانهار خالدين فيها رضي الله عنهم ورضوا

[illegible] از زیر آن جویها جاودانه [illegible] خشنود شد [illegible] ایشان [illegible]

عنه اولئك حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون ○

از خدا ایشان اند گروه خدا بدانکه بدرستیکه گروه خدا ایشان اند رستگاران

سورة الحشر مدنية وهي اربع وعشرون ايات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝

تسبیح میگوید مر خدایرا هر چه در آسمانها است و آنچه در زمین است و اوست ارجمند حکم کننده

هُوَ الَّذِي اَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ

اوست آنکه بیرون آورد آنانرا که کافر شدند از اهل کتاب از خانهای ایشان

لِاَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ اَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا اَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ

نخست گرد کردن گمان نبردید شما که بیرون آیند و گمان بردند ایشان که بازدارنده ایشانرا حصارهای ایشان

مِنَ اللّٰهِ فَاَتٰيهُمُ اللّٰهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ

از خدا پس آمد ایشانرا خدا از جائیکه نپنداشتند و انداخت در دلهای ایشان

الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِاَيْدِيهِمْ وَاَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ

[illegible]

فَاعْتَبِرُوا يَا اُولِي الْاَبْصَارِ ۝ وَلَوْلَا اَنْ كَتَبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمُ

پس عبرت گیرید ای خداوندان بینائیها و اگر نبودی که نوشته خدا بر ایشان

الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ۝

[illegible] در دنیا و ایشانراست در آخرت عذاب آتش

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ شَاقُّوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِّ اللّٰهَ فَاِنَّ اللّٰهَ

اینست بدرستیکه ایشان خلاف کردند خدا و رسول اورا و هر که خلاف کند خدایرا پس بدرستیکه خدا

شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ اَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً

سخت عقوبت است آنچه ببرید شما از خرمابنان یا گذاشتید آنرا ایستاده

عَلٰى اُصُولِهَا فَبِاِذْنِ اللّٰهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ ۝ وَمَا اَفَاءَ اللّٰهُ

بر بیخهای آن پس بفرمان خدا است و تا خوار کند نافرمانان را و آنچه بداد خدا

على رسوله

عَلیٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَآ اَوْجَفْتُمْ عَلَیْهِ مِنْ خَیْلٍ وَلَا رِکَابٍ

رسول او خود از ایشان پس نتازانیدید شما براو از اسب و نه شتران

وَلٰکِنَّ اللّٰهَ یُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلیٰ مَنْ یَشَآءُ وَاللّٰهُ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ

ولیکن خدای می گمارد پیغمبران خود را بر هر که میخواهد و خدا بر همه چیز

قَدِیرٌ ۝ مَآ اَفَآءَ اللّٰهُ عَلیٰ رَسُولِهِ مِنْ اَهْلِ الْقُریٰ فَلِلّٰهِ وَلِلرَّسُولِ

توانا است آنچه بداد خدا بر پیغمبر خود از اهل دیه ها پس مر خدای راست و مر رسول او

وَلِذِی الْقُرْبیٰ وَالْیَتَامیٰ وَالْمَسَاکِینِ وَابْنِ السَّبِیلِ کَیْ لَا یَکُونَ

و خویشاوندان نزدیک پیغمبر را و یتیمان و درویشان و راه گذران تا نباشد

دُولَةً بَیْنَ الْاَغْنِیَآءِ مِنْکُمْ وَمَآ اٰتٰیکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا

گردشی میان توانگران از شما و آنچه بداد شما را پیغمبر پس بگیرید او را و آنچه

نَهٰیکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ شَدِیدُ الْعِقَابِ ۝

باز داشت شما را از ان پس باز مانید و بترسید از خدای بدرستیکه خدا سخت عقوبت است

لِلْفُقَرَآءِ الْمُهَاجِرِینَ الَّذِینَ اُخْرِجُوا مِنْ دِیَارِهِمْ وَاَمْوَالِهِمْ

درویشان را و هجرت کنندگان را آنانکه بیرون آورده شدند از خانهای خویش و مالهای خویش

یَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا وَیَنْصُرُونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ

میجویند افزونی از خدای و خوشنودی و یاری کنند دین خدای را و رسول او

اُولٰٓئِکَ هُمُ الصَّادِقُونَ ۝ وَالَّذِینَ تَبَوَّؤُا الدَّارَ وَالْاِیمَانَ مِنْ

ایشانند ایشان راست گویان و آنانکه جای ساختند در جایها و گرویدند از

قَبْلِهِمْ یُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ اِلَیْهِمْ وَلَا یَجِدُونَ فِی صُدُورِهِمْ

پیش ایشان دوست میدارند هر که هجرت کند سوی ایشان و نیابند در سینهای خود

حَاجَةً مِمَّآ اُوتُوا وَیُؤْثِرُونَ عَلیٰ اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ کَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ

حاجتی از آنچه داده شوند و برگزینند انصار بر تنهای ایشان و اگر باشد بدیشان فقر

ومن يوق شح نفسه فأولئك هم المفلحون ۝ والذين

و هر که نگاه داشته شده بخیلی نفس او پس ایشانند ایشان رستگاران و آنانکه

جاءوا من بعدهم يقولون ربنا اغفر لنا ولإخواننا الذين

بیامدند از پس ایشان میگویند ای خداوند ما بیامرز مارا و مر برادران مارا آنانکه

سبقونا بالإيمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا

پیشی شدند ما را بایمان و مگردان در دلهای ما کینه مر آنانرا که گرویدند

ربنا إنك رءوف رحيم ۝ ألم تر إلى الذين نافقوا

خداوند ما بدرستیکه تو مهربان بخشاینده ایا ننگریستی بسوی آنانکه نفاق کردند

يقولون لإخوانهم الذين كفروا من أهل الكتاب لئن

میگویند مر برادران خویش را آنانکه کافر شدند از اهل کتاب که اگر

أخرجتم لنخرجن معكم ولا نطيع فيكم أحدا أبدا

بیرون کرده شوید هر آینه بیرون آییم با شما و فرمان نبریم در کار شما کسی را همیشه

وإن قوتلتم لننصرنكم والله يشهد إنهم لكاذبون ۝

و اگر کشته شوید هر آینه یاری کنیم شما را و خدا گواهی میدهد بدرستیکه ایشان هر آینه دروغگویانند

لئن أخرجوا لا يخرجون معهم ولئن قوتلوا لا ينصرونهم

هر آینه اگر بیرون کرده شوند بیرون نیایند با ایشان و اگر کشته شوند نکنند یاری ایشانرا

ولئن نصروهم ليولن الأدبار ثم لا ينصرون ۝ لأنتم أشد

و اگر یاری کنند ایشانرا هر آینه بگردانند پشتها پس یاری کرده نشوند هر آینه شما سخت تر

رهبة في صدورهم من الله ذلك بأنهم قوم لا يفقهون ۝

از جهت ترس در سینه های ایشان از خدا این بسبب آنست بدرستیکه ایشان گروهی اند که در نمی یابند

لا يقاتلونكم جميعا إلا في قرى محصنة أو من وراء

کارزار نکنند ایشان با شما همه مگر در دیههای نگاه داشته شده یا از پس دیوارها

بأسهم

بأسهم بينهم شديد تحسبهم جميعا وقلوبهم شتى ذلك

جنگ کردن میان ایشان سخت پنداری ایشان را همه و دلهای ایشان جدا جدا این بدانست

بأنهم قوم لا يعقلون ○ كمثل الذين من قبلهم قريبا

بدانکه ایشان گروهی اند که نمیدانند چون داستان آنانکه از پیش ایشان بودند نزدیک

ذاقوا وبال أمرهم ولهم عذاب أليم ○ كمثل الشيطان

چشیدند عقوبت کار خویش را و مر ایشان راست عذاب دردناک همچون داستان دیو

إذ قال للإنسان اكفر فلما كفر قال إني بريء منك إني

چون گفت مردم را که کافر شو پس چون کافر شد گفت بدرستیکه من بیزارم از تو بدرستیکه من

أخاف الله رب العالمين ○ فكان عاقبتهما أنهما في

میترسم خدای را که پروردگار جهانیانست پس باشد سرانجام هردو بدرستیکه هردو در

النار خالدين فيها وذلك جزاء الظالمين ○ يا أيها الذين

آتش اند جاودانه در آن و این بدانست که پاداش ستمکارانست ای آنانکه

آمنوا اتقوا الله ولتنظر نفس ما قدمت لغد واتقوا الله إن

گرویدند بپرهیزید خدای را و بنگرید تنی آنچه پیش فرستاد مر فردای قیامت و بپرهیزید خدای را بدرستیکه

الله خبير بما تعملون ○ ولا تكونوا كالذين نسوا الله فأنساهم

خدای آگاهست بآنچه میکنید و مباشید همچون آنانکه فراموش کردند خدای را پس فراموش کرد

أنفسهم أولئك هم الفاسقون ○ لا يستوي أصحاب النار

ازیشان خویش ایشانند ایشانند تباه کاران برابر نیستند اهل دوزخ

وأصحاب الجنة أصحاب الجنة هم الفائزون ○ لو أنزلنا

و اهل بهشت اهل بهشت ایشانند رستگاران اگر فرستادیم ما

هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية الله

این قرآن را بر کوهی هرآئنه میدیدی او را ترسنده و لرزنده از بیم خدای

وتلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون ○ هو الله
واین داستانها که زدیم آنرا مردمان تا باشند که ایشان اندیشه کنند که اوست خدا
الذي لا إله إلا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم ○
آنخدائیکه نیست خدا مگر او داننده نهان و آشکارا اوست بخشاینده مهربان
هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس السلام المؤمن
اوست خدا آنخدائیکه نیست خدا مگر او پادشاه پاکیزه بی عیب آرام
المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون ○
نگهبان خلق گواه ایشان ارجمند بی همتا کامکار بزرگوار پاکست خدا از آنچه انباز میگیرند
هو الله الخالق البارئ المصور له الأسماء الحسنى يسبح
اوست خدای آفریننده آفریننده کار نگارنده و مر اوراست نامهای نیکوتر تسبیح گوید
له ما في السموات والأرض وهو العزيز الحكيم ○
مر او را آنچه در آسمانها [illegible] و زمین است و اوست [illegible] حکم کننده است

سورة الممتحنة وهي ثلث عشرة آيات

بسم الله الرحمن الرحيم
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان
يا أيها الذين آمنوا لا تتخذوا عدوي وعدوكم أولياء
ای آنانکه گرویدید مگیرید دشمن مرا و دشمن خویش را دوستان
تلقون إليهم بالمودة وقد كفروا بما جاءكم من الحق يخرجون
افکنده میشوید بایشان بدوستی و بتحقیق کافر شدند بآنچه آمد شمارا از راستی بیرون کنند
الرسول وإياكم أن تؤمنوا بالله ربكم إن كنتم خرجتم
پیغمبر را و شمارا که بگرویدید بخدا خداوند شما اگر بودید شما که بیرون آمدید

جهادا

جهاداً في سبيلي وابتغاء مرضاتي تسرون اليهم بالمودة

کارزار کرد در راه من و جستن خوشنودی مرا میگویید سوی ایشان بدوستی

وانا اعلم بما اخفيتم وما اعلنتم ومن يفعله منكم

و منم داناتر بدانچه پنهان کنید شما و آنچه آشکار کنید و هر که بکند آنرا از شما

فقد ضل سواء السبيل ان يثقفوكم يكونوا لكم اعداء

پس تحقیق گمراه شود از راه راست اگر دریابند شما را باشند مر شما را دشمنان

ويبسطوا اليكم ايديهم والسنتهم بالسوء وودوا لو تكفرون

و بگشایند سوی شما دستهای خویش و زبانهای خویش به بدی و دوست دارند اگر کافر شوید

لن تنفعكم ارحامكم ولا اولادكم يوم القيمة يفصل

هرگز سود نکند شما را خویشان شما و نه فرزندان شما روز قیامت جدا کند

بينكم والله بما تعملون بصير قد كانت لكم اسوة حسنة

میان شما و خدا بدانچه میکنید بیناست تحقیق هست مر شما را پسندیده نیکو

في ابراهيم والذين معه اذ قالوا لقومهم انا برآؤا منكم

در کار ابراهیم و آنانکه با او بودند چون گفتند مر گروه خود را بدرستی ما بیزاریم از شما

ومما تعبدون من دون الله كفرنا بكم وبدا بيننا

و از آنچه پرستید از جز خدا بیزار شدیم ما از شما و پیدا شد میان ما

وبينكم العداوة والبغضاء ابدا حتى تؤمنوا بالله وحده

و میان شما دشمنی و خشم همیشه تا بگروید بخدا یگانه

الا قول ابراهيم لابيه لاستغفرن لك وما املك

مگر گفتار ابراهیم مر پدر خود را که هر آینه آمرزش میخواهم مر ترا و نیستم مالک

لك من الله من شيء ربنا عليك توكلنا واليك انبنا واليك

مر ترا از خدا از چیزی خداوندا ما بر تو اعتماد کردیم ما و سوی تو بازگشتیم ما و سوی تو

الْمَصِيرُ ۝ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا

ای پروردگار ما مگردان ما را آزمایش مر آنانرا که کافر شدند و بیامرز مر ما را ای خداوند ما

إِنَّكَ [أَنْتَ] الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ — أَنْتَ (تو)

بدرستیکه تو ای خدا غالب حکم کننده بتحقیق بود مر شما را در ایشان اقتدا کردنی نیکو

لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ ط وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ

مر کسی را که امید دارد از خدا و روز قیامت و هر که رو بگرداند پس بدرستیکه خدا اوست

الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ

بی نیاز ستوده شاید خدا اینکه بکند میان شما و میان آنانکه دشمن داشتید

مِنْهُمْ مَوَدَّةً ط وَ[اللَّهُ قَدِيرٌ وَ]اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ [عَنِ] الَّذِينَ لَمْ — قَدِيرٌ وَاللَّهُ (توانا و خدا)

از ایشان دوستی و خدا آمرزنده بخشنده است نهی نمیکند شما را خدا از آنانکه

يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ

کارزار نکردند با شما در دین و بیرون نکردند شما را از خانهای شما که نیکی کنید با ایشان

وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ۝ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ

و عدل کنید بسوی ایشان بدرستیکه خدا دوست میدارد عدل کنندگانرا جز این نیست نهی میکند شما را خدا

اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ

از آنانکه کارزار کردند با شما در دین و بیرون کردند شما را از خانهای شما

وَظَاهَرُوا عَلَى إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ

و یاری کردند بر بیرون کردن شما که دوست گیرید ایشانرا و هر که دوست گیرد ایشانرا پس ایشان

هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ

ایشان ستمکاران ای آنانکه ایمان آوردند چون بیاید شما را زنان گرویده

مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ ط اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ ط فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ

هجرت کنندگان پس بیازمایید ایشانرا خدا داناتر بایمان ایشان پس اگر دانید ایشانرا

مؤمنات فلا ترجعوهن الى الكفار لا هن حل لهم ولا هم

يحلون لهن واتوهم ما انفقوا ولا جناح عليكم

ان تنكحوهن اذا اتيتموهن اجورهن ولا تمسكوا بعصم

الكوافر واسئلوا ما انفقتم وليسئلوا ما انفقوا ذلكم

حكم الله يحكم بينكم والله عليم حكيم ۝ وان

فاتكم شيء من ازواجكم الى الكفار فعاقبتم فاتوا

الذين ذهبت ازواجهم مثل ما انفقوا واتقوا الله الذي

انتم به مؤمنون ۝ يا ايها النبي اذا جاءك المؤمنات

يبايعنك على ان لا يشركن بالله شيئا ولا يسرقن ولا يزنين

ولا يقتلن اولادهن ولا ياتين ببهتان يفترينه بين

ايديهن وارجلهن ولا يعصينك في معروف فبايعهن و

استغفر لهن الله ان الله غفور رحيم ۝ يا ايها الذين امنوا

آمرزش خواه مر ایشان را از خدا بدرستیکه خدا آمرزنده مهربان است ای آنکه گرویدید

لا تتولوا قوما غضب الله عليهم قد يئسوا من الاخرة

دوست مگیرید گروهی را

كما يئس الكفار من اصحاب القبور ۝ سورة الصف اربع عشرة

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

سبح لله ما في السموات وما في الارض وهو العزيز الحكيم ۝

تسبیح گفت مر خدا را آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است و اوست ارجمند حکم کننده

يا ايها الذين امنوا لم تقولون ما لا تفعلون ۝ كبر مقتا

ای آنکه گرویدید چرا میگوئید آنچه نمیکنید بزرگ است از روی خشم

عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون ۝ ان الله يحب الذين

نزد خدا آنکه بگوئید آنچه نمیکنید بدرستیکه خدا دوست میدارد آنان راکه

يقاتلون في سبيله صفا كانهم بنيان مرصوص ۝ واذ

کارزار میکنند در راه او صف زده مانند ایشان بناهای محکم کرده شده اند و چون

قال موسى لقومه يا قوم لم تؤذونني وقد تعلمون اني

گفت موسی مر گروه خود را ای گروه چرا می رنجانید مرا و بدرستیکه میدانید بدرستیکه من

رسول الله اليكم فلما زاغوا ازاغ الله قلوبهم والله لا

پیغمبر خدایم سوی شما پس چون میل کردند بگردانید خدای دلهای ایشان را و خدا نه

يهدي القوم الفاسقين ۝ واذ قال عيسى ابن مريم يا بني

نماید راه گروه تبهکاران را و چون گفت عیسی پسر مریم ای فرزندان

اسرائیل

إِسْرَآئِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُم مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ

التَّوْرَاةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِن بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُم

بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَٰذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ

عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَىٰ إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ

مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ۝ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ

الْمُشْرِكُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنجِيكُم

مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي

سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ

تَعْلَمُونَ ۝ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي

مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَٰلِكَ

از زیر آن جویها و جایگاهای پاکیزه در بوستانها بهشت ابد

الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ

رستکاری بزرگ و دیگر آنکه دوست دارید آن را یاری از خدا و فتح نزدیک

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ

و مژده ده مؤمنان را ای آنانکه گرویدید باشید یاری دهندگان دین خدا چنانکه گفت

عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ

عیسی پسر مریم حواریان را کیست یاری کننده من سوی خدا گفتند حواریان

نَحْنُ أَنصَارُ اللَّهِ فَآمَنَت طَّائِفَةٌ مِّن بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَت

ما ییم یاری کنندگان دین خدا پس گرویدند گروهی از فرزندان یعقوب و کافر شدند

طَّائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ

گروهی پس قوی گردانیدیم آنانکه گرویدند بر دشمنان ایشان پس بامداد کردند غالب شدگان

سُورَةُ الْجُمُعَةِ وَهِيَ إِحْدَىٰ عَشْرَةَ آيَاتٍ

نصف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ

تسبیح گوید مر خدای را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است پادشاه پاکیزه

الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۝ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ

رحمت ... کننده او است آنکه برانگیخت در میان گروه امیان پیغمبر از ایشان

يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن

که خواند بر ایشان نشانهای او را و پاکیزه میکند ایشان را و می‌آموزد ایشان را قرآن و دانش و اگر

كانوا

كانوا من قبل لفي ضلال مبين ۝ وآخرين منهم

لما يلحقوا بهم وهو العزيز الحكيم ۝ ذلك فضل الله يؤتيه

من يشاء والله ذو الفضل العظيم ۝ مثل الذين حملوا التورية

ثم لم يحملوها كمثل الحمار يحمل أسفارا بئس مثل القوم

الذين كذبوا بآيات الله والله لا يهدي القوم الظلمين ۝

قل يا أيها الذين هادوا إن زعمتم أنكم أولياء لله من

دون الناس فتمنوا الموت إن كنتم صادقين ۝ ولا يتمنونه

أبدا بما قدمت أيديهم والله عليم بالظالمين ۝ قل إن

الموت الذي تفرون منه فإنه ملاقيكم ثم تردون

إلى عالم الغيب والشهادة فينبئكم بما كنتم تعملون ۝

يا أيها الذين آمنوا إذا نودي للصلوة من يوم الجمعة

فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
پس بشتابید سوی یاد کردن خدای و بگذارید بیع این بهترست مر شمارا اگر هستید شما
تَعْلَمُونَ ۝ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَوٰةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ
دانندگان پس چون گذارده شود نماز پس پراگنده شوید در زمین
وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝
و بجوئید از فضل خدای و یاد کنید خدارا بسیار تا شاید شما رستگار باشید
وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا
و چون ببینند بازرگانی یا بازیگری بازگروند سوی آن و بگذارند ترا ایستاده
قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ
بگو ای محمد آنچه نزد خدست بهترست از بازی و از بازرگانی و خدا بهترین روزی دهندگان

سُورَةُ الْمُنَافِقُونَ وَهِيَ إِحْدَىٰ عَشْرَةَ آيَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝
بنام خداوند بخشاینده مهربان
إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ
چون بیایند ترا دو رویان گفتند گواهی میدهیم بدرستیکه تو هر آینه پیغمبر خدائی و خدا
يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ
میداند بدرستیکه تو هر آینه پیغمبر اوئی و خدا گواهی میدهد بدرستیکه ناگرویدگان هر آینه دروغ گویانند
اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ
گرفتند سوگندهای خویش را سپر پس باز گردانیدند از راه خدا بدرستیکه ایشان بد
مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ
آنچه هستند کنندگان این بدانست بدرستیکه ایشان گرویدند پس کافر شدند پس مهر کرده شد

یعنی آنچه میگویند بزبان نه بدل

علی قلوبهم

عَلٰى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ۝ وَاِذَا رَاَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ
بر دلهاء ایشان پس ایشان نمی فهمند وچون ببینی ایشان را بشگفت آرد ترا
اَجْسَامُهُمْ وَاِنْ يَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ كَاَنَّهُمْ خُشُبٌ
تنهاء ایشان اگر گویند بشنوی مر گفتار ایشان را مانند که چوب
مُسَنَّدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ
خشک شده پندارند که هر بانگی بر ایشان ایشانند دشمنان
فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللّٰهُ اَنّٰى يُؤْفَكُونَ ۝ وَاِذَا قِيلَ لَهُمْ
پس بپرهیز از ایشان کشت کرد ایشان را خدا از کجا دروغ میگویند وچون گفته شود مر ایشان را
تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللّٰهِ لَوَّوْا رُءُوسَهُمْ وَرَاَيْتَهُمْ
بیایند برای آمرزش مر شما پیغمبر از خدا بگردانند سرهاء خویش را وبینی ایشان را
يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ۝ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ اَسْتَغْفَرْتَ
روی گردانند کان وایشان گردن کشانند برابرست بر ایشان آمرزش خواستن تو
لَهُمْ اَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي
مر ایشان را آمرزش نخواهی تو مر ایشان را هرگز نمی آمرزد خدا ایشان را بدرستیکه خدا راه نمی نماید
الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلٰى
گروه تبهکاران را ایشانند آنانکه میگویند نفقه مکنید بر
مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللّٰهِ حَتّٰى يَنْفَضُّوا وَلِلّٰهِ خَزَائِنُ السَّمٰوَاتِ
هرکه نزد پیغمبر خدایست تا پراکنده شوند ومر خدایراست خزانهاء آسمانها
وَالْاَرْضِ وَلٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ۝ يَقُولُونَ
وزمین ولیکن دورویان نمی فهمند میگویند
لَئِنْ رَجَعْنَا اِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْاَعَزُّ مِنْهَا الْاَذَلَّ وَلِلّٰهِ
اگر باز گردیم با سوی مدینه هرآینه بیرون کرده شود عزیزتر از ایشان خوارترین ومر خدایراست

الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۝

عزیز و مر پیغمبر اورا و مر گرویدگان را ولیکن دو رویان نمیدانند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ

ای آنانکه گرویدید باز مدارد شمارا مالهای شما و نه فرزندان شما از

ذِكْرِ اللَّهِ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝

یاد کردن خدا و هرکه میکند این را پس ایشان ایشان زیانکاران

وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ

و نفقه کنید از آنچه روزی کردیم ما شمارا از پیش اگر بیاید یکی از شمارا

الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ

مرگ پس بگوید ای پروردگار من چرا خبر نکردی مرا سوی مهلت قریب پس صدقه میدادم

وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا ۚ

و میبودم از پرهیزکاران و هرگز تاخیر نکند خدا تنی چون بیاید مهلت آن

سورة التغابن وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ ثمان وعشرون آية

و خدا آگاهست بآنچه میکنید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

تسبیح میکند مر خدای را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است مر او راست پادشاهی و مر او راست

الْحَمْدُ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ

ستایش و او بر همه چیزی توانا اوست آنخدای که آفرید شمارا پس از شما

كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ

کافرند و بعضی از شما مومن خدا بآنچه میکنید بیناست بیافرید آسمانها

والارض

وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

و زمین را براستی و بنگاشت شما را و ... و بسوی اوست بازگشت

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا

میداند آنچه در آسمانها و در زمین است و میداند آنچه پنهان کنید و آنچه

تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَؤُا

آشکارا کنید و خدا داناست بهرچه در سینهها آیا نیامد شما را خبر

الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ

آنانکه کافر شدند پیش ازین پس بچشیدند عقوبت کار خویش و مر ایشانرا عذابیست

أَلِيمٌ ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

دردناک این بدرستیکه او بود که آمدی ایشانرا پیغمبران ایشان بحجتها

فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ

پس گفتند آیا آدمی راه نماید ما را پس کافر شدند و برگشتند و بی نیاز گشت خدا و خدا

غَنِيٌّ حَمِيدٌ زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَى وَرَبِّي

بی نیاز ستوده است گمان برده اند آنانکه کافر شدند که هرگز برانگیخته نشوند بگو ای محمد آری و بخدای

لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

پس هر آینه آگاه کنند تان بدانچه کرده اید شما و این بر خدا آسان است

فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

پس بگروید بخدای و رسول او و بنور قرآن که فرستادیم ما و خدا بدانچه میکنید

خَبِيرٌ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ

آگاهست روزی که گرد کند شما را بروز فراهم آوردن آنست روز زیان کاری

وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ

و هرکه میگرود بخدای و میکند کردار نیکو کفارت کند ازو بدیهای او را و در آرد او را

جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا ذلك

در بهشتها که میرود از زیر آن جویها جاودانه در آن همیشه باشند اینست

الفوز العظيم والذين كفروا وكذبوا باياتنا اولئك

رستگاری بزرگ وآنانکه نگرویدند ودروغ گفتند نشانهای ما ایشانند

اصحاب النار خالدين فيها وبئس المصير ما اصاب من

باشندگان آتش جاودانه در آن باشند وبد جای بازگشتنیست دوزخ نرسد از هیچ

مصيبة الا باذن الله ومن يؤمن بالله يهد قلبه والله بكل

سختی مگر بفرمان خدا وهرکه بگرود بخدا

شيء عليم واطيعوا الله واطيعوا الرسول فان توليتم فانما

على رسولنا البلاغ المبين الله لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل

المؤمنون يا ايها الذين امنوا ان من ازواجكم واولادكم

عدوا لكم فاحذروهم وان تعفوا وتصفحوا وتغفروا

فان الله غفور رحيم انما اموالكم واولادكم فتنة

والله عنده اجر عظيم فاتقوا الله ما استطعتم واسمعوا

واطيعوا وانفقوا خيرا لانفسكم ومن يوق شح نفسه

فاولئك هم المفلحون

فاولئك هم المفلحون ○ ان تقرضوا الله قرضا حسنا
يضعفه لكم ويغفر لكم والله شكور حليم ○ عالم
سورة الطلاق الغيب والشهادة العزيز الحكيم ○ اثنا عشر آية

بسم الله الرحمن الرحيم ○

يا ايها النبي اذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتهن
واحصوا العدة واتقوا الله ربكم لا تخرجوهن من بيوتهن
ولا يخرجن الا ان يأتين بفاحشة مبينة وتلك حدود
الله ومن يتعد حدود الله فقد ظلم نفسه لا تدري
لعل الله يحدث بعد ذلك امرا ○ فاذا بلغن اجلهن
فامسكوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف واشهدوا
ذوي عدل منكم واقيموا الشهادة لله ذلكم يوعظ به من كان

يُؤمن بالله واليوم الآخر ومن يتق الله يجعل له مخرجا
ایمان آرد بخدا و روز دیگر یعنی باز پسین و هر که بترسد از خدای میکند او را جای بیرون آمدن
ويرزقه من حيث لا يحتسب ومن يتوكل على الله فهو
و روزی دهد او را از آنجا که نمی پندارد یعنی گمان ندارد و هر که اعتماد کند بر خدا پس وی
حسبه إن الله بالغ أمره قد جعل الله لكل شيء قدرا
بسنده است او را بدرستیکه خدای رساننده است کار خود را بتحقیق کرده خدا مر هر چیزی را اندازه
واللائي يئسن من المحيض من نسائكم إن ارتبتم فعدتهن
و آن زنان که نومید شوند از حیض از زنان شما اگر شک کنید شما پس عده ایشان
ثلثة أشهر واللائي لم يحضن وأولات الأحمال أجلهن
سه ماه است و آن زنان که حیض نیامده و خداوندان حمل اجل ایشان
أن يضعن حملهن ومن يتق الله يجعل له من أمره يسرا
که بنهند بار خود را و هر که بترسد از خدا میکند او را از کار او آسانی
ذلك أمر الله أنزله إليكم ومن يتق الله يكفر عنه
اینست کار خدا فرستاد او را سوی شما و هر که بترسد از خدا کفارت کند از او
سيئاته ويعظم له أجرا ۝ أسكنوهن من حيث سكنتم
گناهان او و بزرگ کند او را مزد ساکن گردانید ایشان را از آنجا که آرام گیرید شما
من وجدكم ولا تضاروهن لتضيقوا عليهن وإن كن
از توانائی شما و زیان مرسانید ایشان را تا تنگ گیرید بر ایشان و اگر باشند
أولات حمل فأنفقوا عليهن حتى يضعن حملهن فإن
خداوندان بار پس نفقه دهید بر ایشان تا بنهند بار خویش را پس اگر
أرضعن لكم فآتوهن أجورهن وأتمروا بينكم بمعروف
شیر دهند فرزندان شما را پس بدهید مزدهای ایشان را و میان خود به نیکوئی

وإن تعاسرتم

وَإِن تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرَىٰ ۝ لِيُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن

اگر دشوار شده شمارا شیر دادن پس شیر دهند مر او را دیگری تا نفقه کنند صاحبان توانگری از

سَعَتِهِ ۖ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ ۚ لَا يُكَلِّفُ

توانگری خود و هر که تنگ کرده باشد بر او روزی او پس نفقه کنند از آنچه داده است او را خدا تکلیف نکند

اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا ۚ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ۝ وَكَأَيِّن

خدا تنی را مگر آنچه داده است او را زود باشد که کند خدا پس از دشواری آسانی و چه بسیار

مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا

از اهل دیهی که سر کشیدند از فرمان خداوند خود و پیغامبران او پس شمار کردیم ایشان را شماری

شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكْرًا ۝ فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا

سخت و عقوبت کردیم ایشان را عقوبتی سخت پس چشیدند عقوبت کار خود را

وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا ۝ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ

و بود عاقبت کار ایشان زیان کاری آماده کرده است خدا برای ایشان عقوبت سخت

فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا ۚ قَدْ أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ

پس بترسید از خدا ای خداوندان خرد آنان که ایمان آوردید بتحقیق فرستاد خدا بسوی شما

ذِكْرًا ۝ رَّسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ

پندی پیغامبری که میخواند بر شما آیتهای خدا روشن تا بیرون آرد

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَمَن

آنان را که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند از تاریکیهای کفر بسوی روشنائی ایمان و هر که

يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا

ایمان آورد بخدا و کند کار نیک در آرد او را در بهشتها که میرود از زیر آن

الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا ۝ اللَّهُ الَّذِي

جویها جاودانه ماندگان باشند در آنجا همیشه بتحقیق نیکو کرد خدا برای او روزی خدا آن خدا است که

خلق سبع سموات ومن الارض مثلهن يتنزل الامر
بينهن لتعلموا ان الله على كل شيء قدير ۝ وان الله قد
احاط بكل شيء علما ۝ سورة التحريم وهي اثنان عشرة اية

بسم الله الرحمن الرحيم

يا ايها النبي لم تحرم ما احل الله لك تبتغي مرضات
ازواجك والله غفور رحيم ۝ قد فرض الله لكم
ايمانكم والله موليكم وهو العليم الحكيم ۝ واذ اسر النبي الى
بعض ازواجه حديثا فلما نبات به واظهره الله عليه عرف
بعضه واعرض عن بعض فلما نباها به قالت من انباك
هذا قال نباني العليم الخبير ۝ ان تتوبا الى الله فقد صغت
قلوبكما وان تظاهرا عليه فان الله هو موليه وجبريل

وصالح المؤمنين

وصالح المؤمنين والملائكة بعد ذلك ظهير عسى

[illegible]

ربه ان طلقكن ان يبدله ازواجا خيرا منكن مسلمات

[illegible] جفتان بهتر از شما زنان مسلمان

مؤمنات قانتات تائبات عابدات سائحات ثيبات

مؤمنه فرمان بردار توبه کننده پرستنده خدا روزه دارنده بیوگان

وابكارا يا ايها الذين امنوا قوا انفسكم واهليكم نارا

و دیگر [illegible] ای آنکه گرویدید نگاه دارید تنهای خود و اهل خود را از آتش

وقودها الناس والحجارة عليها ملائكة غلاظ شداد

افروزنده مردمان و سنگ [illegible] بر آن فرشتگانی درشت سخت باشند

لا يعصون الله ما امرهم ويفعلون ما يؤمرون يا ايها

[illegible]

الذين كفروا لا تعتذروا اليوم انما تجزون ما كنتم

آنانکه کافر شدید عذر مخواهید امروز جز این نیست پاداش داده شوید آنچه بودید

تعملون يا ايها الذين امنوا توبوا الى الله توبة نصوحا

[illegible] ای آنکه گرویدید [illegible] سوی خدا بازگردیدنی [illegible]

عسى ربكم ان يكفر عنكم سيئاتكم ويدخلكم جنات

شاید خداوند شما [illegible] گناهان شما را [illegible] بوستانها

تجري من تحتها الانهار يوم لا يخزي الله النبي والذين

[illegible]

امنوا معه نورهم يسعى بين ايديهم وبايمانهم يقولون

[illegible]

رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ای خداوند ما تمام کن ما را نور ما را و بیامرز ما را بدرستیکه تو بر همه چیزی توانا

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ

ای پیغمبر کارزار کن با کفار و منافقان و درشتی کن بر ایشان

وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ

و جای ایشان دوزخ است و بد جای بازگشت ایشان بزد خدا داستانی مر آنان را که

كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ

کافر شدند زن نوح و زن لوط بودند زیر دو بنده

مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ

از بندگان ما نیکوکاران پس خیانت کردند پس دفع نکردند از خدا

شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ وَضَرَبَ اللَّهُ

چیزی و گفته شد در آیید در آتش با در آیندگان و زد خدا مثل

لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ

مر آنان را که گرویدند زن فرعون چون گفت ای خداوند من بنا کن برای من نزد خود

بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ

خانه در بهشت و برهان مرا از فرعون و کردار او و برهان مرا از گروه

الظَّالِمِينَ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

ستمکاران و مریم دختر عمران آنکه نگاه داشت عورت خود

فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ

پس دمیدیم در او از روح خود و راست داشت سخنان خداوند خود و کتابهای او

وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ سُورَةُ الْمُلْكِ وَهِيَ ثَلَاثُونَ آيَةً

و بود از فرمان برداران

بسم الله

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره تبارک الذی بیده الملک را در شب در نماز واجب پیش از خواب بخواند پیوسته در امان الهی باشد تا صبح شود و در روز قیامت در امان الهی باشد تا داخل بهشت شود
و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که مانعه است از عذاب قبر ... [illegible]

الجزء التاسع والعشرون ٢٩

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيٰوةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ

عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ۝ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمٰوٰتٍ طِبَاقًا

مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمٰنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ

مِنْ فُطُورٍ ۝ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ

الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ ۝ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا

بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ

عَذَابَ السَّعِيرِ ۝ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ

وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ

تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ

[illegible]

خَزَنَتُهَآ اَلَمْ يَاْتِكُمْ نَذِيرٌ ۝ قَالُوا بَلٰى قَدْ جَآءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا
خازنان دوزخ ایا نیامد شمارا بیم کننده کویند آری ... بیم کننده پس دروغ کفتیم
وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللّٰهُ مِنْ شَيْءٍ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا فِي ضَلٰلٍ كَبِيرٍ ۝ وَقَالُوا
و کفتیم ما انچه فرستاد خدا از چیزی نیستید شما مکر در کمراهی بزرک و کفتند
لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ اَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي اَصْحٰبِ السَّعِيرِ ۝ فَاعْتَرَفُوا
اکر بودیم ما شنیدیم ما یا در می یافتیم ما انچه نبودیم ما در زمره باشندکان دوزخ پس اقرار کنند
بِذَنْبِهِمْ فَسُحْقًا لِاَصْحٰبِ السَّعِيرِ ۝ اِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ
بکناهان خویش پس دوری باد مر اهل دوزخ را بدرستی انانکه می ترسند از خداوند خویش
بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَاَجْرٌ كَبِيرٌ ۝ وَاَسِرُّوا قَوْلَكُمْ اَوِ اجْهَرُوا
پنهان مر ایشانراست امرزشی و مزدی بزرک و خواه پنهان دارید کفتار خود را یا اشکارا
بِهٖ اِنَّهٗ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ اَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ
بدان بدرستیکه او داناست بپنهان سینها ایا نمیداند انکه بیافرید واو
اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ۝ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا
لطف کننده اکاهست او انخدائیست که بکرد مر شما زمین نرم پس میروید
فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهٖ وَاِلَيْهِ النُّشُورُ ۝ ءَاَمِنْتُمْ
در راههای آن و میخورید از روزی وی و بسوی اوست بر انکیختن شما ایا ایمن شدید از عذاب
مَنْ فِي السَّمَآءِ اَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْاَرْضَ فَاِذَا هِيَ تَمُورُ ۝ اَمْ اَمِنْتُمْ
که در اسمانست انکه فرو برد شمارا بزمین پس چون او میکردد یا ایمن شدید شما
مَنْ فِي السَّمَآءِ اَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ
خدا که در اسمانست انکه بفرستد بر شما سنک باران پس زود باشد که بدانید چکونه است
نَذِيرِ ۝ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ
بیم کننده و بدرستیکه دروغ داشتند انانکه پیش از ایشان بودند پس چکونه بود

نکیر ۝ اولم یروا الی الطیر فوقهم صافات ویقبضن

عقوبت من ایا ننگرند سوی مرغان پرنده زبر خود صف زده و می ایستند

ما یمسکهن الا الرحمن انه بکل شیء بصیر ۝ امن هذا

نگاه نمیدارد ایشان را مگر خدای مهربان بدرستیکه او بهمه چیز بیناست ایا کیست این

الذی هو جند لکم ینصرکم من دون الرحمن ان الکافرون

انکه اوست سپاه مر شمارا که یاری دهد مر شمارا از جز خدای مهربان نیستند ناگرویدگان

الا فی غرور ۝ امن هذا الذی یرزقکم ان امسک رزقه بل

مگر در فریب ایا کیست این انخدای که روزی میدهد شمارا اگر باز دارد از شما روزی او بلکه

لجوا فی عتو ونفور ۝ افمن یمشی مکبا علی وجهه اهدی

لجاج میکردند در بیفرمانی و رمیدن ایا انکه میرود نگونسار بروی خود راه یافته است

امن یمشی سویا علی صراط مستقیم ۝ قل هو الذی انشاکم

یا انکه میرود راست بر راه راست بگو ای محمد اوست انخدایکه بیافرید شما

وجعل لکم السمع والابصار والافئدة قلیلا ما تشکرون ۝

وکرد مر شمارا گوش شنوا و چشمهای بینا و دلهای دانا اندکی که سپاس داری میکنید

قل هو الذی ذراکم فی الارض والیه تحشرون ۝ ویقولون

بگوای محمد او انخدایست که آفرید شمارا در زمین و سوی او گرده شوید و میگویند منکران

متی هذا الوعد ان کنتم صادقین ۝ قل انما العلم

که کی این وعدهٔ قیامت اگر هستید شما راست گویان بگو محمد جز این نیست علم قیامت

عند الله وانما انا نذیر مبین ۝ فلما راوه زلفة سیئت

نزد خدا است و جز این نیست که منم بیم کننده پیدا پس چون ببینند عذاب نزدیک اندوهگین شود

وجوه الذین کفروا وقیل هذا الذی کنتم به تدعون ۝

رویهای انانکه نگرویدند و گویند این انخدائکه بودید شما بدان دعوی میکردید

قل ارايتم ان اهلكني الله ومن معي او رحمنا فمن يجير

بگوا ای محمد ایا به بینید شما اگر هلاک کند مرا خدا و هرکه با منست یا رحمت کند ما را پس کیست که بر هاند

الكافرين من عذاب اليم ○ قل هو الرحمن امنا به

کافران را از عقوبت دردناک بگوا ای محمد اوست خدای مهربان گرویدیم باو

وعليه توكلنا فستعلمون من هو في ضلال مبين ○

و بر اوست اعتماد ما پس زود باشد بدانید کیست او که در گمراهی پیدا

قل ارايتم ان اصبح ماؤكم غورا فمن ياتيكم بماء

بگوا ای محمد ایا چه بینید شما اگر فرو رود آبهای شما بزمین پس کیست که بیارد شما را آب

معين ○ سورة القلم وهي اثنتان وخمسون اية

روان

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

ن والقلم وما يسطرون ○ ما انت بنعمة ربك بمجنون ○

سوگند بدوات و قلم و سیاهی و آنچه می نویسند که نیست تو ای محمد به نیکوئی خداوند خود دیوانه

وان لك لاجرا غير ممنون ○ وانك لعلى خلق عظيم ○ فستبصر

و بدرستیکه مر ترا هست مزدی بی منت نهادن و بدرستیکه تو هر اینه بر تر آفرینش بزرگ پس زود ببینی

ويبصرون ○ بايكم المفتون ○ ان ربك هو اعلم بمن

و به بینند کافران که کدام شما نادانید بدرستیکه پروردگار تو او داناتر است بانکه

ضل عن سبيله وهو اعلم بالمهتدين ○ فلا تطع المكذبين ○

گمراه شود از راه او و اوست داناتر براه راست یافتگان پس فرمان برداری مکن تکذیب کنندگان را

ودوا لو تدهن فيدهنون ○ ولا تطع كل حلاف مهين ○

و دوست اگر مداهنت کنی تو پس مداهنت کنندگان و فرمان برداری مکن هر بسیار سوگند خورنده را خوار رنده

3604

هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ ۝ مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ۝ عُتُلٍّ بَعْدَ ذَٰلِكَ

غیبت کننده روبرو کوی بغیر کوید سخن بازدارنده مر نیکی را از حد کذرنده بزه درشت خوی پس این

زَنِيمٍ ۝ أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ۝ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ

حرام زاده که باشد خداوند مال و فرزندان چون خوانده شود براو ایات ما کوید

أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝ سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ ۝ إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا

که نوشتهای پیشنیان زود باشد که داغ کنیم بر بینی او روز قیامت بدرستی ما ازمودیم ایشان را همچنانکه ازمودیم

أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ۝ وَلَا يَسْتَثْنُونَ

باشندکان بهشت را چون سوکند خوردند که هرانه بچینند میوه را بامدادان و نکفتند کلمه ان شاء الله

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ۝ فَأَصْبَحَتْ

پس فرود آمد بران بستان عذابی از خداوند تو وایشان خفته بودند پس بامداد کردند

كَالصَّرِيمِ ۝ فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ ۝ أَنِ اغْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ

مانند بستان بریده پس روز اوردند که بامداد کنید بر کشتهای خود

إِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ ۝ فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ ۝ أَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا

اکر هستید شما میوه چینندکان پس رفتند وایشان ترسان مشورت میکردند که در نیاید دران باغ

الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مِسْكِينٌ ۝ وَغَدَوْا عَلَىٰ حَرْدٍ قَادِرِينَ ۝

امروز بر شما درویشان و بامداد کنید بر کشتها در خانه توانایان

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ ۝ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۝ قَالَ أَوْسَطُهُمْ

پس چون دیدند آن را کفتند بدرستیکه ما هر آینه کمراهانیم بلکه ما بی بهره شدکانیم کفت ازمیان ایشان

أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ۝ قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۝

ایا نکفتم مر شما را چرا تسبیح نمیکوئید کفتند پاکست خداوند ما بدرستیکه ما بودیم کناه کاران

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ ۝ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا

پس آمدند بعضی ازایشان را بر بعضی ملامت کنندکان کفتند ای وای بر ما بدرستی ما بودیم

طاغين ۝ عسى ربنا ان يبدلنا خيرا منها انا الى ربنا راغبون ۝

بی فرمانان شاید خداوند ما آنکه بدل آرد ما را بهتر ازان بدرستیکه ما سوی خداوند خود رغبت کنندگانیم

كذلك العذاب ولعذاب الآخرة اكبر لو كانوا

همچنین است عذاب و هرآئنه عذاب آخرت بزرگتر است اگر هستند

يعلمون ۝ ان للمتقين عند ربهم جنات النعيم ۝ افنجعل

دانایان بدرستیکه مر پرهیزکاران را نزد خداوند خویش بوستانهاست با نعمت آیا پس بگردانیم ما

المسلمين كالمجرمين ۝ ما لكم كيف تحكمون ۝ ام لكم كتاب

مسلمانان را مانند کافران چه بوده است مر شما را چگونه حکم میکنید یا مر شما راست کتاب

فيه تدرسون ۝ ان لكم فيه لما تخيرون ۝ ام لكم ايمان علينا

دران میخوانید بدرستی مر شماراست دران هرآئنه برگزیدگان یا مر شماراست سوگندها بر ما

بالغة الى يوم القيامة ان لكم لما تحكمون ۝ سلهم ايهم

تمام رسانده تا روز قیامت بدرستیکه مر شماراست هرانچه حکم میکنید بپرس ایشان را کدام یک ازیشان

بذلك زعيم ۝ ام لهم شركاء فليأتوا بشركائهم ان

این گمان دارید شما یا مر ایشان راست انبازان پس گو بیاورند انبازان خویش را اگر

كانوا صادقين ۝ يوم يكشف عن ساق ويدعون الى السجود

هستند راست گویان آن روز که برهنه کرده شود از ساق و خوانده شوند سوی سجده کردن

فلا يستطيعون ۝ خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة وقد

پس نتوانند سجده کنند فروخزیده چشمهای ایشان میرسد ایشان را خواری و بدرستیکه

كانوا يدعون الى السجود وهم سالمون ۝ فذرني ومن

بودند که خوانده میشدند سوی سجده کردن و ایشان تندرستان بودند پس بگذار مرا و هر که

يكذب بهذا الحديث سنستدرجهم من حيث لا يعلمون ۝

تکذیب کند باین سخن زود باشد درآوریم ایشان را از انجا که نمیدانند

وأملي لهم

واملی لهم ان کیدی متین ۝ ام تسئلهم اجرا فهم من مغرم
ومهلت دهیم کافران را بدرستی سکالش من استوار است یا میخواهی تو از ایشان در تبلیغ رسالت مزدی پس ایشان از تاوان
مثقلون ۝ ام عندهم الغیب فهم یکتبون ۝ فاصبر لحکم
گران بار انند یا نزد ایشان است نهانی پس ایشان نویسنده گانند پس صبر کن ای محمد مر حکم
ربک ولا تکن کصاحب الحوت اذ نادی وهو مکظوم
خداوند خود و مباش همچون صاحب ماهی چون خواند و او غمگین
لولا ان تدارکه نعمة من ربه لنبذ بالعراء وهو مذموم ۝
اگر نه آنکه دریافتی اورا نیکوئی از خداوند او هر آینه انداخته شدی بیابان و او نکوهیده بودی
فاجتبه ربه فجعله من الصالحین ۝ وان یکاد الذین
پس برگزید اورا خداوند او پس کرد اورا از نیکمردان و اگر خواهند آنانکه
کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون
کافر شدند هر آینه بیفکنند ترا ای محمد بچشمهای خویش چشم زخم چون بشنوند قرآن را و میگویند
انه لمجنون ۝ وما هو الا ذکر للعالمین ۝ سورة الحاقة خمسون آیة
بدرستیکه او هر آینه دیوانه است و نیست او مگر پندی مر جهانیان را

بسم الله الرحمن الرحیم
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان
الحاقة ۝ ما الحاقة ۝ وما ادریک ما الحاقة ۝ کذبت ثمود
نام قیامت چیست قیامت و نداند تو ای محمد که چیست قیامت تکذیب کردند ثمودیان
وعاد بالقارعة ۝ فاما ثمود فاهلکوا بالطاغیة ۝ واما عاد
و عادیان بقیامت پس اما ثمود یعنی قوم صالح پس هلاک کرده شدند به بفرمان کردن و اما عادیان یعنی قوم هود
فاهلکوا بریح صرصر عاتیة ۝ سخرها علیهم سبع لیال
پس هلاک کرده شدند بباد سخت بفرمان بگماشت آن باد را بر ایشان هفت شب

وثمانية أيام حسوما فترى القوم فيها صرعى كأنهم أعجاز

وهشت روز پیوسته پس بینی تو انکروه را دران بیهوش مانند تنهاء

نخل خاوية ۝ فهل ترى لهم من باقية ۝ وجاء فرعون

خرما بن کهنه افتاده پس هیچ بینی تو مرایشان را از باقی ماندن وبیامد فرعون

ومن قبله والمؤتفكات بالخاطئة ۝ فعصوا رسول

وهرکه پیش ازاو بود وقبیلهای لوط بگناه کردن پس بیفرمانی پیغمبر

ربهم فأخذهم أخذة رابية ۝ إنا لما طغا الماء حملناكم

خداوند خویش را پس بگرفت ایشان را گرفتنی سختی بدرستیکه ما چون طغیان داد ویم آب برداشتیم ما شما

في الجارية ۝ لنجعلها لكم تذكرة وتعيها أذن واعية ۝ فإذا

درجاریه تا بکردانیم از امر شمارا پندی وحارد به کوش کرده شود بیاد کرفتن پس چون

نفخ في الصور نفخة واحدة ۝ وحملت الأرض والجبال

دمیده شود در صور دمیدنی واحدی وبرداشته شود زمین وکوهها

فدكتا دكة واحدة ۝ فيومئذ وقعت الواقعة ۝ وانشقت

پس کوفته شود کوفتنی واحدی پس آن روز که بیفتد افتنده روز قیامت وبشکافد

السماء فهي يومئذ واهية ۝ والملك على أرجائها

آسمان پس این آسمان آنروز فروافتنده است وفرشتکان بر کنارهای ان

ويحمل عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانية ۝ يومئذ تعرضون

وبرمیدارند تخت خداوندترا زبر ایشان آنروز که فروافتنده است آنروز عرض کرده شوند

لا تخفى منكم خافية ۝ فأما من أوتي كتابه بيمينه فيقول

پوشیده نباشد از شما پنهانی شوند از خدا پس اما هرکه داده شود نامه او بدست راست او پس میکوید

هاؤم اقرؤا كتابيه ۝ إني ظننت أني ملاق حسابيه

اصحاب حقرا که بخوانید نامه اورا بدرستیکه من کمان داشتم که من بیننده ام شمارا

فهو في عيشة راضية

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ ۝ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ۝
پس اوست در زندگانی پسندیده در بهشت برتر بارهاء از میوه آن نزدیک آورده
كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ۝
گویند بخورید و بیاشامید گوارا باد بدانچه کردید شما گذشته در روزهای گذشته در دنیا
وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهْ ۝
و اما کسیکه داده شود نامه او بدست چپ او پس گوید ای کاشکی من نشدمی نامه خود را
وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهْ ۝ يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ ۝ مَا أَغْنَى
و ندانستمی چیست شمار من ای کاشکی بودی مرگ نکردی بی نیاز
عَنِّي مَالِيَهْ ۝ هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهْ ۝ خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ۝ ثُمَّ
از من آنچه مراست هلاک شد از من حجت من ملائکه عذاب را گویند بگیرید او را پس بند کنید او را پس
الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ۝ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا
بدوزخ در آرید او را پس در زنجیری که درازی آن هفتاد گز بازو باشد
فَاسْلُكُوهُ ۝ إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ۝ وَلَا يَحُضُّ
پس در آرید او را بدرستیکه او بود نگرونده بخدای بزرگ و نه انگیخت
عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۝ فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ ۝
بر خوردن طعام مردمان مسکین را پس نیست مر او را امروز اینجا دوستی
وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ ۝ لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ۝
و نه طعامی مگر از ریم اندام دوزخیان نخورند آن را مگر گناه کاران
فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ۝ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ۝ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ
پس نمی خورند قسم بدانچه می بینند و دانچه نمی بینند یعنی بهشت و دوزخ بدرستیکه او هر آینه او گفتار پیغمبر
كَرِيمٍ ۝ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ ۝
گرامی و نیست او بگفتار قافیه دان اندکی آنچه گروید شما

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ۝ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعٰلَمِينَ ۝

وَنَه بگفتار ستاره بينست اندكى آنچه پند گيران فرود آوردن قرآن از خداوند جهانيان

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ۝ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ۝

واگرچه ميگويد تو بر ما بهره گفتار هرآئنه بگيريم ما ازو بدست راست

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ۝ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ۝ وَإِنَّهُ

پس ببريم ما ازو رگ جان پس نيست از شما كه هيچ احدى از عذاب بازدارندگان وبدرستيكه

لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ۝ وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ ۝ وَإِنَّهُ

هرآئنه پند نيست مر پرهيزكاران را وبدرستى هرآئنه ميدانيم ما بدرستى از شما تكذيب كنندگان وبدرستيكه

لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ۝ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ

هرآئنه پشيمانيست بر ناگرويدگان وبدرستى قرآن هرآئنه راستست يقين پس تسبيح كن بنام خداوند خود

سُورَةُ الْمَعَارِجِ الْعَظِيمِ ۝ وَهِيَ أَرْبَعٌ وَأَرْبَعُونَ آيَاتٍ

كه بزرگست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا ميكنم بنام خداوند بخشاينده مهربان

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ۝ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ

پرسيد پرسنده بعقوبت آينده مر ناگرويدگان را نيست آورا بازدارنده

مِنَ اللّٰهِ ذِي الْمَعَارِجِ ۝ تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي

از خدا كه خداوند نردبانها كه برشوند فرشتگان وجبرئيل سوى او در

يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ۝ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ۝

آن روز كه بود اندازه آن پنجاه هزار سال دنيا پس صبر كن اى محمد صبر كردنى نيكو

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ۝ وَنَرَاهُ قَرِيبًا ۝ يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ

بدرستيكه ايشان بينند اورا دور ومى بينيم ما اورا نزديك آن روز را كه باشد آسمان

كَالْمُهْلِ

كالمهل ۝ وتكون الجبال كالعهن ۝ ولا يسئل حميم

مانند نقره و باشند کوهها مانند پشم شیده و نپرسد خویش

حميما ۝ يبصرونهم يود المجرم لو يفتدي من عذاب

خویش را دیده شوند ایشان دوست دارد گناهکار اگر فدا کند از عذاب

يومئذ ببنيه ۝ وصاحبته واخيه ۝ وفصيلته التي

آن روز به پسر خود و زن خود و برادر خود و بار او آنکه

تؤويه ۝ ومن في الارض جميعا ثم ينجيه ۝ كلا انها لظى

جای داد او و هرکه در زمین است همه پس برهاند او را حقا بدرستیکه زبانه آتش است

نزاعة للشوى ۝ تدعوا من ادبر وتولى ۝ وجمع فاوعى ۝

ازنده پوست مر روی است مردم بخواند شما هرکه باز پس شود و روی بگرداند و گرد کند پس جای دهد

ان الانسان خلق هلوعا ۝ اذا مسه الشر جزوعا ۝ واذا مسه

بدرستیکه انسان آفریده شد بیطاقت چون برسد او را بدی زاری کننده باشد و چون برسد او را

الخير منوعا ۝ الا المصلين ۝ الذين هم على صلوتهم

نیکی بازدارنده شود مگر نمازکنندگان آنانکه ایشان بر نمازهای ایشان

دائمون ۝ والذين في اموالهم حق معلوم للسائل و

دائم کنندگان اند و آنانکه در مالهای ایشان حقیست که دانسته شده مر خواهنده را و

المحروم ۝ والذين يصدقون بيوم الدين ۝ والذين هم

بی‌بهره را و آنانکه تصدیق کنند بآمدن روز قیامت و آنانکه ایشان

من عذاب ربهم مشفقون ۝ ان عذاب ربهم غير مامون ۝

از عقوبت خداوند خویش ترسندگان بدرستیکه عذاب خداوند ایشان ایمن کرده نیست

والذين هم لفروجهم حافظون ۝ الا على ازواجهم

و آنانکه ایشان هر آینه عورتهای خود نگاهدارندگان اند مگر بر زنان خود

أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ۝ فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ
یا کنیزان خود پس بدرستی ایشان نیستند ملامت کنندگان پس هرکه جوید جز
ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ
این حلال پس ایشان اند ایشان از حد گذرندگان وانانکه ایشان مر امانتهای خویش
وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ ۝
و عهد یعنی پیمانهای خود رعایت کنندگان وانانکه ایشان بگواهی دادن خود ایستادگان اند
وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۝ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ
وانانکه ایشان بر نماز خود نگاهدارندگان مراد محافظت ... ایشان اند در بوستانهای بهشت
مُكْرَمُونَ ۝ فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ
گرامی کرده شدگان پس چیست مرانان را که کافر شدند سوی تو شتابندگان
عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ۝ أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ
از دست راست و از دست چپ حلقه زدگان یعنی نشسته آیا طمع دارد هر مردی از ایشان
أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ۝ كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ ۝ فَلَا
آنکه در آورده شود بهشت با نعمت حقا بدرستی آفریدیم ما ایشان را از انچه میدانند پس نه
أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ ۝ عَلَىٰ أَنْ
سوگند بخداوند مشرقها و مغربها که بدرستی ما هر آینه توانایانیم بر آنکه
نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ۝ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا
بدل کنیم ما بهتر از ایشان و نیستیم ما بعاجز شدگان پس بگذار ایشان را که در شوند
وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ۝ يَوْمَ يَخْرُجُونَ
و بازی کنند تا ببینند آن روز را ایشان انانکه وعده کرده شدند روزی که بیرون آیند
مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ ۝
از گورها شتابان چنانکه ایشان را سوی قیامت می شتابند

خاشعة

خاشعة أبصارهم ترهقهم ذلة ذلك اليوم الذي كانوا
فروخزنده باشد بینایی‌های ایشان برسد ایشان را خواری اینست انروز انانکه بودند
سورة نوح ۴ يوعدون ۞ وهي مكية ثمان وعشرة آية
وعده کرده شدند

بسم الله الرحمن الرحيم
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

إنا أرسلنا نوحا إلى قومه أن أنذر قومك من قبل
بدرستیکه ما فرستادیم نوح را سوی گروه او که بیم کن گروه خود پیش از انکه
أن يأتيهم عذاب أليم ۞ قال يا قوم إني لكم نذير
بیاید ایشان را عذاب دردناک گفت ای گروه بدرستیکه من مر شمارا بیم کننده ام
مبين ۞ أن اعبدوا الله واتقوه وأطيعون ۞ يغفر لكم
بی[illegible] که بپرستید خدای را و بترسید ازو و فرمان برید تا بیامرزد خدا مر شمارا
من ذنوبكم ويؤخركم إلى أجل مسمى إن أجل الله إذا جاء
از گناهان [illegible] و مهلت دهد شمارا تا مهلت نام برده شده بدرستیکه مهلت خدا چون بیاید
لا يؤخر لو كنتم تعلمون ۞ قال رب إني دعوت قومي
تاخیر کرده [illegible]ود اگر هستید شما دانندگان گفت ای خداوند من بدرستیکه خوانده ام من گروه خود را
ليلا ونهارا فلم يزدهم دعائي إلا فرارا ۞ وإني كلما
شب و روز پس نیفزود ایشان را خواندن من مگر گریختن و بدرستیکه من هرگاه
دعوتهم لتغفر لهم جعلوا أصابعهم في آذانهم واستغشوا
خواندم ایشان را تا بیامرزی مر ایشان را بکردند انگشتهای خود را در گوشهای ایشان و کشیدند در
ثيابهم وأصروا واستكبروا استكبارا ۞ ثم إني دعوتهم
جامهای خویش تا نشنوند و اصرار کردند و بزرگ منشی کردند بزرگ منشی کردنی پس بدرستیکه من خوانده ام ایشان را

جهاراً ۝ ثم اني اعلنت لهم واسررت لهم اسراراً ۝ فقلت

آشکارا پس بدرستی من آشکارا ایشان را و پنهان مر ایشان را پنهان خواندن پس گفتم

استغفروا ربكم انه كان غفاراً ۝ يرسل السماء

آمرزش خواهید از خداوند خود که او هست آمرزنده میفرستد از آسمان

عليكم مدراراً ۝ ويمددكم باموال وبنين ويجعل لكم

بر شما باران و می افزاید شما را بمالها و فرزندها و میکرداند مر شما را

جنات ويجعل لكم انهاراً ۝ ما لكم لا ترجون لله وقاراً

بستانها و میکند مر شما را جویها چیست مر شما را که امید نمیدارید خدای را از روی عظمت

وقد خلقكم اطواراً ۝ الم تروا كيف خلق الله سبع سموات

و بتحقیق آفرید شما را بارها آیا نمی بینید چگونه آفرید خدای هفت آسمانها

طباقاً ۝ وجعل القمر فيهن نوراً وجعل الشمس سراجاً ۝

تو بر تو و بکرد ماه را در ایشان نور بخش روشنائی و بکرد خورشید را چراغ تابان

والله انبتكم من الارض نباتاً ۝ ثم يعيدكم فيها

و خدای برویانید شما را از زمین چون گیاه پس باز گردانیده شوید در آن زمین

ويخرجكم اخراجاً ۝ والله جعل لكم الارض بساطاً ۝

و بیرون آورده شوید شما بیرون آوردنی و خدای بکرد مر شما را زمین گسترده

لتسلكوا منها سبلاً فجاجاً ۝ قال نوح رب انهم عصوني

تا بروید شما از آن زمین گسترده راهها روان گفت نوح ای خداوند من بدرستی ایشان نافرمانی کردند

واتبعوا من لم يزده ماله وولده الا خساراً ۝ ومكروا

و پیروی کردند کسی را که نیفزود او را مال او و فرزند او مگر زیانکاری و سگالش کردند

مكراً كباراً ۝ وقالوا لا تذرن آلهتكم ولا تذرن وداً ولا سواعاً

سگالش کردنی بزرگ و گفتند مگذارید خدایان خویش را و مگذارید ود و نه سواع

سُبُع

ولا يغوث ويعوق

ولا يغوث ولا يعوق ونسرا ۝ وقد اضلوا كثيرا ۝ ولا تزد
و نه يغوث و نه يعوق و نسر هر پنج نام بتهاست و بتحقيق گمراه كردند بسيارى و نيفزود
الظالمين الا ضلالا ۝ مما خطيئاتهم اغرقوا فادخلوا
ستمكاران را مگر گمراهى از آنچه گناهان ايشان بود غرق كرده شدند پس در آورده شدند
نارا فلم يجدوا لهم من دون الله انصارا ۝ وقال نوح
باتش پس نيابند مر ايشان از جز خداى يارى دهندگان و گفت نوح
رب لا تذر على الارض من الكافرين ديارا ۝ انك ان
اى خداوند مگذار بر زمين از كافران هيچ كس بدرستيكه اگر
تذرهم يضلوا عبادك ولا يلدوا الا فاجرا كفارا ۝ رب اغفر لي
بگذارى تو ايشان را گمراه كنند بندگان ترا و نزايند مگر بدكرداران ناگرويدگان اى خداوند من بيامرز مرا
ولوالدي ولمن دخل بيتي مؤمنا وللمؤمنين والمؤمنات
و پدر و مادر مرا و مر هر كه را كه در آيد بخانه من گرونده و مر گرويدگان از مردان و گرونده از زنان
ولا تزد الظالمين الا تبارا ۝

سورة الجن مكية ثمان وعشرون آية

و منفزا ستمكاران را مگر هلاك كردن

نصف

بسم الله الرحمن الرحيم
ابتدا ميكنم بنام خداوند بخشاينده مهربان
قل اوحي الي انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرانا
بگو اى محمد وحى كرده شد سوى من بدرستيكه او شنيد گروهى از جنيان پس گفتند بدرستيكه ما شنيديم قرآنى
عجبا ۝ يهدي الى الرشد فامنا به ولن نشرك بربنا احدا ۝
شگفت كه راه نمايد سوى راه راست پس گرويديم بدان و هرگز انباز نياريم بخداوند خود كس را
وانه تعالى جد ربنا ما اتخذ صاحبة ولا ولدا ۝ وانه كان
و بدرستيكه او است برتر بزرگى خداوند ما نگرفت زنى و نه فرزندى و بدرستيكه او بود

يقول سفيهنا على الله شططا ○ وانا ظننا ان لن تقول الانس

که میگوید نادان ما برخدای دروغ وجور وبدرستیکه ما گمان داریم که هرگز نمیگوید تو مردم

والجن على الله كذبا ○ وانه كان رجال من الانس يعوذون

و پری برخدای دروغی وبدرستیکه ادهست مردانی از آدمیان که بازداشتند

برجال من الجن فزادوهم رهقا ○ وانهم ظنوا كما ظننتم

بمردانی از پریان پس بیفزودند شان خواری وبدرستیکه ایشان بنداردند چنانکه پنداشتید شما

ان لن يبعث الله احدا ○ وانا لمسنا السماء فوجدناها ملئت

که هرگز برنیانگیزد خدای کسی را وبدرستیکه ما هرآینه سودیم ما آسمان را پس یافتیم ما آنرا پرشده

حرسا شديدا وشهبا ○ وانا كنا نقعد منها مقاعد للسمع

از نگاهبانان سخت وستارگان وبدرستیکه بودیم ما نشستیم دران نشستگاهها خبر شنیدن

فمن يستمع الان يجد له شهابا رصدا ○ وانا لا ندري اشر

پس هرکه گوش دارد اکنون بیابد مراورا ستاره پاسبانی وبدرستیکه ندانیم ما بدتر

اريد بمن في الارض ام اراد بهم ربهم رشدا ○ وانا منا

خواسته شده بکسی که در زمین است خواست بایشان خداوندشان راه راست وبدرستیکه بعضی از ما

الصالحون ومنا دون ذلك كنا طرائق قددا ○ وانا ظننا

نیکوکارانند وبعضی از ما جز این بودیم در راههای مختلف وبدرستیکه گمان بردیم

ان لن نعجز الله في الارض ولن نعجزه هربا ○ وانا لما سمعنا

که هرگز عاجز نکنیم ما خدا را در زمین وهرگز عاجز نکنیم ما او بگریختن وبدرستیکه ما چون شنیدیم ما

الهدى امنا به فمن يؤمن بربه فلا يخاف بخسا ولا

راه راست از محمد ص ایمان آوردیم ما بان پس هرکه میگرود بخداوند خویش پس نترسد کم کردن ونه

رهقا ○ وانا منا المسلمون ومنا القاسطون فمن اسلم

خوار شدن وبدرستیکه بعضی از ما گردن نهندگانند وبعضی از ما جور کنندگانند پس هرکه گردن نهد

فاولئك

فأولئك تحروا رشدا ۝ وأما القاسطون فكانوا لجهنم

پس ایشانند که جستند راه راست واما جور کنندگان پس بودند مر دوزخ

حطبا ۝ وأن لو استقاموا على الطريقة لأسقيناهم ماء

هیزم وانکه اگر راست باشند بر راه راست هر اینه بخورانیم ایشان را آب

غدقا ۝ لنفتنهم فيه ومن يعرض عن ذكر ربه يسلكه

خوش بسیار تا بیازمائیم ایشان را در ان وهر که روی گرداند از یاد کردن خداوند خود در آرد

عذابا صعدا ۝ وأن المساجد لله فلا تدعوا مع الله أحدا ۝

عذاب سخت وبدرستی که مسجدها مر خدا راست پس مخوانید با خدا هیچ احدی را

وأنه لما قام عبد الله يدعوه كادوا يكونون عليه لبدا

وبدرستیکه هرگاه بایستند بنده خدا میخواند اورا خواستند که باشند براو چون مال بسیار

قل إنما أدعوا ربي ولا أشرك به أحدا ۝ قل إني لا أملك لكم

بگو ای محمد جز این نیست میخوانم خداوند خویش را وانباز نمیگیرم با او دیگری را بگو ای محمد بدرستیکه من مالک نیستم مر شما را

ضرا ولا رشدا ۝ قل إني لن يجيرني من الله أحد ولن أجد

زیان ونه راه راست نمودن بگو ای محمد بدرستیکه من هرگز نرهاند مرا از عذاب خدا دیگری وهرگز نیابم

من دونه ملتحدا ۝ إلا بلاغا من الله ورسالاته ومن يعص

از غیر او پناه جای مگر پیغام رسانیدن از خدا ورسالتهای او وهر که نافرمانی کند

الله ورسوله فإن له نار جهنم خالدين فيها أبدا ۝ حتى إذا

خدا را ورسول اورا پس بدرستی مر اوراست آتش دوزخ که جاودانه در ان باشند همیشه تا چون

رأوا ما يوعدون فسيعلمون من أضعف ناصرا وأقل عددا ۝

ببینند آنچه وعده کرده شدند پس زود باشد بدانند که کیست سست تر یاری کننده وکمتر بشمار

قل إن أدري أقريب ما توعدون أم يجعل له ربي أمدا ۝

بگو ای محمد اگر بدانم من آیا نزدیک است آنچه وعده کرده شدید یا بگرداند مر اورا خداوند من روزگار دراز

عالم الغيب فلا يظهر على غيبه احدا ۝ الا من ارتضى من

دانای نهانها پس پیدا نکند بر نهان آن دیگری مگر کسی که راضی شود از

رسول فانه يسلك من بين يديه ومن خلفه رصدا ۝

پیغمبر پس او در آرد از پیش روی او وازپس پشت او نگاهبانان

ليعلم ان قد ابلغوا رسالات ربهم واحاط بما لديهم واحصى

تا بداند که تحقیق رسانیدند پیغامهای خداوند خویش ودر گرفت بدانچه نزدیک ایشانست وبشمرد

كل شيء عددا ۝ سورة المزمل مكية وهي عشرون اية

هر چیز را شمردنی

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

يا ايها المزمل ۝ قم الليل الا قليلا ۝ نصفه او انقص منه

ای مرد گلیم در سر کشیده برخیز شب را نماز مگر اندکی نیمه او یا کم کن ازاو

قليلا ۝ او زد عليه ورتل القران ترتيلا ۝ انا سنلقي عليك

اندکی یا زیاده کن بران وآهسته خوان قرآن را خواندنی بدرستی ما زود باشد بیفکنیم بر تو

قولا ثقيلا ۝ ان ناشئة الليل هي اشد وطا واقوم قيلا ۝

گفتاری گران در ثواب بدرستیکه ساختن کار شب این سخت ترست بقیام ودرست تر برای گفتار

ان لك في النهار سبحا طويلا ۝ واذكر اسم ربك وتبتل اليه

بدرستیکه مر تراست در روز فراخی دراز ویاد کن نام خداوند خود ودر بند که مستعد شو

تبتيلا ۝ رب المشرق والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وكيلا ۝

مستعد گردیدنی خداوند مشرق ومغرب نیست خدای مگر او پس بگیر اورا نگاهبانی

واصبر على ما يقولون ۝ واهجرهم هجرا جميلا ۝ وذرني والمكذبين

وشکیبایی کن بر انچه میگویند وببر ایشان را بریدنی نیکو وبگذار مرا وتکذیب کنندگان

اولی

أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ۝ إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ۝ لا

خداوندان نعمت ومهلت ده ایشان را اندک بدرستی نزد ماست بندها ودوزخ

وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ۝ يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَ

وخورش گلوگیر وعقوبت دردناک ازروزی که بلرزد زمین و

الْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلًا ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ

کوهها وباشد کوهها توده ریگ بدرستی ما فرستادیم ما سوی شما

ط ه رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ۝

پیغمبر گواهی دهنده بر شما همچنانکه فرستادیم ما سوی فرعون پیغمبری

فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا ۝ فَكَيْفَ

پس بفرمان نشد فرعون پیغمبر را پس بگرفتیم ما او را گرفتنی سخت پس چگونه

تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ۝ السَّمَاءُ

پرهیزید اگر کافر شوید شما روزی را که بکند کودکان را

مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا ۝ إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ

شکافنده بدان هست وعده او شونده بدرستی این اوراندیشت پس هرکه خواهد

اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ۝ إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ

فراگیرد سوی خداوند خود راه بدرستیکه خداوند تو میداند که تو برمیخیزی نزدیک تر از

ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ ۚ وَاللَّهُ

از دو سه یک شب ونیمه او وسه یک او وگروهی از آنانکه با تو اند وخدای

يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۚ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ

میداند اندازه شب وروز را میداند که هرگز نتوانید شمردن آنرا پس توبه دهد بر شما

فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ۚ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ

پس بخوانید آنچه آسان شود از قرآن بداند آنکه زود باشد از شما بیماران

وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ

و دیگران بروند در زمین میجویند از فضل خدای و دیگران

يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ

کارزار کنند در راه خدا پس بخوانید انچه اسان شود از قران و بپای دارید نماز

وَآتُوا الزَّكَوٰةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ

و بدهید زکوة را و وام دهید خدای را وام دادنی نیکو و انچه پیش فرستید مر تنهای شما

مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا

از نیکی بیابید انرا نزد خدای او بهتر است و بزرگتر مزدی و امرزش خواهید

اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ سُورَةُ الْمُدَّثِّرِ سِتٌّ وَخَمْسُونَ آيَاتٍ

از خدا بدرستیکه خدا امرزنده بخشاینده است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده و مهربان

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ۝ قُمْ فَأَنْذِرْ ۝ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ۝ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ۝

ای مرد جامه در سر کشیده برخیز پس بیم کن و خداوند خودرا پس بزرگی کن و جامه خودرا پاک دار

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ۝ وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ۝ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ۝ فَإِذَا

پس دور باش و منت منه بیار بسیار و مر خداوند خودرا پس شکیبائی کن پس چون

نُقِرَ فِي النَّاقُورِ ۝ فَذَٰلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ۝ عَلَى الْكَافِرِينَ

دمیده شود صبح در ناقور پس اینست ان روز روز دشوار است بر ناگرویدگان

غَيْرُ يَسِيرٍ ۝ ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ۝ وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا

جز اسانی بگذار مرا و انکه افریدم من یگانه و بکردم من اورا مالی

مَمْدُودًا ۝ وَبَنِينَ شُهُودًا ۝ وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ۝ ثُمَّ يَطْمَعُ

بسیار و پسران حاضران و گستردم من مرا اورا گستردنی پس امید دارد که

أن أزيد ۝ كلا إنه كان لآياتنا عنيدا ۝ سأرهقه صعودا ۝

بیفزایم او حقا بدرستی او [illegible] مر آیات ما را عناد دارنده زود باشد که برسانم او را [illegible]

إنه فكر وقدر ۝ فقتل كيف قدر ۝ ثم قتل كيف قدر ۝

بدرستیکه ا[illegible] کرد و اندازه کرد پس کشته شد چگونه اندازه کرد پس لعنت کرده شد چگونه اندازه کرد

ثم نظر ۝ ثم عبس وبسر ۝ ثم أدبر واستكبر ۝ فقال إن

پس بنگریست پس روترش کرد و کجی کرد پس بازگشت و بزرگ منشی کرد پس گفت نیست

هذا إلا سحر يؤثر ۝ إن هذا إلا قول البشر ۝ سأصليه سقر ۝

این مگر جادو اثر کرده شده نیست این مگر گفتار آدمی زود باشد در آریم او را در دوزخ

وما أدراك ما سقر ۝ لا تبقي ولا تذر ۝ لواحة للبشر ۝ عليها

و نداند ترا محمد ص چیست دوزخ باقی مانده و نگذارد سوزنده مر آدمی را بر آن

تسعة عشر ۝ وما جعلنا أصحاب النار إلا ملائكة وما

نوزده زبانیه موکلند و نکردیم ما موکلان عذاب دوزخ را مگر فرشتگان و نه

جعلنا عدتهم إلا فتنة للذين كفروا ليستيقن الذين

کردیم ما شماره ایشان مگر آزمایش مر آنانرا که بگرویدند تا بیگمان شوند آنانکه

أوتوا الكتاب ويزداد الذين آمنوا إيمانا ولا يرتاب الذين

داده شدند کتاب و بیفزاید آنانرا که گرویدند گرویدن و بشک نباشند آنانکه

أوتوا الكتاب والمؤمنون وليقول الذين في قلوبهم مرض

داده شدند کتاب و گرویدگان و تا بگویند آنانکه در دلهای ایشان بیماریست

والكافرون ماذا أراد الله بهذا مثلا كذلك يضل

و ناگرویدگان چه چیز خواستند از خدا باین داستان همچنین گمراه کند

الله من يشاء ويهدي من يشاء وما يعلم جنود ربك إلا هو

خدا هرکه را می خواهد و راه مینماید هرکه را میخواهد و نمیداند لشکرهای خداوند ترا مگر او

وما هي الا ذكرى للبشر ۝ كلا والقمر ۝ والليل اذ ادبر ۝

ونيست اين مكر پند مردمرا حقا وبماه سوكند وبشب چون بازكردد

والصبح اذا اسفر ۝ انها لاحدى الكبر ۝ نذيرا للبشر ۝ لمن

وبصبح چون روشن شود بدرستى كه اين يكى از ابتهاى بزرگ مردمرا مرهر كرا

شاء منكم ان يتقدم او يتاخر ۝ كل نفس بما كسبت

خواهد از شما كه پيش كند يا باز پس دارد هر تنى را بدانچه كاركرد

رهينة ۝ الا اصحاب اليمين ۝ في جنت يتساءلون ۝

كروكانست مكر اهل دست راست در بهشت مى پرسند

عن المجرمين ۝ ما سلككم في سقر ۝ قالوا لم نك من

از كناه كاران چه چيز در آورد شمارا در دوزخ كويند نبوديم ما از

المصلين ۝ ولم نك نطعم المسكين ۝ وكنا نخوض مع

نمازكنندكان ونبوديم اطعام دهنده درويشان را وبوديم ماكه در مى شديم با

الخائضين ۝ وكنا نكذب بيوم الدين ۝ حتى اتانا

درشوندكان بباطل وبوديم ماكه ... دروغ ميكرديم بروز قيامت تا بيامد مارا

اليقين ۝ فما تنفعهم شفاعة الشافعين ۝ فما لهم عن التذكرة

بيكمان مرك پس نميكند شمارا شفاعت شفاعت ... كنندكان پس چيست مرايشانرا از پند

معرضين ۝ كانهم حمر مستنفرة ۝ فرت من قسورة ۝

روى كرداننده چنانست كه ايشان كوخران رميده اند ... رم كنند از شير

بل يريد كل امرئ منهم ان يؤتى صحفا منشرة ۝ كلا بل

بلكه ميخواهد هر مردى ازايشان كه داده شود نامها باز كرده شده حقا بلكه

لا يخافون الاخرة ۝ كلا انه تذكرة ۝ فمن شاء ذكره ۝ وما

نمى ترسند از آنجهان حقا بدرستيكه اين پنديست پس هركه خواهد پند كيرد ازان ونه

373

يذكرون الا ان يشاء الله هو اهل التقوى واهل

کیرند پند مکر انکه میخواهد خدای اوست اهل تقوی و اهل

سورة القيمة المغفرة ● وهي مكية اربعون آيات

امرزش

بسم الله الرحمن الرحيم ●

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

لا اقسم بيوم القيمة ● ولا اقسم بالنفس اللوامة ● ايحسب

نه سوکند بروز رستخیز و نه سوکند بتن ملامت کننده ایا پندارند

الانسان الن نجمع عظامه ● بلى قادرين على ان

مردم که هرکز فراهم نیاریم استخوانهارا آری ما توانائیم بر انکه

نسوى بنانه ● بل يريد الانسان ليفجر امامه ● يسئل ايان

همواره سر انکشتان اورا بلکه میخواهند مردمان تا کافر شوند پیش رو ه می پرسند که خواهد بود

يوم القيمة ● فاذا برق البصر ● وخسف القمر ● وجمع الشمس

روز رستخیز پس چون بدرخشد چشم بغیر حیران باشد و بگیرد ماه و فراهم اورده شود افتاب

والقمر ● يقول الانسان يومئذ اين المفر ● كلا لا وزر ●

و ماه یکجا میگویند مردمان ازروز که کجاست گریزگاه حقا بر ندارد

الى ربك يومئذ المستقر ● ينبؤا الانسان يومئذ بما

سوی خداوند تو ان روز جای ارامیدن اگاهانیده شوند مردم ان روز بدانچه

قدم واخر ● بل الانسان على نفسه بصيرة ● ولو القى

پیش فرستاد و انچه پس داشت بلکه مردمان بر تن خود بینا است و اگر افکند

معاذيره ● لا تحرك به لسانك لتعجل به ● ان علينا

عذرهای خود را نیز مجنبان تو ای قاری قران بآن زبان خود را تا شتاب کنی بخواندن ان هر اینه بر ماست

جمعه وقرانه ۝ فاذا قراناه فاتبع قرانه ۝ ثم ان علينا
جمع کردن ان وخواندن ان   پس چون خواندیم ما ازا   پس بدرستی بر ماست
بيانه ۝ كلا بل تحبون العاجلة ۝ وتذرون الاخرة ۝
بیان تفسیر ان   حقا   بلکه دوست میدارید این جهان را   و میگذارید انجهان را
وجوه يومئذ ناضرة ۝ الى ربها ناظرة ۝ ووجوه يومئذ
رویهای ازا ان روز تازه باشد   سوی خداوند خویش بیننده   و رویها ان روز
باسرة ۝ تظن ان يفعل بها فاقرة ۝ كلا اذا بلغت التراقي ۝
ترش باشد پندارد که کرده شود بدان سختی   حقا   چون برسد بچنبر گردنها
وقيل من راق ۝ وظن انه الفراق ۝ والتفت الساق
وگفته شود کیست داننده   وگمان برد بیمار که روز جدائیست مرگ   و بمالند ساق پای
بالساق ۝ الى ربك يومئذ المساق ۝ فلا صدق ولا صلى ۝
بر ساق پای   سوی خداوند تو   ان روز   بازگشت   پس نه تصدیق کرد ونه نماز گذارد کافر
ولكن كذب وتولى ۝ ثم ذهب الى اهله يتمطى ۝ اولى
ولیکن تکذیب کرد خدا را وبرگشت   پس برفت سوی اهل خود   خرامان   سزاوارست
لك فاولى ۝ ثم اولى لك فاولى ۝ ايحسب الانسان
مرترا پس سزاوارست   پس سزاوار شد مرترا پس سزاوارست   ایا پندارند   مرد
ان يترك سدى ۝ الم يك نطفة من مني يمنى ۝ ثم كان
که بگذارندشان کردن   ایا نبود آب منی   از منی مرد وزن آمیخته   پس بود
علقة فخلق فسوى ۝ فجعل منه الزوجين الذكر والانثى ۝
خون بسته پس آفرید پس راست کرد   پس بکرد   ازاو   دو جفت   نرینه   و مادینه
اليس ذلك بقادر على ان يحيي الموتى ۝ سورة الدهر احدى وثلثون اية
ایا نیست این خداوند توانا   بر انکه   زنده کند مردگان را

بسم الله

374

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا

ایا نیامد بر مردم هنگامی از روزگاری که نبود چیزی یاد کرده شده

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ

بدرستی ما بیافریدیم ما مردمان را از آب منی مرد و زن بهم آمیخته بیازمودیم ما اورا پس بگردیم او

سَمِيعًا بَصِيرًا ۝ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ۝

شنوا بینا بدرستی ما راه نمودیم اورا راه راست یا سپاس داری کند و یا ناسپاسی

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا ۝ إِنَّ

بدرستیکه ما اماده کردیم ما مر کافران را زنجیرها و بندها و آتش افروخته بدرستیکه

الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ۝ عَيْنًا

نیکان می آشامند از قدحی که هست مزاج آن از کافور چشمه ایست

يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللّٰهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ۝ يُوفُونَ بِالنَّذْرِ

که می آشامند ازان بندگان خدا روان کنند از روان کردنی بندگان که وفا کننده اند بعهدها

وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ۝ وَيُطْعِمُونَ

و میترسانند از روزی که هست بدی آن فاش و پراکنده و آنانکه میخورانند

الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ۝ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ

طعام بر دوستی از دوستان خدا درویشان و بی پدران و اسیران را جز این نیست که طعام میدهیم شما

لِوَجْهِ اللّٰهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ۝ إِنَّا نَخَافُ

مر رضای خدا نمیخواهیم ما از شما پاداشی و نه سپاسی بدرستی ما میترسیم

مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ۝ فَوَقَاهُمُ اللّٰهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ

از خداوند خویش روزی ترش روی دشوار است پس نگاهداشت ایشانرا خدا از بدی آن روز

ولقىهم نضرة وسرورا ۝ وجزىهم بما صبروا جنة وحريرا ۝
ونمایدان ایشانرا تازکی و شادمانی و ودهد پاداش ایشانرا بانچه صبر کردند بهشت و پوشاکی
متكئين فيها على الارائك لا يرون فيها شمسا ولا زمهريرا ۝
تکیه کنندکان در انجا بر تختها که نمی بینند دران کرمی افتاب و نه سرمای سخت
ودانية عليهم ظلالها وذللت قطوفها تذليلا ۝ ويطاف
و نزدیک باشد بر ایشان سایهای ان و نرم کرده شود بارهای ان نرم کردنی و کردانیده شود
عليهم بانية من فضة واكواب كانت قواريرا ۝ قواريرا
بر ایشان ظرفها از نقره
من فضة قدروها تقديرا ۝ ويسقون فيها كاسا كان
واب دستها که باشند از شیشهای روشن و اشامیده شوند دران قدحی که هست
مزاجها زنجبيلا ۝ عينا فيها تسمى سلسبيلا ۝ ويطوف عليهم
امیزش ان زنجبیل چشمه ایست دران که نام نهاده شده است سلسبیل و میکردند بر ایشان
ولدان مخلدون اذا رايتهم حسبتهم لؤلؤا منثورا ۝ و
کودکان جاودانه چون ببینی تو ایشانرا پنداری جواهر پراکنده اند و
اذا رايت ثم رايت نعيما وملكا كبيرا ۝ عاليهم ثياب
چون ببینی پس ببینی نعمتی و ملکی بزرک بر داشته ایشانرا جامها
سندس خضر واستبرق وحلوا اساور من فضة وسقىهم
دیبای تنک سبز و دیبای ستبر و پیرایه پوشانیده دستانها از نقره و بیاشامانید
ربهم شرابا طهورا ۝ ان هذا كان لكم جزاء وكان
خداوند ایشان شرابی پاک کننده بدرستیکه این هست مر شمارا پاداشت و هست
سعيكم مشكورا ۝ انا نحن نزلنا عليك القران تنزيلا ۝
کوشش سپاس کرده شده بدرستیکه ما فرستادیم بر تو قران را فرستادنی

فاصبر لحكم ربك ولا تطع منهم اثما او كفورا ۝ واذكر اسم

پس صبر کن مر حکم خداوند خودرا و فرمان مبر از ایشان بزه مند یا ناسپاس و یاد کن نام

ربك بكرة واصيلا ۝ ومن الليل فاسجد له وسبحه

خداوند خودرا بامداد و شبانگاه و از شب پس سجده کن مر اورا و نماز کن

ليلا طويلا ۝ ان هؤلاء يحبون العاجلة ويذرون وراءهم

شب دراز را بدرستیکه ایشان دوست دارند اینجهان را و میگذارند پس خویش

يوما ثقيلا ۝ نحن خلقناهم وشددنا اسرهم واذا شئنا بدلنا

ان روز گران را ما بیافریدیم ایشان را و سخت کردیم مفاصل ایشان را و چون خواهیم بدل کنیم ما

امثالهم تبديلا ۝ ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ الى ربه

امثال ایشان بدل کردنی بدرستیکه این پند است پس هرکه خواهد بگیرد سوی خداوند

سبيلا ۝ وما تشاؤن الا ان يشاء الله ان الله كان عليما

راهی و نخواهید شما مگر انکه میخواهد خدا بدرستیکه خدا هست دانا

حكيما ۝ يدخل من يشاء في رحمته والظالمين اعد لهم

استوار در آورد هرکه را می خواهد در رحمت خود و ستمکاران اماده کرد مر ایشان را

عذابا اليما ۝

عقوبتی دردناک

سورة المرسلات وهي خمسون آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

والمرسلات عرفا ۝ فالعاصفات عصفا ۝ والناشرات نشرا ۝

سوگند است بفرشتگان فرستاده شده پس سوگند بباد های وزنده وزیدنی و بباد های پراکنده کننده پراکندنی

فالفارقات فرقا ۝ فالملقيات ذكرا ۝ عذرا او نذرا ۝ انما توعدون

پس بجدا کنندگان حق و باطل جدا کردنی پس بفرود آورندگان پند بغیری معذور گردن یا بیم کردنی جز این نیست انچه وعده داده

لواقع ۝ فاذا النجوم طمست ۝ واذا السماء فرجت ۝ واذا الجبال
هرآئنه برسد پس چون ستارگان تاریک کرده شوند وچون آسمان شکافته شود وچون کوهها
نسفت ۝ واذا الرسل اقتت ۝ لاي يوم اجلت ۝ ليوم الفصل ۝
پراکنده شود وچون پیغمبران جمع کرده شوند مرکدام روز را مهلت داده شوند مر روز جدا کردن وحکم کردن
وما ادريك ما يوم الفصل ۝ ويل يومئذ للمكذبين
وانچه بدانی تو ای محمد که چیست روز جدا کردن وحکم کردن وای ان روز مر تکذیب کنندگان
الم نهلك الاولين ۝ ثم نتبعهم الاخرين ۝ كذلك
ایا هلاک نکردیم ما پیشینیان را پس بر در کردیم با ایشان پسینیان همچنین
نفعل بالمجرمين ۝ ويل يومئذ للمكذبين ۝ الم
بکنیم ما بگناه کاران وای ان روز مر تکذیب کنندگان را آیا
نخلقكم من ماء مهين ۝ فجعلناه في قرار مكين ۝
افریدیم شما را از آب کنده پس بکردیم ما اورا در جایگاه محکم
الى قدر معلوم ۝ فقدرنا فنعم القادرون ۝ ويل
سوی اندازه دانسته شده پس اندازه کردیم ما پس نیکو توانائیم تقدیر کننده وای
يومئذ للمكذبين ۝ الم نجعل الارض كفاتا ۝ احياء
ان روز مر تکذیب کنندگان را ایا نیافریدیم ما زمین را جای زندگان
وامواتا ۝ وجعلنا فيها رواسي شامخات واسقيناكم
ومردگان وبکردیم ما دران کوههای استوار وآب دادیم ما شما را
ماء فراتا ۝ ويل يومئذ للمكذبين ۝ انطلقوا الى ما
آب گوارا وای ان روز مر تکذیب کنندگان را بروید سوی انچه
كنتم به تكذبون ۝ انطلقوا الى ظل ذي ثلث شعب
بودید شما بدان تکذیب کنندگان بروید سوی سایه که صاحب سه شعبه است

لا ظليل

لا ظليل ولا يغني من اللهب ○ انها ترمي بشرر كالقصر
سایه است و باز ندارد از گرمی زبانه آتش ○ بدرستی می اندازد شرارها هم چند کوشکها
كأنه جمالت صفر ○ ويل يومئذ للمكذبين ○ هذا
چنانکه آن اشتران ازرق است ○ وای آن روز مر تکذیب کنندگان را ○ اینست
يوم لا ينطقون ○ ولا يؤذن لهم فيعتذرون ○ ويل يومئذ
آن روز که سخن نگویند ○ و نه دستوری شود مر ایشان را پس عذر خواهند ○ وای آن روز
للمكذبين ○ هذا يوم الفصل جمعناكم والاولين ○
مر تکذیب کنندگان را ○ اینست روزی که حکم کنیم ○ فراهم آریم مر شما را و پیشینیان را
فان كان لكم كيد فكيدون ○ ويل يومئذ للمكذبين
پس اگر هست مر شما را مکری پس مکر کنید ○ وای آن روز مر تکذیب کنندگان
ان المتقين في ظلال وعيون ○ وفواكه مما يشتهون ○
بدرستیکه پرهیزکاران در سایه‌ها باشند و چشمه‌ها ○ و میوه‌ها از آنچه می خواهند
كلوا واشربوا هنيئا بما كنتم تعملون ○ انا كذلك نجزي
گفته شوند بخورید و بیاشامید گوارا باد بدانچه بودید شما کنندگان ○ بدرستیکه ما همچنین پاداش دهیم
المحسنين ○ ويل يومئذ للمكذبين ○ كلوا وتمتعوا قليلا
نیکان را ○ وای آن روز مر تکذیب کنندگان را ○ بخورید و برخوردار گردید اندکی
انكم مجرمون ○ ويل يومئذ للمكذبين ○ واذا قيل
بدرستیکه شما گناهکارانید ○ وای آن روز مر تکذیب کنندگان را ○ و چون گفته شود
لهم اركعوا لا يركعون ○ ويل يومئذ للمكذبين ○
مر ایشان را نماز کنید نکنند ○ وای آن روز مر تکذیب کنندگان را
فبأي حديث بعده يؤمنون ○ سورة النبا وهي اربعون آية
پس بکدام سخن پس از آن میگروند

الجزو الثلثون ٣٠

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده و مهربان

عم يتساءلون عن النبإ العظيم الذي هم فيه

از چه خبر می پرسند ترا از خبر بزرگ آنانکه ایشان در آن

مختلفون كلا سيعلمون ثم كلا سيعلمون

اختلاف کنندگان اند حقا زود باشد که بدانند پس حقا که زود باشد که بدانند

ألم نجعل الأرض مهادا والجبال أوتادا وخلقناكم

آیا نیافریدیم ما زمین خوابگاه و کوهها را میخهای زمین و بیافریدیم ما شما را

أزواجا وجعلنا نومكم سباتا وجعلنا الليل لباسا

جفتان و کردیم ما خواب شما را سبب آسایش و آرام و بکردیم ما شب را آرایش

وجعلنا النهار معاشا وبنينا فوقكم سبعا شدادا

و بکردیم ما روز را برای جستن معیشت و بنا کردیم ما زبر شما هفت آسمان سطبر

وجعلنا سراجا وهاجا وأنزلنا من المعصرات ماء ثجاجا

و بکردیم ما چراغ افروخته و فرستادیم ما از ابرها آب بسیاری

لنخرج به حبا ونباتا وجنات ألفافا إن يوم الفصل

تا بیرون آریم بدان دانها و گیاهها و بوستانهای درختان پیوسته در هم بدرستیکه روز جدا کردن

كان ميقاتا يوم ينفخ في الصور فتأتون أفواجا

هست وعده کردن آنروز که دمیده شود در صور پس می آیید شما گروه گروه

وفتحت السماء فكانت أبوابا وسيرت الجبال فكانت

و گشاده گردد آسمانها پس بشود درها و در آمده شود کوهها پس شود

سرابا إن جهنم كانت مرصادا للطاغين مآبا لابثين

سراب بدرستیکه دوزخ هست زندان مر نافرمانان را جای بازگشت درنگ کنندگان

فيها

فيها احقابا ۝ لا يذوقون فيها بردا ولا شرابا ۝ الا حميما

درینها پیوسته نچشند دران دوزخ خنکی ونه آب مگر آب گرمی

وغساقا ۝ جزاء وفاقا ۝ انهم كانوا لا يرجون حسابا ۝

وریم بدن دوزخیان پاداش این موافق کار ایشان بدرستیکه ایشان بودند که امید نداشتند روز حساب یعنی قیامت

وكذبوا باياتنا كذابا ۝ وكل شيء احصيناه كتابا

وتکذیب میکردند بایات ما تکذیب کردنی وهر چیزی را شمار پدید کردیم ما ازا در لوح محفوظ

فذوقوا فلن نزيدكم الا عذابا ۝ ان للمتقين مفازا ۝ حدائق

پس بچشید پس هرگز زیادت نکنیم ما شمارا مگر عقوبت بدرستیکه مر پرهیزکاران راست رستگاری بوستانها

واعنابا ۝ وكواعب اترابا ۝ وكاسا دهاقا ۝ لا يسمعون

وانگورها وکنیزکان همزادان یعنی همسالان وقدحهای شراب دمادم نشنوند

فيها لغوا ولا كذابا ۝ جزاء من ربك عطاء حسابا ۝

درانجا حرف باطل ونه دروغی پاداش از خداوند تو عطای بسیار بشمار

رب السموات والارض وما بينهما الرحمن لا يملكون

خداوند آسمانها وزمین وانچه میانه ایشانست خداوند مهربان مالک نشوند

منه خطابا ۝ يوم يقوم الروح والملائكة صفا

ازان زبان را انروز بایستد جبرئیل وفرشتگان صف زده

لا يتكلمون الا من اذن له الرحمن وقال صوابا ۝ ذلك

نگویند سخن از شفاعت مگر کسی را که دستوری دهد مر اورا خداوند مهربان وگوید صوابی یعنی کلمه طیب اینست

اليوم الحق فمن شاء اتخذ الى ربه مابا ۝ انا انذرناكم

ان روز راست پس هرکه خواهد بگیرد سوی خداوند خویش جای بازگشت بدرستی ما بیم کردیم ما شمارا

عذابا قريبا يوم ينظر المرء ما قدمت يداه ويقول الكافر

عذابی نزدیک ان روز که بنگرد مرد مومن وکافر انچه پیش فرستاده دستهای او ومیگوید ناگرویده

سورة النازعات يا ليتني كنت ترابا ۝ وهي اربعون ايات

اى كاشكى بودمى خاك

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

ابتدا ميكنم بنام خداوند بخشاينده مهربان

والنازعات غرقا ۝ والناشطات نشطا ۝ والسابحات سبحا ۝

سوگند بكشندگان جانها بغايت كشيدنى ۝ وبيرون آيندگان از شهر بيرون آمدنى ۝ وشناوران رونده چنين رفتنى

كه بيرون آرد جان را از خلق

فالسابقات سبقا ۝ فالمدبرات امرا ۝ يوم ترجف الراجفة

پس سوگند بسبقت كنندگان بسبقت كردنى ۝ وسوگند بتدبير كنندگان كار را ۝ آن روز كه بجنباند زمين را جنباننده

تتبعها الرادفة ۝ قلوب يومئذ واجفة ۝ ابصارها

پيروى كند آن را نفخه دويم ۝ دلهاى خلق آن روز ترسان بود ۝ چشمهاى

خاشعة ۝ يقولون ءانا لمردودون في الحافرة ۝ ءاذا كنا

خوار شكننده ۝ ميگويند آيا ما را هر آينه زنده ميكنند در گورها پس مرگ ۝ آيا چون باشيم ما

عظاما نخرة ۝ قالوا تلك اذا كرة خاسرة ۝ فانما هي زجرة

استخوانهاى ريزه ۝ گويند اينست اكنون بازگشتن زيان كننده ۝ پس جز اين نيست كه اين دميدنى

واحدة ۝ فاذا هم بالساهرة ۝ هل اتيك حديث موسى ۝

يكى ۝ پس ناگاه ايشان باشند بروى زمين زنده ايستاده ۝ آيا نيامد ترا خبر موسى پيغمبر

اذ ناديه ربه بالواد المقدس طوى ۝ اذهب الى فرعون

چون بخواند او را خداوند او بوادى پاكيزه كه نام آن طوى است ۝ كه برو سوى فرعون

انه طغى ۝ فقل هل لك الى ان تزكى ۝ واهديك الى ربك

بدرستيكه او بيراه گشت ۝ پس بگو آيا هست مر ترا آنكه پاك گردانى تن خود ۝ وراه نمايم ترا سوى خداوند تو

فتخشى ۝ فاريه الاية الكبرى ۝ فكذب وعصى ۝ ثم ادبر

پس بترسى از خدا ۝ پس بنمود او را حجت بزرگ ۝ پس تكذيب كرد ونافرمان شد ۝ پس بازگشت

چنانكه غرق شده در آب ونه جانهاى كافرانست

يسعى

يَسْعٰى ۝ فَحَشَرَ فَنَادٰى ۝ فَقَالَ اَنَا رَبُّكُمُ الْاَعْلٰى ۝ فَاَخَذَهُ اللّٰهُ

روی گردانید می شتافت بکوشش پس گرد کرد پس خطاب کرد پس گفت منم خداوند شما برتر پس بگرفت اورا خدا

نَكَالَ الْاٰخِرَةِ وَالْاُوْلٰى ۝ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَّخْشٰى ۝

بند آنجهان واینجهان بدرستیکه دراین هرآئنه عبرتست مرکسی راکه بترسد ازخدا

ءَاَنْتُمْ اَشَدُّ خَلْقًا اَمِ السَّمَآءُ بَنٰىهَا ۝ رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوّٰىهَا ۝

آیا شما سخت ترید از روی آفرینش یا آسمان که بنا کرد آنرا و بلند گردانید سقف آنرا پس برابر کرد
و راست گردانید از عیب و خلل

وَاَغْطَشَ لَيْلَهَا وَاَخْرَجَ ضُحٰىهَا ۝ وَالْاَرْضَ بَعْدَ ذٰلِكَ دَحٰىهَا ۝

و پوشش کرد یعنی تاریک کرد شب آنرا و بیرون آورد روشنی آفتاب و زمین را پس از اینکه گسترد آنرا

اَخْرَجَ مِنْهَا مَآءَهَا وَمَرْعٰىهَا ۝ وَالْجِبَالَ اَرْسٰىهَا ۝ مَتَاعًا لَّكُمْ

بیرون آورد از آن آب آنرا و گیاه آن و کوهها استوار گردانید آنرا برخورداری مرشمارا

وَلِاَنْعَامِكُمْ ۝ فَاِذَا جَآءَتِ الطَّآمَّةُ الْكُبْرٰى ۝ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ

و مرچهارپایان شمارا پس چون بیاید بانگ بزرگ آنروز یاد کنند

الْاِنْسَانُ مَا سَعٰى ۝ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيْمُ لِمَنْ يَّرٰى ۝ فَاَمَّا مَنْ

پشیمان کردند آدمیان آنچه کرده باشند از نافرمانی و پدید کرده شود دوزخ مر آنکس را که در جایگاه ببیند پس آنکس که

طَغٰى ۝ وَاٰثَرَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ۝ فَاِنَّ الْجَحِيْمَ هِيَ الْمَاْوٰى ۝ وَاَمَّا

کافر شد و بگزید زندگانی دنیا پس بدرستیکه دوزخ آن جای بودن اوست

مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهٖ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوٰى ۝ فَاِنَّ

و اما هرکه بترسد از ایستادن درحضرت خداوند خود یا از انتقام او و بازداردتن خودرا از معصیت پس بدرستیکه

الْجَنَّةَ هِيَ الْمَاْوٰى ۝ يَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ السَّاعَةِ اَيَّانَ مُرْسٰىهَا ۝

گروه بهشت آن جای بازگشت مومنانست می پرسند ترا ای محمد از روز رستخیز که کی خواهد بود وقت آمدن آن

فِيْمَ اَنْتَ مِنْ ذِكْرٰىهَا ۝ اِلٰى رَبِّكَ مُنْتَهٰىهَا ۝ اِنَّمَا اَنْتَ مُنْذِرُ

درچه چیزی یعنی بگو از یاد کردن آن مر سؤال کنید بسوی خداوندست علم قیامت جز این نیست که تو بیم کننده

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که سوره عبس و تولی و سوره اذا الشمس کورت را بخواند در حفظ الهی باشد از خیانت و در سایه کرامت الهی تا زنده باشد

مَن يَخْشَاهَا ۝ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا

هر که بترسد آن را مثال ایشان که روزی که می بینند آن را درنگ نکنند مگر شبانگاهی یا چاشتگاهی

سورة عبس اثنتان واربعون ايات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

عَبَسَ وَتَوَلَّىٰ ۝ أَن جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ ۝ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ

روی ترش کرد و روی بگردانید چون آمد او را کور وچه داند ترا محمد شاید که او

يَزَّكَّىٰ ۝ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ الذِّكْرَىٰ ۝ أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَىٰ ۝

پاکیزه شود یا پند گیرد و بپذیرد او پند از تو پس سود کند او را پند دادن اما هر که بی نیاز است

فَأَنتَ لَهُ تَصَدَّىٰ ۝ وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ ۝ وَأَمَّا مَن جَاءَكَ

پس تو مر او را پیش می آیی و چه چیز است ترا بر او چه پاک نشود بی اسلام و اما هر که آید ترا

يَسْعَىٰ ۝ وَهُوَ يَخْشَىٰ ۝ فَأَنتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ ۝ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ۝

و بشتابد در راه دین و او می ترسد از خدای پس تو از او غافل میشوی حقا بدرستیکه آن پندیست

فَمَن شَاءَ ذَكَرَهُ ۝ فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ ۝ مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ۝

پس هر که خواهد که پند گیرد بقرآن در صحفهای گرامی کرده شده بلند مرتبه شده پاک کرده شده

بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ۝ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۝ قُتِلَ الْإِنسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ۝

بدستهای فرشتهای نویسنده گرام کرده شده فرمان بردار کشته شده آدمی یعنی لعنت کرده انچه ناسپاس کرد [illegible]

مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۝ مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ ۝ ثُمَّ السَّبِيلَ

از چه چیز آفرید او را از آب منی آفرید او را پس اندازه کرد او را در آفرینش پس راه

يَسَّرَهُ ۝ ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ۝ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ ۝ كَلَّا لَمَّا يَقْضِ

بر او آسان کرد پس بمیراند او را پس بگور کرد او را پس چون خواهد زنده کند او را حقا ای محمد چون نکند

ما امره ۝ فلينظر الانسان الى طعامه ۝ انا صببنا الماء

آنچه فرموده شده او را از توحید وطاعت پس بنگرد مردمان سوی خورش خود بدرستی فروریخته ایم ما آب را

صبا ۝ ثم شققنا الارض شقا ۝ فانبتنا فيها حبا ۝ وعنبا

فروریختنی پس شکافانیدیم ما زمین شکافتنی پس برویانیدیم ما درآن دانه وانگوری

وقضبا ۝ وزيتونا ونخلا ۝ وحدائق غلبا ۝ وفاكهة وابا ۝

وگیاهی ودرخت زیتونی وخرمایی وباغهای درختان بزرگ ومیوه وگیاهی

متاعا لكم ولانعامكم ۝ فاذا جاءت الصاخة ۝ يوم

برخورداری مرشمارا ومرچهارپایان شمارا پس چون آمد آواز کرانیدن قیامت ازروز

يفر المرء من اخيه ۝ وامه وابيه ۝ وصاحبته وبنيه ۝

که بگریزد مرد از برادر خود ومادر خود وپدر خود ومصاحب خود یعنی زن خود وفرزند خود

لكل امرئ منهم يومئذ شان يغنيه ۝ ووجوه يومئذ

مر هر مردی را از ایشان آن روز کاری باشد که بی نیاز کند او را از همه چیز رویهای یعنی درآن روز

مسفرة ۝ ضاحكة مستبشرة ۝ ووجوه يومئذ عليها

درخشان خندان باشد وشادمان ورویهای یعنی درآن روز گرد بران

غبرة ۝ ترهقها قترة ۝ اولئك هم الكفرة الفجرة ۝

نشسته باشد پوشیده ان را سیاهی ایشانند ایشان ناگرویدگان وستمکاران

سورة التكوير مكية تسع وعشرون ايات

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

اذا الشمس كورت ۝ واذا النجوم انكدرت ۝ واذا الجبال

چون خورشید برده شود روشنی او وچون ستارها فروریزند تاریک شده وچون کوهها

سُيِّرَتْ ۝ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ۝ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ۝ وَإِذَا
رانده شود بر روی زمین وچون شتران آبستن بازگذاشته شوند وچون رمندکان وحشی کرد کرده شوند وچون
الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ۝ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ۝ وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ۝
دریاها کرم کرده شوند وچون تنها جفت کرده شوند وچون دختر زنده کرده شود پرسیده از کور
بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ۝ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ۝ وَإِذَا السَّمَاءُ
که بکدام گناه کشته شد وچون نامهای اعمال پراکنده شود وچون آسمان
كُشِطَتْ ۝ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ۝ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ۝ عَلِمَتْ
بازگشاده شود وچون دوزخ افروخته شود وچون بهشت نزدیک کرده شود بداند
نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ ۝ فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ ۝ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ۝
هر تنی آنچه کرده است پس بخورم سوگند به پنج ستاره رونده که روز پنهان شوند مریخ زحل عطارد
وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ۝ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ۝ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ
وشب چون باریک شود وصبح چون روشن شود بدرستیکه او هر آینه گفتار پیغمبر
كَرِيمٍ ۝ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ۝ مُطَاعٍ
گرامی که خداوند قوتست نزدیک خداوند تخت استوار فرمان اورده
ثَمَّ أَمِينٍ ۝ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ۝ وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ
پس استوار است ونیست یار شما یعنی پیغمبر شما دیوانه وهر آینه تحقیق بدید محمد جبرئیل را
الْمُبِينِ ۝ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ۝ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ
پیدا که آفتاب بر آید ونیست او بر نهان متهم ونیست قرآن گفتار
شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ۝ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ۝ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ
دیو رانده شده پس کجا میروید وچه مذهب اختیار میکنید نیست القرآن مگر پندی
لِلْعَالَمِينَ ۝ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ ۝ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ
مر جهانیان را مر آنرا که خواهد از شما که براه راست باشد ونیست شما را خبر مگر آنکه

یعنی هر یک از کافران با شیطان
قرین کنند و هر یک مومن

ان

يشاء الله رب العلمين ۝ سورة الفطرت مكية تسع عشرة آية

خواهد خدای که خداوند جهانیان است

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

اذا السماء انفطرت ۝ واذا الكواكب انتثرت ۝ واذا البحار

چون آسمان شکافته شود وچون ستارگان فروریزند وچون دریاها

فجرت ۝ واذا القبور بعثرت ۝ علمت نفس ما قدمت

جاری شود وچون اهل گورها برانگیخته شوند بداند هر تنی آنچه پیش فرستاد

واخرت ۝ يا ايها الانسان ما غرك بربك الكريم ۝

وآنچه گذاشته باشد برای آخرت ای مردمان چه چیز فریفته کرد ترا بخداوند تو که گرامی است

الذي خلقك فسوىك فعدلك ۝ في اى صورة ما شاء

آنکه بیافرید ترا پس راست کرد ترا اندام پس میانه بالا آفرید ترا در چه صورت آنچه خواست

ركبك ۝ كلا بل تكذبون بالدين ۝ وان عليكم لحافظين

بپیوند کردانید ترا حقا بلکه تکذیب کردند بروز قیامت وبدرستی بر شما اند هرآئنه نگاهدارندگان

كراما كاتبين ۝ يعلمون ما تفعلون ۝ ان الابرار لفي

گرامی نویسندگان کردار شما میدانند آنچه میکنید بدرستیکه مؤمنان هرآئنه در

نعيم ۝ وان الفجار لفي جحيم ۝ يصلونها يوم الدين ۝

بهشت باشند وبدرستیکه کافران هرآئنه در دوزخ در شوند آنجا روز قیامت

وما هم عنها بغائبين ۝ وما ادرىك ما يوم الدين ۝

ونباشند از دوزخ بیرون آورده شدگان وندانی تو ای محمد چیست روز قیامت

ثم ما ادرىك ما يوم الدين ۝ يوم لا تملك نفس لنفس

پس چه دانی تو ای محمد چیست روز قیامت روزیست که مالک نشود هیچ تنی مر تنی را چیزی

وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلّٰهِ ۝

وفرمان ازوز مرخدا راست

سورة المطففين وهي ثلثون اياة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ۝ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ۝

ویل وادیست در دوزخ مرکم دهندگانراست انانکه چون به پیمایند بر مردمان را ازحق تمام پیمایند

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَو وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ۝ أَلَا يَظُنُّ أُولٰئِكَ

وچون به پیمایند یا وزن کنند برای دیگران کم دهند ایا گمان نبرند وندانند ایشان

أَنَّهُم مَّبْعُوثُونَ ۝ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ

بدرستی ایشان برانگیخته شوند مرروز بزرگ ان روز که ایستاده شوند مردمان مرخداوند

الْعٰلَمِينَ ۝ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ ۝ وَمَا

جهانیان را حقا بدرستیکه نامه بدکرداران هرائنه در سجین است وچه

أَدْرٰكَ مَا سِجِّينٌ ۝ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ

داناکرد ترا ای محمد چیست سجین جایست نامه اعمال کافران نبشته باشند وای ان روز

لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ۝ وَمَا

مرتکذیب کنندگان را انانکه تکذیب کردند بروز قیامت ونه کند

يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ۝ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ

تکذیب ومنکر نشود بدان مگر هر ازحد گذرنده گناه کار چون خوانده شود براو

آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم

آیات ما گوید نوشته پیشینیانست حقا بلکه الکار پرده ای ان

مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ كَلَّا إِنَّهُمْ عَن رَّبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ

انچه بودند کنندگان حقا بدرستی ایشان ازخداوند خویش ان روز

لمحجوبون

لَمَحْجُوبُونَ ۝ ثُمَّ اِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ۝ ثُمَّ يُقَالُ هٰذَا

حجاب کرده شدگانند پس بدرستی ایشان هر آینه در آیند بدوزخ پس گفته شوند که اینست

الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ۝ كَلَّا اِنَّ كِتَابَ الْاَبْرَارِ لَفِي

آنکه بودید شما بدان تکذیب کنندگان حقا بدرستیکه نامه اعمال نیکان هر آینه در

عِلِّيِّينَ ۝ وَمَا اَدْرٰيكَ مَا عِلِّيُّونَ ۝ كِتَابٌ مَرْقُومٌ ۝ يَشْهَدُهُ

علیین باشد وچه داناے تو ای محمد چیست علیون علیین پایه عرش مجید است نامه نوشته شده که گواهی دهند

الْمُقَرَّبُونَ ۝ اِنَّ الْاَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ۝ عَلَى الْاَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ۝

بران فرشتگان مقرب بدرستیکه مومنان هر آینه در بهشت باشند بر تختها که می نگرند

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ۝ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ

بشناسے تو ای محمد در روهای ایشان تازگی نعمت بهشت نوشانند از آب سفید بهشت

مَخْتُومٍ ۝ خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ۝

در جامها مهر کرده که مهران از مشک باشد و در این که پس پیش دستی کنند پیش دستی کنندگان

شایسته این نعمتها شوند

وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ ۝ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ۝ اِنَّ الَّذِينَ

و آمیختن آن از چشمه که میخورند از آن ایشان بخشند از آن نزدیکان بدرستی آنانکه

اَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ اٰمَنُوا يَضْحَكُونَ ۝ وَاِذَا مَرُّوا

گناه کردند بودند از آنانکه گرویدند خنده کنان وچون میرفتند

بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ۝ وَاِذَا انْقَلَبُوا اِلٰى اَهْلِهِمُ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ۝

بایشان طعنه میزدند وچون بازمیگشتند سوی اهل خویش بازمیگشتند شادمان

وَاِذَا رَاَوْهُمْ قَالُوا اِنَّ هٰؤُلَاءِ لَضَالُّونَ ۝ وَمَا اُرْسِلُوا

وچون میدیدند مومنان را میگفتند بدرستی ایشان هر آینه گمراهانند و فرستاده شدند کافران

عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ ۝ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ اٰمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ

بر مومنان نگاهبانان پس امروز آنانکه گرویدند از کافران

يضحكون ۝ على الارائك ينظرون ۝ هل ثوب الكفار

ميخندند بر تختها نشسته مينگرند در نعمتهاي بهشت زود پاداش داده شوند كافران

ما كانوا يفعلون ۝ سورة انشقت مكية وهي خمس وعشرون اية

انچه بودند كننده كان

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

ابتدا ميكنم بنام خداوند بخشاينده مهربان

اذا السماء انشقت ۝ واذنت لربها وحقت ۝ واذا الارض

چون آسمان بشكافد و فرمان برد خداوند او را و اگر فرمان برد خداي و چون زمين

مدت ۝ والقت ما فيها وتخلت ۝ واذنت لربها وحقت ۝

كشيده شود بعني هموار گردد و بيرون افكند انچه در ان زمين است و تهي شود و فرمان برد مر خداوند خود را و سزاوار گردد

يا ايها الانسان انك كادح الى ربك كدحا فملاقيه ۝

اي آدمي بدرستي تو كار كننده سوي خداوند خود كار كردني پس بيني ان كار را

فاما من اوتي كتابه بيمينه ۝ فسوف يحاسب حسابا

پس اما هر كه داده شود نامه او بدست راست او پس زود باشد كه حساب كرده شود حسابي

يسيرا ۝ وينقلب الى اهله مسرورا ۝ واما من اوتي كتابه

آسان و باز گردد سوي اهل خود شادمان يعني حور و قصور و اما هر كه داده شود نامه او

وراء ظهره ۝ فسوف يدعوا ثبورا ۝ ويصلى سعيرا ۝ انه

از پس پشت او پس زود باشد كه خوانده شود سوي عذاب و در افكنده شود باتش زبانه كشيده بدرستي او

كان في اهله مسرورا ۝ انه ظن ان لن يحور ۝ بلى

هست در ميان دوزخيان شادمان بدرستي كافر گمان برد اينكه هرگز باز نگردد بجزا و ثواب آري

ان ربه كان به بصيرا ۝ فلا اقسم بالشفق ۝ والليل وما

بدرستيكه پروردگار او هست بان بينا پس سوگند است بسرخي كرانهاي آسمان و شب و انچه

ولق

سجدہ مسنونہ

وَسَقَ ۙ وَالْقَمَرِ اِذَا اتَّسَقَ ۙ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ۙ فَمَا
در ايد از خير وشر و سوكند ست بماه چون تمام شود هر اينه بر نشينيد محمد بر آسمانها بتوبى برتوبى پس چيست
لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۙ وَاِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْاٰنُ لَا يَسْجُدُوْنَ
مر كافران را كه نميكروند بوقوع معراج وچون خوانده شود بر ايشان قران سجده نكنند يعنى قبول نكنند اوامر و نواهى را
بَلِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يُكَذِّبُوْنَ ۖ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا يُوْعُوْنَ
بلكه انانكه كافر شدند تكذيب ميكنند محمد را و خدا دانا ترست در انچه بدان پنهان دارند
فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ۙ اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ
پس مژده ده ايشان را بعذاب دردناك مگر انانكه گرويدند و كردار نيكو كردند
لَهُمْ اَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُوْنٍ ۝ سورة البروج وهى اثنان وعشرون اية
مر ايشان راست مزد بى منت ناكاسته

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
ابتدا ميكنم بنام خداوند بخشاينده مهربان
وَالسَّمَآءِ ذَاتِ الْبُرُوْجِ ۙ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُوْدِ ۙ وَشَاهِدٍ وَّمَشْهُوْدٍ
سوكند باسمان خداوند كوشكها و منازل نجوم و بروز وعده كرده شده يعنى قيامت و بروز گواهى دهنده و گواهى داده شده
قُتِلَ اَصْحٰبُ الْاُخْدُوْدِ ۙ النَّارِ ذَاتِ الْوَقُوْدِ ۙ اِذْ هُمْ
كشته شدند يعنى لعنت كرده شدند اهل كنبدها آتش خداوند افروختگى چون ايشان
عَلَيْهَا قُعُوْدٌ ۙ وَّهُمْ عَلٰى مَا يَفْعَلُوْنَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ شُهُوْدٌ ۝
وايشان بر انچه ميكردند بگرويدگان حاضر بودند
وَمَا نَقَمُوْا مِنْهُمْ اِلَّآ اَنْ يُّؤْمِنُوْا بِاللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَمِيْدِ ۙ الَّذِيْ
وانچه كينه نكشيدند ازانان مگر اينكه گرويدند بخداى ارجمند ستوده انكه
لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۝ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ۝
مر او راست پادشاهى آسمانها و زمين و خداى بر هر چيزى گواه است

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ

بدرستی اانکه فتنه کردند مؤمنان را ومؤمنات را پس نمیکنند توبه پس مرایشان راست

عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

عقوبت جهنم ومرایشان راست عقوبت آتش سوزان بدرستی اانکه گرویدند وکردار

الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَٰلِكَ

نیکو کردند مرایشان راست بستانها که جاریست از زیر درختان آن جویها اینست

الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ۝ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ۝ إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ

رستگاری بزرگ بدرستیکه گرفتن خداوند تو هراینه سخت است بدرستی او خدایی که باز

وَيُعِيدُ ۝ وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ۝ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ۝ فَعَّالٌ

دوم بار آفرید واوست آمرزنده دوستدارنده خداوند تخت بزرگ کننده است

لِمَا يُرِيدُ ۝ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ۝ فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ۝ بَلِ

هر چیز که میخواهد بدرستیکه آمد بتو قصه لشکرها فرعون وثمودیان بلکه

الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ۝ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ۝

اانکه نگرویدند در تکذیب اند وخدا از عقب افعال واقوال ایشان در گیرنده

سورة الطارق بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ ۝ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ ۝ مكية سبع عشرة آية

بلکه این قران بزرگست در لوح محفوظ نگاهداشته شده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ۝ النَّجْمُ

سوگند بآسمان وانچه شب اید وچه دانی تو ای محمد چیست طارق ستاره ایست

الثَّاقِبُ ۝ إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ۝ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ

روشن نیست هر تنی مگر بران نگاهبانی است پس گو بنگرد وعبرت گیرد آدمی

مِمَّ خُلِقَ ۝ خُلِقَ مِن مَّآءٍ دَافِقٍ ۝ يَخْرُجُ مِنۢ بَيْنِ الصُّلْبِ

که از چه چیز آفریده شده افریده شده از آب جهنده که بیرون اید از میان پشت پدر

وَالتَّرَآئِبِ ۝ اِنَّهٗ عَلٰى رَجْعِهٖ لَقَادِرٌ ۝ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَآئِرُ ۝

و سینه مادر بدرستیکه خدای بازگردانیدن هر انه تواناست انروز که پیدا کرده شود نهانیها

فَمَا لَهٗ مِن قُوَّةٍ وَّلَا نَاصِرٍ ۝ وَالسَّمَآءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ۝ وَالْاَرْضِ

پس نباشد مر او را از هیچ توانائی نیرو و نه یاری دهنده و آسمان خداوند بازگشتن و زمین

ذَاتِ الصَّدْعِ ۝ اِنَّهٗ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ۝ وَّمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ۝ اِنَّهُمْ

خداوند شکافتن بدرستیکه آن هر انه گفتاریست جدا کننده میان حق و باطل و نیست قران بازیچه و باطل بدرستیکه ایشان

يَكِيدُونَ كَيْدًا ۝ وَّاَكِيدُ كَيْدًا ۝ فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ

سگالش میکنند سگالش کردنی و جزای سگالش ایشان میدهم جزای سگالش پس مهلت ده کافران را

سورة الاعلى اَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا ۝ مكية تسع عشرة ايات

و بگذار ایشان را تا وقت مرگ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْاَعْلٰى ۝ الَّذِي خَلَقَ فَسَوّٰى ۝ وَالَّذِي قَدَّرَ

بپاکی یاد کن نام خداوند خود را که برترست انکه بیافرید آدم را پس برابر کرد او را و انکه اندازه کرد

فَهَدٰى ۝ وَالَّذِي اَخْرَجَ الْمَرْعٰى ۝ فَجَعَلَهٗ غُثَآءً اَحْوٰى ۝

پس راه راست نمود و انکه بیرون آورد گیاه را پس بگردانید آن را خشک و سیاه پس از سبزی

سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنسٰى ۝ اِلَّا مَا شَآءَ اللّٰهُ اِنَّهٗ يَعْلَمُ الْجَهْرَ

زود باشد بخوانیم بار تو پس فراموش نکنی مگر انچه خواهد خدای بدرستیکه خدا میداند اشکارا

وَمَا يَخْفٰى ۝ وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرٰى ۝ فَذَكِّرْ اِن نَّفَعَتِ الذِّكْرٰى ۝

و انچه پنهانست و آسان کردیم مارا مر اسانی را پس پند ده بقران هر انه سود کند پند نو مردمان را

سيذكر من يخشى ۝ ويتجنبها الاشقى ۝ الذى يصلى النار

زود باشد پند گیرد هرکه میترسد از خدا ۝ و دور می‌گیرد از پند گرفتن بدبخت ترین آنکه در شود باتش درزخ

الكبرى ۝ ثم لا يموت فيها ولا يحيى ۝ قد افلح من تزكى

بزرگ ۝ پس نمیرد دران و نه زنده باشد ۝ تحقیق برست هرکه توحید گفت

وذكر اسم ربه فصلى ۝ بل تؤثرون الحيوة الدنيا ۝

و یاد کرد نام خداوند خود پس نماز گذارد ۝ بلکه اهل مکه میگزینند زندگانی اینجهان را

والاخرة خير وابقى ۝ ان هذا لفى الصحف الاولى ۝ صحف

و حال آنکه آنجهان بهترست و پاینده تر ۝ بدرستی این پند هر آینه در کتب پیشینیان بود ۝ کتب

سورة الغاشية ابراهيم وموسى ۝ وهى ست و عشرون اية

ابراهیم و موسی

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

هل اتيك حديث الغاشية ۝ وجوه يومئذ خاشعة ۝

بدرستیکه بیاید ترا خبر پوشیده یعنی قیامت زیراکه هول آنروز دلها را بپوشد ۝ رویهای کافران بود آن روز ترسان

عاملة ناصبة ۝ تصلى نارا حامية ۝ تسقى من عين انية ۝

خوار عمل کننده بخلاف فرایض ۝ در شوند باتش گرم ۝ آب داده شوند از چشمهٔ جوشنده

ليس لهم طعام الا من ضريع ۝ لا يسمن ولا يغنى من جوع ۝

نیست مرایشان را خوردنی مگر از چرخه خارک ۝ فربه نکند ایشان را و نه بی‌نیاز کند از گرسنگی

وجوه يومئذ ناعمة ۝ لسعيها راضية ۝ فى جنة عالية ۝

و رویهای مومنان آن روز روشن که ۝ بشتافتند در کارها رسنده ۝ در بهشت بلند برخواسته

لا تسمع فيها لاغية ۝ فيها عين جارية ۝ فيها سرر مرفوعة

نشنوند دران بهشت حرف بیهوده ۝ دران چشمهای روان ۝ دران تختهای بلند برداشته شده

واكواب

وأكواب موضوعة ۝ ونمارق مصفوفة ۝ وزرابي

و کوزها نهاده و بالشها آماده چیده و بساطها

مبثوثة ۝ أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت ۝ وإلى

گسترده آیا پس کافران نمینگرند سوی شتر که چگونه آفریده شده و سوی

السماء كيف رفعت ۝ وإلى الجبال كيف نصبت ۝

آسمان چگونه برداشته شده و سوی کوهها چگونه ایستاده کرده شده

وإلى الأرض كيف سطحت ۝ فذكر إنما أنت مذكر ۝

و سوی زمین چگونه گسترده شده پس پند ده ای محمد جز این نیست که تو پند دهنده

لست عليهم بمصيطر ۝ إلا من تولى وكفر ۝ فيعذبه

نیستی تو بر ایشان بگماشته مگر هرکه برگردد و کافر شود پس عذاب کند او را

الله العذاب الأكبر ۝ إن إلينا إيابهم ۝ ثم إن علينا

خدا عذاب بزرگتر بدرستیکه سوی ماست بازگشت ایشان پس بدرستی بر ماست

حسابهم ۝ سورة الفجر مكية وهي ثلثون آيات

شمار ایشان

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

والفجر ۝ وليال عشر ۝ والشفع والوتر ۝ والليل إذا يسر ۝

سوگند است بسپیده دم و بشبهای ده ذی حجه و دو رکعت شفع و یک رکعت وتر و شب چون خلق

هل في ذلك قسم لذي حجر ۝ ألم تر كيف فعل

هست در این سوگند مر خداوند خرد را آیا ندیدی تو ای محمد ص چگونه عقوبت کرد

ربك بعاد ۝ إرم ذات العماد ۝ التي لم يخلق مثلها

خداوند تو [illegible] را نام باغیست خداوند ستونها که آفریده نشده مانند آن

فِي الْبِلَادِ ۝ وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۝ وَفِرْعَوْنَ ذِي

در شهرها و چگونه عقوبت کرد قوم ثمود را انانکه سوراخ کردند سنکها را در بیابانها و چگونه عقوبت کرد فرعون را خداوند

الْأَوْتَادِ ۝ الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ۝ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ۝

میخها انانکه از هر یک گروه عاصی شدند در شهرها پس بسیار کردند دران زمین تباهی را

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۝ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ۝

پس فرستاد بران خداوند تو اواز عقوبت بدرستی خداوند تو هر اینه بر راه است

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ

پس اما ادمی چون بیازماید او را خداوند او پس کرامی کیرد او را و نعمت دهد او را پس کوید

رَبِّي أَكْرَمَنِ ۝ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ

خداوند من کرامی کرد مرا و اما چون بیازماید او را پس تنک کند بر او روزی او را

فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ۝ كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ۝ وَلَا تَحَاضُّونَ

پس کوید خداوند من خوار کرد مرا حقا بلکه کرامی ندارند بی پدران را و نکزینند

عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۝ وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا ۝ وَ

بر طعام درویش را و بخورند میراث را خوردنی بسیار و

تُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ۝ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ۝

دوست دارند مال را دوست داشتنی بسیار حقا چون بر هم کوبند و جنبیده شود زمین جنبیدنی پس از جنبیدنی

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ۝ وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ

و بیاید خداوند تو و فرشتکان در صف یکدیگر صف زده و اورده شود ان روز بدوزخ

يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ۝ يَقُولُ

ان روز پند میکیرد ادمی و از [illegible] پند مر او را پندی کوید

يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ۝ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ۝

ای کاشکی من پیش ازین [illegible] پس ان روز عذاب نکند چون عذاب خدای هیچ کس را

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ۝ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ۝ ارْجِعِي إِلَى

و بند نکند و بند کردن او یکی را ندا آید که ای تن آرمیده بعبادت خدا باز گرد سوی

رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ۝ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ۝ وَادْخُلِي

خدای خود خوشنود شده پسندیده ... در آن در میان بندگان و در آی

جَنَّتِي ۝ سورة البلد مكية وهي عشرون آيات

در ... من

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

ابتدا ... میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

لَا أُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ ۝ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهٰذَا الْبَلَدِ ۝ وَوَالِدٍ

قسم یاد میکند باین شهر یعنی مکه و تو که محمدی حلالی باین شهر مکه و سوگند بآدم صفی

وَمَا وَلَدَ ۝ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ۝ أَيَحْسَبُ

و آنچه بزاد از وی فرزند هر آینه بتحقیق آفریدیم ما آدمی را در کار مشقت و سختی زندگی ... آیا می پندارد که

أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ۝ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ۝

هرگز توانا نشود بر او یکی میگوید هلاک کردیم او را نفقه کردیم بجهد مال فراوان

أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ۝ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ۝ وَلِسَانًا

آیا پندارد که ندید او را خدا یکی آیا آفریدیم ما مر او را دو چشم بینا و زبان گویا

وَشَفَتَيْنِ ۝ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ۝ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ۝

و دو لب زیبا و راه نمودیم ما او را دو بستان که شیر میخورد پس نگذشت آن عقبه را

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ۝ فَكُّ رَقَبَةٍ ۝ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ

و چه دانی تو ای محمد که چیست عقبه آزاد کرده بنده یا طعام دادن در روز

ذِي مَسْغَبَةٍ ۝ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ۝ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ۝ ثُمَّ كَانَ

که خداوند گرسنگی بود ایام قحط بی پدری که خداوند خویشی نزدیک باشد یا درویشی که بر خاک خسپد پس هست

ن الذين امنوا وتواصوا بالصبر وتواصوا بالمرحمة ط اولئك

بعض از انانکه گرویدند وصیت کردند یکدیگر را بصبر و وصیت کردند یکدیگر را بمهربانی کردن ایشانند

اصحاب الميمنة ط والذين كفروا بآياتنا هم اصحاب

باشندگان دست راست و انانکه کافر شدند بنشانهای ما ایشانند باشندگان

المشأمة ط عليهم نار مؤصدة ع **سورة الشمس خمس عشرة آية**

دست چپ بر ایشان است آتش طبق در بسته

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

والشمس وضحاها ص والقمر اذا تلاها والنهار اذا جلاها و

سوگند باآفتاب و بچاشتگاه و بماه که از پس آفتاب ... و بروز چون خورشید را روشن کند

الليل اذا يغشاها والسماء وما بناها والارض وما

و شب چون بپوشد عالم را و بآسمان و بانکه راست گردانید آن را و بزمین و بانچه

طحاها ونفس وما سواها فألهمها فجورها وتقواها

گسترانید آن را و بتن و انکه بیافرید اورا ... الهام داد معصیت آن و نیکی آن

قد افلح من زكاها وقد خاب من دساها ط كذبت

تحقیق که رستگار شد که ... کرد و تحقیق نومید شد هر که فرو گذاشت آن را تکذیب کردند

ثمود بطغواها اذ انبعث اشقاها فقال لهم رسول الله

... بسبب نافرمانی ... چون برانگیخته شد بدبخت ترین ایشان پس گفت مر ایشان را پیغمبر خدا

ناقة الله وسقياها فكذبوه فعقروها فدمدم

حذر کنید از شتر خدا و آب خوردنیدن آن پس تکذیب کردند اورا پس کشتند ناقه را پس هلاک آورد

عليهم ربهم بذنبهم فسواها ولا يخاف عقباها

بر ایشان خداوند ایشان بگناه ایشان پس برابر گردانید آن را و نترسید عاقبت آن را

لهم

سورة الليل

سورة الليل وهی احدی وعشرون ايات

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

والليل اذا يغشى ۝ والنهار اذا تجلى ۝ وما خلق الذكر و

سوگند بشب چون بپوشد روز را و بروز چون روشن شود و آنکه بیافرید نر و

الانثى ۝ ان سعيكم لشتى ۝ فاما من اعطى واتقى ۝ و

ماده را بدرستی عمل شما پراکنده است یعنی گوناگون پس اما هرکه بدهد مال در راه خدا و پرهیز کند و

صدق بالحسنى ۝ فسنيسره لليسرى ۝ واما من بخل

راست گوید بنام خدا یعنی کلمه لا اله الا الله پس زود آسان کنیم او را مر آسانی را و اما هرکه بخل کند

واستغنى ۝ وكذب بالحسنى ۝ فسنيسره للعسرى ۝

و بی‌نیاز کند نفس خود را و تکذیب بکلمه طیبه پس زود که آسان کنیم عذاب مر او را آسان کنیم

وما يغني عنه ماله اذا تردى ۝ ان علينا للهدى ۝ وان

و سود نکند از آن مال او را چون هلاک شود بدرستی بر ماست هر آئنه راه نمودن و بدرستی

لنا للآخرة والاولى ۝ فانذرتكم نارا تلظى ۝ لا يصليها

مار است هر آئنه آنجهان و اینجهان پس بیم کردیم شما را از آتش که زبانه آرد و در نرود بران

الا الاشقى ۝ الذي كذب وتولى ۝ وسيجنبها الاتقى ۝

مگر بدبخت ترین آنکه تکذیب کرد و زود گردانید و زود باشد که دور داشته شود پرهیزکارتر از آن آتش

الذي يؤتي ماله يتزكى ۝ وما لاحد عنده من نعمة

آنکه میدهد مال خود را زکوة و نیست مر یکی را نزد او از هیچ نعمت

تجزى ۝ الا ابتغاء وجه ربه الاعلى ۝ ولسوف يرضى ۝

پاداش کرده شود مگر جستن رضای خداوند او که برتر است و هر آئنه زود باشد که خوشنود

سورة الضحى مكية وهى احدى عشرة اية

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

والضحى والليل اذا سجى ما ودعك ربك وما قلى

سوگند بچاشتگاه وبشب چون تاریک شود فرو نگذاشت ترا ای محمد خداوند تو ودشمن نگرفت

وللاخرة خير لك من الاولى ولسوف يعطيك ربك

وهر اینه آنجهان بهترست مر ترا از اینجهان وهر اینه زود باشد که عطا کند ترا خداوند تو

فترضى الم يجدك يتيما فاوى ووجدك ضالا فهدى

پس خوشنود شو آیا نیافت ترا بی پدر پس جای داد ترا ونیافت ترا گمراه پس راه نمود ترا

ووجدك عائلا فاغنى فاما اليتيم فلا تقهر واما

ونیافت ترا درویش پس توانگر گردانید پس اما بی پدر را پس مکن قهر اورا واما

السائل فلا تنهر واما بنعمة ربك فحدث

سوال کننده را پس بانگ درشت مزن واما بنعمت خداوند تو که قرآنست پس حدیث کن مردمان را
وقال اسید کن

سورة الم نشرح وهى ثمان ايات

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

الم نشرح لك صدرك ووضعنا عنك وزرك الذى

آیا فراخ نکردیم ما مر ترا واگاه نکردیم دل ترا بایمان وعفو کردیم ما از تو گناه ترا آن که

انقض ظهرك ورفعنا لك ذكرك فان مع العسر

گران کردیم پشت ترا وبلند کردیم ما مر ترا یاد کردن تو پس بدرستیکه با هر تنگ وسختی

يسرا

يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ ۝ وَإِلَى رَبِّكَ

آسانیست بدرستیکه با هر دشواری آسانیست پس چون از جهاد فارغ شوی بکوش در طاعت پروردگار و سوی خداوند خود

فَارْغَبْ ۝

سورة التين مكية ثمان آيات

پس رغبت کن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ ۝ وَطُورِ سِينِينَ ۝ وَهٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ

و سوگند بانجیر و زیتون و بکوه طور سینا یعنی کوه موسی و باین شهر ایمن یعنی مکه

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۝ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ

بدرستیکه تحقیق آفریدیم ما آدمی را در نیکوترین صورتی پس بازگردانیم ما او را

أَسْفَلَ سَافِلِينَ ۝ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

در درکه اسفل سافلین مگر آنانکه گرویدند و کردار نیکو کردند

فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۝ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ ۝

پس مر ایشان راست مزد بی منت پس کیست تکذیب کند ترا ای محمد پس از بیان این سوره بروز شمار

أَلَيْسَ اللّٰهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ۝

سورة العلق تسع عشرة آيات

آیا نیست خدای استوار کننده ترین داورکنندگان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝

بخوان قرآن بنام خداوند خود آنکه آفرید آفرید آدمی را از خون بسته

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۝ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۝ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ

بخوان قرآن و خداوند تو کرامترست از کرامیها آنکه آموخت نوشتن بقلم آموخت آدمی را

مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝ كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَىٰ ۝ أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَىٰ
آنچه نمیدانست حقا بدرستیکه آدمی هر آینه بیفرمانی کرد که ببیند خود را بی نیاز

إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ۝ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ ۝ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ ۝
بدرستی سوی خداوند تو بازگشتن است آیا دیدی تو آنکه یعنی ابو جهل باز میدارد بندهٔ خدا محمد را چون نماز گذارد

أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ۝ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ۝ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ
آیا دیدی تو اینکه باشد بر راه راست یا بفرماید پرهیزکاری آیا دیدی تو که تکذیب کرد

وَتَوَلَّىٰ ۝ أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ۝ كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ
و روی گردانید آیا نداند بدرستیکه خدای بیند حقا اگر باز نماند ازین کار

لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ۝ نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ۝ فَلْيَدْعُ
هر آینه بگیریم ما بموی پیشانی او را موی گرفتنی که تکذیب کرد و خطا کرد خداوند را پس بخواند ابو جهل

نَادِيَهُ ۝ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ۝ كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ۝ سورة القدر خمس آيات مكية
موکلان دوزخ را حقا ای محمد فرمان مبر ابو جهل را و نماز کن خداوند خود را و نزدیکی جو بخدا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝
ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ۝
بدرستی فرستادیم ما او را در شب با برکت و چه داند تو ای محمد که چیست شب قدر

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ۝ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَ
شب قدر بهترست از هزار ماه فرود آیند فرشتگان و

الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ۝ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ
جبرئیل در آن بفرمان خداوند خویش از هر کاری سلامی کنند مومنان را آن شب تا

مَطْلَعِ الْفَجْرِ ۝ سورة البينة مدنية ثمان آيات
بر آمدن آفتاب

سجده واجب

نادیه سندع
ابو جهل خود را بخواند تا که بخوانیم

گفته اند ...

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ

نبودند انانکه نگرویدند از خداوندان کتاب وانبازگیرندگان

مُنفَكِّينَ حَتّٰى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ۝ رَسُولٌ مِّنَ اللّٰهِ يَتْلُوا صُحُفًا

دست بازدارندگان ازکفر تا بیاید ایشان را بیان کننده پیغمبری از خدا که میخواند قران

مُّطَهَّرَةً ۝ فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ ۝ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

پاکیزه در قران احکام بپای دارنده وجدا نگشتند انانکه داده شدند توریت را

إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ ۝ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللّٰهَ

از پس انچه آمد ایشان را حجتی وفرموده نشدند مگر انکه بپرستند خدا را

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوا الزَّكٰوةَ

یگانه شوند مر او را بدین اسلام گردن نهندگان وبپای دارند نماز وبدهند زکوة مال

وَذٰلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ

وانست دین درستی انانکه نگرویدند از اهل کتاب

وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولٰئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ۝

وانبازگیرندگان در اتش دوزخ اند جاودانه دران ایشانند ایشان بدترین افریدگان

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ۝

بدرستیکه انانکه گرویدند وکردار نیکو کردند ایشانند ایشان بهترین افریدگان

جَزَاؤُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

پاداش ایشان نزد خداوند ایشان بوستانهای بهشت که میرود اززیر درختان جویها

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ رَّضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۚ ذٰلِكَ

جاودانه دران باشند همیشه خوشنودست خدا از ایشان وخوشنود اند ایشان از خدا اینست کرامت

لمن خشي ربّه ○ سورة اذا زلزلت وهي مدنية تسع آيات

مرهر كه راكه بترسد از خداى خود

بسم الله الرحمن الرحيم ○

ابتدا ميكنم بنام خداوند بخشاينده مهربان

اذا زلزلت الارض زلزالها ○ واخرجت الارض اثقالها ○ و

چون جنبانيده شود زمين چون جنبانيدنى وبيرون آرد زمين گرانيهاكه دراوست مردگان و

قال الانسان ما لها ○ يومئذ تحدث اخبارها ○ بان ربك

گويند مردم چه بود مرانرا ان روز كه حديث كند خبرهاى خودرا بدرستيكه خداوند تو

اوحى لها ○ يومئذ يصدر الناس اشتاتا ليروا اعمالهم ○

الهام كرد مراورا ان روز باز گردند مردمان پراكنده تا ببينند جزاى كردار خود

فمن يعمل مثقال ذرة خيرا يره ○ ومن يعمل مثقال ذرة

پس هركه بكند هم سنگ مورچه زرد خورد نيكى ببيند جزاى انرا وهركه بكند هم سنگ مورچه ز...

شرا يره ○ سورة العاديات وهي احدى عشر آيات

بدى ببيند جزاى انرا

بسم الله الرحمن الرحيم ○

ابتدا ميكنم بنام خداوند بخشاينده مهربان

والعاديات ضبحا ○ فالموريات قدحا ○ فالمغيرات صبحا ○

سوگند باسبان دونده بانگ كننده پس آتش افروزند بسمها پس غزا كنندگان بوقت صبح

فاثرن به نقعا ○ فوسطن به جمعا ○ ان الانسان لربه

پس برانگيزاننده گرد البسمها پس دراينده بدان وادى همه بدرستيكه مردم خداى خود را

لكنود ○ وانه على ذلك لشهيد ○ وانه لحب الخير لشديد ○

هرآئنه ناسپاسند وبدرستيكه خدا بر اين هرآئنه شاهدست وگواه وبدرستيكه او در دوستى نيك هرآئنه سخت

افلا يعلم

أفلا يعلم إذا بعثر ما في القبور ۝ وحصّل ما في الصدور ۝

آیا پس نداند چون برانگیخته شود آنچه در گورها و پیدا کرده شود آنچه در دلهاست

سورة القارعة إن ربهم بهم يومئذ لخبير ۝ احدى عشر آية

بدرستی خداوند ایشان باحوال ایشان ازو در آنروز آگاه است

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

القارعة ۝ ما القارعة ۝ وما أدراك ما القارعة ۝

کوبنده دلها روز قیامت چه کوبنده دلها و چه دانی تو ای محمد که چیست قارعه

يوم يكون الناس كالفراش المبثوث ۝ وتكون

آن روز میباشند مردمان چون پروانه پراکنده شده و میباشند

الجبال كالعهن المنفوش ۝ فأما من ثقلت موازينه ۝

کوهها چون پشم شده پس اما هرکه سنگین آید وزن کردان او نیکی

فهو في عيشة راضية ۝ وأما من خفت موازينه ۝

پس او در زندگانی پسندیده باشد و اما هرکه سبک آید سنجیدن عمل نیکی او

فأمه هاوية ۝ وما أدراك ما هيه ۝ نار حامية ۝

پس جای اوست دوزخ و چه دانی تو ای محمد چیست هاویه آتش گرم سوزنده

سورة التكاثر وهي ثمان آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

ألهاكم التكاثر ۝ حتى زرتم المقابر ۝ كلا سوف

مشغول کرد شما را بسیاری مال و فرزند تا زیارت کردید گورها را حقا زود باشد که

تعلمون ثم كلا سوف تعلمون كلا لو تعلمون علم

بدانيد پس حقا زود باشد که بدانيد شما حقا اکر بدانيد دانستن

اليقين لترون الجحيم ثم لترونها عين اليقين

يقين هر آئنه به بينيد دوزخ را پس هر آئنه ازا به بينيد بچشم يقين

ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم

سورة العصر مكية ثلث ايات

پس هر آئنه پرسيده شويد ان روز از نعمتها

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا ميکنم بنام خداوند بخشاينده مهربان

والعصر ان الانسان لفي خسر الا الذين امنوا وعملوا الصلحت

سوکند ياد کرد بدرستيکه مردمان هر آئنه در زيان کارند مکر انانکه کرويدند وکردار نيکو کردند

وتواصوا بالحق وتواصوا

سورة همزة تسع ايات

و وصيت کردند يکديکر را براستی و وصيت کردند يکديکر را

بالصبر

بصبر کردن

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا ميکنم بنام خداوند بخشاينده مهربان

ويل لكل همزة لمزة الذي جمع مالا وعدده

ويل وادي ايست مر هر که بدکوی و بدکردار و غيبت کننده انکه کرد آورد مال را وشمرد ان را

يحسب ان ماله اخلده كلا لينبذن في الحطمة

از دور مي پندارد بدرستی که مال او را جاودان مي ماند حقا که هر آئنه انداخته شود در حطمه

وما ادريك ما الحطمة نار الله الموقدة التي تطلع على

وچه دانا تو ای محمد صلعم که چيست حطمه اتشيست که خدا آفريده افروخته انکه بر آيد و برسد بر

الافئدة انها عليهم موصدة في عمد ممددة

سورة الفيل خمس ايات

دلها بدرستی که الحطمه بر ايشان طبقها کرده در عمودهای بلند شده

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

الم تر کیف فعل ربک باصحاب الفیل ۝ الم یجعل کیدهم

ایا ندیدی تو که چه کرد پروردکار تو با اهل فیل ایا نکرد مکر ایشان را

فی تضلیل ۝ وارسل علیهم طیرا ابابیل ۝ ترمیهم بحجارة من

در کم بودن و نفرستاد برایشان مرغان که نام انها ابابیلست میزدند بسنکها

من سجیل ۝ فجعلهم کعصف ماکول ۝

سورة القریش مکیة اربع ایات

از کل بخته پس کردانید ایشان را چون برک درخت زرد

بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

لایلف قریش ۝ ایلفهم رحلة الشتاء والصیف ۝ فلیعبدوا

مهربستن قریش را برستن ایشان برداشتن زمستان وتابستان پس کو بپرستند

رب هذا البیت ۝ الذی اطعمهم من جوع وامنهم من

خداوند این خانه را انکه طعام داد ایشان را از کرسنگی و ایمن کرد ایشان را از

خوف ۝

سورة الماعون وهی سبع ایات

ترس

بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

ارءیت الذی یکذب بالدین ۝ فذلک الذی یدع الیتیم

ایا دیدی تو انکس را که تکذیب میکند بدین یعنی بروز قیامت پس این انکسیت که فرو کذارد بیدر را

ولا یحض علی طعام المسکین ۝ فویل للمصلین ۝ الذین هم

و بر انکیزاننده مردمان را بر طعام دادن درویش را پس وای مر نماز کنندکان را انانکه ایشان

عن صلاتهم ساهون ۝ الذين هم يراؤن ۝ ويمنعون الماعون ۝

از نماز خويش سهو كننده كانند آنانكه ايشان نماز كنند بريا وباز ميدارند منفعت از محتاجان

سورة الكوثر مكية وهي ثلث آيات

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

ابتدا ميكنم بنام خداوند خداوند بخشاينده مهربان

انا اعطيناك الكوثر ۝ فصل لربك وانحر ۝ ان شانئك

بدرستيكه عطا كرديم ما ترا اى محمد حوض كوثر پس نماز گذار مر خداوند خود را وشتر قربان كن بدرستيكه دشمن تو

هو الابتر ۝ سورة الكافرون مكية وهي ست آية

اوست ابتر

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

ابتدا ميكنم بنام خداوند بخشاينده مهربان

قل يا ايها الكافرون ۝ لا اعبد ما تعبدون ۝ ولا انتم

بگو اى محمد اى كافران نمى پرستم آنچه مى پرستيد شما ونه شما

عابدون ما اعبد ۝ ولا انا عابد ما عبدتم ۝ ولا انتم

پرستنده كانيد آنچه مى پرستم من ونيم من پرستنده آنچه مى پرستيد شما ونه ايد شما

عابدون ما اعبد ۝ لكم دينكم ولي دين ۝ سورة النصر وهي ثلث آية

پرستنده كان آنچه ميپرستم من مر شماراست دين باطل شما ومراست دين من كه حق است

بسم الله الرحمن الرحيم ۝

ابتدا ميكنم بنام خداوند بخشاينده مهربان

اذا جاء نصر الله والفتح ۝ ورايت الناس

چون بيايد يارى خدا وفتح مكه وديدى تو اى محمد مردمان را

يدخلون

يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللّٰهِ أَفْوَاجًا ۝ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

که در می آمدند در دین خدا فوج فوج پس یاد کن بسپاس خداوند خود را

سورة لهب وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ۝ مكية خمس آيات

و آمرزش خواه از و بدرستیکه خداست پذیرندهٔ توبه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ۝ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ

زیان کار دستهای ابولهب ملعون و خود زیانکار است هیچ سود نکرد از و مال او

وَمَا كَسَبَ ۝ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ۝

و آنچه کسب کرد زود باشد در شود باتش که خداوند زبانه است

وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ۝ فِي جِيدِهَا

و زن او بردارنده هیزم در گردن او

سورة الاخلاص حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ ۝ وهي اربع آية

رسنی ازاتش

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ ۝ اللّٰهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ

بگوای محمد صلعم اوست خدای یگانه خدای حاجت نباشد نزاد از کسی

وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا

و نزاد کسی از و و نه باشد مر او را همتا و مانند

سورة الفلق أَحَدٌ ۝ وهي خمس آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

بگو ای محمد پناه میگیرم بخداوند سفیده دم

مِن شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ

از بدی آنچه آفرید واز بدی تاریکشب

إِذَا وَقَبَ

چون در آید

وَمِن شَرِّ

واز بدی زنان ساحره

النَّفَّاثَاتِ

چون باد بردمند

فِي الْعُقَدِ وَمِن

در گرهها واز

شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا

بدی بدخواه چون

سورة الناس حَسَدَ مکیة ست آیات

بدخواهی کند

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خداوند بخشاینده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ

بگو ای محمد پناه میگیرم بخداوند مردمان پادشاه

النَّاسِ اِلٰهِ النَّاسِ مِنْ

مردمان معبود مردمان از

شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

بدی وسواس دیو

الَّذِی یُوَسْوِسُ فِی

انکه وسوسه میکند در

صُدُورِ النَّاسِ

سینهای مردمان

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

از پریان و مردمان

صَدَقَ اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ وَصَدَقَ رَسُوْلُهُ النَّبِیُّ

الْکَرِیْمُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ

تمت میر محمود ولد میر محمد علی بن میر قاسم بن میر حسین
بن میر احمد بن شیخ سعید بن میر حاجی بن سید
سید حسین قمی رضوی و تقوی
که در بلدهٔ کشمیر در برکنهٔ ذینهٔ غیر
آسوده است

KORAN